کاملا جدی

فرهنگ لُغت آرام



انگلیسی - کُردی - فارسی

ترجمه و تألیف : امیر امینی

«کاملاً جدید»

فرهنگ لغت آرام

انگلیسی ـ کُردی ـ فارسی

ترجمه و تالیف: امیر امینی

۱۳۸۴ - ۸۵

Dictionary of English Kurdish - Persian

Written by:

AMINI AMIR

2005 _ 2006

امینی ، امیر ، ۱۳۳۶ ـ پاوه (اورامانات)
فرهنگ لغت آرام (انگلیسی ـ کردی ـ فارسی) بافونتیک / تألیف :
امیر امینی. (قائمشهر) : نشر : آرام گستر ، ۱۳۸۳
عنوان به انگلیسی: Dictionary English Kudish - Persian
Written : by : Amini,Amir
ISBN
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا(فهرستنویسی پیش از انتشار)
، ۱ زبان انگلیسی ـ واژه نامه‌ها ـ چند زبانه. الف. عنوان.
۲ الف ۲ ف / PE ۱۶۴۵ ۴۲۳/فا/ک۳

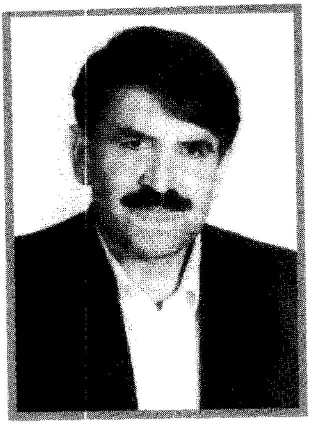
نام کتاب : فرهنگ لغت آرام ـ انگلیسی ـ کُردی ـ فارسی
مؤلف : امیر امینی تلفن ۲۲۴۵۰۶۳ - ۰۱۲۳
ناشر : آرام گُستر (قائم‌شهر)
لیتوگرافی و چاپ : رضایی بابل
نوبت چاپ : دوم ۸۵ - ۱۳۸۴
تیراژ : ۵۰۰۰ جلد
قیمت : ۴۰۰۰ تومان

شابک : - - ۰ - ۰۱ - ۸۲۶۸ - ۹۶۴

این کتاب طبق مجوز رسمی به شماره ۱۴۱۸۳۲ / ۸۲/۴/۲۵ وزارت فرهنگ و ارشاد مرکز به چاپ رسید.

سپاسگزاری و تقدیم :

تقدیم به ملت ایران بویژه ملت کُرد (کُردستانی ـ کرماشانی ـ ایلامی) و جناب آقای دکتر عزیزی از شهرستان قائم‌شهر و برادران صمدی از شهرستان مهاباد



(مقدمه دکتر آرش رضایی)

کتاب حاضر اولین فرهنگ لغت سه زبانه انگلیسی به کُردی و فارسی است که در مناطق کُردنشین حرف اول را می‌زند و بسیار خرسندم که به من اجاز داده شده تا بار دیگر مقدمه‌ایی بر کتاب اُستاد امینی بنویسم. در ابتدای نوشتهٔ خود می‌خواستم مراتب تشکر خویش را از ایشان برای انتخاب این جانب اعلام بدارم.

نمی‌دانم برای نوشتن در یک صفحه و چند سطر باید چگونه بنویسم تا کلمات من دل خوانندگان را نزند و از طرفی توانسته باشم لااقل حرفی زده باشم که به درد مقدمهٔ کتاب بخورد و جنس کلامم از جنس دل و فطرت خوانندگان عزیز باشد. شاید پرداختن به موضوع فعالیتهای اُستاد امینی برای خود من جذابیت خاصّی داشته باشد تا جایی که مرا وادار به مرور کردن گذشته‌یی نه چندان دور تا به امروز می‌کُند و خود این موضوع فضایی بیشتر از یک مقدمه را می‌طلبد و هم چنین زمان دیگری را، لاجرم می‌خواهم به این حدّاقل بسنده نمایم.

گویا امینی همیشه ردّپایی از کارهای خود باقی می‌گذارد. باید به عرضتان برسانم ایشان در اندک نوشته‌های خود که بعد از مدتهای طولانی فرصت به چاپ رساندنشان را پیدا کرده، با عشق و علاقهٔ وافری و گاه عجیب، ناستالژی کُردستان را در دل می‌پروراند و این او را خواه و نخواهی وادار به پوئیدن در مسیر زندگی خویش با عشق به کُردستان می‌کند. امضای او در پای کارهایش از جنس کُردستان می‌باشد و او این را سند محکم و قویی برای خودش و درون مایه‌اش بشمار می‌آورد. دوستانه به خوانندگان کتاب ایشان توصیه می‌نمایم قبل از هر چیز سعی نمائید با نزدیک شدن به شخصیت او ذرّه‌ایی بیشتر به کنکاش در درون ایشان بپردازید قطعاً هویت او شما را به یاد مردمانی می‌اندازد که بی شباهت با او نیستند، مردمانی که سالهاست زندگی را با بو و عشق کُردستان به سر برده‌اند و از تار و پود این سرزمین خسته هارمونی صلابت را نواخته‌اند. این جانب

خیلی علاقمندم در آینده‌ای نزدیک کارکرد تخیلی ایشانرا در زمینهٔ داستان نویسی مشاهده نمایم، حتم دارم از جنس خودشان و قوم و سرزمینشان خواهند نوشت. چراکه صرف الفبای زبان و زندگی مادری اغلب برای ایشان فراتر از یک دغدغه کاری بوده است.

برای بنده ثابت شده است، او توان بهره‌گیری از امکانات محدود و ناچیز را دارد و تا به امروز کارهایش را با دست خالی به فرجام رسانیده است. در پس کارهای او عشق قابل رؤیت است. به فردا امیدوار است. اینرا کاملاً می‌توان در قدمهای خسته‌شان به وضوح درک کرد. قدمهای سنگینی که آدمی را به یاد مردی می‌اندازد که نالستالژی (حسرت) زبان و خاک و سرزمین مادری را در دل دارد. از او شاهد کارهای دیگری در آینده خواهیم بود. اگر این دفعه کار او شما را غافلگیر نکرده باشد مطمئنم با پشتکار فراوانی که در ایشان سراغ دارم او را می‌توان کم‌کم در مسیر علاقه و ذائقه خوانندگانش دید چراکه ایشان هیچگاه خارج از مردم زندگی نکرده است.

امینی فعلاً در حال نگریستن به اطراف است و غم غربت چیزی نیست که از چشمهای دل او پنهان بماند. منتظر نوشته‌های بعدی او خواهم بود. خیلی راغبم بدانم برای ما بار دیگر ایشان از چه ناگفته‌ها و نانوشته‌های دیگر خواهد گفت و خواهد نوشت. کلام اصیل او مرا به یاد اصالت سرزمین و مردمان ایشان می‌اندازد. اصالتی که اتفاقاً بر خواسته، از درون مایهٔ دل ملتهب ایشان است.

مازندران (قائمشهر)
دکتر آرش رضایی
عضو شورای عالی نویسندگان
جمهوری فدراتیو روسیه
تیرماه ۸۵ - ۸۴

به نام ایزد توانا و دادگر

مقدمه مؤلف برای چاپ دوم فرهنگ لغت آرام

زبان وسیله ارتباط بین افراد و نوع بشر بوده و خود به سه نوع گفتاری ـ شنیداری و رفتاری تقسیم می‌گردد در فارسی اعراب و حرکات شامل همان فتحه و ضمه وکسره عربی است که به صورت اَ ـ اُ ـ اِ برای ادایِ کلمات به کار می‌آینده اما در کُردی، هنگام نوشتن، فتحه و ضمه وکسره قابل نوشتن است و علائم قراردادی برای آنها به‌کار گرفته می‌شود و آ ⇐ ئا ⇐ اَ به صورت ⇐ ئه و ضمه ⇐ و اِ ⇐ به صورت یٚ ـ یٚ نوشته شده و موسی و عیسی و کبری به صورت موسا ـ عیسا ـ کبرا نوشته می‌شوند و صداهای ترکیبی دیگری هم داریم مثل ⇐ دٚ ـ وو ـ رٚ ـ ئو ـ ئوٚ ـ ئی ـ ئیٚ ـ ئیی ـ ئا ـ ئه، یعنی به جای اَ ⇐ ئه و به جای ضمه ⇐ (و) نوشته می‌شود و همین نرمش و کشش الفبای ۳۸ حرفی کُردی را به صورت یک الفبای بی‌نظیر در جامعه بین الملل در آورده و این زبان کهن اولین آریاها را به جامعه جهانی در بین بیش از ۲۴۰ کشور جهان معرفی مینماید در زبان کُردی بویژه اورامانی که ویژه منطقه اورامانات ایران و عراق و تاتی و گویش زازا در ارزنجان و درسیم تُرکیه، طبس، فردوس، یاتون و زاغمرز در نکاء مازندران و منطقه دیلم و طالش گیلان می‌گردد از نظر دستوری مثل زبان‌های انگلیسی و عربی زن و مرد و اشیاء توسط حروف خاصی از هم جُدا و معلوم می‌شوند مثلاً اگر زنی به منزل کسی وارد شود، نوع کلمه برای خوشامدگویی با هنگامی که یک مرد و یا یک بچه دختر یا پسر وارد می‌شود فرق دارد و برای هر کدام نوعی کلمه خاص به کار می‌رود و کلمات به جای شش قالب که در گویش‌های دیگر کُردی و فارسی صرف می‌شود اینجا در هشت قابل صرف می‌شوند مثل زبان انگلیسی و حتی اشیای جاندار و بیجان نیز به شیوه خاصی مشخص و صرف می‌شوند و این غنای زبان کُردی آن را در بین بقیه زبان‌ها متمایز می‌نماید چنانکه می‌دانیم در زبان انگلیسی ما حدود ۴۴ واج داریم که به ۲۰ مصوّت (حروف صدادار) مشخص و ۲۴ بیصدا

تقسیم می‌شود و حروفی مثل چ ـ خ ـ ژ ـ ف ـ ق ـ غ درانگلیسی به تنهایی وجود ندارند و برای نشان دادن آنها باید از دو حرف استفاده کنیم مثلا چ را به صورت ch خ را به صورت Kh یا X و حروف ق و غ را با Q یا GH وژرا با ZH نمایش می‌دهند فرهنگ لغت سه زبانه آرام به کُردی سورانی و اورامانی به یاری اهورامزدا برای بار دوم با تشویق‌ها و دلگرمی‌های هموطنان بویژه هموطنان کُرد در استانهای آذربایجان‌غربی و کُردستان و کرمانشاهان و ایلام به چاپ رسید و در چنین دنیای پیشرفته وجود یک فرهنگ لغت مطمئن و برجسته و انهم به زبان مادری کُردی برای هر کس واجب و لازم است در این فرهنگ که منابع ان بر گرفته از فرهنگ لغت آکسفورد می‌باشد تلفظ هر کلمه توسط فتحه و ضمه و کسره بدقت نشان داده شده و نشانه‌های گرامری هم همینطور معلوم گشته و در آخر فرهنگ حاضر برای دانشجویان و دانش‌آموزان و عموم افراد یک فرهنگ دسته بندی و فشرده شده نیز به همراه نکات دستوری و مطالب دیگری که برای هر خواننده لازم است گنجانده شده که برتری و کاملی این فرهنگ را در بین سایر فرهنگ‌های موجود به اثبات می‌رساند و فرهنگ لغت آرام در چاپ دوم حاوی تعدادی تصاویر برای درک سریع و بهبود یادگیری است امیدوارم خوانندگان عزیز دوستان خوبی برای فرهنگ سه زبانه آرام باشند و خطاهای مؤلف را با بزرگواری و قضاوت منطقی خودشان ببخشند. چون این کوچک شما بدون سرمایه کافی و با استرسهای عدیده و فراوان کتاب را چاپ کرده و خودم هم آنرا بدوش کشیده و از شهری به شهری پخش نموده‌ام تا یک خدمت کوچک فرهنگی برای هموطنان گرانقدرم انجام داده باشم ودر خاتمه مارک تواین نویسنده آمریکایی می‌فرماید: خدمت یعنی عمل کردن و خلاقیت و نوآوری به بار آوردن نه چون طبل خالی صدا دادن و قوهٔ حسادت و نادانی و انتقاد ناآگاهانه را بروز دادن.

با تشکر خدمت خوانندگان
امیر امینی پاوه (اورامانات)
خرداد ۸۵ - ۱۳۸۴

شرح کلی

فرهنگ سه زبانه کُردی - فارسی - انگلیسی

لغات کُردی - فارسی و انگلیسی را معرفی نموده و باید دانست که حدود ۷۰٪ لغات امروزی متداول در فارسی ریشهٔ عربی دارد ولی طوری این کلمات عربی رنگ فارسی به خود گرفته‌اند که عربیت آنها معلوم نمی‌باشد و زبان کُردی لغات عربی و ترکی کمتری در قیاس با فارسی به خود گرفته به طوریکه ۹۵٪ لغات زبان کُردی آریایی و ریشه اوستایی دارند و حتی طریقهٔ خواندن اوستا کتاب دینی زرتشت در اورامان و پاوه بویژه (Roware - رۆوەرێ) در شمال پاوه و اورامان تخت و که مالاو - وه‌یسیا (اوستای دوم زردتشت) هنوز سراییده می‌شود و نوشتن کتاب اوستا بار اول در مشکین‌شهر فعلی آذربایجان که نام اولیه‌اش اورامی بوده و بار دوم در ئـاوێسـەر Awesar) در شمال شهر اورامی (تەوێڵە Tawele) در غرب پاوه که روی پوست آهوی زرد حکاکی و نوشته شده و در آتشکده فروزان پاوه به همراه ۳۰۰ جلد کتاب پوست نوشته پزشکی و نجوم نگهداری می‌شده، لیکن در حمله اعراب در سال ۲۳ هجری به پاوه وکشته شدن سکنه بومی، تخریب و همهٔ کتابها به آتش کشیده شدند و حتی مانی پیامبر کُرد اورامانی در سال ۲۶۵ میلادی کتاب باینگام Baingam راکه امروزه باینگان گفته می‌شود و به معنی شعله نور می‌باشد به آتشکده پاوه هدیه کرده و خود در هیروێ (Hirve) که به معنی هیربداست به پرورش مغان و موبدان و هیربدان می‌پرداخته و در محل نه‌یسانه و بەلەبزان معابد زردشتی برای ستایش اهورامزدا و خدای نوریا به قول مانویان Nrwe (نروێ) وجود داشته‌اند که یکی از این معابد آثار ان با همان نام زردشتی در روستای نه‌روی در شمال غرب پاوه هنوز به چشم می‌خورد و حتی کاسی‌ها که در کوههای زاگرس و بویژه اورامان می‌زیستند خدایان متعددی روی قُله کوهها بصورت بت طلا یا سنگ داشتند که می‌پرستیدند مثل خدای سوریاش که در نزدیکی پاوه محلی به نام سریاس شاید بازمانده از نام این خدای کاسی‌ها باشد و خدای دیگر آنها کاژو نام داشت که در شمال پاوه کوهی بنام کاژه که احتمالاً بنام همان خدای کاسی است هنوز سینه به سینه نامش آمده و بەلەبزان در اوستا به معنی مکان ستایش ایزد مقدس آمده و پرفسور مینورسکی نام Naisana را آشوری دانسته و می‌فرماید

که خدای نیسان که امروزه به لفظ رومی و یهود هم نیسان گفته می‌شود، در دوره آشوریان به همراه خدای شمش یهود پرستش می‌شده‌اند و در شمال نوسود و نودّشه هنوز نام خدای شمش قوم یهود و آشوری و بابلی بنام که لوشه مشی پابرجا بوده چون این اقوام بت خدایان خود را روی نوک کوههای بلند گذاشته و مراسم سالیانه شکرگذاری بر پای می‌داشتند و به هر حال زبان کردی از ورود لغات بیگانه سالم مانده ولی زبان فارسی چون زبان رسمی ایرانیان بوده دستخوش تغییرات لغوی زیادی از عربی گشته مثل تقاضا - تمنا - صلات - زکات - مظلوم - مرحمت - قضاء - مفرَح مکالمه، البته لغات زیادی هم از فارسی و کُردی وارد عربی شده که تغییراتی یافته‌اند مثل:

عربی	فارسی
ابریق	آبریز - آفتابه
جلستان	گلستان
جمهور	جموور
جوهر	گوهر
ریباس	ریواس
افستا	اوستا
آوا	آواز
بارود	باروت
مارستان	بیمارستان
سراج	چراغ
فرسخ	فرسنگ
نرجس	نرگس
هندام	اندام

هشت حرف الفبای کنونی فارسی مخصوص زبان عربی است و عبارتند از ← ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق در فارسی و کُردی دیده نمی‌شوند و کلماتی که دارای یکی از این هشت حرف باشند

عربی‌اند مثل صبر، ضمیر، حاکم، ثریا، مریض، طلوع، ظفر، عدل، نظام وکلماتی که دارای یکی از ۴ نوع حروف ← ژ - پ - گ - چ باشند و فارسی و کُردی بوده و عربی نمی‌باشند. مثل ژژو - چشمه پهن - گُرز - همچنین همزه در زبان فارسی در اول کلمه می‌آید و قبول حرکت نمی‌کند مثل ابـر ایران و اگر همزه آهنگ دار باشد یعنی بعد از همزه الف بیاید بصورت زیر نوشته می‌شود ← آفتاب آرام - ولی در عربی همزه قبول حرکت کرده و در اول و وسط و آخر کلمات می‌آید مـثل أكـرام رأس - شیء و در کُردی اعراب و حرکات یعنی فتحه و ضمه وکسره و همزه و تنوین قابل نوشتن هستند.

حرکات	علامت در کُردی	مثال
َ فتحه	ئه - ئا (آ)	ئه‌مین - ئارام
ِ کسره	ێ - ێ	مێوه - پیاوێ
ُ ضمه	و	گوڵ - مورغ
ً تنوین	—	ناچاره‌ن - دووٚمه‌ن

و در کردی تنوین وجود ندارد و به جای حروف ص - ث - فقط (س) می‌گذارند و به جای حروف ذ ظ - ض فقط حرف (ز) می‌گذارند و به جای (ط) فقط (ت) می‌آید حرف لام سنگین هم در کردی و هم در انگلیسی موجود بوده ولی در فارسی دیده نمی‌شود مثل دڵ - گوڵ که در انگلیسی تلفظ کلماتی مانند Wall - Call آنرا مشخص می‌کند و حرف (و) هم در کردی و فارسی دیده می‌شود مثل تلفظ عدد ۱۷ (حه‌فده) یا جاوه کـه جـاوِه تـلفظ مـی‌شود و در انگـلیسی مـعادل آن حـرف (V) است مثل(Voice) صدا، در طول زمان و قرن‌های متوالی‌نژاد بشر با هم اختلاط یافته و لغات فراوانی از زبانهای گوناگون بویژه زبانهای انگلیسی و روسی و فرانسه و ترکی و عربی وارد زبان فارسی و اخیراً زبان کُردی شده‌که فرهنگستان یا آکادمی زبان فارسی وکُردی می‌باید برای این لغات بیگانه وارد شده به حوزه زبان مادری کلمات جدید ساخته تا لطمه به زبان گیرنده نرسد مثلاً ما برای تلفن در فارسی دورگو و برای تلگراف دورنویس و برای فاکس کلمه دورنگار را ساخته‌ایم بسـیاری از کلمات از روسی و ترکی و فرانسه و یونانی به زبان فارسی وارد شده و بعضی‌ها عیناً بکار می‌روند

مثلاً کلمات سماور - آپارات - اتو - ترمز - فرغون - کوپه - واکس - از روسی وارد زبان فارسی شده‌اند و یا کلمات یورش - یاغی - قاچ - قاچاق - قیچی - قشلاق - قندان - قشون - قورمه - قُلدر - قالی - قایق - قزاق - شلاق - سوقات - سوگلی - بقچه - اتراق از ترکی و مغولی به فارسی یا کُردی وارد شده‌اند و همچنین بعضی از کلمات یونانی هستند مقل نفت استرلاب (وسیلهٔ سنجش ارتفاع ستارگان و خورشید) شاقول - فانوس - فیلسوف و کلماتی از زبان فرانسه به فارسی وارد شده‌اند مثل کمد - هروئین - هتل - ویلا - مترو - موزه - وازلین - ویتامین - ویزا - ویزیت - مُد - لوستر - ماسک - ماتیک - لیست - کنتور - کودتا - گاز - گارد - گاراژ - کنسرو - کنکور - کوپن - کلوپ - کازینو - کاباره - فرمول - فولکلور - شوفاژ - سالن - سریال - سُرنگ - ژاندارم - ژتون - رُمان - رز - دیس - دیپلم - لیسانس - دوبل - تریبون - تیراژ - تاکسی - تراکتور - تِرن - پلاستیک - پراگرام - پاسپورت - باک - بوفه - بانک - بال (محل رقص) - اتوبوس - آمپول - ایده - پاستور - سادیسم و طبق نظر دانشمندان زبان شناس ملتی که پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی‌اش سرآمد بقیهٔ ملتها باشد لغات زبانی آنها به زبان اقوام در ترازهای پایین‌تر منتقل خواهد شد و علت ورود لغات انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی به حوزه زبانی کشورهای جهان سوم به همین علت ذکر شدهٔ بالا و دلایل دیگر سیاسی است و این روند توسعه و ترقی سیاسی و اجتماعی و علمی و اقتصادی ویژه یک قاره یا یک ملت یا نژاد نمی‌باشد و از نظر جغرافیایی مرتباً این تکامل و تجدد ملت‌ها در جهان در حال عوض شدن است مثلاً زمانی قاره آسیا مهد تمدن و پیشرفت جهان بود و امپراطوریهای ایرانی و روم یکه تاز جهان آن روز بودند و یا امپراطوریهای مصر و اشور و بابل و هندوچین را همه در تاریخ خوانده‌اند ولی بعدها قاره‌های اروپا و بعد آمریکا روند توسعه و پویایی ملت‌های جهان شده و اکنون ابرقدرت جهانیان معرفی می‌شوند و حق دارند که به خود ببالند.

امیر امینی خرداد ۱۳۸۳

پاوه (اورامانات)

اختصارات

ABBREVIATIONS

adj. = adjective	صفت
adv. = adverb	قید
adv.part. = adverbial particle	ادات قیدی
art. = article	حرف تعریف
aux. = auxiliary	کمکی (فعل کمکی)
conj. = conjunction	حرف عطف - ربط
def. art. = definite article	حرف تعرف معین
demonstr. = demonstrative	ضمیر / صفت اشاره
id. = idiom	اصطلاح - معنی ویژه
im. = imperative	فعل امری
indef. art. = indefinite article	حرف تعریف نامعین، حرف نکره
int. = interjection	حرف ندا، صوت
n. = noun	اسم
n. pl. = noun plural	اسم جمع
nc. = noun compound	اسم مرکب
np. = nounphrase	عبارت اسمی
obj. = objective	مفعول
part. = participle	وصفی

part. adj. = participial adjective	وجه وصفی
pl. = plural	جمع
pos. = possessive	حالت ملکی
pp. = past participle	اسم مفعول، قسمت سوم فعل
pref. = prefix	پیشوند
prep. = preposition	حرف اضافه
pron. = pronoun	ضمیر
rel. = relative	موصول
s. = sentence	جمله
sing. = singular	مفرد
suff. = suffix	پسوند
v. verb	فعل
vi. = verb intransitive	فعل لازم
vp. = verb phrase	عبارت فعلی
vt. verb transitive	فعل متعدی

راهنمای تلفظ حروف انگلیسی

الف: حروف صدادار و ترکیبی

	نشانه	صدا	مثال
1.	i:	ای (بلند)	**see**/si:/
2.	i	ی	**sit**/sit/
3.	e	اِ	**ten**/ten/
4.	æ	اَ	**hat**/hæt/
5.	a:	آ (بلند)	**arm**/a:m/
6.	ɒ	آ (کوتاه)	**got**/gɒt/
7.	ɔ:	ئو	**saw**/səʊ/
8.	ʊ	او (کوتاه)	**put**/pəʊt/
9.	u:	او (بلند)	**too**/tu:/
10.	ʌ	آ (کوتاه)	**cup**/kʌp/
11.	ɜ:	اِ (بلند)	**fur**/fɜ:(r)/
12.	ə	اِ (کوتاه)	**ago**/əgəʊ/
13.	ei	اِیْ (بلند)	**page**/peidʒ/
14.	əʊ	اُ - اِو	**home**/həʊm/
15.	ai	آی	**five**/faiv/
16.	aʊ	آوْ	**now**/naʊ/
17.	ɔi	اُیْ	**join**/dʒɔin/
18.	iə	یِا	**near**/niə(r)/
19.	eə	اِیْ (کوتاه)	**hair**/heə(r)/
20.	ʊə	اُاِ	**pure**/pjʊə(r)/

ب - حروف بیصدا

1.	p	پ	**pen**/pen/	13.	s	س	**so**/səʊ/
2.	b	ب	**bad**/bæd/	14.	z	ز	**zoo**/zu:/
3.	t	ت	**tea**/ti:/	15.	ʃ	ش	**she**/ʃi:/
4.	d	د	**did**/did/	16.	ʒ	ژ	**vision**/viʒn/
5.	k	ک	**cat**/kæt/	17.	h	ح	**how**/haʊ/
6.	g	گ	**got**/gɒt/	18.	m	م	**man**/mæn/
7.	tʃ	چ	**chin**/tʃin/	19.	n	ن	**no**/nəʊ/
8.	dʒ	ج	**June**/dʒu:n/	20.	ŋ	نگ	**sing**/siŋ/
9.	f	ف	**fall**/fɔ:l/	21.	l	ل	**leg**/leg/
10.	v	و-ف	**voice**/vɔis/	22.	r	ر	**red**/red/
11.	th=θ	ث-ت	**thin**/θin/	23.	j	ی	**yes**/jes/
12.	ð	ظ-د	**then**/ðen/	24.	w-o	و	**wet**/wet/
				25.	kh-x	خ	**Khob-**xob

key to phonetic symbols

Vowels and diphthongs
(حروف صدادار)

i:	as	in	see/si:/	3:	as	in	fur/f3:(r)/
ɪ	as	in	sit/sɪt/	ə	as	in	ago/ə'gəʊ/
e	as	in	ten/ten/	eɪ	as	in	page/peɪdʒ/
æ	as	in	hat/hæt/	əʊ	as	in	home/həʊm/
a:	as	in	arm/a:m/	aɪ	as	in	five/faɪv/
ɒ	as	in	got/gɒt/	aʊ	as	in	now/naʊ/
ɔ:	as	in	saw/sɔ:/	ɔɪ	as	in	join/dʒɔin/
ʊ	as	in	put/pʊt/	ɪə	as	in	near/nɪə(r)/
u:	as	in	too/tu:/	eə	as	in	hair/heə(r)/
ʌ	as	in	cup/kʌp/	ʊə	as	in	pure/heə(r)/

consonants
(حروف بیصدا)

p	as	in	pen/pen/	s	as	in	so/səʊ/
b	as	in	bad/bæd/	z	as	in	zoo/zu:/
t	as	in	tea/ti:/	ʃ	as	in	she/ʃi:/
d	as	in	did/did/	ʒ	as	in	vision/ˈvɪʒn/
k	as	in	cat/kæt/	h	as	in	how/haʊ/
g	as	in	got/gɒt/	m	as	in	man/mæn/
tʃ	as	in	chin/tʃɪn/	n	as	in	no/nəʊ/
dʒ	as	in	June/dʒu:n/	ŋ	as	in	sing/sɪŋ/
f	as	in	fall/fɔ:l/	l	as	in	leg/leg/
v	as	in	voice/vɔɪs/	r	as	in	red/red/
θ	as	in	thin/θɪn/	j	as	in	yes/jes/
ð	as	in	thin/ðen/	w	as	in	wet/wet/

راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی - فارسی -کردی

کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ئا	آ	a: - Aa
ئ - ئه - ه - ە	أ - ع - ـِ (فتحه)	Aa
ێ	کسره کوتاه (ِ)	E
ئێ- ێ	کسره بلند (اِ)	E - e
ه (ە)	فتحه (َ)	A
و	ضمه (ُ)	U
ۆ ـ تۆ	و -کوتاه - ئو	o ow
وو	و - بلند - ئوو	ou - oo
و - و - عادی	و	w - o
ڤ - ڤێ	وِ	v
ی کشیده	یی = :i	1:
ی کوتاه	ی	i = Y
گ	گ	g - G
ج	ج	J - j
ک	ک	k - c - que
خ	خ	kh - x
ق - غ	ق - غ	Gh - q
ژ	ژ	Zh
چ - چر	چ - چر	ch - ture - č

کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ش	ش (شن - شز)	sion - cious - sh
ح - ه	ح - ه	H
ت	ت	th - T
س	س - ص - ث	s - th - c
د	د	D - th
ر	ر	R
ڕ	رمکرّر	R
ز	ز-ذ-ض-ظ	Z(گاهی th)
ع	ع-اَ	A-6

اصوات ترکیبی در کردی و معادل فارسی - انگلیسی

کردی	فارسی	انگلیسی	مثال
ئا	آ	a:	ئاوات - آرزو
ئه	اَ	a	ئه‌وه - آن
ئێ	اِ	e	ئێوه - شما
ئیی	ی	i: یا I	ئیینه - این
ئۆ	اُ	Ow	که وئۆ - آبی
ئوو	ئو	o _ oo	ئوونێ - آنها
ڎ	دِ	D	ماڎێ-پارچه-نان‌پختن
ئو ـ ئه‌و	أو	aw	به‌ئو / بیگ - خان

باورهای مردم اورامان و پاوه در عهد قدیم اشکانی

عهد فرهاد چهارم اشکانی اُسقف مُطران از ارمنستان همراه فرمانداری ارمنی به نام پاونی برای
ویج کیش مسیح به پاوه و اورامانات مهاجرت کردند و نام طایفه میتران یا متران هنوز در پاوه
نیده می‌شود که بازماندگان آن اسقف مسیحی‌اند و در محل فعلی مسجد جامع پـاوه کـلیسای
کزی را ساختند و در اطراف این کلیسا سردابه‌های زیادی برای غُسل تعمید ایجاد کردند که در
ن سردابه‌های مقدس با آب خود را غسل می دادند و نام یک محله پاوه به نام محلهٔ سردابه‌ها هنوز
سرزبانهاست و سه‌ردیˇ(sarde) می‌گویند یعنی محل سردابه‌های مقدس مسیح و دو کلیسای
گر در همین زمان که حدود سال ۵۰ میلادی می‌شد در پاوه در محلهٔ شیشوˇ(Shishow) و پشته
Psht) ساخته شدند که بترتیب نام یکی از حواریون مسیح و کلیسای محکم گفته می‌شد و مردم
رامان برای محکم کردن درِ خانه می‌گویند پشکولّه‌ش بنیه یعنی چوب پشت در را بگذار که پشته
همین محکمی در عظیم آن گرفته شده و کلیساها برای جمع آوری اعانه و کمک از مردم که در باغ
یشان گردوی زیادی داشتند تقاضا کردند که برای درآمد کلیساها کمک کنند و هر کس کمی گردو به
یسا کمک می‌کرد و حتی در زمستان نان خاصی به نام نیمه فیس (Nimafis) در کلیسا بین مردم
سیم می‌شد و هر کس برای جمع کردن گردو به باغ می‌رفت به تِه کیسهٔ خود یک گردو می‌بست و
گفت ئینه بنه پیته‌نه Ina bna Pitana و این کلمه هنوز در بین مردم آریـایی انگـلستان و
منستان و اورامان یک ریشه داشته و به کار می‌رود و مـعادل انگـلیسی و ارمـنی بـرای ایـن
مه ⟸ benefice می‌باشد یعنی در آمد کلیسایی که کلمه نیمه فیس از همین کلمه ریشه دارد و
ملهٔ بنه‌پیته از کلمه benefit ⟸ ریشه دارد که به معنی سود و احسان کردن می‌باشد و یا مردم
رامان چون خورشید پرست بودند می‌گفتند جایگاه خورشید پـرستان یـا اورامـان ⟸ اور

یعنی ئه‌یر یا آتشین و مان یعنی خانه ⇐ و وقتی کسی می‌مُرد مردم با گریه و زاری به اطرافیان می‌گفتند باو که روٚ یعنی پدرم به خورشید یا نور یا اشعه خورشید که مقدس بود ملحق شد و یا براروٚ یعنی برادرم به روٚ (Ray) یا اشعه پیوست این کلمه در زبان اورامانی و انگلیسی وارمنی به یک معنی یعنی همان اشعه یا پرتو معنی می‌دهد و مردم می‌گویند روٚچن یعنی سوراخی در پشت بام در اورامان که نور را به داخل خانه هدایت می‌کرد تا بتوانند در خانه تاریک و بدون پنجره بهتر ببینند ⇐ روٚ یعنی اشعه و چن (chn) یعنی جذب کننده یا گیرندهٔ نور پس روٚ همان Ray به معنی پرتو است و مردم هنوز در کردستان و خاصه اورامان می‌گویند براروٚ یعنی پدر یا برادرم به جانب اهورا مزدا یا خورشید شتافت و این زردشتی بودن مردم این سامان را در قدیم و اکنون که زوال یافته نشان می‌دهد.



پیروز پسر یزدگرد سوم

٦٥٠ - م



۶۳۳-م

یزدگرد سوم



۴۳۸-م

یزدگرد دوم



۱ شاپور دوم



فرهاد چهارم اشکانی

۳۷ ق - م



یزدگرداول

٤٠٠ - م

راهنمای تلفظ حروف صدادار و بی صدا در فارسی و کردی

کردی	فارسی	مثال به فارسی و کردی
ئا	آ	آزاد - ئازاد
ئ- ئه	اَ	ابر - ئه‌بر - ئه‌وه ـ آن
ە - ه	فتحه ـَ	مَن - مه‌ن
ێ - ێ	کسره اول و وسط و آخر کلمه	بیا - بێ - مِهربان - مێهره‌بان
و	ضمه ـُ	گُل - گوڵ
وو	و کشیده	او - ئوو - مو - موو
ۆ	و کوتاه	تو - تۆ
ع	ع	علی - اَلی - علی
ل ڵ	ل	دل - دڵ - دلێ - گُل - گوڵ
ڕ	رر- رَ	رَام - ڕام
ز	ض ز ظ	زر - زێڕ - ضامن - زامن
ز	ذ	ذال - زال - ذکر - زکر
ز	ظ	وضو - وزوو - ضامن - زامن
س	ص	ثریا - سوره‌ییا - صابون - سابوون

(ژمارەکان ـ شمارێ)
اعداد و طریقه درست خواندن

Numerical Expressins section wil give you help in the reading, speaking which commonly contain numbers. The following and writing of numbers and expressions

Numbers

CARDINAL	(اعداد اصلی)	ORDINAL	(اعداد ترتیبی)
1. one	یۆ ـ یەک	1. st first	(یەکەم یا ئەوەڵ)
2. two	دوێ ـ دوو	2. nd second	(دووەم)
3. three	یەرێ ـ سێ	3. rd third	سێیەم
4. four	چوار ـ چووار	4. th fourth	چووارەم
5. five	پەنج ـ پێنج	5. th fifth	پێنجەم
6. six	شش ـ شەش	6. th sixth	
7. seven		7. th seventh	
8. eight		8. th eighth	
9. nine		9. th ninth	
10. ten		10. th tenth	
11. eleven		11. th eleventh	
12. twelve		12. th twelfth	
13. thirteen		13. th thirteenth	
14. fourteen		14. th fourteenth	

15. fifteen	15. th fifteenth
16. sixteen	16. th sixteenth
17. seventeen	17. th seventeenth
18. eighteen	18. th eighteenth
19. nineteen	19. th nineteenth
20. twenty	20. th twentieth
21. twenty-one	21. st twenty-first
22. twenty-two	22. nd twenty-second
23. twenty-three	23. rd twenty-third
30. thirty	30. th thirtieth
40. fourty	40. th fortieth
50. fifty	50. th fiftieth
60. sixty	60. th sixtieth
70. seventy	70. th seventieth
80. eighty	80. th eightieth
90. ninety	90. th ninetieth
100. one hundred	100. th one hundredth
200. two hundred	200. th two hundredredth
1000. one thousand	1000. th one thousandth
10000. ten thousand	10000. th ten thousandth
100000 one hundred thousand	100000.th onehundred thousandth
1000000. one million	1000000. th one millionth

1000 000 000 one thousand million(s)

1000 000 000 000 000 one thousand billion(s)

1000 000 000 000 000 000 trilion (us one quadrillion

EXAMPLES OF MORE COMPLEX

101. one hunderd one

101. st one hundred and first

334. three hundred and thirty-four

542. nd five hundred and forty-second

1101. one thousand, one hundred and one

1234753. one million, two hundred and thirty-four

DECIMAL FRACTIONS (کسرهای اعشاری)

VULGAR FRACTIONS (کسرهای متعارفی)

COLLECTIVE NUMBERS (شماره‌های جامع)

6. a half dozen/half a dozen نیم دو جین یا ۶ عدد

12. a/one dozen (24 is two dozen not two dozens

20. a/one score (یک ۲۰ تایی)

144. a/one gross ۱۴۴ عدد یا یک قُراص

اعداد - ژماره (شمارێ)

حیچ - صفر ←	٠	سیی (سی) ←	۳٠
یەک - یۆ	۱	سیوسیّ	۳۳
دوو - دویّ	۲	چل	۴٠
سیّ - یەریّ	۳	چلووچوار	۴۴
چوار	۴	پە نجا	۵٠
پە نج - پیّنج	۵	پە نجا وسیّ	۵۳
شەش - شش	۶	شە ست (شە س)	۶٠
حەوت - حە فت	۷	شە ستوو حە فت	۶۷
هە شت	۸	حە فتا	۷٠
نۆ	۹	حە فتا ونۆ	۷۹
دە	۱٠	هە شتا	۸٠
یانزە	۱۱	هە شتا و دوو	۸۲
دوانزە (دوازدە)	۱۲	نە وە د - نە وە ذ	۹٠
سیانزە - سیّنزە	۱۳	نە وە دو سیّ	۹۳
چواردە	۱۴	سە د (سە ذ)	۱٠٠
پانزە	۱۵	سە دو یەک	۱٠۱
شانزە	۱۶	دو سە د	۲٠٠
حەفدە	۱۷	سیّ هە زار	۳٠٠٠
هە ژدە	۱۸	ملیۆن - ملویّن	۱٠٠٠/٠٠٠
نۆزدە	۱۹	حەفت - ملویّن	۷٠٠٠/٠٠٠
بیست - بیس	۲٠	ملیارد یا بلیۆن	۱٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠
بیست و یەک	۲۱	تریلیۆن	۱٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠
بیست و دوو	۲۲	کاتریلیون	۱٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠

کُردی	فارسی (ژمارەی بە جیّ(شماریّ رّز دریای))
یەکەم (ئەوەلّین)	یکُم
دوهەم (دوومین)	دوم
سیّهەم (یەرومین)	سوم
چوارەم (چوواروّم)	چهارم
پەنجەم (پەنجوّم)	پنجم
شەشەم (ششوّم)	ششم
حەفتەم (حەفتوّم)	هفتم
هەشتەم (هەشتوّم)	هشتم
نوّیەم (نهوّم)	نهم
دەیەم (دەهوّم)	دهُم
یانزەمین (یانزەهوّم)	یازدهم
دوانزەمین (دوانزەهوّم)	دوازدهم
بیستەمین (بیسوّم)	بیستم
جووتیّ - جووت - جفت	جفت (زوج)
تاق - فەرد	مفرد
نیو - نیمە - نیوە - لت ـ لەت	نیم - نصف $\frac{1}{2}$
سیّ یەک - یەریّ بە یەک	$\frac{1}{3}$
چواریەک(چارەک)چواربەیەک	$\frac{1}{4}$
پیێنج یەک - پەنج بە یەک	$\frac{1}{5}$
جاریّک (جاریّ وە)	یک بار
دووجار - دویّ جاریّ	دو بار
چوار جار - چوار جاریّ	چهار بار
یەک ئەوەندە - یەکە ئاندّە	یک برابر
دوو ئەوەندە - دویّ ئاندّە	دو برابر
سیّئەوەندە - یەریّ ئاندّە	سە برابر

اسم (NOUN)

تعریف - اسم کلمه‌ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی یا بیان حالت کسی یا چیزی بکار می‌رود.

تقسیمات اسم:

۱- اسم معنی (Abstract noun)

اسم عام	(Common noun)
اسم خاص	(Proper noun)

۲- اسم ذات

اسم جمع	(Collective noun)
اسم مرکب	(Compound noun)
اسم جنس	(Material noun)

اسم معنی (Abstract noun) **- بر مفهومی دلالت می‌کند که وجودش در چیز دیگری باشد.**

زیبایی	beauty
جوانی	youth
آزادی	freedom
ترس	fear
جرأت	courage
شادی	joy

اسم ذات (concrete noun) **- نام چیزی است که بخودی خود وجود دارد. این نوع اسم نیز بر چند**

دسته تقسیم می‌شود.

اسم عام - اسم خاص - اسم جمع - اسم مرکب - اسم جنس

اسم عام (Common noun) - اسم عام به کلمه‌ای می‌گوییم که با آن اشخاص یا چیزهای هم نوع را می‌توان نام برد.

book	کتاب
bicycle	دوچرخه
tree	درخت
boy	پسر
dog	سگ
table	میز
man	مرد

اسم خاص (proper noun) - اسم خاص کلمه‌ای است، که برای نام بردن یک شخص یا یک چیز معین به کار می‌رود.

Tehran	تهران
Hafez	حافظ
Iran	ایران
france	فرانسه
Mr. Amini	آقای امینی

اسم جمع (Collective noun) - اسم جمع کلمه‌ای است که برای نام بردن یک گروه یا دسته‌ای از

اشخاص و یا اشیاء مشابه به کار می‌رود.

team	تیم
crowd	جمعیت
company	شرکت
audience	شنوندگان - حُضار

اسم جنس (Material noun) - اسم جنس کلمه‌ای است که برای نام بردن یک نوع مخصوص از جنس یا ماده به کار می‌رود.

wood	چوب
Iron	آهن
milk	شیر
butter	کره
water	آب

اسم مرکب (Compound noun) - اسم مرکب از دو یا چند اسم تشکیل می‌شود.

living - room اتاق نشیمن

جنسیت اسم (Gender) - منظور از جنسیت اسم تعیین مذکر - مؤنث یا خنثی بودن آن اسم می‌باشد. در زبان انگلیسی جنسیت اسم در ضمیر و صفت ملکی تاثیر می‌گذارد.

man ———— he, his, ...

woman ———— she, her, ...

۱- جنس مذکر (Masculine gender) - جنس مذکر مخصوص موجودات مذکر می‌باشد.

مرد	man
پسر	boy
خروس	cock

۲-جنس مونث (Feminine gender) - جنس مونث مخصوص موجودات مؤنث می‌باشد.

زن	wornan
دختر	girl
مرغ	hen

بعضی اسم‌های مؤنث با اضافه کردن (ess-) به اسم مذکر ساخته می‌شوند.

البته باید توجه داشت که اغلب حرف (e یا o) در کلماتی که به (er یا or) ختم شوند حذف می‌شود.

manager ———— manageress

actor ———— actress

conductor ———— coductress

۳-جنس خنثی (neuter gender) - اصولاً این نوع جنس مخصوص موجودات بی‌جان می‌باشد.

صندلی	chair
قلم	pen
ماشین	car

جنس‌عام (common gender) ـ جنس‌عام برای هر دواسم‌مذکر ومؤنث‌بکار می‌رود.

آشپز	cook	ولی (پدر یا مادر)	parent
زندانی	prisoner	بچه	child
آواز خوان	singer	پسر عمو - دختر عمو	cousin
رقاص	dancer	مؤلف	author
خبرنگار - گزارشگر	reporter	نقاش	painter
روزنامه نگار	journalist	هنرمند	artist
دوست	friend	سوار کار	rider
قوم و خویش	relation	راننده	driver
دانشجو - محصل	student	محصل - دانش آموز	pupil
کودک - طفل	infant	دشمن	enemy
یتیم	orphan	طفل - بچه	baby
شخص	person	پرنده	bird
		خدمتکار	servant
		معلم	teacher

زه ردویی در پاوه

سه رپل زه‌هاو

بعضی اسم‌ها شکل مذکر و مؤنث متفاوت دارند.

	مؤنث(ماده)	مذکر(نَر)	
خواهر	sister	brother	برادر
عمه - خاله	aunt	uncle	عمو - دایی
برادرزاده-خواهرزاده	niece	nephew	خواهر زاده

	مذکر	مونث	
آقا (ارباب)	lord	lady	خانم
خروس	cock	hen	مرغ
پسر(فرزند)	son	daughter	دختر (فرزند)
پسر	boy	girl	دختر
پدر	father	mother	مادر
پاپا	papa	mama	ماما
آقا	sir	madam	خانم
بیوه مرد	widower	widow	بیوه زن
شوهر	husband	wife	زوجه ـ همسر
شاه	king	queen	ملکه
مرد	man	woman	زن
پدر بزرگ	grandfather	grandmother	مادر بزرگ
آقا	gentleman	lady	خانم
مرد بی‌زن -مجرد	bachelor	spinster	دخترشوهرنکرده(پیردختر)
پدرجان	dad - dy	dam	مادر (حیوان)

مفرد و جمع اسم (Singular and plural noun)

مفرد (Singular) - اسمی است که بر یکی دلالت می‌کند و معمولا قبل از آن از حروف تعریف a/an استفاده می‌شود.

یک پسر	a boy
یک کتاب	a book
یک دختر	a girl
یک قلم	a pen

جمع (plural) - اسمی است که بر بیش از یکی دلالت می‌کند و قبل از آن حروف تعریف a/an کاربرد ندارد.

دو پسر	two boys
دو کتاب	two books
سه دختر	three girls
ده قلم	ten pens

قواعد جمع بستن در زبان انگلیسی

برای جمع بستن اسم در زبان انگلیسی قواعدی وجود دارد که آنها را بررسی می‌کنیم:

۱- قاعده کلی برای جمع بستن یک اسم مفرد اضافه کردن (s) به آن اسم می‌باشد.

دو کتاب	two books	یک کتاب	a book
دو سیب	two apples	یک سیب	an apple
دو دانش آموز	two students	یک دانش آموز	a student

۲- اگر اسم مفرد مختوم به (s-ch-sh-x-z) باشد در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

class	کلاس	classes	کلاسها
box	جعبه	boxes	جعبه ها
watch	ساعت	watches	ساعت ها
dish	ظرف	dishes	ظروف

۳- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (o + حرف بیصدا) باشد. در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
negro	سیاهپوست	negroes
hero	قهرمان	heroes
echo	انعکاس صوت	echoes
potato	سیب‌زمینی	potatoes
tomato	گوجه فرنگی	tomatoes

اسم‌های زیر ازاین قاعده مستثنی‌می‌باشند وفقط بااضافه‌کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
piano	پیانو	pianos
photo	عکس	photos
embryo	جنین	embryos
kilo	کیلو	kilos
Eskimo	اسکیمو	ESKimos

۴- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (O + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن به آن (s) اضافه

می‌شود.

جمع		مفرد
radios	رادیو	radio
zoos	باغ وحش	zoo

۵- بعضی اسم‌ها که به o ختم می‌شوند با اضافه کردن (s) و (es) جمع بسته می‌شوند.

جمع		مفرد
cargos, cargoes	محموله	cargo
volcanos, volcanoes	کوه آتشفشان	volcano
tobaccos, tobaccoes	توتون	tobacco
mottos, mottoes	شعار	motto
buffalos, buffaloes	گاومیش	buffalo
zeros, zeroes	صفر	zero

۶- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف بیصدا) باشد در موقع جمع بستن حرف (y) را به (i) تغییر داده به آن (es) اضافه می‌شود.

جمع		مفرد
bodies	بدن	body
ladies	خانم	lady
countries	کشور	country
parties	میهمانی	party
babies	بچه	baby
cities	شهر	city
stories	داستان	story
flies	مگس	fly

۷- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن فقط (s) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
toy	اسباب بازی	toys
key	کلید	keys
day	روز	days
play	نمایشنامه	plays

۸- اگر اسم مفرد به (f) یا (fe) ختم شود در موقع جمع بستن (f و fe) آخر اسم به (v) تغییر کرده (es) به آن اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
knife	چاقو	knives
life	زندگی	lives
wife	زن	wives
leaf	برگ	leaves
shelf	قفسه	shelves
thief	دزد	thieves
half	نصف	halves
wolf	گرگ	wolves
loaf	قرص نان	loaves
self	خود	selves

۹- اسم‌های زیر از این قاعده مستثنی می‌باشند و موقع جمع بستن فقط (s) به آنها اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
fife	نی	fifes
belief	اعتقاد	beliefs
chief	رئیس	chiefs
cliff	پرتگاه	cliffs
handkerchief	دستمال	handkerchiefs
roof	پشت بام	roofs
proof	مدرک	proofs
safe	گاو صندوق	safes
cuff	سرآستین	cuffs
grief	غم	griefs
strife	نزاع	strifes
serf	بنده - غلام	serfs
gulf	خلیج	gulfs

۱۰- اسم‌های زیر با دو روش اضافه کردن (s) و حذف (f و fe) و اضافه کردن (ves) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
scarf	روسری -شال‌گردن	scarfs, scarves
dwarf	کوتوله	dwarfs, dwarves
hoof	سُم اسب	hoofs, hooves
whorf	اسکله	whorfs, whorves
turf	چمن	turfs, turves
staff	چوبدستی	staffs, staves
beef	گوشت‌گاو	beefs, beeves

جمع		مفرد
باوه‌کان ـ بابێ	بابه ـ باوک ـ پدر	bawk
ئه دای ـ دایکان	مادر ـ دایک ـ ئاآ	Dayk
خۆشکان ـ واڵێ	خواهر ـ واڵێ(واڵ) ـ خۆشک	khoshk
برایان ـ براڵێ	برادر ـ براڵه	Bra

۱۱- بعضی اسمها با تغییر حرف با صدا بطور بی قاعده جمع بسته می‌شوند.

جمع		مفرد
women	زن	woman
men	مرد	man
mice	موش	mouce
teeth	دندان	tooth
feet	پا	foot
lice	شپش	louse
geese	غاز	goose

۱۲- بعضی اسم‌ها با اضافه کردن (en) جمع بسته می‌شوند.

جمع		مفرد
children	بچه	child
oxen	گاو	ox
brotheren	برادر دینی	brother

۱۳- بعضی اسم‌ها شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
sheep	گوسفند	sheep
fish	ماهی	fish
deer	آهو	deer
salmon	ماهی‌آزاد	salmon
trout	ماهی‌قزل‌آلا	trout
series	سری - ردیف	series
couple	جفت	couple

fish بشکل جمع fishes مبین نوع ماهی می‌باشد.

۱۴- اسم‌های ملیت که به صدای /s/ یا /z/ ختم شود شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
a swiss	یک سوئیسی	several swiss
a chinese	یک چینی	several chinese
a japanese	یک ژاپنی	several japanese

۱۵- حروف الفباء اعداد و علائم با اضافه کردن ('s) جمع بسته می‌شوند.

There are two a's and two 3's and three 6's

در این کلمه دو حرف (a) و دو حرف (3) وجود دارد.

You should write two 3's and three 6's

شما باید دو تا عدد ۳ و سه تا عدد ۶ بنویسید.

Two t/s and two -'s should be used

دو علامت جمع و دو علامت منها باید بکار برده شود.

۱۶- اگر اسم مرکب با حرف اضافه باشد برای جمع بستن (s) به کلمه اول اضافه می‌شود.

جمع		مفرد
Father-in-law	پدر شوهر ـ زن	Father-in-law
mothers-in-law	مادرزن	mother-in-law
sons - in - law	داماد	son-in-law
lookers-on	تماشاچی	looker-on

۱۷- دو اسم مرکب بدون حرف اضافه (s) جمع به اسم مهم اضافه می‌شود.

جمع		مفرد
maid servants	خدمتکار زن	maid servant
step daughters	نادختری	step daughter
step sons	ناپسری	step son
step fathers	ناپدری	step father
step mothers	نامادری	step mother
courts martial	دادگاه نظامی	court martial
arm chairs	مبل	arm chair
book cases	جاکتابی	book case

۱۸- هر گاه کلمات man و woman و lord در ابتدای اسم مرکب باشد هر دو اسم جمع بسته می‌شود.

جمع		مفرد
men-servants	خدمتکار مرد	man-servant
women-servants	خدمتکار زن	woman-servant
women-teachers	معلم زن	woman-teacher
lords-justices	وزیردادگستری	lord-justice

۱۹- اسم‌هایی که به (ful) ختم شوند با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

handful , handfuls

armful , armfuls

۲۰- اسم‌های خارجی که وارد زبان انگلیسی شده‌اند با تغییر حرف یا حروف از آخر کلمات جمع بسته می‌شوند. در جدول زیر حرف یا حروف آخر اسم مفرد و جمع نشان داده شده است.

حرف یا حروف آخر اسم جمع	حرف یا حروف آخر اسم مفرد
---- ae	----- a
----- esux	----- eau
----- ices	----- ex
----- ices	----- ix
----- es	----- is
----- a	----- on
----- a	----- um
----- i	----- us

مفرد		جمع
formula	فرمول	formulae
larva	کرم حشره	larvae
vertebra	مُهرهٔپشت	vertebrae
plateau	جلگه مرتفع - فلات	plateaux
vortex	گرداب	vortices
appendix	ضمیمه	appendices
matrix	زهدان - قالب،	matrices
crisis	بحران	crises
parenthisis	پرانتز	parenthises
basis	پایه-اساس	bases
phenomenon	پدیده	phenomena
ovum	تخم-یاخته-سلول‌ماده	ova
memorandum	یادداشت	memoranda
radius	شعاع	radii
stimulus	انگیزه - تأثیر	stimuli
thesis	فرضیه	theses
datum	چیز مفروض	data

۲۱- هرگاه اعداد hundred (ص) و thousand (هزار) و million (میلیون) بر تعداد معین دلالت کنند قبل از اسم، جمع بسته نمی‌شوند ولی برای بیان تعدد بشکل جمع با حرف اضافه of همراه اسم به کار می‌روند.

دویست مرد — Two hundred men

دویست و ده پوند — Two hundred and ten pounds

صدها نفر — hundreds of people

۲۲- اسم hair (مو) بشکل مفرد بکار برده می‌شود.

موهایش بلند است. — His hair is long

هر گاه منظور تار مو باشد بشکل جمع بکار برده خواهد شد.

he has a few white hairs on his head.

چند تار موی سفید روی سرش دارد.

۲۳- بعضی اسم‌های همیشه مفرد بوده و برای این قبیل اسم‌ها فعل نیز بشکل مفرد (is و was و has و (s/es + قسمت اول فعل)) بکار برده می‌شود.

لباس	clothing	اخبار	news
کارد و چنگال	cutlery	پند	advice
غذا	food	اطلاعات	information
بدل چینی	crockery	دانش	knowledge
نوشت‌افزار-لوازم‌التحریر	stationery	وسایل منزل	furniture
پا افزار	footwear	اثاثیه - بار و بند	luggage
چوبه دار	gallows	اثاثیه	baggage
آب صابون	suds	منظره	scenery
رنجها	pains	حرف بیهوده	nonsense

The furniture is to be delivered today.

this news is very good.

No news is good news.

good advices is not always heeded.

برای بیان تعدادی معین از این اسم‌ها می‌بایست از عبارت som pieces of a piece of قبل از آنها استفاده شود.

a piece of news	یک خبر
some pieces of news	چند خبر

۲۴- اسم بعضی از شاخه‌های علوم که به (ics) ختم شوند و بعضی بیماری‌ها مفرد بوده بنابراین با فعل مفرد نیز بکار برده می‌شوند.

physics	علم فیزیک	mumps	اریون
mathematics	علم ریاضیات	measles	سرخجه
economics	علم اقتصاد	rickets	نرمی استخوان
mechanics	علم مکانیک		
politics	علم سیاست		
methaphysics	علم ماوراء طبیعت		
ethics	علم اخلاق		
optics	علم نور و بصر		

physics is an important subject in the modern world.

Mumps is a series illness for grown-up people.

Mathematics is his weak subject.

هر گاه Mathematics به مفهوم عملیات و محاسبات ریاضی باشد و economics به مفهوم اصول

علم اقتصاد جمع بوده بنابراین با فعل جمع نیز بکار می‌روند.

The area of the room is 160 square meters, if my mathematics are correct.

The economics of the situation have been discussed.

His mathematics are weak.

What are your politics?

My brother's politics seem to change radically every four years.

۲۵- هر گاه اسمی قبل از اسم دیگر نقش صفت را داشته باشد و مقدار یا تعداد خاصی را برساند در این حالت بصورت مفرد بکار می‌رود حتی اگر مفهوم جمع را برساند.

shoe-repairer

car door

cassette box

table leg

toothbrush

a ten-mile walk

a three-man expedition

a two-bed room

کلمات sports و customs و arms و clothes و accounts از این قاعده مستثناً هستند.

sports car

customs officer

arms production

arms production

clothes shop



اردشیر اول
۲۲۶-م

accounts department

کلمات men و women نیز بعنوان صفت قبل از اسم دیگری بکار برده می‌شوند.

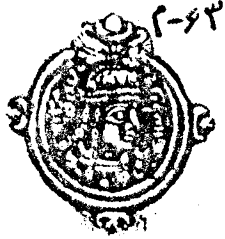
men drivers

women pilots

۲۷- اسم بعضی بازیها که به (s) ختم شوند مفرد بوده و با فعل مفرد نیز بکار می‌روند.

billiards	بازی بیلیارد
draughts	جریان هوا - کشش

۶۳۱-م





فرهاد چهارم
۳۷ - ق - م



ولاش اول
۵۲ - م

پوراندخت:







جوانشیر پسر خسرو و پرویز
پسر گردویه خواهر بهرام چوبین
۶۳۰- م



خسرو اول
۵۳۲-م

الفبا و صداها

الفبای زبان انگلیسی ۲۶ حرف است و آنرا به چهار شکل می‌نویسند.

اول حرف بزرگ چاپی از این قرار:

اِ بی سی دی ای اف جی اِچ
آی جِ کِ اِل اِم اِن اُ پی
کیو آرَ اِس تی یو وی دَبلیو اِکس
وای زد.

A	B	C	D	E	F	G	H
I	J	K	L	M	N	O	P
Q	R	S	T	U	V	W	X
Y	Z						

دوم حروف کوچک چاپی

اِ بی سی دی ای اف جی اِچ
آی جِ کِ اِل اِم اِن اُ پی
کیو آرَ اِس تی یو وی دَبلیو اِکس
وای زد.

a	b	c	d	e	f	g	h
i	j	k	l	m	n	o	p
q	r	s	t	u	v	w	x
y	z						

حروف صدا دار عبارتند از: A - E - O - i - U

الفبای زبان کُردی

ئا - ا - ئ- ب - پ - ت - س - ج - چ - ح - خ - د - د - ڕ - ر - ز - ژ - س - ش - ت - ع - غ - ف - ف - ق - ک - گ - ل - ڵ - م - ن - و - وو - ۆ - ه - ێ - ێ - ی ی

الفبای ویژه زبان کردی

ئا - ئ - ئه - د - ر - ف - ڵ - وو - ۆ - ێ - ێ - ی ی

اصوات ترکیبی: ئو - ئۆ - ئوو - ئێ - ئه - ئیی - ئا - ڎ - ي - ێ - ێ

حرف هجا یا الفبا در فارسی (الفبای زبان فارسی)

ا - ب - پ - ت - ج - چ - خ - د - ذ - ر - ز - س - ش - غ - ف - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی

هشت حرف از ۳۲ حرف الفبای فارسی، عربی و ترکی بوده و عبارتند از ث - ح - ص - ض - ط - ظ - ع -= ق و کلمات ساخته شده با این حروف فارسی نبوده بلکه عربی یا ترکی اند و چهار حرف ژ - گ - پ - چ مخصوص زبان فارسی و کُردی بوده و کلمات ساخته شده با این حروف فقط فارسی یا کُردی‌اند.

خانواده زبان‌های هند و اروپایی یا آریایی
۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

آریایی (ایرانی - هندی - اروپایی)

اروپایی (ژرمانی - لاتین - یونانی - اسلاوی - انگلوساکسون)

ایرانی (پارسی - مادی - پارتی - سکایی مخلوطی از مادی و پارتی است)

پارسی (پارسی‌باستان - میانه - امروزی)

پارتی (پشتو - پهلوی - دری - زاولی - سگزی - سُغدی - هروی)

مادی (هوری -کردی -گیلی -طبری - طالشی -دیلمی - بندری -خوانساری‌وتاتی)

کردی (سۆرانی -کرمانجی - اورامانی یاگۆرانی)

اورامانی: تەویڵە وبیارە - ژاوەرۆ - پاوە و لهۆنی - تەختیوڕەزاوی - زازا - دەیلەمی - تاتی

زاغمرزی نکاء مازندران

زەنگەنە وتاڵەبانی - باژەڵانی شە بە کیموسڵ -تالشی-کُردهای طبس و فردوس (تون) خراسان

شاخه‌های فرعی اورامانی (لری - بختیاری - فیلی - لکی -کرماشانی - بیجاری گیلی - دیلمی - تاتی)

کرمانجی (هکاری - بوتانی - دیاربکری - جلالی - میلانی - شکاکی - بادینان)

سۆرانی (اردلانی،مکریانی،بابان،جاف،ایناخی،روژبیانی،باوەجانی،گراڵی،یزدانبخشی،مُرادی)

ریشهٔ زبانهای هند و اروپایی یا آریایی

زبانهای هند و اروپایی یا آریایی شامل این زبان‌ها هستند:

۱- هندی: که شامل سانسکریت - هندی امروز - اُردو - بنگالی - پنجابی می‌باشد.

۲- ایرانی: که شامل زبانهای اوستایی و فارسی باستان در گذشته و فارسی و پشتو و کردی در امروزه می‌باشد.

۳- اسلاوی: شامل روسی - اوکراینی - لهستانی - چک - اسلواکی - صربی - بلغاری - کروواتی.

۴- بالتی: شامل لیتوانی - لتونی - استونی.

۵- یونانی: شامی یونانی باستان و یونانی فعلی و آلبانیایی است.

۶- ایتالیک: شامل لاتینی قدیم و پرتغالی - اسپانیولی - فرانسوی - ایتالیایی - رومانیایی فعلی است.

۷- سلتی: شامل زبانهای ایرلندی - گِلی اسکاتی - ویلزی - برتونی.

۸- ژرمنی: شامل گوتی و ایسلندی قدیم و ژرمنی قدیم و انگلیسی قدیم بوده و شامل زبانهای فعلی به قرار زیر است: انگلیسی - آلمانی - هلندی - فلاندری - سوئدی - دانمارکی - نروژی و ایسلندی می‌باشد.

زبانهای غیر آریایی هم شامل چینی - ژاپنی - مغولی - ترکی - گُرجی و زبان سیاه‌پوستان آفریقا و نقاط دیگر جهان و... می‌باشند که از بحث ما خارجند.

کلمه سازی در انگلیسی

فعل	پسوند	صفت
create	ive	creative
pay	able	payable

صفت	+	ly	→	قید
easy	+	ly	→	easily
recent	+	ly	→	recently

فعل +	پسوند →	اسم	
arrive	al	arrival	ورود
depart	ture	departure	حرکت - خروج
arm	y	army	ارتش
agree	ment	agreement	موافقت
annoy	ance(ence)	annoyance	ناراحتی
teach	er	teacher	آموزگار
direct	or	director	مدیر

صفت +	پسوند →	اسم	
kind	ness	kindness	مهربانی
active	ity	activity	فعالیت

اسم	+ پسوند	→ صفت	
fool	ish	foolish	نادان
cloud	y	cloudy	ابری
friend	ly	friendly	دوستانه
power	less	powerless	ضعیف
faith	ful	faithful	باوفا

فعل + پسوند → اسم

tion
ance
ence

مثال	فرهنگ	education
	اهمیت	importance

wife

فعل + or → اسم‌فاعل
er

مثال	هنرپیشه	actor
	کارگر	worker

اسم	+ پسوند	→ صفت	
rain	y	rainy	بارانی
colour	ful	colourful	پررنگ

صفت	+	پسوند	→	قید
easy		ly		easily

صفت	قید
hard	hard
good	well

پیشوندهای منفی ساز

un - dis - im - ir

un + happy	غمگین
dis + agree	مخالف
im + possible	غیر ممکن
ir + regular	بی قاعده

ir + regular → irregular

تلفظ کلمات و علائم مربوطه

یی	یی	i:	ɜ:	اِ
ی	ی	ɪ	ə	اِکوتاه
اِ	ئیˇ	e	eɪ = ei	اِی
اَ	ئه	æ	əʊ	اِو
آ بلند	ئابلاوˇ	a:	ai = aɪ	آی
آکوتاه	ئا ـ کورت	ɒ	aʊ	آو
ئو	ئوˇ	ɔ:	ɔɪ	اُی
و	اُ	ʊ=ʊ	ɪə	ی اِ
وو	وو	u:	eə	اِاِ
آ وسط	ئاوەسەت	ʌ	ʊə	اُاِ

مثال:

ʃ ش → she (ʃi:)

ʒ → ژ

ŋ نگ → sing/siŋ/

L = l

ی = j = yes (jes)

گ = g → got/gɒt/

چ = tʃ → chin/tʃin/

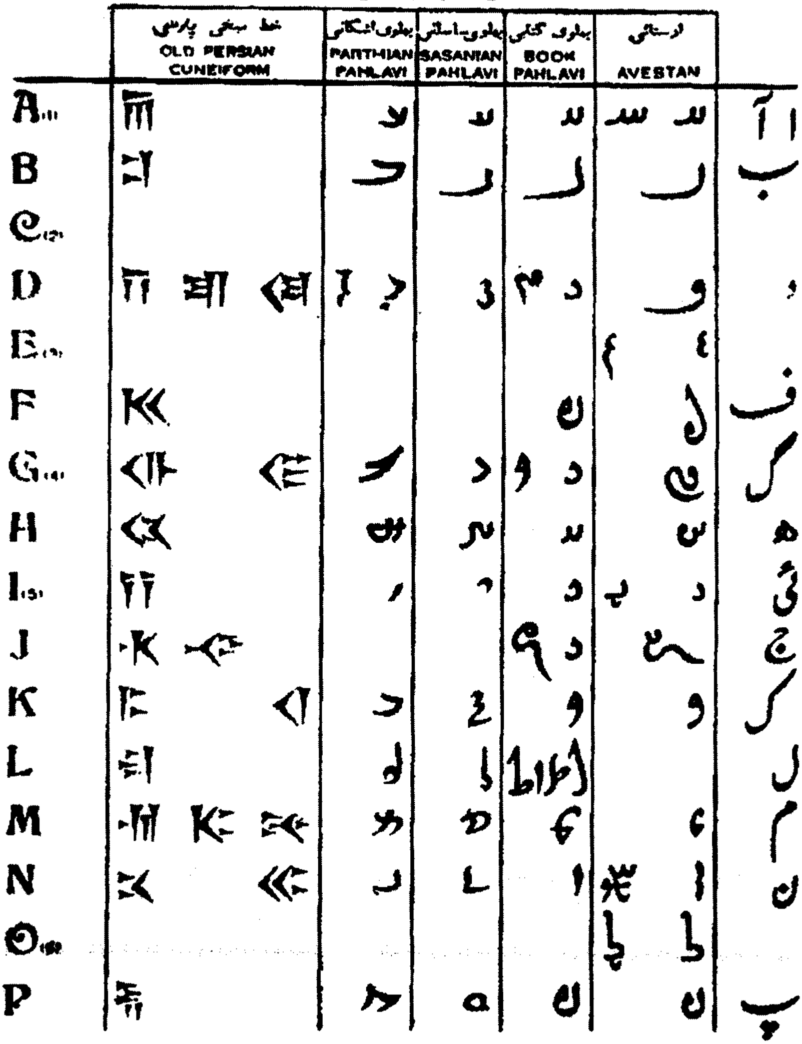
ج = dʒ → June/dʒu:n/

و = V

ت = θ → thin (θin)

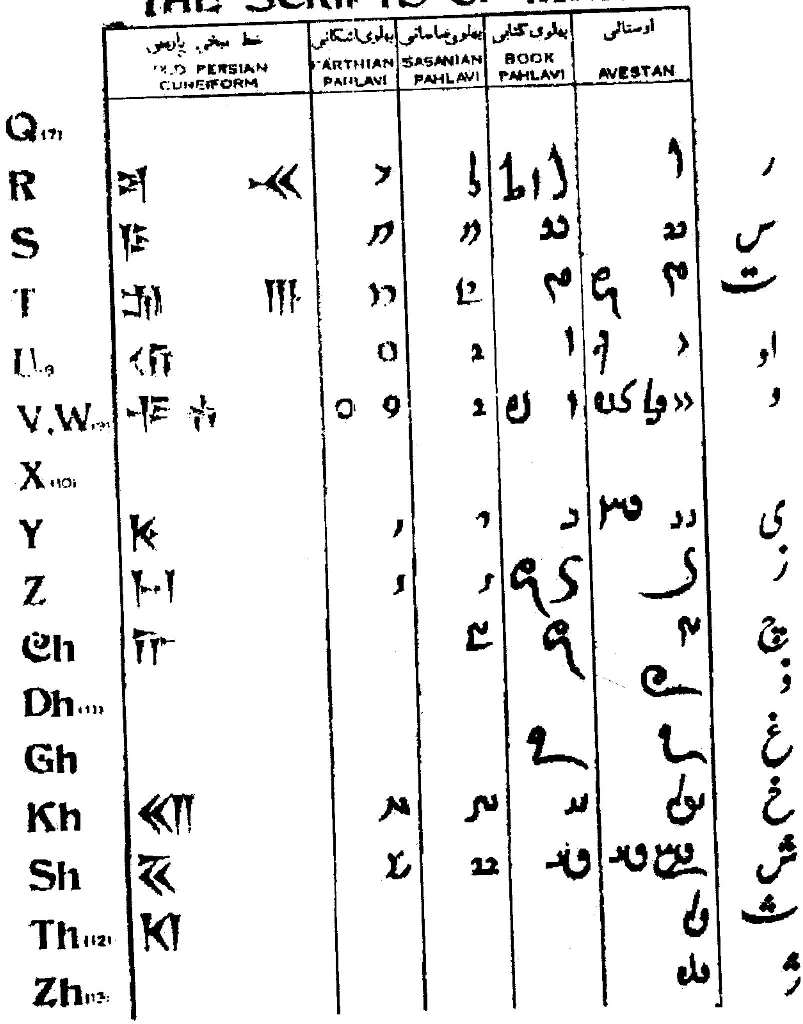
د = س = ð → Then (ðen)

الفبا و خطوط باستانی ایران
THE SCRIPTS OF IRAN



به نقل از دائرة المعارف بریتانیا

الفبا و خطوط باستانی ایران
THE SCRIPTS OF IRAN



فهرست مندرجات فرهنگ لغت آرام

A a

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
A *n*	اِی	اولین پیتی ئەلفبا	اولین‌حرف‌الفبای‌انگلیسی
AA *adv*	آ ـ آ	ئائا ـ ئەی	بلی ـ آری
aardvark *n*	آردوارک	بەرازی خاکی	خوک‌خاکی
aba *Im,v*	آبه	ئابدە ـ ئابە	بده
a *art,adj*	اِ ی	یەک ـ یۆ	یک، ی ـ هر، هرکدام
an *adj,art*	اِ ن	یەک ـ ی	یک،ی‌ـهر،هرکدام‌ـواحد
abandon *v,(abandan)*	اِبَن دِن	پێدان ـ پەنەدای، بەردان	واگذارکردن‌ـرهاکردن
abbreviation *n*	اِبری‌وِیشن	کورت‌ـئەوەبریە‌ـموختەسەر	مخفف،مختصر‌ـکوتاه‌نویسی
ability *n(pl.ties)*	اِبی‌لیتی	وەکاری‌ـلیاقەت‌ـچەنەئامەی	توانایی،استعداد‌ـلیاقت
able *adj*	اِبل	قابل ـ بە هێز ـ توانا	قادر، توانا‌ـلایق
ablution *n*	اِبالیش	دەسوودیم‌ـخۆشۆردن	وضو، غسل‌ـشستشو
aboard *n prep,adj*	اِبورد	دڵێ‌ـلەناو‌ـجەسەر‌ـبانی	روی ،داخل (کشتی / هواپیما)
abolish *v*	اِبولیش	لابردن‌ـجەدڵێ‌بەردەی	منسوخ کردن،برانداختن
abolition *n*	اِبولیشن	قەدَاخە‌ـبەرگری‌ـهەڵگری	براندازی،لغو‌ـبرچیدن
about *prep,adv*	اِبوت	جەمەوەس ـ لەباری	درباره، راجع به، در مورد
		لەسەر	درحدود، تقریباً، حدود
		دەوروبەر ـ نزیکی	در اطراف، در حوالی
above *adv*	اِبو	لەبانی‌ـلەسەر‌ـجەسەرو	بالای،روی،برفراز‌ـبالاتر

یی	یکوتاه	اِ	اَ	آ	آکوتاه	ئو	اُ	وو
i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
abroad *adv*	ایرود	لەدەرەوەی وەڵـات ـ جەبەروّ	در/به‌خارج‌از(کشور)خارجه
abrupt *daj*	ابرآپت	سەرەوژێر ـ ناماوە ـ تووڕە	تند ـ درشت،ناگهان
absent *daj*	ابزنت	نادیار ـ ون ـ نەبوون	غایب، مفقود
absence *n*	ابزنس	نەوی دیار، نەهات، نقم	غیاب،غیب‌نبودن
absent-minded *adj*	ابزنت	موّق ـ بێ هوش ـ گێج	پریشان خاطر، فراموشکار،
ده مه یه و شمال پاوه	مایندد	سه وداسه ر	کم حافظه
absolute *adj*	آبزلووت	پاک ـ تەواو، خالس	کامل،خالص،واقعی
absolutly *adj*	آبزولووتلی	بەتەواوی، بەیەکجاری	کاملاً، مطلقاً
absorb *v*	آبزورب	کێشان ـ لووشتەی	جذب کردن، کشیدن
absorbent *adj*	آبزوربنت	کێشەر ـ لووشەر	جذب‌کننده‌ـ جاذب
absorbing *adj*	آبزوربینگ	دڵ کێش ـ فرە باش	خیلی جالب، دلربا
absurd *adj*	آبزرد	پووچ ـ ناماقووڵ	چرند، پوچ، نامعقول
absurdly *adv*	آبزردلی	بێ ئەقڵـانە ـ بەخامی	احمقانه
abuse *v*	اِبیوز	دژوێن دان ـ خراوواتەی	دشنام‌دادن‌ـ بدرفتارکردن
abuse *n*	اِبیوز	دژوێن ـ دژمانی ـ سفڵەیی	دشنام‌سوءاستفاده‌ـ ناسزا
accent *n*	آکسینت	لەفزـ دەنگ داگرتن، مەد	لهجه‌ـ تکیه‌صدا‌ـ سبک
accent *v*	آکسینت	بەتەکیە کەلام قسە کردن	باتکیه‌تلفظ‌کردن‌ـ تأکید
accept *v*	آکسپت	وازئەوردەی ـ قەبوڵ کردن	قبول‌کردن،توافق‌کردن
acceptable *adj*	آکسپتبل	پەسەن کرا ـ پەسەن کریا	پسندیده،قابل‌قبول
access *n*	آکسز	جێ دەس ـ نزیکی ـ دەس پەنا	دسترسی، تقرب،ورود
accident *n*	آکسیدنت	هوّرتەق ـ بەرهات	تصادف، صانحه، حادثه
	سابلاغ	قوّمیای ـ چیووەرئامەی	از گله باوه جانی

آکرتاه	اِ	اِکرتاه	اِی	اُ	آی	آو	اُی	اِی
ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronunciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
accident *n*	آکسی‌دِنت	هۆرتەق ـبەرهات	تصادف، صانحه، حادثه
		قۆمیای ـچێووەرئامەی	شاری شمشێر له پاوه
accidental *daj*	آکسی‌دِنتل	بەجۆری پێش هاتـهۆرکەوت	اتفاقی،غیرمنتظرـشانسی
accidentally *daj*	آکسی‌دنتلی	بەهەڵکەوت ـبەهۆرکەوت	به‌طوراتفاقی،تصادفاً
accommodate *n*	اِکامِدیت	ماڵدان ـیاگەدای ـبەیۆی	منزل‌دادن‌ـجورکردن
		وارده‌ی ـحیساب‌کردن	آریان
accommodation *n*	اِکامِدِشن	یاگێ ـماڵوجێ ـیۆوەری	جا،منزل،سازگاری
accompany *v*	اِکَ‌کامپنی	چەنی یۆی بیەی	همراه‌بودن،مشایعت
		لەگەڵ کەسێکاچوون	کردن
accomplish *v*	اِکَ‌کامپلیش	تەواوکردن ـتەمام‌کردن	به‌انجام‌رساندن‌ـکامل‌کردن
according to *prep*	اِکُردینگ‌توو	بەقەولوو ـبەنابەـبەنەزەری	برطبق ـ به‌عقیده
account *n*	اِکاونت	حەساو ـ راپورت	گزارش ـ صورت حساب
		سوورەت ـ حیساب	حساب‌بانکی،اعتبار
accountant *n*	اِکاونتِنت	حەساوکەرـحیسابگەر	حسابدار
account *n*	اِکاونت	دەفتەرحەساوـدەفتەرحیساب	دفتر حساب دخل و خرج
account *v,n*	اِکاونت	باس‌کردن ـبەیان‌کەردەی	صورتحساب ـ توضیح‌دادن
accurate *adj*	آکیِریت	دروست ـرێک ـدرۆس	صحیح،دقیق‌ـکامل
accurately *adv*	آکیِرتلی	بەدرۆستی ـبەرێکی وپێکی	دقیقاً، به طور دقیق
accuse *v*	آکیوز	بوختان کە ردەی پەی	متهم ساختن
		بوختکردن بۆ ـبەمل نیان	مُقصر دانستن

ده ربه ندیخان

اُاْ	پ	ب	ت	د	ک	گ	چ	ج
uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	d3
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciaion	کُردی Kurdish	فارسی Persian
			اورامان
accusation *n*	آکیوزشِن	بوختـبوختانی، تەشەر	اتهام،تهمت،سرزنش
accustom *v*	آکاسِرتم	فێرکەردەی ـعادەت دان	عادت کردن / دادن
ache [1] *v*	ایک	ئیش کەردەی(کردن)	درد کردن/گرفتن
ache [2] *n*	ایک	دەرد ـ ئێش ـ زریکە	درد،الم،رنج،سوز
achieve *v*	اچیو	خۆش کردن ـوەش کەردەی	انجام دادن،موفق شدن
achievement *n*	اِچیومِنت	تەرەقی ـکاری گەورە	کارسترگ وبزرگ،کامیابی
acid *n*	آسید	ترش ـچێوی ترش ـترش تام	اسید،سوزنده،تُرش
acknowledge *vt*	آکنالیج	ئێقرارکەردەی ـشناسین	شناختن ـ اعتراف کردن
		پەی بەردەی	قدردانی کردن
acknowledgement *n*	اِکنالیج‌مِنت	پەی ـئێقرار ـئەژناسای	شناسائی،اعلام،اذعان
acquaintance *n*	اِکوینِتنس	ئەژناسی ـلەزووناسی ـژناس	آشنایی ـ سابقه
acquire *n*	اِکوایر	پێداکەردەی ـبەدەس هێنان	به دست آوردن، خریدن
acre *n*	ایکِر	واحدی پێوانەی فەرەنگی	آکر ـ جریب فرنگی
across *adv,prep*	اِکراس	جەپانای(مەد)لەولا	در آن طرف، از عرض، عرض
		لەرووی ـ ئەوبەر	به طور ضربدر
act *v*	آکت	کارکردن،عەمەڵ کەردەی	عمل کردن، رفتار کردن
		ئاسانیێ کەردەی	کرماشان
action *n*	آکشن	عەمەڵ ـ کار	عمل،کار ـ اقدام
		کردەوە ـ ئاسانیێ	سه رشیو مریوان
act *n*	آکت	قانوون ـ قەواڵە	قانون ـ پرده (در نمایش)
		پەردەی ـ سینەما	حکم دادگاه

ف	و	ث	د	س	ز	ش	ژ
f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
active *adj*	آکتیو	گورج وگۆڵ ـ نه وێس	مؤثر، دایر،کاری
		بێ قه رار ـ ده ردوه ر	جدّی
actively *adv*	آکتیولی	به جۆری ده ردخۆر ـعه مه ڵکه ر	به‌طورمؤثر،فعالانه
activity *n*	آکتیوی‌تی	جم وجووڵ ـتێ کۆشی	سرگرمی ـفعالیت،اقدام
active [2] *adj*	آکتیو	تێ کۆش ـچه نه ئامه ـکۆشه ر	فعال،کاری،ساعی
actor *n*	آکتِر	هونه رپێشه ی پیاو	هنرپیشه(مرد)،بازیگرمرد
		پیاى هونه رکار	که مالا
actress *n,fem*	آکتِرس	هونه رپێشه ی ژن	هنرپیشه (زن)
		ژه نی هونه رکاره	ساحب سقز
actual *adj*	آک‌چوال	هه ره قه تی ـهه قێقی	حقیقی،واقعی،کنونی
actually *adv*	آک‌چواللی	له هه قێقه ت ـجه عه مه ڵه نه	عملاً، واقعاً
A.D. *(Anno domini)*	اِـ دی	دماومیلادی ـدوای میلادی	بعد از میلاد (مسیح)
		مه سێح	شاهوٚ (شاه‌کوه) درپاوه
adapt *v*	اِدَپت	یۆوسه ی ـ یه ک خستن	وفق دادن، متناسب ساختن
adaptable *adj*	اِدَپت‌اِبل	مناسب ـ نه رمش داری	انعطاف‌پذیر،سازگار
add *v*	آد	ئاده ی ـسه رکه رده ی ـفره کردن	افزودن، اضافه کردن
		جه م کردن	اضافه بر مطلب گفتن
addition *n*	اِدیشن	ئزافه ـزیاد ـفره ـزۆر ـجه م	افزایش ـ پیوست،اضافی
adder *n*	آدِر	جۆرێوه ماری ئه فعی ئامریکایی	(مار)افعی ـجعفری
address [1] *n*	اِدرِس	نام و نیشان ـ ئادره س	آدرس، نشانی
address [2] *v*	اِدرِس	ئادره س نووسین ـئادره س دایِ	آدرس نوشتن / دادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
			ایوان ایلام
adequate *adj*	آدی‌کویت	بەس‌ـوەسێ‌ـپەنەکەوتەی	کافی،مناسب،بسنده
adjective *n*	اِجکتیو	سفەت‌ـسیفەت‌ـناولاوێن	صفت
adjust *v*	اِدجاست	رێک‌کەردەی‌ـدروست‌کردن	میزان کردن، درست کردن
administer *v*	آدمی‌نی‌ستِر	پۆرەیاوای‌ـپیاگەیین	اداره کردن،اجراکردن
		ئەدارەکەردەی	دە ربە ندیخان
administration *v*	آدمی‌نی‌سترِشن	ئەدارەـعەدارەـدەوڵەت	اداره،حکومت،اعمال
admire *v*	أدمایر	ستایش‌کردن‌ـپەسەن‌کردن	ستایش‌کردن‌ـپسندیدن
admiral *n*	آدمیرال	دەلیاوان	دریاسالار
admiration *n*	آدمریشِن	تەحسین‌ـپەسەن‌ـستایش	تحسین،شگفت،تمجید
admit *v*	اِدمیت	رێدان ـ قەبووڵ	تصدیق کردن،بستری
		کەردەی ـ ئیجازەدای	کردن
admission *n*	آدمی‌شِن	ایجازەپەی‌دلێ	اقرار‌ـ(اجازه)ورود
		قەبووڵ‌ـرێدان	جوازورود
			پالنگان
adolescent *n*	آدلِسنت	باڵق‌ـعازەوـتازەجوان	نوجوان،بی‌تجربه
adopt *v*	اِداپت	قەبووڵ‌کردن‌ـگرتەی‌جە	اقتباس کردن، پذیرفتن
adore *v*	اِذر	چتێ‌ستایش‌کردن‌ـوەش	پرستیدن،دوست‌داشتن
		گەرەک‌بیەی‌ـپەرسای	سە ولا و ای مُریوان
adroit *adj*	اِدرویت	وریا ـ مدریک	ماهر ـ زرنگ

شیروان چرد اول ایلام

یی	ی‌کوتاه	اِ	اَ	آ	آکوتاه	ئو	اُ	وو
i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
adult *n*	أدالت	باڵق ـ گەورەساڵ ـ پیر	شخص‌بالغ،بزرگسال
advance *v*	آدوانس	وەرۆلوای ـ بەرۆچوون بەرەپێدان	پیشرفت‌کردن،جلورفتن کاکەیی کرکوک
advanced *adj*	آدوانسد	بەرۆچووگ ـ وەرۆلوا تەرەقی کەردە	پیشرفته،مترقی،عالی دَره شاری ایلام
advantage *n*	آدوان تیج	نەفحە ـ سەرف ـ خەیر	مزیت، سود، تفوق
adventure *n*	اِدوِن چِر	ماجەرا ـ سەرهات سەرئامەی	ماجرا،حادثه،سرگذشت مه نسور آغه
adventurous *adj*	اِدون چِرس	ماجەرادار ـ سەرهاتەر سەرئامە ـ سین سەخت	ماجراجویانه،پُرماجرا سلیمانی
adverb *v*	آدوِرب	هۆکەر ـ فەرمان لاوێن یاری فێعل ـ قەید	قید
advertise *v*	آدوِرتایز	جاردان ـ جاروخەوردای راگەیاندن	آگهی‌دادن،تبلیغ‌کردن
advertisement *n*	آدوِرتایزمینت	جار ـ خەبەر ـ ئاگاداری	اعلان،آگهی،تبلیغ
advise *n*	آدوایز	پەنەسپاردەی ـ ئاگاداری دان	توصیه کردن، اندرز دادن
advice *n*	آدوایس	نەسێحەت	نصیحت، اندرز
aerial *n*	اِرل	ئانتن ـ مەوجگیری هەوا	آنتن(فرستنده/گیرنده)،هوایی
aeroplane *n*	اِرپلین(اِروپلین)	فرۆکە ـ تەیارە ـ باڵوین	هواپیما
affair *n*	اِفِر	پێشە ـ رووداو ـ مەسەلێ	کار، شغل ـ امر، موضوع حادثه، رویداد

آکوتاه	اِ	اِکوتاه	اِی	اُ	آی	آو	اُی	اِی
ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
affect *v*	اِفِکت	ئەسەرکردن ـ ئەسەرنیای	اثرگذاشتن بر ـ تظاهرکردن
affectionate *adv*	اِفِکشِنیت	وەش ڕوو ـ شیرین زوان	مهربان،پرمحبت
		میهرەبان	ایل مامش
affectionately *adv*	اِفِکشِنِتلی	بەمیهرەبانی ـ بەمحیبەت	به مهربانی
afford *v*	اِفورد	توانین ـ لێ هاتن	توان داشتن،فراهم کردن
		چەنەئامەیِ ـ تاوایِ	قشلاق پاوه
afraid *adj*	اِفرید	تەرسا ـ ترسا ـ تەرس دریا	ترسیده، ترسان
after *prep,adv*	آفتِر	لەدوای ـ جەدەماو ـ جەپەشت	بعد از ـ در عقب، پشت سر
afternoon *n*	آفتِرنون	دمانیمەڕۆ ـ دوانیوەڕۆ	بعدازظهر
afterwards *adv*	آفتِرؤردز	لەدوایی ـ دماوە	سپس،بعد ـ بعداً
		لەودوا	هەورامان (اورامانات)
again *adv*	اِگِن	دووبارە ـ دیسان ـ هەم	دوباره،بارها،باز
against *prep*	اِگِنست	لەبەرانبەری ـ زدی	در مقابل، مخالف ـ نزدیک به،
		دژبە ـ جەوەرانوەر	به ـ برضد، علیه
age *n*	اِیج	سنع ـ عەمر ـ عومر	سن، عمر ـ دوره، عصر
		دەورە ـ زەمانە ـ تەمەن	سن قانونی
aged *adj*	اِیجد	پیران ـ جەسنعو ـ ساڵە	ساله،درسن،پیر،مُسن
		ساڵان ـ کەوەنساڵ	دزلی هه ورامان
agent *n*	اِیجنت	واسیتە ـ کارزان	کارگزار،نماینده، واسطه
	سقز	کارجێ خەرـدەراڵ	دلال

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ago *adv,adj*	اِگو	وەڵێ ئی نەی ـمێژ	پیش، قبل
		بەرلەمە ـ پێش لەمە	ایل مامش
agony *n*	آگِنی	دەردـڕەنج ـقۆشمی ـخەفەت	درد،رنج،عذاب،زجر
agree *v*	اِگری	رازی بیەی ـقەبووڵ کردن	موافق‌بودن،قبول‌کردن
agreement *n*	اِگری‌مینت	رازی بیەی ـقەبووڵ	توافق،سازش،همدلی
agriculture *n*	آگری‌کالچر	کشتوکاڵ ـکێڵەری ـفەلای	کشاورزی، فلاحت
agricultural *adj*	اَگری‌کال‌چرال	کشتوکاڵی ـ فەلای	کشاورزی
ahead *adv*	اِهِد	پێش ـ بەر ـ وەر	پیش،جلو،به‌پیش
aid 1 *n*	اید	کۆمەک ـ یاری	کمک،یاری،همیاری
aid 2 *v*	اید	یاری دای ـکۆمەک کردن	کمک کردن، یاری رساندن
aim 1 *v*	ایم	ئارەزووکەردەی(کردن)ـقەرە	نشانه‌رفتن ـ آرزوداشتن
		وڵ گرتەی ـگەرەک بیەی	جنیان سقز
aim 2 *n*	ایم	گەرەک ـئارەزوو ـقەرەوڵ	هدف‌گیری‌ـآرزوـمنظور
air 1 *n,adj*	اِر	هەوا ـ بەزم وئاهەنگ	هول‌ـنمایش، سیما
		شێوە ـ بەژن	آهنگ
aircraft *n*	اِرکرافت	تەیارە ـباڵوین ـفڕۆکە	هواپیماـ طیاره
airfield *n*	اِرفیلد	ئەوەداگا ـخوارگا ـوارگا	فرودگاه کوچک
airforce *n*	اِرفُرس	هێزی هەوایی‌ـقوە(زۆری)هەوایی	نیروی هوایی
airline *n*	اِرلاین	خەتەی هەوایی یەـخەتی	خط هوایی
		هەوایی بۆفڕۆکە	شرکت هواپیمایی
airmail *n*	اِرمیل	پۆستی هەوایی ـپۆسی هەوایی	پست‌هوایی،نامه‌پست‌هوایی

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
			شوشمی غرب پاوه
airport *n*	اِرپورت	وارگا ـ خوارگا	فرودگاه
air ²*v*	اِر	لەهەوادان‌ـبەهوادایِ باپێدان	باد/هوادادن،اعلام‌کردن
alarm ¹*n*	اِلارم	زەنگوخەتەری‌ـزەنگی خەتەر	آژیرخطر‌ـعلامت‌خطر
alarm ²*v*	اِلارم	جەخەتەری لادایِ‌ـلەخەتەر	از خطر آگاهانیدن
		لادان ـ وریا کردن	دلواپس‌کردن
album *n*	آلبم	ئاڵبووم ـ جێ عەکس	آلبوم (تمبر،عکس،...)
		یاگەعەکس	گەنجی قروە
alcohol *n*	آل‌کِ‌هال(هول)	ئەڵکوڵ،هەڵکوڵ	الکل،مشروب‌الکلی
alcoholic *adj*	آل‌کِ‌هالیک	ئەڵکوڵی ـ هەڵکوڵی	الکلی
alert ¹*adj*	اِلِرت	وریا‌ـهۆشیار‌ـزیرەک	هوشیار،بیدار‌ـآژیر
alert ²*n*	اِلِرت	جارەخەتەر‌ـراپۆرتی خەتەر	اعلام آماده باش، اعلام خطر
algebra *n*	آل‌جِبرِ	علموجەبری‌ـعلمی جەبر	علم جبر
alight ¹*adj*	اِلایت	خوارهاتن ـ وارنامەی	به زمین نشستن، فرود آمدن
		زەمین نشتەی	موچش در سنندج
alight ²*n*	اِلایت	بڵێسەدار‌ـگردار‌ـشۆڵەی	شعله‌ور،سوزان،نورانی
		نوور	ایل هرکی
alike *adj,adv*	اِلایک	یەک جۆر‌ـپسەیۆی	همانند،شبیه،یکسان
		وەک یەک	ایل آلان سردشت
alive *adj*	اِلایو	زیندە‌ـزینگ‌ـزیندوو	زنده،سرحال،فعال
all *adj,adv*	اُل(ئول)	گرد‌ـگشت ـ هەمەوو	همه ـ همگی ـ به کلی
		یەکجار ـ بەتەواوی	دزاوەر غرب پاوه

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
boil [2] *n*	بۆیل	دمەڵ ـ لیروجۆش وهیری	کورک،دُمل ـ جوش
bold *adj*	بولد	بێ باک ـ دەلێر ـ نەتەرس	جسور،شجاع،دلیر،بی‌پروا
boldly *adv*	بولدلی	نەتەرسی ـ دەلێری ـ بێ باکانە	جسورانه، شجاعانه
bolt [1] *n*	بولت	چەر ـ پێچ ـ کەشاوی دەر ـ پشکۆڵ	کشوی درچفت،در ـ پیچ،صاعقه
bolt [2] *v*	بولت	سڵەمیای ـ فرەدان ـ پێچ بەستن	قلاب کردن ـ رم کردن
bomb [1] *n(bombard)*	بام	بەمە ـ چیوەی کەبتەقۆ ـ بەم	بمب ـ بمباران کردن
bomber *n*	بامِر	فرۆکەی بەم هاوێژ بەم ئەرەوز	هواپیمای بمب افکن
bone-setter *n*	بون‌سِتر	شکسەبەن	شکسته‌بند
bond *n*	باند	بەنچاق ـ قەواڵە ـ قەرار ـ سەنەد	پیمان ـ سند(قرضه)تعهدنامه
bone *n*	بۆن	پێشە ـ ئسخان ـ ئسقان	استخوان
bonfire *n*	بان فایر	ئەیری گەورە ـ ئاوری گەورە	برپایی آتش عظیم
bonnet *n*	بانیت	کلاوی بەن دار ـ کاپووتی ماشین	کلاه بند دار ـ کاپوت ماشین
book [1] *n*	بۆک	کتێب ـ کتێو ـ دەفتر	کتاب،دفتر،رزروکردن
bookcase *n*	بُوک کیز	قەفەسەی کتێو ـ یاگە کتێو	قفسه کتاب،جاکتابی
book [2] *n*	بُوک	یاگە گرتەی ـ جێ گرتن لە مێژ	رزرو کردن
boom *n*	بوم	گرمە ـ خۆرە ـ تەقە، هارە	غرش(توپ،رعد،...)رونق
boot *n*	بووت	چەکمێ ـ چەکمە ـ سەنۆقی دوای ماشین	پوتین ـ صندوق عقب ماشین ایل پیران
border *n*	بوردِر	سنوور ـ سەرحەد ـ قەراخ پەراوێز،لچ ولێو	کناره، لبه ـ مرز، سرحد
bore [1] *v*	بور	شەکەت کردن ـ دێق پنەنەکەردەی	حوصله کسی را سر بردن
boneman	بون‌مَن	کۆنە فرۆش	سمسار،کهنه‌فروش

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
boredom *n*	بوردام	ماندوویی-شەکەتی-هیلاکی،بێزاری	خستگی،بیزاری،دلزدگی
boring *adj*	بورینگ	شەکەت - ماندوو	خسته،کسل،ملالت‌آور
bore [2] *n*	بور	راوار-ژاژۆڵ-مزاحم-لاژاو	مزاحم، پرچانه
bore [3] *v*	بور	کوناکردن-وڵ کەردەی بۆرکەردەی	سوراخ‌کردن،خسته‌کردن
born *adj*	بورن	زای،لەدایک‌بوون-زایین	متولد شدن، بدنیا آمدن
borrow *v*	بارو	قەرزگرتەی-ئەمانەت‌هاوردن	قرض‌کردن-وام‌گرفتن
boss *n*	باس	سەرۆک-رەیس-سەرپرس	مدیر،رئیس،سرپرست
bossy *adj*	باسی	رەیس‌خوا-سەرۆک‌رەوا	ریاست‌طلب،پُرمُدعا
botany *n*	بوتنی	گیواوئەژناسای-گیاژناسی	گیاهشناسی
botanical *adj*	بوتنی کال	گیواوی- گیاهی	گیاهی
botanist *n*	بوتنیست	گیواوشناس-گیاژناس	گیاهشناس
both *pron-conj*	بوت (بوس)	هەردوی-هەردوک-ئەم‌وئەو	هردو- هم این هم آن
bother [1] *v*	بازر	دەردیسەردای-مزاحم‌بون	دردسردادن،مزاحم‌شدن
bother [2] *n*	بادِر (باذِر)	دەردیسەر - مزاحم	دردسر،مزاحمت،زحمت
bottle [1] *n*	باتِل	شووشە-شیشێ-قاپ	بطری، شیشه
bottle [2] *v*	باتِل	لەناوشوشەرژاندن دڵێ‌بتریێ‌کەردەی	در بطری / شیشه ریختن
bottom *n*	باتِم	بنە-ژێر-خوار-وار بێخ - سمتێ	پایین-ته،سرین،زیرین
boulder *n*	ب ئولدر	ماکەمەر-تاوێر-بەردی‌گەورە	سنگ بزرگ

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
bounce *v*	ب ئونس	هۆرپڕای-دەرپەڕین	جستن - بالا انداختن
		هووشەکەردەی،هاروهاجی کردن	
bound [1] *adj*	ب ئوند	حەتم-بێ شک-لوەڕ-ڕوین	عازم،حتم،یقین،مرز
bound [2] *v*	ب ئوند	جم وجووڵ کەردەی-پەڕین	جست و خیز کردن
bound [3] *n*	ب ئوند	بازی-باز-پەڕینەوە-قونین	پرش - جهش
boundary *n*	ب ئونددری	سەرحەد-مەرز-سنوور	خط،سرحد،مرز
bow [1] *v*	(بُو) بئو	چەمیای-سەردانواندن-بەسەر	تعظیم‌کردن،خم‌شدن
		سڵاوکردن-وێ چەمنای	
bow [2] *n*	بُو	سڵام بەسەرە-تەعزیم-چەمان	تعظیم،کُرنش
bow [3] *n*	بُو	کەمان-کەوان-لکە	کمان - آرشه - گره
bowl *n*	بول - بئول	بادیە-پیاڵە-کاسە	ظرف‌توگرد،کاسه،ورزشگاه
box [1] *n*	باکس	چنگڵە-سەوەتە-سندۆق	جعبه،جعبه‌میوه،بوکس
box [2] *v*	باکس	بوکس بازی-مشتەکۆڵانی	بوکس بازی ردن
boxing *n*	باکسینگ	مشت-سیخورمە-مشتە	بوکس،مشت،سیلی
boy *n*	بۆی	کوڕ-زەوڕۆ-کوڕپە	پسر
bracelet *n*	برِس لیت	خرخاڵ-بازنە	النگو، دستبند
brace *n*	برِس	ئەنجەنە-بەن خوێن	بندشلوار،بست،زوج
bracket [1] *n*	برکیت	ڕەفە-تاقچە،کۆڵەکە	طاقچه دیواری،ستون
bracket [2] *n*	برَکیت	دوکەوان-دوئەبرۆ-پەرانتز	پرانتز،دوابرو،بست
brag *v*	برَج	وی هۆرکێشای-بەخۆنازین	خودستایی کردن، نازیدن
brain *n*	برِین	مەژک-مەغز-مۆخ-کرۆک	مغز،مخ‌ومخچه،هوش
brake [1] *n*	برِیک	ترمز-ڕاوەست(بوێس)	ترمز (قطار، دوچرخه،...)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
brake [2] *v*	بریک	ویسان ـ مندرای	ترمز کردن
branch [1] *n*	برآنچ	لەق،شانە،بەش،خێڵ	شاخه،شعبه،شاخه درخت
branch [2] *v*	برآنچ	جیاکەردەی،جگێ کردن	منشعب کردن / شدن
brand [1] *n*	برَند	نیشانێ،نیشان،قیزگە چلۆسکە	مارک،علامت،بدنامی
brand - new *adj*	برَند	تازەونوە،تازەی تازە	دست اول،تازه تازه
brand [2] *v*	برَند	دیاریکەردەی،داخ دان	داغ زدن(برحیوان)
brass [1] *n*	برآس	برێنجە،(ئالیاژی رۆی +مس)	برنج (آلیاژی از مس و روی)
brass [2] *adj*	برآس	برێنجە،فلزێکە،روداری	برنج،سازبادی،توهین
brave *adj*	بریو	بێباک ـ جه رگدار	دلیر، شجاع
bravely *adv*	بریولی	بەدەلێری،بەبێباکی	دلیرانه، شجاعانه
bread *n*	برد	نان،نانە،پێخۆر،رسق	نان ـ روزی خدا
breadth *n*	برت	پانی،پۆمەد،برین	پهنا،عرض،وسعت
break [1] *v*	بریک	شکاندن،ماردەی	شکستن ـ از هم پاشیدن
break [2] *n*	بریک	ئەوەسیای،مێریا،شکان	شکست،استراحت کوتاه،رام
breakfast *n*	بریک فست	سۆحانە ـ سبحانە	ناشتا، صبحانه
breast *n*	برست	سینە،چیچە،بەرەک باوەش	پستان،سینه،آغوش
breathless *adj*	برت لِس	هەسکەهەسک،هەناسەسواری	نفس،دم،ازنفس افتاده
breathe *v*	بریت	نەفەس کێشان،نەفەس کێشای(دان)	تنفس کردن،دم زدن
breed [1] *v*	بریید	بەخێوکردن،زارۆداربیەی	زاد و ولد کردن ـ پروراندن
breed [2] *n*	بریید	رەگەر،نژاد،نەتەوە،تخم	نژاد،نسل،نوع

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
breeze *n*	بریز	سروەـشنەـنەسیمـبای سەبا	نسیم
brew *v(brewer)*	بروو	ئابجۆ گرتەیـنۆشانە دروستکردنـخیاڵ پەزین، ئابجوساز	نوشیدنی تهیه کردن (آبجو ـ چای)
brewery *n*	برووری	کارخانەوئابجووەشکەردەی ئاوجۆسازی	کارخانه آبجوسازی
bribe [1] *v*	برایب	بەرتیڵ دایـرشوەدان	رشوه دادن
bribe [2] *n*	برایب	بەرتیڵ ـ رشوە	رشوه
bribery *n*	برایبری	بەرتیڵ گیری	رشوه‌گیری،رشوه‌خواری
brick *n*	بریک	ئاجۆرـخشتەـخشت	آجر ـ هر چیز آجری شکل
bride *n*	برآید	بووکـوەویـوەیوە	عروس
bridal *adj*	بریدل	دەزگیرانـزەماوەند،بوکانە	نامزدی،عروسی،عروسانه
bridesmaid	براید اسمید	پاوەیوەـژنی ناردراولە گەڵ بووک	ساقدوش عروس،ندیمه
bridegroom *n*	برآید گروم	زاوا ـ زە ما	داماد
bridge *n*	بریج	پرد ـ پێڵ ـ پردە	پل،متصل کردن
bridle *n*	برآیدل	هەوسارـوەرگیرـلەغاو	افسارـمهارـلگام
brief *adj*	بریف	کورت ـ کۆتا	کوتاه،مختصر،خلاصه‌پرونده
briefly *adv*	بریيف لی	بەکورتی ـ بەکۆتا	به اختصار، مختصراً
briefcase *n*	بریيف کیز	کیفی مەدرەسەودەستی	کیف‌مدرسه،کیف‌دستی
bright *adj*	برآیت	شادـرۆشنـبریقەدار	تابان، درخشان
brilliant *adj*	بری لینت	ژیرـتابانـبەهۆشـبرلیان	درخشانـباهوش،الماس تراش

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
brim *n*	بریم	قەراخ ـ دەور ـ پەراوێز	کناره،لبه،حاشیه
bring *v*	برینگ	هاوردن ـ ئەوردەی	آوردن (چیزی / کسی)
bring up *v*	برینگ آپ	پەروەردەکردن ـ وەی کەردەی	پروردن، تربیت کردن
brisk *adj*	بریسک	گورج ـ وەکار ـ تیژ	تیز،تندوفرز،هوای مفرح
brittle *adj*	بریتل	ترت ـ وی مارشکێن ـ ناسک	شکننده، ترد
broad *adj*	برۆد	پان ـ وازیج ـ مەدار ـ بلاو	پهن،عریض،وسیع
broadcast [1] *v*	برۆدکاست	بلاوکردنی خەبەرلە رادیو وتلفزیۆن	پخش کردن از (رادیو / تلویزیون)
broadcaster *n*	برۆدکاستر	وێژەری رادیو و تلفزیۆن	گوینده رادیو / تلویزیون
broadcast [2] *n,adj*	برۆدکاست	بلاو ـ ولاوی قسان	پخش، سخن پراکنی
broken *adj*	بروکن	مێریا ـ شکاو ـ خراو	شکسته ـ خراب
bronze *n*	برونز	مەفرەق ـ ئالیاژی مس وقەلای	برونز، مفرغ
brooch *n*	برئوچ	سنجاق یاگولی سەرسینە	سنجاق سینه
brood [1] *n*	برئود	جووجەلێ ـ جوجەلە کان	جوجه‌گان همزاد
brood [2] *v*	برئود	مات بیەی ـ خەمباربوون ـ بەحت بون	در فکر و اندوه فرورفتن
brook *n*	برئوک	جۆ ـ جۆگە ـ چەم	جویبار،نهر ـ تاب‌آوردن
broom *n*	برئوم	گزی ـ گزک ـ خرەبالە	جاروب دسته بلند
brother *n*	برادِر	برا ـ برالە	برادر ـ دوست‌صمیمی
brother-in-law *n*	برادِر این لو	برای ژن ـ برای شوو ـ شووی خۆشک ـ شووالێ	برادر زن ـ برادرشوهر، شوهر خواهر
brow *n*	براو	ئەبرۆ ـ برۆ	ابرو
brown *adj,n*	براون	قاوەیی رەنگ، برژان	قهوه‌ای(رنگ)ـبودادن

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	d3
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

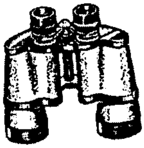
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
bruise[1] *n*	برووز	کوویا-کوویاگ-کوتراو	کوفتگی،کبودشدگی
brush[1] *n*	براَش	بروٚس-دیان شوٚر-قەڵەم موو	بُرس، قلم مو، مسواک
brush[2] *v*	براَش	مسواک دای-بروٚس کێشان	برس کشدین، برس زدن
brute *n*	بروت	حەیوان سفەت-حەیوان،جاش	حیوان،حیوان‌صفت،آدم‌وحشی
brutal *adj*	بروتِل	بێ رەحم-وەحشی-دڕ	وحشی،بیرحم،نفهم
brutally *adv*	بروتِلی	وەحشیانە، جاش بام	وحشیانه
bubble[1] *n*	بابل	قوڵ-بلّق-باکرد	حباب (هوا/گاز)
bubble[2] *n*	بابل	قوڵ کەردەی-بلّق کردن	حباب‌درست‌کردن،کف‌کردن
buck *n*	باک	جو تەخستن-لەقشەنەی ئاسکی نێر	گوزن‌نر،جفتک‌انداختن
bucket *or* **pail** *n*	باکیت	سەتڵە-ئاوهوٚرکێش-سەتڵ	سطل، دلو
buckle *n*	باکِل	بەرازوانە -قولاوەقەیش	سگک‌گیره،قلاب‌کمربند
bud *n*	باد	خونچە-گوٚ -خەواو	شکوفه، جوانه،غنچه
		گوٚپیتکە-غونچەوگولاٚنوپاوەی	هانه گەرمه له پاوه
budge *v*	باج	تەکان دای-تەکان دان(جوین)	تکان / حرکت دادن
		ڕاوەشاندن،جمنای	هیرویٚ غرب پاوه
budget *n*	باجیت	بووجە-تواز-کوٚما پوڵ بوکاریٚ	بودجه ـ اعتبار
bug *n*	باگ	ساسی-ساسی دارەمژە	ساس ـ عیب
bugle *n*	باگل	شەیپور-بوٚرە-زەنگیانە	شیپور،بوق‌ـ‌منجوق،سرنا
build *v(builder)*	بیلد	سازین-وەشکەردەی	ساختن، بنا کردن
building *n*	بیلدینگ	سازە-یانە-خانگ-خانو	ساختمان، بنا

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
bulb *n*	بالب	پیازەسەر ـ گڵۆپ ـ پیواز	پیاز ـ هرچیز پیازی شکل
bulge [1] *v*	بالج	باکردن ـ لەمئامەی	بادکردن، قلنبه شدن
bulge [2] *n*	بالج	سکـلەمە ـ قۆقزی، لەمئامە	برآمدگی، شکم
bull *n*	بول	گاوی نێر ـ نێرەگا، گاوهیت	جنس نر حیوانات، گاو نر
bullock *n* (کەڵەگا)	بولک	گۆرەکەی نێر ـ گوێرەکەنێرە	گوساله نر، گاو اخته
bulldozer *n*	بولدوزر	بۆڵدیزر، خاک هەڵگر	بولدوزر ـ خاکبردار
bullet *n*	بولیت	گرۆڵیە ـ گولله ـ تیرە ـ فیشەک	گلوله (تفنگ)
bully [1] *n*	بولی	زۆرواچ ـ ئازاردەر	شخص ضعیف کش / زورگو
bully [2] *v*	بولی	هۆرملی کەردەی هەڕەشە کردن	زورگویی کردن مریوان
bump [1] *v*	بامپ	تەقیای ـ لێدان، داوەنەی	خوردن، اصابت کردن
bump [2] *n*	بامپ	ماسا ـ باکردگ ـ دەسەناز	صدای وزز... ـ آماس، ورم
bumper *n*	بامپر	قەڵخانی ماشین ـ وەرپل	سپر (اتومبیل) ـ ضربه گیر
bun *n*	بان	جۆرەی کلووچێ، شەکەلەمێ	کلوچه ـ نان گرده
bunch *n*	بانچ	بنجە ـ دەستە ـ دەسە	خوشه، دسته، انباشتن
bundle *n*	باندل	پیارزە ـ تۆشەبەرە ـ کۆڵ	بسته، بقچه، دسته کردن
bungalow *n*	بان گِل نو	یانەوسەیرانی ـ ماڵی کەناری دەلیا کە باغی بێت	خانه ویلایی، خانه کوچک
bunk *n*	بانک	جێ خەوی تەسک بۆسەفەر	تختخواب باریک سفری
buoy *n*	بوی	رابەری ئاوگەر (کەشتی) لەدەلیا ـ ملەوانی دەلیا، شادمان	راهنمای شناور دریا ـ بویه ساین قه لا ۲

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
burden *n*	پردن	باری قورس-باری خه‌م	بارسنگین،سربارشدن
burglar *n*	برگلر	دز-جه‌رده-چه‌ته	دزد-ساق
burglary *n*	برگلری	دزی - چه‌ته‌یی	دزدی-وروودغیرمجاز
burn [1] *v*	برن	سۆچنای-سووتن،سوتاندن	سوختن - سوزاندن - ساختن
burn [2] *n*	بری	سۆتنه‌وه- سۆته‌ی	سوختگی
burrow *n*	بارئو	نکم-کیبه‌ره-ده‌خمه-سه‌رداو	دخمه، نقب
burst [1] *v*	پرست	تره‌کاندن - ته‌قای	ترکانیدن،منفجرشدن
burst [2] *n*	پرست	پۆقه-تره‌کینه‌وه-تره‌که‌ی	انفجار، ترکیدگی
bury *v*	پری	چاڵ کردن-سراوونای-بۆری	(مردمرا)دفن‌کردن،پنهان
burial *n*	پریال	ڕێوره‌سمی مردووناشتن	مراسم‌کفن‌ودفن،تدفین
bus *n*	باس	ئتوبوس	اتوبوس
bus stop *n*	باس ستوپ	ئیزگای ئتوبوس	ایستگاه اتوبوس
bush *n*	بوش	متکه-نزار-باهێر	بوته‌زمین‌لم‌یزرع،بوته‌زار
business *n*	بیزینز	کار-پێشه-کاسبی-تجاره‌ت	شغل-کاسبی-تجارت،دادوستد،
	بیزی‌نس		تجارتخانه-کار،مطلب،امر
businessman *n*	بیزینیس‌مَن	تاجر-مامۆڵه‌گه‌ر	تاجر، سوداگر، معامله گر
busy *adj*	بیزی	سه‌رگه‌رم - خه‌ریک	فعال ،کار، مشغول
busily *adv*	بیزی‌لی	جموجوڵکه‌ر-وه‌کارانه	فعالانه
		پرکار	میراوای ثلاث باباجانی
but	بات	به‌ڵام - وه‌ڵێ-جا	ولی، اما
butcher *n*	باچر	قه‌ساو	قصاب - کشتارکردن
butter *n*	باتر	که‌ره - که‌رێ	کره(روغن حیوانی)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
buttercup *n*	باترکاپ	گوڵی میٚرگ ـماس ماڵ	گل آلاله
butterfly *n*	باترفلای	پەپوولە ـ پاپلی	پروانه
button *n*	باتن	دگمە ـقولٚبچە ـدکمە	دکمه ـ شستی
buttonhole *n*	باتن هُل	یاگە دگمە ـجی دگمە ـسدج	مادگی،جادکمه،سماجت‌کردن
buy *v*	بای	سەندن ـئەسەی ـکرین	خریدن
buzz *v*(ویزەئامەی)	باز	گمەگم کەردەی ـوزەوزکردن	وزوز کردن
buzzer *n*	بازر	جۆری دەزگای تاقی کردنەوە(ئازمایش)،فیکەکەرە	نوعی‌دستگاه‌تست،زنگ
by *prep,adv*	بای	نزیک ـپاڵ ـبە ـبە دەست..تا کن ـ پاڵ ـ لە ـ بەر	نزدیک، کنار ـ با، بوسیله، از طریق ـ قبل از، پیش از، تا از پهلوی ـ از، اثر
by *and* **by** *adv*	بای‌اندبای	وەختێ وەنە ـبەمزوە	کم‌کم ـ انشاءاله
bye - bye *n*	بای‌بای	لای لای ـ خەیرهات	لالا(خواب) ـ خداحافظ
by - law *n*	بای‌لُ	یاسای تایبەت ـئایین نامە	آیین‌نامه‌ـقانون‌ویژه‌محلی
by path *n(pass)*	بای‌پَس	پەسەرا ـ رێگای کەنار	جاده‌فرعی‌ـراه‌کوتاه‌میانبُر
byzantine *adj*	بیزنتِن	رۆمی بیزانس	روم‌شرقی‌ـپیچیده‌ومرموز
by road *n (detour)*	بای رۆد	رێ لادەر ـپەسەرا ـتولەرا	جاده فرعی
by word *n*	بای ورد	مەتەڵ ـ عیبرەت	عبرت ـ ضرب المثل
bzmar *n*	بزمار	بزمار ـبزماری ناوی خودای مارکەلە مێژەوە کەلەکوردستان پرسیویانەو هەیکەلی لەکێوی ئەزمەرلەسەردەمی ئاشوریەکان بوەوکێوی ئەزمەریابزماربەناوی ئەو خودای مارەگیراوەوناوی ئاشوری خودای مار *gazmaro* تراوەوگۆرانی بزمارەبزمارەبۆ ئەوخودای مارەیابزمارە وتراوەولەکوردستان ئەم گۆرانیەلەمێژەوەباوبوە	میخ‌فولادی‌ونام‌رب‌النوع‌مار درکُردستان‌درعهدآشوریان بوده‌برفرازکوه‌ازمردرسلیمانیه‌عراق کانگه وهر ایل کرمانج

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near


BINOCULARS

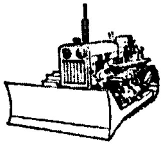

BUCKLE


BOWS


BARREL


BADGER


BLOCK AND TACKLE


BULLDOZER

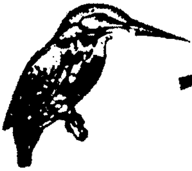

CROW


SWIFT


CUCKOO


SWALLOW

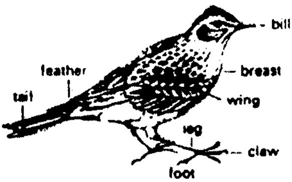

PIGEON


KINGFISHER


GREAT TIT


NIGHTINGALE


SPARROW



SKYLARK


ROBIN


بهرام کرمانشاه
پسر شاهپور سوم
۲۸۸-م

C c

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
C *n*	سی	سێ یه‌م پیتی ئه‌لفبا	سومین حرف الفبای انگلیسی
canni	کانی	کانی (هانه-چه‌مه)	چشمه‌آب-خدای صخره
cabllagh *n (sabllakh)*	سابلاغ	ناوی کۆنی شاری رازاوه‌ی مه‌هابادله‌سه‌رده‌مێ ماد	نام‌قدیمی‌شهرستان‌مهاباد که‌ازنام‌رب‌النوع‌سبزه‌زاران گرفته‌شده‌در عهد مادها
cab *n*	کَب	درۆشکه-تاکسی-ئوتاقی‌شوفێر	تاکسی - اتاقک کامیون
cabbage *n*	کَبیج	تۆپه که‌له‌م-که‌له‌م	کلم، کلم پیچ
cabin *n*	کَبین	که‌وێڵی چۆین-که‌پره	کابین - کلبه چوبی
cabinet *n*	کَبینت	کۆمه‌ڵی وه‌زیران-قه‌فه‌سه‌وکومد	قفسه‌کابینه،هیئت‌دولت
cable *v*	کیبل (کابل)	ته‌نافه-کابڵ-ته‌نافه‌ی ته‌لینه	سیم‌روپوشدار-کابل-تلگراف
cackle *v*	ککل	ده‌نگی مر(مامر)ده‌رهاوردن ده‌نگوو که‌رگێ به‌رئه‌ورده‌ی	صدای مرغ در آوردن
cactus *n*	ککتوس	کاکتوس جۆره گیایه‌ک	کاکتوس
cafe *n*	کافِی	قاواخانه-کافه-چایخانه	کافه، قهوه خانه
cage *n*	کیج	قه‌فه‌سه - قه‌فه‌س	قفس (میله داری فلزی)
cake *n*	کیک	که‌یکه-جۆره‌ی شیرینی نانی	کیک - قالبی‌یه‌خ
calculate *v*	کَلکیولیت	حساب‌کردن-حه‌ساوکه‌رده‌ی	حساب کردن
calculation *n*	کَلکیولیشن	حساب-له‌یه‌ک‌دای-حه‌ساو	برآورد، پیش بینی
calendar *n*	کالندِر	ته‌قیۆم-گانام-ساڵ‌سرنج	تقویم، سالنامه

ʊə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
calf [1] *n*	کَلف	گۆره‌که-گوێره‌که-پوزی پێ	گوساله،عضله‌پشت‌ساق‌پا
calf [2] *n*	کَلف	پوزی پا-پوزه‌وپای	ساق پا
call [1] *v*	کۆل	بانگ‌کردن(چریەی) ته‌قازا کردن-ته‌له یفون‌که‌رده‌ی	نامیدن ـ فریاد زدن ـ دیـدار کردن، تلفن / صدا زدن
call [2] *n*	کۆل	فه‌ریادـپێخام-دیدار-خه‌بەر	فریاد ـ دیدار ـ احضار، خـبر، (از طریق) تلفن (کس یرا خواستن) ـ تقاضا
calm *adj*	کام	ئارام-بێ ده‌نگ-هێمن	آرام،ساکت،آرامش
calmly *adv*	کاملی	به‌ئارامی-به‌هێواش	به آرامی
came *see* **come**			
camel *n*	کامِل	هوشتر ـ وشتر	شتر
camera *n*	کامِرا	دووربینی وێنه گرتن	دوربین (عکاسی/...)
camouflage [1] *v*	کَموفلاژ	لیباسی خۆگۆڕین-سیپاڵێ وێ شارده‌ی-بۆمه‌ره‌نگ‌بون	لباس استتار-نهان سازی
camouflage [2] *v*	کَموفلاژ	وێ پوژنای-خۆگۆڕان	استتارکردن-نهان‌سازی
camp [1] *n*	کَمپ	ئوردوو- ئوردووگا	کمپ،اردو،اردوگاه
camp [2] *v*	کَمپ	چادرهۆردای-چادرهه‌ڵدان	در کمپ زندگی کردن
camping *n*	کَمپینگ	له‌چادرژیان‌کردن	زندگی در کمپ
campaign *n*	کَمپِین	ئوردوکه‌شی-نه‌خشه‌خه‌بات	لشکرکشی-طرح‌مبارزه
can [1] *v*	کَن	توانین ـ تاوای	توانستن، قادر بودن
can [2] *n*	کَن	قتوه‌ی حه‌ڵه‌وینه-کونسرف	قوطی حلبی / کنسرو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
canal *n*	کانال (کَنَل)	کیبه‌ره‌ـکیه‌ـئاورا	کانال‌دست‌ساز،آبراه
canary *n*	کَنِری	قه‌ناری	قناری
cancel *v*	کن سِل	خراوکردن‌ـبه‌تاڵ کردن قرتنای	حذف / باطل کردن
cancer *n*	کَن سِر	سه‌ره‌تان،ده‌ردی گران	بیماری‌سرطان،بُرج‌سرطان
candidate *n*	کَن‌دی‌دِیت	وێ گه‌ره‌گ‌ـخۆخواز حازرباش،نام‌براو	داوطلب،نامزد کاندید
candle *n*	کَندِل	شه‌مه ـ شه‌مع	شمع
cane [1] *n*	کِین	نه‌یجێ‌ـقامیش‌ـگیاشه‌که‌ر	نی،خیزران‌ـعصا
cane [2] *v*	کِین	به‌نه‌یجه‌لێدان‌ـفه‌لاقه‌کردن	با چوب خیزران تنبیه کردن
cannon *n*	کَنِن	تۆپه‌ـتۆپی شه‌روفرۆکه	توپ‌بزرگ‌جنگی،توپ‌هواپیما
canoe *n*	کِنو	ئاوگه‌رـقایق‌ـئاوگێڵ	بلم، زورق، کرجی
canteen *n*	کَنتین	جێی نان خواردن‌ـیاگێی نان‌وارده‌ی‌ـمه‌تاره‌ئاو	کانتین‌رستوران‌ارتشی قُمقُمه آب
canvas *n*	کَنوِس	جنسی‌که‌تانی‌ـپارچه‌ی‌که‌تانی	کرباس، برزنت
cap *n*	کَپ	کلاوبۆرگه‌ـکلاوی شه‌وان	شب‌کلاه،کلاهک،سرپوش
capable *adj*	کَپ اِبل	وه‌کارـزموخت‌ـلایق جه‌ده‌س ئامه	لایق،بااستعداد،باعُرضه
capacity *n*	کَپ سیتی	ئه‌ندازه‌ـجێ داری‌ـناوه‌رۆک	گنجایش،ظرفیت،لیاقت
cape *n*	کیپ	جۆره‌ری چاروا‌ـتی کێوه وشکامی‌لوابۆدلێ ئاوێ (ده‌لیا)‌ـئاودر	دماغه ـ شِنل

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
capital *n*	کَپیتال	پایتەخت۔پاتەخت دەس مایە	پایتخت۔حرف‌بزرگ
		پیتی گەورەلە ئەلفبا	سرمایە
captive *n*	کَپتیو	دیل۔ئەسیر۔گیراو۔گیریا	اسیر،دستگیر،دلباختە
capture *v*	کَپچر	گرتن۔بەدیل گرتەی	اسیر / دستگیر کردن
car *n*	کار	ماشین ۔ ماشێن	اتومبیل۔اطاقک‌آسانسور
car park *n*	کارپارک	یاگەماشین۔جێ ماشین	پارکینگ
caravan *n*	کَرَوَن	کاروان	کاروان
carbon *n*	کاربن	زوخاڵ۔کەربون	کربن ۔ شاربون
carcass *n*	کارکز	کەلاک۔لاشە۔مردار	لاشە، مردار
card *n*	کارد	کارت۔وەرەق۔کارتە	کارت،ورق۔کارت‌تبریک
cardboard *n*	کاردبورد	مقوای ناسکە۔ئاسەری	مقوا، شومیز
cardigan *n*	کاردی جن	ژاکەتی پەژمین۔جاکەت	ژاکت پشمی
cardinal *n*	کاردینال	کاردینال لە کلیسا۔ئەسڵ	کاردینال‌کلیسا۔عُمده
care [1] *v*	کِر	لەلەودایانی کەردەی	پرستاری‌کردن،نگرانی
		هۆشیاری کردن۔چاودێری کردن	عشق ورزیدن
care [2] *n*	کِر	هۆشیاری۔ چەمداری	پرستاری ۔ مواظبت
		پەرەستاری	
careful *adj*	کِرفول	هۆشیار۔جک۔دەقێق	مواظب،بالاحتیاط۔حواس‌جمع
careless *adj*	کِرلیس	ساواڵە۔ بێ خێاڵ	بی‌احتیاط۔سربه‌هوا
cargo *n*	کارگ ئو	بار ۔ ئەسپاو	بار، محموله
carpentry *n*	کارپن تری	چۆتاشی۔ چێوتاشی	درودگری، نجاری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
carpenter *n*	کارپن تر	چێوتاش ـ چۆتاش	درودگر، نجار
carpet *n*	کارپیت	قاڵی ـ قاڵیە ـ بەڕ	قالی، زیلو، فرش
carriage *n*	کاریج	درۆشکە ـ دیوی قەتار	واگن قطار ـ کالسکه
carrot *n*	کَرئوت	هەویج ـ گزەرگ ـ کەزەر	زردک، هویج
carry *v*	کَری	بەردەی ـ بردن، گەیاندن	حمل‌کردن،بردن،فتح‌کردن
bag carrier	کَریِر	توورەکەی نایلۆنی	ساک پلاستیکی / کاغذی
or **carrier** *n*		تورەکەی باغەین ـ دەڵق	دسته دار
cart *n*	کارت	گاری ـ درۆشکە	گاری ـ حمل‌کردن
carton *n*	کارتُن(کاتِن)	جابەی مەقەوایی ـ مقەبا	کارتن‌ـپاکت‌ـبسته
carve *v*	کارو	تاشای ـ کەندن ـ بەرئەوردەی جە	کنده کاری‌کردن،قاچ‌کردن
case 1 *n*	کِیز	داوا ـ مەرافە ـ سەرهات	سرگذشت ـ دعوا، زد و خورد
		وەزعە ـ کێلان ـ کز ـ جلد	ـ نوع بیماری، الت، وضع
case 2 *n*	کِیز	سەنۆق ـ جلد ـ قاپ ـ رووبەند	جعبه،جلدـغلاف
cash 1 *n*	کَش	پوولی نە خت	پول نقد ـ تنخواه
cash 2 *v*	کَش	نەخت کەردەی ـ پووڵ	چک را نقد کردن
		نەخت کردن	
cashier *n*	کَش یِر	سەنۆق دار، خەزانەدار	صندوقدار، تحویلدار
caspian sea *n*	کَس‌پین‌سی	دەلیای مازندەران ـ دەریاو	دریای‌خزردرشمال
		خەزەری	
cassette *n*	کاسیت	شریتی کاست ـ نەواری تۆمار	نوارکاست‌ـنوارویدئو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cast *n*	کاست	عەمەل ـ کار ـ پێشە	ژل،نقش ـ اثر ـ روحیه
castle *n*	کاسِل	قەڵا ـ کۆشک ـ عمارەت	دژ،قطعه‌نظامی،قصر
casual *adv*	کاژوال	ناوامەـهۆرکەوت ـ ناکاو	اتفاقی ـ معمولی
		هەڵکەوت	نامرتب
cat *n*	کَت	کتە ـ کتک ـ پشیلە	گربه ـ گربه سان
catalogue *n(log)*	کاتالوگ	ناواخن ـ کاتالۆگ	کاتالوگ،فهرست‌نامه
	(کَتِ لوگ)	سوورەت	
catch [1] *v*	کَچ	گرتن ـ گرتەی ـ بەدەس ئەوردەی	گرفتن ـ بدست آوردن
catch [2] *n*	کَچ	دەسگیرە ـ گرتە ـ بگر	دستگیره ـ اخن ـ چفت
category *n(pl-ries)*	کَتِگِری	جۆر ـ دەستە ـ دەسە ـ چین	نوع،طبقه،دسته ـ صنف
caterpillar *n*	کَترپیلر	کرمی دار ـ کرمەی سەدپا	کرم‌صدپا ـ کرم‌حشره
cathedral *n*	کِتی درِل	کلیسای گەورەی ناوشار	کلیسای جامع شهر
catholic *n,adj*	کاتولیک	کاتولیک ـ لەقی دینی مەسیح	کاتولیک ـ همگانی
cattle *n*	کَتِل	ماڵات ـ گەلەی گاو	احشام و اغنام، گله گاو
cauliflower *n*	کولی فلَور	گوڵەکەلەم	گل‌کلم ـ کلم‌گل
cause [1] *v*	کوُز	سەبەب بیەی ـ باعیس بودن	سبب شدن، ایجاد شدن
cause [2] *n*	کوُز	سەبەب ـ دەلیل ـ باعیس	سبب، علت، دلیل ـ هدف
caution *n*	کوُشِن	هۆشیاری ـ پارێز ـ بەسەور	هوشیاری، احتیاط
cautious *adj*	کوُشِر	نتم ـ هۆشیار ـ بۆزەن	محتاط، مواظب
cautiously *adv*	کوُشِزلی	هۆشیاری ـ پارێز ـ بەسەور	هوشیارانه
cave *n*	کاو	مغار ـ ئەشکەوت ـ مەرە	غار
cease *v*	سیز	دەس کێشان لە ـ مندرای جە	ایستادن، دست کشیدن

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
ceaseless *adj*	سیزلس	هەمیشە ـ دایم	دائم،پیوسته،همواره
ceaselessly *adv*	سیزلس لی	هەمیشەیی ـ دایمی	به طور دائمی
ceiling *n*	سیلینگ	میچ ـ چێربان ـ ژێربان	سقف،حداکثرقیمت
celebrate *v*	سِلیبرِیت	جەژن یاعەیدکەردەی	عید / جشن گرفتن
		چەژن گرتن	بزرگداشت
celebration *n*	سیلیبریشن	چەژن – تەدارەک	مراسم، جشن
cell *n*	سِل	سلۆل ـ ئۆتاقی بچووک	سلول‌زندان‌ـسلول‌بدن،باتری
cellar *n*	سِلار(سِلِر)	ژێرزەوی ـ سەرداو	سردابه، سرداب‌زیرزمینی
		چێرەزمین همارەشەراو	دخمه
cement *n*	سیمنت(سمینت)	سیمان ـ چەسپ ساروج	سیمان،سمنت،سیمان‌کردن
cemetery *n*	سِمِتِری	قەورسان ـ گۆرستان	قبرستان، گورستان
census *n*	سِنسِز	سەرژمێری ـ هەژمار ـ سوورەتنامە	سرشماری،آمارـاحصاء
cent *n*	سِینت	یەک سەدۆمی دولار	سنت(واحدپول)یکصدم‌دُلار
		سە دیە کی دولار	
centigrade *n*	سِنتیگرید	سانتی گراد ـ سەددەرەجە	سانتیگراد
centimetre *n*	سینتیمتر	سانتی متر	سانتیمترـیکصدمتر
centre *n*	سِنتر	ناوەراست ـ دلێ راسەتی	مرکز،وسط ـ کانون
		ناوەند	محل تجمع
central *adj*	سِنترال	ناوەراستی ـ دلێ راسەیی	مرکزی ـ میانی
century *n*	سِنچِری	قەرن ـ سەدە، سەدسالّ	قرن، سده،صدسال
cereal *n*	سیرییل	خەلە، سبحانە	غله،حبوبات،صبحانه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ceremony *n*	سِریمونی	جەژن ـ ساڵ هات ـ رەسم	مراسم،سالروز،تشریفات
certain [1] *adj*	سِرتِن	دڵنیا ـ خاترجەم ـ بزانە ـ بێ زەند	مطمئن، قطعی، مسلم
certainly *adv*	سِرتِن‌لی	بەخاترجەم ـ بەدڵنیایی	به طور حتم، البته
certify *v*	سِرتی‌فای	قەبول کردن	گواهی‌کردن‌ـ‌تضمین‌کردن(چک)
certificate *n*	سِرتیفیکیت	مەدرەک ـ خۆناس نامە	مدرک،گواهینامه‌ـ‌پروانه
		بنچاق ـ گەواهی، جەواز	جواز ـ سند
chain [1] *n*	چین	زەنجیر ـ زری	زنجیر‌ـ سلسله
chain [2] *v*	چین	زەنجیرکەردەی ـ زەنجیرکردن	زنجیرکردن‌ـ‌مقیدکردن
chair *n*	چِر	کەت ـ سەرنیش ـ تەختی دانیشتن	صندلی،کرسی‌ـ‌مقام
chairman	چِرمِن	سەرۆک ـ سەرپرس ـ رەیس	رئیس،رئیس جلسه وکمیته
chalk *n*	چوک	خۆڵەسپی ـ گەچ	گچ‌ـ‌گچ تحریر،گل سفید
	(چئوک)ـ چاک		
challenge [1] *v*	چَلینج	تاقی کەردەی ـ داخواز	آزمایش / رقابت کردن
		لێ کردن – هەڵدان	به مُبارزه‌خواستن
challenge [2] *n*	چَلینج	تاقی کرد ـ دژبەشەرخوازی	مبارزه‌ـ‌آزمایش‌ـ‌عرض‌اندام
champion *n*	چَمپیِن	پاڵەوان ـ قارەمان ـ گوربز	پهلوان،قهرمان،مبارز
championship *n*	چَمپیِن‌شیپ	پاڵەوانی ـ قارەمانی	قهرمانی
chance *n*	چانس	شانس ـ ئیقباڵ ـ هەڵکەوت	اتفاقی،شانسی،اقبال،بخت
change [1] *v*	چنج	وارای ـ گۆڕین ـ وردە پووڵ	عوض شدن / کردن
change [2] *n*	چنج	پووڵەوردە ـ بگۆڕی ـ بواری	پول خرد،تبدیل‌کردن
		بوار ـ پوڵ گۆڕان	معاوضه

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
channel [1] *n*	چَنِل	کیبه‌ره‌ـکیه‌ـچاروٚله	آبراهه،کانال، نهر
		ئاوگوزهرـشه‌به‌که‌ـکاریٚز	مجرا
channel [2] *v*	چَنِل	کیبه‌ره‌که‌نه‌ی‌ـکیه‌که‌ندن	کانال‌کندن،مجراساختن
chant [1] *v*	چانت	گوٚرانی‌واته‌ی‌ـسوٚزکردن	سرود / آواز خواندن
chant [2] *n*	چانت	گوٚرانی‌ـسوٚز-ئاوازـدیلانیٚ	سرود،آوازـشعار
chapel *n*	چَپِل	کلیسای‌بچووک‌ـیاگه‌نما	کلیسای‌کوچک،نمازخانه
		نما ـ نویٚژ	تالارختم
chapter *n*	چَپتِر	به‌ش‌ـقسمه‌ت‌ـعنوان	فصل/قسمت(کتاب)،شعبه
character *n*	کَرَکتِر	ته‌بعه‌ـخلوٚقه‌ت‌ـشه‌خسیه‌ت	شخصیت(داستان،...)،سرشت
characte ristic *n*	کَریکتِریستیک	جیاوازی‌ـنیشانیٚ‌ـنیشان	ویژگی،ماهیت،قسم
charcoal *n*	چارکئول	خه‌لوٚزـزخواڵ	زغال چوب
charge [1] *v*	چارج	پووڵ‌داواکردن‌ـئه‌ره‌کووای	پول مطالبه کردن ـ سرزنش
		بوختان‌کردن‌ـسه‌رکوتکردن	کردن، حساب‌کردن
charge [2] *n*	چارج	خه‌رج‌ـقیمه‌ت‌ـهیٚرش	هزینه‌ـ سند ـ یورش
		هوٚشیارـ شارژ	خرج ـ مراقب ـ اجرت
charity *n*	چریتی	سه‌داقه‌ـ خه‌یرخوازی	خیرخواهی‌ـصدقه،نیکوکاری
		ده‌سگیری‌له‌ـکه‌رم	مؤسسهٔ خیریه
charm [1] *v*	چارم	دڵکیٚش‌که‌رده‌ی‌ـله‌زه‌ت‌بردن	لذت‌بردن،مفتون‌ساختن،جادو
charming *adj*	چارمینگ	شادـنمه‌کین‌ـزه‌ریف‌ـدڵبه‌ر	بانمک،ملیح،شاد،جذاب
charm [2] *n*	چارم	جوانی‌ـته‌لیسم‌ـنمه‌ک‌دار	ملاحت،طلسم،افسون

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
chart *n*	چارت	نەقشەی (جوغرافیا ـ دەلیا ـ هندسە)	نقشه (جغرافیائی/هندسی) نمودار
chase [1] *v*	چیز	لەدواچوون ـ شوێنەرەلوای	دنبال کردن ـ فرار دادن
chase [2] *n*	چیز	بەشوێن ـ دواچوونە ـ چاودێری	دنبال، پی، تعاقب
		چەموزی شوێن گرت	
chat [1] *v*	چَت	قسێ دۆسانێ کەردەی	گفتگوی دوستانه کردن
		وت وویژی دۆستانە کردن	گپ زدن
chatter *v,n*	چِتِر	راودای ـ ژاژۆلبیەی	یاوه سرایی کردن
		زۆردوان ـ دیان چیرێ	زرزر ـ وزاجی
cheap *adj*	چیپ	هەرزان ـ کەم قیمەت	ارزان، کم‌بها، نامرغوب
cheat [1] *v*	چیت	فەریودان ـ خلەتنای	فریب دادن، گول زدن
cheat [2] *n*	چیت	زۆل ـ دەسبر ـ کەلەکباز، گەرباز	کلاهبردار، متقلب ـ جرزن
check [1] *v*	چِک	ئەوەپەرسای ـ پۆرەیاوای	کنترل کردن، چک کردن
		لێکۆڵینەوە ـ پرس کردن	جلوگیری کردن
check [2] *n*	چِک	کۆڵینەوە ـ دیاپۆرە، وێسان	کنترل، بازبینی، توقف
		چەم داری ـ دیسان بینی	
cheek *n*	چییک	گۆنا ـ گولم ـ کولم، روداری	گونه (صورت)، گستاخی، لُپ
cheeky *adj*	چییکی	زۆلولاوبەلووی ـ بێ ئەدەب	پررو، گستاخ، وقیح
		روودار ـ مل هۆر	
cheer [1] *v*	چیِر	ئافەرین وتن ـ وەشحاڵ	فریاد شادی سردادن
		بیەی ـ قیواندن، چیرێ کەردەی	مسرور بودن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cheer [2] *n*	چیر	ئافەرم-ئافەرین،رازی بون	هورا،فریاد،تحسین،سرور
cheerful *adj*	چیرفول	وەشی-شادی-دڵ وەش فەرێح- مەسروور	بشاش، شاد، مسرور دلباز
cheerfully *adv*	چیرفولی	بەشادی-بەمەسرووری	شادمانە-مسرورانە
cheese *n*	چییز	پەنیر-پەنێرە	پنیر
chemical [1] *n*	کمیکل	دەرمان-شیمیاوی	شیمیائی
chemical [2] *adj*	کمیکل	مادەی شیمیاوی-داروو	ماده شیمیائی
chemist *n*	کمیست	دەرمانساز-شیمیزان-دارووساز	داروساز - شیمیدان
chemistry *n*	کمیستری	شیمی-علمی زانستی مادەکان	شیمی - علم شیمی
cheque *n*	چک	باتی پوڵ-چەکی بانگ چەکووبانگی	چک، حواله
chest *n*	چست	سەنۆق-لاتای سینە-سینگ	قفسه سینه - جعبه بزرگ
chew *v*	چوو	ژاوای-هەجوین-کاوێژ	جویدن - چیزجویدنی
chick *n*	چیک	جووڵک-جوجەڵێ	جوجه، جوجه مرغ
chicken *n*	چیکن	کەرگە-مر-مریشک-مامر	مرغ-ترسو-گوشت مرغ
chief [1] *adj*	چییف	زۆربە-بەشی فرە-سەرتەرجە بانترلە-فرە-زۆر	مهمترین، عمده-فرمانده سردسته
chiefly *adv*	چییف لی	فرەتر-فرەوجاری-زۆرتر	اغلب،بیشتر،بطورعمده
chief [2] *n*	چییف	سەرۆک-گەورە-رابەر	حکم، رئیس، رهبر
chieftain *n*	چییف تین	رەیس-سەرپرس-سەرپەل (گرۆ)	شیخ،رئیس قبیله-سالار

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
child *n*	چایلد	زاورۆـمناڵـزەورۆ	بچەـپسر/دخترـجنین
childhood *n*	چایلد هُد	منالّی ـوەختووزەورۆیی	بچگی، طفولیت
		تلّفی،کاتی منالّی	
childish *adj*	چایلدیش	زەوروانەـمنالاّنە	کودکانە،بچەگانەـبی‌تجربە
childishly *adv*	چایلدیش‌لی	تلّفانەـ منالاّنە	کودکانەوار
chime *v*	چیم (چَیم)	زەنگ‌لیّدان ـزەنگ‌وەنەدای	نواختن (زنگ،...)
chime *n*	چَیم	زە نگ	زنگ، ناقوس
chimney *n*	چیم نی	دووکەڵبەرـدووکەڵ کیّش	دودکش
chimpanzee *n*	چیم پنزی	شمپانزەـجۆری مەیمون	شمپانزه
chin *n*	چین	چەناکە ـ زنج	چانه،زنخدان‌ـبارفیکس‌کردن
china *n*	چَینِ‌ـچینِ	چینی جاتـمووری مازی	چینی(آلات)ـکشورچین
		مازەی پشت،وەلاّتی چین	
chip [1] *n*	چیپ	کەلـنوقسانـقاژـتوی	لب پریدگی (شکستنیها)
		سیّوەزەمینەی سوورکراو	برش‌نازک‌سیب‌زمینی‌سرخ‌شده
			میکروچیپ‌ـبُرادەـمُهر
chip [2] *v*	چیپ	کەلکەردەیـقاژکەردەی(کردن)	لب پریده کردن
		رەندەکردنـلیّوقرتان	تراشه کردن
chirp *n*	چیرپ	جیکەجیکـجیرجیر	جیک‌جیک‌وجیرجیرکردن
chocolate *n,adj*	چاکلیت	چکلیتـجۆری شیرینی	شکلات ـ کاکائو
		لەشیروشەکەر	
choice *n*	چویس	هەڵبژیرـهۆروچن‌ـجیاکربامال	انتخاب،پسندـچارەـخوب

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
choir *n*	کوِیر(کوایِر)	چینی هەڵپەرکەـدەسەو گۆرانی واچان(دۆعاکەران)	گروه کُر، گروه همخوان
choose *v*	چووز	هەلبژاردن ـهوروچن یەی	برگزیدن، انتخاب کردن
chop [1] *v*	چُوپ	لتکەردەی ـوردکردن (گۆشت) -جیاکەردەی	با تبر / با کارد ریز کردن
chop [2] *n*	چُوپ	گۆشتی پیشەدار	گوشت با استخوان
chorus *n*	کورِس	دەستەی گۆرانی بێژان دەسەوگۆرانی واچان	گروه آوازخوان
christen *v*	کریستن	نامێ نیای ـناوی مەسیح بۆکەسێ نان	نام تعمیدی مسیحی روی کسی گذاشتن
christening *n*	کریستینینگ	خۆشۆردنی مەسیحیەکان وێ شتەو مەسیحیان جەر وێوەتایوەتیەنە	مراسم تعمید
christian *n*	کریس چِن	مەسیحی ـنسەیری	مسیحی
christmas *n*	کریسمِس	جەژنی لەدایک بونی مەسیح	عیدمیلادمسیح
chuckle *v*	چاکل	بەبزەکەنین ـبەدەم قووجیای خوای	نخودی‌خندیدن،هرهرخندیدن
chuckle *n*	چاکل	دەم خوەـخندەلێوـخندەی نادیار ـ بزە	لبخند،تبسم،خنده‌ملایم
church *n*	چرچ	کلیساـدەیرەونسەیریان مزگی مەسیحیان ـکەنیسا	کلیساـفرقه‌مسیحی

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cigar *n*	سیگار	جگەرەی لاپێچ ـ سیگاری بەرگ	سیگار برگ
cigarette *n*	سیگرِت	جگەرە ـ سیگار ـ دووکەڵی دەم	سیگار / سیگارت
cinema *n*	سی‌نِما	سینما ـ یانێوە تایبەت کە شێوە (وێنە) ئیشانە مە دریۆ	سینما ـ سالن سینما
circle *n*	سِرکِل	بازنە ـ خرخاڵ ـ هەڵقێ جەم خانە ـ خرەر ـ کۆر	دایره ـ محفل، انجمن باند ـ دورزدن
circular *adj*	سِرکیولِر	خرت ـ خر ـ خە بەرنامە	مدور، گرد، بخشنامه
circulate *adj*	سِرکیولیت	دەوروّدای ـ هەڵۆگەڕیان بلاّ وکردن ـ بادان	دورزدن، پخش کردن
circulation *n*	سِرکیولِشن	دەور ـ بلاّو ـ گێلیا ـ بەش کەرد	گردش، دور ـ پخش
circumference *n*	سِن‌کام‌فِرِنس	دەوری دایرە	محیط دایره
circumstances *n*	سِرکِم اِستِنس	وەزعە ـ پێشامەدێ پێش هاتەکان ـ قۆمان	پیشامدها ـ اوضاع شرایط
circus *n*	سِرکِس	سیرک ـ مەیدان ـ شوێنی نیشان دانی گیان لەبەرەکان	سیرک ـ بازیگران سیرک
citizen *n*	سیتیزن	ناوشاری ـ دلێ شاری ـ شاری ژیان لە شارکەر	شهروند، شهری ـ تبعه
city *n*	سیتی	شار ـ شاری گەورە	شهر بزرگ
civil *adj*	سیویل	بە ئەدەب ـ عەدەو ـ مەدەنی	مؤدب ـ غیرنظامی ـ متمدن
civil service *n*	سیویل سرویس	خزمەتووسە ـ روازی کارمەندانی وەتەن	کارمندان و خدمت کشوری

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
civilian *n*	سیویل یِن	غه‌یری نیزامی ـ تایبه‌تی که‌سیٚ	شخصی،غیرنظامی
civilize *v*	سیویل آیز	به‌ته‌مه‌دن ئه‌ورده‌ی	متمدن کردن‌یاشدن
		مه‌ده‌نی کردن	
civilization *n*	سیویل اِی	ته‌مه‌دن ـ مه‌ردمی قانووندار	تمدن، مدنیت
	زِیشن	و به‌فه‌رهه‌نگ	
claim 1 *v*	کلِیم	هه‌ق داربیه‌ی ـ گه‌ره‌ک بیه‌ی	حق داشتن، خواستن
		لیٚ خواستن ته‌لٚه‌ب	ادعاکردن
claim 2 *n*	کلِیم	لیٚ خواز ـ گه‌ره‌ک جه	مطالبه،ادعا،دعوی
		هه‌ق له‌(جه)خوازین	طلب
clang *n*	کلَنگ	ده‌نگی لیٚدانی دووچت	صدای (زنگ / ناقوس /...)
		ده‌نگی زه‌نگ ـ ته‌قه ئامه‌ی	صدای چکش
clap 1 *v*	کلَپ	چه‌پلٚه‌ کووای ـ چه‌پلٚه‌ لیٚدان	کف زدن، دست زدن
clap 2 *n*	کلَپ	ده‌نگی چه‌پلٚه‌ لیٚدان	صدای‌رعدآسای‌کف‌زدن،تق
		ده‌نگووچه‌پلاٚن ـ ته‌قه	
clash 1 *v*	کلَش	جۆرنه‌ویه‌ی ـ یۆره‌لوای	درگیر شدن ـ ناهماهنگ بودن
		پۆقه ئامه‌ی ـ شکیان	ناسازگاری
clash 2 *n*	کلَش	له‌یه‌ک دان ـ ده‌نگی شکان	درگیری،سرکوبی،برخورد
		هۆرته‌ق	
clasp 1 *v*	کلاسپ	تن(تند)گرته‌ی ـ له‌باوش گرتن	محکم نگه داشتن
clasp 2 *n*	کلاسپ	به‌رازوانه ـ ئه‌نجامه، قولاو	چفت،سگک،گیره،بندینه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
class *n*	کلاس	کەلاسی دەرس-جۆر	کلاس درس ـ طبقه،نوع
		نهۆم ـ قات،دەستە	دسته
classroom *n*	کلاس رووم	ئوتاقەودەرسی-کەلاسە	اتاق درس، کلاس
		کە لاس ـ ئامۆزگا	
clatter *n*	کلَتِر	قاڵـدەنگی بەرز-قەرەباڵخ	سروصدای بلند،تق تق
clatter *v*	کلَتِر	قاڵەقاڵ کەردەی-دەنگ	سروصداکردن،تاق تاق
		درهاتن-دەنگ ئامەی چێوەی	کردن
clause *n*	کلوز	ناتەواورەست-جملەی	عبارت(گرامری)ـماده
		دەستووری کورت-فەقەرە	بند ـ جزء
claw [1] *n*	کلو	پەنجە-چەپۆڵە-چنگ	پنجه، چنگال، چنگ
		چنگۆڵ	ناخن تیز
claw [2] *v*	کلو	چنگۆڵ گرتەی-چنگ گرتن	چنگ زدن، چنگال کشیدن
		کلاوەدەس ـ زریای	خراشیدن
clean [1] *adj*	کلیین	تەمیس-خاوێن-پاک	تمیز-پاک-نظیف
clean [2] *v*	کلیین	تەمیزوپاک کردن-تەمیس کەردەی	تمیز / پاک کردن
cleaner *n*	کلیینر	تەمیس کەر-پاکۆکەر	نظافتچی-پاک کُن
		خاوێن کەر	
clear [1] *adj*	کلیر	زەلاڵ-رۆشن-روونا ک-دیار	آشکار،رسا-زلال،صاف
clearly *adv*	کلیرلی	بەرۆشنی-بەئاشکرا	بوضوح، بروشنی
		رۆی رۆشن	

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
clear ^{2} *v*	کلیر	تەمیزکردن-پاککەردەی	تمیز کردن، براق کردن
		برێقەوسەی	بی‌گناه بودن
clergyman *n*	کلرجی مَن	پیاوی ئایینی-کەشیش	روحانی، کشیش
		شێخی مەسێحی	
clerk *n*	کلرک	کارمەند-جێگری سەرپرس	منشی،دبیر-دفتردار
		رەیس یار	
clever *adj*	کلِور	هۆشدار-زیرەک-ئوستاد-قابل	زرنگ،باهوش،زیرک،زبل
cleverly *adv*	کلِورلی	هۆشدارانە-زیرەککانە	زیرکانه
		بەوریایی	
cliff *n*	کلیف	چیای بەردین-رژاق-لووتە	صخره-پرتگاەسنگی
		توەن - هەورازەبەرد	
climate *n*	کلای میت	ئاوهەوا-چۆنیەتی ئاووسەعات	آب‌وهوا - اقلیم
climatology	کلیماتولوژی	مەڵبەندناسی ئاوهەوا	اقلیم شناسی
climb ^{1} *v*	کلایم	سەرلوای-هاتنەبان-کەشەوانی	بالارفتن-کوه‌پیمائی
		کەردەی-سەرکەوتن لەکەل	
climb ^{2} *n*	کلایم	کەشەوانی-هۆر-سەرچوون	صعود، بالا روی
cling *v*	کلینگ	وێ لکنای-تندگرتەی	محکم‌چسبیدن-نگهداشتن
		خۆشواردن بە - گرتن	
clinic *n*	کلینیک	دەرمانگا-جێ دەرمان	کلینیک، درمانگاه
		یانەدەرمان	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
clip [1] *n*	کلیپ	گیره ـ گیردەر	گیره‌کاغذ،سنجاق،پنس
clip [2] *v*	کلیپ	قرتنای ـ بەگیرەبەسەی مووبرین، خوری چنین	باگیره‌بستن،بریدن محکم‌زدن
cloak *n*	کلئوک	کەوا ـ کووا ـ تەن پۆش	ردا،خرقه،شنل،عبا
clock *n*	کلاک	تاوشمار ـ سەعاتی دیواری کات ژمێری ماڵ	ساعت دیواری
clockwise *v*	کلاک وایز	گەریان وەک سەعات ـ گێلای پسەوسەعاتی	در جهت حرکت عقربه ساعت
anticlockwise *adv*	آنتی کلاک وایز	گەریان دژبەسەهات ـ چەپوانە وسەعاتێ لوای	عکس جهت حرکت عقربه ساعت
close [1] *v*	کلئوز	بینای ـ بەستن ـ تەواوکردن	بسته‌شدن،بستن،بندآوردن
close [2] *adj*	کلئوز	نزیک و ئاشنا ـ بەسان	نزدیک،صمیمی،بسته
cloth *n*	کلات	جنس ـ پارچە ـ کووتاڵ ـ والا	پارچه،تکه‌پارچه،قماش
clothes *n*	کلئودز	جل ـ لیباس ـ سیپالێ	لباس، جامه
clothing *n*	کلئوزینگ	لیباس ـ پۆشەر ـ جل وبەرگ	پوشاک، جامه، لباس
cloud *n*	کلاود	هەوروهەلا	ابر ـ دمه ـ دم
cloudy *adj*	کلادی ـ کلاودی	هەوری ـ لێڵ ـ پەشێوحاڵ	ابری ـ تاروگرفته
clown *n*	کلؤن	لۆتی ـ کابرای خوەئەور ـ ساواڵە	دلقک، لوده
club [1] *n*	کلاب	کۆر ـ جەم خانە ـ یاگێ جە مۆبیەی خەڵکی	کلوب، باشگاه، کانون
club [2] *n*	کلاب	گورز ـ گۆپاڵ ـ مەترەق، گاچۆن	چماق،گرز،باتون

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
clue *n*	کلوو	رێ چارە ـ شوێنە ـ بۆ هۆرکەری	کلید(معما)،سرنخ،مفتاح
clumsy *adj*	کلامزی	نەزان ـ نەکەر ـ سەرەونەویە	بی تجربه، ناوارد، ناشی
		سەردەرنەچووگ ـ خام	
clumsily *adv*	کلامزیلی	بەنەزانی ـ سەرەنەویەی	ناشیانه،باشلختگی
clutch *v*	کلاچ	کەلاچ دای ـ وێ شواردەی	محکم‌چسبیدن،قاپیدن
		چنگ دان ـ کلاچی ماشین	کلاچ
coach [1] *n*	کتوچ	ئتوبوس ـ دیوی قەتار ـ گاری	اتوبوس، واگن قطار ـ کالسکه،
		سەرپرس	دلیجان ـ مربی
coach [2] *v*		ئامادەبوون بۆ ئمتحان باتاقی کردنەوەکتوچ	برای امتحان آماده کردن
		بەی ئەوەنەرسای ئامادەبیەی	تعلیم دادن
coach [3] *n*	کتوچ	فێرکەر ـ ئیشان دەر ـ دایان	مربی ـ سرپرست
coal *n*	کتول	زخواڵ ـ زوخاڵ ـ خەڵووز	زغال‌سنگ ـ زغال
		بەردەزخواڵ	
coarse *adj*	کُرز	زوور ـ زرو ـ رووش، هار	زبر،خشن ـ بی‌ادب
coast *n*	کتوست	قەراخودەلیای ـ کەناری	دریاکنار،ساحل،سُریدن
		دەریا ـ گۆشەی ئاو ـ خزین	
coastline *n*	کتوست لاین	خەتەوقەراخودەلیای لێوەدەلیا	خط ساحل
coat *n*	کتوت	کورت ـ کوت ـ پاڵتاو	کت ـ پشم‌وخز
		کوڵەباڵ ـ فەرەجی	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
coax *v*	کُکس	لاوناى ـ لاواندن ـ گاڵته کردن به ـ پەنەخواى	نوازش کردن ریشخند کردن
cobweb *n*	کُب وِب	تاڵ جاڵجاڵوکه ـ تاڵ ککڵه موشان ـ زوێڵ	تار عنکبوت
cock *n*	کاک (کُک)	پەلەوەری نێر ـ کەرە شێڵ ـ کەلە شێر ـ کلاوى لارنان	پرنده‌نر(بخصوص خروس) شیر اب وگاز
cocoa *n*	کوکو	کاکائو ـ کاکاو ـ بەرهەمی دارێک لە ئامریکاو ئافریقا	پودر کاکائو ـ کاکائو
coconut *n*	کُکنات	ناڵگیر ـ نارگیل ـ بەرهەمی دارێک لە ئاسیای غەربی	نارگیل
cod *n*	کُد	جۆرێ ماسی خواردەمەنی ماساوەوروەن گرتەی	یک نوع ماهی خوراکی
code *n*	کُد	رەمز، نیشانە، قانون ـ کود	کد، رمز ـ پیش شماره
coffee *n*	کُفی	قاوە ـ بەرهەمی دارێک لە ئاسیا و ئافریقاو ئامریکا	قهوه / فنجان قهوه
coffin *n*	کُفین	تابووت ـ تاوت ـ تەختی بردنی مردگ بۆ گۆرستان	تابوت
coil [1] *v-n*	کُیل	پێچناى ـ پێچان ـ گرۆڵی کەردەی ـ دەسە کەردەی	پیچاندن ـ پیچ‌خوردن پیچ ـ حلقه،کلاف
coil [2] *n*	کُیل	هەڵقێ ـ هەڵقە ـ پەپکێ ماری	حلقه‌ـچنبرـکنگره

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
coin *n*	کئوین	سکێ ـ سکەلێ دان	سکه ـ سکه‌زدن
cold [1] *adj*	کولد	سارد ـ سەرد ـ چِ یگ ـ فێنک	خنک،سرد ـ بی‌عاطفه
cold [2] *n*	کولد	سەردا ـ سەرماخواردنەوە	سرماخوردگی ـ سرما
		سەرداگرتە، سارد حاڵ	غش
collapse *v*	کِلَپس	خراوبیەی ـ خراوبوون ـ رژای	خراب‌شدن،فروریختن
		تەپین ـ وروخان	
collar *n*	کالِر	یەخێ ـ یەخە ـ ملوەنی	یقه ـ قلاده‌ـ گریبان
		ملوانکە	
collect *v*	کالِکت	جەمکەردەی ـ جەمکردن	جمع کردن، گرد آمدن
		گلێروکەردەی	وصول کردن
collection *n*	کالِکشن	کۆمەڵەچت ـ پیارزە چێو	کلکسیون،مجموعه،جمع‌آوری
college *n*	کالیج	زانزگە ـ علمگا	کالج،دانشکده،آموزشگاه
		زانگا	
collide *v*	کِلاید	ئەوەکولیای ـ هۆرتەقیای	با شدت بهم خوردن
		لەیەک دان	تصادف کردن
collision *n*	کِلیژن	هۆرتەق ـ تەقیا ـ لەیەک دان	تصادف،برخورد ـ تصادم
colon *n*	کُلُن	دوێ نوختێ ـ دونوختە	کولون،دونقطه(:)،روده‌بزرگ
colonel *n*	کِنِل	سەرهەنگ	کلنل، سرهنگ
colony *n*	کُلِنی(کالِنی)	وەلاتی کە لە ژێردەسەلاتی	مستعمره ـ مهاجرنشین
		وەلاتێک ترێ ـ وەلاتی بێ سەرخۆ	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
colonial *adj*	کُلنیال	وەلاتی بێ سەرخۆیی	مستعمره‌ای،استعماری
		وەلاتی چیردەس،کۆچەر	کوچگر
colour *n*	کالِر	رەنگ،رەنگدانە	رنگ‌ـرنگیزه،جلوه
colourful *adj*	کالِرفول	رەنگاورەنگ‌ـرەنگین	رنگارنگ،رنگی
colour *v*	کالِر	رەنگ‌کردن‌ـرەنگ‌کەردەی	رنگ زدن، رنگ کردن
column *n*	کالِم	کۆلەکە(کۆلەکێ)لەبەرد	ستون،بنا،ردیف،رکن
		وچێو‌ـرزوچێوەی	
comb [1] *n*	کُم	شانەی سەر‌ـ پۆپە	شانه،تاج خروس
comb [2] *v*	کُم	شانەکەردەی‌ـشانەکردن	شانه زدن / کردن
combine *v*	کِمباین	جۆربیەی‌ـجۆربوون	جورشدن،بهم‌پیوستن
		بەیەک‌گەبین،کومباین(خەلە)	ماشین کمباین
combination *n*	کامبینیشن	ئاوێتە‌ـتێکەڵ‌ـجۆر	آمیختگی،آمیزش‌ـائتلاف
		ئامێتە	کارتل ـ اتحادیه
come *v*	کام	هاتن‌ـئامەی‌ـیاوای‌ـگەیین	آمدن، آمدن بطرف گوینده
comedy *n*	کامیدی(کُمیدی)	نمایشی خوەدار‌ـکومدی	کمدی،نمایش‌خنده‌آور
comet *n*	کامیت	جورەئەستێرەی بریقەدار	ستاره‌دنباله‌دار‌ـشهاب‌سنگ
comfort [1] *n*	کام فورت	دڵداری‌ـرەحەت‌ـئاسودە	راحت، آسوده
comfort [2] *v*	کام فورت	دلداری‌دان‌ـدلداری‌دای	دلداری / تسلی دادن
		ئاسوودەکەردەی	راحت کردن
comfortable *adj*	کام فورتبل	رەحەت‌ـئاسوودە‌ـئازاد	راحت،آسوده،آرام‌بخش
comfortably *adv*	کام‌فورتبلی	جەرەحەتی‌ـلەرەحەتی	در آسودگی
		ئاسۆدەیی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
comic [1] *adj*	کامیک	خوه ئه ور_که نین دار_خوه دار	خنده‌آور،مضحک،کاریکاتور
comic [2] *n*	کامیک	کتێوی ره نگی خوه وشۆخی	کتاب داستان مصور
comma *n*	کُمِ(کاما)	کاما_جۆره نیشانێک (،)	کاما(،) ویرگول
command [1] *v*	کِماند(کامَند)	فه رمان دان_ده سوردای	فرمان‌دادن_امردادن
command [2] *n*	کِماند(کامَند)	ئه مره_ده سوور_ئه مر	فرمان،امر_توان،یگان
		فه رمان، بنکه ی نیزامی	فرماندهی
comment [1] *v*	کامِنت	نه زه ردای (دان)_شیۆ	توضیح/تفسیرکردن
		که رده ی _ باس کردن	اظهارنظر کردن
comment [2] *n*	کامِنت	نه زه ر_لێکۆلین_باس	توضیح،تفسیر،تعبیر،نظر
commentary *n*	کامِنتِری	راپۆرت_گوێ گه یان_رۆشن	توضیح،تفسیر_گزارش
		که ری _ باس کرد	
commentator *n*	کامِنتِیتِر	رۆشن که ر_نه زه رده ر	مفسر_گُزارشگر
		راپۆرت ده ر_شیۆ که ر	
commerce *n*	کامِرس	معامله_مامۆله_تجاره ت	معامله،تجارت،دادوستد
commercial *adj*	کِمِرشِل	تجاره تی_خه به ری	تجارتی،بازرگانی،آگهی
commit *v*	کامیت	خه تا کردن (که رده ی)	خطائی مرتکب شدن
committee *n*	کامیتی	جمله_ده سته_تاقمه	کمیته،هیئت‌بررسی،کمیسیون
common *adj*	کامان(کُمِن)	گشتی_گردی، هه موان	معمولی_همگانی،مشترک
commonwealth *n*	کامان‌وِلس	وه لاتانی شه ریکه به ش	کشورهای مشترک المنافع
		و ئازاد	یاآزاد _ مردم

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
communicate *v*	کامیوونیکیت	وتووێژ ـ قسه کەردەی ـ نامە	گفتگو/مکاتبه کردن
		نووسین بۆیەک ـ قسە کردن	رساندن ـ آگاه‌کردن
communication *n*	کامیونیکیشن	پێوەندی ـ رابتە ـ خەبەر	ارتباط ـ در تماس بودن با
communications *n*	کامیونیکیشن‌س	پێوەندیەکان، گەیێنەرەکان	رسانه‌ها، ارتباطات
		خەبەردەران بۆ گشت	مکاتبات
community *n*	کامیونیتی	جەمخانە ـ کۆڕ ـ کۆمەڵە	انجمن، اجتماع، جامعه
companion *n*	کِمپنین	هاوڕێ ـ شەریک ـ هامرا	همراه، همدم، مصاحب
company *n*	کامپنی	شەراکەت ـ رەفێق ـ گرۆ	همراه ـ شرکت، جمعیت،
			انجمن ـ اکیپ
comparative *n,adj*	کِمپرَتیو	سفەتی بەرتر یا هەم تراز	مقایسه‌ای، صفت / قید
			تفضیلی، قیاسی
compare *vt*	کِمپِر	لێک دان ـ هۆرسەنگنای	مقایسه کردن
		بەرانبەرکردن	تشبیه کردن
comparison *n*	کِمپریزن	وەرانوەر ـ بەرانبەربە	مقایسه، سنجش، قیاس
		خواروبان ـ هەڵسەنگان	همانندی
compass *n*	کام پس	قوتب نما ـ پرگار ـ دەنگ چون	قطب‌نما ـ پرگار ـ بُرد صدا
compel *v*	کِم پِل	مەجبوورکردن (کەردەی)	وادار / مجبور ساختن
		وادارکەردەی ـ باعیس بون	ناچار کردن
compete *v*	کِم (کام) پیت	مل ملانی ـ رەقابەت کردن	رقابت‌کردن ـ همچشمی
		چەم وزی کەردەی	کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
competition *n*	(کام)کِمپِتی‌شِن	پێش برکێ، کێ به‌رکێ، هاوکاری، چاولێ گه‌ری-چاوزی	مسابقه، رقابت، همکاری، هم چشمی
competitor *n*	کِمپِتی تِر	نه‌یار-چه‌موز-ره‌قیب	رقیب،حریف،هماورد
complain *v*	کِمپلین	شکات‌کردن-دادبه‌رده‌ی شکات‌که‌رده‌ی	شکوه‌کردن-شاکی‌شدن شکایت کردن
complaint *n*	کام(کِم)پلینت	داد-شکات-گله‌ی-قاڵ	شکایت،دادخواهی،عرض‌حال
complete [1] *adj*	کام(کِم)پلیت	کامڵ-ته‌مام-ته‌واو ته‌مام‌بیه	کامل،تمام-مختوم تکمیل
completely *adj*	کام(کِم)پلیت‌لی	به‌ته‌واوی-یه‌ک‌سه‌ره گردوگرد- هه‌مو	به طور کامل-کلاً
complete [2] *v*	کام(کِم)پلیت	ته‌مام‌که‌رده‌ی-ته‌واوکردن	کامل‌کردن-خاتمه‌دادن
complicated *adj*	کام(کِم) پلیکیتید	پێچیا-گیر-بێ چیاگ لک‌وارده	پیچیده،بغرنج،تودرتو
compliment [1] *n*	(کام)کِمپلیمِنت	تاریفێ-تاریف‌دراو	تعریف،درود-ستایش
compliment [2] *v*	(کام)کِمپلیمیت	تاریف‌دای-تاریف‌کردن	تعریف کردن
compose *v*	کامپوز(کِمپُز)	وه‌ش‌که‌رده‌ی-دروست‌کردن	ساختن،درست‌کردن،انشاء
composer *n*	کِمپُزرکام پوزر	ئاهه‌نگ‌ساز-ئاهه‌نگ‌وه‌ش‌که‌ر	آهنگساز - مُصنف
composition *n*	کِمپزیشن (کامپوزیشن)	ئامێته-ئاهه‌نگ-ئنشا ده‌س‌به‌قه‌ڵه‌م،سازین	انشاء،تصنیف،ترکیب آهنگسازی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
compound *n*	کِم پُوند	چەوشە-حەسارویەرژێن	محوطه،حیاط،ترکیب‌کردن
compulsory *adj*	(کام)کِم پال سِری	زۆری-ئیجباری-دڵ پۆنەویە بێگاری	اجباری،مجبورکننده
computer *n*	کام پیوتِر	کامپیوتر	کامپیوتر-رایانه
conceal *v*	کانسییل (کِن‌سییل)	پۆژنای-داپۆشتن-شاردەی	پنهان‌ساختن،قایم‌کردن
concentrate *v*	کان سِن تریت	وریابوون-مراقب‌بیەی-بە خۆداچوون-بەخیالاچوون	تمرکزداشتن-عصاره غلیظ کردن
concern [1] *adj*	کان سِرن	پەشێوی-مەلوولی-حیران‌بون	نگرانی،دلواپسی-وابسته
concerned *adj*	کان سِرند	مات-خەمین-غەمبار	نگران،دلواپس،صاحب‌سود
concern [2] *v*	کان سِرن	مەربووت‌بیەی-مەربووت‌بوون	مربوط‌بودن،نگران‌بودن
concerning *prep*	کان‌سِرنینگ	جەمەوەسوور-لەمەبەستی	دربارهٔ ـ در مورد
concert *n*	کان سِرت (کُنسِرت)	شوێنی موسیقالێدان-دەسە وموسیقاوئاهەنگ ژەنان	کنسرت ـ همکاری توافق
conclude *v*	کان (کِن) کلوود	تەمام‌کەردەی-تەواوکردن	به پایان رساندن، نتیجه گرفتن ـ تمام‌کردن
conclusion *n*	کان(کِن)کلووژِن	ئاخر-تەمام-تەمام‌بی تەواو- نەتیجە	پایان-استنتاج،انعقاد
concrete *n*	کان‌کرییت	رەق-سەخت- بتۆن رەقەبنەوا، ئاشکرا	بتن/بتون-واقعی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
condemn *v*	کِن(کان)دم	تاوان‌بارکه‌رده‌ی ـ مه‌حکووم‌کردن	محکوم کردن / شدن
condition *n*	کِن(کان)دیشن	وه‌زعه ـ حاڵه‌ت ـ شه‌رت	حالت،وضع ـ شرط،رُتبه
		وجۆر ـ مقام	
conduct[1] *v*	(کان)کِن‌داکت	رانموونی‌که‌رده‌ی ـ به‌ڕێوه	اداره‌کردن ـ رهبری‌کردن
		بردن ـ سه‌رپرسی‌کردن	رفتار ـ اخلاق
conductor *n*	کان(کِن)داکتِر	ڕێبه‌ری‌مووسیقا ـ ئوساژه	رهبر أرکتسر ـ بلیط فروش
		نومووسیقای ـ بلیت‌فرۆش،	رسانا
conduct *n*	کان(کِن)داکت	ره‌فتار ـ ئخلاق ـ ره‌وت	سلوک،رفتار ـ اخلاق،اجرا
cone *n*	کُن	مه‌خرووت ـ قووچ ـ ره‌حه‌تی	مخروط ـ میوه‌کاج
conference *n*	کُنفِرنس	وتوویژ ـ مه‌جلسو قسه‌که‌رده‌ی	کنفرانس،مذاکره،گردهمایی
		کۆر ـ جه‌م‌خانه ـ قسه‌گا ـ مه‌ره(جه‌یاوه‌نه)	همایش
confess *v*	کِن‌فِس	چیرلوای ـ ژێرروین ـ هه‌قڕتن	اقرار / اعتراف کردن
confession *n*	کِن‌فشن	راس‌گۆیی ـ ئقرارنامه	اعترافنامه،اقرار،اشهد
confident *adj*	کِن(کان)فیدِنت	خاترجه‌م ـ دڵنیا ـ بێ‌ورکه	مطمئن،دلگرم،خاطرجمع
confidence *n*	کِن(کان) فیدِنیس	ئتمینان ـ باور ـ ئیمان ـ زات	اطمینان،اعتقاد ـ رازداری
confirm *v*	کِن‌فِرم	قه‌بووڵ‌کردن ـ راس‌زانای	تأیید / تصدیق کردن
confirmation *n*	کِن(کان)فِرمیشن	ته‌سیق ـ قه‌بووڵ ـ راس‌زان	تأیید،تصدیق،تصویب
conflict[1] *n*	کِن(کان)فلیکت	به‌یه‌کاچوون ـ ده‌نگه‌ده‌نگ	ستیزه،برخورد،نزاع،تضاد
		ده‌م‌قره ـ گێره‌وکێشه،ناسازی	ناسازگاری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
conflict [2] *v*	کِن (کان)	ناسازبیەی-زدبون-گژیای	متضاد/ ناسازگار بودن
	فلیکت	نالەباربون	
confuse *v*	کِن (کان)	گێج کەردەی-بەیۆزانای	گیج‌کردن-نامرتب‌کردن
	فیوز	گێج بون-شێواندن	
confusion *n*	کِن (کان)	گێژی-سەروەنەشیویا	گیجی، درهم برهمی
	فیوژن	شێواو-شپرز،بەحت	حیرت
congratulate *v*	کِن (کان)	شادباش‌وتن-موارەک	تبریک‌گفتن،شادباش‌گفتن
	گراتیولِیت	واتەی	
congratulation *n*	کِن (کان)	شادباش-موارەک‌باد	تبریک-مُبارک‌باد
	گرایتولِشن		
conjunction *n*	کِن جان	هۆکەری‌لکێنەر-حەرفی	کلمه ربط
	کیشِن	رەبت - لکنەر	
connect *v*	کانِکت	لکاندن-ئەوەبینای-بەستن	وصل/ متصل کردن
connection *n*	کانِکشن	بەستنەوە-یۆلکنا	اتصال،پیوستگی،رابط
		بەیەک‌لکاندن-مەربوت	
conquer *v*	کِن (کان) کِر	تێ‌شکاندن-سەرکەوتن	غلبه‌کردن-شکست‌دادن
		مەردەی	
conquest *n*	کِن (کان)	پیرۆزی-تێ‌شکان	غلبه،پیروزی-فتح
	کوِست	فایق‌بون	
conscience *n*	کِن شِنس	وژدان - ویجدان	وجدان،باطن،شعورذاتی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
conscious *adj*	کِن شِس	هۆشیار ـ مدریک ـ ژیر	آگاه، بیدار، متوجه
		بەهۆش ـ وریا	
consciously *adv*	کِن شِس لی	بەهۆشانە ـ بەژیری ـ ژیرانە	آگاهانه ـ هوشیارانه
consent [1] *v*	کِن سِنت	وازئەوردەی ـ دەس بەردار	رضایت دادن
		بوون ـ رەزابون	راضی بودن
consent [2] *n*	کِن سِنت	دەست بەردار ـ ڕەزابیە	موافقت، رضایت، اجازه
		قەبووڵ ـ ڕەزامەندی	
consequence *n*	کِن(کان)سی کوِنس	بەرهەم ـ نەنتیجە ـ سەمەر	نتیجه، پیامد، اهمیت
consequently *adv*	کِن(کان)سی کوِنتلی	مەعلومەن ـ ئاشکرایە	درنتیجه، بنابراین
		جابزانە ـ بەم جۆرە	
conservation *n*	کان سِروِی شِن	نگاداری ـ پاریز ـ راگری	نگهداری ـ محافظت
consider *v*	(کان) کِن	بەحساب هاوردن ـ جەنەزە	فرض کردن ـ بررسی کردن
	سیدِر	رگرتەی ـ ئەرەنیای	رعایت کردن
consideration *n*	کِن سیدِرِشِن	بەرچاوخستنەوە ـ لێکۆڵین	رسیدگی ـ رعایت، تفکر
		پۆرەیاوای ـ سەردای	
consist *v*	کان (کِن)	وەش بیەی جە ـ دروست بون لە	شامل/ مرکب بودن از
	زیست	ساحیو ـ بریتی بون لە	
consonant *n*	کان سِن نِت	پیتی بێ دەنگ ـ گۆی	حرف بی صدا ـ هماهنگ
		بێ دەنگە پسەوبێ ـ سێ ـ b	متوافق

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
constant *adj*	کانس‌تِنت	هه‌میشه‌ی‌ـدایم‌ـهه‌تاهه‌تای‌ـنه‌مر	پایدار،جاوید،دایم،باوفا
constantly *adv*	کان سِتِنتلی	دایمی‌ـنه‌مرانه‌ـتاوسه‌ری	جاودانه‌ـهمیشه
constituency *n*	کِس‌تیتیوانسی	جێی(خانووی)هه‌ڵبژاردن	حوزه‌انتخاباتی
		ئه‌نجمه‌نوهۆروچنای‌مه‌ردمی	
constitution *n*	کِنس‌تیتیوشِن	قانوونی‌مه‌ده‌نی‌گه‌ل	اساسنامه‌ـقانون‌اساسی
		ئه‌ساسنامه‌ـدامه‌رزران	
constitutional *adj*	کِنس‌تیتیوشِنِل	به‌رانبه‌ری‌قانوون‌ـقانوونی	برطبق‌قانون‌ـوابسته
		قانوون واچ	به قانون
construct *v*	کِن‌ستراکت	دروست‌کردن‌ـوه‌ش‌که‌رده‌ی	بناکردن، ساختن
		ئه‌وه‌که‌رده‌ی ـ سازین	
construction *n*	کِن‌ستراکِشن	(یانه‌ـماڵ‌ـخانو)	ساختمان،بنا،احداث
consul *n*	کِن(کان)سِل	شابه‌نده‌ر‌ـکونسول‌ـبالۆیز	کنسول، قنسول
consult *v*	کِن سالت	چاره‌گه‌ری‌که‌رده‌ی‌ـعه‌لاج‌کردن	مشورت کردن
consume *v*	(کان)کِن‌سیوم	وارده‌ی‌ـخواردن‌ـمه‌سرووف	مصرف‌کردن،نابودکردن
		کردن‌ـسۆچنای،خه‌ساردان	هدر دادن
consumption *n*	کِن‌سیوم‌پشن	مه‌سرووف‌ـسۆته‌مه‌نی،سیل	مصرف، سوخت - سِل
contact [1] *v*	(کان)کُن‌تکت	هاتوچوکردن‌ـئاموشیه	تماس‌گرفتن‌با/ مکاتبه کردن
		که‌رده‌ی،که‌ینوبه‌ین	
contact [2] *n*	(کان)کُن‌تکت	ئاموشیه‌ـوه‌سڵ‌ـئرتبات	اتصاف،تماس،برخورد،ارتباط
contain *v*	(کان)کِن‌تین	تیابوون‌ـچه‌نه‌بیه‌ی	دارابودن، دربرداشتن
container *n*	(کان)کِن‌تینر	ده‌فر‌ـداراو‌ـسه‌نۆق‌ـساحب	ظرف،محتوی،محفظه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
contend *adj*	کِن‌تند	چاولێگەری کردن-چەموسەی	هم‌چشمی‌کردن،رقابت‌کردن
content *adj*	کان(کِن)تِنت	فەرێح-دڵوەش-رازی	خشنود،راضی،قناعت
contented *adj*	(کان)کِن‌تینتِد	دڵشاد- مەسروور سەرخۆش، تێر	خوشحال،خشنود،قانع
contents *n*	(کان)کِن‌تنتس	تیاداری-ئەندازەدڵێ داری	محتویات - ظرفیت
contest *n*	کان(کِن)تِست	دەنگەدەنگ- هەوڵ مسابێقە،هاوچاوی کردن	رقابت، مشاجره، مسابقه تقلا
continent *n*	کان(کِن)تِنِنت	(تیکە-کەرت)-وشکامی پاک داوێن	قاره،پرهیزکار
continental *adj*	(کان)کِن‌تی‌نِ‌نتل	وشکامی-ئوروپابێجگەلە بریتانیا	قاره‌ای - قاره‌مانند
continue *v*	کان(کِن)تین‌یو	درێژەپێدان-درێژەپەنەدای	ادامه‌دادن،دنبال‌کردن
continual *adj*	کان(کِن)تین‌یول	دایمی-هەمیشەیی-مدام	دائمی،مدام،مکرر
continuous *adj*	کان(کِن)تین‌یوز	بێبڕان-گۆڕای گۆڕ بێوچان، مدام	ممتد،پیوسته-پیاپی
contract *n*	(کان)کِن‌تِرَکت	نویسەوبەینی-قەرارداگ	مقاطعه،قرارداد-پیمان
contrary [1] *n*	کان(کِن)ترری	نوارەدەی-نابەجێ-ناخوانی	مغایرت،ناهماهنگی
contrary [2] *adj*	کان(کِن)ترری	دژبە-پێچوانەوخیلاف	برخلاف،برعکس-خلاف
contrast [2] *vt*	کان(کِن)تراست	وەرانوەرمدرای-راوەستان دژبە-فەرق‌کەردەی،مزەنەگرتن	تفاوت داشتن - مقابله‌کردن مقایسه‌کردن
contrast [2] *n*	کان(کِن)تراست	فەرق-وەرانوەربە-جیاوازی	اختلاف، تفاوت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
contribute *v*	کان(کِن)تری	بەشداربوون-بەشدای	سهم دادن ـ سهیم بودن
	بووت	(دان) ـ یاریدان	اهدا کردن
contribution *n*	کان(کِن)تری	دانگ ـ بەش ـ یاری	دانگ، اعانه، سهم
	بووشن	خەڵات	اهدا دادن،بخشش
control [1] *n*	کان(کِن)ترِل	زاوتەبیەی-چاودێری کردن	سرپرستی/ کنترل کردن
		سەرپەرسی کەردەی	تنظیم/تأیید کردن
control [2] *n*	کان(کِن)ترِل	چاودێری ـ زاوتە	کنترل،تسلط،هدایت
		سەرپەرسی،دکمەی رادیو	
convenient *adj*	کان(کِن)وینیِنت	چاک-خاس-باش-بەیاگە	مناسب،مفید،راحت،مقدور
convenience *n*	کان(کِن)وینیِنس	رەحەتی-ئارامی-ئەمنی	راحتی،سهولت،آسایش
convent *n*	کان(کِن)	دێڵ-عبادەتگا-دەیروکەنیس	دیر،صومعه،خانقاه
	وِنت		
conversation *n*	کان‌وِرسیِیشن	وتووێژکردن-قسەکەردەی	گفتگو،مکالمه،صحبت
convert *v*	کان(کِن)وِرت	هۆرۆگێڵنای-هەڵگەراندن	برگرداندن-تبدیل کردن
conversion *n*	کان(کِن)	وارِیای-گۆران-شێواوی	تغییر،تبدیل،تغییرمذهب
	وِرشِن(ژِن)	ئایین گۆران	
convey *v*	کان(کِن)وِی	بردن-یاونای-بەردەی	حمل کردن،رساندن،بردن
convict [1] *v*	کان‌ویکت	بوختان پەی کەردەی	محکوم / متهم کردن
		مەحکووم کردن-بوختبۆکردن	
convict [2] *n*	کان ویکت	گوناپار-گوناکار-جرمدار	مجرم،گناهکار،زندانی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
convince *v*	کان(کِن)وینس	قانع کردن ـ ڕازی کەردەی	متقاعد / قانع کردن
cook [1] *v*	کُک	ئاشپەزی کەردەی ـ چێشت کردن ـ چی شت لینان	غذاپختن، آشپزی کردن
cook [2] *n*	کُک	ئاشپەز ـ چاشت کەر	آشپز
cooker *n*	کُکِر	چرای چێشت لێنان ـ چراوی، چاشت کەردەی	چراغ خوراک پزی
cool [1] *adj*	کوول	چیا ـ فێنک ـ ئارام ـ سارد ـ نتم	خنک ـ آرام، خونسرد
cool [2] *v*	کوول	فێنکۆبیەی ـ فێنک کردن سارد کردن	خنک شدن، خنک کردن
cooperate *v*	کُپِریت	هاوکاری کردن ـ پێورە کارکەردەی	باهم‌کارکردن،همکاری‌کردن
cooperation *adj*	کُپِرشن	هاوکاری ـ یاری دان	همکاری،تعاون
cooperative *adj*	کُپِرتیو	یارمەتی ـ یاری دەری ـ شراکەت	تعاونی،شرکت‌تعاونی
copper *n*	کُپِر (کاپِر)	مس ـ مسینە ـ فلزێوەن، ئاتاس	مس‌ـآجان
copy [1] *v*	کُپی (کاپی)	فتوکوپی گرتن ـ نوسخە گرتن	رونوشت / کپی گرفتن
copy [2] *n*	کُپی (کاپی)	روونویس ـ کوپی ـ روونوس	رونوشت،کپی،نُسخه
cord *n*	کُدـ کُرد	تەنافە ـ گروێس ـ وەرێسە ـ تەل	طناب،ریسمان‌نازک‌ـسیم،بند
cork *n*	کُرک	چۆپەمە ـ چێوپەمگ	چوب‌پنبه،درِبطری
corn *n*	کُرن	خەلە ـ گەنم وجۆ، بالۆک	غله،بلال،میخچه
corner *n*	کُرنِر	سووچ ـ کونج ـ گۆشە ـ چزە	گوشه، کنج، نبش
corporation *n*	کُرپِری‌شِن	شرکەت‌ـشەریکەـئاژانسی تجارەت	بنگاه(تجاری،...)،شرکت
copy room *n*	کُپی روم	ئۆتاقی رونویس	اطاق تکثیر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
corpse *n*	کُرپس	که‌لاک ـ لاشه،مردار	جسد،نعش،جنازه
correct [1] *adj*	کُرِکت	دروست ـ ریک ـ راس	صحیح،درست،ویراست
correct [2] *v*	کُرِکت(کارِکت)	دروس کردن ـ وه‌ش که‌رده‌ی	صحیح / اصلاح کردن
correctly *adv*	کُرِکتلی	به‌جوری دروست ـ به‌دروسی	به طور صحیح
correction *n*	کُرِکشن	ریک ـ دروست ـ ساقوکه‌رد	اصلاح،تصحیح،ویرایش
correspond *v*	کاریس پاند	بویه‌ک نووسین ـ نامه‌نویسه‌ی	مکاتبه کردن
	(کُریس پاند)	په‌ی یه‌کترینی، یه‌کی بون	مطابقت داشتن
correspondence *n*	کاریس‌پاندِنس	ته‌فه‌رنج ـ سرنج	مراسلات ـ مکاتبات
		نویسه‌کی (کان) ـ له‌یه‌ک نووسان	همخوانی، مشابهت
		چون یه‌ک	
corridor *n*	کُریدُر(کاریدُر)	هه‌یوانه ـ سالون ـ پیش خانوو	سالن / راهرو ساختمان
cosmetic *n*	کازمِتیکس	ئه‌سپابی خوجوان کردن	لوازم آرایش
		ئه‌سپابووئارایشی	
cost [1] *n*	کاست	قیمه‌ت ـ ئه‌رزش ـ بایی ـ ئیژای	ارزش،قیمت،هزینه
cost [2] *v*	کاست	ئیژای ـ ئه‌ژیان	ارزیدن، قیمت داشتن
costly *adj*	کاستلی	قیمه‌تی ـ گران ـ ئه‌نتیک	قیمتی،گران،پُرخرج
costume *n*	کاستیوم	لیباسی نه‌ته‌وه‌یی	لباس‌سنتی/محلی،جامه
		لیباسی وێمانی، جل وبه‌رگ	
cot *n*	کات	جی خه‌وی منال ـ کوزه ـ که‌پره	تختخواب‌بچه/کودک/سفر
cottage *n*	کاتیج	مالی لادی ـ یانه‌باخی	خانه روستائی، کلبه
cotton *n*	کاتن	وره ـ نه‌یه ـ لوکه ـ ده‌زگ	پنبه،نخ،کتان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cotton - wool *n*	کاتن وول	باندوزەخمی ـزەخم(زام) پێچ	باند زخم، بانداژ
couch *n*	کئوچ (کُوچ)	تەختی رەحەت ـنیمکەتی رەحەتی ـ وحەسانەوە ـنیمکەت، چاک دوان	تخت ـکاناپه،بیان خاص
cough [1] *n*	کاف ـکئوف	قفە ـکۆکە ـقۆزە	سرفه
cough [2] *v*	کاف ـکئوف	قفەکەردەی ـقۆزای کۆکەکردن	سرفه کردن
could *v*	کُد (کود)	توانین ـتاوای ـویەردەوکەنی	گذشته **can** (توانستن)
council *n*	کئونسیل	کۆر ـچەمخانە ـمەجلیس	انجمن،شورا،مجلس،هیئت
councilor *n*	کئونسیلر	داخلّ بەجەمخانە ـسەربە مەجلیس	عضو شورا / انجمن
count [1] *v*	کئونت	ژماردن ـشمارای ـژمارای حەساوکەردەی	شمردن، شمارش کردن
count [2] *n*	کئونت	عەمەلّی ژماردنەوە ـکاروژمارد»ی	عمل شمارش،محاسبه
counter *n*	کئونتِر	ژتۆنوگەمەی ـوەردەس پێش خوان ـ بی سات	پیشخوان ـژتون،میز ضد
country *n*	کانتری	وەلات ـدەگاـگوندـدێ،زاگا	کشورـروستا،دهکده ـوطن
countryside *n*	کانتری ساید	قەراخەوشاری ـدەوروبەری شار ئێلاخ ـ هەوارگە	ییلاقات،حومه،بیرون شهر
couple *n*	کاپِل	ژن وشوو ـدوان ـجفت جووتێ، ئەنجامەوبەرەی	زوج،دوتا،زن وشوهر بەهم وصل کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
coupon *n*	کوپن-کوپُن	کوپن-کاغەزەی وردی باتی	کوپن - بُرش
		پوولی-جۆری بیتاقەوبلیت	قبض تخفیف
courage *n*	کاریج	شەجێع-بەجەرگ-زرنگی	دلاوری،شجاعت،دلیری
courageous *adj*	کاری چِس	دلێر-زات دار-ئازا	رشید-دلیر،پُردل
course *n*	کورس	دەورە-رشتە-رێ-را،دەس	طی-مسیر-رشته،دوره،پُرس
court *n*	کورت	دادگا-مێدان-مەیدان	دادگاه - میدان ورزشی - دربار
		بارگا، حەوش	حیاطه
cousin *n*	کازین	خالۆزا-پوورزا-مەتیەزا	عمه زاده، خاله زاده،عموزاده،
		مامۆزا-لالۆزا-دێدەزا-پورزا	دایی زاده
cover [1] *v*	کاوِر	پۆژنای-پۆشان-داپۆشان	پوشاندن،پنهان کردن
cover [2] *n*	کاوِر	پۆشەر-رووکەش،روبەند	روکش،پوشش،جلد
cow *n*	کئو (کُ)	مانگا- مانگاوە	گاو شیرده،گاو ماده
coward *n*	کئورد	بێزات-تەرسەنۆک-کەم جەرگ	ترسویی،بزدلی،آدم ترسو
cowardly *adj*	کئوردلی	ناپیا-تەرسەنۆکی-بێزاتی	بزدلانه،باترس ولرز
cowboy *n*	کئوبوی	شوانەوگاوان-گاچەرێن	گاوچران (آمریکایی)
crab *n*	کَرب	قرژاڵ-قارژنگی-قارژنگ	خرچنگ،آدم بدخُلق
crack [1] *v*	کَرک	مێرپای ترەک بەردەی	ترک خوردن
		ترەک خواردن، پۆقەو تەقەهاتن	صدای شکستن چیزی
crack [2] *n*	کَرَک	ترەکە-تریشکە-ترەک	ترکه درز - صدای رعد آسا
		گرمەوهارەی) شکان	شکاف، ماهر
cradle *n*	کِریدل	بێشکێ-لەلوە-لانک-بێشکە	گهواره، ننو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
craft *n*	کرافت	سنعەت-ئوسایی-کەشتی	کاردستی - کشتی، هواپیما
		باڵوین تەیارە-دەست ساز	ناو،هنرمندی،مکر
cram *v*	کرَم	تەپنای-پڕکردن-پەرکەردەی	پرکردن،چپاندن،خرخوانی
crane *n*	کرِین	جەرەسەقیل-ماشینی هەڵگر	جرثقیل/جرثقال،دُرنا
		قازی وقولنگ،مل درێژکردن	گردن دراز کردن
crash [1] *n*	کرَش(کراش)	پۆقە-هۆڕتەق-دەنگی زل	سرو صدای شدید - تصادف
crash [2] *n*	کرَش	تەقیای-یەیک دەکردن	سروصدای شدید کردن
		پۆقەکەردەی(خوارکەوتن)	سقوط/تصادف کردن
crate *n*	کرِیت	چنگڵە-سەنۆق-لاتای یەغدان	صندوق / جعبه چوبی بزرگ
crawl *v*	کرُل-رُل	گاڵەکوتێ لوای-بەعەرزا	سینه‌خیزرفتن،خزیدن
		خۆکێشان-سینەخزای	
crayon *n*	کرِین	مەدادرەنگی-مەدادشەمعی	مداد شمعی / رنگ
crazy *adj*	کرِیزی	شێت-دێوانە-ئازاردار	دیوانه،احمق،خُل
		مۆکڵ دار،گەوج	مجنون
creak *n*	کریک	جیرەجیرەکەردەی	قرچ قرچ کردن
		قرچەقرچ کردن وەک ئاور	جیر/ غژ کردن
cream [1] *n*	کریم	تۆشۆتی-چەوری شۆتی	سرشیر، خامه،کرم‌پوست
		توێی شیر-سەرشیر،پەساوڕیا	زبده
cream [2] *adj,n*	کریم	رەنگی کرێم-رەنگوگەچەرەی	(رنگ)کرم،سرآمد
		رەنگی بەینی سپی وزەرد	

انکلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
crescent *n*	کرِسِینت	نیودایره	نیم دایره
create *v*	کرییت	وەش‌کەردەی-خولّقاندن	افریدن، خلق کردن
		خلۆقنای-خۆش‌کردن،کردیت	هست کردن
creation *n*	کرییشن	خلۆقنا-خولّقان-وەش‌کەرد	خلقت،آفرینش،مخلوقات
creature *n*	کرییچر	مەخلۆق-خەلّک-وەش‌بیە	آفریده ـ مخلوق
		بەدی‌هات	
credit *n*	کردِیت	شۆرەت-قەرز-جاروبەش	شهرت، اعتبار- نسیه،
		کەرەت، باور	اعتماد ـ قسطی
creep *v*	کرییپ	خشکیای-خۆبەزەوی‌داکێشان	خزیدن،دزدانه‌خزیدن
		لەمەخشکێ‌لوای	گستردن درگیاهان
crest *n*	کرِست	کاکۆلّێ-نووک-کاکۆلّ	تاج‌وکاکُل ـ نوک‌هرچیزی
		کەل،سەر ـ تاجە،پۆپە	قله
crew *n*	کروو	کرێکاران لەکەشتی	کارکنان کشتی،خدمه
		کارگەرێ کەشتی،کرێ کاران	کارگران
cricket [1] *n*	کریکیت	کایەی کریکت-جۆرێوە	بازی‌کریکت،جیرجیرک
		گەمەبەتۆپەوچۆ	
cricket [2] *n*	کریکیت	جیرجیرەکەرەسی سەرگی	جیرجیرک، زنجره
cry	کرای	قیرنای-قیراندن قیچاندن	گریه کردن‌ـفریادزدن
cries *see* **cry**	کرای		
crime *n*	کریم(کرایم)	گوناعەگوناح-جنایەت-تاوان	گناه،جنایت،جرم،جنایت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
criminal *n*	کری مینل	تاوان دار-جنایی-تاوانباری مجرم	جنایتکار-جانی،مجرم
criminal *adj*	کری مینل	تاوانی-جنایی-بەدکردەوە	جنایی - تبه‌کار
crimson *n*	کریم زن	سوور-ئاڵ-ون رەنگ خوێن رەنگ	سرخ،خون‌رنگ،زرشکی
cripple *n*	کری پل	شەل - کوچ،گێر	چلاق،لنگ،معلول،شل
cripple [1] *v*	کریپل	شەلبیەی-شەڵبوون کوچ وئی فلیج بیەی	چلاق / لنگ شدن
crisis *n*	کرایسیز	گرفتاری-تەنگ وچەڵەمە، وەیویر-نالەباری-شێواوی	بحران،گرفتاری،شور
crisp [1] *n*	کریسپ	نەرم‌وشل-ترت-چین دار-تازە	ترد،شکننده ـ ترد و تازه
crisp [2] *n*	کریسپ	چیپس-لوول-ئالاو-خۆش	چیپس ـ فرح بخش
criticize *v*	کری تی سایز	ئیرادگرتەی-داکوتان بەرەک گرتەی،رخنە گرتن	ایرادگرفتن،سخن‌سنجی کردن
critic *n*	کری تیک	عەیب گیر-ئاشۆ-تەشەردەر	منتقد،انتقادکننده،خُرده‌گیر
critical *adj*	کری تیکال	ئیرادگری-چۆڵکەشکێنی	انتقادی،ایرادگیر،نقدگرانه
criticism *n*	کری تی سیزم	تەشەر-چۆڵکەشکێن وردەگیر-ئیراد	انتقاد،نکوهش،نقد
croak *v*	کرئوک	دەنگوقرواقێ کەردەی-قرنای دەنگی قرپۆق دەرهاوردن	صدای قورباغه‌وکلاغ درآوردن

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
crockery *n*	کرُکری	دەوری-جامۆلە-کاسە-فنجان	کاسه‌بشقاب،کاسه(ظروف‌سفالی)
crocodile *n*	کرُکُدیل (کروکودیل)	تیمساح-مارەساوەی ئاویە نەهەنگی پۆزەدار	تمساح، کروکودیل
crooked *adj*	کرُکید	کۆڵ-لار-گێر-قەمچ دار،بادار	پرپیچ‌وخم،شیاد،قلابدار
crop *n*	کرُپ	بەرهەم-حاسڵ-بەر مووی کوڵ،کلۆزرک	غله، حبوبات ـ بار، محصول گروه، چینه‌دان
cross [1] *n*	کراس	مەدـدوخێت-سەلیب-پانی	علامت‌ضربدر(x)،صلیب
cross [2] *v*	کراس	رەدبیەی-گوزەرکردن	گذشتن،عبورکردن،دورگه
crossing *n*	کراسینگ	چوارری(را)-یاگێ هۆرتەقی	چهارراه، تقاطع
cross [3] *adj*	کراس	توورە-نارەحەت،جڕی بازودوەرەنگ-قەلز	ناراحت، خشمگین پیوند زدن
crossroads *n*	کراس رودز	چواررا - شارا	(تقاطع) چند راه
crossword *n*	کراس ورد	جه دوەل	جدول حروف
crouch *v*	کرئوچ	دانوێندن-نامیای-قوتودای جوجکەدای-چوارجامەدای،کزکردن	چمباتمه / چهارزانو زدن قوز / کز کردن
crow *n*	کرئو	قشقەرە-جورەی قالاوی سیاووچەرمە-قەل-قالاو	زاغ،کلاغ،بالیدن
crowd [1] *n*	کرئود	جەمەومەردمی-شلۆق قەرەباڵغ-قاڵ	انبوه مردم، جمعیت
crowd [2] *v*	کرئود	جەم‌بون-جەم‌بیەی-گلێروبیەی	ازدحام کردن، جمع شدن
crowded *adj*	کرئودد	شلۆقی-قاڵ-پرنفووس	شلوغ،پرجمعیت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
crown [1] *n*	کرئون	تاجه‌ـجخه‌ـتاج وئه‌فسه‌ر	تاج، دیهیم شاهی
crown [2] *v*	کرئون	تاج سه‌ره‌نیای‌ـتاج له‌سه‌رکر،دن	تاجگذاری کردن
crude *adj*	کروود	خام‌ـنیاوا‌ـنه‌گه‌ییگ	نارس ـ ناجور، نامربوط
		ناره‌وا،ده‌یمی	خام
cruel *adj*	کرول (کرُل)	بێره‌حم‌ـزاڵم‌ـناپیاو	بیرحم،دیگرآزار،ظالم
cruelly *adv*	کرولی	بێره‌حمی‌ـزاڵمی	بیرحمانه،باقساوت
	(کرُلی)	به‌دڵ‌ره‌قی	
cruelty *n*	کرولتی	·بێره‌حمی‌ـزڵمایه تی	دیگر آزاری، ستمکاری
crumb *n*	کرام	ورده‌نان‌ـتیکه‌چت‌ـورده،	خرده، تکه
crumble *v*	کرامبل	کروچای‌ـکروته‌ی‌ـوردکردن	فروریختن، ریزش کردن
		رژای‌ـته‌پین،روخان	ریز کردن
crush *v*	کراش	تلێقنای‌ـپلچۆکه‌رده‌ی	با فشار سنگین صدمه دیدن
		پانۆکردن‌ـوردبون	له شدن، ظلم کردن
crust *n*	کراست	لچێ نانێ‌ـپێست‌ـده‌وری نان	بخش خارجی(نان)،پوسته‌زمین
crutch *n*	کراچ	چوچیروباڵی‌ـگۆچان	چوب‌زیربغل‌ـچوبدستی
		چێوی ژێری باڵ،گاڵۆک	
cry [1] *v*	کرای	قێرنای‌ـقێراندن	فریاد کشیدن ـ گریه کردن
		گره‌وای(گریان)،به‌کوڵ گریان	زاری کردن
cry [2] *n*	کرای	هاوار‌ـداد‌ـفه‌ریاد	داد،فریاد،زاری
cub *n*	کاب	پارکۆله‌ـتوته‌کۆله‌ـتوتک، مناڵی ناآرام‌ـبه‌چکه	توله،گربه‌سانان،بچه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cube *n*	کیوب-کاب	هەشت سووچ-موکەعەب شەش دیم(روو)	مکعب،توان سوم ریاضی
cubic *adj*	کیوبیک	هەشت سووچی-شەش رو شێوە	مکعبی، مکعب شکل
cucumber *n(cud)*	کیوکامبِر	هاروێ-خەیار-خیار-کاوێژ ترۆزی و چەمەرە	خیار ـ نشخوار
cuddle *n*	کادل	لەباوەش گرتن-ئەوشی گرتەی	درآغوش کشیدن،بغل کردن
cuff *n*	کاف	سەرقۆل-پەراوێزو لیباسی	سرآستین، لبه لباس و...
cultivate *v*	کال تی ویت	کێلآن-کالآی، پەروەردن کشت وکاڵ کەردەی	آماده کشت کردن به عمل آوردن
cultivation *n*	کالی تی وِشن	کشت وکاڵ-وەی کەری بەخێوکەری،کێڵ	آماده کشت وزرع،پرورش
culture *n*	کال چِر	ڕێورەسمی ژیانی خەڵک ـ فە رهە نگ ـ دە هب	فرهنگ (راه و روش زندگی مردم)، تربیت
cunning *adj*	کانینگ	نادرووس-زۆڵ-فەریوکار فێڵ باز	حقه باز،نیرنگ باز مکار ـ حیله
cup *n*	کاپ	فنجان-جام(جامی شەراو)	فنجان ـ جام، کاپ
cupboard *n*	کاپ بورد	گەنجە-قەفەسە-کومود	قفسه،گنجه،کابینت
cure [1] *v-n*	کیور	شەفادان-دەرمان کەردەی عێلاج کردن، چارە،عیلاج	درمان / معالجه کردن چاره ـ شفا

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cure [2] *n*	کیور	شەفا-عەلاج-عێلاج-دەرمان	شفا، درمان، علاج
curious *adj*	کیوریس	گۆش بەزەنگ-شۆن گیر	کنجکاو،پیگیر،فضول
		وریاوچاودێر،عەراف	
curiously *adv*	کیوریس لی	بەوریایی-چەمداری	کنجکاوانه،فضولانه
curiosity *n*	کیوریس تی	وریایانە-چەمداری	کنجکاوی ـ تُحفه
curl [1] *v*	کِرل	پێچنای-لوول کەردەی	پیچ دادن ـ حلقه زدن،
		هەڵقە کردن وخولدان وبادان	فرزدن ـ پیچاندن
curl [2] *n*	کِرل	پێچ-هەڵقە-لوول-با	پیچ،حلقه،فز،تاب
curly *adj*	کِرلی	خرتی-خری-خرخاڵی	حلقوی، پیچی، فری
		ئاسا-لوولی وبادانی	
currency *n*	کارِنسی	پووڵی مەرسووم-بڵاو	پول(رایج)،دست‌به‌دست
		پووڵی باوی رۆژ	گشتن ـ گردش پول
current *n*	کارِنت	باو-رەسم-بڵاو-قرمەوئاوی	جریان(آب،برق،...)
		رەوەند-هاتوچو-ئامۆشیە	رایج کنونی
curry *n*	کاری	جۆرەی پێخۆر-قەشاو	غذای تندوتیز-زردچوبه
		چاشتی تونە-زەردەچۆ	هندی
curried *adj*	کارید	چێشتی تن وئاڵەت دار	غذای ادویه دار
		چاشتەی ئاڵەت دارە	
curse [1] *v*	کِرز	کروزیای-دژماندای-دوعاکردن	نفرین / لعنت فرستادن
		خراوە وتن	بدهنی کردن

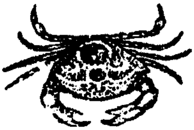
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
curse [2] *n*	کِرز	خراوه‌ـدژمانی‌ـدوعا‌ـخراپه	نفرین،لعنت‌ـدشنام‌ـناسزا
curtain *n*	کِرتِن	پەردە ـ دەرپۆش	پرده (پنجره، در،...)
curve [1] *n*	کِرو	کۆڵ‌ـکەوان‌ـقەمچ وبا کەمان و بادان	پیچ،انحنا،قوس‌ـخمیدگی
curve [2] *v*	کِرو	قەمچیای‌ـپێچ خواردن ئەوە گێلای‌ـچەماندن‌دەوردان	پیچیدن، پیچ خوردن دور زدن
cushion *n*	کُشن	سرینگا پانێ‌ـپشتی چکۆلە	بالشتک تزئینی،پُشتی
custom *n*	کاستِم	دەهب ورەسم‌ـرێ ورەسم وعادەت، هەقە گمرگ	رسم، سنت، رسم و رسوم عوارض گمرکی
customary *adj*	کاستِمِری	عادە تی‌ـجێ کەفت‌ـباو	مرسوم،متداول،روا
customer *n*	کاستِمِر	مشتەری‌ـسانەر‌ـخەریدار	مشتری، خریدار
customs *n*	کاستِمز	گمرگ	گمرک
cut *v*	کات	بریەی‌ـبرین‌ـکولۆ کەردەی ـ جگێ کردن	کوتاه کردن ـ قطع / تکه تکه / بریدن و جدا کردن
cut [2] *n(cutting)*	کات	زام‌ـرێش‌ـکوت‌ـپاچ‌ـپرنا	بریدگی / زخم ـ قطع، برش
cutlery *n*	کات لِری	کۆمەڵەی کێردو چنگاڵ دەسوکاردو چنگاڵێ	سرویس کارد و چنگال ابزارهای برنده
cycle [1] *n*	سای کِل	دووچەرخە‌ـدەورە‌ـدەوران‌ـخول	چرخه‌ـدوچرخه‌ـزمانه‌ـدوره
cyclist *n*	سای‌کِل‌یست	دووچەرخەسوار	دوچرخه‌سواروموتورسوار
cycle [2] *v*	سای کِل	دووچەرخەسواری کردن (کەردەی)	دوچرخه سواری کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
cycling *n*	سای‌کلینگ	دووچه‌رخه‌رانی	دوچرخه سواری
cyclone *n*	سای‌کِلون	توّفی قورس-گه‌رده‌لوول	گردباد ـ تُندباد
cylinder *n*	سیلیندر	ئستوانه- لووله‌ ئاسا	سیلندر، استوانه
cylindrical *adj*	سیلیندری کال	ئستوانه‌یی-لووله‌یی	استوانه‌ای
cyst *n*	سیست	گمیّزدان-تیزانگی-توّم‌دان کی‌سه،لکی‌ناوسک‌وجه‌رگ	مثانه ـ تخمدان ـ کیست
czar *n*	تزار ـ زار	قه‌یسه‌ر ـ تزار	قیصرـهمه‌کاره‌امور
czech *n*	چک	زمانی‌چه‌کی	زبان‌چک(شاخه‌ای‌ازاسلاوی)
cza=cazha *n*		کاژه‌ناوی‌یه‌کیّ‌له‌خوداکانی میّژه‌له‌ژووری‌پاوه‌له‌هه‌ورامان	کاژه (نام خدایی آریایی در اورامان شمال پاوه) در عهد آشوریان (کاژو)
cystitis *n*	سیس‌تای‌تیس	باکردن و نه‌خوّشی میّزدان،ونه‌گمیّز	ورم مثانه
cynic *n*	سی‌نیک	به‌شه‌ری‌به‌دگومان‌وجاش	آدم‌بدبین‌و منفی‌باف
cypall *n*	سیپال	جل و به‌رگ‌ولیباس	لباس
cyaw *adj*	سیاو	سیاو ـ ره‌ش	سیاه ـ مشکی


colonnade


corkscrew


crocodile(def 1)


crab(def 1)


cones


cockle


centaur


JAGUAR


LYNX


PANTHER


LEOPARD


LIONESS



LION


TIGER


PUMA

D d

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
D *n*	دی	چوارەمین پیتی ئەلفبا	چهارمین حرف الفبای انگلیسی
daata *n*	داته	تاتە ـ باوک ـ باب ـ بابە	پدر ـ بابا
dab *vt*	دَب	رەنگ کەردەی (کردن)	رنگ‌کردن، آهسته‌زدن
dabble *vt.vi*	دَبل	تەرکردن ـ مالاّی ـ ماڵین	ترکردن ـ مالیدن، شلپ‌شلپ
daddy *n* **(dad)**	دَدی	تاتە ـ باوک ـ بابە ـ دادە	پدر ـ بابا
daffodil *n*	دَفِ دیل	نەرگسە زەردک ـ نەرگسی زەرد	نرگس زرد
dagger *n*	دَجِر	خنجەر ـ خەنجەرە	خنجر ـ قمه، دشنه
daily *adj,adv*	دِیلی	رۆژانە ـ گردە ڕۆیوە	روزانه، یومیه، روزمره
dairy=creamy *n*	دِیری	کارخانەی شیران	لبنیاتی، لبنیات فروشی
		شۆت وڕەشی	
dam [1] *n*	دَم	وەرپەنگ ـ سەدە ـ بەربەست	سد، آب بند
dam [2] *v(dammed)*	دَم	وەربەسەی ـ سەدلێدان	سد بستن، سد زدن
		وەرپەنگ دای ـ ئاوبەست	
damage [1] *n*	دَمیج	لەتمە ـ زەرەر، تاوان	خسارت، صدمه، آسیب
damage [2] *v*	دَمیج	لەتمە دیەی ـ زەرەرکردن	خسارت/ صدمه دیدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
damp *adj*	دَمپ	نمناک ـنه‌م‌دار ـته‌ڕنسرم	مرطوب،نم‌دار،رطوبت
dance [1] *v*	دانس	هۆرپرای ـهه‌ڵپه‌ڕین	رقصیدن،رقص
dancer *n*	دان سِر	هۆرپڕکه‌که‌ر ـهه‌ڵپه‌رکه‌که‌ر	رقاص،رامشگر
dance [2] *n*	دانس	ره‌قس ـمێوانی	رقـص ـ مـهمانی / مـجلس
		کۆری هه‌ڵپه‌رکێ	رقص
dane *n*	دِین	خه‌ڵکی دانمارک ـدانمارکی	دانمارکی
danger *n*	دِین جِر	مه‌ترسی ـ خه‌ته‌ر	ریسک ،خطر ـ ضرر
dangerous *adj*	دِین جِرِس	مه‌ترسی دار ـپڕخه‌ته‌ر	خطرناک،پُرخطر
dare *v*	دِر	دڕـزات داربیه‌ی ـبێ باک بوون	شجاع بودن، شهامت داشتن
dark [1] *adj*	دارک	تاریک ـلێڵ	تاریک،تیره‌رنگ،شبانگه
darkness *n*	دارک‌نِس	تاریکی ـلێڵی	تاریکی ـ تیرگی
dark [2] *n*	دارک	تاریکی ـلێڵایی	تاریکی ـ تاریک
darling *n,adj*	دارلینگ	به‌نوودڵی ـئازیز ـشیرین	عزیز،ملوس،جگرگوشه
dart [1] *n*	دارت	تیره ـڕه‌مه ـجۆرێ کایه (گه‌مه)، گوله	دارت (نوعی بازی) تیر ـزوبین ـ خیز
dart [2] *v*	دارت	تندلوای ـفرته‌کردن	تیز/سریع‌رفتن،خیززدن
dash [1] *v*	دَش	به‌فره‌لوای ـبه‌توندچوون	سریع/باشتاب‌رفتن،کوفتن
dash [2] *n*	دَش	خه‌تی به‌ینه‌وشه خه‌ته‌و مابه‌ینوکه‌لیمان	خط تیره (-)، ذره
date [1] *n*	دِیت	ته‌ئریخ ـتارێخ ـوه‌خت وکات	تاریخ(روز،مه،سال)،خرما

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
date [2] *n*	دیت	خورما	خرما ـ رُطب
daughter *n*	دُتر	کناچێ ـ کچ ـ که نیشک ـ دئود	دختر ـ دخت
dawn *n*	دُن	شه فه ق ـ تووله کوسۆحی	سپیده دم، فجر ـ سحر
		به ربه یان	آغاز
day *n*	دِی	رۆژ ـ رۆ ـ شه وورۆژ	روز ـ شبانه روز، ۲۴ ساعت
daylight *n*	دِی لایت	رۆشنا ـ خۆرتاوبو	روشنی روز،سپیده‌صبح
		کاتی رووناکی به یان	
daytime *n*	دِی تایم	رۆوه خت ـ کاتی رۆژ	هنگام‌روز- روز
dead [1] *adj*	دِد	مردوو ـ مه رده ـ گیان به رشیه	مُرده ـ بی‌جان
deadly *adj*	دِدلی	کوژه ر ـ کوشه ر ـ گیان گیر	کشنده، مهلک
dead [2] *n*	دِد	مه ردێ ـ مردوان ـ مردگه کان	مردگان - مُرده
deaf *adj*	دِف	که ر ـ نه ژنه وا ـ نه بیسه ر	کَر، ناشنوا
deal [1] *n*	دییل	مامۆڵه ـ به ش ـ ئه نازه	دادوستد ـ اندازه ـ چوب‌کاج
deal [2] *v*	دییل	مامۆڵه که رده ی (کردن)	معامه / تجارت/ داد و ستد /
		دابه ش کردن ـ ره فتارکردن	رسیدگی کردن ـ دادن، تقسیم
			کردن
dealer *n*	دییلر	مامۆڵه گه ر ـ ده راڵ	معامله گر، دلال، واسطه
		چێووره ش ـ چت فرۆش	عامل
dear [1] *adj*	دِیر	ئازیز ـ سه روه ر ـ گران ـ عه زیز	عزیزـگران‌ـگرانمایه
dearly *adv*	دِیرلی	زۆر ـ گران ـ فره	بسیار، گران
dear [2] *adj*	دِیر	گران قیمه ت	گران، گرانقیمت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
death *n*	دِت	مردن ـ مەردەی،فۆتیان	مرگ، سستی ـ درگذشت
debate [1] *n*	دی‌بیت	باس ـ گوفتوگۆ ـ قسە کردن	مذاکرات‌مهم‌ـرایزنی،بحث
debate [2] *v*	دی‌بیت	گوفتوگۆ کردن ـ باس‌کەردەی	مذاکره / مباحثه کردن
debt *n*	دِت	قەرزلاوەبیەی ـ دەین،قەرزار	قرض،دین، بدهی
decay [1] *v*	دی کِی	پو ترکیای ـ دارزیان ـ خمریای	فاسد / خراب شدن
decay [2] *n*	دی کِی	وەرین ـ خمریا ـ دارزیا ـ گەنا	خرابی،پوسیدگی‌ـفساد
deceive *v*	دی سیو	خڵە تنای ـ فەریودان	گول زدن، فریب دادن
deceit *n*	دی سیت	خڵە تنا ـ فەریو،فێڵ	فریب،حقه،نیرنگ،تقلب
december *n*	دی سیمبر	مانگی دوازدەیەم لەساڵی میلادی	دسامبر(دوازده‌همین‌ماه)
decent *adj*	دی سِنت	باش ـ شایستەولایق	مناسب ـ شایسته
decide *v*	دی ساید	ئیرادە کردن ـ گەرەک بوون لێبران ـ ئامادەبون	تصمیم‌گرفتن،اراده‌کردن
decision *n*	دی سی ژن	ئیرادە ـ گەرەک بوونەوە لێبرا ـ ئامادە ـ ویستن	تصمیم،قصدـحکم
deck *n*	دِک	بنە ـ بێخ جە کەشتی عەرشەی کەشتی	عرشه، کف
declare *v*	دیک لِر	وتن ـ چێرلوای ـ واتەی	اظهار/اعلان/ابرازکردن
declaration *n*	دِک‌لِری‌شِن	چێرلوا ـ ئەوەواتە ـ وتنەوە باس ـ راگەیاندن	اظهار،اعلان،بیانیه
decorate *v*	دِکوریت	رازاندن ـ ئەوەرازنای وێ کوشتەی	تزئین‌کردن،مدال‌دادن

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
decoration *n*	دِکوریشن	رازاندنەوە-وێ رازنا	تزئین، دکوراسیون زینت دادن
decrease [1] *v*	دی کریس	کەم بیەی - کەم کردن	کاهش یافتن-کم شدن
decrease [2] *n*	دی کریس	وارئەوردەکەم کردەکەم کرد	کاهش،نقصان،تقلیل
deed *n*	دیید	رەوشت-عەمەڵ ورەفتار	رفتار،کردار،سندمالکیت
deep *adj*	دیپ	قووڵ - قوول	عمیق،گود - دور
depth *n*	دِپس (دِپث)	قووڵایی-بنەئاو	عمق، ژرفا
deer *n*	دی یِر	جۆرێوەکەڵ-ئاسک	گوزن - آهو
defeat [1] *v*	دی فیت	تێک شکاندن-تارنای-مارای	مغلوب کردن-شکست دادن
defeat [2] *n*	دی فیت	تارنا-تێک شکان-باخت مێریای	باخت، شکست
defend *v*	دی فند	پشتیبانی کردن-سەری کەردەی-پشت گرتن	دفاع کردن از-حمایت کردن
defenc *n*	دی فِنس	سەری-پشتیوانی-پشت گرتن	دفاع - حمایت
definite *adj*	دِفی نیت	مەعلووم-روون-ئاشکرا	واضح،مطمئن،معلوم
definitely *adv*	دِفی نیت لی	بەئاشکرایی-بەرۆشنی	به وضوح،قطعاً
defy *v*	دی فای	چەتەگەری کەردەی-مل هۆری کردن	یاغی شدن، عصیان کردن
defiant *adj*	دی فاینت	روودار-چەتوون-مل هۆر	گستاخ،نافرمان،گردنکش
degree *n*	دی گری	دەرەجە-مەدرەکی دانشگا-پۆڵ	درجه،مدرک لیسانس،پایه
delay [1] *n*	دی لی	دێرهات-دماکەوت-دێرکرد	تأخیر،دیرکرد،معطلی
delay [2] *v*	دی لی	دواخستن-ماتڵ کەردەی	به تعویق انداختن،دیرآمدن

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
deliberate *adj*	دی‌لی بریت	ئه‌نقه‌س-به‌خۆم-قه‌سی	عمدی،ارادی-سنجیده
deliberately *adv*	دی‌لی‌بریتلی	ئه‌نقه‌سی-ده‌سی ده‌سی به‌قه‌س	عمداً
delicate *adj*	دی‌لی‌کیت	نه‌رم‌وشل-زه‌ریف-نه‌رم‌وترت	ترد،ظریف،دلپذیر
delicious *adj*	دی لی شِز	وه‌ش‌تام - خۆش‌تام	خوشمزه-لذت بخش
delight [1] *n*	دی لایت	مه سرور - سه‌روه‌ش خۆشی وه‌شی	خوشی، شادی، مسرت
delight [2] *v*	دی لایت	سه‌روه‌ش که‌رده‌ی خۆشحاڵ کردن	مسرور ساختن / کردن
deliver *v*	دی لی وِر	په‌نه‌سپارده‌ی-به‌پێ‌دان	تحویل‌دادن،رهانیدن
delivery *n*	دی لی وِری	په‌نه‌دای-پێ‌سپار-په‌نه‌سپار پێدان	تحویل،زایمان
demand [1] *v*	دی ماند	لێخوازتن-گه‌ره‌ک‌بیه‌ی نیازبوون، تواستن	درخواست / تقاضا کردن طلبیدن
demand [2] *n*	دی ماند	لێخواز - چه‌نه‌واز لێ گه‌ره‌ک‌بووگ،خوازین	تقاضا،درخواست،مطالبه
democracy *n(...PL,cies)*	دیموکرِسی	دیموکراسی-حکوومه‌تی مللی‌ومه‌ردومی	دموکراسی،مردم‌سالاری برابری‌حقوق
demolish *v*	دیمولیش	وێران‌که‌رده‌ی-رژنای رووخاندن	خراب / تخریب کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
demolition *n*	دیمولیشن	وێرانی-خراوی-رووخاندنەوە	ویرانی،خرابی،تخریب
demonstrate *v*	دِمِناسترِیت	پێ ئیشان دان-بەنە ئیشان دای پێ وتن	به وضوح نشان دادن اثبات کردن
demonstration *n*	دِمِناستری‌شِن	دەلیل-واتەی-نماناى	شرح-تظاهر،برهان‌وبیان
den *n*	دِن	لیانەوگیانداران-مەرەکون	بیشه،کنام،خلوتگاه
dense *adj*	دِنس	هەس-پتەو-وشێریا-پۆر	انبوه،متراکم،کندذهن
dentist *n*	دِن تیست	دەندانساز-دوکتورودانی	دندانپزشک
deny *v*	دی نای	حەشاکەردەی-ژێری‌بارنەروین مل نەدان	تکذیب / انکار کردن طرد /عاق /کردن
depart *v*	دی پارت	روین-ئەرەجمای-رۆشتن	حرکت / ترک کردن
departure *n*	دی پارچر	جمای-داجوین-لوەی	حرکت‌عزیمت،رهسپار
department *n*	دی‌پارت‌مِنت	بەش-عەدارە-شوێن	بخش، حوزه، اداره
depend *v*	دی پِند	مەربووت‌بیەی-یاورکردن	وابسته بودن ـ اعتماد کردن
dependent *adj*	دی پندِنت	مەربووت-وەسڵ-باوەر	وابسته،متکی،دلگرمی
deposit [1] *v*	دِپوزیت	ئەرەوسەی-ئەمانەت‌سپاردەی، دانان، پوڵ‌وسنەی	گذاشتن ـ سپرده بانکی داشتن، رسوب کردن
deposit [2] *n*	دی‌پوزیت	بەیعانە-وەڵی‌دا-پێش‌دەر	ودیعه،پیش‌پرداخت،سپرده
depot *n*	دی‌پو	همار-همارەبار-بارکێشی	باربری،انبارِبار،پایانه
depress *v*	دی‌پِرس	خەمین‌کەردەی-غەمبارکردن	افسرده کردن،فشاردادن
depression *n*	دی‌پرس‌شِن	خەمینی-مەلوولی-غەمباری	افسردگی،غمگینی،تورفتگی
depth *see* **deep**	دیپ	قووڵ	عمیق

ʊə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
deputy *n*	دی پیوتی	جیٚ نشین ـ یاگه گیر ـ وه کیٚل	جانشین، نماینده، معاون
descend *v*	دی سِند	خوارهاتن ـ ئه‌وه‌نیشته‌ی	پایین / فرود آمدن
		وارئامه‌ی	
descendant *n*	دی‌سِندنت	زه‌وروٚ ـ لوٚله ـ مناڵ ـ کوٚرپه	خلف،زاده،فرزند،نواده
describe *v*	دیس کرایب	باس‌که‌رده‌ی (کردن)	توصیف / تشبیه کردن
		کیٚشای هوٚردای (به‌یان‌کردن)	
description *n*	دیس‌کرایب‌شِن	باس ـ کیٚشان ـ به‌یان ـ نوٚع	تصویر،توصیف،تعریف،نوع
desert [1] *n*	دیزِرت	بیاوان ـ هه‌رد ـ نزار ـ چوٚڵ ـ سارا	صحرا، کویر، بیابان
desert [2] *v*	دیزِرت	به‌ردان ـ جیائاسه‌ی جه‌سه‌روازی	نفی بلد کردن، رها ساختن
deserve *v*	دیزِرو	لایق بیه‌ی ـ سزاواربوون	سزاواربودن،لایق‌بودن
design [1] *n*	دیزاین	نه‌خشه ـ نیه‌ت ـ به‌رنامه	الگو ـ نقشه،طرح،پروژه
design [2] *v*	دیزاین	نه‌خشه‌مته‌ی ـ له‌چاوگرتن	نقشهٔ... را ریختن
		گه‌ره‌ک‌بیه‌ی	برنامه‌ریزی کردن
desire [1] *n*	دیزایر	ئاره‌زوو ـ ئومیٚد ـ ئاوات	آرزو،امید(میٚرگه‌واروه‌شه‌ن)
desire [2] *v*	دیزایر	ئاره‌زووکردن ـ ئاوات‌واسه‌ی	آرزوکردن/داشتن
desk *n*	دِسک	میٚزونویسه‌ی ـ میٚزی نووسان	میزتحریر ـ میزکار
despair [1] *n*	دیس پِر	نائومیٚدی ـ بیٚ ئاره‌زوویی	ناامیدی، یأس
		یاس‌بون	
despair [2] *v*	دیس پِر	نائومیٚدبیه‌ی (بوون)	ناامید / مأیوس شدن
		بیٚ ئارزه‌زووبیه‌ی ـ یاس‌بون	دلسرد بودن
desperate *adj*	دیس پِریت	بیٚ په‌نا ـ نائومیٚد ـ ئاواته‌واز	درمانده،ناامید،ناچار

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
desperately *adv*	دیس پریت لی	بەنائومێدی ـ بەئاواتەوازی	ناامیدانه،ناچاراً
despise *v*	دیس پایز	بچووک ژمێردن ـ بێزاربیەی رق لێ بون	متنفر / بیزار بودن
despite *prep*	دیس‌پایت	هەرچەنیچ ـ هەرچندەیچ	علیرغم،برخلاف،باوجود
dessert *n*	دیزِرت	چێوانەی کەدماو نانێ موەران پێخۆری دوای نان ـ دسێر	دسر ـ پس خوراک
destination *n*	دس‌تی‌نِ‌شن	مەبەست ـ ئامانج ـ ئاوات	مقصد ـ سرمنزل،هدف
destroy *v*	دیس‌تُری	وێرانکردن ـ خاپوورکەردەی	نابود کردن / ساختن
destruction *n*	دیس‌تراک‌شن	وێرانی ـ خاپووری ـ خراوی	نابودی،خرابی،داغان
detail *n*	دی‌تِیل	بەش ـ کوتێ ـ لەتێ ـ بەشەکان	جزء،تفصیل،بیگاری
detect *v*	دی‌تِکت	ئەوەبێ سەی ـ دۆزینەوە ـ زانین	کشف / پیدا کردن
detective *n*	دی‌تِکتیو	کارزان ـ ئاگاکار ـ سەردەرچو	کارآگاه
detergent *n*	دیترجِنت	پاکۆکەر ـ تەمیس کەر	پاک‌کننده،زداینده
deteriorate *v*	دی‌تیرِیِریت	خراوکردن ـ بەتەرکەردەی خراوبیەی ـ پوترکنای	بدتر شدن، کاستن
determine *v*	دی‌تِرمین	بریاردان ـ بەرئاوردکردن	تصمیم قاطع گرفتن
determination *n*	دی‌ترمی‌نِی‌شن	ئێرادە ـ عەزم ـ خیاڵ	اراده،عزم،تصمیم
detest *v*	دی‌تِست	بێزاربیەی ـ قین و رق لێ هاتن	بیزار / متنفر بودن
develop *v*	دی‌وِلپ	بەرەپێ دان ـ زیادکەردەی	توسعه‌پیداکردن،رشدیافتن
development *n*	دی‌وِلوپ مِنت	بەرەپێ دان ـ فرەکەرد ـ زیادکەرد	رشد،توسعه،گسترش

English انگلیسی	Pronounciation تلفظ	Kurdish کُردی	Persian فارسی
device *n*	دی وایس	نەخشە ـ بێ سەی ـ فێڵ	نقشه، حیله، کلک
		زۆڵی، دەزگا ـ تەدبیر	آرم، ابزار
devote *v*	دی‌ووت	فیداکردن ـ مەسرووف کەردەی	صرف کردن (وقت،...)
dew *n*	دیو ـ دوو	شەونم ـ هەڵسە گول ـ ئەسرەشەو	ژاله، شبنم
diagonal *n*	دایاگِنل	چەوت ـ لار ـ شەفتوول	اُریبی،راه‌اُریب،مورب،قطر
diagram *n*	دایگرَم	عەکسە ـ وێنەی چتێ ـ نەخشە	نمودار (نقشه /کار)نما
dial [1] *n*	دایِل (دایال)	سەفحەی سەعات و تەلەیفون	صفحه، مدرج (تلفن،...)
		وراد یۆ (غەریوی بسۆچی)	شماره‌گیر ـ دکمه
dial [2] *v*	دایِل (دایال)	ژمارەگرتن ـ شمارەگرتەی پەی	(با تلفن) شماره گرفتن
		تەلەیفونی	
diameter *n*	دایمِیتر	قایمی ـ ئەستووری ـ خەتەی	قُطر،قُطردایره،ضخامت
		نیمەکەرەجەدایرە	
diamond *n*	دایمِند	ئەڵماس ـ بەردە تێژە	الماس،لوزی
		(بەردی بەنەرخ)	
diary *n*	دایِری	ڕۆژانەنووسی ـ دەفتەروکاری	دفتر یادداشت روزانه
dice *v-n*	دایس	تەختەنەردکەردەی	طاس(بازی)،بازی نرد
		تاس و نەردکردن ـ تەختەنەرد	
dictate *v*	دیکتِیت	بەدەنگ وتن ـ دیکتەکەردەی	دیکته‌کردن /گفتن ـ تحمیل
dictation *n*	دیکتِیشن	ئیملا ـ دیکتە ـ تەلقینێ	دیکته ـ املا ـ امر
dictionary *n*	دیکشِنری	لوغەت‌نامە ـ کتێبی وشە ـ وشەنامە	فرهنگ‌لغت،واژه‌نامه
did *v*	دید	ڕابردووی فەرمانی دوو	گذشته do (انجام دادن)

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
die *v(died,dying)*	دای	مردن ـ مەردەی، تاس	مُردن،خاموش شدن
diesel *n*	دیزل	گازوییل ـ موتۆری دیزلی	موتورگازوئیلی،موتوردیزل
diet *n*	دایِت	چێشت ـ چاشتی ـ پێخۆر	خوراک،رژیم غذایی،رزق
differ *v*	دی فِر	فەرق بیەی ـ بەیەک نەخواردن جۆرنەبون	اختلاف / تفاوت داشتن
different *adj*	دی فِرِنت	جۆراوجۆر ـ یۆنەویەی	دیگر،متفاوت،گوناگون
difference *n*	دی فِرنس	فەرق ـ جیاوازی، شەڕ	اختلاف،تفاوت،توفیر
difficulty *n*	دی فی کولتی	گیروگرفت ـ سەختی دەردیسەر ـ زەحمەت	پیچیدگی،دشواری،سختی
dig *v(dug,digging)*	دیگ	کەندن ـ کەنەی کێڵاَن (کالاَی) کیبەرەدای، چال کەندن	چال کردن،حفرکردن،کندن
digest *v*	دی جست	هەزم و تاویای ـ تواندن (چێشت) وردبوون	هضم / گوارا شدن (غذا) خلاصه کردن
digestion *n*	دی جس شِن	هەزم ـ تاویای ـ تواو وردبوونەوە	هضم،گوارش
dignity *n*	دیگ نِ تی	گەورەیی ـ نتم ـ سەنگینی	وقار،بزرگی ـ خونسردی،شأن
dim *adj*	دیم	زایف ـ کەم سۆما ـ تاروڵێل	کم سو،ضعیف،کم نور
dimly *adv*	دیم لی	بەزایفی ـ بەتاری	به طور ضعیف
din *n*	دین	قاڵە قاڵ ـ هەراهەرا سەرنای	قیل وقال،غوغاکردن
dinner *n*	دی نِر	چێشتی ئێوارە ـ نانەوێرەگەی	شام

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
dip *v(dipped,dipping)*	دیپ	مەلەکەردەی-دڵێ ئاولوای	در مایع فرو بردن و درآوردن
direct [1] *adj*	دای رِکت	راس - رێک،سەرراس	مستقیم،راست،کامل
directly *adv*	دای رِکتلی	جابەجا- بەرێکی	به طور مستقیم
direct [2] *v*	دای رِکت	رێنموونی کردن-رانموونی کەردەی-ئیشان دای	راهنمایی کردن،اداره کردن
direction *n*	دای رِک شِن	رێ-را-لا-یار-سەمت	جهت،راه،مدیریت،حکم
director *n*	دای رکتِر	رەییس-گەورە-مودیر	رئیس،مدیر،کارگردان
directory *n*	دای رِکتری	دەفتەری رەهنما-دەفتەرو تەلەیفونی یا...	دفترچه راهنما
dirt - road *n*	دِرت رُود	جادەی خاکی	جاده خاکی
dirt *n*	دِرت	چڵکین-چەپەڵ-لەکە،خۆڵ	لکه(قابل برطرف شدن)،چرک
dirty *adj*	دِرتی	پیس-چڵکن،حیزوخیز	کثیف،آلوده،نادرست
disable *adj*	دیس ای بلد	داماگ-نگۆمە-زایف-بێ هاز	معلول، ناتوان
disadvantage *n*	دیس ادوان تیج	عەیبە-قەناسی-نارێکی زەرەر لارەخوار	عیب،نقص،کم مایگی
disagree *v*	دیس اگری	رازی نەویەی(نەبوون)-رەدکردن	نپذیرفتن،مخالفت کردن
disagreement *n*	دیس اگری مِنت	نارازی-ناکۆکی-نەسلەمیا	ناسازگاری،اختلاف
disappear *v*	دیس اپیر	نقمبیەی-گوم بوون-خۆشاردن	ناپدید / پنهان شدن
disappoint *v*	دیس اپوینت	نائومێدکردن- ئارەزوو بەدڵ ئاسەی،دڵسەردکردن	مأیوس / ناامید کردن
disappointment *n*	دیس اپوینت مِنت	نائومێدی-ئاواتەوازی	ناامیدی،خیطی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
disaster *n*	دیزآستِر	بەلاّـشەرـنگبەتیـقۆشمە	مصیبت،بلاـبدبیاری
disc=disk *n*	دیسک	نەوارەگرامـسەنحەی ئاوازوویّنە	صفحه گرامافون، صفحه
discipline *n*	دی‌سی‌پلین	نەزمـتەرتیبـرازاوەـنەزم‌داری	انضباط،نظم،اطاعت
discount *n*	دیس‌کئونت	کەم‌کردنەوەـکەم‌وکەرد	تخفیف ـ کاهش
discourage *v*	دیس‌کاریج	پەشیمان‌کەردەی‌ـدلّسارد کردن‌لە	منصرف کردن،مأیوس کردن
discover *v*	دیس‌کاور	بیّسەی‌ـدۆزین‌ـپەنەزانای	کشف‌کردن، دریافتن
discovery *n*	دیس‌کاوِری	دۆزینەوەـئەوەبیّسە رابەردەی‌بە	کشف،اکتشاف،نویابی
discriminate *v*	دیس‌کری‌می‌نیت	جیاوازکەردەی‌ـهۆرسرە نگنای‌ـبۆبەردەی(بردن)ـزانین	تشخیص دادن‌ـتبعیض قایل شدن
discrimination *n*	دیس‌کری‌می‌نیشن	جیاوازـنارەواـفەرق‌دان	تبعیض، شناخت
discuss *v*	دیس کاس	قسەکەردەی‌جەمەوەسیّ‌وە نەـباس‌کردن‌بۆ	گفتگوکردن‌دربارهٔچیزی
discussion *n*	دیس کاس شن	قسەوباس‌ـگفتوگۆـوتوویّژ	گفتگو،بحث،حرف‌زدن
disease *n*	دیزیز	ناوەشی‌ـنەخۆشی‌ـئازارە	بیماری،مرض،ناخوشی
disgrace *n*	دیس گریس	بەدنامی‌ـرسوایی‌ئابروویی	رسوا، شرمندەـننگ
disguise [1] *v*	دیس گایز	ویّوارای‌ـخۆگۆرانْ شیّوەوارای	تغییر قیافه / لباس دادن
disguise [2] *n*	دیس گایز	خۆگۆری‌ـویّوارای	تغییرقیافه،لباس‌مبدل

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
disguise [2] *n*	دیس گایز	خۆگۆری-وێوارای	تغییرقیافه-نقاب
disgust [1] *v*	دیس گاست	بێزارکەردەی-عاسی کردن	بیزارکردن - انزجار
disgusting *adj*	دیس گاس تینگ	رق لێ چو-قین وەنەئامە هۆق ئاوەر	زننده، تهوع آور
disgust [2] *n*	دیس گاست	عاسی-بێزاری-زیڵوە نەشیویای-قین لێ هات	تنفر،بیزاری،انزجار
dish *n*	دیش	دەوری-چێشت-چاشتی	بشقاب - خوراک، غذا
dishonest *adj*	دیس اُنیست	فێڵ باز-چاچۆڵباز-لار	نادرست،متقلب،دغل
disinfect *v*	دیس این فکت	میکرۆب کوشتن-میکرۆب کوشتەی	ضدعفونی کردن
disinfectant *n*	دیس این فکتند	میکرۆب کوژ-میکرۆب کوش	ضدعفونی کننده،گندزدا
dislike [1] *v*	دیس لایک	قین وەنەئامەی-رق لێ بوون خۆش نەهاتن-بێ مەیلی	نفرت داشتن،بیزاربودن
dislike [2] *n*	دیس لایک	قینە-رق-قین-خۆش نەهات	نفرت،تنفر-بیزار
disloyal *adj*	دیس لُ یل	بێ وەفا-بێ بەرچاو بێ وەرچەم-سفڵە	ناسپاس،بی وفا،خاین
dismal *adj*	دیزمل	خەمناک-خەفەت بار، تاریک	غم انگیز،ملال آور،تیره
dismay *n*	دیس می	پەرێشانی-حەیرانی-بەحت	نگرانی-بهت زدگی،بیم
dismiss *v*	دیس میس	وەردای-بەردان-بەرکەردەی دەرکردن	مرخص / اخراج کردن
disobey *v*	دیس اُبی	مل هۆری کەردەی-گوێ شل نەکردن	تمرّد/نافرمانی کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
disobedience *n*	دیس‌اِبی‌دِینس	مل هۆری-گوێ نه‌دان ژیرنه‌چون	نافرمانی،سرپیچی
disobedient *adj*	دیس‌اِبی‌دِینت	مل هۆر-چێر نه‌لوا گوێ نه‌ده‌ر	نافرمان،سرکش
disorganize *adj*	دیس‌اُرگنایس	تاریک-هه‌ڵه‌شه-نابه‌جێ	نامرتب-مختل،بی‌نظم
display [1] *v*	دیس‌پلی	پی‌شان‌دان-نیشان‌دای	به نمایش گذاشتن
display [2] *n,v*	دیس‌پلی	ئیشان‌دای-به‌رچاودێران له‌به‌رچاوخستن، پێشانگه‌	نمایشگاه، نمایش
dispose *v*	دیس‌پوز	نه‌زم‌دان - سامان‌دان	مرتب کردن - متمایل کردن
dispute *n*	دیس‌پیوت	داوا-ده‌م‌قره-شه‌ره‌دم	دعوا- دعوای‌لفظی،بگومگو
dissatisfied *adj*	دیس‌آتی‌س فاید	ناره‌زایی-مل نه‌دان	ناراضی،ناخرسند
dissolve *v*	دیزولو	تاواندن-تاونای-حل‌که‌رده‌ی	حل‌شدن/کردن،فسخ
distant *adj*	دیس‌تنت	دوور- دووره‌جێ	دور،دوردست،دیرآشنا
distance *n*	دیس‌تنس	مابه‌ین-دووری-به‌ین	فاصله،مسافت،دوری
distinct *adj*	دیس‌تینک‌ت	جگێ-جیا-مه‌علووم-روون	مشخص-مختلف،مجزا
distinctly *adv*	دیس‌تینکتلی	به‌ئاشکرا- به‌رۆشنی	به وضوح، به روشنی
distinguish *v*	دیس‌تینگ‌ویش	په‌ی به‌رده‌ی-ژناسین پێ‌زانین	تشخیص‌دادن،ممتازکردن
distinguished *adj*	دیس‌تینگ‌ویش‌د	بناوبانگ-نامدار	معروف-برجسته،ممتاز

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
distress[1] *n*	دیس ترِس	پەرێشانی ـ گیروگرفت	گرفتاری ـ پریشانی
distress[2] *v*	دیس ترِس	پیەرێشانکردن ـ تەرس لەدڵ (بردن) ـ سۆڵنای	پریشان / مضطرب ساختن رنج دادن
distribute *v*	دیس تری بیوت	بەشکردن ـ بەشکەردەی بلاوکردن، داخستن	پخش ـ توزیع کردن پهن کردن
distribution *n*	دیس تری بیوشن	بلاو ـ بەش ـ دابەش	توزیع، پخش ـ سهم
district *n*	دیس تریکت	وەلات ـ مەنتەقە ـ مەڵبەند	منطقه، ناحیه، حوزه
disturb *v*	دیس تِرب	تێکدای ـ ملۆزم و مۆکڵ بیەی	مزاحم شدن ـ جابجا کردن
disturbance *n*	دیس تربنس	تەق و لەق ـ ئاشۆ ـ شلۆق	بی نظمی ـ اغتشاش، مزاحم
ditch *n*	دیچ	جۆ ـ جوگە ـ چاڵی ـ دەرەوچەم	جویبار، نهر ـ گودال
dive *v*	دایو	فرتە ئاو ـ دلێ ئاوێ پڕای ئاو ئاو پەرین و قونین	شیرجه رفتن، زیرآب رفتن
diver *n*	دایور	ئاوباز ـ مەلەوان ـ ئاوپڕ	غواص، شیرجه رو
divide *v*	دی واید	بەشکردن ـ بەشکەردەی	تقسیم شدن / کردن
division *n*	دی وی ژن	بەش ـ دابەش ـ بلاو	تقسیم ـ بخش، قسمت
divine *adj*	دی واین	خودایی ـ ئەهۆری ـ خوایی	خدائی، الهی، حدس، نیکو
divorce[1] *v*	دی وُرس	تەلاق دای ـ جیاوەبیەی تەلاق دان	طلاق گرفتن / دادن
divorce[2] *n*	دی وُرس	تەلاق ـ جیایی ـ جگێ بوون	طلاق، جدایی، قطع رابطه
dizzy *adj*	دی زی	گێج ـ بێ هۆش ـ گێجان خۆلەسەر	احساس دوران سر، گیج منگ، حیران

انگلیسی English		تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
do [1] *v*		دوو	فەرمانیکردن ـکەردەی	زمان حـال فـعل *do* (انـجام دادن)
مفرد		جمع	سەرفی *do* بۆ ۶کەس یاسیّغه	
I do	کردم ـ کەردم	*We do*	کردمان ـ کەردتان	
Yuo do	کردت ـ کەردت	*You do*	کردتان ـ کەردتان	
He/she/It does	کردی ـ کەردش	*They do*	کردیان ـ کەردشان	
did *(p of do)*		دید	فەرمانیرابردوی *do* ویەردەودووی	زمان گذشته فعل *do*
done *(pp of do)*		دان	ناویمەفعوولبۆ *do* شێوه و یه رۆمو دووی	اسم مفعول *do*
doing *npl*		دوینگ	دوویئایئنجیدارکارەکان	وجه وصفی حال *do* کارها
do [2] *v*		دو	کردن ـکەردەی ـخاسکەردەی	انجام دادن، کردن
document control *n*			چاودێریسەنەدەکان	ممیزی اسناد
dock [1] *n*		داک	یاگەبار ـجیٚبارخست ـباروزگا	بارانداز،لنگرگاه،بندرگاه
dock [2] *v*		داک	وێسان ـمندرای ـیاگیٚ مندراوکەشتی	پهلوگرفتن، لنگر انداختن
doctor *n*		داکتِر	دوگدر ـحەکیم ـدوکتۆر	پزشک، دکتر
dodge *v*		داج	لەژێردەرچوون ـلارەقسەکەردەی	جا خالی دادن، ویراژ رفتن
does *v*		داز	لەقی فەرمانی دوو *do* لەقودووی ـکردن	از مشتقات *do*
dog *n*		داگ	سەگ ـتووتە ـدەڵوگەماڵ	سگ،آدم‌پست‌فطرت

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
dog days *npl*	داگ‌دِیز	چله‌ی هاوین-چلێ هامنی	چلهٔ تابستان
doll *n*	دال - دُل	وه‌یولێ-بووکه کایه-بووکیله	عروسک
dollar *n*	دُلار - دُلِر	پوولی ئامریکا-دولار	دلار(واحدپول)($)
		جۆرێوه پوول	
dome *n*	دئوم	گومه‌زـاتاق-مه‌مه‌شێوه	گنبد،طاق‌گرد،قُبه
domestic *adj*	دِمِستیک	لینی-یانه گێل-ماڵ‌ره‌وماڵات	خانگی -اهلی،درونی
dominate *v*	دومی نِت	ده‌س‌لوای-زاوته‌داربیه‌ی	سلطه / نفوذ داشتن
		ده‌س‌چوون-نفوزداربون	مسلط از نظر ارتفاع
donate *v*	دئونِ‌یت	به‌خشای-خه‌ڵات‌کردن	بخشیدن، اهدا کردن
		دیاری پێدان	
donation *n*	دئونِ‌شن	به‌خشای-خه‌ڵات-دیاری	اهداء، بخشش
donor *n*	دئونِر	دیاری‌ده‌ر-خه‌ڵات‌که‌ر	بخشنده، اعطاء کننده
domino *n*	دامینو	موره‌ی‌دۆمینه	مُهرهٔدومینو
donkey *n*	دانکی	هه‌ره،که‌ر-وڵاخ،جاش	الاغ، خر
door *n*	دُر	ده‌ر-به‌ره-ده‌رگا-ئاسانه	در،درب(چوبی،فلزی،...)درگاه
doorway *n*	دُروِی	پالاوه‌ژ-به‌رده‌رگا	استانه در، درگاه
		ئاسانه‌وبه‌ره‌ی-به‌رده‌رک	
dormitory *n,pl*	دُرمیتری	خه‌وگای‌گشتی-یاگه‌وته‌ی‌گردی	خوابگاه‌عمومی،خوابگاه
		خه‌وگه‌ی‌گشتی	
dose *n*	دئوز	میزانوده‌وای-به‌شه‌ی‌له‌ده‌وا	مقداردوا،دُز-میزان‌دارو
dormitory *n,pl*	دورمی‌تری	جێ خه‌وبۆچه‌ن‌که‌س	خوابگاه‌چندنفری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
dot *n*	دات	خاڵ ـ نوخته ـ نوختێ	نقطه،خال
double [1] *adj,adv,n*	دابل	دوانێ ـ جووت ـ جفت دووجار، دولا	دوبرابر ـ دولنگه،زوج،دولا دوتایی، دونفره
double [2] *v*	دابل	دووبه‌رانبه‌رکردن ـ دوبه‌رانبه‌ر بیه‌ی ـ دووجاران	دوبرابر کردن / شدن
doubt [1] *v*	دئوت	دووشک بیه‌ی ـ شک کردن خانه گمانی کردن	تردید داشتن، شک‌کردن
doubt [2] *n*	دئوت	خانه گمان ـ دووشک ـ شک	شک،تردید،دودل،گمان
doubtful *adj*	دئوت‌فل	دودڵ ـ شک دار ـ شک په‌ی لوا	مردد، مشکوک
doubtless *adv*	دئوت‌لِس	بێ شک ـ بێ زه‌ند ـ بی گومان	بدون تردید،بی‌گمان
dough *n*	دئو	هه‌میرونانێ ـ هه‌ویری نان	خمیر (نان)
down *adv,prep, adj*	داون ـ دئون	خوار ـ وار ـ ژێر ـ چێر به‌ره‌وخوار	پایین، زیر، به طرف پایین، در امتداد ـ به‌زیر
downwards *adv*	داون‌وِردس	روه‌ووار ـ روویه‌خوار به‌ره‌وخوار	به طرف پایین
downhill *adv*	داون‌هیل	سه‌ره‌چێر ـ سه‌ره‌وخوارکه	سرازیری،درسراشیبی
upside - down *adv*	آپ‌سایدداون	سه‌ره‌ووار ـ سه‌ره‌وخوار	وارونه ـ معکوس
downy *adj*	داونی	کوڵکی ونه‌رم ـ شل	کُرکی ـ نرم
dowry *n*	داوری	جه‌هاز ـ پێ ته‌ک	جهیزهٔ عروس
doxology *n*	داکسالِجی	شوکروحه‌مد	ستایش و حمد
downstairs *adv*	داون‌اس‌ترز	له‌قاتی خوار ـ چێرخان	در طبقه پایین

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
doze [1] *v*	داز	وەنۆزبەردەی ـبووژان‌کردن ناکابەخەوچوون ـپینۆکێ‌لوای	چُرت‌زدن،خواب‌کوتاه
doze [2] *n*	داز	وەنۆزی ـپینۆکێ ـکولەخەو	چُرت،خواب‌آنی
dozen *n*	دازِن	دوانزەچت ـدوانزەجەچیوەی	دوجین (دوازده تا)
Dr or doctor	داکِتِر	وشەی بەجێی دوکتۆر باتی دوگدوری	مخفف *doctor*
drag *v*	درَگ	بەرکێ شای ـدەرکێشان کێش‌کردن ـهۆرگۆسەی	روی زمین کشیدن ـ لاروبی کردن
dragon *n*	درَگِن	ئەژدەها ـهیژدیها ـحەفو ماری فرەگەورە	اژدها (هیولای افسانه‌ای)
drain [1] *n*	دِرین	کیەئاو ـکیبەرە ـنکم‌ئاوکێش ئاورەو ـگۆل (گۆلە) ری‌ئاو	مجرای‌فاضلاب،زه‌کشی‌کردن راه‌آب
drain [2] *v*	دِرین	ئاوکێشای مێرگێ ـئاودەرکردن‌لە گوشین ـ شواردەی	آب کشیدن از ـ چلاندن
drama *n*	درامِی	چیرۆک ـوێ نمانای ـخۆنواندن	نمایشنامه، درام ـ تحریک
dramatic *adj*	دِرِمَتیک	وەک داستان ـپڕ ماجەرا	نمایشی،داستان‌مانند پرماجرا
drank *see* **drink**			
draught *n*	درافت	شنەئامەی دلێ ـواهۆرکرد سروەی نەسیم هاتن	وزش باد به درون خانه
draughty	درافتی	واگا ـباوشنەدار	باددار ـ کوران‌دار

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
draft *n*	درافت	قولپەئاو-چۆڕ-گوڵم ئابجۆبوشکەی	جُرعه، دوز،دم
draw *v*	دِرُ	نەقاشی‌کێشان-چێوکێشای، رەسم‌کەردەی،هەڵمژین	ترسیم‌کردن،فرودادن
drawing *n*	دروینگ	نەقاشی-رەسم-تەرحە نەخشە (کێشی)	طراحی،رسم،نقشه‌کشی
drawer *n*	دروِر	کەشاو	کشو
chest of drawers *n*	چست‌اف‌درور	گەنجە-کومێد-جێ‌لیباس	کُمُد ـ جالباسی
dreadful *adj*	دِردفول	ئێش‌دار-فرەخراو-تەرس‌دار	دردناک،وحشتناک،دلهُره
dream [1] *v*	دریِیم	وەرم‌دیەی-خەودین	خواب / رؤیا دیدن
dream [2] *n*	دریِیم	خ‌و-خاو-وەرم،خەو	خواب،رؤیا،خیال
drench *v*	درِنچ	تەرکردن- تەرکەردەی فیسنای، خویساندن	کاملاً خیس کردن
dress [1] *v*	دِرِس	لیباس‌لەبەرکردن-لیباس‌وەر کەردەی، جل‌وبەرگ	لباس‌پوشیدن،پانسمان‌کردن پوشاک
dress [2] *n*	دِرِس	لیباس-جل- سیپاڵێ (ژنانە-کناچانە)	لباس زنانه / دخترانه لباس یک تکه
drift *v,n*	دریفت	وائەوردەی-باهاورد گلێروبیەی-جەموبوون ماشوئاوێ، بیرەوەروە	جمع / توده شدن تمایل ـ بادآورد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
drill [1] *v*	دریل	بەمەتەکونکردن-وڵ کەردەی	بامتەسوراخ‌کردن،تمرین
drill [2] *n*	دریل	مەتێ-مەتە،مەشق	مته،دریل،ماشین‌بذرکار
drink [1] *v*	درینک	نۆشای- خواردن	مست کردن، نوشیدن
		مەس‌کەردەی،هۆرقۆرنای	سرکشیدن تاآخر
drink [2] *n*	درینک	نۆشانە-مەی‌مەسرووری	نوشیدنی، مشروب، نوشابه
		نۆشەری	
drip [1] *v*	دریپ	تکەکەردەی-داتکین-رێژان	ریختن،چکه‌کردن،چکیدن
drip [2] *n*	دریپ	دڵۆپ-قەترە-تکە،چۆرە	قطره،چکه،تراوش
drive [1] *v*	درایو	بەرەرانەی-رێبردن	راندن، رانندگی کردن
		رانەبەردەی،بەرێوەبردن	به حرکت در آوردن
driver *n*	درایور	شفور - رێبەر	راننده
drive [2] *n*	درایو	رێی‌تایبەت-سەفەر	مسافرت ـ جاده اختصاصی
		یەدوور-تەیوەتی‌را	پشتکار
droop *v*	درووپ	سەرشۆرکردن-سیسیایی	پژمرده‌شدن،پلاسیدن
		هەژاربیەی-شل‌بون	
drop [1] *v*	دراپ	تکای-تکین-کەوتەی‌جەکەوتن	انداختن، افتادن، رها کردن
drop [2] *n*	دراپ	قەترە-تکە-دڵۆپ،کەمێ	قطره،چکه،ریزش
drought *n*	دراوت	وشک‌ساڵی- بێ‌ئاوی	خشکسالی، بی آبی
		بێ‌وارانی	
dropper	دراپر	قەترەچکێن	قطره چکان

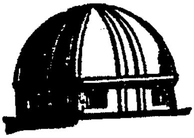
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
drown *v*	دراون	خنیکیای ـ خنکان	درآب‌خفه‌شدن،غرق‌شدن
drug *n*	دراگ	داروو ـ دەرمان ـ دەوای	دارو ـ دوا ـ ماده‌مخدر
drum [1] *n*	درام	تەپڵ، پەردەی گوێ	طبل ـ ظرف‌فلزی،دُهل
drum [2] *v*	درام	تەپڵ وەنەدای ـ تەپڵ لێدان	طبل‌زدن،دمبک‌زدن
drummer *n*	درامِر	تەپڵ وەنەدەر ـ تەپڵ لێدەر	طبال، طبل زن
drunk [1] *adj*	درانک	سەرووش ـ مەست ـ بێ هۆش	مست،مخمور ـ الکلی
drunken *adj*	درانکِن	سەرووش ـ مەست ـ بێ هۆش	مست،دایم‌الخمر
dry [1] *adj*	درای	وشک، بێ ئاو	خشک،کم‌باران
dry [2] *v*	درای	وشکۆکەردەی ـ وشک کردن	خشک کردن / شدن
dry-farming *v*	درای‌فارمینگ	دەیم کاری	دیم‌کاری
duck *n*	داک	مراوی ـ مرغاویە، چێراوی	مرغابی،اردک،زیرآبی
duckling *n*	داک لینگ	بەچەمرغاوی ـ بەچکەمراوی، جوڵکە مراوی	بچه مرغابی/ اردک
due *adj*	دیوو ـ دوو	دەین ـ هەق ـ هەق بەلا ـ پێدان	پرداختی ـ وقت‌مقرر،درخور
due to *prep*	دیوو ـ توو	لەبەر ـ بەخاتر ـ وـ جەوەرو	به علت ، به سبب
dud-cheque	دادچِک	چەکی بێ محەل وخاڵی	چک بی محل
dud-date	دادِیت	وەعدە ـ وەخت	وعده ـ سررسید

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
duffer *n*	دافِر	گێل ـ زۆل گەوج	آدم کودن ـ متقلب
dull *adj*	دال	تەمەڵـدێزـتێر،خول	تیره، گرفته ـ تنبل، کودن
		گەوج وگێل ـلێڵ	
dumb *adj*	دام	لاڵـبێ دەنگ، خامۆش	لال،گنگ،کم‌حرف
dump [1] *v,n*	دامپ	فرەدای ـفرەدان ـفرۆتن	دور ریختن، بیرون ریختن
		متەی ـ گوریز	خِپل، توده آشغال
dump [2] *n*	دامپ	زوێڵ دان ـجێگەزوێڵ	خرابه، زباله دانی
during *prep*	دیورینگ	جەوەختو ـلەکاتی ـلەوادەی	در مدت ـ در زمان، طی،
		جەوعدەو	در خلال ـ موقع
dusk *n*	داسک	وێرەگە ـئێوارەوەخت	غروب، سرشب
		مەغریو ـلێڵ ومەغریوی	
dust [1] *n*	داست	تۆزەـخاک وگەرد	گردوخاک،غُبار
		خۆڵ و خاک	
dust [2] *v*	داست	خاک وخۆڵ مالای ـگەرد	گردگیری کردن
		وتۆزماڵین	
dustbin *n*	داست بین	زوێڵ دان ـجێگەشەخەڵ	آشغالدانی/ زباله دانی
		یاگەشەخەڵ	
dusty *adj*	داستی	تۆزی ـخۆڵی ـخاکی	خاکی،پُرگردوخاک
		خاکپۆوەتلیا(غەریبی بناڵی)	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
duty *n*	دیووتی	وەزیفە ـ مامورییەت	وظیفه ـ در حال انجام وظیفه
dwarf *n*	دوٚرف	باواقوٚرەت ـ کورتەباڵا	کوتوله ـ کوتاه‌قد
dye [1] *v-n*	دای	ڕەنگ‌کردن ـ ڕەنگ‌کەردەی ڕەنگ	رنگ کردن، رنگ زدن
dye [2] **works** *n*	دای‌وِرکس	کارخانەی ڕەنگ	کارخانه رنگ
dyer *n*	دایر	ڕەنگ‌کەر ـ ڕەنگرێز ـ خم‌چی	رنگرز ـ صباغ
dye works *n*	دای‌وِرکس	کارخانەی ڕەنگ‌کردن خم‌خانە	کارخانه‌رنگرزی
dyeing *n*	داینگ	ڕەنگ‌گەری ـ خم‌گەری داینگ	رنگرزی ـ صباغی
dye-stuff *n*	دای استاف	ڕەنگ ـ خم	رنگ ـ جوهر ـ ماده رنگ
dying *adj*	داینگ	مەردەلوٚخ ـ بێ‌هاز ـ بێ‌تین	مُردنی ـ درحال مُردن
dynamite *n*	دای‌نِ‌مایت	دینامیت (تەقەمەنی)	دینامیت
dynamo *n*	دای‌نِ‌مِو	دەزگای بەرق‌دەر	دینام ـ دستگاه‌مولدبرق
dysentery *n*	دی‌سن‌تری	سک‌چون ـ لەم‌لوای	اسهال خونی
dyspepsia *n*	دیس‌پپ‌سی	سک‌ترش‌کردن ـ ناکوٚکی مێدە	سوء هاضمه



DOME



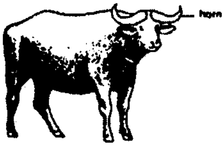
DEER



DAFFODIL



DRUM



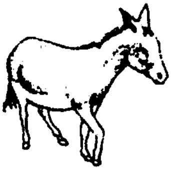
WATER BUFFALO



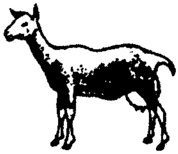
SHEEP



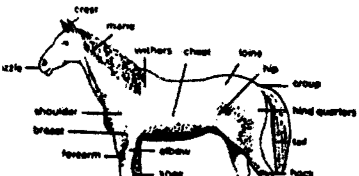
PIG



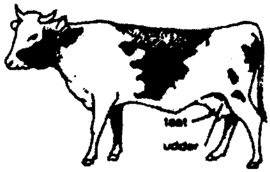
DONKEY



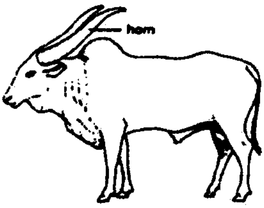
GOAT



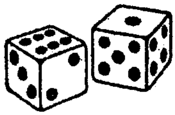
HORSE



COW



OX



DICE

E e

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
E *n*	ئی	پیتی پەنجەم لە ئەلفبای ئینگلیزی	پنجمین حرف الفبای انگلیسی
eaa *n*	اِآ- ئا	ئا-ئیٚیا خودای ئاشوری (دایک)	مادر - الههٔ باروری
each	اییچ	هەر-هەرکام-هەرکامێ	هر(هرکدام به تنهائی)هریک
eager *adj*	ایجِر (ایگِر)	بێ قەرار-ئاواتخواز چەمەروان	مشتاق، شیفته، علاقمند
eagerly *adv*	ایگِرلی	بەبێ قەراری-بەچاوەڕوانی بەهیواوە	مشتاقانه،بابی تابی
eagle *n*	ایگل	داڵ-قۆش-هەڵۆی کێوی	عقاب(پرندهٔ تیزپرواز)باز
ear *n*	ایِر	گوێ-گۆش-گوێچکە، هۆشە	گوش - خوشه، سنبله
earring *n*	ایِرینگ	گۆشوارە-گۆشوارێ	گوشواره
early *adj,adv*	اِرلی	بەوەخت-زوو-گورج	پیش از وقت مقرر،زود
earn *v*	اِرن	بەدەس هێنان-بەدەس هاوردن گیرئەوردەی	درآمد داشتن، به دست آوردن
earth *n*	اِرز (اِرس)	زەوی-زەمین-کورەی زەوی-خۆڵ	زمین، کره زمین - خاک
earthquake *n*	اِرس کویِک	بوومەلەرزە-زەمین جوە	زمین لرزه، زلزله

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ease [1] *n*	ایز	رەحەت ـ سادەو ئاسوودە	راحت،آسان،آسودگی
ease [2] *v*	ایز	ئاسوودە کەردەی ـ رەحەت کردن، شل کردن	آسوده کردن / ساختن تسکین دادن
east *n,adj,adv*	ایست	خۆردەرهات ـ رۆژهەلات رۆجیارهۆرز	خاور، مشرق
eastern *adj*	ایس ترن	رۆژهەلاتی ـ رۆجیارهۆرزی	شرقی، خاوری
eastwards *adv*	ایست وردس	رووبەرۆژهەلات ـ رووەو رۆجیارهۆرز	به طرف شرق یا خاور
easy *adj*	ایزی	رەحەت ـ بێ کێشە	راحت،بی دردسر،آسوده
easily *adv*	ایزی لی	بەرەحەتی ـ بە ئاسوودەیی بە ئاسانی	به راحتی، به آسانی
eat *v*	ایت	واردەی ـ خواردن ـ قوت دان	خوردن، بلعیدن
echo [1] *v*	اِکو	دەنگۆدای ـ دەنگ هەلۆگەریان دەنگ هۆرگێلای	صدا منعکس شدن برگشتن صدا
echo [2] *n*	اِکو	دەنگ هۆرگێلا ـ دەنگ هە لگەرانەوە	انعکاس صدا، پژواک تکرار صدا
eclipse *n(e,of the sun)*	ایک لیپس	رۆجیارگرت ـ هەتاوگرت	خسوف، کسوف
(e,of themoon)		خۆرگرت ـ مانگ گرت	
economy *n*	ایکون می	دەس پۆگرتەی ـ ماڵ و دارایی	اقتصاد،وضع اقتصادی
economic *adj(mics)*	ایکنامیک	ماڵ و دارایی ـ ئقتسادی	اقتصادی ـ علم اقتصاد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
economical *adj*	ایکنامیکِل	بەسوودوکەڵک ـ بەنەفع وسوود	باصرفه‌ـکم‌مصرف
edge *n*	اِج	قەراخ ـ دەور ـ لێو ـ لچ،بان جێڵە دەمەچاقۆ ـ مۆدا،حدود	لبه،کناره ـ لبه تیز (کارد...) حد و مرز
editor *n*	اِدیِتر	بلاوکەر ـ پەخشۆکەر بەرێوەبەر	ناشر، سردبیر (روزنامه،...)
edition *n*	ایدی شِن	چاپ ـ بلاو ـ دەورە	چاپ(کتاب،روزنامه)ویرایش
educate *v*	اِجوکیت	فێرکردن ـ یادگرتەی تەربیەت‌کەردەی	تعلیم دادن، آموختن تربیت کردن
education *n*	اِجوکیشِن	فێری ـ یادگری ـ تەربیەت تالیم،ماریفەت	تعلیم‌وتربیت،فرهنگ آموزش و پرورش
educational *adj*	اِجوکیشنِل	فەرهەنگی ـ فێرایی ـ تالیمی	آموزشی،تعلیمی
eel *n*	ایل	مارماسی ـ مارماساو	مارماهی
effect *n*	ای فِکت	نفووزە ـ کارکەر ـ ئەسەرە حاسڵ	اثر،تأثیر،نتیجه،فایده
effective *adj*	ای فِک تیو	ئەسەردار ـ بەکەڵک وسوود کەردەوەیی	مؤثر،عملی،ثمربخش
efficient *adj*	ای فی شِنت	لایق ودەس لوا ـ کارلێهات مدریک وگورج	پُرکار،زرنگ،کارا
efficiently *adv*	ای‌فی‌شِنت‌لی	بەپشتکاری،بەتێکۆشەری	باپُرکاری،بابازده

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
effort *n*	اِفورت	هەوڵ وتەقالا ـ کۆشش	تلاش، تکاپو،کوشش
e.g.(*exampligratia*)	اِگ	بۆنمونە ـ پەی نمونەی	برای مثال
egg *n*	اِگ	هێلکەی گیانلەبەران ـ هێلّە وکەرگی وپلەوەران وماری	تخم مرغ، تخم (کبوتر، مار، ماهی،...)
egypt *n*	ای‌جیپت	وەلاتی میسر ـ وەلاتومسری	مصر، کشور مصر
egyptian *n*	ای‌جیپشن	میسری ـ خەڵکی میسر ئەهلومسری	مصری، اهل کشور مصر
eigth *n,adj*	ایت	ژمارەی هەشت ـ شمارەوهەشتی	عدد ۸
eigth *n,adj*	ایت	هەشتەم ـ هەشتۆم	هشتم، هشتمین
eighteen *n,adj*	ایتین	هەژدە ـ ژمارەی هەژدە	عدد ۱۸
eighteenth *n,adj*	ایتین‌س(ت)	هەژدەیەم ـ هەژدەهۆم	هیجدهم،یک‌هیجدهم
eighty *n,adj*	ایتی	ژمارەی هەشتا ـ شمارەوهەشتای	عدد ۸۰
eightieth *n,adj*	ای تیس	هەشتایەم ـ هەشتاهۆم	هشتادم،هشتادمین ـ $\frac{1}{80}$
einstein effect *n*	ای نس تین اِفکت	شکانی نوورلەمەیدانی جازبەی زەوین	شکست نور در میدان جاذبه زمین
either *adj,conj*	ای دِر	هرکام ـ لەدوان یکێ چەدوێنەیۆ	هر کدام، یکی از دوتا
elaborate *adj-conj*	ای‌لِبرِت	پرماجەرا ـ پرگرێ	پُرجزئیات ـ پیچیده
elastic [1] *adj*	ای لَستیک	کەژدار ـ کێشی ـ کێش ئامە	کشی، کش دار
elbow *n*	اِل بِتو	هەرێژن ـ ئەنشک	آرنج ـ باآرنج‌زدن
elder *adj*	اِل دِر	گەورەتەر ـ گەورەتر	بزرگتر ـ ارشد

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
eldest *adj*	اِل دِست	گەورەتەرین ـ گەورەترین	بزرگترین
elect *v*	ایلِکت	هەڵبژاردن ـ وچنیەی	انتخاب کردن، برگزیدن
electricity *n*	ایلک‌تری‌سیتی	کارەبا ـ بەرق ـ برق ـ برووسکە	الکتریسیته، برق
electric *adj*	ایلک تریک	کارەبایی ـ بەرقی ـ برقی	برقی، الکتریکی
electrical *adj*	ایلک‌تری‌کال	برقی ـ کارەبایی	الکتریکی ، برقی
electrician *n*	ایلک‌تری‌شِن	بەرق چی ـ برق چی ـ برق دروست‌کەر	برقکار ـ مکانیک برق
elegant *adj*	اِلی چِنت	جوان ـ زەریف، وەش دوخت	زیبا،شیک،گیرا
elegantly *adv*	اِلی چِنتلی	بەجوانی ـ بەزەریفی	به زیبایی
element *n*	اِلی مِنت	عۆنسۆر ـ تاقەهەست	عنصر،جسم بسیط،سازه
elementary *adj*	اِلی‌مِنتری	سەرەتایی ـ وەڵی وەڵین	ابتدائی،مقدماتی،اساسی
elephant *n*	اِلی فنت	فیل	فیل
eleven *n,adj*	ای ل وِن	ژمارەی یازدە ـ شمارەو یانزەی	عدد ۱۱
eleventh *n,adj*	ای‌لِونس(ت)	یازدەیەم ـ یانزەهۆم	یازدهم، $\frac{1}{11}$
eliminate *v*	ای‌لی‌می‌نیت	لابەردەی ـ لابردن ـ پاکۆ کردن	حذف کردن،دفع کردن
else *adv*	اِلس	ئی تر ـ باتی ـ فرەتر ـ جگەلە	دیگر، به جای ـ بیشتر، علاوه بر
elsewhere *adv*	اِلس وِر	یاگەی تەر ـ جێگەیێ تر شۆنەی تەر	در جای دیگر
embarrass *v*	ایم بَرِس	دەسەپاچەکەردەی ـ گێج کردن	خیط/دستپاچه/گیج کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
embarrassment *n*	ایمبرس‌منت	دەس پاچەیی-گێجی-هەوڵی	دستپاچگی،شرمندگی،حیا
embassy *n*	اِمبِ سی	باڵوێزخانە-یاگەسەفیر	سفارتخانه،سفیر
embrace [1] *v*	ایم بریس	لەباوەش‌گرتن-ئەوشی‌گرتەی	در اغوش گرفتن
embrace [2] *n*	ایم بریس	لەباوەش‌گری-جەئەوش‌گیری	در اغوش گیری
embroider *v*	ایم برای دِر	نەخشونگاروسەی گوڵدۆزی کردن	گلدوزی کردن
embroidery *n*	ایم‌برای‌دِری	نەخش و نگار-گوڵدۆزی	گلدوزی،سوزن دوزی
emerge *v*	ای مِرج	دیاری‌دای-بەدەرکەوتن	خارج شدن، بیرون آمدن
emergency *n*	ای مِرجنسی	فەریادرەس‌بۆرووداوەکان پەلەپەی‌وەرگلوروداوی-زوویاری	اورژانس، اضطرار
emir *n*	اِمیر	ئەمیر-میر-پاشا-شاه	امیر، حاکم
emotion *n*	ای موشِن	رەحم‌ومروەت-زووجۆش گەرم‌مەزاج	عاطفه،احساس،شور
emperor *n*	اِم پِرِر	حاکمی‌حاکمان شای‌وەڵاتانی‌زۆر	امپراتور
empire *n*	اِم پایِر	ئەمپراتۆری	امپراتوری
empress *n*	اِم پریس	ژنی‌ئەمپراتۆر ژەنەوئیمپراتۆری	همسر امپراتور علیا حضرت
emphasize *v*	اِم‌فِسایز	سەروقسێ‌رەلوای لەبان‌قسەوێسان	تاکید کردن،سفارش کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
employ *v*	ایم پلی	بۆ کارگرتن-پەی‌کاری‌گرتەی بۆ خزمەت‌گرتن‌بەکارنان	استخدام کردن به کاربردن
employee *n*	ایم پلویی	خزمەت‌کار-بەکارگرت بەکارگیریا	کارمند، مستخدم
employer *n*	ایم پلویر	کاردەر-ساحیب‌کار	کارفرما، صاحب کار
employment *n*	ایم‌پلی‌منت	کار-پیشە	کار،شغل،استخدام
empty [1] *adj*	ام پ تی	خاڵی-هاڵی‌وهواڵا	خالی،پوچ،تهی
empty [2] *v*	ام پ تی	خاڵی‌کردن-هاڵی‌کەردەی	خالی کردن، تخلیه نمودن
enable *v*	ای نیبل	قوەت پەنەدای-بەهێزکردن	قادر کردن، توانا ساختن
enamel *n*	ای نمل	سریش‌ورینگی-لەعاو مینا و رووکەش	لعاب،مینای دندان
enclose *v*	این کلئوز	دەوروبەرگرتن-دەورگرتەی	احاطه / محصور کردن
enclosure *n*	این کلئوژر	حەسار-جێی‌دەورگیراو یاگێ‌دەوربینیای	محوطه‌بسته،محوطه نرده
encourage *v*	این کاریج	دڵگەرم‌کردن-دڵگەرم‌کەردەی	تشویق‌کردن،دلگرمی‌دادن
encyclopedia *n*	این سای‌کلوپیدی	فەرهەنگی‌وشەولۆغەت	دائرةالمعارف،دانش‌نامه
end [1] *n*	اِند	ئاخر-تەواو-تەمام-سەرهات	پایان،آخر،انتها،خاتمه
end [2] *v*	اِند	تەواوبوون-بەئاخریاوای تەمام‌بیەی	تمام شدن، به پایان رسیدن
ending *n*	اِندینگ	ئاقیبەت-دواهات-دمائامە	سرانجام، پایان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
encroach *v*	اِن‌کروچ	داگیرکردن ـ ئه‌ره‌گرته‌ی	دست‌اندازی‌وتجاوزکردن
endless *adj*	اِندلِس	بێ‌دواهات ـ بێ‌دمائامه بێ‌شوێن‌ومه‌رز	بی‌پایان،بی‌انتها،مداوم
endure *v*	این‌دوور(دیور)	سه‌ختی‌کێشای ـ تاقه‌ت ئه‌ورده‌ی ـ سه‌برکردن	طاقت آوردن، تحمل کردن
endurance *n*	این‌دیُورنس	تاقه‌ت ـ سه‌ختی ـ سه‌بر	بُردباری،تحمل،طاقت
enemy *n*	اِن می	دژمه‌ن ـ دوژمن	دشمن،خصم
energy *n*	اِن رجی	قووه ـ هێز ـ زۆر	نیرو، توان، انرژی
energetic *adj*	اِن رجتیک	پرهێز ـ پرزۆر ـ قووه‌دار	پرانرژی، فعال
energetically *adv*	اِن رجتیکِلی	به‌هێز ـ به‌قووه	با انرژی
engage *v*	این گیج	به‌کارگرتن ـ قه‌بوڵکردن دڵێ‌کاری‌به‌رده‌ی	وکیل‌گرفتن ـ نامزدکردن
engagement *n*	این‌گیج‌منت	کار ـ قه‌رار ـ هه‌ڵبژار ـ گرفتاری	نامزدی ـ قرارداد،تعهد
engine *n*	اِن جین	مۆتر (ماشین)	موتور(بنزینی،...)
engine driver *n*	اِن‌جین‌درایور	شفووره‌قه‌تار ـ قه‌تارڕێن	لوکوموتیوران
engineer *n*	این‌جی‌نییر	موهه‌ندس ـ ئه‌ندازیار	مهندس (راه،...)
engineering *n*	این‌جی‌نییرینگ	له‌قی‌موهه‌ندسی ـ ئه‌ندازیاری	رشته مهندسی
enjoy *v*	این‌جوی	له‌زه‌دبه‌رده‌ی ـ خۆشی‌و	از...لذت‌بردن،خوش‌آمدن
england *n*	این‌گلند	له‌زه‌ت‌بردن (ئینگلیس)	انگلستان
enjoyable *adj*	این جوی ایبل	له‌زه‌ت‌دار ـ دڵکێش ـ وه‌ش	لذتبخش،دلپذیر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
enjoyment *n*	این جوی مِنت	لەزەد ـلەزەت ـخۆشی وەشی ـ نیشات	لذت،خوشی،بهره‌مندی
enlarge *v*	این لارج	گەورەترکردن ـگەورە کەردەی (عەکسە)	بزرگترکردن،توسعه‌دادن
enormous *adj*	اینورمِس	فرەگەورە ـزل ودەعبا زۆرگەورە	بسیاربزرگ،عظیم
enough *adj,adv,n*	ایناف	بەئەندازەوبەس ـوەسێ ـوەس	بحدکافی، کافی، بسنده
enroll *vt*	این‌رنول	ناونوسی‌کردن ـنام‌نویسی‌کەردەی	نام‌نویسی‌کردن
enrich *vt*	این‌ریچ	قۆرەت‌دارکردنی خاک	حاصلخیزکردن،پولدارکردن
enter *v*	اِن تِر	دلێ ئامەی ـناوهاتن	وارد شدن، داخل شدن
entertain *v*	اِت تِرتین	خلّافنای ـمێوانی‌کردن سەرگەرم‌کردن	مهمانی کردن ـ سرگرم کردن
entertainment *n*	اِن تِرتین مِنت	خلّافنا ـمێوانی ـسەرگەرم دەعوەت	سرگرمی، تفریح، پذیرایی
enthusiasm *n*	این تیوزیازم	شەوقوگەرمی ـئیلاقە ـشۆر	شوق،علاقه،اشتیاق
enthusiastic *adj*	این‌تیوزیاس‌تیک	بەئیلاقەوە ـبەشەوقەوە	علاقمند، پرشور
entire *adj*	این تایر	گرد ـهەموو ـگشت ـتەمام	تمام،کامل،ازگار
entirely *adv*	این تایرلی	بەتەواوی ـگردوگرد	به طور کلی، کلاً
entrance *n*	این ترانس	ناودەرگا ـبۆناو ـپەی دلێ دلێ ـئەوەڵ ـناودەرک	مـدخل، در ورودی ـ آغـاز، شروع

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
entry *n*	لن ترای	روەودلێ-بەرەوناو-دلێ-ناو	ورود،دخول،راهرو
envelope *n*	لن‌ولوپ	پاکەتەنامە-پاکەتی نامە	پاکت نامه
		پوژنەر- داپۆشەر	
environment *n*	این‌وایرن	دەوروبەر-جێی ژیان	محیط،دوروبر،محیط‌زیست
	منت	یاگێ ژیوای (ئاو-خاک-هەوا)	
envy [1] *n*	لن وی	بەخێلی-حەسودی	غبطه، رشک، حسد
envious *adj*	لن ویس	حەسود-بەخێڵ-بەخیل	حسود، غبطه خور
envy [2] *v*	لن وی	بەخێڵ بیەی-حەسوودی	غبطه خوردن، حسد بردن به
		کردن	
epidemic *n*	اپی دِمیک	بەتائامەی-نەخۆشی گشت‌گیر	بیماری‌مسری‌وواگیر
		ناوەشی گردگیر	
equal [1] *adj*	ای کوِل	بەرانبەر-رێک-وەک یەک	مساوی،برابر،همپایه
equality *n*	ای کوِلی تی	بەرانبەری-بەیەک ئەندازە	یکسانی،تساوی،برابری
equally *adv*	ای کوِلی	بەیەک ئەندازە-بەقەدیەک	به طور برابر
equalize *vt*	ای‌کوِلایز	یەک جۆر کردن	مساوی‌کردن،برابرکردن
equal [2] *n*	ای کوِل	پسەیۆی-وەک یەک-بەرانبەر	همپایه، همرتبه، یکسان
equal [3] *v*	ای کوِل	بەرانبەربوون-بەیەک	مساوی / برابر بودن
		ئەندازەبوون	
equator *n*	ای کویتِر	خەتەولت‌کەرەوزەمینی	خط استوا،استوا
		خەتی لەت‌کەری زەوی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
equip *v*	ای‌کویپ	ئاماده‌وموجه‌هه‌زکردن ئاماده‌که‌رده‌ی	مجهز کردن، تجهیز کردن
equipment *n*	ای‌کویپمنت	وه‌سیلێ-ئامراز-ئامرازه‌کان	وسایل، تجهیزات
erect [1] *adj*	ای رِکت	راسوکه‌رده-قنج‌وقیت راسۆبوو	راست، عمودی
erect [2] *v*	ای رِکت	ئه‌ره‌مه‌رزنای-دامه‌زراندن ئه‌وه‌که‌رده‌ی-سازین	برپاداشتن / برافراشتن
errand *n*	اِرِند	به‌شوێنی‌کارێکاچوون پێخام‌به‌رده‌ی،دانیان	پی‌کاری‌رفتن،ماموریت
error *n*	اِرِر	خه‌تا-به‌هه‌ڵه‌چوون-نادرۆس	غلط،اشتباه،خطا
erupt *v*	ای راپت	تره‌کای-ته‌قای-تره‌کین-ته‌قین	فوران کردن، منفجر شدن
escalator *n*	اِس کِلِیتِر	پله‌کانه‌ی‌به‌رقیه-پله‌ی‌برقی	پله برقی
escape [1] *v*	ایس کیپ	خه‌ڵاس‌وئازادبوون-راکردن به‌رشیه‌ی،قولێره‌ئه‌ورده‌ی	گریختن، رها / آزاد شدن نشست کردن گاز
escape [2] *n*	ایس کیپ	خه‌ڵاس - به‌رشیه ئازادی-نجات	فرار،رهایی،نجات
escort *v*	ایس کُرت	له‌گه‌ڵاچوون-چه‌نی‌یۆی‌لوای به‌دره‌قه‌کردن	همراهی‌کردن،بدرقه کردن
escort *n*	ایس کُرت	به‌دره‌قه-هاوری‌یی چه‌نی‌بیه‌ی	اسکورت،ملازم،بدرقه

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
especially *adv*	ایس‌پشلی	بەتایبەت-تەیوەتی-زۆری زۆر	پیش‌ازاندازه،بخصوص،مخصوصاً
essay *n*	اِیسی	نوسراوەی کورت-نووسراوە نویسەی کوڵ	مقاله،نوشته کوتاه،رساله
essential *adj*	ایسِن‌شِل	نیاز-زەروور-ریشەیی	اساسی،ضروری،واجب
estate *n*	ایس‌تِیت	تیکەزەوی گەورە-پارچە زەمینی گەورە-ملک وماڵ	قطعه‌زمین‌بزرگ،وضع دارایی
estimate [1] *n*	اِس‌تی‌مِت	تەقمین دای-بەرئاوردکردن لەپێش حیساب کردن	تخمین / حدس زدن
estimate [2] *n*	اس‌تی‌مِت	تەقمین-بەرئاورد	حدس، تخمین، براورد و غیره
etc.		چێوانی تەر-چتانی تر	و از این قبیل
even [1] *adj*	ئی‌وِن	ساف-بەرانبەر-جووت،ئارام	صاف،برابر،زوج،ملایم
evenly *adv*	ئی‌وِن‌لی	بەجۆری بەرانبەر یەک جۆرورێک	به طور یکسان / یکنواخت
even [2] *adv*	ئی‌وِن	هێمار-جارێکان-حەتا بۆنموونە،هێچتا	حتی - هم، هنوز
evening *n*	ئی‌وِنینگ	ویرەگە-ئێوارە-مەغریوی سەرشەو	غروب، سرشب
evening party *adv*	ئی‌وِنینگ‌پارتی	شەونشینی	شب نشینی
event *n*	ای‌وِنت	روەدا-رووداو-چێوقۆمیای	اتفاق،رویداد،واقعه
eventually *adv*	ای‌ون‌چوئلی	ئاقیبەت-دواهات-سەرئاخر	سرانجام، بالاخره

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ever *adv*	اِوِر	تائیسه ـ تائێستا	تاکنون، تا حال ـ همیشه
every *adj*	اِوری	هەر ـ هەرکام ـ هەرکامان	هر، هرکدام ـ تمام
everybody *pron*	اِوری بادی	هەرکەس ـ هەرکە ـ هەموو کەس گردکەس	هرکس، همه (کس)
everyday *adv*	اِوری دِی	هەموو رۆژێ، گرد رۆیوه	هرروز ـ روزمره
everything *adj*	اِوری سینگ	هەرچێوەی ـ هەرچت گردچێوەی ـ هەموو چت	هر چیز، همه چیز
everywhere *adv*	اِوری وِر	هەریاگەی ـ هەرشوێنێ گردیاگەی ـ گشت شوێن	همه جا، در همه جا، به همه جا
evidence *n*	اِوری دِنس	دەلیله ـ مەدرەک ـ بنچاقه شاهید ـ دەلیل	دلیل، گواه، مدرک، نشانه
evident *adj*	اِوی دِنت	روون ـ ئاشکرا ـ رۆشن	واضح، آشکار، روشن
evidently *adv*	اِوی دِنتلی	بە ئاشکرا ـ رۆی رۆشن بەروونی	آشکارا، بوضوح
evil *adj*	ئی وِل	شەرئەور ـ بەڵا ـ خراوه خراپه ـ شێتان ـ مۆکڵ	شیطانی، ناجوانمردانه، مفسر شر ـ شوم ـ بلا
ex *pref*	اِکس	پێش وشه بەمانای لەمێژ	پیشوند (بمعنی قبلی) ـ در ـ از
ewe *n*	یو	چێوەڵ ـ لەمەر بەرلەجە (مەر)	گوسفند ماده ـ میش
exact *adj*	ای‌گ‌زکت	تەواو دروست ـ رێک وراس	کاملاً صحیح ـ دقیق
examination-Rom *n*		ئۆتاقی تاقی کردنەوه	أطاق معاینه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
exactly *adv*	ایکزکتلی	ڕێک وڕاس ـ کامیلەن دروستی دروست	کاملاً دقیقاً
exaggerate *v*	ای زج ریت	شاخوباڵ پەنەدای زۆروتن ـ بەفرەروین	مبالغه کردن،گزافگفتن
examination *n*	ایگ زمینیشن	تاقی کەری ـ تاقی کەردەی لێکۆڵین	آمتحان،آزمایش،بررسی
examination *n* (exam) *n*	ایگزم	دوروکەلێمەی یەک مانا بەباتی یۆی ـ ئمتحان	مخفف examination
examine *v*	ایگزمین	تاقی کردن ـ تاقیۆ کەردەی چەنە پەرسای	معاینه / امتحان کردن
example *n*	ایگزم پل	سەرمەشق ـ نموونە ـ میسال	نمونه ـ بعنوان مثال
exceed *n*	ایک سیید	لەئەندازەپاداکێشان چەحەدبیەردەی	از حد خارج شدن پافراگذاشتن
excellent *adj*	اِک سلنت	مومتاز ـ فرەخاس ـ زۆرباش	عالی،بسیارخوب،ارجمند
excellently *adv*	اِکسیلنتلی	زۆربەباشی ـ بەمومتازی	به طور فوق العاده
except *n*	ایک سپت	جگە،بێجگە ـ بێجگەم	بجز، به استثنای
exception *adj*	ایک سپ شن	جیاواز ـ جیاجەگرد جگێ لەگشت	استثنائی
exceptionally *adv*	ایکسپشنلی	بەجیاوازی ـ بەتایبەت بەجۆری جگێ وتایبەت	به طور استثنائی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
excess *n,adj*	ایک سِس	زیادی ـ زیادەرەوی	اضافه،افزونی،زیاده‌روی
		زۆر ـ فرەیی	مازاد
exchange [1] *v*	ایکس چنج	ئاڵوگۆڕکردن	مبادله‌کردن،معاوضه
		عەوەزوبەدەڵ کەردەی	کردن
exchange [2] *n*	ایکس چنج	عەوەزوبەدەڵ ـ ئاڵوگۆڕ	مبادله،معاوضه،دادوستد
		س ربەسەر	
excite *v*	ایک سایت	هانەهانەدای ـ دێونای	هیجانزده کردن،تحریک
		هەڵنیان ـ هۆرنیای	کردن
excited *adj*	ایک سایتد	هەڵنراو ـ هانەهانەدریا	هیجانزده، برانگیخته
		هۆرنریا ـ دێویا ـ گەرم حاڵ	
excitement *n*	ایک سایت	حاڵ گۆڕیان ـ حاڵ واریا	هیجان،شوریدگی،شور
	مِنت	دێویا ـ هەڵنیا ـ شۆر	
exciting *adj*	ایک سای	حاڵ وار ـ حاڵ گۆڕ	هیجان‌انگیز،شورانگیز
	تینگ	دێونەر ـ هەڵنیەر	مهیج
exclaim *v*	ایکس کِلیم	هاوارو قاڵ کەردەی	از تعجب فریاد کشیدن
		هاواروبانگ کردن، قیراندن	داد زدن
exclamation *n*	ایکس‌کلمیشِن	هاوار ـ قاڵ ـ بانگ	فریاد(از درد،...)داد،ندا
exclamation mark *n*	ایکس‌کلمیشِن	عەلامەتی عەجەبیات	علامت تعجب (!) در آخر
	مارک	لە ئاخری جملە	جمله
exclude *v*	ایکس کلوود	دەرکردن ـ بەرکەردەی ـ رانەدای	طرد/حذف/بیرون‌کردن

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
excursion *n*	ایکس‌کرشن	سه‌یران وگه‌ریان ـ سه‌یران و وه‌شی‌که‌رده‌ی	گردش تفریحی،گلگشت
excuse [1] *v*	ایکس‌کیووز	به‌خشای ـ به‌خشین ـ عه‌فووکردن	بخشیدن، عفو کردن
excuse [2] *n*	ایکس‌کیووز	عوزر ـ تکاولالّه ـ تکایه	عذر / معذرت خواهی
execute *v*	اِکس‌کیووت	له‌سیّداره‌دان ـ عادام‌که‌رده‌ی دروست کردن	اعدام‌کردن،اجراکردن
execution *n*	اِکس‌ی‌کیوشِن	عادام ـ سیّداره ـ ئیجرا دروست	اعدام،اجرا
exercise [1] *n*	اِکسیرسایز	وه‌رجس ـ مه‌شق ـ ته‌کلیف	ورزش ـ مشق،اعمال،اجرا
exercise [2] *v*	اِکسیرسایز	مه‌شق‌کردن ـ وه‌رزش‌کردن	تمرین / ورزش دادن
exhaust [1] *v*	ایگزُست	مانگ وهیلاک بوون ـ ته‌مام که‌رده‌ی،برّوبیه‌ی	از پا / رمق افتادن تمام کردن
exhaust [2] *n*	ایگزُست	ده‌رهاتنی گازله‌لووله‌ی ئگزووز ـ دوکه‌لّی موّتر	خروج گاز از لوله اگزوز تماماً مصرف کردن
exhibit *v*	ایگزی بیت	پیّشاندان ـ ئیشاندای	نمایش دادن ـ بروز دادن
exhibition *n*	ایگزی‌بیشن	پیّشانگا ـ ئیشانگا	نمایشگاه
exile *n*	اِکسایل	دوورکردن ـ دوورله‌وه‌ته‌ن دوورجه‌وه‌ته‌ن	تبعید،آدم تبعید شده
exist *v*	ایگ زیست	ژیواویه‌ی ـ ژیان‌وزینگی‌کردن	وجود داشتن، بودن
existence *n*	ای‌گ‌زیس‌تِنس	ژیوای ـ ژیان ـ زینگی هه‌ست‌ووجود	هستی، وجود، حیات

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
exit *n*	اِکسیت	دەرهاتن ـ ڕێ بۆ دەر ڕاوبەری ـ ڕووبەر	راه خروجی، خروجی
expand *v*	اِکس‌پند	بلّاوکردن ـ تەرەقی پێدان پەرەپەنەدای	توسعه/بسط/گسترش دادن
expansion *n*	اِکس‌پن‌شِن	پەرە ـ تەرەقی ـ بلّاو ـ واز	گسترش،توسعه،گشادی
expect *v*	ایکس‌پکت	گومانکردن ـ خیاڵ کەردەی تەوەقۆبیەی جە	تصور داشتن، گمان کردن، انتظار داشتن
expedition *n*	اِکس‌پیدیشِن	گەشت وسەیران ـ سەفەر ـ ئوردو	سفرعلمی/اکتشافی،اُردو
expel *v*	ایکس‌پل	دەرکردن ـ بەرکەردەی ئەرەزنیەی	اخراج/ بیرون کردن
expulsion *n*	ایکس‌پال شِن	دەرکردن بەرکەری ـ ئەرەزینە بەروز ـ وەدەرکرد	اخراج، دفع
expensive *adj*	ایکس‌پن‌سیو	گران ـ قیمەت گران	گرانبها،گران،پُرقیمت
expense *n*	ایکس‌پنس	خەرج ـ مەسرووف	هزینه،خرج،اُجرت
experience [1] *n*	ایکس‌پیرینس	ڕووداو ـ تەجرەبە ـ تاقی‌کەرد سەرئامە	رویداد ـ تجربه
experience [2] *v*	ایکس‌پیریِ‌نس	تاقی ئەوەکەردەی سەختی کێشان ـ تەجرەبەکردن	تجربه آموختن، اتفاق افتادن
experienced *adj*	ایکس‌پیرینست	تەجرەبەدار ـ کارزان لێ‌هات ـ چەنە ئامە	باتجربه،کارآمد،ماهر

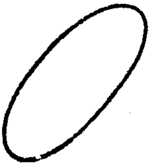
uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
experiment [1] *n*	ایکس‌پری‌منت	تاقی‌کردنەوە-ئازمایش مزەنە	تجربه،ازمایش،ازمون
experiment [2] *v*	ایکس‌پری مِنت	تاقی‌کردن-ئازمایش کەردەی	تجربه کردن، ازمایش کردن آزمودن
expert *n*	إکس‌پِرت	زانا-وریا-ژیر-کارزان کارناس	آگاه، کاردان، متخصص خُبره
explain *v*	ایکس‌پلین	بەیان‌کردن-واتەی باس‌کردن	شرح/ توضیح دادن بیان کردن
explanation *n*	إکس‌پلان‌یشِن	بەیان-باس-واتەی	دلیل،شرح،بیان،شرح
explode *v*	ایکس‌پلود	ئەوەتەقنای-تەقاندن ترەکنای	منفجر شدن / کردن
explosion *n*	ایکس‌پلوژن	تەقی‌نەوە-تەقە-گرمەوپۆقە	انفجار
explosive *n*	ایکس‌پلوزیو	مادەی‌تەقینەوە-مادەوسۆتەی زەرنێق ئاسا	ماده‌منفجره،ترکیدنی
explore *v*	ایکس‌پلور	گەڕان وژێروبان‌کردن پەی‌گێڵای-شۆنەرەلوای	سیاحت / اکتشاف کردن
exploration *n*	ایکس‌پلوری شِن	بەدواگەڕان-پەی‌گێڵا دۆزینەوە-لێکۆڵین	کاوش،اکتشاف،بازیابی
explorer *n*	ایکس‌پلوورر	دۆزەر-بێژەر-ئەوەبیز بەدواگەڕ	مکتشف،کاوشگر،جهان پژوه، کاشف

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
export [1] *v*	ایکس‌پورت	بۆدەرەوەی وەڵـات ناردن پەی بەری کیانای	صادرکردن،صادرات
export [2] *n*	ایکس‌پورت	سادرات ـ چتانی ناردنی چیۆی سادراتیێ	کالای صادراتی / صادرات
expose *v*	ایکس‌پئوز	بەرووسەی ـ ئاشکراکردن ئیشان دای ـسەری ڕێگەنیان (مناڵ)	نپوشاندن، روباز گذاشتن افشا کردن
express [1] *v*	ایکس‌پرس	بەیان کردن ـ واتەی باس کەردەی	اظهار / بیان داشتن
expression *n*	ایکس‌پرس‌شِن	بەیان ـ باس ـ ئەوەواتە	اظهار،بیان،حالت،ابراز
express [2] *n*	ایکس‌پرس	توندرەو ـ ئامرازی توند پەیکی تند و تیژ ـ تندرابەر	سریع السیر، اکسپرس دردم
extend *v*	ایکس‌تند	درێژەپێدان ـ درێژەرە کەردەی ـ ماوەدان	تمدید/ طولانی تر کردن
extension *n*	ایکس‌تن‌شِن	درێژە ـ کێش داـوازکرد بڵاو ـ وڵاو ـ ماوە ـ مدە	تمدید،امتداد،گسترش
extensive *adj*	ایکس‌تن‌سیو	گەورە ـ بڵاو ـ پان وو ڵاو وەروڵاو	وسیع،بزرگ،پهناور
extent *n*	ایکس‌ترِنت	وازێحی ـ بڵاوی گەورەووڵاوی وبرینی	وسعت،بزرگی،گستردگی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
external *adj*	ایکس‌ترنِل	بەری-دەری-دەرەوە-دیموبەری	خارجی،بیرونی،ازبیرون
extinguish *v*	ایکس‌تین‌گوئِش	کوژاندن-کوشنای-لابردن	خاموش‌کردن،نابودکردن
extinguisher *n*	ایکس‌تین‌گوئِشِر	خەفەکەر-ئاگرکوژێن ئەیرکوشن	آتش خاموش کردن آتش نشان
extra *adj,adv,n*	اِکس‌ترا	زیادجەحەد-زۆروئیزافە	فوق العاده، بیش از حد معمول، اضافی
extract *v*	اِکس‌تَرَکت	ددان‌کێشان-بەرئەوردەی دەرهاوردن، ئاوگرتن (مێوە)	کشیدن، بیرون کشیدن
extraordinary *adj*	ایکس‌ترنوردی نِری	فرەجەسەر-زۆرلەبان تایبەت‌وتەڵ	خارق‌العاده،غیرعادی
extravagant *adj*	ایکس‌تراوَچِنت	دەس‌باڵ-فرەخەرج‌کەر وێڵ‌خەرج-ژاژۆڵ	ولخرج، افراطی
extravagance *n*	ایکس‌تراوَچِنس	زیادەرەوی-کاریاقسەی ناماقۆڵ-وێڵخەرجی	اسرافکاری،زیاده‌روی
extreme *adj*	ایکس‌تریم	دوورترین-ئاسۆ-نەهایەت	دورترین،منتهی‌الیه،شدید
extremely *adv*	ایکس‌تریمِلی	بێ‌ئەندازە-حەرفرە یەکجارزۆر	بینهایت،خیلی،به‌شدت
eye *n*	آی	چاو-چەم-کونەدەرزی هەڵقێ، نەزەر	چشم ـ سوراخ سوزن بینایی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
eyeball *n*	آی‌بول	بیل‌بیله‌ی‌چاو-گلێ‌نه‌وچه‌مان گلاره	تخم چشم،کُره‌چشم
eyebrow *n*	آی براو (برو)	ئه‌برۆ - برۆ	ابرو،استخوان‌ابرو
eyelash *n*	آی لَش	بژانگی-بژانگ-برژانگ	مژه
eyelid *n*	آی لید	پێڵه‌ی‌چاو-پێڵـایی چه‌می	پلک‌چشم - جفن
eyesight *n*	آی سایت	بینایی-بینایی‌چاو-بینایی‌چه‌می سۆمای‌چاوان	بینایی،دیدچشم،دید
eye - sore *n*	آی زُر	به‌دشکڵ-به‌دته‌شک-ناشرین	بدشکل-بدنما
eye - wash *n*	آی واش	ده‌رمانوچه‌می-ده‌رمانی‌چاو	درمان چشم - تظاهر
eye - withness	آی ویت نس	شایدـشاهێدـبزان چه‌م‌چۆوه‌بیه	شاهد عینی
eye year *n*	آی‌یِر	چاوی‌ساڵ	چشم سال
eye youth *n*	آی‌یوت	چاوی‌جوانی‌ولاوی	چشم عصرجوانی
eyewit *n*	آی‌ویت	چاوی‌به‌رقدار-ویته‌ویتوچه‌مان	چشم زیرکی



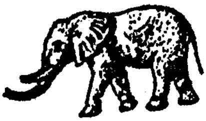
ELLIPSE



EAGLE

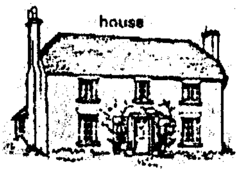


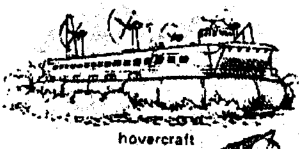
EGGSHELL

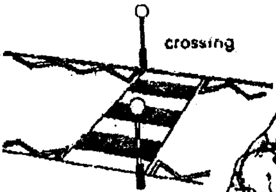


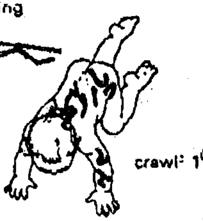
ELEPHANT

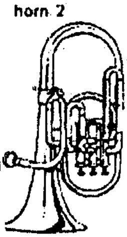


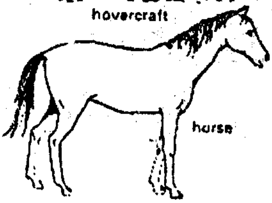




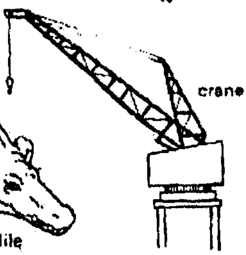






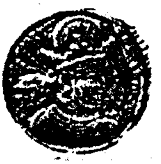








شاهپور سوم
۳۸۴ - م



کواذ یا قباد یا شیرویه
۶۲۸ - م

F f

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
F *n*	اِف	شەشەمین پیتی ئەلفبا	ششمین حرف ازالفبای انگلیسی
faam = wit *n*	فام	فام وهۆش (ویتەویت)	فهم وعقل ودرک
fa *adj*	فا	چوارەمین نۆت لەمووسیقا	چهارمین نُت موسیقی
fable *n*	فِیبل	حەکایەت ـ ڕازی ـ قسە	حکایت آموزنده ـ افسانه ، قصه
fabric *n*	فَبریک	جنس ـ کوتاڵ ـ چوارچێوە	پارچه ، قماش ، بافته
face [1] *n*	فِیس	ڕووە ـ ڕوومەت ـ شێوە ـ ڕوو	صورت ، چهره ـ نما ، صفحه
face [2] *v*	فِیس	وەڕانوەربیەی	مواجه شدن ، رو به
		وێسیان لەبەرانبەر ـ هۆرتەڤ	طرفی بودن
facilities	فِسیلِتیس	وەسیلەکێ ـ ئامرازی گشتی	وسائل محلهای عمومی ، آسانی
fact *n*	فَکت	ڕوەدا ـ ڕووداو ـ هەقیقەت	حقیقت، واقعه، رویداد
factory *n*	فَکتِری	کارخانە	کارخانه
fade *v*	فِید	سیسیای ـ کاڵۆبیەی	رنگ باختن ـ پژمرده شدن
		هەژاربوون ـ چەکۆبوون	
fahrenheit *n*	فارِنهایت	گەرماژناس ـ ئامرازی سەردو	فارنهایت ، گرماسنج
	(ف)	گەرم زان لە ۳۲ تا ۲۱۲ دەرەجە	
faggot *n*	فاگِت	لیژینە هێزمێ ـ دەستەی دار	دسته هیزم

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fail *v*	فِیل	نەتاوای-سەرنەکەوتن-کەوتەی	نتوانستن ـ رد شدن
failure *n*	فِیلیر	نامورادی-عاجزی-چەنەمەنە	ناکامی،شکست،کمبود
		ئوفتادە،زایفی	بی عرضه
faint [1] *v*	فِینت	زافی‌کەردەی-بێ‌ختیارکەوتەی	غش / ضعف کردن
		غەش‌کردن-فێ‌داری	
faint [2] *adj*	فِینت	زایف‌ونزار-شل-بێ‌رەگ	ضعیف،خفیف،غش
fair [1] *adj*	فِر	عادڵی-بەدروستی-چاک	عادلانه،نسبتاً‌خوب،نمایشگاه
fairly *adj*	فِرلی	توزێوە-کەمێک-برێک	کمی،فره‌ای،منصفانه
fair [2] *n*	فِر	نیشانگا-پێشان‌گا	نمایشگاه،بور،زیبا
fairy *n*	فِری	جن-جنۆکە-پەریە	پری، جن
faith *n*	فِیس	باوەر-بەوەر-ئەقیدەووەفا	ایمان،اعتقاد،وفاداری
faithful *adj*	فِیس فول	وەفادار-پرباوەر-ئەمین	وفادار،پایبند،درست
faithfully *adv*	فِیس فولی	بەوەفاداری تەواو	صادقانه،باایمان
		بەدروستی وڕێکی	
fall [1] *v*	فُل	وارکەوتەی-خوارکەوتن	پایین افتادن، فروریختن
		کەم‌بوون-(لەنرخ)بارین	اُفت کردن
fall [2] *n*	فُل	وار-خوار-کەم-نوخسان	سقوط،کاهش،تنزل،بارش
false *adj*	فُلس	قەڵب-واریا-درۆیی	غلط، دروغ ـ مصنوعی
		دەس‌ساز، بێ‌مەیل	بی وفا
falsely *adv*	فُلس لی	بەجۆری دەست‌ساز	به طور مصنوعی
		درۆیی-بێ‌عەسڵی	

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fame *n*	فیم	شۆرەت ـ ئاوازە ـ نامیٚ لوا	آوازه،شهرت،خوشنامی
famous *adj*	فیمس	مەیشوور ـ نامدار ـ شۆرەتی	معروف،مشهور،نامی
familiar *adj*	فمیلیر	خۆمانی ـ وێمانە ـ باو	خودمانی،متداول،شناس
		زانا ـ واردەبە، شناس	
family *n*	فِمیل‌یر	ماڵ و بنە ماڵە ـ خێڵ	اعضای خانواده
		یانەوکڵفەت، خزمان	قوم و خویش
famine *n*	فَمین	قاتی ساڵ ـ برسیەتی ـ ئەورای	قحط،قحطی،خشکسالی
fan [1] *n*	فَن	پانکە ـ باوەشێن ـ واشەن	پنکه،بادبزن،پروانه‌ماشین
fan [2] *v*	فَن	باوەشێن کردن ـ بالێدان	بادزدن،پراکنده‌کردن
		واوەنەدای	
fancy [1] *adj*	فَن سی	خیاڵ ـ هەوەس ـ گومان، زیادْ	فانتزی،تجملی،تصور
fancy [2] *v*	فَن سی	خیاڵ کردن ـ گومان کردن	گمان کردن ـ هوس کردن
		خیاڵ کەردەی	
far *adv,adj*	فار	دوور ـ یاگەی دوورە ـ دوورەدەس	دور، فاصله دور،
			فاصله‌خیلی زیاد
fare *n*	فِر	کرێ ـ کرها ـ مز، روداو	کرایه(وسائل‌نقلیه)پول‌کرایه
farm *n*	فارم	زەوی بۆ ماڵات	مزرعه (همراه با دامپروری)
		زەمینوتایوەتی‌گەلەداری	کشتزار
farmer *n*	فارمِر	وەرزیەر ـ رەعیەت ـ جووتیار	کشاورز، مزرعه دار
		زەمین‌دار	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
farming *n*	فارمینگ	جورتیاری‌کشت‌وکاڵ‌ـفه‌لایی	زراعت، کشاورزی
farmyard *n*	فارم یارد	زه‌وی‌ده‌وروبه‌ری‌جاڕـزه‌مینی	محوطه‌بازمزرعه‌وبوستان
		ده‌وروبه‌روجاڕێ‌ـبڵـاو	
farsi *n,adj*	فارسی	زوانوفارسی‌ـزمانی‌فارسی	زبان فارسی ـ فارسی
fascinate *v*	فسینیت	ڕوه‌و،وێ‌کێشای	مجذوب‌کردن،جلب‌کردن
	(فیسی‌نیت)	جادوکردن‌ـبه‌ره‌و‌خۆکێشان	
fascination *n*	ڤسی‌نیشن	دڵکێشی‌ـفه‌ریودڵی	فریبندگی، دلربائی
		نمه‌کینی‌وشه‌یدایی	گیرایی
fashion *n*	ڤ شِن	باوـڕه‌سم‌ـته‌رێ‌قه‌ـڕه‌وشت	مُد،رسم،باب،روش
fashionable *adj*	ڤشِن‌ابل	داکه‌رتوـیاگه‌که‌رته‌وبار	مرسوم،متداول،شیک
		ڕه‌سم‌وجێ‌که‌وت	مُد
fashionably *adv*	ڤشِن‌ابلی	باوی‌ڕۆژـباووڕه‌سموڕۆی	از نظر مد روز
fast [1] *adj*	فاست	تن‌وتیژـگورج‌ـتێژـبته‌و	سریع،چابک‌ـمحکم،ثابت
fast [2] *adv*	فاست	به‌توندی‌ـبه‌رق‌ئاسا‌ـمحکه‌م	به سرعت ـ به طور محکم
fast [3] *v*	فاست	ڕۆچه‌گرته‌ی‌ـڕۆژوگرتن	روزه گرفتن
fasten *v*	فاسِن	به‌ستن‌ـته‌نگ‌دان‌ـمحکه‌م‌که‌رده‌ی	روی هم/ محکم بستن
fastener *n*	فاسِنِر	قولاپه‌ـقولاوـگیرده‌ر	قلاب،گیره،چفت،بست
fat [1] *adj*	فَت	قه‌ڵه‌وـچاخ‌ـپه‌ڕگۆشت	چاق،پیه،دنبه
fat *v*	فَت	په‌رواری‌که‌رده‌ی‌ـئه‌ره‌بینای	پروار کردن، فربه کردن
		دابه‌ستن‌ـبه‌خێوکردن	

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fat [2] *n*	فَت	ڕۆن-چەوری-دووگ دمەـوەزـبەز،ڕوەن	روغن، چربی (حیوانی)
fatal *adj*	فِیتل	خۆفناک-گیانگیر-هیلاک کەر سامدار	هولناک، مرگ آفرین
fatally *adv*	فِیتلی	تۆقنای-بەسامداری بەجۆری مەترسی	به‌طورهولناک،هلاکت
fate *n*	فِیت(فِت)	ئاقیبەت-دوائاخرئەجەڵ دوایی وسەرئەنجام	سرنوشت، تقدیر قسمت
father *n*	فادِر	باوک-بابە-تاتە-باب،بانی	پدرـباباـمؤسس
father-in-law *n*	فاذِراین لُ	هە سووره	پدرزن / شوهر
fault *n*	فُلت	خەتاـگوناـعەیب،کەمی	گناه،تقصیر،عیب‌ونقص
faultless *adj*	فُلت‌لِس	بێ‌خەتاـبێ‌گوناـبێ‌عەیب	بی تقصیر، بی‌گناه
favour *n*	فِیوِر	لوتفـنەزەرەی خاسە عەنایەت، چاکەبۆ	لطف، توجه، عنایت هدیه
favourable *adj*	فِیوِرابل	خاس-باش-یاری دەر بەکەڵک وچاک	مناسب،سودمند،مساعد
favourite *adj*	فِیوِریت	ئارەزووکراوـبەرگوزیدە گەرەکبیەـچاکـباش	مطلوب،برگزیده،محبوب
fear [1] *v*	فِیِرـفیر	ترسینـتەرسای تۆقای	ترسیدن، بیم داشتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fear ² *n*	فِیِرـفیر	تەرسی ـ ترس ـ خۆفی ـ تۆقای	هراس،ترس،بیم،پروا
fearful *adj*	فِیرفول	تەرس دار ـ خۆف دار	خیلی بد، وحشتناک
		مەترسی دار	هراسان
fearless *adj*	فیِرلِس	نەترس ـ جەرگدار ـ زات دار	شجاع،نترس،دلیر
feast ¹ *n*	فییست	مێوانی ـ مێمانی، بەزم	مهمانی، ضیافت،بزم
		چەژن و خۆشی	عید
feast ² *v*	فییست	نانی مێوانی خواردن	در ضیافت / در مهمانی
		خۆش رابواردن لە مێوانی	خوردن
feather *n*	فِ زِر	پەل ـ پەڵ و پۆ ـ جۆر	پَر(پرندگان)نوع ـ جور
feature *n*	فیچِر	شێوە ـ رووە ـ روو ـ رواڵەت	سیما،چهره،ویژگی
february *n*	فِبرئوری	مانگی دووهەم لە ساڵی میلادی	فوریه(ماه دوم میلادی)
federal *adj*	فِ دِرل	هاو پەیمان ـ یەک گرتوو	فدرال ـ اتحاد
		هام پەیمان	هم بستگان
federation *n*	فِ دریشن	یەکیەتی وەڵاتان ـ هام پەیمانی	فدراسیون، اتحادیه
		وەڵاتەکان ـ یەکیەتی و یۆیی	
fee *n*	فی ی	هەق ـ هەقی دوکتۆر	حق ویزیت، شهریه و...
		وەکیل ـ نام نویسی، مز	اجرت
feeble *adj*	فی ی بِل	نزار و لاواز ـ لەرـ زایف بێ تین	ناتوان،لاغر،نحیف،نزار
feed *v*	فیید	چێشت و نان دان بە، ئالف	غذادادن،چراندن،علوفه
		نان یا شۆت دای بە لۆرنای، گزره	

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
feel *v*	فییل	گومان‌کردن-پاسەم‌زانای	احساس کردن - گمان کردن
		گمان‌کەردەی،فامین	پی‌بردن
feeling *n*	فییلینگ	گومان-گمانە-پاسەم‌زانان	حس،ادراک،حس‌لامسه
		بەچەم‌ئەور-هەست‌وهەواس	احساسات
feign *vt*	فِین	خۆبەنەزانی‌دان	وانمودکردن
fellow *n*	فِ لئو	بەشەر-پیا-کەسێک-مرۆڤ	شخص،آدم، مرد- یارو
		دۆس-یارو-کورەکە	همکار، همراه
female [1] *adj*	فی‌مِیل	مای-مێنگە-جنسی‌مێنگە	مؤنث،ماده،زنانه
female [2] *n*	فی‌مِیل	ژەنی-ژن-مای-مێ‌ومێنگ،	زن، ماده
feminine *adj*	فِ می‌نین	ژەنانە-ژنانە-پسەژەنێ	زنانه،زن‌واره،ظریف
		وەکەژن،جورژن	
fence [1] *n*	فِ نس	مەعجەر-پەرچین‌وحەسار	نرده(چوبی/آهنی)حصار
		پەرژێن(ئاخ‌دوری!)	
fence [2] *v*	فِ نس	حەسارکێشان-پەرچین	حصار / نرده‌کشیدن
		کەردەی،شەرەخەنجەر	شمشیربازی کردن
fern *n*	فِرن	جۆرەرووەکێ-جۆرەگیواوەی	سرخس
		جەنسرم‌وسێوەرەنە	
ferry *n(ried-rying)*	فِری	گوزەرگا-وێری	کشتی‌گذاره - گذرگاه
		یاگێ‌ئەوەپرای‌جەرۆخانەنە	
fertile *adj*	فِرتایل	پربەرەکەت-پەربار-بارئەور	حاصلخیز-بارور-پرثمر

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fertilize *v*	فِرتیلایز	قوەت کەردەی ـ پربارکردن کوود پێدان	حاصلخیز / پربار کردن
festival *n*	فستیوال	جەژنە ـ عەید ـ جێژن ـ جەژن	جشن، عید، فستیوال
fetch *v*	فِچ ـ فِچ	ڕۆیین و هاوردن ـ لوای و ئەوردەی چێوەی ـ فرتە ئامەی	رفتن و چیزی آوردن
fever *n*	فیوِر	یاو ـ تەو	تب
few *adj,n*	فیو	چەن دانە ـ برێوە ـ بازێوە کەمێک	عده کمی، چند تا، اندک
fibre *n*	فیبر	تانوپۆ تاڵە بەن ـ تۆر ـ تاڵێک	لیف، رشته، تاروپود
field *n*	فیلد	مڵکی پەرچین دار زەوی پەرژین دار	مزرعه،کشتزار(نرده‌دار)دشت رشته،میدان ورزش
fierce *adj*	فیِرس	بێ ڕەحم ـ چەتوون ـ در ستەمکار ـ وەحش و هار	بیرحم، خشن، وحشی هار
fiercely *adv*	فیِرس لی	بە بێ ڕەحمی ـ بە ستەمکاری وەحشیانە	وحشیانه، بیرحمانه
fifteen *adj,n*	فی فتین	ژمارەی پانزدە ـ شمارە و پانزەی	عدد ۱۵
fifteenth *adj,n*	فی فتین س	پانزدەیەم ـ پانزەهۆم	پانزدهم $\frac{۱}{۱۵}$
fifty *adj,n*	فی فتی	ژمارەی پەنجا ـ شمارەو پەنجای	عدد ۵۰

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fiftieth *adj,n*	فی فتیس	پەنجایەم-پەنجاهۆم	پنجاهم،پنجاهمین-$\frac{1}{50}$
fig *n*	فیگ	هه نجیر	انجیر
fight [1] *v*	فایت	جەنگین-جەنگ کەردەی	زد و خورد کردن، جنگیدن
		بەشەرهاتن	دعوا کردن
fight [2] *n*	فایت	جەنگ‌وجلەوەـشەرـداوەنەی	زد و خورد، نزاع، جنگ
figure *n*	فیگِر (فِگِر)	شکڵـشێوەـژمارە	رقم، عدد ـ قیافه، شکل
		عەدەدـبەژن، تاپۆ	بها
file [1] *n*	فایل	رزـقەتارـکاغەزگیر	بایگانی ـگیره، صف
		بووشەـپەروەندە	پوشه ـ پرونده
file [2] *v*	فایل	بایگانی کەردەی-پەروەندە،	بایگانی کردن ـ به صف رفتن
		خەفنای ـسەف لوای	سوهان زدن
fill *v*	فیل	پڕکردن-پەڕکەردەی	پر کردن / شدن
		پەڕبیەی (پڕبون)	منصوب کردن
filling *n*	فایلینگ	مادەی پڕوکەرـمادەی	ماده پرکننده
		پەڕۆکەر	
film [1] *n*	فیلم	فیلمی وێنە گرین-فیلمو	فیلم عکاسی،...پوسته
		عەکسێ یاسینەمای	
film [2] *v*	فیلم	فیلمگرتەی-وێنەیان	فیلمبرداری کردن
		عەکس گرتن	
filthy *adj*	فیلتی	ناپاک-پیس-چەپەڵ	خیلی کثیف،ناپاک،پلید

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fin *n*	فین	باڵەوپەل وماساوێ	باله ماهی
		باڵەی ماسی	
final *adj*	فینال	ئاخری ـ دوائاخرـ دمائامەی ـ تە	نهائی، آخری، آخرین
	(فایبل)	واو	آخر
finally *adv*	فاینلی	ئاقیبەت ـ سەرئاخر، دوایی	بالاخره،سرانجام،آخرسر
finance [1] *n*	فیَ‌نَنس	ماڵودارایی ـ بنیەی ماڵی	کنترل امور مالی، دارایی
financial *adj*	فیَ‌نَنشِل	مەربووت بەبنیەی ماڵی	وابسته به امور مالی
financially *adv*	فیَ‌نَنشِلی	لەنەزەری بنیەی ماڵی وبووجەوە	از نظر امور مالی
finance [2] *v*	فیَ‌نَنس	پوڵ بەدەس هێنان بۆ کارێک	برای طرحی پول تهیه کردن
		پوڵ گیرئەوردەی پەی چێوەی	
find *v*	فایند	پێ سەی ـ پەیداکردن	پیداکردن، یافتن
		بۆدەرکەوتن ـ زانای	درک کردن
fine [1] *adj*	فاین	جوان ـ زەریف ـ مومتاز ـ ناسک	زیبا،قشنگ،باریک،اعلاء
fine [2] *n*	فاین	جەریمە ـ تاوان، چاک	جریمه،ناب
fine [3] *v*	فاین	جەریمەکردن ـ جەریمەبیەی	جریمه کردن/ شدن
finger *n*	فین گِر	ئەنگووسە ـ قامک ـ کلک	انگشت
finish *v*	فینیش	تەواوکردن ـ تەمام بیەی	پایان یافتن، تمام کردن
fire *n*	فایر	ئەیر ـ ئاگر ـ ئاور ـ سۆچە	آتش، آتش سوزی، حریق
		گروئار	
fire - brigade *n*	فایر بریگِد	مامورێ ئەیرۆکوشنای	مأمورین آتش نشانی
		ئاگرکوژێنەران	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fireworks *n.pl*	فایروِرک	ترێقه-چیوی ئه‌یربازی تره‌قه‌وئاگرباران-زه‌رنێق ئاسا	**ترقه ـ آتش بازی**
firm [1] *adj*	فِرم	محه‌که‌م-سفت وسه‌خت-بته‌و-پته‌و	**محکم، سفت ـ ثابت قدم**
firmly *adv*	فِرم لی	به‌محکه‌می-به‌بته‌وی به‌جوّری پته‌و	**به طور محکم / ثابت قدم**
firm [2] *n*	فِرم	شرکه‌ت-تجاره‌تخانه-شه‌ریک،	**شرکت،کمپانی، تجارتخانه**
first *adv*	فِرست	وه‌ڵی گردی-هه‌وه‌ڵ-ئه‌وه‌ڵ، یه‌کەم-یه‌کوٚم،جاری ئه‌وه‌ڵ	**نخستین، اولین، اول**
first aid *n*	فِرست اِید	یارمه‌تیه‌کانی هه‌وه‌ڵی یاریانوجابه‌جای،زویاری،	**کمک‌های اولیه**
fish [1] *n*	فیش	ماساوی-ماسی،ماهیه	**ماهی**
fish [2] *v*	فیش	ماسی گرتن-ماساوگرته‌ی	**ماهی گرفتن / صید کردن**
fishing *n*	فیشینگ	ماساوگیری-ماسی گری	**ماهیگیری**
fist *n*	فی ست	مشته-مشته‌کوٚڵه-مشت	**مشت**
fit [1] *adj*	فیت	فیت-ئه‌ندازه-رێک باش-چاک	**سالم، خوب ـ درخور، مناسب**
fit [2] *v*	فیت	ئه‌ندازه‌بیه‌ی-ئه‌ندازه‌ی که‌سێ بوون	**مناسب بودن ـ کارگذاشتن**
five *adj,n*	فایو	ژماره‌ی پێنج-شماره وپه‌نجی	**عدد ۵**

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fifth *adj,n*	فایفس-فیفت	پەنجەم-پەنجۆم-پێنجەم	پنجم،پنجمین-1/5
fix *v*	فیکس	کارنیای-نەسب‌کردن	کارگذاشتن - تعیین کردن
		دامەزراندن-ئەرەمەرزنای	محکم/تعمیرکردن
fizz *adj*	فیز	فس-فشەفش‌کەردەی	فیززز...
flag *n*	فلَگ	ئالا-ئالایە-پەرچەمەسورپیاز	پرچم، بیرق
flagpole *n*	فلَگ پُل	ئێڵاوئاڵایێ-داری ئاڵا	میله پرچم، تیرپرچم
		چێو-چۆپەرچەمێ	
flake *n*	فلیک	تۆڵاش-تیکە-پەڵاشە	تکه-دانه-ذره
		گرۆڵیەپەژم-پولەک	پولک
flame *n*	فلیم	گڵپەوگرره-شۆڵەئەیر-گر	زبانه آتش، شعله
flap [1] *v*	فلَپ	باڵ‌فرین-باڵ‌وگرتەی	بال زدن، بهم زدن
		جواندن- جمنای	
flap [2] *n*	فلَپ	بەرەوگیفانێ-دەری‌گیفان	در (جیب، پاکت....)
		(گرفان)-شەبەقەکلاو-دەرک	پرده - تپ‌تپ
flash [1] *n*	فلَش	برووسکە-بەرق-بەرقی‌ناوامە	فلاش،برق‌ناگهانی،برق‌زدن
		شەوق-نووری‌زۆربۆدەمێک	درخشیدن
flash [2] *v*	فلَش	شەوق‌ونوورهاوێشتن-شەوق	نور انداختن، چراغ دادن
		ونووروسەی-چرادان	برق زدن
flask *n*	فلاسک	مەتارە-قمقمەوئاوێ	فلاسک / فلاکس
		دەفری‌ئاو-جێی‌تایبەت	
		بۆیەخ‌وئاووچای	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
flat [1] *adj*	فلَت	ساف وتەخت-کرکای،بڕین	هموار،صاف،پنچر،مانده
flatten *v*	فلَتَن	ساف وتەخت کردن-تەخت کەردەی	هموار کردن / ساختن
flat [2] *or* **apartment** *n*	فلَت	کۆمەڵەی ماڵی چەن قات، کلۆپە یانێ چند نهۆمێ	آپارتمان
flattery *n*	فلَتِری	خۆڵتەکەری-ریاکەری چەورزوانی-دەسماڵ بەدەس	چاپلوسی کردن،تملق
flavour *n*	فلِوِر	تام-مەزە-نمەک وتام	طعم،مزه،چاشنی
flea *n*	فلیی	کەکی-کێچ-کەک	کیک / کک
flee *v*	فلی ی	فرین وراکردن-رەمای بەرشیەی-دەرچوون	گریختن، فرار کردن، در رفتن
fleece *n*	فلیس	پەژم-خوری-مووبزان	پشم (گوسفند/ بز)
fleet *n*	فلییت	هێزی دەلیا-کۆمەڵی کەشتیەکان،کلۆپە کەشتیێ، تون وتێژ	جمع کشتیها،ناوگان سریع
flesh *n*	فِلش	گۆشت-لەش-گۆشتی	گوشت-جسم،ماهیچه
flew *see* **fly**		مێوەکان	میانبرمیوه
flight *n*	فلایت	فرای-فرین-کۆچ-هۆر	پرواز
float *v*	فلُت(فلئوت)	سەروئاوێرەکەوتەی بەسەرئاوداکەوتن،دامە،زران	شناوربودن،تأسیس کردن شرکت و...

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
flock *n*	فلاک	گەلە-دەستە-گرۆ-پەل گرۆلیەنەیە	گله، دسته، رمه
flood [1] *n*	فلاد	هەرەسە-هەرەس-لافاو	سیل،تنداب
flood [2] *v*	فلاد	هەرەس‌ولافاوئامەی-لافاوداگرتن هەرس‌ماڵـای	زیر سیل رفتن، در برگرفتن
floor *n*	فلُر	تەختی‌ماڵ-تەختویانەی قات-نهۆم	کف اتاق - طبقه ساختمان
flour *n*	فلئور	ئاردی-ئارد-ئاردەوخەلەی	آرد (غلات)
flourish *v*	فلاریش	گەورەبیەی-ڕوان‌وگەورە بوون، سامان گرتن	رشد کردن - به وجد آمدن رونق گرفتن
flow [1] *v*	فلُ (فلئو)	ئاوهۆرنشتەی-ئاوڕێ‌کەوتن لافاوکەردەی	روان شدن
flow [2] *n*	فلُ (فلئو)	لافاو-هۆرنشت-بەرێ‌کەوتن	جریان،عبور،گردش
flower [1] *n*	فلاوِر	گوڵ-ئەشکۆفە-لاوی وەرزوجوانی،گوڵ کردن	گل، شکوفه گل دادن
flower - bed *n*	فلاوِربد	باخچەوگوڵـان-باغچەی گوڵـان	باغچه گل
flue *n*	فلوو	دووکەڵ کێش،هەواکێش	دودکش-لوله‌آبگرم،هواکش
fluency *n*	فلوانسی	قسەکەری چاک	روانی زبان و کلام
fluent *adj*	فلووانِت	فەسیح‌ورەوان-نەرم‌ورەحەت	روان، راحت، سلیس

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fluently *adv*	فلووانتلی	بەرەحەتی-بەرەوانی	به راحتی وفصاحت
fluff *n*	فلاف	کولکێ-تووک-مووی نەرم پەل	کرک، پشم،...پُرز
fluid [1] *n*	فلووید	چێوی روانورالوەر-ئاوین وروان-چتی وەک ئاو	مایع، ماده سیال وروان
flute *n*	فلووت	شمشاڵ-بلوێر-لولێ وادەمنە	فلوت (نوع ساز بادی)
fly [1] *v*	فلای	فرین وباڵۆ گرتن-پرای وباڵۆ گرتەی	پرواز کردن ـ دویدن افراشتن
fly [2] *n*	فلای	مەشی-مێش	مگس
foal *n*	فئول (فِول)	بەچکە ئەسپ-بەچە ئەسپ کورە ئەسپ	کره‌اسب ـکُره‌زاییدن
foam *n*	فئوم(فوم)(بلّق)	قولێ-قولەساون-قوڵ-کەف	کف،حباب،ابرحمام
fog *n*	فاگ	تەمە-تەم ومژ-هەوروسەر وزەمینی	مه ـ گیجی
foggy *adj*	فاگی	تەمدار-ئالوودەبەتەم پرتەم و مژ	مه آلود،مه گرفته
fold [1] *v*	فُلد	پێچنای-پێچان-دەق دای دەق دان،دانیان	پیچیدن، تا کردن / زدن
folder *n*	فُلدِر	پووشە-پۆشەر	پوشه،لفاف،پرونده
fold [2] *n*	فُلد	دەق-لا-چین-تۆ-توێ، پەچە	تا،لاچین،آغل

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
folk *n*	فُلک	کۆمەڵەی خەڵک ـ خەڵکی	توده، خلق، مردم
		مەردم	قومی
follow *v*	فالو	بەشوێنکەوتەی ـ بەشوێنداروین	دنبال کردن / آمدن
		گوێش پەنەدای	تقلید کردن
fond *adj*	فاند	مایل وزووباوەڕ ـ شەیدا	علاقمند، شیفته
		خۆش ویستن	دل باخته
food *n*	فوود	پێخۆر ـ چاشتی ـ چێشت	غذا،خوراک،طعام
fool [1] *n*	فوول	گێج وخول ـ بێ ئەقڵ ـ نەفام	خُل،احمق،کم‌عقل
foolish *adj*	فوولیش	گەوج ـ نەزان ـ تێ نەگەیشتوو	نادان، احمق، ابله
foolishly *adv*	فوولیش لی	نەفامانە ـ بەبێ هەقڵی	احمقانه، ابلهانه
		بەنەزانی	
fool [2] *v*	فوول	خڵەتنای ـ خڵەتاندن	گول زدن، فریب دادن
		فەریودان	
foot *n*	فووت	پا ـ پێ ـ ئەندازەیێ	پا ـ پایین ـ فوت
		بەرانبەربە ۳۰ سانت	ته، پایه
football *n*	فووتبول	تۆپی پێ ـ تۆپەوپای	فوتبال، بازی فوتبال
		گەمەو تۆپەوپای	
footpath *n*	فووت‌پت	پارەو ـ پیادەرەو	پیاده‌رو،راه‌باریک
footprint *n*	فووت‌پرینت	یاگەپا ـ جێ پێ	ردپا، جای پا

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
footstep *n*	فووت استپ	دەنگوپای-دەنگی پێ جێ پێ	صدای‌پا،اثرپا،اثر
for *prep*	فور	تۆ-پەی-چون-بۆماوەی	بـــرای (مـــورد مـــصرف) ـ
		جەوەرو،باتی، بۆ-	(دریـــافت کـــننده/مـالک) ـ
		لەبەر-	(مسافت/ مدت) ـ (مقصد) ـ
			به (قیمت) ـ بـرای (مـعنی) ـ
			برای
for instance *n*	این‌س‌تنس	بۆنموونە-پەی‌نموونەی	به عنوان مثال، برای مثال
for example *n*	فوراگزمپل		
forbid *v*	فوربید	وەرگرتەی-بەرگرتن	منع کردن، ممنوع بودن
		قەدَاخەکەردەی	جلوگیری کردن
force [1] *v*	فورس	مەجبوورکەردەی-مەجبوورکردن	وادار کردن / ساختن
force [2] *n*	فورس	زۆر-بێگاری-جەبر-هێز	زور،نیرو،زورگویی
ford *n*	فورد	ویری-گوزەرگای ئاوی	گذرگاه قابل عبور رودخانه
		جێ ی‌گوزەرگای ئاوی	گُدار
		جێی‌گوزەرلەئاوی‌رۆخانە	
forecast *n*	فورکاست	پێش‌بینی‌کردن-وەربینی کەردەی	پیش بینی، پیشگوئی
forehead *n*	فارید	تەوێڵە-تەوێڵ	پیشانی،جبین
foreign *adj*	فارین(فارن)	ئەجنەبی-بێگانە-نەناس	بیگانه،خارجی،اجنبی،غریبه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
foreigner *n*	فارینر	بێگانە ـ خەڵکی دەرەوەی وەڵات	خارجی،بیگانه
foreman *n*	فُرمِن	سەرعەمەڵە ـ سەرپرسی کرێکاران	سرکارگر،فورمن،سروگروه
forest *n*	فاریست	دارستان ـ دارسان	جنگل انبوه
forever *adv*	فُرِوِر	دایم ـ هەمیشە	مُدام،همیشه،تاابد
forge *v-n*	فورج	چێوی قەڵب وەشکەردەی خراب دروست کردن	جعل کردن، تقلبی ساختن کوره‌ودکان آهنگری
forgery *n*	فورجری	کۆپی ـ بەجێ ـ باتی قەڵب وەک خۆی ـ وێنە گیراو	کُپی، جعلی
forget *v*	فورگِت	فەرامۆش کردن ـ جە یاد بەردەی	از یاد بردن، فراموش کردن
forgive *v*	فورگیو	بەخشان وعەفو کردن بەخشای	عفو کردن، بخشیدن
fork [1] *n*	فورک	چنگاڵ ـ چوارلەق ـ دوورێنە	چنگال، چهارشاخه ـ دو راهی
fork [2] *v*	فورک	جیاوەبیەی ـ جگێ وەبوون	دو قسمت / منشعب شدن
form [1] *n*	فورم	شکڵ ـ کەلاسی دەرس ـ لەش	کلاس،مدرسه،ساخت،عرف
form [2] *v*	فورم	ئەرەمەرزنای ـ دامەزراندن خۆش کردن	سازمان / تشکیل دادن
formation *n*	فورمیشِن	شکڵ گیری ـ شکڵ ـ دامەزران	تشکیل،شکل،وضع،تاسیس

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
formal *adj*	فورمِل	قانوونی، رەسمیّ	رسمی،قانونی،تشریفاتی
former *adj*	فورمِر	چەووەڵ ـ لەمێژ ـ لەپێش لەمەوبەر	جلوتر،قبلی،قدیم
formerly *adv*	فورمِرلی	لەرابردوودا ـ ئەوسا لێرەوبەر	قبلاً، سابقاً
formula *n*	فورمیولِ	دەسوور ـ فرموولە ـ ڕێ وچارە قاعیدە	فرمول، دستور، قاعده
fort *n*	فُرت	قەلا ـ کەلات، سەربازگا	قلعه،دژ،سنگر،پادگان
fortress *n*	فُرتِرس	قەڵای سەربازی ـ قەڵاو جەنگی	استحکامات،دژ
fortnight *n*	فورت نایت	دووحەوتە ـ دوی حەفتێ	(مدت) دو هفته
fortune *n*	فورچِن	چارەوشانس ـ نەسیب ناوچاو ـ ئیقباڵ وبەختە	شانس،اقبال ـ ثروت تقدیر
fortunate *adj*	فورچِنِت	وەش بەخت ـ چارەدار ـ ناوچاودار	خوشبخت،نیکبخت
fortunately *adv*	فورچِنیتلی	بەخوشبەختی ـ بەوەشبەختی	خوشبختانه
forty *adj,n*	فورتی	ژمارەی چل ـ شمارەوچلی	عدد ۴۰ ـ چهل تا
fortieth *adj*	فورتیس	چلەم ـ چلۆم ـ چلەمین چلۆمین	چهلم،چهلمین، ۱/۴۰
forward *adv*	فوورِد	بەرەوبەر ـ ڕووەوەر ـ ڕووبەبەر	به جلو، به طرف جلو
fossil *n*	فوسیل	بەردباو ـ تووەن ئاسا	فُسیل،سنگواره

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
foul *adj*	فاول (فَول)	نالەبار-ناخۆش-پیس	ناخوشایند، کثیف
		ناپاک-ناجۆر	لکه‌دار
found [1] *n*	فاوند (فوند)	شکڵی سێیەمی، فایند	شکل سوم فایند
		ویەردەوفایندی، تاویان	ذوب-بنیاد
found [2] *v*	فاوند	دامەزراندن-ئەرەمەرزنای	تأسیس کردن / نمودن
foundation *n*	فَوندی‌شِن	دامەزران-پایەبنەوابن چین	بنا،پایه،اساس،پی افکنی
foundations *n*	فوندی‌شِن‌س	بنەوای ماڵ-بن چینەی خانو	پایۀ ساختمان
fountain *n*	فَونتین	فوارە-ئاوپژگە-ئاوپژێن	فواره،چشمه،منبع
four *adj,n*	فور	چوار-چووار-ژمارەی چوار	عدد ۴
fourth *adj,n*	فورس(ت)	چوارەم-چوارۆم-چوارەمین	چهارم،چهارمین،۱/۴
fourteen *adj,n*	فورتین	ژمارەی چواردە-شماروچواردەی	عدد ۱۴
fourteenth *adj*	فورتین‌س	چواردەیەم-چواردەهۆم	چهاردهم،۱/۱۴
fowl *n*	فُول	باڵندە-پەلەوەرێ	مرغ و خروس، ماکیان
		پسە کەرگی وکەڵە شێری	
fox *n*	(فوکس)	رواسی-رێوی	روباه،فریب دادن
fraction *n*	فرَکشن	وردە-کەم-بەشێ-نەختەی	کم،جزء،پاره،عددکسری
fracture [1] *v*	فرَکچِر	مێریای-شکیان-نورشکان	شکستن، ترک خوردن
fracture [2] *n*	فرَکچِر	ترەکە-تلیشە-ترەک	شکستگی
fragment *n*	فرَگمِنت	لەت-کوتێ-تیکێوە	خرده،شکسته،پاره
		تیکەولەت	
frail *adj*	فرِیل	زایف-کەوتە-کەلەلا-بێ تین	ناتوان،ضعیف،نحیف،نزار

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
frame [1] *n*	فریم	چوارچۆ-چوارچێو-قاپ	اسکلت، شاسی ـ قاب
		وەزعوحال	روحیه
frame [2] *v*	فریم	لەچوارچێودانان-دڵێ	در چهارچوب قرار دادن
		چوارچۆی نیای	قاب گرفتن
free [1] *adj*	فری ی	موختار-ئازاد-دەس واز-مفت	آزاد-بیکار-مجانی،رها
freedom *n*	فریی دِم	ئازادی-خۆموختار	آزادی،اختیار-امتیاز
		وێ موختار، هەق	
freely *adv*	فریی لی	بەئازادی-بەئازادییەوە	آزادانه،بەمیل خود
free [2] *v*	فریی	ئازادکردن-ئازادکەردەی-وەردای	آزاد کردن، رها ساختن
freeze *v*	فریز	ڕچیای-گرسای-گرسین	منجمد شدن، یخ زدن
		ڕچیان ویەخ بەستن	
freezer *n*	فریزر	ڕچێنە-ڕچێنگە-ساردۆکەر	فریزر،یخ ساز-یخ زن
frequent *adj*	فِری کونت	زۆر-فرە-پەی پەی	متعدد و مُکرر
		تەکەڵ تەکەڵ، دەم بەدەم	مداوم
frequently *adv*	فِری کونتلی	زۆری جار-فرەووەختی	بەطورمکرر-اغلب
		فرەجار	
fresh *adj*	فرِش	تازەونوە-فێنک-تازە	تر و تازه ـ نو ـ خنک
friday *n*	فرای دی	هەینی-جومحە-جەعمە	جمعه (ششمین روز هفته)
fridge *n*	فرایج	چاڵەوەرو-سەردوکەر	یخچال
		سەهۆڵدان-یەخەچاڵ	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
friend *n*	فرند	دۆس ـ رەفێق ـ شەریک دۆست	رفیق، دوست (قابل اعتماد)
friendly *adj*	فرندلی	دۆستانە ـ بەرەفێقی دۆس ئاسا	دوستانه، صمیمانه
friendship *n*	فرندشیپ	دۆستی ـ رەفێقی	دوستی، رفاقت
fright *n*	فرایت	ترس ـ تەرسی ـ دڵەچرکێ دڵە لەرزە	هراس، ترس، هول
frighten *v*	فرایتِن	ترساندن ـ تەرسنای ـ تەرسای	ترساندن، ترسیدن، رم دادن
fringe *n*	فرینج	ریشۆڵێ ـ ریشک ـ چەترە وزڵفان ـ قەراخ ـ دەور	حاشیه ـ موی چتری ـ لبه
frock *n*	فراک	سیپاڵێ وسەرسیپاڵێ ژە نانوپیان وزەوروان ـ کەوا سەرجل ـ عابا	فراک (لباس زنانه / دخترانه) ردا ـ قبا
frog *n*	فراگ	قرواقی ـ قرپۆق	وزغ، قورباغه، غوک
from *prep*	فرام	لەـجەـلەوەختی ـ لە لایان ـ جەوەختو	از (حرکت از) ـ (کسی / به کسی) ـ (جایی) ـ (چیزی) (علتی) ـ در اثر
front *n,adj*	فرانت	بەرـ وەرـ وەری ن، پێش	جلو، جلویی، کنار، قیافه
frontier *n*	فرانتیِر	سەرحەد ـ سنوور ـ حدوود مەیدان	خط مرزی، مرز

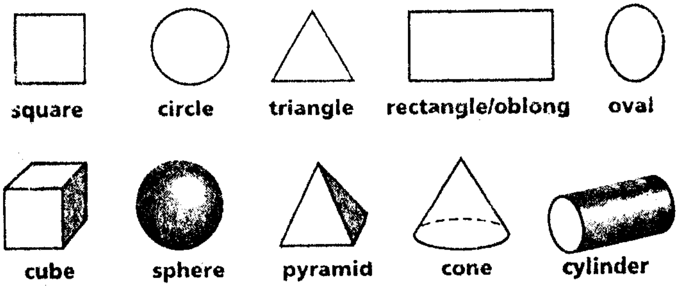
f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

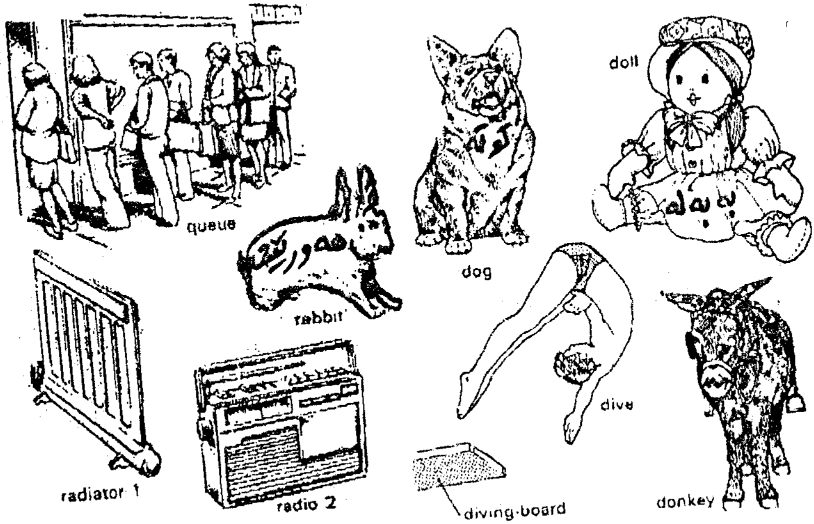
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
frost *n*	فراست	یه‌خه‌شه‌ونم ـ ئاڵشتی	شبنم یخ زده، برفک
		یه‌خه‌کزه، ژێری سفر	هوای یخ بندان
frown [1] *v*	فراون	روه‌پێوره‌دای ـ رووترش کردن	ابرودرهم‌کشیدن،اخم‌کردن
froze *see* **freeze**	فرِئوز	یه‌خ به‌ستن ـ یه‌خ دای	یخ‌زدن
fruit *n*	فرووت	مێوه ـ سه‌مه‌ره‌باخی	میوه‌ـ ثمرـ بار
fry *v*	فرای	سورۆکه‌رده‌ی ـ هێلکه‌ورۆن	نیمرو / با روغن سرخ کردن
		کردن ـ سوورۆکردن	
fuel *n*	فیوال	مه‌وادی سووته‌مه‌نی	سوخت، مواد سوختنی
		مه‌وادی سۆچه‌ری ـ سۆچ	
fulfil *v*	فُل فیل	وه‌عده‌به‌گائه‌وردی	به تعهد خود عمل کردن
		کارچاک ودروست کردن	انجام دادن
full *adj*	فُل	په‌ربر ـ ته‌مام ـ ته‌واو	پُرـفول،سرشارـکاملاً
fully *adv*	فُلی	به‌ته‌واوی ـ به‌ته‌مامی ـ یه‌کجار	کاملاً، به طور کامل
full stop *n*	فُل استاپ	خاڵ ـ نوختێ ـ نوخته	(.) نقطه
fun *n*	فان	خۆشی وسه‌یران ـ وه‌شی	سرگرمی،تفریح،کیف
		خه‌ڵافنای ـ شۆخی	
function [1] *n*	فان کشِن	وه‌زیفه ـ عه‌مه‌ل وپێشه	کار،وظیفه،عمل‌کردن
function [2] *v*	فان کشِن	کارکردن ـ کارکه‌رده‌ی	کارکردن
fund *n*	فاند	وه‌جه ـ ده‌سه‌ڵات	نقدینگی، سرمایه، وجه نقد
		ماڵ وسه‌رمایه	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
funeral *n*	فیوٚنرل	رەسمی بەخاکسپاری مردوو	مراسم تشییع / سوگواری
		دەسووروکەفن ودەفنومەردەی	خاکسپاری
fungus *n*	فان گِس	هەلچی ـ کارگ	قارچ
funnel *n*	فانل	رەحەتی ـلولەسۆبە	قیف ـ دودکش
		دووکەڵ کێش	
funny *adj*	فانی	خوەئەور ـبێ کەنین دار	سرگرم کننده ـ عجیب
		عەجەیو، مەزەدار	خنده‌دار
fur *n*	فِر	تووکن ـپێستی پر موو	پوست‌خز،...مو
		پۆسی تووکدار ـباری زوان	کرک
furious *adj*	فیوریس	ئەیری مەزاج ـدروتوورە	بسیار خشمگین
		توورەوئاگری	برآشفته
furnace *n*	فِرنیس	کۆری ـکۆرە ـتەنوور	کوره ـ تنور
furnish *n*	فِرنیش	بەموبل رازاندن ـموبڵ کاری	مبلمان کردن / ساختن
		کەردەی ـموبڵ کردن	تهیه کردن
furniture *n*	فِرنیچِر	ئەسپاو ـئەسپاپ ـوەسیلە	اثاثیه‌خانه،اسباب‌خانه
further *see* **far**		کەلوو پەل	
fuss [1] *n*	فاس	قالوومقاڵ ـهەراهەرا	جار و جنجال، قیل و قال
		قیژوقاژ	
fuss [2] *v*	فاس	قیچنای ـهەراهەرا کردن	جار و جنجال کردن
		قیژوقاژ کەردەی، جرهاتن	جوش زدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
fusilier *n*	فیوزی‌لِیِر	چه‌کداری تایبه‌تی بۆشه‌ر	تفنگدار
fusillade *n*	فیوزی‌لِید	تیره‌باران-تیرواران-ره‌می	تیرباران - شلیک‌مکرر
fusion *n*	فیوژِن	ئاوبۆ-تاویا-تواو تاویان	گداز - ذوب هم آمیزی
fussy *adj*	فاسی	بۆله‌بۆل-رینگه‌رینگ‌که‌ر	غرولندی، نق نقی - بی‌قرار
future [1] *n*	فیوچِر	داهاتوو-ئاقیبه‌ت-وه‌رئامه، سه‌رئاخری‌کار	سرنوشت، آینده
future [2] *n,adj*	فیوچِر	به‌رهات-پاشه‌رۆژ ئامه‌رۆ	آینده،آتیه،زمان‌آینده
futurity *n*	فیوچِریتی	ئاقیبه‌ت-دواسه‌ر	آخرت - عاقبت
fuzzy *adj*	فازی	کولکین-لوول-ئالـاو قه‌مچیا، توکن	کُرکی - فرّ - وِزوزی
fazzy	فَزی	وه‌زی-گویز-یوزی،گرده‌کان	گردو
fazany	فَزنی	وه‌زه‌نی ماری-پلیانی مار	وارونه شدن مار
fuzzyvine *n*	فازی‌واین	داره‌تری ئالـاو-میوه‌ی قه‌مچیای	درخت‌انگورپیچ‌خورده

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near


square
circle
triangle
rectangle/oblong
oval
cube
sphere
pyramid
cone
cylinder


queue
doll
dog
rabbit
dive
radiator 1
radio 2
diving-board
donkey

G g

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
G *n*	جی ی	پیتی حه وته م له ئه لفبا	حرف هفتم الفبای انگلیسی
G-A-finanical-agent *n,pl*		حیسابداری مالّی	امین اموال (جنسی)
gab *n*	گب	پچه پچ-ژاژوّلّی-راواری	پچ‌پچ-وراجی،گپ زدن
gaiety *n*	گیتی	شادی-خوّشدلّی-شه وق	شادمانی،نشاط
gain *v-n*	گین	به ده ست هیّنان-به ده س ئه وِرده ی	برنده شدن، به دست آوردن
		نزیکوّبیه ی به، خه یر	سود ـ نفع
gale *n*	گیل	توّف-وای سه خت-گه رده لوله	باد شدید/ تندصدای
		تونه با (ته نیایی واردان)	ناگهانی و بلند
gallery *n*	گالِری	پیّشانگا-ئیشانگای هونه ری	نمایشگاه(آثارهنری)،راهرو
gallon *n*	گالِن	جوّره پیّوانه یه ک-جوّریّوه	گالن(واحدسنجش مایعات)
		په یمانه ی ۴/۵ لیتری جه بریتانیا	
gallop [1] *v*	گلپ	چوارنالّو غارنیای-غارکردن	به تاخت رفتن،چهارنعل رفتن
gallop [2] *n*	گلپ	چوارنالّو غار-تیّژوتار	چهار نعل ـ تاخت
		هوّر	
gamble *v*	گمبل	شه رت به ستن-شه رت که رده ی	شرطبندی کردن،قمارکردن
game [1] *n*	گیم	کایه-گه مه-ژلّیو یای	بازی(تابع مقررات)،سرگرمی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
game [2] *n*	گیم	راوەـراوـتاقیگەری ومسابێقە ،شەل	شکار (حیوانات) ـ بازی شل ـ حاضر
gang [1] *n*	گَنگ	گرۆـدەسەـدەستەـکۆمەڵ	جمع، دسته، گروه
gang [2] *v*	گَنگ	دەسەبەندیکردنـگرۆبەندی کەردەی،دابەش کردن	گروه بندی / دسته بندی کردن
gaol *or* jail *n*	جِیل	گەورـبەندیخانەـزیندان گووزڵدان	بند، زندان
garage *n*	گَراژ	گاراجەـجێیماشێنەکان یاگێ ماشینانـوەشکەرگا	گاراژ،تعمیرگاه‌خودرو
garden [1] *n*	گاردن	باخـباغـباخچەـباغچە	باغ،باغچه،پارک
garden [2] *v*	گاردن	باخەوانیکەردەیـباغبەخێوکردن	باغبانی کردن
gardener *n*	گاردنِر	باغەوانـباخەوانـساحێوباخ	باغبان
garment *n*	گارمِنت	جۆرێک لیباس وجل جۆرێوەلیباسـجل وبەرگ	لباس،پوشاک،رخت دستگاه سنجش
gasmeter *n*	گَس‌مِتر	کونتریگازـگازپیو	کنتورگازـگاز
gas *n*	گَس	بۆقـگازـگازیـسووتەمەنی وبنزین	گاز ـ گازسوخت (زغال،...) بنزین ـ دما ـ بخار
gasburner *n*	گَس‌مِتر	اُجاقگازـچراگاز	اجاق گاز
gasp [1] *v*	گاسپ	هەناسەبرکێـهەناسەسواربوون هەناسەبربیەی	نفس نفس زدن تنگ نفس بودن
gasp [2] *n*	گاسپ	هەناسەیسوارـهەناسەبرکێ	نفس بریده / نفس تند وکوتاه

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
gate *n*	گیت	دەرودەروازە-دەرک-بەرە	دروودی(ساختمان...)دروازه
gather *v*	گِزَر	کۆکردن-جەمکەردەی فامای-چنین	جمع کردن ـ فهمیدن
gathering *n*	گِزرینگ	کۆر-گلێروبیەی کۆبوونەوە	گردهمایی- جلسه چین پارچه
gauge [1] *v*	گیج	ئەندازەگرتن-پێمای وئەندازەگرتەی	به دقت اندازه گرفتن
gauge [2] *n*	گیج	پێوان-ئامرازی پیوان وەسیلەوئەندازەگیری	وسیله / دستگاه اندازه گیری پیمانه
gave *see* **give**			
gay *adj*	گِی	شاد-شادومەسروور-کۆک	شاد، بشاش، سرحال
gaze *v*	گیز	عوّدوبەحتبیەی-ناوی‌فکراروین واق‌بوون‌بە	چشم دوختن، خیره نگریستن زُل زدن
gear *n*	گییر	دەندەی ماشێن-وەسیلە ئەسپاب	دنده(وسیله‌نقلیه)ابزار تو دنده‌گذاشتن
geese *see* **goose**			
gem *n*	جِم	بەردی قیمەتی-جواهێر گەوهەری شەوچراغ	جواهر، سنگ قیمتی گوهر
general [1] *adj*	جِنرِل	گشتی-گردی-کۆمەلایەتی، جەمی	همگانی،عمومی-عام
generally *adv*	جِنرِالی	بەتەواوی-بەیەک‌جاری-بەتەمامی	به‌طورکلی،معمولاً-اکثراً
general [2] *n* (عبدالکریم‌قاسم)	جِنرِل	سەرتیپ ـ عامل هێز	فرماندهٔ‌تیپ،سرتیپ،تیمسار

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
generate *v*	چنریت	بەدی هێنان ـ وەش کەردەی	ایجاد/تولیدکردن،زادن
generator *n*	چنریتر	مۆتروبەرقی ـ مۆتری	ژنراتور، موتور برق
		کارەبا	سازنده
generation *n*	چنری شِن	رەگەزونەسڵ،زاین ـ زای	نسل،ایجاد ـ زایش
		پەشتاوپەشت ـ تخم	
generous *adj*	چنرِس	بەخشەندە ـ دەس بڵاو ـ کەریم	بخشنده،کریم،بزرگ
		وکەرەمدار،شەراوی چاک	زیاد
generosity *n*	چنرازیتی	بەخشەندەیی ـ دەس وازی	سخاوت، بخشندگی
genius *n*	جیین یِس	نابێغە ـ مەزگدار ـ خالق	خوش قریحه، نابغه، مبتکر
genus *n*	چِنِس	ومدریک ـ بەهۆش ـ جۆر	جنس ـ نوع ـ طبقه
gentle *adj*	چن تِل	نەجیم ـ عەدەو ـ ماقووڵ	مهربان، آرام، ملایم
		وئارام ـ هێمن وئەمین	نجیب، باگذشت
gently *adv*	چن‌تلی	بەئارامی وهێمنی ـ بەنەرمی	بادقت،باملایمت،آرام‌آرام
gentleman *n*	جن‌تل مِن	پیاوباش ـ پیاوماقوڵ	مردنجیب ـ آقا،جوانمرد
		تەمام پیاوخاس ـ پیاوچاک	لوطی
genuine *adj*	چن یوین	عەسڵ وپاک ـ خالس ـ هەرەقەتی	اصیل،واقعی،حقیقی،معتبر
genuinely *adv*	چن‌یوین‌لی	بەخالسی تەواو ـ بەراستی	واقعاً ـ حقیقتاً
geography *n*	جیاگرفی	جوغرافیا	جغرافی،جغرافیا،گیتاشناسی
geology *n*	جیولِجی	زەوین ناسی ـ زەمین ژناسی	زمین شناسی
	(جیالِ جی)	ئەرزناسی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
geometry *n*	جیامِتری	ئه‌ندازه ـ علمی ئه‌ندازه وپیوان	هندسه
germ *n*	چِرم	میکرۆب ـ زریه‌ت ـ گۆدره‌خت چووزه گیاوگۆپیت که، بنگه	میکروب ـ تخم ـ مبدأ
germinate *v*	چرمینیت	گۆکه‌رده‌ی ـ روان وچووزه‌دان سه‌وزبیه‌ی	روئیدن ـ جوانه‌زدن
germination *n*	چرمی‌نِشن	روا ـ رووه‌ک ـ سه‌وزوخێزای	نمو، رشد، شکفت
gesture [1] *n*	چِس چر	سه‌روده‌س وچاوجمنای وه‌ختو قسان ـ ده‌ستو سه‌ر جواندن له کاتی قسان ـ گاڵێ	ایماء، اشاره ـ ژست
gesture [2] *v*	چِس چر	ئیشاره کردن ـ ئیماو ئیشاره که‌رده‌ی ـ گاڵ گه‌سه‌ی	ایماء و اشاره کردن دست و سرتکان دادن
get *v*	گِت	گرتن (گرته‌ی) ـ یاوای ـ گه‌یین هاتن ـ بیون ـ ده‌س یاوای ـ مه‌جبوربون به‌جێ گه‌یشتن ـ زانین	خریدن، دریافت داشتن/کردن، به‌دست آوردن ـ شدن ـ داشتن، دارابودن ـ واردشدن، رسیدن، آمدن ـ بایستن
ghost *n*	قوست	رۆح ـ گیان ـ تاپۆ ـ سه‌یه	روح، شبح، روح مُرده
ghostly *adj*	قوست لی	رۆح ئاسا ـ وه‌ک رۆح	روح مانند، شبح گونه
giant [1] *n*	جاینت (چی‌نت)	دێو ـ حۆل ـ ده‌عبا غۆل ـ مێردزمه	غول، دیو، حول

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
giant [2] *adj*	جاینت	فره‌وزۆرگه‌وره‌ـفره‌زل به‌شه‌ری ده‌عباـجه‌جاڵ	بزرگ ـ عظیم
giddy *adj*	گیدی	گێجی ـگه‌وج ـبێ فکرمه‌نگ	گیجی،دارای‌فکرکم،خنگ
gift *n*	گیفت	دیاری ـخه‌لات،زه‌وق	هدیه،کادو،سوغات
gigantic *adj*	جای‌گِن‌تیک	زۆرگه‌وره‌وزل ـوه‌ک دێو گه‌وره‌ـفره‌زل	بسیاربزرگ،غول‌پیکر
giggle *v*	گی گِل	به‌قله‌خوای ـچکۆله‌ پێکه‌نین چیرێ که‌رده‌ی، پرێ قه‌ی که‌نین	بی‌موردخندیدن،هرهر خندیدن
gills = gill *n*	جیلس	سێ ئاوی ـئاوشۆشی ـسی ئاو	آبشش ـ برانش
ginger *n*	جین‌جِر	زه‌نجه‌فیڵ ـریشه‌وگیواو وزه‌نجه‌فیڵی (زاڵه‌که‌رگ...)	زنجبل ـ گرد / پودر زنجبیل
giraffe *n*	جیراف	زه‌رافه‌ـجۆره‌حه‌یوانێ درێژ	زرافه
girl *n*	گِرل	کناچێ ـکچ ـکه‌نیشک ـدود	دختر ـ زن‌مُجرّد
give *v*	گیو	به‌که‌سێ به‌خشین ـدای ـدان به‌رگری کردن ـحیساب کردن نامیای ـ ته‌سلیم‌بون	دادن، بخشیدن ـ پرداختن، پرداخت کردن، پول دادن ـ منع شدن، ممنوع کردن/ شدن ـ مجاز نبودن
glad *adj*	گلَد	شاد ـمه‌سروور ـوه‌شحاڵ	خرسند، شاد، خوشحال
gladly *adv*	گلَدلی	به‌وه‌شی ـبه‌مه‌سرووری به‌خۆشییه‌وه‌ ـبه‌بزه‌ی لێو	باخوشحالی، خرسندانه

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
glance [1] *v*	گلانس	نەزەرەی کۆتاوسەی ـ بۆماوەیێ	نظر اجمالی انداختن،
		چاوخستن ـ دزەدیای ـ کەمانە کردن	کمانه کردن
glare [1] *v*	گلِر	تێردیای درۆشان	برق زدن ـ خیره نگریستن
		شەوق خستن ـ شەوق وسەی	چپ‌چپ نگاه کردن
glare [2] *n*	گِلِر	پرشنگی ـ برێقە ـ درۆشیای	درخشندگی، درخشش
		برووسکە و شەوق و بروکیای	چشم غرّه،نور تابناک
glass *n*	گلَس	ئاوخۆری ـ شیشێ ـ شووشە	شیشه ـ لیوان،...گیلاس
glasses *n*	گلَسیز	عەینەک ـ بەرچاو ـ وەرچەم	عینک
gleam=glisten *v*	گلییم ـ گلی‌سن	برووکیای ـ برووکەهاتن	سوسو زدن، نور دادن
		نووری ئارام دان ـ برێقەدان، درۆشیان	برق‌زدن،تابان شدن
gleam *n*	گلییم	برووکە ـ نووری ئارام ـ شەوقەی،	سوسو،نورآنی،نورکم
		بێ تین وکەمە ـ پرشنگ	
glide *v*	گلاید	خزای ـ خزین ـ ئارام لوای	آرام آرام حرکت کردن
		ئارام روین	لغزیدن ـ شرّیدن
glider *n*	گلایدر	سوروەر ـ سوور خۆر	هواپیمای بدون موتور
glimmer *v*	گلی‌مِر	تەیارەی بێ مۆتر ـ درۆشان	سوسو زدن
glimpse [1] *n*	گلیم پس	تەماشای کۆتا ـ تاوەی دیای	نگاه آنی، نظر اجمالی
		کورتە نەزەر ـ چەم وسەی	وتند
glimpse [2] *v*	گلیم پس	بۆ تاوێ روانین ـ یەی تاوەی	نظر اجمالی انداختن
		تەماشا کەردەی ـ چەم وسەی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
glitter *v*	گلیتر	درۆشیای ـدرۆشیان ـبریقه دان	درخشیدن، تلالؤ داشتن
		پرشنگ دای	برق زدن
glitter *n*	گلیتر	بریقه ـدرۆشیا ـپرشنگ	تابناکی، درخشندگی
		برووکه ـ پرشه	تلألو
globe *n*	گلئوب	پسه بیل ـقوڵ ـخریی	کُره زمین ـ گوی، کُره
		خرک ـگرۆڵی ـ بلق	
gloom *n*	گلووم	لیّڵی ـتاریکی ـدڵته نگی	تیرگی ـ افسردگی
gloomy *adj*	گلوومی	کزوخه مناک ـغه مبار	افسرده، غم افزا
		دڵته نگ که ر،لیّڵی	کم نوری
glory *n*	گلئوری	ئفتخار ـگه وره یی وجه لال	جلال، افتخار، فخر
		سه ربه رزی ـئابروو ـشۆره ت	عزت
glorious *adj*	گلئوریِس	شۆره تی ـزۆرباش ـبه فه ر	باشکوه ـ خیلی خوب
		وشکۆ ـزۆرچاک	عالی
glove *n*	گلاو	جووتێ ده ستکێش ـجفته ی	(یک‌جفت)دستکش(بوکس)
		ده سکێشێ	
glow [1] *v*	گلئو (گِلو)	شه وق هاوێشتن ـشه وق و	تاباندن، نگاه گرم انداختن
		نووروسه ی ـته واشابه شه وق کردن	نور دادن
glow [2] *n*	گلئو (گِلو)	شه وقه نوور ـپرشنگ دار	تابش،برافروختگی،شرم
glow worm *n*	گلووِم	شه وق ورۆشنا، ئه یره قولێ	نوردهی‌ـکرم‌شبتاب

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
glue [1] *n*	گلوو	چەسپ ـ سرێشە ـ سرێش، گلوێز	چسب، سریش
glue [2] *v*	گلوو	بەچەسپ لکاندن ـ لکنای بەچەسپ	با چسب چسباندن
gnaw *v*	گنۆنۆ	ژاوای ـ هەجوین ـ قەپ گرتەی (گرتن)، دارزیان	گاز زدن، جویدن فرسوده شدن
go *v*	گۆ	لوای ـ رووین ـ رۆیشتن کارکردن	حرکت/کردن،رفتن،شدن
go [2] *n(Try)*	گۆ	کۆشش ـ هەوڵ ـ تەقالا، مناسب	تلاش، سعی،موفقیت
goal *n*	گۆل	هەدەف و ئاوات ـ دەروازە لەکایەی تۆپی پێ	دروازه (در بازی فوتبال) گول ـ هدف ـ امتیاز
goat *n*	گۆت(گئوت)	گدێ ـ پەز ـ بزن ـ بزە	بز
god *n*	گاد	خودا ـ خوا ـ خۆدا ـ هۆرمز	خدا، الله
goad	گئود	یەزان ـ هۆرە ـ هۆ، نەقیزە	مهمیز،سُک،چوب‌سرتیز
goddess *n*	گادیس	ئیلاهە ـ هۆرمزیار ـ خودای تایبەت وەک خودای ئاو ـ ژنی چاک	ربه النوع، الهه‌زن زن بسیار زیبا
gold *v*	گولد	زێر ـ تڵا ـ تەلا	طلا،طلایی‌رنگ،زر
golden *adj*	گولدِن	تڵایی ـ تڵەین	طلایی‌رنگ
golden touch *n*	گولدن تاچ	هێزی خیاڵی کە توانیویەهەر چتێ بکاتە تڵا ـ قوەو تڵاکەری	نیرویی افسانه‌ای که با لمس چیزی آن شیء به طلا تبدیل می‌گردد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
golf *n*	گالف-گلف (گولف)	جۆرەوەرزشێ-گەمێوە بەتۆپەوچۆ	**گلف، بازی گلف**
gong *n*	گانگ	جۆرێوەزەنگیگەورە(ناقووس)	**گنگ (ورقه آهنی)**
good [1] *adj*	گُد	باش-چاک-خاس-بەجێ وەش - زۆر	**نیک، نیکو - مفید، خوب، مناسب - مؤدب - خوش**
good [2] *n*	گُد	درۆس-خاس-بەسوود،چاکی	**مفید،صحیح،نیکی**
goodness *n*	گُدنِس	باشی-شیرین‌زوانی-چاکە	**خوبی، مهربانی**
goods *pl, n*	گُدِز	بار-کەلوپەل-چت،ماڵ	**کالا،جنس،بار،محموله**
goose *n*	گووس	غاز-غازی	**غاز،آدم لوس**
gorgeous *adj*	گورجِس	ئەوەرازنا-بەنازوتەدارەک جوان‌ورازاوە،دڵ‌رفێن	**زیبا، لذت بخش مجلل**
gorilla *n*	گِریلِ (گوریل)	جۆرێوەمەیموون-جۆرە مەیموونێ-گۆریل	**گوریل،نوعی میمون بی‌دُم**
gossip [1] *n*	گاسیپ	بەدگۆیی-شات‌وشووت-زەم چاو	**بدگویی، غیبت - بدگو، سخن چین،خبرچین،شایعه**
gossip [2] *v*	گاسیپ	چاوداخستن-بەدگۆیی کەردەی-زەم‌کردن	**بدگویی / غیبت کردن**
got *see* **get**			
gourd *n*	گورد	کوولەکە-کوولەکێ-کوولەکە خانمانێ(قلیانی)	**کدو، کدو حلوایی بطری کدویی**

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
govern *v*	گاوِرن	حکوومەتکردن-چاودێریکردن	حکومت / کنترل کردن
		چەمداریکەردەی	فرمانروایی کردن
government *n*	گاوِرن مِنت	حکوومەت ـ دەڵوەت	حکومت،دولت،کنترل
		دەوڵەت،حکمرانی	تسلط
governor *n*	گاوِرنِر	فەرماندار-والی-ئوستاندار	حاکم،فرماندار،استاندار
gown *n*	گوُن	لیباسێ درێژێ ژەنان	لباس شب ـ لباس کار
		جلولیباسیشەو-دەرەدامانی،مانتۆ	مانتو، روپوش
grab *v*	گرَب	رفانای-رفاندن-چنگ لێدان	چنگ زدن، قاپیدن
grace *n*	گِریس	فەیزووەش نیەتی-نتموەوقار	موزون-دعا،ظرافت
graceful *adj*	گِریس فول	جوان-نتموسەنگین	زیبا،موزون،دلربا
		خۆشبەژن،زەریف	رعنا
gracefully *adv*	گِریس فولی	بەدڵ کێشی-بەوەقارو	بادلربایی، باوقار
		سەنگینی	
gracious *adj*	گِری شِز	چاکودڵسۆز-محیبەتدار	مهربان،مطلوب،بزرگوار
		خەیرخوا، نتم	
grade [1] *n*	گِرید	دەرەجە-ئەندازە-جۆر	اندازه،درجه،نوع
		روتبە-کلاس-نۆع،نمرە	پایه، نمره
grade [2] *v*	گِرید	رزچنین-جیاوەکەردەی	طبقه بندی کردن
		قاتوتەبەقەبەندیکردن	نمره دادن

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
gradual *adv*	گرَجُوال	ورده‌ورده‌ـکه‌م‌که‌م‌ـملایم	تدریجی،کم‌کم
gradually *adv*	گرَجُوالی	که‌م‌که‌م‌ـبه‌ئارامی‌ـبه‌ئه‌هوه‌ند	به‌تدریج،رفته‌رفته
graduate [1] *v*	گرَجُوِا یت	ده‌رس‌دواهاوردن‌ـده‌رس ته‌مام‌که‌رده‌ی	فارغ التحصیل شدن
graduate [2] *n*	گرَجوِا یت	ده‌رس‌ته‌مام‌که‌رده‌ـده‌رس دواهاوردن	فارغ‌التحصیل،پایان‌تحصیل
grain *n*	گِرِین	دنکه‌ـخه‌له‌ـبۆڵه‌ـتۆزێک	غله،دانه، حبه ـ ذرّه
gram *or* **gramme** *n*		گره‌م‌ـئامرازی‌کێشانه‌کردن ئایره‌وهۆرسره‌نگناوکێشانه‌ی	شالی،دانه شکر و نمک گرم(واحد وزن)
grammar *n*	گرامِر	ڕێی‌فێربوونی‌زمان راوفێربیه‌وزوانی	گرامر، دستور زبان صرف ونحو
gramophone *n*	گرَمِفتون(فِون)	ده‌زگاوئاشکراکه‌رده‌وشه پۆلێ‌ده‌نگی‌ـگرام‌وئاشکرا که‌ری‌ده‌نگ‌ـده‌نگ‌گیر	گرامافون، گرام
grand *adj*	گرَند	سه‌ربه‌فه‌ر‌ـگه‌وره‌وپرشکۆ	بزرگ‌ومجلل،برجسته
grandchild *n*	گرَند چیلد	ئه‌ولادی‌ئه‌ولاد‌ـکوره‌زا کچه‌زا	نوه(نریاماده)نبیره
granddaughter *n*	گرَند داتِر	کناچه‌زا‌ـکچه‌زا‌ـدودزا	نوه دختری
grandfather *n*	گرَند فادِر	باوکه‌گه‌وره‌ـبابه‌گه‌وره	پدربزرگ‌ـنیاـجد

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
grandmother *n*	گرَندمادِر	ئەداگەورێ ـدایکەگەورە ئەدالێ	مادربزرگـجده
grandson *v*	گرَندسان	کورەزا	نوه پسری
grant [1] *v*	گرانت	بەخشای ـ بەخشین	اعطاء کردن، بخشیدن
grant [2] *n*	گرانت	قەبوڵ کردن، خەلات	پذیرفتن،اهدلـاعطا
grape *n*	گریپ	هەنگوورـهاڵێ ـهەنگووری ـترێ	انگورـحبه
grapefruit *n*	گریپ فرووت	مێویوەپسەپرتەقاڵی گەورەی ـجۆرێک پرتەقاڵی ناوسوورو گەورە	گریپ فروت ـ دارابی
graph *n*	گراف	هێڵی نواندن ـکەوان نیشانێ خەتی یە	نمودار،طرح خطی منحنی
graph - paper *n*	گراف پیپر	کاغەزی شەترەنجی	کاغذ شطرنجی
grasp *v*	گرَسپ	فامای ـتوندگرتن ـتندگرتەی ـفامین	محکم گرفتن ـ فهمیدن
grass *n*	گرَس	چیمەن ـسەوزایی ـگیاـگیواو ـئاڵف	علف،سبزه،مرغزار
grassy *adj*	گرَسی	چیمەنزارـسەوزەزار،گزرە	علفزار،سبزه‌زار،پرعلف
grasshopper *n*	گرس هاپر	کوللە ـ قولمە	ملخ
grate [1] *n*	گریت	سۆبەی دلێ دیواری، ئاگرداز	شبکه‌آهنی‌شومینه،منقل
grate [2] *v*	گریت	رەندە کەردەی ـساوای بەیەک ماڵین	ساییدن،رنده کردن آزردن
grateful *adj*	گریت فول	سپاس کەری ـماڵ ئاوایی قەدرشناسی	ممنون، سپاسگزار

h how · m man · n no · ŋ sing · l leg · r red · J yes · w wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
gratefully *adv*	گریتفولی	بەقەدرشناسی-بەماڵ ئاوایی	قدرشناسانه
gratitude *n*	گرَتی‌تیود	هەق شناسی-قەدرزانی وەفاداری	قدرشناسی، حق شناسی
grave [1] *n*	گریو	قەورە-گۆڕ-زیارەت-قەبر	قبر،گور-مهم-وخیم
grave [2] *adj*	گریو	سەخت وخەتەر-موهێم	خطرناک-حیاتی
gravely *adv*	گریولی	بەسەختی-بەناڵەباری	به طور وخیم / جدی
gravel *v*	گرَول	ڕیزی-ڕیخ-پیچەکێ بەردەوردە	شن،سنگریزه،ریگ
gravity *n*	گرَویتی	هێزی کێشانی ئەرز-قوە وکێشاوزەمینی-قوەی لووشان	ثقل زمین، جاذبهٔ زمین وقار - وزن
graze [1] *v*	گریز	لەوەڕاندن-لۆرنای،زامداربون هۆرکلاشای-قرنجیای	چراندن - خراش برداشتن
graze [2] *n*	گریز	هۆرکلاش-لوەرزریای ئالۆش،زامداری	خراش،زخم سطحی
grease [1] *n*	گرییس	ڕۆن-ڕوەن-چەوری،دمە	گریس،روغن،چربی،پیه
grease [2] *v*	گرییس	ڕۆن لێدان-ڕوەنکەردەی(کردن)	روغن زدن، گریس زدن
greasy *adj*	گرییسی	ڕوەنی-ڕۆنی-چەور	گریسی، روغنی
great *adj*	گریت	گەورە-موهێم-ماقووڵ-زل	بزرگ، عظیم، کبیر، مهم
great-grandchild *adj*	گریت‌گرَند چیلد	کورەزا-کچەزا(گەورەتر)	نوه دختری / پسری (بزرگترین فرزند)

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
great -	گریت‌گرند	داپیر-باپیر-جان‌وبن‌جان	جد، جده، پدر
grandparent *n*	پاریت	بابی‌باپیر-بابه-ئاگه‌وری	مادربزرگ
greed *n*	پارنت	ته‌ماعه - ته‌ماع	طمع، آز، حرص
greedy *adj*	گرییدی	ته‌ماعی - ته‌ماع‌دار	حریس،آزمند،شکم‌پرست
green *adj,n*	گرین	سه‌وز-ره‌نگی‌سه‌وز-کاڵ	سبز،رنگ‌سبز،نرسیده
greenhouse *n*	گرین هاوس	یانه‌وگوڵـان-گوڵخانه ماڵه‌گوڵ	گلخانه،گرمخانه
greet *v*	گریت	سلام‌که‌رده‌ی-وه‌خێروتن خه‌یرئامه‌که‌رده‌ی	خوشامدگفتن، درودگفتن سلام کردن
greeting *n*	گری تینگ	سڵـام-رۆژباش-به‌خێر خه‌یرئامه‌وتن	سلام، درود، تهنیت
grew *see* **grow**	گرئو	سه‌وزبون	سبز شدن
grey *adj,n*	گری	ره‌نگی‌بووڵین-بۆر-ره‌نگی‌مێشی	(رنگ) خاکستری
grief *n*	گریف	خه‌فه‌ت-خه‌م-غه‌م-گرفت	اندوه،غم،غصه،ماتم
grin [1] *v*	گرین	چیرۆکه‌رده‌ی-زه‌رده‌خه‌نده کردن-به‌تانه‌پێکه‌نین	نیش واکردن، پوزخند زدن
grin [2] *n*	گرین	ده‌م‌داچه‌قان-چیرێ-خوه‌ی تانه‌دار-پێکه‌نینی‌تانه‌دار	پوزخند،تبسم،لبخند
grind *v*	گرایند	ئاردکردن-هارین-به‌ئاش وئاساوهارای	آرد کردن، آسیاب کردن
grip [1] *n*	گریپ	تندگرته‌ی-توندگرتن-پۆره‌لکپای	محکم گرفتن، چسبیدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
grip [2] *n*	گریپ	وێلکنا ـ گیر ـ چنگەماشێ خولکانبە	دستگیره ـ دسته ـ قبضه
groan *n*	گرون	گرەوەوهاوارکەردەی ناڵەوگریانکردنلەدەرد	فریادزدن ـ نالیدن
groan *v*	گرون	هاوار ـ ناڵە ـ گرەوە ـ شین ورۆ ـ رۆرۆ، وەیرو	ناله، شکوه، فریاد
grocer *n*	گرویسر	دووکاندار ـ هەمووچتفرۆش هەمەچیزەورەش، بنەکدار	خواربار فروش، بقال
groceries	گرویسریس	هەمەچیزە ـ چێوەدوکان چتوجنسیدووکان	خواربار، جنس
grocery *n*	گرویسری	دوکاندار ـ چتفرۆش چێوورەش	خواربارفروشی،بقالی
groove *n*	گروو	کنراو ـ کەرتە ـ شیو ـ گۆلە خەت ـ گرنج ـ برگە	شیار،خط،گودی،بریل
ground [1] *n*	گرَوند	زەوی وخاک ـ زەمین ـ یاگی جێ	زمین(سطح زمین) مطلب ـ رشته
ground [2] *see* grind	گرَوندس	دەوروبەری ماڵ ـ چواردە ورویانەی، حەوش	محوطه بیرون ساختمان حیاط
groundnut *n*	گرَوندنات	بادەمەزەمینیە ـ بادەم زەوینی ـ وامهندی	بادام زمینی

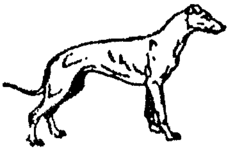
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
group *n*	گرووپ	دەسە-گرۆ-کۆمەڵ-تاقمەی	دسته، گروه، جمعیت
grow *v*	گرِو (گرِئو)	گەورەبیەی-سەوزبیەی	رشدکردن ـ سبزشدن
		سەوزبوون	بزرگ شدن
grown - up *adj,n*	گرئون آپ	عازەو-عەزەب-باڵق	بزرگسال، بالغ
		گەورە	
growth *n*	گرِئوس	رواوهەڵسان-بەرئامە	رشد،نمو،رویش-ترقی
		سەوزبیە،خێزیای	
growl *v*	گرَول	مرخنای-مرخاندن-پرخنای	خرناس / غرغر کردن
		پرخاندن،مرنای-مراندن	
growl *n*	گرَول	مرخە - پرخە،مرە	غرغر،خرناس،غُرش
grubby *adj*	گرابی	گەروکرمەژن-چڵکی وناتەمیس	کثیف، نامرتب
grumble *v*	گرامبِل	ناڵین-ناڵنای-کروزیای بۆڵە	ناله/گله کردن،غرزدن
grumpy *adj*	گرامپی	بەدخۆ-مۆقن-ئیرادگر	اخمو،ترشرو،بهانه گیر
		قەپۆزن،بۆڵەبۆڵ کەر	
grumpily *adv*	گرامپیلی	بەترشروویی-بەبەدخۆیی	باترشرویی،باعبوسی
		بەعەبووسی-روترشی	
grunt *v*	گرانت	دەنگویەکانەی بەرئەوردەی	صدای خوک در آوردن
		دەنگی خووگ دەرهاوردن (مشە)	خرناس کردن
grunt *n*	گرانت	دەنگویەکانەی-دەنگی بەرز	صدای خوک
guarantee [1] *n*	گرَنتی	قەوڵ و پەیمان-پابەند،بڵێن	ضمانت،تعهد،قول،تضمین

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
guarantee [2] *v*	گرَنتی	قه‌ول دان-پابه‌ندبوون قه‌وڵ دای-قه‌رار دان	ضمانت / قول دادن
guard [1] *v*	گارد	پاسه‌وانی کردن-هۆشیاربیه‌ی چه‌م داری که‌رده‌ی	نگهبانی کردن / دادن
guard [2] *n*	گارد	چه‌م داری- پاسه‌وانی هۆشیاری	نگهبان، پاسدار ـ نگهبانی
guardian *n*	گاردیِن	سه‌رپه‌رس-ساحێب-چاودێر پاسه‌وان	سرپرست، قیم، ولی مدافع
guava *n*	گواو	جۆری مێوه-نۆعێوه مێوه	گواو (نوعی میوه)
guerilla *n*	گریلِی	شه‌ری چریکی-جه‌نگی پێش مه‌رگه‌یی ئاسا، چه‌ته‌گه‌ری	چریک، پارتیزان جنگجوی غیرنظامی
guess [1] *v*	گِس	زه‌ندوگومانه‌به‌رده‌ی گومان بردن، مه‌رج کردن	حدس زدن، گمان بردن
guess [2] *n*	گِس	گومانه-زه‌نده-گومان-باور	حدس،گمان،فرض
guest *n*	گِست	مێوان-مێمان	مهمان،مشتری،هُتل و...
guide [1] *v*	گاید	رێنموونی کردن-رێنموونی	ارشاد/راهنمایی/رهبری کردن
guild *n*	گیلد	که‌رده‌ی-جه‌م گه-یه‌کیه‌تی	انجمن،اتحادیه‌صنفی
guide [2] *n*	گاید	رابه‌ر-سه‌رده‌سه-رانموون	راهنما،رهبر،کتاب‌راهنما
guidance *n*	گایدِنس	یاری-یارمه‌تی-رێنموونی	راهنمایی،کمک،ارشاد
guilt *n*	گیلت	گوناعه-خه‌تا-تاوان	گناه،تقصیر،جرم،بزه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
guilty *adj*	گیلتی	تاوانبار-خەتاکەر	مقصر،مجرم،گناهکار
guitar *n*	گیتار	جۆرەسازێ لەموسیقا سازیوە	گیتار (نوعی ساز زهی)
gulf *n*	گالف-گولف	کەنداو-ئاوکەنە-شاخاوە	خلیج،شاخاب،خور
gulp [1] *v*	گالپ	قووت دای-قووت دان	قورت دادن، بلعیدن
gulp [2] *n*	گالپ	قووتە-قووت-گوڵپ	قورت،بلع،جرعه
gum *n*	گام	ویژەن-جاچکە-چەسپ هاروەبنێشت	چسب - لثه (دندان) انگم - صمغ
gun *n(son of a gun* تخم‌سگ)	گان	چەک-تفەنگ-سیلاح	تفنگ - تپانچه
gust *n*	گاست	رەشەبا-تۆف-وای زلان	تند باد، باد شدید
gutter *n*	گاتِر	پلوورە-ئاوبەر-ئاورەوکیە،جۆ	آبراهه،آبرو،ناودان
gymnastics *n*	جیم نَستیک	جۆریوەوەرزش	ژیمناستیک
gym *n*	جیم	کورتەی ژیمناستیک	مخفف gymnastics
gyrate *vt*	جای رِیت	دەوروودای-چەرخ خواردن گەران - گەریان	دوران‌کردن - چرخ زدن
gyves *n,pl*	جایوز	زەنجیر-زرێ ئاسنینە	زنجیر
gysiay *v*	گیسیای	داگیرسان-گیسیای	روشن شدن
gyza *n*	گیزە	دەنگی سەماوەر-خاکە	صدای پشه - سماور
gyfa *n*	گیفە	گیفە - گفە	صدای‌عبورسنگ‌ازکنارگوش
gyroda	گیرودە	گیرۆدە-گیروکێش	گرفتار شدن
gyroscoope *n*	جیروسکوپ	قولـایی پیو	ژیروسکوب - ترازنما



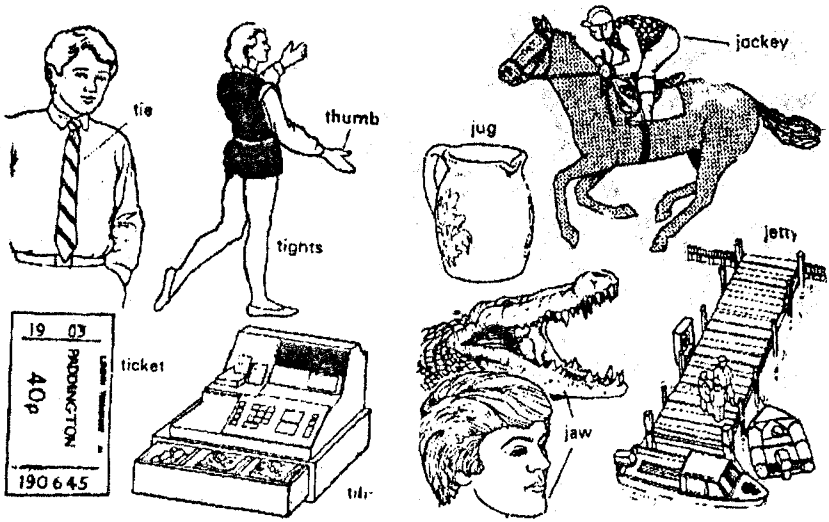
GLOBE ARTICHOKE



GREYHOUND



GIRAFFE





هرمز پنجم



فرهاد پنجم
۲ ق ـ م



ملکه موزا
(دو – ق – م)



اردوان سوم. ۵۶ ق ـ م

H h

English انگلیسی	Pronounciation تلفظ	Kurdish کُردی	Persian فارسی
H *n*	ایچ	هه‌شته‌مین پیتی ئه‌لفبا	هشتمین حرف الفبای انگلیسی
Ha *int*	ها	ها ـ به‌لّێ	ها ـ وه
haberdasher *n*	هابرداشِر	فرۆشه‌ری وه‌سایلی لیباس	خرازی فروش
haberdashery *n*	هابرداشِری	دووکانی ئه‌سپابی جل و لیباس	خرازی
habit *n*	هَبیت	خولق ـ حالّه‌ت ـ ته‌بیّعه‌ت	عادت،خوی،سرشت
had *v*	هُد	ویه‌رده‌ی *have* ـ بوی ـ بیّش خوارد	گذشته فعل *have* (داشتن)
hag *n*	هَج	پیره‌ژه‌نی بێ‌فه‌ره ـ پیره زاڵی ناشرین و چرچ	پیرزن بدجنس ـ عفریته
hail [1] *n*	هیل	توه‌رگێ ـ ته‌رزه ـ ته‌وه‌رگ بارین	تگرگ،خوشامدگفت
hailstone *n*	هیل استون	دانه‌و توه‌رگێ ـ دنکی ته‌وه‌رگ	دانه تگرگ
hail [2] *v*	هیل	توه‌رگ‌وه‌شته‌ی ـ ته‌وه‌رگ بارین	تگرگ باریدن
hair *n*	هِر	موو ـ تووک ـ تاڵه‌موو ـ زڵف	موی (انسان / حیوان) تار مو ـ زلف
hairdresser *n*	هِردرِسِر	سه‌ره‌تاش ـ سه‌رتاش	پیرایشگر،سلمانی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
half *n*	هاف	نیوه ـ نیمه ـ لت ـ له‌ت	نصف،نیم،نیمه،نصفه
hall *n*	هُل	دالـان ـ جه‌م خانه ـ سالۆن	سالن ـ تالار، دالان، کُریدور
halt ¹ *v*	هُلت	گیردان ـ مندرنای ـ وێسان	ایست دادن / کردن
halt ² *n*	هُلت	گیر ـ مندرنا ـ وێسان، ماتلی	توقف،ایست،مکث
halter *n*	هئولتِر	راوه‌ستان، مه‌مه‌گر	پستان‌بند ـ افسار
halve *v*	هاو	لەت کردن ـ نیمه‌که‌رده، کوز	دونیم کردن، نصف کردن
ham *n*	هَم	قاورمه‌ورانو خوگی ـ ژامبۆن	ژامبون
hamburger *n*	هَمبرگِر	هه‌مبرگر ـ جۆرێوه کفتێ	همبرگر،گوشت‌گاوچرخ‌شده
hammer ¹ *n*	هامِر	چه‌کوش ـ مێکوت	چکش
hammer ² *v*	هامِر	چه‌کوش شنه‌ی ـ چه‌کوش کاری کردن	چکش کاری کردن
hand ¹ *n*	هَند	ده‌ست ـ ده‌س ـ ده‌سته‌ی کاتژمێر ئه‌قره‌وه، لا ـ بار ـ هێز	دست ـ عقربه ساعت، جهت، نیرو
handbag *n*	هَندبَگ	کیفی ژه‌نانه ـ کیفی ژنانه	کیف دستی (خانمها)
handful *n*	هَندفُل	مشتێ ـ مشته‌ی، بره‌ی	به‌اندازه‌یک‌مشت،معدودی
handwriting *n*	هَندرایتینگ	ده‌س خه‌ت ـ ده‌س نویس	خط، دست خط
handy *adj*	هَندی	نزیک ـ جه نزیک ـ له پاڵ ده‌س	نزدیک،دردسترس،آسان
hand ² *v*	هَند	به‌دس دان ـ به‌ده‌س دای	بادست‌دادن(جایزه)ردکردن
handicap ¹ *n*	هَندی کَپ	گیروگرفت ـ به‌رگر ـ وه‌رگیر	مانع،مشکل،نقص،فُرجه
handicap ² *v*	هَندی کَپ	وه‌رگرته‌ی ـ به‌رگرتن	مانع شدن / بودن
handkerchief *n*	هَنگ‌کِرچیف	ده‌سه‌ر ـ ده‌سماڵ	دستمال
handle ¹ *n*	هَندِل	ده‌سه ـ ده‌سته‌بۆ ده‌روته‌ور	دسته(درکیف،تبر،...)دسته‌در
handle ² *v*	هَندِل	به‌خێوکردن ـ عه‌داره‌که‌رده‌ی	استفاده / اداره کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
handlebar *n*	هَندِل بارس	فەرمانی دووچەرخە	دسته دوچرخه
		دەسەودووچەرخەی	
handsome *adj*	هَندسام(یسم)	زەریف-خۆجوان-نمەکین	خوشگل،خوش‌تیپ
hang *v*	هَنگ	هەڵواستن-ئاڵۆچنای	آویختن - دارزدن - ماندن
		سێدارەدای، دالکاندن	به دیوارزدن(عکس)
hanger *n*	هَنگِر	چۆلیباسی-لیباس‌گیر،قولاو	آویز،جالباسی،قُلاب
happen *v*	هَپِن	روودان-رووەدای-بەسەرهاتن	اتفاق افتادن، رخ دادن
happening *n*	هَپِنینگ	بەسەرهات-روودانەوە	رویداد،حادثه،پیشامد
		رووداو-قۆمیای	
happy *adj*	هَپی	دڵ‌فەرێح-دڵشاد-وەشحاڵ	خوشحال،خرسند،شاد
		رازی، مەسروور	فرخنده
happily *adv*	هَپیلی	بەوەشی-بەخۆشی‌وکەیف	باخوشحالی،شادی
happiness *n*	هَپی نِس	وەشحاڵی-لەخۆرازی	خوشبختانه،خرسندی
harbour *n*	هاربر	دەلیاشار-شاری‌گۆی‌ی‌ئاو	بندر،لنگرگاه‌کشتی
hard [1] *adj*	هارد (هاد)	رەق-سەخت-رووش	سخت، سفت - مشکل
hard [2] *adv*	هارد (هاد)	رووشایی-یەکجارسەخت	قاطع - خشن
harden *v*	هاردن	تندۆبیەی-سفت‌کردن	سفت / سخت شدن
hardly *adi*	هاردلی	بەسەختی-کەم-جاروبار	به‌ندرت، به‌سختی
hare *n*	هِر	هەورێشە-کەروێشک-خەروش	خرگوش وحشی
harridan *n*	هارِیدِن	پیرەژەنی‌جاش‌پەروەر	پیرزن‌زشت - فاحشه‌از
		پیرەژنەچرچە	کار افتاده

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
harm [1] *n*	هارم (هام)	زەرەر-ماڵ وێرانی عەزیەت-لەتمە	صدمە،خسارت،گزند
harmful *adj*	هارم فول	خراو-بێ سود-زەرەرئەور نالەبار	بدەزیان آور،مضر،موذی
harmless *adj*	هارم لِس	بێ زەرەر-بێ ئاشۆ ناخراو	بی ضرر، بی زیان بی‌آزار
harm [2] *v*	هارم (هام)	مزاحم بیەی-لەتمەدای زەرەردان	مزاحم شدن، صدمە زدن
harsh *adj*	هاش (هارش)	زورزرو-ناکلۆکار،ناجۆر توورە-مۆقن-قەلز	نامطبوع، خشن گوشخراش
harshly *adv*	هاشلی	بەتوورەیی-بەتوندی	با خشونت، با تندی
harvest [1] *n*	هاویست	فەسلەودرەوی-وەختی خەرمان ودرەو	فصل‌درو/برداشت،خرمن محصول
harvest [2] *v*	هاویست	کۆکەن-سەمەرجەم کردن باخ تەکنای،خەرمان کوتان	محصول جمع کردن درو کردن
has *v*	هَز	وشەی تایبەت بۆ It,he,she	کلمە انگلیسی از مشتقات have کە با it,she,It,he بە کار میرود
haste *n*	هِیست	پەلە-تاو-هۆرپڕای جە-توندی	عجلە،سرعت،شتاب
hasty *adj*	هِیستی	تند-توند-تاودریا-تێژ	شتابزدە، تند، فوری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hastily *adv*	هیستیلی	بە توندو تیژ ـ بە تاو ـ جابەجا	فوراً،شتابان،باعجله
hat *n*	هَت	کڵاو ـ کڵاوە	کلاه
hatch [1] *v*	هَچ	هۆر تۆقای ـ هێڵە هۆر	ازتخم درآمدن،روی تخم
		ئامەی ـ جووڵک درهاتن	خوابیدن ـ طرح ریختن
hatch [2] *n*	هَچ	وڵە ـ کون ـ رۆچن	روزنه، دریچه
hate *v*	هیت	قین وەنە ئامەی ـ رق لێ هاتن	متنفر بودن، نفرت داشتن
		زیلۆ شێویای جە	بدآمدن از
hatred *n*	هیترید	رق لە ـ دوری جە ـ قین لە ـ بێزاری	نفرت،کینه،بیزاری،تنفر
haul *v*	هُل	کێشای ـ کێش کردن	کشیدن (جسمی سنگین)
		کێش کەردەی	حمل ویدک کردن
haunt *v*	هُنت	ئامووڵوا کەردەی ـ بینینی	(در مورد ارواح) دیدن
		رۆحوو دیو	پاتوق کردن
have [1] *(aux),v*	هُو	خواردن ـ واردەی ـ بون	زمان حال *have* (داشتن)

مفرد			جمع		
I have	دارم	هەمە،هەنم	We have	داریم	هەمانە،هەنمان
You have	داری	هەتە،هەنت	You have	دارید	هەتانە،هەنتان
He/she/It has	دارد	هەیەتی،هەنش	They have	دارند	هەیانە،هەنشان

had *aux,v*	هَد	وشەی رابوردووی *have*	زمــان گــذشته فـعل *have*
having *(To)*	هَوینگ	بیەی ـ بون	(داشتن) وجه وصفی حال

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
have got to *v*	هَف تو	مەجبووربیەی۔ناعەلاج بیەی	مجبور بودن، بایستن
		مەشیای۔ئەبوای۔دەبا	
have[2] *v*	هَف	دارابوون۔بیەی۔بین	داشتن،دارابودن،بچه‌دارشدن
have got	هُوگات	وشەی باتی (بەجێی) *have*	به جای *have* به کار می‌رود
hawk *n*	هُک	هەڵۆ۔باز۔ترلان۔واشە	شاهین، باز، قوش
hay *n*	هِی	گزرە۔گیای وشک۔یۆنجێ	علف خشک، یونجه
		وێنجە،کا ۔ سمەری	کاه
hazard *n*	هَزِد	مەترسی۔خەتەر،شانس	خطر،قُمار،بخت،اقبال
hazardous *adj*	هَزِدِس	مەترسی دار۔پرخەتەر	خطرناک ـ اتفاقی
haze *n*	هیز	مژ۔تەمەـتەم،ماتێ	مِه‌کم،غبار۔ابهام
hazy *adj*	هیزی	مژدار۔تەم دار	مه آلود، مه گرفته
he *pron*	هی	ئەو۔ئادـ(زەمیربۆنێر)ئانە	او (ضمیر مذکر)
head[1] *n*	هِد	سەرە۔ سەر۔ رەیس	فهم ـ سر ـ رئیس ـ جلو
		بەر ـ بان،گەورە	ذهن، مدیر
		وەر ـ فام وهۆش	بالا ـ عمده
headache *n*	هِدایک	سەرئێشە ـ سەرژان	سردرد
heading *n*	هِدینگ	عینوان۔سەرەتا۔سەرپەر	عنوان،سرصفحه،سرتیتر
headlight *n*	هِدلایت	چرای بەری ماشێن۔چراوەو	چراغ جلوی اتومبیل
		وەروماشینی	وقه‌تار
headline *n*	هِدلاین	چاودێر۔چەمگیر۔عینوان	تیتر(روزنامه)،عنوان،مقاله
headmaster *n*	هِدماستِر	مودیر۔ سەرپرس	مدیر،رییس‌مدرسه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
headmistress *n*	هِدمیسترِس	مودیری ژن-دایان-ئوساژەن	مدیره(مدرسه)زن مُدیر
head [2] *v*	هِد	جەسەرۆبیەی-لەبەرۆبون	پیشاپیش/جلو/درراس گروه‌بودن،
		پێشەوابون	دربالاقرارگرفتن-باسرزدن
headquarters *n*	هِدکواتِرز	دەفتەری ناوەندی-دەفتەرێ	دفترمرکزی،ستاد
		دلێ راسەی،بنکەی ناوەندی	مرکز فرماندهی
heal *v*	هیل	شەفاگرتەی-خاسۆبیەی	معالجه شدن، شـفا / بـهبود
		عەلاج بوون-چاکۆبون	یافتن
health *n*	هِلس (ت)	ساغی لەش-سڵامەتی	تندرستی،بهداشت،سلامتی
healthy *adj*	هِلستی(تی)هِلتی	بەهێز-سلامەت-لەش ساق	تندرست،نیرومند،سالم
heap [1] *n*	هیپ	گرۆرە-کۆما-تەپ	توده،انبوه،کومه
		لێژینە،بارگە،ملۆ	
heap [2] *v*	هیپ	پرکردن-گواڵە گرتەی	انباشتن، پرکردن
		پەرکەردەی-تەپاندن	
hear *v*	هیِر	ئەژنەویەی-بیستن-ژنەوتن	شنیدن،باخبرشدن،رسیدگی
hearing *n*	هیرینگ	هێزی بیستن-ئەژنەوای	شنوایی، قوه شنوایی
		ژنەوتی	
heart *n*	هارت	دڵ-قەلب-تەبعە-دڵی راسە	قلب،دل،طبع،مرکز،وجدان
heartbeat *n*	هارت‌بیت	دڵ فرە-دڵەکوە-دڵ کوتان	ضربان‌قلب،طپش‌قلب
heartless *adj*	هارت‌لِس	بێ رەحم-دڵ بەردین-بێ دڵ	سنگدل،بیرحم،بی‌عاطفه
heat [1] *n*	هیت	گەرما-تین-بۆق،دەورە	حرارت،گرما،نوبت،خشم

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
heat [2] *v*	هیت	گەرمکەردەی(کردن)ـتاودای	حرارت دادن، گرم کردن
heater *n*	هیتر	سۆبەـئاتەژدانـئارگا	بخاری،آبگرمکن
heave *v*	هیو	بەزورکێشای ـجیٚ بەجیٚ کردن	با تلاش / به سختی کشیدن
heaven *n*	هِوِن	بەهەشتـجیٚی حۆروفریشتە	بهشتـآسمان،گردون،عرش
heavenly *adj*	هِوِنلی	بەهەشتیـئاسمانی،لاهوتی	بهشتیـ مطبوع،آسمانی
heavy *adj*	هِوی	سەقیلـقورسـسەنگین	سنگین،وزین،دشوار
hectare *n*	هِکتار	هکتارـدەهەزارمتریٚ	هکتار([redacted]/۰۰۰/۱۰مترمربع)
hedge *n*	هِج	پەرچینـپەرژیٚنـکەلەکە	حصار،پرچین،چپَر
heel *n*	هیل	پاژنەوپایـپاژنەوپالٚای پشت پیٚـپاشنەی پا	پاشنه پا ـ پاشنه کفش
height *n*	هیت (هایت)	بەرزیـئاسۆـبەرزایی بلیٚندوهەوراز	ارتفاع،بلندی،قله نوک
heir *n*	هیر	وەرەسەـبەشیاواـبەشگر	وَرَثه،وارث،میراثبَر
held *see* **hold**	هِلد	هەلٚگرتنـهۆرگرتەی	برداشتنـبلندکردن
helicopter *n*	هِلی کوپتر	هلیکوپترـبالٚەفرکەـخولەبالٚ	هلیکوپترـچرخبال
hell *n*	هِل	جەهەنمـیاگیٚ پەرجەدیٚو ومۆکلٚ وشیاتین وئەیری	جهنم،دوزخ،دَرَک
hello *int*	هِلو	سلٚامـئەحوالٚ پەرسای	سلام (وقتی...آشناست)
helmet *n*	هِلمیت	کلٚاوی پاریٚزەرـکلٚاوەی پاریٚزەرە	کلاه کاسکت، کلاه ایمنی
help [1] *v*	هِلپ	یاری دایـیارمەتی کردن کۆمەک کردن	کمک کردن، یاری رساندن

انگلیسی English	**تلفظ** Pronounciation	**کُردی** Kurdish	**فارسی** Persian
helpful *adj*	هِلپ فول	باش ـ عال ـ خاس ـ چاک	مفید، سودمند
helping *n*	هِلپینگ	بەشە چێشت ـ بەشە چاشتی	پُرس‌غذا،وعده
helpless *n*	هِلپ لِس	بێ دەسەڵات ـ چەنەنامە	ناتوان، بدون کمک
		لێ نەهاتوو ـ داماگ، بەسزوان	عاجز
help [2] *n*	هِلپ	کۆمەک ـ یاری ـ یارمەتی	کمک،یاری،امداد،مدد
hem [1] *n*	هِم	پەراوێز ـ لێوی لیباس	لبه (دامن، پیراهن،...)
		لچە لیباس	سجاف
hem [2] *v*	هِم	پەراوێزدای ـ دەوردروێنی	توگذاشتن لبه لباس
		لیباس ـ قەراخ وراسەی	
hemisphere *n*	هِمی سفِر	نیمە تۆپ ـ نیمەخرت	نیمکُره،...۴نیمکره
	(همی سفیر)	نیم کاسە	زمین
hen *n*	هِن	کەرگە ـ مر ـ مامر ـ مریشک	مرغ(پرنده‌ساده)
her *pron-adj*	هِر	ئی نی ئەو ـ ئینو ئادێ ـ هینی ئەو	او را ـ مال او (زن)
herb *n*	هِرب	گیواو ـ گیا ـ رواو	علف،گیاه،گیاه‌دارویی
herd [1] *n*	هِرد	گەلە ـ شە گەلە ـ ران	گله، رمه
herd [2] *v*	هِرد	گەلەداری کەردەی ـ شوانی کردن	شبانی /گله داری کردن
here *adv*	هیِر	چێ گەنە ـ چێ گە ـ لێرە	اینجا، در اینجا
		لەگرا	
hero *n*	هِرو (هیرو)	پاڵەوان ـ قارەمان	قهرمان، پهلوان
heroic *adj*	هِروئیک	پاڵەوانی ـ قارەمانی	قهرمانی،پهلوانی،حماسی

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hives *npl*	هایوز	هیری ـلیر و جۆش، پوره	دانه‌کهیر،دسته‌زنبور
hoard *1 v*	هُرد (هُد)	جه‌م کردن ـهمارکه‌رده‌ی هۆرۆدای ـهه‌ڵگرتن	احتکار کردن، اندوختن انباشتن
hoard *2 n*	هُرد (هُد)	هماروگلێر ـپاشکه‌وت خست	احتکار،ذخیره،کُپه
hoarse *adj*	هُرس	ده‌نگ گر ـده‌نگ گیریا ده‌نگ قۆر ـقرخن	(در مورد صدا) گرفته دو رگه
hobby *n*	هُبی (هابی)	نیشات ـمه‌شغوولی،که‌یف خڵه‌نجنای ـسه‌رگه‌رم	سرگرمی، تفریح کار ذوقی
hockey *n*	هاکی	جۆره‌ی گه‌مه ـجۆره کایه یه‌ک به‌ تۆپ	هاکی، بازی هاکی
hoe *n*	هئو	بێڵ ئه‌سکه‌ره ـجۆره بێڵه‌یک لاره ـلاره‌بێڵ	کج‌بیل،صاف‌کردن
hoist *v*	هُیست	بانبردن ـهۆرکێشای ـسه‌ربه‌رده‌ی	با طناب / قرقره بالا بردن
hold *1 v*	هئولد	گرتن (گرته‌ی) ـهه‌ڵگرتن (هۆرگرته‌ی) جه ـدارابیه‌ی	دارا بودن، داشتن مهار کردن
hold *2 n*	هئولد	به‌ده‌س گرته‌ی ـراگرتن	نگهداری،بادست،دسته
hole *n*	هئول (هُل)	کون ـوڵه ـچاڵی ـچاڵ	گودال،حفره،سوراخ،چال
holiday *n*	هالیدَی		مرخصی، تعطیلی
hollow *adj*	هُلئو	هه‌رۆڵ ـدڵێ خاڵی	توخالی،خالی،پوک
holy *adj*	هئولی(هُلی)	پاکـفه‌ر دار ـسه‌ربه‌فه‌ر ـمقه‌ده‌س	الهی،مقدس،پاک،پارسا
horsemanship *n*	هورس‌مَن‌شیپ	غارانی ـ غارکردن	اسب‌سواری ـ سوارکاری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
holograph *n*	هولوگراف	خۆنوس ـ وێ نوێس	خودنوشت ـ وصیت‌نامه
holy month *n*	هێولی مانت	مانگی شەریف ـ مانگەی مقەدەس	ماه مبارک
holy war *n*	هێولی وُر	جیهاد ـ بۆ خوداشەرکردن	جهاد
home *n,adj,adv*	هێوم	ماڵ ـ خانوو ـ یانە ـ کەوێڵ	خانه، منزل
homework *n*	هێوم وِرک	کاری شەو ـ تەمرینی شەوان لەماڵ، کاریانە	تکلیف‌شب، مشق‌منزل
honest *adj*	هانیست	دروستکار ـ شەریف ـ چاک پیاخاس	شریف، درستکار، امین
honestly *adv*	هانیستلی	پاکانە ـ دروستانە	صادقانه، به‌خدا
honesty *n*	هانیستی	دروستکاری ـ بەشەرەف	درستکاری، شرافت
honey *n*	هانی	هەنگوێن ـ هەنگوین	عسل، شهد
honeymoon *n*	هانی موون	مانگەوکەیفووەشی ـ مانگی سرووری پاش زەماوەن	ماه عسل
honour [1] *n*	هانِر	شانازی ـ رێز ـ فەخر	افتخار، احترام، آبرو
honour [2] *v*	هانِر	ئێحترام نیای ـ سپاس کردن حرمەت گرتەی	احترام کردن
hood *n*	هُد	فێس ـ مشکی ـ کلاوروچن	کُلاه‌پارچه‌ای، کلاهک، کاپوت
hoof *n*	هووف	سموحەیوانی ـ سمی ئەسپ و بزن	کفشک، سُم (اسب،...)
hook [1] *n*	هُک	قولاپە ـ قولاو ـ گیرە	قلاب، چنگک، گیره
hook [2] *v*	هُک	بەقولاپ گرتەی ـ بەقولاو بەستن	با قلاب بستن / گرفتن
hoop *v*	هووپ	هەلقە ـ هەڵقێ ـ بازنە تەوکە، خرخاڵ شێوە	حلقه، تسمه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hoot *v*	هووت	قاڵە قاڵ-قیژ و قاژ، دەنگی بوم	جیغ کشیدن، داد زدن
		هەراهەرا کردن	هوهو
hop *v*	هُپ	پڕای-پەڕین-چووزانی	لی لی کردن ـ پریدن، جستن
		باز بردن	
hope [1] *v*	هئوپ	ئومێدوار بیەی-ئاوات خواستن	امید داشتن، امیدوار بودن
		ئارەزووکەردەی	
hope [2] *n*	هئوپ	ئومێد-ئارەزوو-ئاوات-حەسرەت	انتظار، امید، آرزو
hopeful *adj*	هئوپفول	ئومێدوار-ئاواتەواز	امیدوار-امیدبخش
hopefully *adv*	هئوپفولی	بەئومێدەوە-بەئاواتەوە	امیدوارانه
hopeless *adj*	هئوپلِس	نائومێد-فرەخراو	نا امید، بسیار بد
		زۆر خراپ ـ بێ چارە	
hopelessly *adv*	هئوپلِس لی	بەنائومێدیەوە-نائومێدانە	ناامیدانه،مأیوسانه
horizon *n*	هِرَیزِن(هِرایزِن)	ئاسۆ-ئاخرین چاوبین دیارگا-کەل	افق
horizontal *adj*	هِرایزِن (هِرایزِن)تال	لەولا-لاوەلا-لەبان زەوی	افقی،مسطح،برابر
horn *n*	هُرن(هُن)	شاخ-بیق-شەیپوور-بۆقی ماشین	شاخ ـ بوق ـ شیپور
horrify *v*	هُریفای	تەرسنای-تۆقنای-ترساندن	وحشت زده کردن
horror *n*	هُرِر	ترس-تەرسی-دەشەت-سام و خۆف	ترس، وحشت، نفرت
horrible *adj*	هُریبل	پڕترس ـ سامدار	مخوف، وحشتناک
horrid *adj*	هُرید	ژیلەوشێون-قەڵب-ناشرین	نامطبوع،ناگوار،بد

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
horse *n*	هُرس	ئەسپ ـ ماڵ و مین ـ ماین	اسب
horseback *n*	هُرس بِک	ئەسپ سوار ـ سوارە	سوار بر اسب
horse - shoe *n*	هُرس شوو	ناڵوّ ئەسپی ـ ناڵی ئەسپ	نعل‌اسب و قاطر
hose [1] *n*	هئوز	شڵنگو ئاوی ـ شلینگی ئاو	شیلنگ آب، لوله لاستیکی
		لوولەی لاستیکی ـ گوێروا	جوراب بلند
hose [2] *v*	هئوز	ئاوپاشی کەردەی بە شلنگ ئاوەدان	با شیلنگ آب دادن
		چێوی کەژدار	
hospital *n*	هاس پیتِل	نەخۆشخانە ـ خەسەخانە	بیمارستان، مریضخانه
		بیمارسان، مەرخانە	مەر = سلامت
hospitality *n*	هاس‌پیتالیتی	مێمان نەوازی ـ مێوان داری	مهمان‌نوازی،غریب‌نوازی
host *n*	هئوست	ساحێب ماڵ ـ پەل ـ دەسە	میزبان،انبوه‌مردم
		مێواندار	
hostess *n*	هوس‌تیس	ژنی مێواندار ـ ژەنەی مێماندارە	زن میزبان، میزبان زن
hostage *n*	هُستیج(هاستیج)	دیل ـ گیریاشی لەدەس ـ گیراو	گروگان گرفتن
hostel *n*	هُستِل	مێوانخانە ـ مەدرەسە یا	مسافرخانه،مهمانسرا
	(هاستِل)	دانشگای شەووڕۆژی	
hostile *adj*	هاس‌تَیل	دوژمن ـ مدەعی ـ دژمەنانە	دشمن،خصم،خصمانه
hot *adj*	هات	داخ ـ گەرم ـ تند و تێژ	داغ، گرم ـ تند، تیز
hotel *n*	هئوتِل	هوتل ـ مێوانخانەی تایبەت	هتل‌ـ مهمانخانه
		مێوانگیر	

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

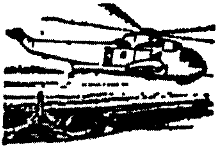
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hound *n*	هئوند	تانجیه-تانجی-پیسکه پیا	سگ‌شکاری،آزارکردن
		چلکاووەر(خۆر)مزاحێم	
hour *n*	ئور(آور)	کات-تاو-سەعات-وەخت	ساعت،زمان
house *n*	هُوس(هاوس)	ماڵ-یانه-خانگ-خانوو	خانه،منزل،ساختمان
household *n*	هوس(هاوس‌هُلد)	خانەوادە-ماڵ ومناڵ	اهل خانه / منزل
		ژەنویانە	خانگی
housewife *n*	هوس وایف	ژەنەویانەی-ژنی ماڵ	کدبانو، زن خانه دار
		ومناڵدار	
hover *v*	هُر(هاوِر)	سەمسەماکەردەی-لەهەوا	در هوا بیحرکت ایستادن
		راوەستان وەک باز	در جا بال زدن
hovel *n*	هاول	ماڵەباغ-کەوێڵ	کُلبه
how *adv*	هاو (هئو)	چلۆن-چەنی-چەوەخت	چطور،چگونه- چه‌وقت،چقدر
however *adv,conj*	هاوئور	بەهەرحاڵ-هەرچۆنێ	هرچقدر - به هر حال
	(هئوئور)	هەرچەن-بەڵام	ولی
howl *v-n*	هئول	هیلنای-سەرنای-قیژاندن	زوزه کشیدن، جیغ کشیدن
		قیژنای-لوورنای-شریخاندن	عربده - ناله
hug [1] *v*	هاج	لەباوەش گرتن-ئەوشی گرتەی	درآغوش گرفتن، بغل کردن
hug [2] *n*	هاج	ئەوشی-باوەش-داوێن	آغوش - بغل
huge *adj*	هیوج	فرەگەورە-زۆرزل-دەعبا-فرە	بسیاربزرگ،زیاد،تنومند
hum *v*	هام	چوتەچوت‌کەردەی-گیفەئامەی	وزوز کردن - زمزمه کردن
		گفه کردن،ویره-گیزه	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
human *adj*	هیومِن	مرۆف ـ ئینسان ـ بەشەر	انسان،بشری،ادم
humble *adj*	هامبِل	نتم ـ هەژار ـ بەحەیاوشەرم	فروتن ـ فقیر،متواضع
		سەنگین	
humanism *n*	هیومِنیزم	نۆع پەروەری	مذهب نوع پرستی
humour *n*	هیومِر	شۆخی ـ گاڵۆێز ـ خوڵق وخۆ	شوخی،خوشمزگی،طبع
humorous *adj*	هیومِرس	شۆخ ـ قسەوەش ـ قسەخۆش	شوخ،بذله‌گو،خنده‌دار
hump *n*	هامپ	کۆڵ ـ قۆرتە ـ لکە ـ چەماو	کوهان،کوژ ـ قوز
hundred *n,adj*	هاندرِد	شمارەوسەدێ ـ ژمارەی سەد	عدد ۱۰۰ ـ یکصد
hundredth *n,adj*	هاندرِدس	سەدۆمین ـ ژمارەی بەجێ	یکصدمین،صدم
		سەدەم، سەدەم	۱/۱۰۰
hung *see* **hang** *v*	هَنگ	هەڵواستن ـ ئاڵۆچنای ـ ڕاوچی	آویزان کردن
hungry *adj*	هانگری	ئەورا ـ برسی ـ ژەمەن لوا	گرسنه،آرزومند
hunt *v*	هانت	کەشەوانی کەردەی ـ سەیادێ	شکارکردن ـ گشتن
		کردن (کەردەی) ڕاوکردن	جستجو
hunter *n*	هانتر	کەشەوان ـ کەژەوان، ڕاوکەر	شکارچی،صیاد
hurl *vt*	هِرل	فرەدای ـ تووڕدای ـ فرەدان	به شدت پرتاب کردن
hurrah(y) *int*	هورِی(هورا)	ئافەرین ـ ئافەرم ـ دەنگی	هورا (آوای تحسین و شادی)
		پشتی وشادی	
hurricane *n*	هاری‌کِن	تۆف ـ وای سەخت	تندباد / توفان شدید
		بای سەرسەر ـ ڕەشەبا	دریایی
hurry [1] *v*	هاری	پەلەکەردەی ـ پەلەکردن	عجله داشتن / کردن
hurry [2] *n*	هاری	پەلە ـ هۆر ـ ڕانەوستان	عجله، شتاب

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hurt *v*	هِرت	زەرەردیەی‌ـلەتمەوەنەدای ئەزیەت‌کردن‌ـئازاردان	آسیب رساندن / دیدن
hussy *n*	هاسی	ژن یاکچی روودار	زن یا دختر پُرو
husband *n*	هازبند	شوو‌ـهاملف‌ـمێرد	شوهر، همسر
hut *n*	هات	یانەی چۆین‌ـکەپرە کەوێڵ‌ـماڵی چێوین	کلبه،اتاقک،کَپَر
hydrogen *n*	های‌دروجِن	هیدرۆژن‌ـجۆرەگازێک لەهەواولەئاو	هیدروژن
hyena *n*	های‌ِن	کەمتار‌ـجانەوەرێکی مردارخۆروجاش‌باو	کفتار(انگل‌حیوان‌ها)
hygiene *n*	های‌جین	عیلمی‌بێداشت‌ـخۆراگرتن وێداری	بهداشت، علم بهداشت
hygienic *adj*	های‌جی‌نیک	وێ‌پارێزی‌ـخۆراگری	بهداشتی‌ـسلامتی‌زا
hymen *n*	های‌مِن	هامن‌ـخودای‌زەماوەند	خُدای عروسی
hymn *n*	هیم	مناجات‌ـهۆرە‌ـسروودی‌ئایینی	سرود مذهبی
hyacinth *n*	های‌سینت	گوڵ سومبوڵ	گُل سُنبُل
hybrid *n*	های‌برید	دورەگە‌ـبازە‌ـچار‌ـپێوەن	جانوریاگیاه‌دورگه‌پیوندی
hydrology *n*	های‌درال‌جی	علمی‌ئاوناسی	علم آب شناسی
hydrophobia *n*	های‌دروفوبیا	نەخۆشی هاری	گزیدنِ سگ‌هار
hypochondriac *n*	های‌پوکاندری‌ک	نەخۆشی‌خیاڵی‌وپوچی مێراق	مالیخولیا ـ بیماری هراس

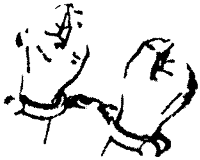
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hydrogenbomb *n*	های‌درِجِن	بەمەی هیدرۆژنیە بەمی هیدرۆژنی	بُمبِ هیدروژنی
hyphen *n*	های فن	خەتی بەین‌وشە-خەتەوجیا کەردەی	خط تیره (-)، خط پیوند
hypology *n*	هیپِنالِجی	خەوناسی (خەودرونیە)	خواب شناسی
hypocrite *n*	هیپوکریت	جاش-ریایکەر-دووروو	آدمریاکار، دورو
hypothesis *n*	های‌پوتِزیس	بنیەرە-فەرزکە، وەبزانە	فرض، گمانه
hypnosis *n*	هیپنوزیس	خەوری جەزەبەوەرمی تەلقینی	خواب مصنوعی - هیپنوتیزم
hysteria *n*	هِستیِری	ئازاری فێ‌وبی‌ختیاری	بیماری غش و حمله بیهوشی - تشنج



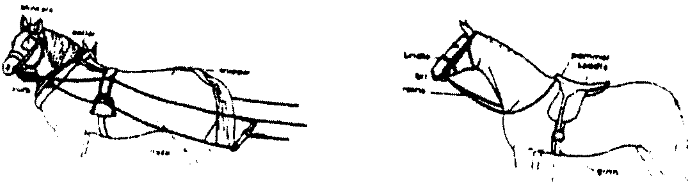
HELICOPTER



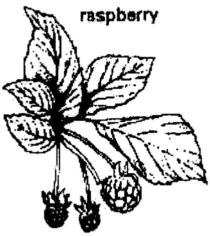
HAMMOCK



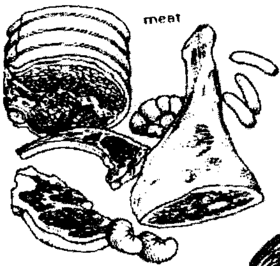
HANDCUFFS

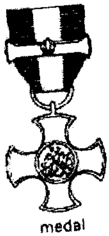


A HORSES HARNESS



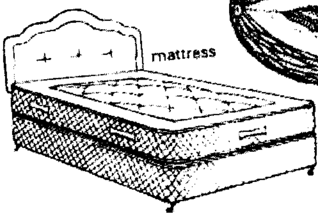


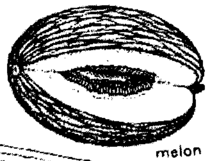












I i

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
I *n*	آی	نۆیەمین پیتی ئەلفبا	نهمین حرف الفبای انگلیسی
I *pron*	آی	ئەمن ـ من ـ ئەز ـ ئەم	من(ضمیرفاعلی اول شخص)
ice *n*	آیس	یەخ ـ سەهۆڵ ـ ڕچە	یخ، بستنی در آمریکا
ice - cream *n*	آیس کریم	بەستەنی ـ شیرشەکەری سارد	بستنی
icy *adj*	آی سی	ڕچە ـ زۆر سارد ـ یەخین	بسیار سرد ـ یخی
iceberg *n*	آیس برگ	کەژی یەخ ـ کەشی یەخین	کوه یخ شناور
icing *n*	آی سینگ	خامەی بانی کەیک ـ توێی کەیک، تۆسەروکەیکێ	خامهٔ کیک، رویه
idea *n*	آیدیا (یِ)	ئیدە ـ فکر ـ ئەقیدە ـ نەزەر	عقیده، ایده، نظر، فکر، باور

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ideal *adj*	آیدیل	زۆرباش ـ فره خاس ـ عال، گمان	ایده‌آل، عالی، تخیلی
identical *adj*	آیدنتیکال	هه‌رئه‌وه ـ هه‌رئانه ـ ئه‌وه	همان، یکی، همانند
	(کِل)	یه‌کجۆر	یکجور
identify *n*	آیدن تی	شناسین ـ ئه‌ژناسای ـ فامین	شناسایی کردن، شناختن،
	فای	یه‌کێ زانین	تشخیص دادن
identification *n*	آیدن تی فی	کارتی خۆناسی ـ کارتی	مدرک شناسایی
	کِشن	ناسینه‌وه	هویت
identity *n*	آیدن تی تی	ناسینه‌وه ـ ئه‌وه ناسیای	هویت، شناسایی، همانندی
idiom *n*	آیدیم	دانیان ـ که‌لیمێ ئه‌ره نریا	اصطلاح، گویش، لهجه
		وشه‌ی تێکه‌ڵ، زاراوه، له‌فز	زبان محلی
idle *adj*	آیدل	ته‌مه‌ڵ ـ لاواز ـ بێ ره‌گ	بیکار، خوابیده ـ تنبل
		نه‌که‌رکار ـ بێ خه‌یر	بی فایده ـ ولگرد
idol *n*	آیدل	بوته ـ بوت ـ باتی پرس	بت، تندیس، معبود
Idyl *n*	آیدیل	دیلانێ ـ باسی ژیان له‌دێ	شرح کوتاه زندگی روستایی
if *conj*	ایف	ئه‌گه‌ر ـ ئامه‌و ـ هاتوو	اگر ـ که ـ هرگاه، کاش
ignorant *adj*	ایگنورنت	بێ خه‌وه‌ر ـ بێ خه‌به‌ر ـ نه‌زان	بی اطلاع، ناآگاه ـ نادان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ignorance *n*	ایگنورنس	بێ خەوەری ـ بێ خەبەری نەزانی	ناآگاهی، بی اطلاعی ـ جهل
ignore *v*	ایگنور	گوێ پێ نەدان ـ گوێش پەنەنەدای، لێ نەپرسان	نادیده‌گرفتن،محل نگذاشتن
ill [1] *adj*	ایل	نەخۆش ـ ناوەش ـ بیمار، نەحس	بیمار،مرض،شوم،درد
illness *n*	ایل‌ینس	نەخۆشی ـ ناوەشی	بیماری، مریضی
ill [2] *adv*	ایل	خراو ـ خراوی ـ پێش وشە	(به صورت پیشوند) بد، بی
illegal *adj*	ایلیگل	بێ قانونی ـ دەرەبەگی ناعەداڵەتی	غیرقانونی،غیرمجاز
illegible *adj*	ایلجیبل	نوانیا ـ نەخوێنیاگ ئەوەنوانیا، خەت خراپ	ناخوانا، نوشتهٔ ناخوانا بدخط
illuminate *v-n*	ایلیومی‌نِیت	ئەرەگیسنای ـ رۆشن کردن چراغانی کەردەی	روشن کردن / شدن چراغانی ـ توضیح
illustrate *v*	ایلستریت	بەشکڵ حاڵی کەردەی، باس عەکس دارکردن	عکس دار کردن توضیح دادن
illustration *n*	ایلستریشن	وێنە ـ شێوە ـ شکڵ ـ باس دوخت	تصویر ـ توضیح ـ عکس
image *n*	ایمیج	مجەسەمە ـ نەقش ـ خەیاڵ زەین ئامە ـ شکڵ سازی	تصویر ذهنی ـ مجسمه کپی، خاطره

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
imagine *v*	ایماجین	ختووره‌كه‌رده‌ی‌ـبنیه‌ره‌واته‌ی	حدس زدن، پنداشتن
		گمان کردن، خه‌یال	گمان، تصور
imaginable *adj*	ایماجی‌ن‌بل	به‌بیرهاتن‌ـویرئامه‌ی	قابل تصور
imaginary *adj*	ایماجی‌ن‌ری	خیاڵی‌ـمه‌حاڵی‌ـختووری	خیالی،تخیلی،غیرواقعی
		فه‌رزی	
imagination *n*	ایماجی‌ن‌شن	خه‌یاڵ‌ـئه‌جیای‌ـوازانین	پندار،خیال،ذوق
		پسه‌زانای،قابلی	نوآوری
imbibe *vt*	ایم‌بایب	لوشته‌ی‌ـنۆشان،مژین	آشامیدن،جذب‌کردن
imitate *v*	ایمیتیت	چه‌ماوچه‌م كه‌رده‌ی	تقلید کردن، کپی کردن
		به‌دواکه‌وتن،چاولێ‌گه‌ری	بدل ـ ادا
imitation *n*	ای می‌تیشن	باتی‌ـلف‌ـ به‌جێی	بدل،کپی، تقلید
		چه‌م‌وسه‌ی،قه‌ڵب	جعل
immediate *adj*	ایمییدیت	زوو‌ـگورج‌ـتوند‌ـلكان	سریع،فوری،متصل
immediately *adv*	ایمییدیتلی	به‌تاو‌ـ به‌توندوتیژ	فوراً،به‌سرعت،آناً
		به‌ده‌وان،جابه‌جا	
immense *adj*	ایمنس	زۆرگه‌وره‌ـفره‌زل‌ـبلّاو	بسیاربزرگ،عظیم،پهناور
immensely *adv*	ایمنسلی	زۆر‌ـفره‌ـفه‌راوان	بسیار، خیلی
immunize *v*	ایمیونایز	پارێزنای‌ـهێقم‌كه‌رده‌ی	مصون‌ساختن،ایمن‌کردن
immunization *n*	ایمیونایزشن	هێقمی‌ـپارێز‌ـپاراستن	مصونیت‌ـایمن‌سازی
impatient *adj*	ایم پیشنت	ده‌سه‌پاچه‌ـبێ‌سه‌ور	دستپاچه،ناآرام،بی‌صبر
		بێ‌تاقه‌ت	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
impatience *n*	ایم پیشنس	کەم حەوسەڵە-کەم تاقەتی	عجول،کم‌حوصله-بی‌تابی
impatiently *adv*	ایم‌پیشنتلی	بێ سەبرانە-بێ سەوری	عجولانه - بی‌صبری
imperative *n,adj*	ایم پرتیو	عەمری-زەرووری-لازم	الزامی-امری-واجب
impertinent *adj*	ایم‌پرتی‌نِنت	رووداری-بێ شەرمی-هار	گُستاخ - بی‌ربط
impertinence *n*	ایم‌پرتی‌نِنس	بێ عەدەوی-بێ تەربیەتی	گستاخی-نامربوطی
impolite *adj*	ایم پلَیت	بێ عەدەو-بێ تەربیەت	بی تربیت، بی ادب
import [1] *v*	ایم‌پت(ایم‌پورت)	هاوردن لە-ئەوردەی	واردکردن (از خارج)
import [2] *n*	ایم پورت	هاوردنی-ئەوردەمەنی	واردات - اهمیت
important *adj*	ایم پورتِنت	نفوزدار-بەکەڵک	مهم،بانفوذ،مقتدر
importance *n*	ایم پورتنس	نفوزداری-دەس لوای	اهمیت، اعتبار
impossible *adj*	ایم پوسیبل	محاڵ-ناممکین	غیرممکن،امکان‌ناپذیر
impossibly *adv*	ایم پوسیبلی	بەمحاڵی-بەناموکنی	به طور غیرممکن
impr	ایم پرس	کارکردن-نمانای مۆرکردن	تأثیر داشتن، اثر کردن
impression *n*	ایم پرشِن	نواند-نمانا-فکر-نەزەر	اثرفکر،نظر-نقش
impressive *adj*	ایم پرسایو	گیرا- ئەوەنمانا هۆرنیای	مؤثر،گیرا
imprison *v*	ایم پریزن	زیندانی کەردەی-لەبەند کردن	حبس /زندانی کردن
imprisonment *n*	ایم پریزن مِنت	بەند-گیران-وەرگیریا	توقیف،حبس،زندان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
improve *v*	ایم پروو	ئەوەدانکەردەی-خاس کردن	بهتر کردن/شدن،آباد
		ئاوەدان کردن-چاک بون	
improvement *n*	ایمپرووومنت	ئاوەدان-ئەوەدان	اصلاح،بهبودی،پیشرفت
		رووەوخاسی-بەرەوچاکی	
impulse *n*	ایم پالس	جم و جوول-هێزی کارخەر	انگیزه، میل آنی - حرکت
		قوەتی کاردەر-تەکان	
impulsive *adj*	ایمپالسیو	وەروبەر-تەکاندەر	تابع احساسات - سوق دهنده
		پێش بەر-تاودەر	
in *prep,adv*	این	لە-جە-دلێ-لەناو	در(جایی) - در (داخل جایی)
			در(خلال/پایان)-در(خانه)
inbands *npl*	اینبَندس	دەسە	دسته
inability *n*	این‌ابی‌لیتی	بێ قابلی،بێ عورزە	بی‌لیاقتی-ناتوانی
inactive *adj*	این‌آکتیو	بیکار-بێ کار-وڕمات	بیکار - غیرفعال
inadequate *adj*	این‌اَدکویت	کەم-بەش نەکەر-بەش نەکرد	نابسنده، ناکافی - نالایق
incapable *adj*	این‌کِی‌پبل	عاجز- بێ دەسەڵات	ناتوان، بی عرضه
		جەدەس نامە-بێ قابل	عاجز
inch *n*	اینچ	۲/۵ سانت-ئەیرەوپیمای	اینچ-آهسته‌رفتن
incident *n*	این‌سی‌دِنت	رووداو-وەرئامە-پێشامەد	اتفاق،رویداد-حادثه
incline *v*	این کلاین	چەمنای- چەماندن	گرایش داشتن - خم کردن
	(کلین)	لارکەردەی-سازنای	شیب

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
include *v-n*	این کلود	تیابوون-جەدلێ نەبیەی یاگەکەردەی،لەناوابون	دربرداشتن ـ گنجاندن شامل ـ دارا
income *n*	این کام	دەرئامەدـنەفحەـچتگیرهاتن	درآمد،عایدی‌ـدخل
incomplete *adj*	این کِم پلیت	ناتەواوـقەرەتـناتەمام	ناتمام، ناقص
inconvenient *adj*	این کِن وی نینت	نالەبارـ ناجۆر	نامناسب،زحمت‌ده
inconvenience *n*	این کِن وی نینس	گرفتاری‌ـگیروگرفت	گرفتاری‌ـناراحتی
incorrect *adj*	این کِرکت	سەهوەـخەتاـهەڵەـجوریا	غلط،اشتباه‌ـنابجا
incorrectly *adv*	این کِرکتلی	بەهەڵەـبەخەتاـنەزانی	به طور اشتباه
increase [1] *v*	این کریز	فرەکەردەی‌ـزۆرکردن زیادکردن	افزایش دادن‌ـزیادکردن
increase [2] *n*	این کریز	زیادـفرەـزۆر	افزایش ـ رشد
indeed *adv*	این دید	بەراستی‌ـجەهەقێقەت	واقعاً،حقیقتاً
indefinite *adj*	این دِفی نیت	نامەعلوومـونـنادیاری	نامعلوم،مبهم،نامحدود
indefinitely *adv*	این دِفی نیتلی	بەجۆری نامەعلووم بەنادیاری	به طور نامعین
independent *adj*	این دی پن دِنت	ئازادـوەرـبەرەڵا وبێ نیاز	مستقل،آزاد،خودفرمان

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
independence *n*	این دی پن دِنس	ئازادی ـ ماف‌گرتن سه‌ربه‌خۆیی	آزادی، استقلال خودفرمانی
index *n*	این دِکس	ناوئاخن ـ فێرست ـ وه‌رچه‌م	ایندکس،فهرست،ضریب
indicate *v*	این‌دی‌کیت	نیشان‌دای ـ نیشان‌دان	نشان دادن،اشاره کردن
indication *n*	این دی کیشن	نیشانه ـ ئیشاره ـ عه‌لامه‌ت قیزگه	نشانه، اشاره، علامت
indicator *n*	این دی کِیتِر	ڕێنمون ـ چرای ڕێنمونی به‌ڵه‌د	راهنما، چراغ راهنما ـ نماینده شاخص
indignant *adj*	این دی گننت	تووره ـ ناره‌حه‌ت ـ قه‌ڵز	خشمگین، عصبانی
indignantly *adv*	این دی گنیتلی	به‌تووره‌یی ـ به‌ناره‌حه‌تی	خشمگینانه
indirect *adj*	این‌دی‌رِکت	لار ـ چه‌وت ـ ناراس	کج،غیرمستقیم،ناراست
indirectly *adv*	این‌دی‌رِکتلی	به‌ناراسی ـ به‌چه‌وتی به‌لاری	به طور غیرمستقیم
individual [1] *n*	این‌دی‌وی‌یوال	که‌س ـ یۆیوه ـ تایبه‌تی تایوه‌تی	فرد، کس، شخص
individual [2] *adj*	این‌دی‌وی‌یوال (جوال)	جیاواز ـ یۆیی ـ ته‌نیا و تاک	جداگانه،فردی،یگانه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
individually *adv*	این‌دی‌وی‌یوالی (جوالی)	بەجیاوازی ـبەتەنیایی	به‌طورفردی،یکی‌یکی
indoor *adj*	این‌دُر	دلێ ـناوماڵێ ـیانەیی دەروونی	داخلی، خانگی
indoors *adv*	این‌دُرز	لەماڵ ـجەیانە ـدلێ یانە	درخانه‌ـروبه‌داخل
industry *n*	این‌داس‌تری (دِس‌تری)	کاروپیشە ـ سنعەت وەش‌کەردلێ هاتن	صنعت ـ مهارت
industrial *adj*	این‌داس‌تریل	سنعەتی ـپیشەسازی وەش‌کەری	صنعتی
infant *n*	این‌فِنت	زەوروٚ ـتلٚف ـتازەزا مناڵ ـکاڵ (کاڵەبەی)	کودک، طفل، نوباوه کال
infect *v*	این‌فِکت	ناوەشی لایاوای ـنەخوٚشی گرتن	(بیماری) سرایت کردن مبتلا ـ آلودن
infection *n*	این‌فِکشن	نەخوٚشی واگیر ـناوەشی گیرا ـ پیسی	بیماری عفونی ـ واگیر آلودگی
infectious *adj*	این‌فِکشِز	گیرا ـپەتا ـلاگەیی	مُسری،واگیردار،عفونی
infinite *adj*	این‌فی‌نیت	بێ ئاخر ـناتەواو ـقاف	نامحدود، بی پایان
infinitely *adv*	این‌فی‌نیتلی	بێ ئەندازە ـحەرفرە بێ نەهایەت ـزوٚری زوٚر	بی نهایت، بی اندازه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
inflate *v*	اين‌فليت	فووتێ کردن ـ باکردن	پرباد کردن، باد کردن
		فوودلێ کەردەی	پف
influence *adj*	اين‌فلوانس	ئەسەرەـ دەڵنا ـ نفووزە	تأثیر، نفوذ، اثر
		کارکرد	
influential *adj*	اين‌فلوانِشِل	بانفووز ـ ئەسەرکەر ـ کارکەر	مؤثر، بانفوذ، پُراثر
influence [2] *v*	اين فلوانس	نفووزکردن ـ ئەسەرکەردەی	اثرگذاشتن، نفوذ
influenza *n*	اين‌فلوانز	ئانفولانزا ـ جۆرێوە	آنفولانزا
		ئەڵامەت ـ درم (ویرۆسی)	
inform *v*	اين فوم	خەبەردان ـ خەوەردای	خبر/اطلاع دادن، لو دادن
information *n*	اين‌فومی‌شن	خەبەر ـ خەوەرات ـ دەنگ‌وباس	اطلاعات، اطلاع، آگاهی
informal *adj*	اين فومِل	پسەجاران ـ عادەتی، خۆمانی	عادی، غیر رسمی
informally *adv*	اين فومِلی	بەجۆری عادەتی	به‌طور غیر رسمی، خودمانی
ingredient *n*	اين گری	بەشێ ـ برێوە ـ کەرەستەی	جزء ترکیبی ـ عنصر
	دينت	کۆمەڵ	
inhabitant *n*	اين‌هَبی‌تنت	دانیشتوو ـ نیشتەجا	ساکن، مقیم، اهل
inherit *v*	ان هِريت	ساحێوبیەی ـ ئیرس گرتن	ارث بردن، مالک شدن
inheritance *n*	اين‌هِری‌تِنس	میراس ـ ئرس ـ ئیرس	میراث، ارث، وراثت
		ماڵی دوامەرگ	
initial [1] *n*	ئی نی شِل	ئەوەڵ پیت ـ بنە پیت	نخستین حرف
initial [2] *adj*	ئی نی شِل	هەوەڵین ـ ئەوەڵین ـ یەکەم	اول، اولیه، نخستین

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
initially *adv*	ئی نی شِلی	بەجۆری هەوەڵ، جەوەڵ پسەوئەوەڵی ـ لەئەوەڵ	بەصورت‌اولیه، درابتدا
inject *v*	این چِکت	پۆرەکەردەی ـ دلێ کەردەی دەرزی (چەن) دان ـ دای	تزریق کردن، سوزن زدن
injection *n*	این جک شِن	دەرزیوەشاندن ـ دەوای شەنەی ـ چەنی دای	تزریق، داروی تزریقی وارد کردن
injure *v*	این‌چِر	لەتمەدای ـ خەسار دیەی زەرەردان	صدمه زدن، آسیب دیدن
injury *n*	این‌چِری	لەتمە ـ زەرەر ـ خەسار ـ زام	آسیب، صدمه، زخمی
injustice *n*	این‌جاس‌تیس	زڵم وزۆر ـ بێ عەداڵەتی بێ داد، بێ وژدانی	بیدادگری، بی عدالتی ستم
ink *n*	اینک	جەوهەر ـ مرەکەو ـ ئاو نویسە	جوهر، مرکب، مرکب چاپ
inland [1] *adj*	این لِند	وشکامی ـ دوورجە دەلیا وشکی ـ دورلەمەرز	دورازدریا، خشکی درونی
inland [2] *adv*	این لِند	جەوشکی ـ لەوشکی ـ لەناوەند	در خشکی ـ داخلی
in - law *n*	این لُ	قەوم وخێش ـ خزمان دوای وشە	پسوند و به معنی خویشاوند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
inn *n*	این	میمانخانه ـ میوان خانه	مهمانخانه،هتل،هتل
inner *adj*	اینر	دلێ راسه ـ جه دلێ ـ باتنی	داخلی،وسطی،نهادن
		له ناو ـ ناوه ند، ون	
innocent *adj*	این‌نِسنت	بێ گوناـ بێ خه تا	بی گناه، بی تقصیر
		بێ ته خسیرـ دڵ پاک	بی زبان
innocence *n*	این‌نِسِنس	بێ گوناعی ـ بێ خه تایی	بی‌گناهی،بی‌تقصیری
inquire *v*	این‌کوایر	پرسین ـ پەرسای ـ جۆیابیەی	پرسیدن، جویا شدن
inquiry *n*	این‌کوایری	پرس وجۆ ـ پەرس وجۆ	بازجوئی،پرس‌وجو،تحقیق
insane *adj*	این‌سِین	شێت ـ گێج ـ بێ ئه قڵ	دیوانه،خل،احمقانه
insect *n(insecticide)*	این‌سکت	مۆر ـ حه شه ره ـ شه ش پێ	حشره‌ـحشره‌کش
insert *v*	این‌زرت	نیای ـ دانیان ـ یاگه‌وسه‌ی،لا	گنجاندن،درج‌کردن‌ـفروکردن
inside [1] *n*	این‌ساید	دلێ ـ ناو ـ جه دلێ	داخل،میان،درون،محرمانه
insist *v*	این‌زیست	ئه وه لالیای ـ فره له سه راروین	اصرار کردن / ورزیدن
		پافشاری کردن	لج ـ پافشاری
inspect *v*	این‌س‌پکت	دلێ نه گێلـای ـ ناواگه ریان	بازدید/ بررسی کردن
		ئه وه په رسای ـ چاودێری	
inspection *n*	این سپکشن	دلێ گێلـا ـ ناوگه ریانه	بازرسی، تفتیش
		ئه وه په رسا ـ چاوخست	بازبینی
inspector *n*	این سپکتر	چاودێر ـ بازره س	بازرس ـ افسر پلیس
		ئه وه پرس	مأمور ارشد

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
install *v*	این استُل	کارنیای ـ ئەرەمەرزنای دامەزراندن	کارگذاشتن، نصب کردن
installation *n*	این‌س‌تُلِ‌شن	دامەزران ـ ئەرەمەرزنای کارنیا	نصب ـ دستگاه‌سوارکردن تأسیسات
instance *n*	این‌سِتِنس	نمورنە ـ چاوخست ـ وەرچەم	مورد،نمونه ـ مرحله
instant *adj*	این‌سِتنت	گورج ـ زوو ـ توند ـ تیژ	فوری،آنی ـ لحظه
instantly *adv*	این‌س‌تِنتلی	توندو تیژ ـ جابەجا بەپەلە	فوراً،بلافاصله،زود
instead *adv*	این‌س‌تِد	باتی ـ بە یاگێ ـ بە جێی بەجیای	به جایِ، در عوضِ
instead of *prep*	این‌س‌تِدآف	بەجێگەی ـ بەباتی	به جای، به عوض
instinct *n*	این‌س‌تین‌کت	غەریزی ـ زاتی ـ جەوهەری	غریزه،فطرت ـ استعداد
instinctive *adj*	این‌س‌تین‌کتیو	غەریزی ـ زاتی ـ جەوهەری	غریزی،طبیعی،فطری
institute *n*	این‌س‌تیت‌یوت	جەم خانە ـ کۆمەڵ گا کۆر ـ بنەوا ـ مەرە	انستیتو،انجمن، مؤسسه بنیاد ـ ایجاد کردن
institution *n*	این‌س‌تی‌تیوشِن	ئاژانس ـ بنکە ـ بنەوا	مؤسسه،بنگاه ـ ایجاد،عُرف
instruct *v*	این‌ستراکت	فێرکردن ـ ئیشان دای فێرکەردەی	آموختن،یاددادن ـ راهنمایی
instruction *n*	این‌س‌تراکشن	پەنەواتەی ـ دەسوور دەستوور ـ فێرکەری	تذکر،دستور،آموزش
instructor *n*	این‌س‌تراکتِر	دەرزدەر ـ ئامۆژگەر دەرس ویژ	مربی،معلم،مدرس

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
instrument *n*	این‌س‌ترامِنت	ئه‌سپاب ـ وه‌سیله ـ چت ـ چێو	ابزار،وسیله،آلت،سند
insult [1] *v*	این سالت	دژوێن دان ـ دژمان دای به ئه‌وه‌سۆڵنای	توهین کردن، فحش دادن
insult [2] *n*	این سالت	دژمانی ـ دژوێن ـ خراوه سۆڵنای	دشنام، فحش، توهین
insurance *n*	این‌شورنس	بیمه ـ مۆره‌ویاری ـ نگادار پارێزه‌ر	بیمه،حق‌بیمه،بیمه‌گری
intelligent *adj*	این تِلِجنت	به‌هۆش ـ زیره‌ک ـ وریا ـ ژیر	زیرک،باهوش
intellect *n*	این‌تِ‌لِ‌کت	ئه‌قل ـ فام ـ هۆش	عقل ـ فهم ـ هوش
intelligence *n*	این‌تلجنس	ژیری ـ زیره‌کی ـ وریایی	زیرکی،هوش،خبر
intend *v*	این‌تِند	گه‌ره‌ک بوون ـ گه‌ره‌ک بیه‌ی بڕیاردان	قصد داشتن، تصمیم گرفتن
intention *n*	این‌تن‌شِن	نیه‌ت ـ خه‌یاڵ ـ خیاڵ	قصد،نیت،منظور
interbreed *v*	این‌تِبرِیید	جووت بون (په‌یده‌رزه‌که‌ی)	با هم جفت‌گیری‌کردن
interest [1] *n*	این‌ترِست	نه‌فحه ـ قانجاز ـ منفه‌عه‌ت	سود،بهره،ربح،فرع،علاقه
interest [2] *v*	این‌ترِست	شه‌ریک‌کردن ـ چه‌شکه‌که‌رده‌ی	علاقمندساختن،جلب‌کردن
interfere *v*	این‌ترفیر	ده‌خاڵه‌ت‌که‌رده‌ی ـ خۆتێ‌گه یاندن ـ پاده‌رمیانی‌کردن	مداخله کردن،فضولی کردن
interference *n*	این‌ترفیرنس	ده‌خاڵه‌ت‌که‌رده‌ی ـ تێ‌گه یاندنه‌وه ـ پاده‌رمیانی	مداخله،دخالت،انگلک فضولی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
interior *n*	اینتریر	بەشی دەروون ـ دلێ	بخش داخلی، داخلی
		ناوی ناو ـ کرۆک	درون مرز
internal *adj*	اینترنل	باتنی ـ دەروونی ـ سروشتی	بخش داخلی، درونی
	(intern ـ کارآموز)	جەدلێ وە	باطنی
ministry of the interior *n*		وەزارەتی ناوخۆ ـ دلّی	وزارت کشور
international *adj*	این ترنشنل	بەین وملەتان بەینی ملەتەکان جیهانی	بین المللی ـ جهانی
interrupt *v*	این ترابت	وەرگرتەی ـ بەسەی ـ بەستن	قطع کردن، گسیختن، مزاحم
interval *n*	این ترول	بەین ـ مندرای ـ وێسان	وقفه، ایست ـ فاصله، مکث
interview [1] *n*	اینترویو	قسەکەری ـ وتوویژ ـ قسەوباس	مذاکره، مصاحبه
interview [2] *v*	این ترویو	قسەکەردەی ـ وتوویژکردن	مصاحبه کردن
into *prep*	این تو	بەلە ـ جە ـ ناوی ـ دلێ، بۆناو	به، در، داخل، به داخل
intransitive *n,adj*	این ترانزیتیو	فەرمانی لازم ـ فیعلی لازم	فعل لازم ـ ناگذرا
introduce *v*	اینتردیوس	ئەژناسنای ـ ئیشان دان	معرفی کردن، شناساندن
introduction *n*	اینترداکشن	سەرەتا ـ وەرنویس ـ ئەژناسنا	معرفی، دیباچه ـ مقدمه
invade *v*	این وید	تالان کردن ـ هەلّمەت دای ملەرەدای، هێرش کردن	یورش بردن، حمله کردن
invasion *n*	این وی ژن	هجوم ـ هەلّمەت ـ تالان	تهاجم، هجوم، یورش، تجاوز
invalid *n* (invalid ـ والید) *adj*	این ولید	زایف ـ کزـبێ تین ـ عەلیل	علیل، ناتوان، نزار ـ باطل

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
invent *v*	این وِنت	وەشکەردەی-سازین دروست کردن	اختراع کردن، ساختن
invention *n*	این وِن شِن	سازینە-کردەوە دروست بوو	ساخت،اختراع،خلاقیت
inventor *n*	این وِن تِر	دروستکەر-وەشکەر سازێنەر	مخترع، سازنده
investigate *v*	این وِس تی گیت	لێ پرسین-چەنە پەرسای	بازجوئی کردن تحقیق کردن
investigation *v*	این وِس تی گِشن	لێ پرسینەوە-پەرسایەوە چەنە پەرسی	بازجوئی،برسیدگی بررسی
invisible *adj*	این وی زی بِل	نقم-گوم-ون-ناپێدا نامەعلوم	ناپیدا،نامرئی،ناآشکار
invite *v*	این وایت	دەعوەدکەردەی-دەعوەت کردن	دعوت‌کردن،خواستن
invitation *n*	این‌وی‌تیشن	دەعوەد-دەعوەت-چڕیەی	دعوت، فراخوان
involve *v*	این والو	گرفتارکردن(کەردەی) بەکژەرەدای،گیروٚدەبون	شامل / متضمن بودن پیچیده‌کردن-درگیرشدن
inwards *adv,adj*	این وِدز	بەناوا-بەدلێرە-روەودلێ	به‌داخل،به‌درون-درونی
Iran *n*	ایران	ئێران-عەجەمسان	ایران، کشور ایران

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
Iranian *adj*	ایرانین	ئێرانی-خەڵکی ئێران	ایرانی، اهل ایران
Iraq *n*	ایراک	ئێراق-دەوڵەتوئێراقی	عراق، کشور عراق
iron [1] *n*	آیرن	ئاسن - ئتوو	آهن - اطو
iron [2] *v*	آیرن	ئتووکەردەی-ئتووکردن	اطو کردن
irregular *adj*	ایرگیولر	نامرەتەب-شپرز-توچیا	نامرتب،نامنظم،ناصاف
irregularly *adv*	ایرگیولری	شپرزی-نارێکی-نامرەتەبی	به طور نامرتب
irrigate *v*	ایریگیت	ئاودەردەی-ئاودێران	آبیاری‌کردن،شستشوکردن
irrigation *n*	ایریگیشن	ئاویاری-ئاودێری	آبیاری-آبرسانی
irritate *v*	ایری‌تِیت	توورەکەردەی-جرئەوردەی	عصبانی‌کردن،آزردن
island *n*	آیس‌لَند=آیلند	جەزیرە-وشکی‌چواردەورئاو	جزیره
islander *n*	آی‌لَندِر	جەزیرەنشین	جزیره نشین
isolate *v*	آی‌سِ‌لِیت	جیاوەکەردەی-جگێ کردن	مجزا ساختن، جدا کردن
israel *n*	ایزریل	ئسراییل لەقەبی یاقوب(ع)	اسرائیل
issue [1] *v*	ایسیو(ایسوو)	دان-دای‌بەردای-دەردان	دادن، صادر کردن
issue [2] *n*	ایسیو	بلاوکردنەوەبەش‌کەری،دەر	توزیع،صدور،انتشار،خروج
isthmus *n*	ایس‌تِمِس	وشکیێ لەبەینی دودەلیا	برزخ-تنگه‌خشکی-باریکه
it	ایت	ئانە - ئەوە(پاناما)	آن، آن را، ضمیر خنثی
itch [1] *v*	ایچ	ئاڵۆش‌کردن-کلاشیای	خاریدن، خارش داشتن
		خارش‌کەردەی-خوران	
itch [2] *n(itchy)adj*	ایچ	ئاڵۆش-خارش-کرنای	میل‌زیاد-خارش،خارشدار
item *n*	آی تِم	جۆر-کەرەت-قەڵەم	فقره،قلم-قطعه‌خبری،مورد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
heroine *n*	هِروئین	ژەنەی پاڵەوانە-ژنی پاڵەوان	قهرمان‌زن،شیرزن
hers *pron*	هِرز	ماڵی ئەو-ئینی ئەو-ئینو ئادێ (ئادێ)	مال‌او-زن(ضمیرملکی)
herself *pron*	هِرسِلف	خۆی-وێش-راناوی ملکی ژن	خودش(ضمیرانعکاسی)-زن
hesitate *v*	هِزی تِیت	دووشکبیەی-دوودڵ بوون	تردیدداشتن،دودل‌بودن
hesitation *n*	هِزی تِیشن	دوودڵ-دووشک-بەدگومان خانەگومان	دودلی،تردید،مکث
hide [1] *v*	هاید	شاردەی-ئەوەشاردن-پۆژنای داپۆشین	پنهان / مخفی کردن
hide [2] *n*	هاید	پێستی حەیوان-پۆسو حەیوانی - چەرم	پوست حیوان
high *adj*	های	بەرز-ها-بڵیند-هەوراز ئاسۆ-کەل-لووتە	بلند، مرتفع - بزرگ بلندی
highness *n*	های نِس	شاژەن - شای ژنان	والاحضرت،بلندی-ارتفاع
highway *n*	های وِی	شاراگەورەرا-بلاوەرێ،بەرزی	شاهراه، اتوبان
hijack *v*	های جَک	کەلوپەل‌دزین-تەیارەرفاندن	(هواپیما)ربایی‌کردن،سرقت‌مسلحانه
hijaker *n*	های جَکِر	تەیارەرفێن-تەیارەدز-دزوگاراجێ	(هواپیما / ترن /...) ربا
hilly	هیلی	لێژ- بەرەخوارکە	سراشیب،پُرتپه
hill *n*	هیل	تەپۆڵەخاک - تەپە	تپه، پشته،توده
him *pron*	هیم	بەئەو-بەئادێ (نێر)	به او، او را - مرد
himself *pron*	هیم سِلف	خۆی-وێش (نێر)	ضمیر انعکاسی، خودش

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
hind	هایند	دماین ـ دواین ، پشت	عقبی ـ پسین ، پشت
hinder *v*	هیندِر	بەرگری کردن ـ وەرگرتەی	جلوگیری کردن ، مانع شدن
hindu *n*	هیندو	هندو ـ هندستانی ـ گاپرس	هندو (پیرو مکتب هندو)
hinge *n*	هینج	ئەنجامە ـ لەولای دەر	لولا ، بند ، مفصل
hint 1 *v*	هینت	ئیشارەت کردن ـ ئیشارەکەردەی پەنەواتەی	اشاره کردن ، تذکر دادن
hint 2 *n*	هینت	لارەواتە ـ ئیشارەت ـ ئیشارە	کنایه ، اشاره ، تذکر
hip *n*	هیپ	لاقند ـ سمتێ ـ کەفەڵ	مفصل ران ـ کفل ، باسن
hippopotamus *n*	هی‌پِپوتِمِس (هیپوتمُس)	ئەسپی ئاوی	اسب آبی
hire *v*	هایر	کرێ ـ کرها ـ ئیجارە ، مز	کرایه ، اجرت ، اجاره ، کرایه کردن
his *adj,pron*	هیز	ئی نی نەو ـ ئی نوئادێ (پیاو)	مال او ... ش (مرد)
hiss *v*	هیس	جۆرەی دەنگ کەردەی هیس کردن ـ هوس کەردەی	هیس کردن ، هوکردن
hiss *n*	هیس	هیس ـ هوس ـ فس ـ فش	هیس ، هو
history *n*	هیستوری	تارێخ ـ مێژوو	تاریخ ، سرگذشت
historic *adj*	هیستوریک	تارێخی ـ مێژوویی ـ مەی شور	تاریخی ـ مشهور ، مهم
historical *adj*	هیستوریکال	تارێخی ـ مێژوویی	تاریخی
hit 1 *v*	هیت	داوەنەی ـ لێدان ـ هۆرتەق کەردەی	زدن ، ضربه زدن ، صدمه زدن
hit 2 *n*	هیت	شانس ـ گۆرانی ـ فیلمی پرتەرەفدار	شانس ـ ترانه / فیلم عامه پسند

ʌ cup · 3: bird · ə ago · eɪ day · əu go · aɪ five · au now · ɔɪ boy · ɪə near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
its *pron*	ایتس	سفه تی ملْکی-ئی نی ئه و	صفت‌ملکی *it*مال‌آن
itself *pron*	ایت سِلف	خۆی-وێش (زەمیربۆخۆ)	خودش(ضمیرانعکاسی)به‌خودش
ivory *n*	آی وِری	دەدانی‌فیل-ددانوفیلی-عاج	عاج، دندان فیل شیری رنگ
Ivy *n*	آی‌وی	لەولای ئاوی یاوەحشی	پیچک - عشقه
I-woo *vt*	آی‌وو	وۆگیان واتەی-خوازبێنی کردن، هیجوی	خواستگاری‌کردن - اظهار عشق کردن
I-word *n*		واته-وشه،کەلام-قسه	لغت - کلام - پیغام - گفتار
I-woe *n*	ونو	غەم-وەی‌رۆ-مەینەت،وئۆ	محنت - غم - گرفتاری
I-vow *n,vt*	واو	واوخۆداواتەی-نەزروەخوادان	نذر - نذرکردن

توجه: در کلمات *Vow - Woe - Word - Woo* **حرف** *(I)* **به امانت گرفته شده و معنی ندارد.**



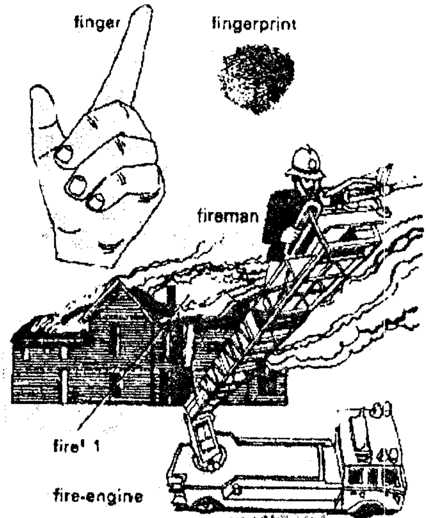
IBIS

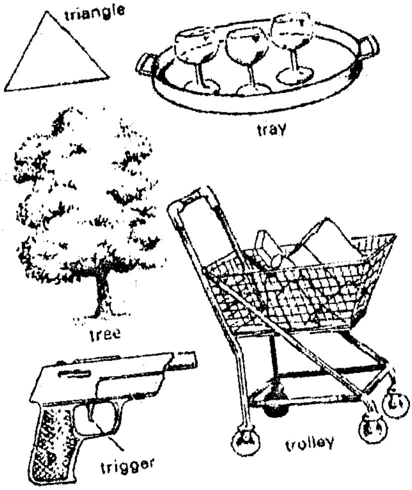


IRON



IBEX









J j

فارسی Persian	کُردی Kurdish	تلفظ Pronounciation	انگلیسی English
دهمین حرف‌الفبای‌انگلیسی	ده یه مین پیتی ئه لفبا	جِی	**J** *n*
خُوب	دەی بۆچی ـ جا(وشەی هەورامانی)	جا	**jaa** *prep*
فروکردن/بردن،سیخ‌زدن	پۆره چه قنای ـ پیا کردن	جَب	**jab** *v*
شغال	چه قەڵ ـ تخمورواسی	جَکُل	**jackal** *n*
نیم تنه، ژاکت ـ روکش	جا کەت ـ کراس ـ گجی	جَکیت	**jacket** *n*
دارای بریدگی ناهموار دندانه دار	ددانه دار ـ برگدار گرنج گرنج	جَجید(گید)	**jagged** *adj*
جگوار	جۆرێک یوزپڵەنگ یا پڵنگ	جَگوار	**jaguar** *n*
حبس، زندان	زیندان ـ بەندیخانه ـ گەور	جِیل (جِیل)	**jail** *or* **gaol** *n*
چپاندن، جا دادن ـ سفت شدن ـ ضرب خوردن	تەپنای ـ گواڵه گرتن ـ بەرەکه دلێ کەردەی ـ جێدان، تەکه	جَم	**jam** [1] *v*
تراکم، به هم چسبیدگی	شوارای ـ بەیەک لکان،حەچەڵ	جَم	**jam** [2] *n*
مربا	مرەبا ـ کولـاوی مێوه وشه کەر	جَم	**jam** [3] *n*

جوانرۆ

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
january *n*	جنیوری	ژانویه (ئه‌وه‌ڵ مانگی فه‌ره‌نگی)	ژانویه(ماه‌اول‌میلادی)
jar *n*	جار	پارچ‌ـده‌فری‌ده‌م‌پان‌کوزـمزریکه	ظرف‌ـپارچ،خمره‌ـبلندصدا
jaw *n*	جُ	که‌لوه‌ـچه‌ناکه‌ـزه‌نه‌خ	آرواره، فک
jazz *n*	جاز(جَز)	موسیقای جاز‌ـجۆره موسیقایه‌ک	جاز (موسیقی با ریتم تند)
jealous *adj*	چِلِس	حه‌سوودـرژدـوریا بێدار	حسودـغیور،مواظب
jealously *adv*	چِلِسلی	جه‌حه‌سوودی‌ـله‌دڵ‌ره‌شی	حسودانه
jealousy *n*	چِلِسی	حه‌سوودی ـ رژدی	حسادت، رشک
jean *n*	چینس(جینز)	شه‌روالی جین‌ـپارچه‌ی‌که‌تان جنسی‌که‌تانی	شلوارجین یا لی
jeep *n*	جیپ	ماشینی جیپ‌ـجۆریوه‌ماشین	جیپ
jeer *v*	چیِر(جیر)	ته‌شه‌ردان‌ـتانه‌دای به‌که‌سه‌ی‌خوای	مسخره کردن، طعنه زدن هو
jelly *n*	چِلی	چێوی‌لیق‌ـژلۆق چتی نه‌رم‌ونیا	ماده لزج، جسم ژلاتینی ژله
jeremiad *n*	چِری‌مای‌آد	ده‌ردی‌دڵ	درددل ـ شرح غم‌دار
jellyfish *n*	چِلی فیش	تۆتیاوده‌لیای‌ـکه‌رته‌شی‌ئاوی	توتیا (خارپشت دریائی)
jerk [1] *v*	جُرک	تون‌ته‌کان‌دان‌ـئه‌وه‌شه‌کنای	تکان تند / شدید دادن

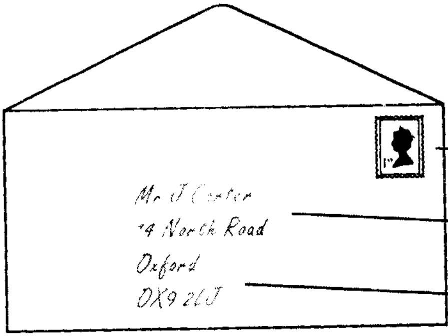
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
jerk [2] *n*	جُرک	شۆکە ـ تەکان ـ لەقنای	تکان شدید/تند، ضربه
		راوەشان کورکیان، لارەئامەی	ناکس
jersey *n*	چِرزی	ژێرکراس ـ چێرگجی	پلوور ـ زیرپیراهن کِشی
		ژاکەت	
jet *n*	چِت	فوارەـ تاوپژگـ تەیارەی جت، شەوێ	فواره، شیر ـ (هواپیمای) جت
jetty *n*	چِتی	باروز ـ بارخستی کەشتی	سد، بند ـ اسکله، بارانداز
		بارگەوکەشتی ـ سەدی ئاو	تە ویلیّ غرب پاوە
jewel *n (jew* جو*)*	جوول	جەواهێر ـ ئاڵتون، گەوهەر	گوهر، جواهر، یهودی
jingle *v*	جین گل	جرینگەجرینگ ـ هۆنراوە	صدای یکنواخت و تکراری
job *n*	جاب	پێشە ـ کار ـ شوغڵ، مقام	وظیفه، کار ـ شغل، حرفه
join [1] *v*	جوین	بەیەک لکاندن ـ بەیۆوەلکنای	پیوستن، متصل شدن ـ ملحق
		پەنەیاوای ـ پێ گەیین	شدن، ملاقات کردن ـ عضوشدن
joinery *n*	جوینِری	نەجاری ـ چۆتاشی	نجاری
join [2] *n*	جوین	جێی لکان ـ یاگەلکا	محل اتصال ـ وصل
joint [1] *n*	جوینت	جمگە ـ لەولا ـ وەسڵ، تریشکە	مفصل، بند ـ تکه گوشت، لولا
joint [2] *adj*	جوینت	بەیۆوە ـ پێکەوە	مشترک، مشاع، شرکتی
		لکا ـ پێوەرە	مزران
jointly *adv*	جوینتلی	شەریکی ـ هەومالّی	مشترکا: تواماً
		دووقۆڵی	شاهینی کامیاران
joke [1] *n*	جوک (جُک)	شۆخی ـ قسەی خۆش	جوک، لطیفه، شوخی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
joke [2] *v*	جُک	شۆخی کردن ـ قسه وه ش که رده ی	لطیفه گفتن، شوخی کردن
jolly [1] *adj*	جالی	سه روه ش ـ سه رخۆش ـ شۆخ ـ کۆک	شنگول، سرحال، شاد
jolliness [2] *adv*	جالی نِس	خۆشی ـ وه شی	بسیار شاد ـ دلشادی
jolt [1] *n*	جولت	ته کانه ـ له قاندنه وه، راوه شان	تکان ـ ضربه روحی
jolt [2] *v*	جولت	ته کان دای ـ جمنای ـ جواندن له قاندن، راوه شان	تکان دادن
journal *n*	جورنال (جِرنال)	مه جه له ـ رۆژنامه ده فتری رۆژانه	مجله ـ روزنامه دفتر روزانه
journalism *n*	جورنالیزم	رۆژنامه نووسی ـ رۆژنامه گه ری	روزنامه نگاری، خبرپخشی
journalist *n*	جورنالیست	رۆژنامه نووس ـ رۆژنامه نویس	روزنامه نگار
journey *n*	جِرنی	سه فه ر ـ مسافره ت	مسافرت، سیاحت
joy *n*	جوی	شادی ـ خۆشی ـ دڵ فه رێحی	شادمانی، سرور ـ لذت، حظ
joyful *adj*	جوی فول	شادمان ـ مه سروور ـ پرنیشات	شادمان، مسرور
joyfully *adv*	جوی فولی	به شادمانی ـ به سه رخۆشی یه وه	شادمانه
joyless *adj*	جوی لِس	خه مین و غه مبار	غمگین ـ ناشاد
judge [1] *n*	جاج	داوه ر ـ قازی	قاضی ـ داور ـ دادرس
judge [2] *v*	جاج	داوه ری کردن ـ نه زه ردای حوکم که رده ی	نظر دادن ـ داوری کردن
judgement *n*	جاج مِنت	داوه ر ـ نه زه ره ـ حوکم	قضاوت، داوری ـ نظر، حدس

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
judo *n*	جودو	جۆدۆ-جۆرەفەنێک بۆپاڵەوانی	جودو
jug *n*	جاگ	گۆزە-گۆشێ-ئافتاوێ	کوزه(دسته‌دار)ثُنگ
juggle *v*	جاگل	چەم‌بەسی کەردەی چاوبەسی کردن	تُردستی / شعبده بازی کردن
juggler *n*	جوگلِر	رەماڵ- چەم‌بەس جادووگەر-چاوبەس	شعبده باز، تردست حُقه باز
juice *n*	جوس	ئاومێوە-ئاوی‌مێوە،شیرە	آب (میوه / سبزی / گوشت)
juicy *adj*	جوسی	ئاودار-پەرئاو-پرئاو	پرآب،آبدار،پرسود
july *n*	جولای	ژوولای- حەفتەمین مانگەی‌میلادی	ژوئیه(ماه‌هفتم‌میلادی)
jumble *v*	جامبل	تێک‌دای-تێکەڵ‌بیەی ئاوێتەکردن	به هم زدن، در هم آمیختن
jump [1] *v*	جامپ	جمای-پرای-بازبەردەی قونین-پەرین-هۆرپرای	پریدن ـ از جا جُستن
jump [2] *n*	جامپ	پرا-بازی-قونی-جفتێ تەکانە-تەکە-پەرین	جست، پرش ـ تکان، هول
jumper *n*	جامپر	بلووز ـ بازبەر جورەی‌گجی-جاکەتی‌ژنانە	نیم تنه، بلوز، پلوور
junction *n*	جانک شِن	چوارریێ-دوەرا-وەسڵ	چهارراه،دوراهی،پیوند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
june *n*	جون	مانگی شه‌شه‌می میلادی-ج‌وون	ژوئن(ماه‌ششم‌میلادی)
jungle *n*	جان‌گل	دارستان-دارسان-جه‌نگه‌ڵ	جنگل
junior *adj*	جونیر	وردی-بچووک-گولاله‌ته‌ر	خردسال - دون پایه
junk *n*	جانک	شه‌خه‌ڵ-زوێڵ،چته‌کۆنه	آشغال،خرده‌ریز(اسقاط)
jury *n(pl,ries)*	جوری	گه‌لی داوه‌روعادڵ-ئه‌نجه‌نی‌باش	هیئت منصفهٔ دادگاه
		ویژان-کۆری قانونزان	به له بزان غرب پاوه
just [1] *adv*	جاست	عادڵ-ئیسه-ئێستاکه	درست، عیناً - الساعه، همین
		رێک- فه‌قه‌ت،که‌مێ	الان - چند لحظه پیش، یک
		به‌س	لحظه پیش - فقط،عادلانه
just [2] *adj*	جاست	به‌جێ-به‌یاگێ-به‌س	بجا، درست - عادل
		دادگه‌ر	وزارت دادگستری
justice *n(ministry of justice)*	جاستیس	عه‌داڵه‌ت-عینساف-داوه‌ر	قاضی - عدالت، انصاف - داد
justly *adv*	جاستلی	به‌راستی-هه‌قانه‌ت	به حق، به درستی
justification *n*	جاستی‌فی‌کی‌شن	مجه‌وز-نامه‌ی ره‌سمی	مجوز-تصدیق،توجیه
juvenile *adj*	جوون‌آیل	جوان-لاو-جوان ئاسا	جوان-جوان‌نما،بچه
juvenility *adv*	جوونی‌لیتی	جوانی ولاوی	جوانی - جوانان
juxtapose *v*	جاکس‌تِ‌پوز	لای یه‌ک‌نیان-پاڵویۆینبای	پهلوی‌هم‌گذاشتن
juxtaposition *n*	جاس‌کس‌تِ پوزی‌شن	به‌یه‌ک نزیک کردن	بهم‌نزدیک‌سازی-الحاق
			شاپور خواز (خرم‌آباد)
jyrra *n*	جیرّه	جیره ئامه‌ی(هاتن)	صدای بازشدن در

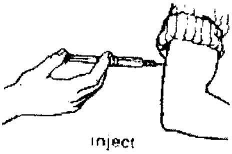
envelope



stamp

address

postcode



inject



ink

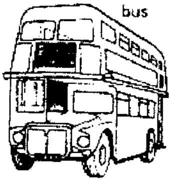


bunch

bulb 2



bus



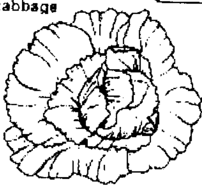
inn

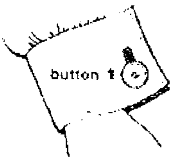




bungalow

cabbage





button 1

K k

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
K *n*	کِی	پیتی یازده یەم لە ئەلفبا	نام یازدهمین حرف الفبای انگلیسی
kaaw-kaawat *n*	کاو-کآوات	ئەشکەوتی پاوە، مەرەو کاواتی	نام غار معروف در اورامانات وگلوگاه در کوهستان
kaiser	کایزر	قەیسەری رۆم	قیصر
kale *n*	کِیل	جۆرەی کەلەمی تۆپی تۆپەکەلەم	جنس کلم ـ کلم پیچ گاواره له شاباد
kalahari Desert *n*	کالاهاری دیزرت	بیاوانی ئافریقای خواروو بیابانو ئافریقای وارینی	صحرای کالاهاری (در آفریقای جنوبی)
kangaroo *n*	کَنگَرو	کانگرو (جانەوەری گیاخۆری ئوسترالیا)	کانگارو (نمی دانم مائوری)
keen *adj*	کیین	ئاواتەواز ـ تاسە ئارەزوومەند ـ تیژ	مشتاق، آرزومند زی غرب پاوه
keenly *adv*	کیین لی	بە تاسەوە ـ بە ئاواتەخوازی دەقیقی ـ تیژی	مشتاقانه ـ زیرکانه ژاله ایناخی غرب پاوه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
keenness *n*	کیین‌نِس	وریایی ـ مدریکی ـ تیژ	تیزی ـ زیرکی
keepsake *n*	کیپ‌سِیک	یادگاری ـ دیاری	یادگار ـ یادگاری
keep [1] *v*	کییپ	گرته‌ی ـ به‌خێوکردن نگاده‌رده‌ی ـ راگرتن ـ دریژه پیدان به‌رگرتن ـ چه‌م‌داری‌که‌رده‌ی	گرفتن، داشتن، نگهداشتن ـ محافظت کردن، نگهداری کردن ـ اداره کردن، عهده دار شدن، بی حرکت ماندن
keeper *n*	کیپ‌پِر	نگادار ـ پاریزه‌ر چه‌م‌داری ـ پاسه‌وان	نگهبان، پاسدار
keep [2] *n*	کییپ	پێ خۆر ـ وارده‌مه‌نی خه‌رج	خرجی،معاش،خوراک
kennel *n*	کِنِل	لیانه‌وتووته‌ی یام‌رواسێ کولانه‌سه‌گ	لانه سگ،سگدان
keeping *n*	کی‌پینگ	هۆشیاری ـ چاودێری	نگهداری‌ـحفاظت،حراست
kerb *n(curb)*	کیرب	قه‌راخوخیابانی ـ جه‌دوه‌لی خیابان ـ لێوکه‌ناره	حاشیه پیاده رو / خیابان مهار ـ جدول
kerosene *n*	کِرزین	نه‌فته‌ی چه‌رمێ ـ نه‌وتی چه‌رمگ	پارافین ـ نفت سفید (چراغ)
kettle *n*	کِتِل	کتریه ـ کتری ئاسنین	کتری‌ـقوری‌فلزی
key *n*	کی	کرێل ـ کلیل ـ کلیلی ئامرازی موسیقا ـ مقام	کلید، سویچ ـ کلید، دکمه (در آلات‌موسیقی،...)ـ حل‌مسئله

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
keyhole *n*	کی‌هُل	جێ کلیل ـ یاگە کرێڵ	سوراخ کلید
khaki *adj,n*	خاکی ـ کا	بومەڕەنگ ـ خاکی ـ ماشی	خاکی، رنگ خاک ـ ماشی‌رنگ
kick [1] *v*	کیک	لەق شەنەی ـ شەق وەشاندن	لگد انداختن، لگد زدن
kick [2] *n*	کیک	لەق وشەق، جوتەکەر	لگد ـ احساس هیجان
kicker *n*	کیکِر	لەق وەشان ـ شەق شان	لگدزن ـ لگدزننده
kid *n*	کید	بزڵە ـ کار ـ مناڵ ـ کار مامز زەورۆ ـ شۆخی	بزغاله، بچه (از آن بشر)
kidnap *v*	کیدنپ	مناڵ دزین ـ زاورۆدزیەی بەشەربەردەی	بچه دزدی / آدم ربایی کردن
kidnapper *n*	کیدنپِر	بەشەردز ـ زەورۆدز مناڵ دز	آدم ربا، بچه دزد
kidney *n*	کیدنی	گۆجیلێ ـ کولیە ـ گۆجیلە	کلیه، قلوه
kiln=kil *n*	کیلن	وڵک، کیلیە ـ ئارگا (گراڵە)	آتش‌خانه، کوره
kill *v*	کیل	کوشتن ـ کوشتەی	کشتن، به قتل رساندن
killer *n*	کیلر	قاتڵ ـ گیان‌گیر ـ پیاکوژ (جاش)	قاتل، جانی، دژنده
kilogram *or* **kilogramme** *n*	کیلوگرم	ئەیرەوپیمای ـ نیشانی پێوان (۱۰۰۰ گرەم)	کیلوگرم (واحد اندازه‌گیری وزن) هزارگرم
kilo *n*	کیلو	بە جێی کیلوگرەم	مخفف *kilogram*
kilometre *n*	کیلومتر	کیلومتر (۱۰۰۰ متر)	کیلومتر (کیلومتر، ۱۰۰۰ متر)
km *n*	کیلومتر	هە زارمتر ـ کورتی کیلومتر	مخفف *kilometre*

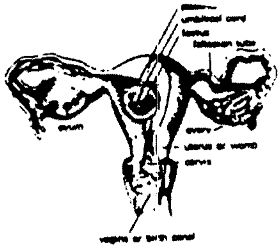
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
kirk *n*	کِک	کەنیسا ـ مزگی مەسیحیان	کلیسا
kin *n*	کین	خزمان ـ قەوم وکەس ـ خێشان قەومێ	قوم و خویش، فامیل
kind [1] *n*	کایند	نەوع ـ دەستە ـ گرۆ ـ پەل، جۆر	نوع،دسته،گروه،مهربان
kind [2] *adj*	کایند	خاس ـ عال ـ مێهرەبان ـ چاک	خوب، مهربان
kind - hearted *adj*	کایندهارتِد	دڵ فەرێح ـ دل وەش دڵ پاک ـ رووناکدڵ، رەعوف	خوش قلب‌ـ‌مهربان
kindness *n*	کایندنِس	مێهرەبانی ـ موحێبەت وەش خەندەرانی ـ خۆش کەلامی	مهربانی‌ـ‌لطف
kindle *v*	کیندل	رۆشن کەردەی ـ ئەرە گیسنای داگیرسان، سۆچنای	روشن شدن / کردن سوزاندن
king *n*	کینگ	شا ـ پادشا ـ سەرۆک	پادشاه،شاه‌ـ‌شهریار
kingdom *n*	کینگ‌دِم	سەڵتەنەت ـ پادشایی	سلطنت، پادشاهی
kiss *v*	کیس	ماچ کردن ـ ماچ کەردەی	بوسیدن، بوسه زدن
kiss *n*	کیس	ماچ ـ دەم لەبانی دەم (سێوی لبنانە)	بوسه،بوس،آب‌نبات
kit [1] *v*	کیت	تۆرەکە وکۆڵێ ـ توورەکەی کۆڵ ـ چن گلە ـ لاتای، ئامراز	کوله پشتی، باروبنه ـ کیت ابزار کار
knavish *adj*	نِویش	بەشەری ناپیاو ـ جاش باو	پستفطرت ـ فرومایه
kitchen [2] *n*	کیچین	مەدبەخ ـ یاگە چاشت ئاشپەزخانە ـ چێشت خانە	مطبخ، آشپزخانه
kite *n*	کایت	وابەرە ـ بابردک ـ بابرد، قاژی	بادبادک،کایت،زغن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
kitten=kitty *n*	کیتن	پشیلێ-پشیله-پشله یره،کتێ	بچه گربه، پیشی
knead *v*	نید	هەویرکردن-ئامێته کەردەی، هەمیرکەردەی،ماڵین	آمیختن، خمیر کردن ماساژ دادن
knee *n*	نی	ئەژنۆ-زەنگۆڵ	زانو
kneel *v*	نیل	چوارجامە پێکای-ئەژنۆدان	زانو زدن
knew *see* **know**	نُ	زانین - ئەژناسای	فهمیدن- شناختن
knickers *n*	نیکرز	چێرگجی ژەنانە-ژێرکراسی ژنانە	زیرپوش زنانه /دخترانه شلوار گلف
knave *n*	نِیو	جاش وخۆفرۆش-قاحبەباب	آدم بی‌شرف،نابکار
knife *n*	نایف	چەقۆ-چاقۆ-کاردی	کارد،چاقو،چاقوزدن
knight *n*	نایت	پیای عازا-کوری کورانە پیاوی ساحیب جەرگ وکەماڵ ودژەجاش	شوالیه،عیار
knit *v*	نیت	جاکەت چنیەی-جۆڵایی-چنین	بافندگی / کشبافی کردن
knitting *n*	نیت‌تینگ	بافای-چنیەی-جۆڵەی،بادان	کشبافی،بافندگی،اخم
knob *n*	ناب	دگمە-دەستەی دەر-پێچ جەر-کۆمر	دکمه، دسته، دستگیره
knock[1] *v*	ناک	کوای-کوتان-داوەنەی لێدان لەدرگا	زدن،کوبیدن، کوفتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
knock [2] *1.*	ناک	تەقەتەق-جیرەجیری دەر	صدای کوبیدن...درزدن
		تەقەوبەرەی،عەیب گری	ضربه زدن
knot [1] *n*	نات	لکە-لک-پەڵ،هۆشە	گره، خوشه
knot [2] *v*	نات	لک دای-لک دان-بەستن	گره زدن ـ بستن
know *v*	نو	ناسین-ئەژناسای	شناختن، تشخیص دادن
knowledge *n*	نالیج	زانست-علم-ماریفەت	دانش، علم، معرفت
knowledgeable *adj*	نالیجایبل	دانا-زانا-وریا-ئاگا	آگاه،دانا،وارد،مُطلع
knuckle *n*	ناکل	جمگە-بەندی دەست وپێ	بند انگشت
koran *n*	کورآن	قورعان ـ قورحان	قرآن
korean *adj*	کورین	کُرەای	کُرەای ـ خە ڵکی کورە
kordamal *n*	کوردەمال	رەش ماڵانی جاف-دَوار	سیاه‌چادر‌کُردان‌جاف
kordawari *adv*	کوردەواری	کوردەواری(باغی گوڵان)	مکان کُردزبانان
kudos *n*	کیوداس	قورب-حرمەت-رێز	اعتبار-احترام،ستایش
kosher *adj*	کوشِر	یاسای جوو-قانونو موسایی	در قانون یهود(حلال) ـ درست
kohl *n*	کول	سورمەی سوبحان-کڵە	شرمه ـ کحل
		کلی چاو رەشتن	که یمنه غرب باوه
kowmara *n*	کومَرَه	(جەمخانەی موغان)	(محل تجمع مُغان)
		شوێنێ کەلە خواری پاوەوە	نام دهی در غرب پاوه
kalian *n*	کلیان	ناوی دوشوێن لە پاوە کەلە	نام‌محلهایی‌در‌پاوه‌که
		مێژەوە ئارگاوکۆرەخانەبوە	به‌معنی‌کوره‌وآتش‌خانه‌است



KETTLE



VAGINA OR BIRTH CANAL



VOLCANO



VIOLIN



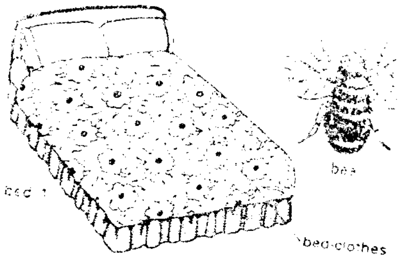
YOKE



OSTRICH



TOUCAN



L l

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
L *n*	اِل	پیتی دوازده یه می ئه لفبا	دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی
laawa *vt*	لاوه	لاوه ـ لاوه ره	دست‌بردار ـ وِل کردن
laager *adj*	لاجِر	قرالْ ـ دریّژی بیّ تین	دراز و لاغر و کم مایه
laager *vt,n*	لاجِر	ده واریان چادر هه لّدان ره ش مالّ	چادر زدن ـ چادر
label [1] *n*	لیبِل	به رچه سپ ـ تیکه چه سپ	برچسب ـ اتیکت
laboratory *n*	لَب رِتری	تاقی کردنه وه ـ لابراتوار	آزمایشگاه، لابراتوار
lab	لَب	کورت کراوی *laboratory*	مخفف *laboratory*
labour [1] *n*	لِ ییِر	کار ـ کاریگه ر ـ کریّکار	کار، تلاش ـ کارگر
labour [2] *v-n*	لِیبِر	زه حمه ت کیّشان (کیّشای)	زحمت کشیدن، رنج ـ زایمان
labourer *r*	لِیبِرِر	عه مه له ـ هه روه نه ـ کارگه ر فه عله	عمله، کارگر، شاگرد بنا
lace [1] *n*	لِیس	به ن پالّا ـ قه یتان شریت ـ توور	بند کفش ـ قیطان، نوار

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lacerate *v*	لاسِریت	درین ـ درنای، کوت کوتکردن	دُریدن ـ پاره کردن
lace [2] *v*	لِیس	بەبەن بەستن ـ تندبینای	با بند محکم / سفت بستن
lack [1] *v*	لَک	نەویەی ـ نەبوون ـ کەم بوون	فاقد بودن، کم داشتن
lack [2] *n*	لَک	نەویەـ کەمبوود ـ قاتی	فقدان، کمبود
lad *n*	لَد	لاو ـ تازەجوان ـ کورەجوانە	جوانک، پسربچه
ladder *n*	لَدِر	سردە ـ پەیجە	نردەبان
laden *adj*	لیدن	پەربار ـ داری پرمیوە، بارگیری	پُربار ـ بارگیری‌شده
ladle *n*	لیدل	مەلاقە ـ چەمچە ـ کەوجیز	ملاقه، چمچه
lady *n*	لیدی	خانم ـ ژنی ناودار	خانم ـ همسر لُرد
		ئوساژەن ـ دوس	و اشرافی
lag *v*	لَگ	سەرپوش نیای ـ ئارام لوای	آهسته‌تر حرکت کردن
		(روین) ـ لارولەنجەکردن	عقب افتادن
laid *see* **lay** *v*	لِی(لِید)	دانیان ـ هێلەکەردەی	تخم کردن ـ برزمین نهادن
lain *see* **lie** *v*	لای	لائەرەئاسەی ـ راکێشان	دراز کشیدن ـ دروغ گفتن
		درۆدای	
lake *n*	لیک	دەلیاچە ـ زەورۆدەلیای	دریاچه
lamb *n*	لم	بەرخ ـ وەرە	بره ـ گوشت‌بره
lame *adj*	لیم	شەل ـ کوچ ـ لەنگ، گێر	چلاق، لنگ ـ شل، ناموجه
lamely *adv*	لِیملی	عەترێ ـ شەلەشەل	لنگان لنگان
lamp *n*	لَمپ	گلۆپ ـ لامپ ـ چراوی ـ چرا	لامپ، چراغ
lamp - post *n*	لَمپ پُست	دارتەل ـ داربەرق ـ داربرق	ستون / تیر چراغ برق

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lampshade *n*	لَمپ شِید	پیرانه چراو-پیرانه چرا	حُباب چراغ ـ آباژور
		چرای خه و-چرای نورده ر	نور تاب
land [1] *n*	لَند	وشکی-وشکامی-زه وی-ملّک	خشکی،زمین،کشور،فرود
landlady *n*	لَندلیدی	ژنی مودیر-ژنی ساحیّب ملّک	مالک(زن)ـموديرزن
landlord *n*	لَندلُرد	پیاوی مالک-ساحیّویانه	صاحب ملک (مرد)
		مالّدار	موجر ـ ارباب
landscape *n*	لَنداسکیپ	دیمه ن-رووومه ت-روانگاه	منظره،چشم‌انداز،دورنما
land [2] *v*	لَند	ئه وه نشته ی-سه ری زه وی نیشتن	به زمین نشستن
		ئه وه دای	فرود آمدن
landing *n*	لَندینگ	خوارهاتن-سه روزه مینی ئه وه دای	فرود، ورود به خشکی
lane *n*	لین	کوّلّان-کووجیه-باریکه را	کوچه،جاده‌باریک،راه
language *n*	لَنگویج	زوانو قسه که رده ی-زوانی	زبان وسیله‌ارتباط
		ئه ده ب و قسان	
lantern *n*	لَنترن	چراو توّره-چراتوّر	فانوس، چراغ توری، چراغ
		چراوی ده سیه	
lap [1] *n*	لَپ	سور-خول-للّپه ئاو، ئه وشی	شلپ‌ـدور،گردش،دامان
lap [2] *v*	لَپ	لسپنای-لوشته ی-به زوان	با زبان خوردن ـ سرکشیدن
		چته ی خواردن-هوّرقوّرنای	
larder *n*	لادِر	پیّخوّرخانه-که نو	گنجه(خوراکی)دولابچه
		جیّ خوّراک	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
large *adj*	لارج	گەورە ـ باگەدار ـ جیّ دار	وسیع،جادار،بزرگ،گُنده
largely *adv*	لارجلی	گەورەتەر ـ زلتەر ـ گەورەتر	بیشتر ـ اکثراً
laser *n*	لیزر	لەیزر ـ تیژگی کۆکراوی نوور تیژگەونووری تەیوەتی	لیزر، اشعه لیزر
lash [1] *v*	لَش	شەلاخ دای ـ ئەوەبینای بەتەناف بەستن	شلاق زدن، بستن تکان دادن
lash [2] *n*	لَش	بژانگی ـ برژانگ شەلاخ	مژه ـ شلاق،تسمه شلاق
lasso [1] *n*	لاسُ	کەمەند	کمند
lasso [2] *v*	لاسُ	بەکەمەندگرتن ـ بەکەمەندگرتەی	کمند انداختن
last [1] *n*	لاست	ئاخر ـ ئاخرین ـ ویەردە رابردوو، قالّبی کەوش	آخرین، آخر ـ گذشته، اخیر
lastly *adv*	لاستلی	تاقیبەت ـ دیسانەوە ـ پاشان	بالاخره، در پایان
last [2] *v*	لاست	دریژەکیّشان ـ توول پەنەدای بەس بون ـ مەنەی ـ مان	طول کشیدن، دوام داشتن ـ ماندن، دوام کردن/ داشتن ـ بس بودن
late *adj,adv*	لیت	دیّر ـ دیّرەی، دیّرکرد، میّژ	دیر ـ تأخیر ـ مرحوم
lately *adv*	لیتلی	بەینیّوەن ـ دەمیّکە ماوەیکە	اخیراً، به تازگی
latest *adj*	لیتست	ئاخرین ـ تازەترین نویّ ترین	تازه‌ترین، آخرین

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lather *n*	لاثِر	که‌فه‌ساون ـکه‌فی سابوون ئاره‌قوئه‌سپی ـکف کردن	کف صابون - صابون‌زدن
latitude *n*	لَتی‌تیود(توود)	پانای جوغرافیایی ـعه‌رزی جوغرافیایی ـمه‌دْ	عرض‌جغرافیائی،آزادی‌عمل
latter *adj*	لَتِر	دماین ـئاخری ـئاخر	آخری،آخرـنهایی
laugh [1] *v*	لاف	خوای‌ـکه‌نین ـپریْ قه‌وه‌نه‌دای	خندیدن، قهقه سردادن
laughter *n*	لافتِر- لافتِر	ده‌نگوخوه‌ی ـپریْقه‌وخوه‌ی قاقاـده‌نگی پیْ که‌نین	صدای خنده، قهقهه
laugh [2] *n*	لاف	خوه‌ـکه‌نین ـقاقا ـقه‌قه	خنده، قهقهه
launch [1] *n*	لُنچ	ئاوگیْلی موْتردار ئاوگه‌ری موْتردار	لنچ، قایق موتوری پرتاب موشک
launch [2] *v*	لُنچ	به‌ئاوخستن ـبه‌ئاووسه‌ی	به آب انداختن - صادر کردن
laundry *n*	لُندری	لیباس شوْرخانه یاگیْ شته و لیباسان	رختشویخانه،لباس‌شستنی
lava *n*	لاوِ(لاوا)	ماده‌ی هه‌ویری ئاگرپژیْن فیشقه‌وکه‌شه‌ئه‌یرینه‌ی	مواد مذاب (کوه آتشفشان)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lavatory *n*	لَوِتری	کەناراوە ـ دەسشۆری	آبریزگاه، دستشویی
		کەناراو	مُسترا
law *n*	لُ	قانوون ـ هەقوّق	شریعت،قانون،علم‌حقوق
		یاسا و عورف	
lawyer *n*	لُویِر	وەکیل ـ هەقوّق زان	حقوق دان، وکیل دعاوی
lawn *n*	لون	چەمەن ـ سەوزایی	چمن
		چیمەن	
lawn mower *n*	لون‌مُوِر	چیمەن بر ـ چەمەن قرتێن	دستگاه چمن زنی
lay [1] *v*	لِی	هێلە کەردەی	گذاشتن، نهادن ـ تخم کردن
lay [2] *see* **lie**	لای	ئەرەنیای ـ دانیان	پهن‌کردن ـ چیدن
layer *n*	لِیِر	توّ ـ توێ ـ لا ـ چین	لایه،ورقه،برگه،طبقه
		قات	چینه
lazy *adj*	لِیزی	تەمەڵ ـ لاواز ـ نەکەرکار	تنبل، تن‌پرور
lazily *adv*	لِیزی‌لی	بە تەمەڵی ـ بە لاوازی	با تنبلی
lead [1] *v*	لید	ڕێنموونی‌کردن ـ بواردن	هدایت کردن ـ رهبری کردن
		رابەری‌کەردەی ـ پێش‌بردن	سبب بودن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
leader *n*	لیدر	را بەر ـ سەر دەسە	پیشوا، رئیس، رهبر
		سەرۆک	فرمانده
lead [2] *n*	لید	هەوسار ـ لەغاو ـ پەتە	پیشتاز ـ افسار، دهنه، اشاره
lead [3] *n*	لِد	سرپ ـ قورقوشم	شرب ـ مغزی مداد / اتود
		مەغزە مە داد	
leaf *n*	لیف	گەلاّ ـ وەرەق ـ وەڵگ	برگ ـ لنگه‌در ـ ورق
		لنگەبەرە ـ لابەرە	صفحه
leaflet *n*	لیفلِت	بە رگەی تەبلیّغات	برگ چاپی (تبلیغاتی،...)
		وەرەقی چاپی ـ بەرگی	نشریه، اعلامیه
		بلاّ کردنەوە	
league *n*	لیگ	پەیمان ـ یە کیەتی	مجمع، اتحادیه، عهد
		یۆبیەی ـ کۆمەڵ ـ گرۆ	
leak [1] *n*	لیک	وڵە ـ کون ـ تریشکە	سوراخ، درز، رخنه، ترک
		تکەوبانی ـ ترەکە ـ ترەک	روزنه ـ چکه
		دەلاّندن	
leaky *adj*	لیکی	ترەکدار ـ وڵدار	درزدار، ترک‌دار، چکه‌یی
		کوندار ـ شر	
leak [2] *v*	لیک	تکە کەردەی ـ دەڵنای	چکه کردن، نشت کردن
		دلاّندن ـ تکە کردن	
lean [1] *v*	لین	لاروبیەی ـ لاربوون	کج شدن ـ تکیه دادن
		نامیای ـ پالۆدان	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lean [2] *adj*	لین	لەر ـ لاواز ـ بێ تین	لاغر، نحیف
leap [1] *v*	لیپ	پڕای ـ پەڕین، قوڕنین بازبردن (بەردەی)	پریدن، جستن، جهیدن
leap [2] *n*	لیپ	بازی ـ تەکانی ـ قوڕنین ڕاپەڕین	پرش، جهش، ورجه
leap year *n*	لیپ یر	ساڵەی یەرەسەدوو شەسوشش ڕۆساڵی تەواو کات	کبیسه، سال کبیسه
learn *v*	لِرن	یادگرتەی ـ فێربوون خەبەرداربیەی ـ پێزانین	آموختن ـ از برکردن خبر یافتن
least *adv*	لیست	کەمترین ـ کەمتەرین وردیتەرین ـ بچووکترین	کمترین، کوچکترین
leather *n*	لِزر(لِدر)	چەرم ـ پۆسوگاوی پێستی وشک لەمالات	چرم، تیماج
leave [1] *v*	لیو	لوای ـ ڕووین ـ بەردان وەردای ـ دانیان	رها ساختن ـ رفتن به جاگذاشتن
leave [2] *n*	لیو	ئێجازە ـ مەرەخەسی	مرخصی، اجازه
leaves *see* **leaf**	لیف	گەڵا ـ گەڵا ـ گەڵایان گەڵاکێ	برگ ـ ورق
lecture [1] *n*	لِکچِر	قسەکردن ـ وتووێژ باس‌کردن، کۆبونەوە	سخنرانی ـ کنفرانس علمی خطابه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lecture [2] *v*	لِکچِر	قسه کردن ـ قسه کەردەی ئەوە دوای	شخنرانی کردن
lecturer *n*	لِکچِرر	قسه کەر ـ باس کەر ئەرەدوا	شخنران، مُدرّس
ledge *n*	لِج	لچ ـ رەفە ـ تاقچە پاسار ـ لێو ـ تاق	برآمدگی،لبه(صخره)،تاق لێوـ قەراخ
left [2] *n*	لِفت	چەپ ـ تەرەفی چەپ	چپ،دست چپ
left - handed *adj*	لِفت‌هندد	چەپ دەس (دەست چەپ)	چپ دست
leg *n*	لِگ	لنگ ـ پا ـ پایەی، پایە سەندەلی و مێز	پا، ساق پا ـ پایه (صندلی،...) ستون
legal *adj*	لیگِل	قانوونی ـ هەقوقی شەرعی	شرعی،قانونی،قضایی
legend *n*	لِچند	ئەفسانە ـ قسێ ـ راز ـ رازی	افسانه،قصه،زیرنویس
legible *adj*	لِجِبل	وازیح ـ رۆشن ـ روون ئاشکرا	واضح،خوانا،روشن
leisure *n*	لِ زر	فرسەت ـ ئاسایش ـ مەجاڵ	فراغت،فرصت،مجال
lemon *n*	لِمون	لیمو ئامانی ـ لیمووشک	لیموعمانی،لیموترش
lemonade *n*	لِمون‌ید	شەربەتو ئاولیمۆی ـ لیمۆناد	لیموناد،شربت‌آبلیمو
lend *v*	لِند	وام دای ـ قەرز دای (دان)	قرض‌دادن،وام‌دادن
length *n*	لِنگس	درێژایی ـ درێژی ـ قەد	قد،اندازه،طول،درازا،تکه
lengthy *adj*	لِنگسی	درێژ ـ درێژەدار	دراز، طولانی، مفصل
lengthen *v*	لِنگسِن	درێژ کردن ـ درێژە پە نە دای ـ درێژە پێ دان	دراز کردن / شدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lens *n*	لِنز	لنزی دووربین	لنز، عدسی (دوربین)
		شیشەی عەدەسی	شیشه عینک
leopard *n*	لِپرد	پاڵنگ ـ پڵنگ	پلنگ
less *adv*	لِس	کەم ـ کەمتەر	کم، کمتر
lessen *v*	لِسن	کەمکردن ـ کەمکەردەی	کوچکتر شدن / کردن
lesson *n*	لِسن	دەرز ـ دەرس	درس، عبرت
let *v*	لِت	ئیجازەدای ـ ئیزن دان	اجازه دادن ـ واگذار کردن
letter *n*	لِتر	پیتی ئەلفبا ـ گۆئە	حروف الفبا ـ نامه
		لفبایی ـ نامێ ـ نامە	لفظ
letter box *n*	لِترباکس	سەنۆقی پۆست	صندوق پست
		جەعبەو نامێ	
lettuce *n*	لِتیس	کاهوو ـ جۆرە گیایەک	کاهو
		خواردەمەنی	
level [1] *adj*	لِول	میزان ـ تەخت ـ ساف	هموار ـ برابر، همطراز
		کرکای کرک، مقام	تراز ـ رویه ـ رتبه
level [2] *v*	لِول	میزانکردن ـ تەختکەردەی	مسطح کردن / ساختن
lever [1] *n*	لِور	نوێڵ ـ دەیلەم ـ دەسە	دیلم، اهرم، دسته، میله
		تەور ـ مێڵ ـ تل دەر	
lever [2] *v*	لِور	بەنوێڵ تل دای ـ تل دان	با اهرم حرکت دادن
liable *adj*	لای‌اِبل	سزاوار ـ تاوانبار ـ جوابگۆ	مسئول ـ سزاوار ـ محکوم
		پائامە ـ بەپێ هات	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
liar *n*	لایر	درۆزن ـ درۆوێژ	دروغگو
liberty *n*	لیبرتی	ئازادی ـ سەربەوی	آزادی،رهایی
		سەربەخۆیی	امتیاز
library *n*	لیبرری	کتێب خانە ـ کتێوخانە	کتابخانه
librarian *n*	لیبررین	کتێودار ـ کتێب دار	کتابدار،متصدی‌کتابخانه
lice *see* **louse** *n*	لئوز	سپێ ـ هەش پشێ	شپش
licence=license *n*	لای سنس	جواز ـ گەواهینامە	گواهینامه، جواز، پروانه
		پەروانە ـ ئیجازە ـ سەنەد	
license *v*	لای‌س‌نس	ئیجازەدان ـ جوازدای	جواز دادن، اجازه دادن
lick *v*	لیک	لێسای ـ لێسین ـ لسپنای	لیس زدن، لیسیدن
lid *n*	لید	دەرپۆش ـ بەرەو	درپوش،سرپوش،کلاهک
		دەفری ـ پێلاّی چەمی	
lie [1] *v*	لای	لائەرە ئاسەی ـ راکێشان	دراز کشیدن ـ قرارداشتن،
		مەنەی ـ بوون ـ بیەی	بودن
lie [2] *v*	لای	درۆوتن ـ درۆدای	دروغ گفتن
		هووشەکەردەی	
lie [3] *n*	لای	دروی ـ دروی ـ درۆ،هوشێ	دروغ
lieutenant *n*	لیوتِنِنت	ستوان ـ سەرپەل ـ سەرگرۆ	ستوان ـ نایب، دستیار
	(لِف‌تِنِنت)	یاری دەر	
life *n*	لایف	حەیات ـ زینگی ـ حیات	زندگی ـ عمر ـ بیوگرافی، حیات
lifetime *n*	لایف‌تایم	یەک عەمرە ـ درێژی ژیان	مدت‌زندگی، یک‌عُمر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lift [1] *v*	لیفت	هۆرگرتەی ـ هەڵگرتن	برداشتن، بلند / بالا کردن
		سەرلوای (چوون)	
lift [2] *n*	لیفت	ئاسەنسۆر ـ سەربەر	آسانسور ـ کمک
		بان بەر	سواری‌مجانی‌ـبالابری
light [1] *n*	لایت	چرا ـ نوور ـ ڕۆشنایی	روشنایی، نور ـ چراغ، لامپ
		چراقوە ـ فەندەک	
lighting *n*	لای‌تینگ	نوورـرووناکیـڕۆشنا	نورـروشناییـپرتو
light [2] *adj*	لایت	ڕۆشنـسووکـشۆڵە	روشنـسبک،کم‌وزن،شاد
lighten *v*	لایتِن	ڕۆشن کردنـگی‌سنای	سبک کردن / شدن،
		سووک کەردەی‌باری	روشن کردن / شدن
light [3] *v*	لایت	گلۆپ ئەرەگی‌سنای	روشن کردن (لامپ،...)
		ڕۆشن‌کەردەیـداگرسان	
lightning *n*	لای تنینگ	بەرقی‌ئاسمانـبرووسکە	صاعقه‌ـبرق (آسمان)
		چەخماخانی، ترێشقە	آذرخش
like [1] *v-n*	لایک	گەرەک‌بیەی ـوەش‌وە	دوست داشتن، خواستن
		نەئامەی ـ حەزکردن‌لە	همانند ـ یک‌جور
liking *n*	لای‌کینگ	حەز ـ وەش ئامەی	میل، تمایل ـ ذوق
		مەیل ـ خۆش‌هات‌لە	علاقه
like [2] *prep*	لایک	وەکـپسەوـعەینوو	مانند ـ مثل، شبیه به
likely *adj*	لایک‌لی	ممکینەن ـ وادیارە مەخونچیۆ ـ ڕێک	احتمالیـمناسب،محتملاً

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
likeness *n*	لایکنِس	شکل دای ـ شێوەشیە	همانندی، شباهت
		لێچوو ـوەک ـپسە	تشابه
likewise *adv*	لایکوایز	هە روا ـ هەرپاسە	همچنین،نیز،همینطور
		پاجۆرە،ئاوا	
lily *n*	لی‌لی	گوڵزەمەق ـسۆسەن	زنبق، سوسن
limb *n*	لیم	ئەندام ـ تخمە شێتان	اندام، عضو، دست، پا
		پەل(دەس ـپا)لەقی‌دار	بال
lime *n*	لایم	لیمۆ ترش ـلیمۆ	لیمو ترش، لیموعمانی
		ئامانی ـ ئاهەک	آهک
limit [1] *n*	لی‌میت	سنوور ـمەرز ـحدود	سرحد، کناره، حد
		سەرحەدْ ـ ئاخر	مرز
limit [2] *v*	لی میت	جیاوە کەردەی ـ جگێ	محدود کردن، منحصر کردن
		کردن ـتەیوەتی‌کەردەی	
limp [1] *adj*	لیمپ	نەرم ونیا ـ ترتووئەوە	نرم ـ خم‌شو،شل
		قە مچیا ـ نیان	
limp [2] *v*	لیمپ	شە لای ـ درنگەئامەی	لنگیدن، شلیدن
		شەل بوون	
limp [3] *n*	لیمپ	شە ل ـ ئی‌فلیج	پای لنگ، لنگ
line [1] *n*	لاین	خێرە ـخەت ـوەرێسە	سطر، خط ـ طناب
		گروێس ـ دێڕ ـ تەل	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
line [2] *v*	لاین	رزدای ـ دەرپۆش نان خەت کێشان	به صف آوردن ـ سرپوش گذاشتن، مشخص
linen *n*	لینن	جنسی کە تانی ـ پارچەی کەتان ـ پارچەی نەیین (دەزگی)	پارچه کتان، پارچه نخی ملافه
lining *n*	لای‌نینگ	ئاستەر ـ ئاسەر	آستر ـ لنت‌ماشین
link [1] *n*	لینک	هەلقێ زەنجیری ـ چلۆ سکە ـ مەشعەلە ـ وەسڵ	حلقه/دانه‌زنجیربربط رشته
link [2] *v*	لینک	پێوەرەبینای ـ بە یە کابەستن ـ وەسڵ کردن	به هم پیوستن، وصل کردن
lion *n*	لاین	نەرەشێر ـ شێری نێر	شیرنرـشیرمرد
lioness *n*	لاین‌س	شێری مای ـ مێنگە شێر	شیر ماده
lip *n*	لیپ	لێو ـ لچ	لبـلبه‌هرچیز
lipstick *n*	لیپ‌استیک	لچ سوورکەر ـ ماتیک لێو قەڵەم	ماتیک، روژلب
liquid *n*	لیکوید	وەک ئاو ـ ئاوئاسا ڕەوان و تەڕ ـ نەخت	مایع ـ نقد
liquid *adj*	لیکوید	ئاوەرەنگ ـ ئاوەکی ئاوشێوە	آبکی
list [1] *n*	لیست	ناوئاخن ـ سوورە تە مینووت ـ فێرست	لیست، فهرست، صورت
list [2] *v*	لیست	سوورەت‌گرتەی ـ فێرست‌گرتن	لیست کردن، فهرست کردن

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
listen *v*	لی‌سن	گۆشکەردەی-گۆشدای	گوش کردن / دادن
lit *see* **light** *adj*	لایت	گوێ گرتن(دان)چراوی سووک-رۆشن-نوور	نور ـ سبک، نورانی
literature *n*	لیترِچِر	ئە دە بیات	ادبیات،فرهنگ،ادبی‌مردم
litre=liter *n*	لیتر	لیتر-ئایەرەیاعەیارێوە پەی‌هۆرگۆسای-عەیارەی‌گۆستن	لیتر واحد سنجش مایعات
litter *n*	لیت‌تِر	زویڵ ـ شەخەڵ ـ رۆڵە و حەشێ‌یام توتەی	آشغال، زباله ـ توله‌ها برانکار
little [1] *adj*	لی‌تِل	وردی ـ بچووک،کەم چکۆلە ـ گولالە	کوچک،قدکوتاه،کم
little [2] *adj*	لی‌تِل	کەم-تۆزەی-کەمێ-بڕەی	کم، نه زیاد ـ خیلی کم، اندک
live [1] *v*	لیو	ژیانکردن-زیندەبیەی عمربیارای	زندگی کردن، زنده بودن اقامت‌داشتن،امرارمعاش‌کردن
living *adj*	لیوینگ	زینگی ـ ژیان ـ زیندە زیندوو	زنده‌ـزندگی،بقاء
live [2] *adj*	لایو	زیندوو ـ سه رزیندە	زنده‌ـ پرانرژی
lively *adj*	لایولی	دڵ تەڕ-شۆخ-زندەدڵ	پرجنب‌وجوش،شاداب
liver *n*	لیوِر	جەرگ-یەهەر،ناوسک	جگر، کبد
lizard *n*	لیزِرد	مارمیلکە-مەزوورکی-قمقمە	بزمجه، مارمولک
load [1] *n*	لود(لئود)	بار ـ کۆڵ،بارگیری	محموله،بار،ظرفیت

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
load [2] *v*	لود (لئود)	بارکەردەی-بارکردن تفەنگ پەرکەردەی	بار کردن ـ پُرکردن اسحله
loaf *n*	لوف (لئوف)	نانەی ساقە ـ خە پلێ کولێرە (کولێرێ)	گِردەنان ـ قُرص نان
loan *n*	لون (لئون)	قە رز ـ وام	وام، قرض
loan [2] *v*	لون (لئون)	قەرزدای ـ قەرزدان وامدای (دان)	قرض دادن، وام دادن
loathe *v (loath)*	لوز (لئوز)	بێزاربیەی-رق لێ هاتن قین لێ هاتن (ئامەی)	متنفر بودن، نفرت داشتن
lobster *n (crab)*	لابستِر	قارژنگی دەلیای قرژانگی دەریا	خرچنگ دریایی
local *adj*	لوکال(لئوکل)	وێمانە ـ خۆمانی ناوچەیی ـ ناوخۆ	موضعی، محلی ـ داخلی
locate *v*	لوکیت	لە جێ دانیان ـ ئە رە	تعیین محل کردن، یافتن
		مە رزنای ـ ئە رەنیای	مستقر کردن
		مە علووم کردن	
location *n*	لوکِیشن	یاگێ ـ جێ ـ فرسەت	مکان، موقعیت ـ مسیر، جا
lock [1] *n*	لاک	قوڵف-پشکۆڵە، گێس	قفل، کاکُل ـ گیسو
lock [2] *v*	لاک	قوڵف کەردەی(کردن)قوڵف دان	قفل کردن / زدن
locker *n*	لاکِر	گەنجە-سەنۆق-یەغدان ولیباسان-کومدی دەردار	گنجه کلیددار ـ محفظه

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
locust *v*	لوکِست	قولمە ـ کوللە	ملخ ـ آقاقیا
lodge *v*	لاج	یانە گرتەی ـ ئوتاق گرتن	اتاق اجاره کردن ـ جادادن
		ماڵ کرێ گرتن، ناردن	فرستادن
lodger *n*	لاجِر	یانەگیر ـ ماڵ گر ـ کرێ نشین	مستأجر، کرایه ده
		ماڵ (ئوتاق) کرێ کەر	
lodging	لاجینگس	ئوتاقی کرێ ـ یانە	اتاق کرایه‌ای / اجاره‌ای
		و کرهادای	
log *n*	لاگ	تەمووەدار ـ ناوەدار ـ تاوپێو، دار	کندهٔ درخت ـ سرعت‌سنج، الوار
lonely *adj*	لون‌لی (لئونلی)	تەنیا ـ بێ کەس ـ پەشێو	تنها، بی‌کس ـ خلوت، غریب
long [1] *adj*	لانگ	درێژ ـ ئەوەنە وریا ـ زۆر	مدید، طولانی، دراز، زیاد
		فرە وەخت ـ درێژی	طول، درازا
long [2] *adv*	لانگ	کاتێ زۆر ـ وەختە یکی فرە	مدت مدیدی ـ مدتها
long [3] *v*	لانگ	ئارەزوو و ئومێد هە	آرزو داشتن، اشتیاق داشتن
		بوون ـ ئارەزووکەردەی	
longitude *n*	لانجی‌تیود	درێژی جوغرافیایی	طول جغرافیائی
look [1] *v*	لُک	تە واشا کردن ـ بە یاد	به نظر رسیدن / آمدن
		ئامەی ـ پەی دیای، روانین	نگاه کردن
look [2] *n*	لُک	تەماشا ـ نەزەرە ـ دیا پەی	نظر، نگاه ـ ظاهر، قیافه
gooDlooks *adj*	لُکس	زەریفی ـ جوانی سباشی	زیبایی، خوش قیافگی
loom *n*	لووم	دەزگا و جۆڵەیی	دستگاه بافندگی
		دەزگای بافتن و چنین	نمودار

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
loop *n*	لووپ	هەڵقی ـ لکە جە	حلقه،پیچ ـ گره،چنبر
		وەریسە ـ پێچە تەناف،گرێ	
loose *adj*	لووس	لەق ـ شل ـ ئەوە کریا	آزاد، رها، شل،هرزه
		خاوـواز ـ ئالاو،خیز ـ حیز	لق
loosen *v*	لووسِن	شل کردن ـ ئەوە کەردەی	باز کردن، شل کردن
		واز کەردەی	
lord *n*	لُرد	پیاگەورە ـ ئاغا	لُرد ـ آقا ـ ارباب،مالک
		دەس لوا	
lorry *n* =**truck**	لاری (لُری)	ماشینی باری	کامیون ـ بارکش
lose *v-n*	لووز	گم کەردەی (کردن)	گم کردن ـ باختن
		جە دەس دای ـ لە دەس دان	شکست، نابود
loss *n*	لاس	زەرەر ـ لە تمە ـ خسارەت	خسارت،زیان،ضرر،باخت
lost *adj*	لاست	گم ـ ون ـ نقم ـ نادیار	ناپیدا،گم‌شده،تباه
lot *n*	لات	حەرفرە ـ زۆر ـ بەش ـ لەت،گرۆ	مقدار زیاد ـ بهره ـ قسمت،قرعه
lotion *n*	لوشِن	ئاودەرمان ـ داروی ئاودار	لوسیون ـ آب دارو
			محلول
lotus *n*	لوتِس	داری سدر ـ لەولاوی ئاوی	نیلوفر آبی ـ درخت سدر
loud *adj*	لَود ـ لاود	دەنگی بەرز ـ دەنگی	بلند، رسا ـ پُرصدا
		قۆر ـ بەرز و قیڕان	گوش خراش
loudly *adv*	لَودلی	بەدەنگی توندوبەرز	با صدای بلندورسا
		بەدەنگی ئەوەیاوا	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
loudspeaker *n*	لود اسپیکِر	بڵەنگۆ ـ تنذگۆ	بلندگو
		توندوێژ ـ بە رزواچ	
		دەنگ فرەکەر	
lounge *n*	لَونج	دیوی حەسانەوە، قەرار	اتاق استراحت ـ لم دادن
		ئوتاقە و لا ئاسەرەی	آرام راه رفتن
louse *n*	لَوس(لَتوس)	هە شپشی ـ سپێ	شپش(کتاب ـ چوب)
lousy *adj*	لَوزی	هە شپشەین ـ سپێدار	شپشو ـ بد
love [1] *v*	لاو	وەش گەرەک بیەی	دوست داشتن ـ عشق
		حەز لێ کردن	ورزیدن
lovable *adj*	لاوابِل	وەش وەنە ئامە ـ دۆس	محبوب، دوست داشتنی
		حەزلێ هاتن، ئازیز	نازنین
loving *adj*	لاوینگ	حەزلێ هاتوو ـ حەزلێ	عشق ورزی ـ مهربان
		کەری ـ وەش چەنە ئامەی	
lovingly *adv*	لاوینگ لی	جەرووەووەشەویسی	با علاقه ـ از روی مهر
		بە شەوق و ئلاقە	
love [2] *n*	لاو	ئەوین ـ ئشق ـ فرە	علاقه شدید، عشق ـ محبت
		وەش چەنە ئامە ـ حەز	
lovely *adj*	لاولی	دڵ کێش ـ وەش وەنە	دوست داشتنی، دلربا
		ئامە ـ نمەکین و جوان	زیبا
low *adj*	لو(لَتو)	واری ـ خوار ـ نزم ـ کۆڵ ـ کەم	کوتاه، پایین ـ صدای بم ـ کم
love-child *n*	لاوچایلد	زۆڵ ـ بەچکەجاش	بچه حرامزاده ـ تخم حرام

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lower *v-n*	لوِور	وارئەوردەی جەمقامی،خوار	پایین‌آوردن/کشیدن ـ رسوا
		خوارکێشان ـ زایف کەردەی، وار	زیرین، پایین‌تر
lowland *n*	لولَند	دەشتە ـ پانایی	دشت، فلات
		دەشتی بلاَو	
loyal *adj*	لویال	وەفادار ـ باوەفا ـ راستکار	وفادار، پابرجا ـ صادق
loyalty *n*	لویالتی	باوەفایی ـ راستی	وفاداری ـ صداقت، اخلاص
luck *n*	لاک	بەخت ـ بەختە ـ ئیقبال	شانس ـ اقبال ـ بخت
		شانس	یمن
lucky *adj*	لاکی	وەشبەخت ـ وەش قەدەم	خوشبخت ـ باسعادت، بهروز
luckily *adv*	لاکی‌لی	شانسی ـ هەلکەوت	شانسی، خوشبختانه
		هۆرکەوت ـ خوداشوکر	
luggage *n*	لاگیج	باروسەفەری ـ جێ لیباس	بارونبه سفر، اثاثیه (سفر)
		کۆلۆباری سەفەر	توشه
lukewarm *adj*	لوک‌وِم	نیمەگەرم ـ شۆتینە	ولرم ـ نیم‌گرم
		نیمەسارد (سەرد)	کم اشتیاق
lullaby *n*	لالی‌بی(بای)	لای‌لای ـ لایەلای رۆلەگیان	لالایی ـ خواب‌کردن بچه
lump *n*	لامپ	کلۆ ـ قۆقز ـ بەشەری نگبەت	تکه(بی‌قواره) ـ آماس ـ کلوخه
lumpy *n*	لامپی	قاییم ـ ئەستوور	زمخت ـ کلفت ـ موج‌دار
		ناکلۆکار ـ للپ‌دار	ناصاف
lunatic *adj*	لون‌تیک	دێوانە ـ شێت	دیوانه، مجنون، سفیه
lunch *n*	لانچ	نانەونیمەرۆی چێشتی نیوەرۆ	ناهار / نهار

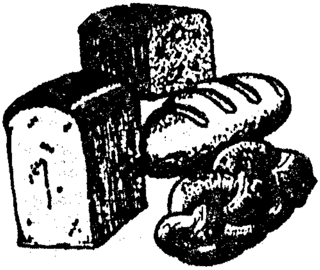
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
lung *n*	لانگ	شۆشی ـ سی	شش،ریه،جگرسفید
lurk *u*	لُک(لُرک)	وێ هه‌شاردای، پارێز	درکمین‌نشستن،پنهان
		خۆداگرتن‌ـوێ ئه‌ره‌گرته‌ی	ماندن (به قصد سوء)
lust *n*	لاست	شه‌هوه‌ت ـ زرناقی	شهوت، نفس‌اماره
		زۆڵ ـ دڵ‌ته‌ری	میل زیاد
luxury *n*	لاک شِری	وه‌شی ـ ناز و نێعمه‌ت	تجمل، نعمت ـ خوشی
		خۆش‌رابردن،لوکس‌باو	کالای لوکس
luxurious *adj*	لاگ ژِریس	وه‌ش گوزه‌ران ـخۆش	لوکس،تجملی،مجلل
		رابوار‌ـته‌جه‌ملاّت،رازاندن	
lying - in *n*	لاینگ‌این	زارۆ زای ـ زان	زایمان
		مناڵ‌هاوردن	
lying - in hospital *n*	لاینگ این	زایشگاه ـ یاگێ زای	زایشگاه
	هاسپیتال	زاگا ـ جێی زان	
lyceum *n*	لای‌سیم	بنکه‌ی ئه‌ده‌ب ـ قسه‌گا	جای‌سخن‌رانی‌ـ بنگاه‌ادب
lymph *n*	لیمف	له‌نف ـ خوێناو	کالبدشناسی ـ لنف
lynch *v*	لینچ	بێ‌لێ‌پرسین‌کوشتن	بدون‌محاکمه کُشتن
lynx *n*	لینگ‌کس	جۆره‌جانه‌وه‌رێکه‌سه‌گباو	سیاه‌گوش (گربه‌سانان)
lyre *n*	لیر ـ لایر	چه‌نگ وعوود	بَربط ـ چنگ
lyric *n*	لیریک	ئاواز ـ غه‌زه‌ڵ	غزل‌ـشعرغنایی،آوازی
lynx-eyed *adj*	لینکس‌آید	چاوتیژ‌ـچه‌م‌تێژ	تیزبین
lyrics *npl*		هۆنراوه‌کانی‌غه‌زه‌ڵی	عزلیات‌ـاشعارغنایی



LADLE



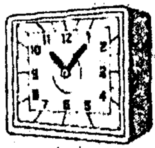
LIFE JACKET



LOAF



cloud

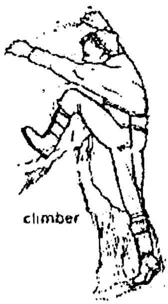


clock



خسرو دوم (خسرو پرویز)
۵۹۰ – م





M m

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
M	اِم	سیزده مین پیتی ئه لفبا	سیزدهمین حرف الفباء
mamma *n*	ماما	ئالیٚ ـ ماماگه وریٚ، دادا	مادربزرگ
macabre *adj*	مِکابر	سامدار ـ خوٚفناک	خوفناک ـ ترسناک
macadam *n*	مِکَدم	ورده به رد ـ تو ه ن فه رش	قلوه‌سنگ، آسفالت‌سرد
macaroni *n*	مَکِرونی	ماکاروونی ـ جوٚره رشته یه ک له گه نم سازئه بیٚ	ماکارونی ـ نوعی رشته‌فرنگی
machine *n*	ماشین(مِشین)	ماشین ـ ده زگا	ماشین، دستگاه، سازمان حزبی
machine - gun *n*	مِشین گان	تفه نگی خودکار ـ ره شاشه	مُسلسل ـ تیربار
machinery *n*	مِشین ری	ده زگاکیٚ ـ ماشین و چیٚو ـ ئامرازی ماشین	ماشین آلات ـ دستگاه
mackintosh *n*	مِکین تاش	وارانی ـ کوتری بارانی وارانی کورت	(لباس) بارانی
mad *adj*	مَد	هاروهاج ـ شیٚت ـ بیٚ ئه قلٚ	دیوانه، هار ـ ابله، احمق
madly *adv*	مَدلی	بیٚ ئه قلاٚنه ـ شیٚتانه	احمقانه، ابلهانه ـ دیوانه‌وار
madam *n*	مَدِم	ئوٚسا ژه ن ـ خانمه ـ خانِم	بانو، خانم، مادام
magazine *n*	مِگِزیین	مه جه له، خه شاو ـ زاخه	مجله، خشاب، انبار مهمات
magic [1] *n*	مَجیک	جادو ـ سیٚحر ـ فیٚلٚ	سحر، جادو ـ تردستی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
magical *adj*	مَجیکال	جادویی ـ سێحردار	جادویی ـ سحرآمیز
magically *adv*	مَجیکلی	به جادوگەری ـ به فێڵ	از طریق جادوگری
magician *n*	مِجیشن	رەماڵ ـ جادووگەر	شعبده‌باز،جادوگرـساحر
magic [2] *adj*	مِجیک	جادویی ـ خیاڵی سێحراوی	سحرانگیز، سحرآمیز
magnet *n*	مَگنیت	ئاسن کێش ـ ئاسن رفێن ـ مه قناتیس	آهنربا ـ مغناطیس
magnetic *adj*	مَگنِتیک	مەقناتیسی‌ـهوا وکێشای هێزی کێشان بۆ ئاسن	مغناطیسی ـ جذاب
magnificent *adj*	مَگنی‌فی‌سنت	گەورەـشکۆوجەلال	مجلل،باشکوه‌ـعالی،والا
magnificently *adj*	مَگنی‌فی‌سنت‌لی	به شکۆ ـ به گەورەیی	با عظمت
magnify *v*	مَگنی‌فای	گه وره نیشان دان شاخوباڵ پەنه دای	بزرگ نشان دادن لاف زدن
maid *n*	مِید	کناچێ‌ـدایانەـکچ‌ـنۆکەر	کلفت، خدمتکار زن ـ دختر
maiden *n*	میدن	کناچێ عازەوە ـ کچ	دوشیزه،دختر،آغازین
mail *n*	میل	زرێ‌ـ پۆست ـ نامەو بەسەی پۆستی	پست،نامه‌هاوبسته‌های‌پستی
main *adj*	مین	بەشی‌زۆر ـ کوتی فره موهێم	اصلی، عمده ـ شاه‌لوله
mainly *adv*	مین‌لی	به تەواوی‌ـبەگردوگردۆـزۆرتر	به طور عمده ـ اساساً
maintain *v*	مین‌تین	نگاداری‌کەردەی‌ـچاودێری کردن ـ به خێو کردن	نگهداری‌کردن ـ ادامه‌دادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
maize *n*	میز	زەراتی ـ گەنمە شامیە زەرات	ذُرت، بلال
majestic *adj*	مِجستیک	شاهانە ـ بە شکۆ و فەرەوە	باعظمت ـ شاهانه
majestically *adv*	مِجستیکلی	گەورە و سەرفەراز سەربەفەر	با شکوه ـ باقر
major [1] *n*	میجر	جەگردی بانتەرین زۆربەی گشت، گەورەتر	مهمترین، عمده‌ترین برتر
majority *n*	مِجاریتی	فرەتەر ـ زۆرتر لە هەموو ـ تەواوەتی	غالب، اکثریت
major [2] *n*	میجر	سەرگورد ـ عامل هێز سەرگرۆ ـ گەورە	سرگرد(درارتش)ـ اعظم
make *v*	میک	وەش کەردەی ـ دروست کردن ـ سازین ـ هانەدان هەڵنیان	ساختن، درست کردن ـ به دست آوردن، کسب کردن، برنده شدن ـ وادار ساختن، مجبور کردن / ساختن
make - up *n*	میک آپ	ئارایش ـ وی رازنا، سازین	آرایش ـ گریم ـ ترکیب‌کردن
malaria *n*	مِلِری (مالاریا)	مەرەزی مالەریا ـ ناوەشی یاوولەرزی ـ تەوی مێش	مالاریا، بیماری مالاریا
male [1] *adj*	میل	گیانداری نێر ـ نێرۆک	جنس‌مذکر، جنس‌نر، مردانه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
male [2] *n*	میل	نێر ـ نێروٚکه ـ پیاوانه	مذکر، نَر ـ مردانه
malnutrition *n*	مل‌نیو تریشن	نه‌خوٚشی که‌م‌خواردن که‌م‌ژه مه نی	سوء تغذیه
mammal *n*	مَمِل	جانه‌وه‌ری گواندار	حیوان پستاندار
man *n*	مَن	ئنسان ـ مروٚف ـ به‌شه‌ر	مرد ـ انسان، آدم، بشر ـ شخص
mankind *n*	مَن کایند	تخمی به شه ر جوٚری به شه‌ر	نوع بشر، آدم
man - made *adj*	مَن مید	به شه‌ر ساز که‌رده ده‌ست سازی ئاده‌م	ساخته دست بشر مصنوعی
manage *v*	مَنیج	پیاگه‌یین ـ عه‌داره که‌رده‌ی،	اداره/کنترل کردن، گرداندن
managment *n*	مَنیج منت	سه رپرسی ـ مودیری کارزانی، کونتروٚڵ	مدیریت ـ اداره ـ کاردانی
manager *n*	مَنیجِر	مودیر ـ سه‌رپرس ـ ره‌یس	مُدیر ـ رئیس، گرداننده
mane *n*	مین	یاڵ ـ یالێ تی تکێ	یال اسب
mango *n*	منگو	داری نان له ئافریقا جوٚرێوه‌مێوه‌ی خه‌ربزه‌شکڵ	منگو، انبه، درخت انبه
manner *n*	مانِر(مَنِر)	ته‌رێقه ـ ره‌فتار ـ شێوه ره‌وشت، جوٚر	شیوه، روش ـ لحن ـ رفتار نوع
manual *adj*	مَنیوال	ده‌ستی ـ ده‌سی	دستی، کتاب دستی، راهنما
manually *adv*	مَنیوالی	به ده‌ست ـ به ده‌س	با دست
manufacture [1] *v*	مَنیوفَک‌چِر	وه‌ش که‌رده‌ی ـ به‌عه‌مه‌ڵ هاوردن ـ سازین	با ماشین تولید انبوه کردن ساختن

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
manufacture [2] *n*	مَنیوفَک چِر	سازـسنعەت‌ـخۆش‌کرد	صنعت، ساخت، تولید
many *adj*	مِنی	فره ـ زۆر ـ فه راوان	خیلی، زیاد، متعدد
map *n*	مَپ	نەقشەـنەخشەی‌جوغرافیا	نقشه، نقشه جغرافیا
marbel *n*	ماربل	بەردی‌مەرمەرمووری	مرمر، سنگ مرمر ـ تیله
		بیل‌ـتۆپەنی‌خلەرەـخرەبەرد	
march [1] *v*	مارچ	رێژه لوای ـ رێوەروین	مارش رفتن، رژه رفتن
		بەجۆری‌نزامی‌ـبەقەتارلوای	
march [2] *n*	مارچ	رێژه ـ بە قە دەم چوون	مارش، رژه ـ آهنگ رژه
march *n*	مارچ	مانگی‌سێیەمی‌میلادی	مارس(ماەسوم‌میلادی)
		سه رحه د ـ مه رز	
margarine *n*	مارجرین	جۆرێک که ره ـ که	مارگارین ـ کره‌خارجی
	(مارگِرین)	رێوه تایوه‌تیه	
margin *n*	مارجین	دەور ـ حاشیه ـ قەراخ	حاشیه، کناره کاغذ سفید
		په راوێز، فەرق	تفاوت
mark [1] *n*	مارک	ئیشان ـ نمره ـ جێ	لکه،خط‌ـنشانه،نمره‌ـمُهر
		پولی ئاڵمان ـ مۆر	اثر ـ هدف
mark [2] *v*	مارک	نمرەدای ـ دیاری	لکه‌دارکردن ـ خط‌زدن
		کەردەی‌ـعەلامەت‌نان	
market *n*	مارکت	بازار ـ بازار و دوکان	بازارـنرخ
marry *v*	مَری	مارەکردن ـ زه ماوەند	ازدواج کردن ـ عقد کردن
		کەردەی ـ شوودای	

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
marriage *n*	مَریج	زه‌ماوه‌ند ـ شووکردن	عروسی،ازدواج،نکاح
marsh *n*	مارش	مێرگه ـ مێرگ ـ زه‌لاوه	مرداب، باتلاق
martyr *n*	مارتِر	شه‌هید ـ کوژران بۆ خودا	شهید
martyrdom *n*	مارتِردِم	شاده‌ت ـ شه‌هاده‌ت	شهادت
marvelous *adj*	مارولوس	عه‌جایب ـ عه‌جه‌یوات	شگفت‌آور ـ عجیب، محشر
masculine *adj*	مَسکیولین	جنسی نێر ـ مه‌ردانه پیاوسفه‌ت	جنس نر ـ مردانه
mask *n*	ماسک	نه‌قاو ـ رووبه‌ند رووپۆش	ماسک، نقاب
mass *n*	مَس	کلۆپه ـ گرۆره ـ گه لێک ـ به‌شی زۆر	توده، انبوه ـ جمعیت انبوه جرم ـ شام آخر
massacre [1] *v*	مَسِکِر	ره‌گه‌زکوشی که‌رده‌ی به‌ تێکرا کوشتن	کشتارکردن،قتل عام کردن
massacre [2] *n*	مَسِکِر	گردکوشی ـ گشت کوژی کوشتار	قتل عام، کشتار دسته‌جمعی
mast *n*	ماست	دارته‌ل ـ تیره‌که ـ کۆڵه‌که	دکل، تیربرق
master *n*	ماستِر	ره‌ییس ـ سه‌رۆک ـ ئاغه	ارباب، رئیس ـ آقا
mat *n*	مَت	حه‌سیره ـ پالاوه‌ژی ـ قورگیر	حصیر، بوریا ـ پادری
match [1] *n*	مَچ	کرمیت ـ شقارته ـ گۆرد فتیله، جوت، نه‌زیر	کبریت،چوب‌کبریت ـ فتیله همانند ـ برابر
match [2] *n*	مَچ	ته‌قالا ـ مسابێقه ـ کی به‌رکێ باش بوون ـ رێک بیه‌ی	مسابقه، رقابت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
match [3] *v*	مَچ	جۆربیەی ـ باش بوون ڕێک بیەی	جوربودن، مناسب بودن
mate [1] *n*	میت	لف ـ لنگە ـ رەفێق یار ـ دۆس	دوست، همکار ـ جفت لنگه
mate [2] *v-n*	میت	نزیکی‌کەردەی‌ـرەفێق تێکەڵبوون ـ لکای	جفتگیری‌کردن‌ـ وصلت همسر
material *n*	مَتیریَل	جنس ـ مادە ـ پارچە	ماده،مصالح‌ـپارچه‌ـکالا
mathematics *npl*	مَتِمَتیکس	ریازی‌ـئەندازەوحەساب	ریاضیات ـ علوم‌ریاضی
mathematical *adj*	مَتِمَتی‌کال	ریازی‌ـئەندازەوحەساب	ریاضی‌وابسته‌به‌آن
matron *n*	میترِن	ژنی مودیر ـ ژنی ماڵ ژەنی سەرپەرەستارە	سرپرستاربیمارستان‌ـکدبانو مدیر
matter [1] *n*	مَتِر	مادە ـ چێو ـ چت ـ مە تلەو ـ مەسەلە ـ چڵک	ماده ـ مطلب ـ چیز زحمت، دردسر
matter [2] *v-n*	مَتِر	مهێم‌بیەی‌ـمهێم‌بوون	مهم بودن ـ اهمیت
mattress *n*	مَتِرس	دۆشەک ـ دۆشەکە چێرووز ـ ژێرخەر	تشک خواب
mature *adj*	مِتوور	عازەو‌ـباڵق‌ـیاوا‌ـگەییگ	بالغ ـ کامل ـ سررسید
maximum [1] *n*	مَکسی‌مِم	نەهایەت‌ـئەوج‌ـئاخر	حداکثر، نهایت ـ اوج
maximum [2] *adj*	مَکسی‌مِم	فرەترین ـ زۆرترین بانتەرین	بیشترین، حداکثر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
may *n*	می	مانگی پەنجەمی میلادی	مه (پنجمین ماه سال میلادی)
may *v-n*	می	مومکن بوون ـ ئیجازەدای گەهاز ـ مومکینە	ممکن بودن ـ اجازه داشتن، امید داشتن ـ شاید
maybe *adv*	می‌بی	مومکنە ـ گەهاز ـ رەنگە	شاید ـ ممکن است
me *pron*	می	بە من ـ پە م ـ بە ئە من	مرا، به من (ضمیر شخصی مفعولی)
meal *n*	میل	چاشتی ـ پێخۆر ـ پەتڵە وڵۆشە ـ برۆێش	غذا، خوراک ـ بلغور
mean [1] *adj*	مین	پەس ـ رژد ـ پە ست	نامهربان، خسیس
mean [2] *v*	مین	گەرەک بیەی ـ معنی دان	معنی دادن ـ قصد داشتن
meaning *n*	مینینگ	مەعنا ـ مانا	معنی
means *n*	مینز	ماڵ ـ چێو ـ وەسیلە رەوشت	وسیله، راه، روش ـ پول دارایی
meanwhile *adv,n*	مین‌وایل	لەم کاتەـ چی وەختەنە	در این هنگام
measure [1] *n*	مِژر	ئەندازە، کار، پەیمانە	اندازه، لایحه، ارزیابی
measure [2] *v*	مِژر	ئە ندازە گرتن ـ ئە ندازە گرتەی	اندازه‌گرفتن، سنجیدن
measurement *n*	مِژرمِنت	ئەندازە، پەیمانە	اندازه، پیمانه
meat *n*	میت	گۆشت	گوشت (حلال)
mechanic *n*	مِکانیک (میکانیک)	مە کانیک ـ تەعمیرکەر	مکانیک، تعمیرکار
mechanical *adj*	میکانیکل	مە کانیکی ـ کارلەسەری	مکانیکی، خودکار
mechanically *adv*	میکانیکالی	بەجۆری کاری و مە کانیکی	به طور مکانیکی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
medal *n*	میدال	نیشان ـ نیشانه مەداڵە	مدال، نشان
medicine *n*	مِدسن	دەرمان ـ دەوای ـ حەکیمی	پزشکی ـ دارو
medical *adj*	مِدیکال	حەکیمی ـ پزیشکی دوگدوری	طبی، پزشکی
medium *adj*	میدیَم	وەسەت ـ مابەین وەسیلە، محیط	متوسط، میانه ـ وسیله احضارکننده ارواح
meet *v*	میت	ملاقات کەردەی ـ هۆرتەق کەردەی ـ چاوپێ کەوتن	ملاقات کردن / شدن آشنا شدن
meeting *n*	میتینگ	پێوەره ـ جه مۆبیەی کۆر ـ جەمگە، دیدار	جلسه، گردهم آیی ـ مجمع
melody *n*	مِلدی	ئاهەنگ ـ بەزم ـ مقام	ملودی، آهنگ اصلی، نوا
melon *n*	مِلن	خەربزە ـ کاڵەک	خربزه
melt *v*	مِلت	ئه وەتاونای ـ تاواندن ئاوکەردەی	ذوب کردن / شدن حل کردن
member *n*	مِمبِر	ئەندام ـ جملە ـ بەش ـ لەق	عضو (گروه / دسته) ـ اندام
membership *n*	مِمبِرشیپ	جه جملە ـ لە ئە ندام جه رگه ـ مەربووت	عضویت ـ وابستگی
memory *n*	مِموری	زەین و هۆش ـ یاد ویرئامه ـ حافزه	حافظه ـ خاطره، یادگار
menace *n*	مِنیس	خەتەر ـ هەرەشە ـ هەرەشێ	تهدید، خطر، ارعاب

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mend *v*	مِند	وەشۆکەردەی-خاسۆکردن	مرمت کردن، تعمیر کردن
mental *adj*	مِنتال	رەوانی - رۆحی خیاڵی - زەینی	روحی،روانی،دماغی-فکری
mentally *adv*	مِنتالی	جە نەزەرە و رۆحی لەباری رەوانی و ئەقڵی	از نظر روحی - عقلاً
mention *v*	مِن شِن	واتەی - وتن - ئیشارە کەردەی - ناوبردن	ذکر کردن - نام بُردن
menu *n*	مِن یو	مینووت-فهرس (ناوئاخن) بەرگی چێشت	منو، لیست غذا فهرست امکانات
merchant *n*	مِرچینت	تاجر-ماڵخەر-بازرگان	تاجر، بازرگان
mercury *n*	مِرکیوری	جیوە-زیوک-شیشە پۆش	جیوه،سیماب،عطارد
mercy *n*	مِرسی	رەحم-بەزەی-رەحمەت	رحمت،بخشش،برکت،عفو
merciful *adj*	مِرسی فول	دڵوازـرەحیم-کەریم سە خی - بە خشەر	رحیم، بخشنده - کریم
mercifully *adv*	مِرسی فولی	لەروی مە رحە مە ت لتف و کەرم	از نظر بخشندگی
merciless *adj*	مرسی لِس	بێ رە حم - دڵ رق ناپیاو	سنگدل، بی رحم
mercilessly *adv*	مِرسی لس لی	بێ رە حمانە - بە دڵ رەشی	بیرحمانه
mere *adj*	میِر	بەس - جەوەر - بەنا لەبەر	صرف،محض-تنها

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
merely *adv*	میرلی	فەقەت-تەنیا-بەس	فقط - صرفاً
merit [1] *n*	مریت	شایستە - لایق - قابل	لیاقت،شایستگی،سزاوار
merit [2] *v*	مریت	سزاواربیەی-لایق بوون	سزاوار بودن
merry *adj*	مری	شاد - سەرخۆش دڵشاد-کۆک-مرەئامەی	خوشحال، شادمان
merrily *adv*	مری‌لی	شادمانە - بە دڵشادی بە وەشی و نیشات	شادمانه - ازروی نشاط
merry-go-round *n*	مری گُروند	چەرخۆفەڵەک	چرخ فلک
mess [1] *n*	مس	پیس - نارێک بێ نەزم - خۆراک	کثیف، نامرتب - خوراک مانده
messy *adj*	مسی	چەپەڵ-پیس-شپرزی	نامرتب،کثیف،درهم برهم
mess [2] *v*	مس	شێواندن - نامرەتەب کەردەی - شیونای	نامرتب کردن - بهم زدن
message *n*	مسی ج	پێخام - پێغام	پیام، پیغام
messenger *n*	میسِن جِر	پێخام بەر- پێغام گەیێن	فرستاده، پیامبر - قاصد
metal [1] *n*	متِل	فلز - تونی پەی تون فەرشی،بەردفەرش	فلز - سنگ فرش
metal [2] *adj*	متِل	فلزی	فلزی
meter *n*	میتر	کونتۆر - حەساوگەر مەسرەف وێژ	کنتور - مصرف‌نما وزن شعر
method *n*	مِتُد	متۆد - رەوش - شێوە تەرێقەونەزم	متُد،روش،طریقه،نظم

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
metre *n*	میتر	میتر ـ متر ـ گه زەی	متر(۱۰۰ـ cm)
metric *adj*	میتریک	میتری ـ متری	متری، متریک، اندازه‌ای
miaow *v*	میوو	میاو ـ ده نگو کتێ دەنگی پشیله	میو (صدای گربه)
microcomputer *n*	میکروکامپیوتر(مایکروکامپیوتر)	کامپیو تری بچووک (وردی)	کامپیوتر کوچک، رایانه کوچک
microphone *n*	مایکرفون	میکرۆفۆن ـ ده نگ‌گیر وه سیلێوه ئه‌مواجێ	میکروفون لفظ فرانسه صدابر
meteorogical *n*	مِتئوروجیکال	سه‌و تیێ مه گێرۆـهه‌و اناسی	هواشناسی
microscope *n*	مایکروسکوپ	وه سیلێوه چێوێ نه وینیای ئی شانه‌مه‌دۆ	میکروسکوپ(فرانسه)
midday *n*	میدِی	نیمه‌رۆ ـ نیوه‌رۆ	نیمروز،ظهر،ظهری
middle [1] *n*	میدل	ناوه ڕاست ـ به ین دلێ‌ڕاسه ـ ناوه‌ند	میان، وسط، مرکز
middle [2] *adj*	میدل	وه‌سه ت ـ میانه مابه‌ین	میانه، متوسطـوسطی
midnight *n*	میدنایت	نیمه شه و ـ شه وگار زره نگیای	نیمه شب
might [2] *n*	مایت	قۆره‌ت ـهێز ـقوه ـزۆر	قدرت،نیروـ زور
mighty *adj*	مایتی	به هێز ـ گوربز ـ وه کار شه جێع	مقتدر، نیرومند ـ زیاد

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
migrate *v*	مای‌گریت	کۆچ کەردەی ـ بار کەردەی ـ کۆچ کردن	کوچ / مهاجرت کردن
migration *n*	مای‌گریشن	کۆچ ـ بارکەری جێ‌بەجێ‌بون (ئاخ‌کۆچ!)	کوچ، مهاجرت
mild *adj*	مایلد	ئارام‌ـئەمن‌ـمەلایم‌ـنتم	آرام، ملایم ـ نرم
mile *n*	مایل	پێمە ریوە وەرانوەر بەهەزاروششسەدمترێ	مایل لفظ فرانسه برابر با ۱۶۰۰متر
military *adj*	مای‌لی‌تری	نیزامی و سەربازی	نظامی‌ـنظام‌ـارتش
milk[1] *n*	میلک	شۆت ـ شیر	شیر(خوردنی) ـ دوشیدن
milkman *n*	میلک‌مَن	شیر فرۆش ـ شۆت ورەش	شیرفروش
milk[2] *vt*	میلک	شیردۆشین ـ شۆت دۆشای (خەفەت‌بسۆچی)	شیردوشیدن
mill *n*	میل	ئاش ـ ئاساو ـ کارخانە ـ هارەر ـ ددانە	اسیاب ـ کارخانه، کارگاه
millet *n*	میلیت	هە رزان و تالاّن	ارزان
million *n,adj*	میلیون (میلیون)	ملیۆن ـ ملوێن ـ هە زار ـ هە زارێ	میلیون
millionaire *n*	میلینر	ملیۆنر ـ دارا ـ پوڵدار	میلیونر، پولدار
mime *n*	مایم	گاڵۆگەسەی‌ـئیشارە،لاساوێ کردن (کە ردەی)	باایماءواشارەفهماندن، مقلد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mimic *v*	مای میک	عیفال بەر ئە وردەی	دلقک بازی درآوردن
		ئاسانیێ کەردەی۔دەم وچاو	تقلیدی
		لارۆ کردن،لاساوێ	
mimic *n*	مای میک	عیفالێ۔ئاسانیێ،لاساوێ	ادا، تقلید ـ مسخره
		دەم لارکەری ـ تەقلید	
mince [1] *v*	مینس	قیمه ـ گۆشت چەرخ	گوشت چرخ کردن - قیمه
		کردن ـ ورد کەردەی	کردن
mince [2] *n-v*	مینس	گۆشتی ورد کریا	گوشت چرخ کرده
		گۆشتی چه رخ کراو	با ناز سخن گفتن
mind [1] *n*	مایند	فکر۔ویر۔نەزەر۔نیەت	اندیشه،فکر،نظر،هوش
mind [2] *v*	مایند	هۆشیاربیەی ـ یاد	مراقب / مواظب بودن ـ نفرت
		ئە وردەی ـ چاودێری	داشتن،متنفر بودن، توجه
		کردن۔بیزیای۔دوری کردن	کردن
mine [1] *n-pron*	ماین	ئی نی من ـ ئی نووئه	مال من (ضمیرملکی شخصی)
		من ـ مالی من	
mine [2] *n*	ماین (مین)	کانگه ـ مه عدەن ـ کان	کان، معدن ـ مین
		سەرچاوە۔بلەبەنگە۔مین	
mine [3] *v*	ماین	دە رهاوردن ـ کە ندن	برای استخراج حفرکردن
		زەمین کەنەی۔کیبەرەوەنەدای	مین گذاری کردن
miner *n*	ماینر	کانچی۔مەعدەنچی۔کانکەن	معدنچی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mineral *n*	مینرال	کانی ـ مه عدەنی	معدنی ـ کانی
mineral water *n*	مینرال واتر	ئاوی مەعدەنی ـ ئاوی	آب معدنی ـ آب‌چشمه
		چەمەی ـ ئاوی کانی	
miniature *adj*	مینیچر	مینیاتۆر ـ نەقاشی	مینیاتور ـ نقاشی کوچک‌شده
		بچووک ـ نەقاشی وردی	
		ئەوەکریا(غەریوی مەرگەن)	
minimum[1] *n*	می‌نی مِم	کەمترین ـ کە متەرین	حداقل ـ پایین‌ترین
minimum[2] *adj*	می‌نی مِم	خوارترین ـ وارتەرین	کمترین
minister *n*	می‌نی‌ستر	وەزیر ـ کەشیش	وزیر ـ کشیش،کاردار
ministry *n*	می‌نی	وەزارەت خانە ـ کۆری	وزارت‌خانه،وزارت
	ستری	وەزیران ـ کۆگاووەزیران	
minor *adj*	مای نِر	وردی ـ بچووک ـ بریوە	جزئی، کوچکتر ـ مختصر
minority *n*	مای نریتی	بەشی کەم ـ مەردمی کەم	اقلیت(نژادی،ملی)
minus *prep*	مای‌نِس	بەمینها ـ کەم کردنەوە	(درغم‌حساب) منها
			منفی(-)
minute[1] *n*	می‌نی‌ت	کات ـ تاوەی ـ دەقە	دقیقه ـ یادداشت
		دەییقە	صورت جلسه
minute[1] *adj*	می‌نی‌ت	فرە بچووک ـ فرە ورد	ریز، خیلی کوچک ـ ناچیز
		نەختەی ـ زورچکۆلە	
miracle *n*	میرکل	مۆجزە ـ عە جە یبات	معجزه ـ کار عجیب
miraculous *adj*	میرکیولس	سەرسوورمان ـ عەجەیواتی	شگفت‌انگیز ـ معجزه‌نما

انگلیسی English	تلفظ Pronounciaiion	کُردی Kurdish	فارسی Persian
miraculously *adv*	میرکیولس‌لی	به‌جۆری سه‌رسوورمان	به طور حیرت انگیز
mirror *n*	مای رِر	ئاوێنه ـ ئه‌ینه ـ جام	آینه ـ جام
misbehave *v*	میس‌بی‌هیو	خراوه‌که‌رده‌ی ـ دروست	بدرفتاری کردن
		ره‌فتار نه‌کردن	بی‌ادبی‌کردن
mischief *n*	میس چیف	فیتنه ـ دووزوان	اذیت، شیطنت، شرارت
		ئه‌زیه‌ت ـ ناپیاگی	فتنه
mischievous *adj*	میس‌چی‌وِس	زۆڵ ـ شێتان، فیتنه	شیطان ـ موذی ـ مُضر
		جه‌ڵه‌ب ـ ناساق (جاش)	تخس
misery *n*	می‌زِری	به دبه‌ختی ـ سیاچاره	درماندگی، بیچارگی، رنج
		داماگی ـ بێ شانسی	
miserabie *adj*	می‌زِرابِل	بێچاره ـ به دبه خت	ناراحت‌کننده ـ بدبخت
		سووک ـ سیابه‌خت	پست، سیه‌روز
misfortune *n*	میزفورچن	به‌دشانسی ـ په‌ی نه‌وری	بدبختی، بدشانسی
		داماگی	
miss *v*	میس	گم‌که‌رده‌ی ـ جه‌ده‌س‌شیه‌ی	از دست دادن، اصابت نکردن
		نه‌پێکای (نه‌پێکان) ـخه‌تاکردن	گم کردن، مفقود ساختن
		بگاردن ـ ویارای جه‌چه‌م ـ نیاوای	دلتنگ شدن ـ نرسیدن
miss *n*	میس	وشه‌ی تایبه‌ت بۆ کچ	عنوانی برای دختر / زن
		که‌ڵیمی په‌ی چریه‌وکناچێ	
missile *n*	می‌سایل ـ می‌سِل	سوزشه‌ک ـ جیوی تێک	پرتاب شونده، مخرب ـ کلونه
		ومه دان ده‌ر ـ سرۆوت ـر	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
missionary *n*	می‌شِن ری	قسه‌که‌ری ئایینی	مبلغ مذهبی-مأمور
		واچه‌ری‌مه‌زه‌وی-کیانیا	
mission *n*	می‌شن	ده‌عوه‌ت ـ باس که‌رد	محل ماموریت مبلغین-تبلیغ
		یاگێ کیانییا مه زه	دفترسیاسی-سفارت
		ویه‌کان ـ ده‌عوه‌ت	
mist *n-vi*	می‌ست	مژ ـ ته‌مه ـ ته‌م‌داگرتن	مه ـ مه‌گرفتن
misty *adj*	می‌ستی	ته مه‌ڕۆ ـ مژاوی	مه آلود ـ تاریک
		ته مه داره ـ ته‌م‌گرتو	
mistake [1] *n*	می‌س تِیک	هه‌ڵه ـ خه‌تا ـ لار	خطا، اشتباه، غلط
		نادروس	
mistake [2] *v*	می‌س‌تِیک	هه‌ڵه‌چوون ـ نه	اشتباه کردن /گرفتن
		زانای ـ خه تالوای	
mistress *n*	می‌س‌تریس	ژه‌نی ده رزواچه ـ ژنی	معلمه،معلم‌زن-مدیر
		فێرکه‌ر،مودیری ژن	
mix *v*	می‌کس	تێکه‌ل کردن ـ ئامێته	در هم آمیختن، مخلوط کردن
		که‌رده‌ی	
mixture *n*	می‌کس چِر	تێکه‌ڵ ـ ئامێته	مخلوط،ترکیب،معجون
		ئاوێته	
moan *v*	مون	ناڵین ـ ناڵای	(ازدرد)نالیدن،ناله کردن
moan *n*	مون	پرخه ـ ناڵه ـ ئاه‌و ناڵه	ناله،آه‌وناله،زاری
		ئاه‌ونزووله،ڕۆ،زاری	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mock *v*	ماک	پە نە خوای ـبچووک ژمێردن ـهە تک کە ردەی	مسخره‌کردن‌ـریشخندگرفتن خوار شمردن
model [1] *n*	مادل	مودێل ـ نموونە ـ قاڵب سەرمەشق	مُدل، نمونه ـ ماکت ـ قالب
model [2] *v*	مادل	دروستکردن‌ـقاڵب‌متەی، نموونەوەش کەردەی	مدل، نمونه ساختن طرح ریختن
model [3] *adj*	مادل	نەخشە‌ـتەرح‌ونمونە	طرح،مدل‌ـقالب،الگو
moderate *adj*	مادِریت	وە سە ت ـ میانە ئارام و ئەمین	متوسط، معتدل ـ ملایم
moderately *adv*	مادِریتلی	بە جۆری میانە نە کەم و نە زیاد	به طور متوسط ـ بامُدارا
modern *adj*	مادِرن	تازە و نوە ـ مۆدرن	مدرن، نو، جدید ـ امروزی
modest *adj*	مادیست (مئودیست)	نتم ـ بەشەرم و حە یا سە روز ـ ئەرامەنددە	متواضع، فروتن ـ باحیا
modesty *n*	مادیستی	بە شە رمی ـ سەر ئەرەوزی‌ـنتمی‌وحەیا	فروتنی، تواضع ـ شرم موقر
moist *adj*	مئویست(مایست)	تە ر ـ فیسیا ـ نمناک	خیس، مرطوب ـ بارانی
moisture *n*	مئویس چِر	نم ـ نمناکی ـ نەم	رطوبت،نم‌ـخیسی
mole [1] *n*	مئول (مِول)	مووش‌کوێرە‌ـمووشەکۆرە	موش‌کور‌ـخال
mole - hill *n*	مئول هیل	تەپەمووش‌ـتەپۆڵەمووش	تل خاکی موش کور
mole [2] *n*	مئول (مِول)	خاڵ ـ خاڵە ـ لڵپ مار شە پۆل گیر	خال ـ موج شکن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
molecule *n*	مٌولیکیول	موولکوول ـ زه‌ره ـ ریزه	مولکول ـ ذرّه
moment *n*	مٌومِنت	تاو ـ کات ـ سات ـ ده‌م	لحظه،دم،آن،واحد،بُرهه
monarch *n*	مٌونِک	شا ـ شاژن ـ شاژه‌نی	شاه/ملکه،سلطان
monarchy *n*	مٌونِکی	سه لته‌نه‌تی ـ پادشایی	سلطنتی ـ پادشاهی
monastery *n*	مٌونِس‌تری	خانه‌قا ـ هورمزگاه ـ دیّل	دیر، صومعه ـ خانقاه
monday *n*	ماندی	دووشه‌ممه ـ دووشه‌مه	دوشنبه
money *n*	مانی	سکێ ـ پوول ـ زه‌ر ـ ماڵ	سکه،پول،اسکناس،مال
monk *n*	مانک	دنیاوه‌ردا ـ هورمزبان	کشیش ـ راهب
		چله‌کێش ـ کلیسادار وعه‌بداڵ	
monkey *n*	مانکی	مه‌یموون ـ تخمه‌شێتان	میمون
monotony *n*	مانِتونِی	یه‌ک جۆری ـ	یکنواختی ـ یکجوری
	(مانِتئونِی)	وه‌ک یه‌ک	
monotonous *adj*	مِناتِنِس	یه‌سه یۆ ـ یه‌ک جۆر	یکنواخت ـ بی‌تنوع
monsoon *n*	مان سوون	وه‌رزه‌وا ـ سه بوون	باد موسمی ـ فصل‌بارندگی
		بای فه‌سلێ	
monster *n*	مانسِتِر	غۆڵ ـ حۆل ـ ده‌عبا	غول، هیولا ـ جانوربزرگ
		مێرده‌زمه،دێو	دیو
monstrous *adj*	مانسِترِس	دێوئاسا ـ ترسێنه‌ر	مهیب، ترسناک ـ گُنده
		ده‌شه‌تدار،زۆرزل	
month *n*	مانت	مانت ـ مانگ ـ مانگێوه	ماه
monthly *adj*	مانتلی	مانگانه ـ مانگه‌ومانگ ـ مانگی	ماهیانه / ماهانه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
monument *n*	مانیومنت	یادگاری، تارێخی ـ دیاری جێ‌ماوی مێژوویی	اثر تاریخی ـ یادگاری یادمان
moo *v*	موو	دەنگوو گاوی بەرئەوردەی بۆرنای (بۆراندن) وەک گا، ماما...	صدای گاو در آوردن
mood *n*	موود	خولق و خۆ ـ حاڵ و وەزع ـ حەوسەڵە	حالت، روحیه ـ خُلق وجه
moon *n*	مون	مانگ ـ مانگە و ئاسمانی ـ شەوقە	ماه، کُرهٔ ماه
moonlight *n*	مون لایت	مانگە شە و ـ تریفەو مانگێ ـ شەوقەمانگ	مهتاب ـ نور ماه
moor *v-n*	موور	مەراکشی ـ لەنگەروسەی بەستن ـ باهێر	لنگر انداختن ـ بستن کشتی عرب مراکش
moral *n*	مارل(مئورل)	ئخلاقی ـ پایەی ئخلاق	نتیجه اخلاقی ـ روحیه، وجدانی
more *n*	مُر	فرەتەر ـ زۆرتر ـ فرەتر	بیشتر ـ زیادتر
morning *n*	مُرنینگ	سۆح ـ سویح ـ بەیان	صبح ـ بامداد
morse code *n*	مُرس کُد	ئەلفبای مورس بۆ کوێران	الفبای مورس برای کورها
mosquito *n*	ماس کیتو	تۆفانێ ـ پەخشە ـ خاکە	پشه مالاریا
moss *n*	ماس(موس)	خەزە ـ جورەگیایەک بێ گوڵ	خزه ـ گیاه بی‌گُل
most *n*	ماست،مئوست	فرەترین ـ زۆرترین چە گردی فرەتەر	بیشترین ـ خیلی، اکثر
mostly *adv*	ماستلی	بە تە واوی ـ یە کسەر	کاملاً، خیلی، عمدتاً

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
moth *n*	مات	ساس ـ قەرنەوەرە ـ پەپولە شەوـ لیباس خۆر ـ شەوپەر	شب پره ـ بید ـ پروانه
mother *n*	مودِر	ئەدا ـ دایک ـ دالکە، دایە	مادرمهربان،مادروار
mother - in - law *n*	مودراین لُ	هەسروە ـ خە سوو دایکی شوو ـ ئەداوشووی	مادر زن / مادر شوهر
motion *n*	موشِن	جمە ـ جوین ـ جولیا بزووت، ئی شارەت	حرکت ـ جنبش ـ اشاره
motionless *adj*	موشِن لِس	بێ جولیای ـ بێ تەکان	بی حرکت ـ بی جنبش
motive *n*	مئوتیو	جمنەر ـ مسەبەب سەبەب ـ جوینەر	محرک، سبب، انگیزه ـ علت
motor *n*	موتور ـ موتِر	مۆتر ـ ئەرە جمن ماشین ـ بجوینەر ـ داجوێن	موتور، ماشین، محرک
motorboat *n*	موتور بُت	قایقی مۆتری ـ ئاوگێلی مۆتردار ـ قەیاخ مۆتر	قایق موتوری
motor car *n*	موتورکار	خۆچو ـ وێ لوا ترۆمبیل ـ ماشین	اتومبیل ـ ماشین
motorcycle *n*	موتورسایکِل	مۆتر ـ مۆتر سیکل	موتور سیکلت
motorist *n*	موتوریست	ترۆمبیل بەر ـ ماشین ران ـ شفور	اتومبیل ران،راننده
motor way *n*	موتور وِی	ڕێی ئازاد ـ ئتووبان	اتوبان
mould [1] *v*	مئولد	قاڵب متەی ـ قاڵب خستن	قالب دادن، قالب ریختن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mould [2] *n*	مئولد	قاڵب ـ پێژەک	قالب، ریخت ـ ترکیب
		یاگەشێوە ـ شکڵ دەر	
mould [3] *vi*	مئولد	کەرە ـ کەڕێ نانێ	کپک ـ کپک‌زدن
mouldy *adj*	مئولدی	کەرەدار ـ کەڕێ ئەوردە	کپکی ـ کپک‌زده
mound *n*	ماوند(مئوند)	تەپۆڵە خاک ـ تەپە خاک	تل، تل خاک ـ خاکریز
mount [1] *v*	ماونت(مئونت)	سەرلوای ـ سەرچوون	بالا رفتن از ـ سوار شدن
mount [2] *n*	ماونت(مئونت)	کەژ ـ کێو ـ کەش	کوه ـ تپه
mountain *n*	مئونتین	کەژ ـ کوێسان، کوێستان	کوه ـ کوهستان
mourn *v*	مئورن	پەرسە گرتەی ـ گرەوای	سوگواری کردن ـ ماتم گرفتن
	(مُرن)	زاری کردن، رۆ کردن	غم خوردن
mourning *n*	مُرنینگ	پەرسە گرتەی ـ پرسە گرتن	عزاء، سوگواری
		پرسە ـ سیاپۆشی	
mouse *n*	موس ـ ماوس	مشک ـ مڵە، بێ زات	موش ـ ترسو
moustache *n*	مِستاش	سوێڵێ ـ سمێڵ	سبیل
		سوێڵ	
mouth *n*	ماوز ـ مات	دەم ـ ناودەم ـ پۆزێ	دهان ـ دهانه ـ پوز
mouthful *n*	ماوزفول	تیکە ـ تیکە چاشت، گوڵمەی	لقمه، قُلپ ـ خیلی کم
move *v*	موو	ئەوە وارای ـ جێبە	جابجا شدن / کردن
		جێ کردن، گۆران	راهی شدن
movement *n*	مووِمنت	جولانەوە ـ تکانە	حرکت، جنبش، نقل و انتقال
		جوڵنای ـ تەکان، گۆزین	قطعه موسیقی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mow *v*	مو	دره‌وکه‌رده‌ی-قرتاندن کولۆکردن ـ که‌نه‌ی	چمن زدن ـ علف چیدن
mr *n*	میستر(مستر)	ئاغه ـ که لیمێ تایبه ته‌په‌ی پیای-وشه‌ی پیاو	آقا - مرد
mrs *n*	می‌سیز	وشه‌ی تایبه‌ت بۆژن کلیمێ په‌ی ژه‌نێ-خانم	خانم ـ زن
much *adv-adj*	ماچ	فره ـ زۆر ـ زیاد	بسیار، خیلی، زیاد ـ اغلب
mud *n*	ماد	هه‌ره-قور-هه‌رگ،زه‌ل	گِل،زمین‌گِلی-لجن
muddy *adj*	مادی	هه‌راوی-قوراوی-هه‌رگی	گِل‌آلود-گِلی
muddle [1] *n*	مادل	شێونا-تێک‌دا،شپرزی شێواندنه‌وه	قاطی، گیج ـ درهم‌برهم
muddle [2] *v*	مادل	تێک‌دای(دان)-شێوندان	درهم و برهم کردن
mug *n*	ماگ	ئابجۆوه‌ری ـ لێوانی ئاوجۆخۆری‌وده‌سته‌دار	لیوان بشکه‌ای-آبخوری
mule *n*	میول	قاتره-هه‌سه‌ره-هێسر	قاطر ـ أستَر
multiply *v*	مالتی‌پلی	زه‌رب‌که‌رده‌ی(کردن)-لێده‌ی	ضرب کردن-زیاد شدن
multiplication *n*	مالتی‌پلی‌کیشن	لێده-زه‌رب،زیابون	ضرب-افزایش،زادولد
mumble *v-n*	مام بِل	رینگه رینگ که رده‌ی بۆله‌که‌رده‌ی-چوته‌کردن	زیرلب زمزمه کردن زِرّ زدن
mummy *n*	مامی	دایک-ئه‌دا-دایه،دالکه	مامی، مامان-ننه
mumps *n*	مام‌پس	ئالنگه گۆش ـ لکه گوێ ـ ئۆریۆن	ورم‌غده‌بناگوش،اوریون

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
murder [1] *v*	مردِر	کوشتن ـ کوشتەی	به قتل رساندن، کشتن
murderer *n*	مردِرر	قاتڵ ـ ئنسان کوژ	قاتل، آدمکش ـ خونی
murder [2] *n*	مردِر	قەتڵ ـ ئنسان کوشی	قتل، آدمکشی
murmur *v*	مرمِر	گمەگمکەردەی(بۆڵەبۆڵ)	زمزمه کردن - غرغرکردن
		چوتە چوت کردن	
murmur *n*	مرمِر	گمەگم ـ چوتە،بۆڵە	زمزمەـ غرغرـ پچ‌پچ
		رینگە ـ مرە	زِر
muscle *n*	ماسل	مەیچە ـ گۆشتە	ماهیچه،عضله،زوربازو
		مایچە،هێزی لەش	
museum *n*	میوزیم	مووزە ـ یاگێ بیناو	موزه
		چێوە تارێخیان	
mushroom *n*	ماش رُم	کارگ ـ هەلچی ـ قارچک	قارچ،رشدسریع
music *n*	میوزیک	موسیقا ـ لولێ	موسیقی/نُت‌موسیقی‌ـآهنگ
musical *adj*	میوزیکال	موسیقایی ـ موسیقا	موسیقائی ـ خوش‌آهنگ
musician *n*	میوزیشن	لوولەژەن ـ موسیقاژەن	آهنگساز، نوازنده
		موسیقالێدەر	
muslim *n,adj*	موسلیم	مسڵمان	مُسلمان‌ـاسلامی
must *v*	ماست	ئەیوای ـ مەشیای ـ ئەبێ	به عنوان فعلی کمکی و به
		دەبا	معنی ضرورت وبایستن
mustard *n*	ماستِرد	خەردل ـ تونەگیا	خردل ـ نوعی چاشنی
		تونە گیوار	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
mutter *v*	ماتِر	پچه پچ کەردەی	زیرلب زمزمه کردن
		چوتەکردن،بۆڵەکردن	نق زدن
mutton *n*	ماتِن	گۆشتی مێ ـ گۆشتو	گوشت گوسفند
		مەیێ(مەر)	
my *adj*	مای	ماڵی من ـ ئینو ئەمن	مال من (صفت ملکی)
		مالامێ	
myself *pron*	مای سِلف	خۆم ـ ویم ـ به خۆم	خودم (ضمیر انعکاسی)
mystery *n*	میستری	راز ـ رازی ـ سر	رمز، راز، سر
mysterious *adj*	میستِریس	پرراز ـ دلێدار	اسرارآمیز، مرموز
		سردار	
mystic *n*	سیس تیک	تاقمه و سۆفیان	اهل تصوف و عرفان
		خانەقاداران	
mysticism *n*	میس تی	سۆفیگەری‌مەردی	تصوف ـ درویشی
	سیزم	شای‌بوخارا‌دروێشی	
myth *n*	میت	ئه فسانه ـ قسەی‌بێ‌بنه	افسانه ـ اسطوره
		رازی ـ چتانی خیاڵی	
mythologist *n*	میتولجیست	ئەفسانه نویس	افسانه نویس ـ اسطوره‌دان
	(میتال)	(نووسەری ئەفسانە)	
mythology *npi*	میتول‌جی	ئەفسانە‌مێژوی‌خودایان	تاریخ اساطیرـ افسانه
myxomatosis *n*	میکسمِیتوزیس	جۆرەلکێ ویرۆسی	نوعی‌غده‌ویروسی
		ئالنگی	

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
myrawly *npl*	میراولی	کوردانی جاف	**نام طایفه‌ای از کُردان جاف**
		لەجوانرۆیان شارەزور	**در اورامانات**
mynaxatoumina *n*	میناخاتومینا	ئاوازی تایبەت لەهەورامان	**نام زنان کُردگرد**
myxcocete	میکسوسیت	کارگی چەپەڵ	**قارچ لجن**
		هەلچە جنانێ	



خسرو پرویز



اردشیر دوم؛



هرمز چهارم





تیرداد دوم.



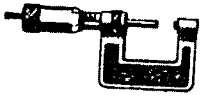
ورهرام یا بهرام کرمانشاه



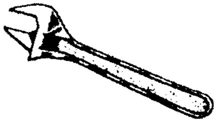
بهرام چوبین



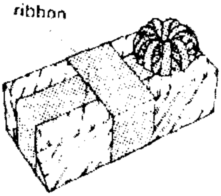
MINOTAUR

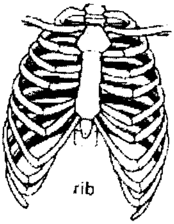


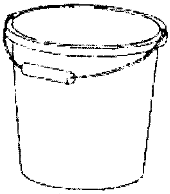
MICROMETER

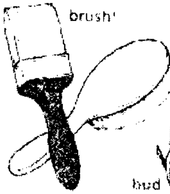


MONKEY WRENCH

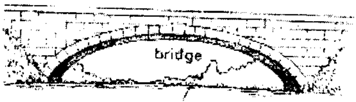


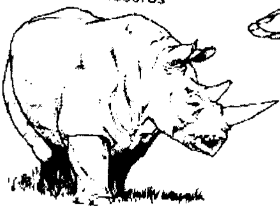


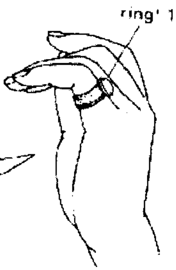


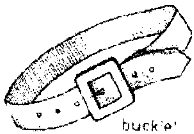




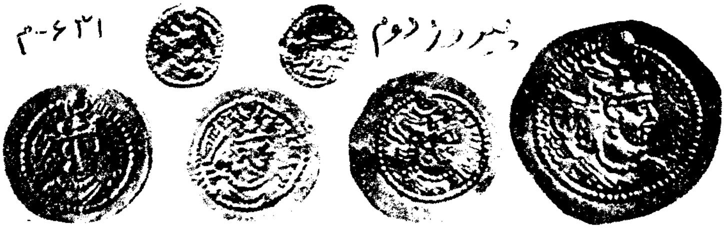












N n

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
N	اِن	چواردەمین پیتی ئەلفبا	چهاردهمین حرف الفباء
nadiar *v*	نادیار	نەبیتراو ـ نەوینا	دیده‌نشده ـ ندید
naw *n*	ناو	ناو ـ نامیّ	نام ـ اسم
nar *n*	نار	هەنار ـ نار	انار
nab *n*	نَب	گرتن ـ گرتەی	دستگیر کردن
nag *v*	نَگ	تەشەردای ـ ئەرەکوای، یابو	سرزنش‌کردن،غُر/نق‌زدن
nail [1] *n*	نیل	بزماری ـ بزمار ـ ناخون	میخ ـ ناخن
nail [2] *v*	نیل	میّخ وەنە دای ـ میّخ لیّدان	میخ کردن / زدن
naked *adj*	نِیکید	رووت ـ بیّ لیباس ـ بە رەلّلاّ ـ ئاشکرا	لخت، برهنه، بدون حفاظ
name [1] *n*	نیم	ناو ـ نامیّ	نام،اسم،شهرت
name [2] *v*	نیم	ناونیان ـ نامەنیای زەورۆی	نامیدن، نام‌گذاشتن
namely *adv*	نیملی	یانی ـ یەعنی، ئەوکەی، باریّ	یعنی،به‌عبارت‌دیگر
nanny *n*	نَنی	دایە ـ دادە ـ دادیّ، دیّدیّ	ننه، پرستاربچه ـ دایه
nap *n*	نَپ	وەنۆزی ـ سووکە ـ رەرم (خاو)	چُرت، خواب غیلوله / سبک

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
napkin *n*	نَپ کین	دەسماڵ ـ پەڕۆ پووشەکی مناڵ	دستمال سفره-کهنەبچه
nappy *n*	نَپی	پەڕۆ زەوڕۆی کۆنەی مناڵ	کهنهٔ بچه
narrow *adj*	نَرِو (نَرو)	تەنک ـ باریک، تەنگ ـ ناپان،کۆتافکر	باریک،تنگ،محدود متعصب
nasty *adj*	ناستی	پیس ـ خراو ـ ونتاڵ	ناخوشایند،ناپسند-زشت
nation *n*	نِی شن	ملەت ـ نەتەوە	ملت ـ قوم ـ اُمت
national *adj*	نَشنال	مللی ـ گشتی ـ پەیگرد	ملی ـ تبعه ـ شهروند
nationality *n*	نَشنالیتی	ملیەت-دانشتو-نەتەوە	ملیت-تابعیت-ملی-وقومی
native [1] *n*	نِیتیو	خەڵک ـ زادە-خوڵقی جێ‌زاد	اهل- فطری،ذاتی
native [2] *adj*	نِیتیو	دایکی ـ سەربەدای بومی و خۆیی	بومی، مادری - محلی
nature *n*	نِیچر-ناچر	تەبیعەت ـ خوڵق خۆ- زات،جۆر	طبیعت ـ خصلت، خوی ـ ذات
natural *adj*	نَچرال	سروشتی-زاتی-تەبیعی،نوت	طبیعی ـ عادی، متداول
naturally *adv*	نَچرالی	بەجۆری سروشتی بەسادەیی و عادی	به طور طبیعی ـ فطرتاً ذاتاً
naughty *adj*	نُتی	شێتان-نادروس، توخس ناپاک ـ نەحس	بدرفتار، شلوغکار ـ شیطان ـ شرز

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
naughtily *adv*	نُتی لی	به ناپاکی ـ بەشەڕ و شۆڕ ـ بەبەدجنسی	باشیطنت ـ بابدذاتی
navigate *v*	نیوی‌گیت	دەلیاگەردی‌ـهەواگەردی	دریانوردی/هوانوردی‌کردن
navigation *n*	نیوی‌گیشِن	کەشتی‌گەردی‌ـدەلیاداری	دریا / هوانوردی ـ ناوبری
navy *n*	نیوی	هێزی‌دەلیایی ـ کەشتی	ناوگان‌جنگی‌ـنیروی‌دریایی
(navyblue)		جەنگیەکانی‌هێزی‌دەلیایی	آبی‌سیر ـ سُرمه‌ای
naval *adj*	نیوِل	سەر بە هێزی دە لیایی	دریائی‌ـدریانوردی
near *adj,adv,prep*	نیِر	نزیک ـ گیانی	نزدیک ـ صمیمی
nearby *adj,adv*	نیِربای	لەپاڵ‌دەس‌ـجەپاڵ‌دەس،کن	همجوار ـ دم‌دست
nearly *adv*	نیِرلی	نزیک بە ـ تەقریبەن	تقریباًـکم‌وبیش
neat *adj*	نیت	پاک‌وتەمیس‌ـرێک‌وپێک	تمیز، مرتب ـ پاکیزه
neatly *adv*	نیت لی	بە جۆری مرەتەب	به طور مرتب ـ باسلیقه
necessary *adj*	نِ سیسِ‌ری	لازم‌ـواجب‌ـزەرووری	ضروری، لازم ـ چیزلازم
necessity *n*	نی‌سِسی‌تی	ئاتاج ـ زەروور ـ نیاز	ضرورت، احتیاج ـ لزوم
neck *n*	نِک	مل	گردن ـ گردنه
necklace *n*	نِک لیس	ملوەنی ـ ملوانکە ملوەن ـ تەوقە	گردنبندـگلوبند
need [1] *n*	نید	نیازدار ـ محتاج ئاتاج	محتاج ـ نیاز
need [2] *v*	نید	نیازبیەی ـ نیازبوون پێویست بوون	نیاز داشتن ـ بایستن
needle *n*	نیدل	چەنی‌ـدەرزی‌ـسووژن	سوزن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
negative *n*	نِگِتیو	مه نفی ـ سەرەووار	نگاتیو ـ منفی ـ وارونه
		سەرەوژێر	
neglect [1] *v*	نیگ لِکت	گۆش پە نەنە دای	نادیده انگاشتن ـ غفلت کردن
		گوێ پێ نە دان	
neglect [2] *n*	نیگ لِکت	بێ ناز ـ بێ چاودێری	غفلت ـ بی توجهی
		غافڵی	کوتاهی ـ قصور
negro *n*	نیگرو	زەنگی ـ سیاپێست	سیاهپوست ـ کاکاسیا
		رەش پۆس و ئافریقای	
negress *n*	نیگرِس	ژنی سیاپێست ـ ژەنی	سیاهپوست زن
		رەش پۆسە	
neighbour *n*	نِی بِر	هاوسا ـ هامسا،لەکن	همسایه ـ همنوع
		جیران ـ هاوماڵ، جە پاڵ	بغل دست
neighbourhood *n*	نی بِرهُد	هاوسایی ـ هامسایی	همسایگی ـ همجواری،محله
		هاوماڵی، محەلەوگەرک	حوالی ـ نزدیکی
neither *n*	نایذِر	هیچکام ـ هیچکامێ	نه این نه آن ـ هیچیک
		حە رحیج	از آن دو ـ هیچکدام
nephew *n*	نِویو	کورو واڵێ ـ کوری	پسر برادر ـ خواهر
		خوشک ـ برازا ـ واڵەزا	پسرخواهرشوهر ـ برادرزن
nerve *n*	نِرو	عەسەب ـ دەمار ـ نەیەمەژگ	عصب ـ پی ـ رگ،خونسردی
nervous *adj*	نِروس	ترسیاگ ـ بێ قەرار ـ دەس پاچە	ترسیده ـ بی قرار ـ ناآرام
		تەرسیاو تورە	عصبی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
nervously *adv*	نِروسلی	بەبێ قەراری-بەبێ سەبری	بابی قراری- باحالت‌عصبی
nest *n*	نِست	لیانە - پەروەردەگا	لانه - آشیانه (حیوانات)
		هێلانە، دەستە	یک دست (کارد)
net *n*	نِت	تۆر-تەڵێ-داو،ئاخری	تور (ماهیگیری،...) - دام
network *n*	نِت وِرک	تۆر - کڵۆپەرای	شبکه (راآهن،...) - خطوط
		کۆمەڵەری-شەبەکەوەک	شبکه تلویزیون
		(رادیو - قەتار)	
never *adj*	نِوِر	حەجگیز،هیچ وەخت-قەت	هرگز، هیچوقت - ابداً
nevertheless *adv*	نِوِرذِلِس	هیچتاکوو - هێماریچ	اما، هنوز، با وجود این
		چینەیچ‌ویەردە-ئێستایچ	
new *adj*	نییو	نوە - تازە - نۆبەر	جدید،نو-برای‌اولین‌مرتبه
newly *adv*	نیولی	تازەیی - چی وەختەنە	تازگی، اخیراً
news *n*	نییوز	دەنگ و باس - خەبەر	اخبار - خبر
newspaper *n*	نیوزپیپِر	رۆژنامە - رۆنامە	روزنامه، هفته نامه
		حەوتەنامە	
next *adj,adv*	نِکست	دوایی-داهاتوو،جاری تر	بعدی - باردیگر
		دماوە - پاڵ - لەکن	بعد
nibble *u*	نیبل	گازگرتەی (گرتن)-لاگاز	گاز / دندان زدن
		کەردەی،هێواش خواردن	کم‌کم خوردن
nice *adj*	نایس	خاس-عال-باش-چاک	دلپذیر، خوب - نازنین
nicely *adv*	نایسلی	بەباشی-بەخاسی‌وچاکی	به خوبی - به‌قشنگی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
nickname *n*	نیک‌نیم	له‌قه‌ب ـ ناسروابه...	اسم/نام‌مستعارـلقب
niece *n*	نیس	کچی برا یا خوشک	دختر برادر / خواهر
		کناچی برا یا واڵێ	برادرـخواهر(زن‌ـشوهر)
night *n*	نایت	شه و ـ شه وه	شب
nine *n*	ناین	ژماره‌ی نۆـشماره‌و نۆی	عدد ۹
ninth *n*	ناین‌س(ت)	نهۆم‌ـنۆیه‌م، نهۆمی	نهم، نهمین، ۱/۹
		نۆیه‌مین ـ نهۆمین	
nineteen *n,adj*	ناین‌تین	نۆزده	نوزده‌ـنوزده‌تا
nineteenth *n,adj(19th)*	ناین‌تین‌س(ات)	نۆزده‌یه‌م ـ نۆزده‌هۆم	نوزدهم، ۱/۱۹
ninety *n,adj*	ناین‌تی	نه‌وه‌د ـ نه‌وه‌د	عدد ۹۰
ninetieth *n,adj(90th)*	ناین‌تی‌س(ت)	نه‌وه‌دۆم ـ نه‌وه‌ده‌م	نودم،نودمین، ۱/۹۰
no	نو	نه ـ هیچ، نا	نه، خیر ـ هیچ
noble *adj*	نوبل	شه‌ریف‌ـنه‌جیم‌ـعه‌سل	شریف، نجیب ـ اصیل
nobly *adv*	نوبلی	به‌نه‌جیمی‌ـبه‌گه‌وره‌یی	نجیبانه، شرافتمندانه
nobody *pron*	نوبادی	هیچکه‌س	هیچکس، هیچ کاره
nod *v*	ناد	به‌سه‌ره‌ئیشاره‌که‌رده‌ی	باسراشاره‌کردن‌ـچُرت‌زدن
		سه‌ر له قاندن	
nod *n*	ناد	سه‌ره ته‌کنای	اشاره‌باسر ـ چُرت
		ئیشاره‌ت به سه‌ر	
noise *n*	نووز (نئوز)	نووزه ـ ده نگه ده نگ	سروصدا، قیل و قال
		قاڵ و مقاڵ ـ شلۆق	
noisily *adv*	نئوزیلی	به شلۆقی ـ به قاڵه قاڵ	با سر و صدا

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

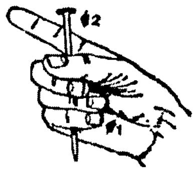
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
noisy *adj*	نوی‌زی	پر ده نگ و هه را پرقرم و قاڵ	پر سر و صدا، پرقیل و قال
nomad *n*	نومِد	بیاوان گه رد ـ کۆچه ر خه‌رات (که‌وڵی) ئاسا	چادر نشین ـ بیابان‌گرد
nomadic *adj*	نومِدیک	کۆچه‌ری ـ بیاوانی که‌ش گه‌ردی،هه‌واری	چادرنشینی ـ خانه‌بدوش
none *pron,adv*	نان	هیچکام ـ هیچ ـ هیچکامان	هیچ یک، هیچ، هیچ کدام
nonsense *n*	نان سِنس	پووچ ـ بێ مه‌عنا، قۆر	پوچ،بی‌معنی،چرند،یاوه
noon *n*	نوون	نیمه رۆ ـ نیوه رۆ	ظهر، نیمروز
no one *pron*	نووان	حیچکه‌س	هیچکس،احدی
nor *conj*	نور(نئور)	نه...و نه (ناگیانوکاکه‌ی)	نه... و نه
normal *adj*	نورمِل(نورمال)	عادی ـ ته‌بیعی ـ سروشتی	عادی،معمولی،طبیعی،سالم
normally *adv*	نورمالی(مِلی)	عاده تی ـ به‌جۆری سروشتی	معمولاً، به طور عادی
north *n*	نورت (س)	شیمال له جوغرافیا شمالی جوغرافیایی ـ باکوور	شمال ـ شمالی ـ شمالاً
northern *adj*	نورتِرن	شماڵی ـ شیمالی ـ باکووری	شمالی ـ روبه‌شمال
northward *adv*	نورت‌وِردز	به‌لای باکوور ـ رووه‌و شماڵ	به سوی شمال
nose *n*	نئوز (نوز)	لووت ـ لووته، بۆیایی	بینی،دماغ،بویایی
nostril *n*	ناس ترِل	وڵه‌ولووتێ ـ کونه لووت ـ برناخ	سوراخ بینی
not *adv*	نات	نه ـ کلیمه‌ی تایبه‌ت بۆ نه‌فی،نا	نه (قید نفی)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
note [1] *n*	نئوت(نوت)	نوتی موسیقا ـ ئەسکەناز	نت موسیقی ـ یادداشت
		نووسراوەی کۆتا	توضیح ـ اسکناس ـ علامت
notebook *n*	نئوتبوک	دەفتەرچەی نووسینەوە	دفترچه یادداشت
note [2] *v*	نوت	نویسەی ـ نووسان	یادداشت کردن / برداشتن
nothing *n*	ناتینگ	هیچ ـ حیچێوە	هیچ،هیچ‌چیز،اصلاً
notice [1] *n*	نئوتیس(نوتیس)	راگە یاننامە،بیرەوەری	آگهی، یادداشت ـ خبر
		خەبەرنامە ـ گوێدان	اخطار ـ دقت
notice [2] *v*	نئوتیس	دیەی - سە رنج دان	دیدن، توجه کردن
noticeable *adj*	نئوتیس ابِل	روون ـ ئاشکرا ـ مەعلووم	هویدا،آشکار ـ جالب‌توجه
nought *n*	نُت	ژمارەی هیچ ـ سفر	عدد صفر ـ هیچ
noun *n*	نَون	ناو ـ نامێ	اسم
novel *n*	ناوِل	رازەی درێژە ـ داستان	رُمان،نوول ـ داستان‌بلند
		تازە ـ عەجەیو ـ قسە	تازه
novelist *n*	ناوِلیست	رازنویس ـ قسەنویس	رُمان‌نویس،داستانسرا
november *n*	نِووِمبِر	یازدەهەمین مانگی	نوامبر ـ ماه یازدهم‌سال فرنگی
		میلادی ـ نوامبر	۳۰ روزه
now *adv,conj*	نَو ـ ناو	ئیسە ـ ئەلحان ـ ئێستا ـ ئەلعان	الان، اکنون، حالا
nowadays *adv*	نَودِیز	ئە مرۆ ـ ئە لعانە	امروزه ـ دراین‌ایام
		کەتەی ـ ئیسەولا	
nowhere *adv*	نوور	هیچکۆگە ـ هیچ کوێ	هیچ جا، در هیچ کجا
nuclear *adj*	نیوکلیِر	ئەتۆمی ـ هەستەیی ـ ناوکی	هسته‌ای ـ اتمی

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انکلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
nucleus *n*	نیوکلیس	ناوک ـ کرۆک ـ هەستە	بخش مرکزی، هسته
nudge [1] *v*	ناج	سیخورمەشەنەی‌بەئانیشک	سقلمه زدن ـ ارنج زدن
		لێدان ـ بۆق نیای	
nudge [2] *n*	ناج	سیخورمە ـ هە ڕێژن	سقلمه (فشار کم با آرنج)
		شەنە ـ بۆقە‌تەکە	هُل
nuisance *n*	نیوزنس(نو)	ئازار و ئەزیەت ـ بەڵا	آفت،آزار،مزاحم،اذیت
number [1] *n*	نامبِر	ژمارە ـ عەدەد ـ شمارە	شماره، نمره ـ تعداد
numerous *adj*	نیومِرس	فرە ـ زۆر ـ خەیلێ	بیشمار،متعدد،زیاد
number [2] *v*	نامبِر	شمارای‌ـنمرەدای(دان)	شمردن، نمره دادن
numeral *n*	نیومِرل	شمارە ـ ژمارە ـ ڕەقەم	عدد،رقم،شمارشی
nun *n*	نان	ژەنەی چلەکێشە ـ ژنی	راهبه، زن تارک دنیا
		دەیری‌ـراهیبێ‌ـژەنەی‌ـدنیاوەردەرە	
nurse [1] *n*	نِرس	پەرەستار‌ـدایانە‌ـدایە	پرستار، نرس ـ دایه
nurse [2] *v*	نِرس	پەرەستاری کەردەی	پرستاری کردن
		(کردن) ـ بە خێو کردن	خوراک دادن
nut *n*	نات	مێوەی مەغزدار وەک گوێز	فندق،... ـ مهرهٔ پیچ
		فنق ـ ئاجیل ـ مۆرێ	آجیل
nylon *n*	نایلون	باغە ـ نە یلۆن	نایلون
		جۆرێ تاڵی پەلاستیکی	
nymph *n*	نیمف	حۆری دەلیایاژەنی‌زەریفە	حوری ـ زن زیبا
nymphet *n*	نیم‌فِت	کچێ نابالّق‌کەهێزی	دخترجوانی‌که‌غریزه
		جنسی هەبێ	جنسی‌دراوشدیداست
nymphomania *n*	نیم‌فِ‌مِنی	ژنانێ کەمەیلی جنسی	زنانی‌که‌میل‌جنسی
		غەیری‌عادی‌یان هەیە	غیرعادی‌دارند

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



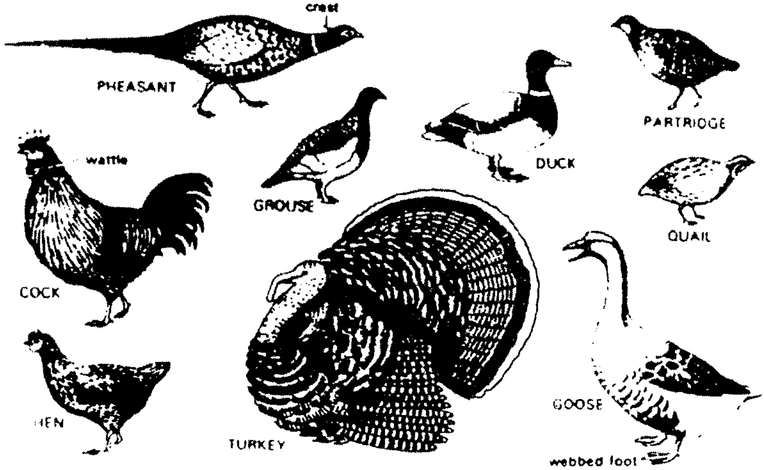
NAILS



NOOSE



NUT





آذرمیدخت
۶۳۲ - م

O o

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
O	أ	پیتی پانزده یه م له ئه لفبا	حرف پانزده ام الفبای انگلیسی
ogian *int*	ئوگیان	ئۆگیان له هه ورامان باوه	لفظی فولکلوری در آواز کُردی
o *int*	ئو	ئۆچی بوه	ئو- ای - وای
o yes *adv*	أ - یس	بەلێ، ئەی چۆن ـ ئەی	بله
3 o , clock *adv*	تری أکلاک	ساعه تی سێ ـ سه عاته ـ ویه رێ	ساعت سه
oak *n (oaf)*	ئوک(ئوف)	داربه روو ـ داربه لوو ـ خول	درخت بلوط، آدم پخمه
oar *n*	ئور	پارووی ئاوگه ر ـ پاروو قایقی	پارو در قایقرانی
oasis *n*	ئوی سیس	بیاوان ـ یاگێوه بیاوانی که ئاو و دره ختش بۆ	وادی، واحه آبادی در کویر
oath *n*	ئوت	سوێن ـ قه سه م، دژوێن	سوگند، قسم، ناسزا
oat *n*	ئوتس	یه وه ی بیاوانیه ـ جۆهه رده	جودوسر
obey *v*	ئوبی	سه ردانواندن ـ گوێدان سه ره ئه ره ئاسه ی	فرمان بردن، اطاعت کردن
obedience *n*	ئوبی دینس	سه ره ئاسه ی ـ گوێدان ـ ئتاعه ت	اطاعت، فرمانبری

حرف شنوی

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
obedient *adj*	ئوبِدینت	موتیع ـ گوێ دەر فەرمانبەرـگوێدەر	مطیع،فرمانبرـ سربەزیر
object [1] *n*	اُب چِکت	چت ـ چێو ـ مەنزوور هەدەف	شیءـ چیزـ پدیدهـ مفعول هدف ـ مقصود
object [2] *n*	اُب چِکت	کراو ـ مەفعوول کارسەرئامە	مفعول
object [3] *v*	اُب چِکت	پۆرە کولیای ـ بە دژ کە سێ وێسان،نارازی بون	اعتراض کردن ـ مخالف بودن
objection *n*	اُب چِکشن	دژبەـمخالفەتـئیراد	اعتراض ـ مخالفت
oblige *v*	آب لایج (اِبلیج)	مەجبوورـکەردەی(کردن) سلمنای،لتف	مجبور کردن / ساختن
obligation *n*	آبلی گی شِن	وەزیفە ـ ئیجبار ـ لازم	وظیفه،اجبار،الزام،منت
oblong *n,adj*	آب لانگ	چوارگۆشەـچوارسووچ	مستطیل
observe *v-n*	اُب زِرو	نەزەردان ـچاودێری کردن شناسایی ـچەم پۆوەبیەی	زیرنظرداشتن،اظهارداشتن رعایت، پیروی
observation *n*	آبزروی شِن	تاقی کەری ـچەم کەوت لەبەرچاوگر ـ بینین	تحت نظر ـ گفته ـرعایت رصدـمشاهده،نگرش
obstacle *n*	آبس تِکل	بە رگر ـ وەرگیر	مانع،راه بندـجلوگیر
obstinate *adj*	آبس تینِت	سەرسەخت ـ سمنج خۆهەڵکێش ـسین سەخت	لجوج،لجباز ـ یک دنده

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
obstruct *v*	اِبس‌تراکت	به ستن ـ بەسە ی	مسدود کردن، بستن
		وەرگیری کەردەی	کُندکردن
obstrucion *n*	اَبس‌تراکشن	به رگری ـ وەرگیری	مانع، سد ـ گرفتگی ـ گیر
		تەڵێ‌ـبەرگرـسەد	
obtain *v*	اِب‌تین	بەدەست‌هاوردن	بدست‌آوردن،دریافت‌داشتن
obtuse *adj*	اُب‌تیوس	جۆرکردن‌ـئەسەی،کول	خِنگ‌ـپخمه‌ـکُندلبه
obvious *adj*	اُب‌ویس	وازێح ـ ئاشکرا،	بدیهی، آشکار، روشن ـ هویدا
		روون، رۆشن	
obviously *adv*	اُب‌ویس‌لی	بە جۆری ئاشکرا	به طور آشکار یا معلوم
		ئاشکران ـ رۆشنەن	
occasion *n*	اِکیژن	وەخت ـ فرسەت	فرصت، زمان معین ـ علت
		بایس ـ روداو	باعث
occasional *adj*	اِکیژنل	بازێ‌وەخت‌ـجارجارێ	گهگاه،گاه‌وگُدار
		برەی جار	
occasionally *adv*	اِکیژنلی	بازێ‌جار ـ گلە گلێوە	گاه‌وبی‌گاهی،گهگاهی
occupy *v(pied-pying)*	آک‌یوپی	گرتن ـ بە کار بردن	ساکن بودن ـ وقت گرفتن
		داگیرکردن‌ـدانشتووبوون	اشغال کردن
occupation *n*	آک‌یوپی‌شن	کار – پیشە ـ نشتەجێ	کار، شغل ـ اقامت ـ اشغال
		مەرزیا	
occur *v*	اِکر	رودان‌ـرووەدای‌ـبەبیرهاوردن	رخ دادن، به خاطر آوردن
ocean *n*	ئوشِن	ئەدادەلیا‌ـئەقیانووس‌ـشادەلیا	اقیانوس

انکلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
o,clock *adv*	اُکلاک	وشەی کات ژمێر ـ کە لیمێ	کلمه‌ای که در پرسیدن گفتن
		تایوەتیە و سە عاتێ	ساعت به کار می‌رود
october *n*	آکتوبر	مانگی دەیەم لە سالی میلادی	اکتبر ـ ماه دهم میلادی
octopus *n*	آکتپس	هە شت پا ـ هەشت پێ	اختاپوس، هشت پا
		جانەوەرو دەلیای	
odd *adj(even* جفت*)*	آد ـ آد	تاق ـ فەردـ نەجووت ـ لنگە، وِرد	عجیب، طاق، تک ـ خُرد
odour *n(odor)*	ئودِر	بۆن ـ بۆی وەشە ـ بۆ	بو، رایحه ـ بوی خوش
of *prep*	آو	عەلامەتی ملکیەت ـ لە، اِ ـ ی	متعلق به، از ـ حاوی، محتوی
		جێ گری (کسرەوهمزە)	از (مقداری) ـ ساخته شده ـ درباره
off *avu,prep*	آف	کوشنا ـ کوژێن ـ دوور	دور، جدا ـ خاموش ـ دور
		خراو ـ حیا ـ خەتا	فاسد، بد ـ غلط ـ فرعی
offend *v*	اِفند	خەتاکردن (کەردەی)	عصبانی کردن، خطا کردن ـ آزردن
		رەنجنای ـ تووره کردن	
offence *n(se)*	اِفِنس	خەتا ـ گوناعە ـ هێرش	جرم، خطا ـ تجاوز ـ دل‌خوری
		بێ‌حرمەتی ـ تۆرەی	حمله، گناه
offer [1] *v*	آفِر	پێشکەش کردن ـ پە نە	تعارف کردن، پیشنهاد دادن
		واتەی ـ فەرمووکردن	تقدیم کردن
offer [2] *n*	آفِر	فەرموو ـ چە نەواز ـ فیدا	تعارف ـ پیشنهاد ـ عرضه
		لێ‌خواز ـ پێشکەش	نثار
office *n*	آفیس	دەفتەر ـ عەدارە ـ شرکەت	دفتر، اداره، شرکت ـ نیت، مطب
officer *n*	آفیسِر	مەعموور ـ ئەفسەر ـ سەرپەل	افسر (ارتش، ...) ـ مامور ـ کارمند

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
official [1] *adj*	آفی‌شال(شِل)	رەسمی-ئەداری،کارمەند	رسمی، اداری ـ عالی‌رتبه
official [2] *n*	آفی شال	مەئموور-کارمند-مەسوول	مأمور،مسئول‌ـصاحب منصب،کارمند
often *adv*	آفِن	زۆرجار ـ فرە ووەختی فرەجار	بارها، غالباً ـ بیشتر اوقات
oil [1] *n*	اویل	نەفتە ـ نەوت ـ رۆن روەن، رۆنی	نفت ـ روغن ـ چربی روغنی
oil [2] *v*	اویل	چەورکەردەی‌ـهەنوین رۆن لێدان	روغن زدن، چرب کردن
ointment *n*	آین تِمنت	مەڵەم ـ رۆنی پێست	پماد(پوستی)،مرهم
old *adj*	اولد	پیر-کەوەن‌ساڵ‌ـسنع کۆنە- کۆن- تەمەن	پیر، مسن ـ سن، سال ـ کهنه، قدیمی، دیرینه
old - fashioned *adj*	ئولدفشیوند	کۆنە-قەدیمی-قەدیم	کهنه، قدیمی ـ اُمُل
olive *v*	آلیو	مێوەی دار زەیتوون زەیتوون،سەوزەروو	زیتون‌،زیتونی‌ـسبزه
olive oil *n*	آلیواویل	رۆنی زەیتوون- روەن زەیتوون	روغن زیتون
omelet *n*	آم‌لیت	چێشتی هێلکەوتەماتە هێلە و تەماتە	املت
omit *v*	اُمیت	لابردن-لاوەردەی-وسەی	حذف‌کردن ـ ازقلم‌انداختن
omnipotent *adj*	آمنیپِتِنت	خودای‌گەورە	قادرمتعال

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
on *prep,adv*	آن	له ـ جه ـ سه‌رو ـ له‌سه	(برای‌نشان‌دادن‌مکان چیزی)
		ر ـ له‌لای ـجه‌مه‌وه‌سو	(برای نشان دادن روز / ماه)
		بان ـ رۆشن	درباره، راجع به ـ روشن، در
		به ـ با	حال کار ـ پیوسته، بدون توقف
			برتن، درتن، به تن
once *adv*	وآنس	یه ک جار ـ رۆیوه	یکبار، یکدفعه ـ روزی،
		رۆژێ ـ جارێکان	روزگاری، یک وقتی ـ وقتی
one *adj,n,pron*	وان	ژماره‌ی یه ک ـیه ک که‌س	عدد یک ـ یک نفر، یک چیز
		یکه‌چت ـتاقانه ـی	یک، ی ـ همان، یک
		یه‌کێ ـ یۆ	شخص، آدم، کس
oneself *pron*	وان‌سِلف	خۆی ـوێش ـبه‌خۆی	خود، خود را، خودش
onion *n(greenonion)*	آن ین	پیاز ـپیواز، ته‌ره‌پیاز	پیاز ـ پیازچه
only *adj,adv*	ئونلی	فه‌قه‌ت ـ به‌س ـ ته‌نیا	یگانه ـ فقط ـ اما، ولی
onto *prep*	آن‌تو(ناو)	به‌ره‌و ـرووه‌و ـرووبه، دلێ	بر،از،به‌سوی ـبه‌توی
onwards *adv*	آن‌وِردز	رووه‌ووه‌ر ـ به‌پێش	به پیش،به‌طرفِ ـ به‌بعد
		به‌ر ـ وه‌ر	
ooze *v*	اُز ـ ئوز	دڵنای ـ تکه کردن	نشت کردن، جاری شدن
		فواره‌که‌رده‌ی ـفیشقنای	تراویدن
open [1] *adj*	اوپن	باز ـ واز ـ ئازاد ـ ئاشکرا	آماده‌به‌کار،باز ـ آزاد ـ گشوده
open [2] *v*	اوپن	باز کردن ـوازکه‌رده‌ی	بازکردن/شدن ـ فتح‌کردن
		ئه‌وه‌کردن ـ ده‌مۆدای	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
opener *n*	اوپِنِر	وازکەر ـ دەربازکەر	(درب،....)بازکن ـ گشاینده
opening *n*	ئوپنینگ	کون ـ وڵه ـ سەرەتا	فضای باز، مدخل ـ شکاف
		وەر ـ کانی ـ چه مه	روزنه
opera *n*	ئوپر (آپر)	ئۆپێرا ـ جۆرەرەقسێ	أپرا ـ رقص و آواز مخصوص
		لەروس و فەرانسەباوە	روسیه
operate *v*	آپِریت	عەمەڵ کردنی لەش ـ عەدارە	کار / عمل ـ جراحی /
		کەردەی ـ کەڵک وەرگرتن	عمل کردن
operation *n*	آپِریشِن	عەدارەوبەخێو ـ عەمەلی	شیوۀ کار ـ جراحی ـ کار
		جەراحی ـ عەمەڵکەرد	
operator *n*	آپِری‌تِر	رائەرەوزـرێ خەر،مدیر	أپراتور،راه‌انداز ـ گرداننده
		گێڵ نەرـ جێ بەجێ کەر	
opinion *n*	اِپین‌یِن	نه زەره ـ باوەر	عقیده،فکر،اندیشه ـ باور
		زەندەدە ـ فکر ـ ئەقیدە	رأی
opponent *n*	اِپئونِنت	حەریف ـ تەرەف ـ زد ـ مۆکڵ	حریف، رقیب ـ مخالف
oppertunity *n*	آپِرتیون‌تی	فرسەت ـ مەجاڵ ـ بەختە	شانس، فرصت ـ مجال
oppose *n*	اِپئوز (اِپوز)	مخالف بیەی ـ نارەزایی	مخالفت‌کردن ـ مقابله کردن
		کردن ـ جواوودای	
opposition *n*	آپِزی‌شِن	مخالف ـ نارەزا ـ مۆکڵ ـ دژ	مخالفت، مقابله ـ ضدیت
opposite [1] *n*	آپوزیت(آپِزیت)	زد ـ نارەزا ـ دژبه	مخالف، متضاد ـ ضد
opposite [2] *adj*	آپوزیت	بەرانبەر ـ وەرانوەر	روبرو، مقابل ـ مخالف
		زد ـ تەرف	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
optician *n*	آپ‌تی‌شِن	چەمکەر-عەینەک ساز	عینک ساز / فروش
		عەینەکورەش (فرۆش)-چاوەک	بینایی سنجی
option *n*	آپ شِن	ئختیار - بژارە	انتخاب،اختیار،گزینش
		هەڵبژێر - وچنیەی	
optional *adj*	آپ‌شِ‌نِل	ئختیاری - بژاردەی	اختیاری، انتخابی
		هەڵبژێری - وچن یەی	دلخواه
or *conj*	ئور (اُر)	یا - یاکوو - یامکوو	یا،یااینکه،والا
oral *adj*	اُرال	شەفاهی-دەمی-بەقسێ	شفاهی-زبانی-گفتاری
orange [1] *n*	اُرینج (اُرنج)	پرتەقاڵ و نارنج	پرتقال
orange [2] *n,adj*	اُرینج (اُرنج)	ڕەنگی پرتەقاڵی-نارنجی	(رنگ)نارنجی
orbit [1] *n*	اوربیت	مەدار - ڕێباز - یاگە	مسیر، مدار
		ئامۆشیە-رالوا-دەوردان	
orbit [2] *v*	اوربیت	لەمەدارێکگەریان	در مداری گردیدن
orchard *n*	اورچِر(اُرچِد)	باخومێوەی-درەخسان	درختستان،درختزار،باغ‌میوه
		باخەدار	
orchestra *n*	ئورکی‌ سِتر	گرۆی موسیقاژەن	گروه‌نوازنده، ارکستر
	(اُرکی‌سترا)	ژەنکۆ - موسیقاژەنێ	صحن اصلی تئاتر
order [2] *v*	اُردِر(ئوردِر)	ئەمر - عەمرە - نۆع	نظم، ترتیب - ردیف - دستور،
		دەستوور - نە زم - ڕز	فرمان، امر - گونه
order [1] *adj*	ئوردر	عەمرکەردەی-دەستووردای(دان)	امر کردن، فرمان دادن
ordinary *adv*	ئوردینِری	عادەتی-عادی،ڕوانە	معمولی،عادی،روزمره

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ordinarily *n*	ئوردینریلی	به جۆری عادی	بەطورمعمول ـ مثل‌همیشه
		به عاده‌تی‌وه‌ک‌جاران	معمولاً
ore *n*	ئور	بەردی‌کان‌ـتوەنەوکانگەی	سنگ معدن ـ خاک‌معدن
organ *v*	ئورگن(اُرگان)	ئەندام ـ عأزا ـ وەسیلە	عضو،اندام ـ ارگ ـ سازمان
		ئورگ ـ هەندام،بنکه	اُرگان
organize *n*	ئورگنیز(اُوگانیز)	سامان دای (دان)	سازمان دادن ـ مرتب‌کردن
		دامه زران	
organization *n*	ئورگنی‌زی‌شِن	نیازـتەدارەک‌ـسازمان	تدارکات‌ـسازمان،تشکیلات
		ئەرەمەرزناـحازرکەران	ساختار ـ ساماندهی
origin *n*	آری جین	بەنگەـسەرچاوەـعەسل	مبدأ، اصل، منشاءـ نژاد
		سەرچەمەـبنج‌ـبنەچەق	علت
original *adj*	آری‌جینالی	عەسلیٚ‌ـتازە،ئەوەلین	اصلی ـ بکر، بدیع ـ نوین
		بنەرەتی ـ سەرچاوەیی	خلاق
originally *adv*	آری‌جی‌نال	جەعەسڵ ـ جە ئەوەل	در آغاز، در ابتدا ـ مبتکرانه
		لە عە زەڵ ـ لە بنا	
ornament *n*	اُرنمِنت	تەدارەک‌ـرازانەوەـشخڵ	تزئینی، زیورآلات ـ زینت
	(ئورن‌مِنت)	وی یاوای ـ شخڵ‌دار	زیب
ornamental *adj*	ئورنِ منتل	پڕخشڵ ـ زینەتی	زینتی‌ـتزئینی،آذینی
		جوان کراو	
orphan *n-v*	ئورفن	هەتیوـهەتیم‌ـهەتیوکردن	یتیم ـ یتیم‌کردن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
orphanage *n*	ئورفنِیج	هه‌تیم خانه ـ په روه‌ردگه‌ی هه تیوان	یتیم خانه ـ پرورشگاه یتیمان
ostrich *n*	آستریچ	وشتر که‌رگه ـ وشترمر مریٚکی‌گه‌وره‌له‌عاره‌بسان	شترمرغ
other *adj-pron*	آزِر(آذِر)	ئه‌ویو ـ ئه‌ویه‌ک ئه‌وی‌تر ـ ئه‌و ـ جگه	دیگری،دیگر ـ چیزدیگر مگر ـ جزءبه‌جزء
otherwise *adv*	آدِرویز	وه‌یلا ـ گوا ـ ده‌سا جابۆ ـ جاپچی	وگرنه، والا ـ غیر، دیگر
ought *v-ovx*	ئوت(آت)	ئه‌بیٚ ـ ده‌با ـ مه‌شیۆ ئه‌ویٚ ـئه‌شویٚ‌ـمه‌وۆ	بایستن،لازم‌بودن ـ باید
ounce *n*	ئونس	ئایره و کیٚشای که ۳۱ گره‌میٚن‌ـوه‌زنیٚ که ۳۱گره‌مه	اونس ـ نوعی عیار وزن برابر با ۳۱گرم
our *adj*	ئور(آوِر)	ئی نی ئیٚمه ـ ئینو ئیٚمه مالیٚ هه‌مه	مال ما، متعلق به ما
ours *pron*	آوِرز	ئی نی ئیٚمه‌ـراناوی‌ملٚکی زه‌میری‌ملٚکی،مالوٚئیٚمه	مال ما (ضمیر ملکی)
ourselves *pron*	آورسِلوز	خوٚمان‌ـویٚمان‌ـخوه‌مان	خودمان‌ـخودما
overtake *v*	ئوورتیک	وه‌لیٚ دای ـ له‌به ردان گیرئه‌ورده‌ی	سبقت‌گرفتن ـ گیرآوردن جلو زدن
owe *v*	ئو	قه‌رزاربیه‌ی‌ـقه‌رزاربون‌به	بدهکار / مرهون بودن

---

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
owing - to *prep*	ئوینگ‌تو	لەبەرئەوەی ـ چونکە	چونکه،برای‌اینکه‌ـبه‌دهکار
		وەروئانەیە ـ قەرزار	به دلیل
owl *n*	آول(ئول)	بادەقوش ـ بوو ـ بوم	جُغد ـ بوم
own [1]	ئون	ساحێوچێو ـ ماڵی	متعلق به، مال، خود، خویش
		خۆم ـ ئینوویم	خودم ـ خودمان....
own [2]	اون	ساحیوبیەی(بوون)	مالک بودن، دارا بودن، داشتن
		مالک بوون	
owner *n*	ئونِر	مالک‌ـساحب‌ـساحێو	مالک، صاحب ـ اعتراف
ox *n*	آکس	گاوی نێرـنێرەگاـگاوهیت	گاونر
ox - eyed *adj*	آکس‌آید	چاوگەورە ـ چەم پان	چشم درشت
		چەم واز ـ چاوباز	
ox - blue *adj*	آکس‌بلو	ئاوی دێز ـ کەوۆی	آبی سیرمشرمه‌ای
		مەیلەوئەرخەوانی،خمی	
oyster *n*	ئویستِر	سەدەفەو دەلیای	صدف خوراکی
		سەدەف لە دەلیا	
ozone *n*	ئوزئون	چینێ لەئوکسیژن‌کەبەری	لایه اوزون ـ(03)گازی که جلو
	(لفظ‌فرانسه)	تیژگی یان بەنە وشی	پـرتوهای مـضر خـورشید را
		خۆر ئەگرێ	می‌گیرد
qzwan	قزوان	وەنـــی یاقەسقەوان‌کـە	درخت آدامس کُردی یا بَنه که
		شیرەی ئەبێتەبنێشت(وێژ،ن)	در کردستان می‌روید

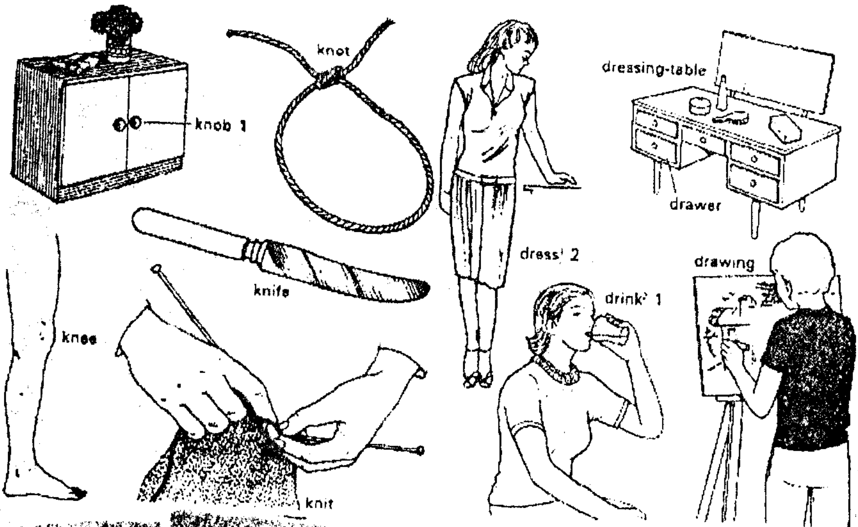

donkey

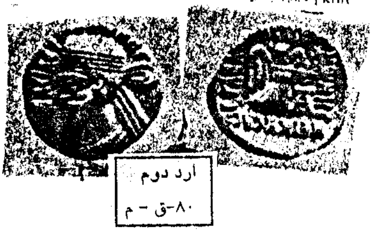


OWL



OSTRICH


knob 1
knot
dressing-table
drawer
dress 2
knife
knee
drink 1
drawing
knit


ارد دوم
۸۰-ق - م


doll


شاپور دوم
۳۲۵-م

P p

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
P	پی	پیت یاحەرفی شانزدە یەملە ئەلفبای ئینگلیسی	حـرف شـانزدهم الفـبای انگلیسی
parowjiara *n-sub*	پاروجیارە	قەسەمبەخۆرلەهەورامانباوە	قسمبەخورشید در منطقه اورامان هنوز رایج است
pap *n*	پاپ	ناوی پاپیگەورەلەزەمانی پارتەکانەلەکلیسای پاپەیان باوک یان لەپاوەدروستکردوەلە گەرەکی (سەردێ)	نامپاپمشهوردرعهداشکانیان کەدرپاوەکلیسایپاپەیعنیپدررا درمحلۀ(سەردێ)ساخت. (۲۰۵۰میلادی)
pa *(dad)n =papa*	پا	کەلیمێ کولۆکریا و پاپای ـ کورت کراوی پاپایان باوک یابابەو تاتە	کلمەکوتاهشدەپاپاـبابا پاوە
pace [1] *n-v*	پیس	هەنگاوـهەنگام ـقەدەم	گام، قدمـباقدماندازەگرفتن
pace [2] *v*	پیس	هەنگاوهەڵگرتن ـ هەنگامنیای ـ قەدەم دای	گام برداشتن، قدم زدن
pack [1] *v*	پَک	بەستن ـ پێچای ڕائەوەکەردەی ـبارکردن	جا دادن، بستن، پیچیدن
pack [2] *n*	پَک	پیارزەـبەسەـ دەستە کۆڵ ـ تۆشەوەرە	بسته،دسته، بقچهـ کیسه
package *n*	پَکیج	بەستە ـ بەسەـکارتۆن	بسته،بقچهـمحمولهـکارتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
packet *n*	پَکیت	پاکەت ـ بەستەی بچووک بەسەی وردی	پاکت، بسته کوچک ـ قوطی
pad *n*	پَد	(پارچەی زەخم) باندی زەخم پشک ـ دۆشەکلە ـ پشتی	تودوزی ـ بالشتک باندزخم ـ پانرمه‌گربه
paddle [1] *n*	پَدل	پارو ـ سەوڵ ـ تێخە چەرخ ـ چۆلیباسشۆری	پارو ـ راکت‌بازی
paddle [2] *v*	پَدل	پاروودای ـ پاروولێدان رانەلوای دلێ ئاوێنە	پارو زدن ـ کوفتن
paddy *n*	پَدی	برێنج‌زار ـ پۆسەبرێنج شەلتووک ـ جارەبرێنج	شالیزار ـ شلتوک برنج
padlock *n*	پَدلاک	قوڵف، قوڵف‌کردن	قفل(درصندوق،...)کردن
page *n*	پیج	لاپەڕە ـ دیس ـ سە فحە و قاقەزی	صفحه (کاغذ / کتاب)ـ ورق
pail *n*	پیل	سە تڵ ـ سە تڵە ـ دۆڵە	سطل، دلو
pain *n*	پین	دەرد ـ ئێش ـ ڕە نج سەدەمە ـ لەتمە	آسیب،درد ـ زحمت ـ الم
painful *adj*	پین‌فول	پڕئێش ـ دەروون ڕێش پڕدەرد	دردناک ـ پُرزحمت، آزارده
pains *n*	پنز	پەلەقاژێ ـ تەقالا کۆشش ـ هەول	تلاش، تقلا
paint [1] *n*	پینت	ڕەنگ	رنگ

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
paint [2] *v*	پینت	رەنگ کەردەی(کردن)	رنگ‌کردن/زدن‌ـنقاشی‌کردن
painter *n*	پینتر	نەقاش ـ رەنگ‌دەر	نقاش، نقاش ساختمان
painting *n*	پینتینگ	نەقاشی	نقاشی
pair *n*	پیر	جووت ـ جفت ـ پیوە	جفت(بهم چسبیده) ـ دوتا
palace *n*	پَلیس	قەسرە ـ کاخە	کاخ ـ قصر ـ کوشک
		عمارەت ـ دیواخان	
pale *adj*	پیل	کەم‌رەنگ‌ـرۆشن،رنگپرا	سفید، روشن ـ رنگ‌پریده
		رەنگ پرا ـ سەرحەد	مات ـ مرز
palm [1] *n*	پام	دارخورما‌ـدرەختوخورمای	نخل، درخت خرما
palm [2] *n*	پام	لواسە ـ ناوەدەس	کف دست
pan *n*	پَن	ماهی‌تاوە‌ـ مایتاوە	ماهیتابه،تاوه/ تابه‌ـکاسه
		تاوە ـ لەگان‌ـ پیاڵە	تشت
panda *n*	پَنڍ	پاندا ـ ورچی‌چین	پاندا ـ خرس چینی
		حەشەو چینی	
pane *n*	پین	شیشێ‌ـشووشە‌ـجام‌ـشیشە	شیشه، جام(درـآینه)
panel *n*	پَنل	پانایی‌ـتیکە‌ـئارەق‌چن،گرۆ	پهنه‌ـقاب‌ـگروه‌ـسقف،میزگرد
panic [1] *n*	پَنیک	تەرسی‌ـترس‌ـزاورچوو،دەشەت	وحشت،هراس،ترس،هول
panic [2] *v*	پَنیک	تەرسای(ترسین)زاوەرچوون	وحشت کردن، ترسیدن
		دەشەت گرتەی	
pant *v*	پَنت	هەناسەسوار بیەی	نفس نفس زدن
		ماندووبوون	

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pantomime *n*	پَنتمیم	نمایشی بێ قسه ـ نمایشی رازی دێو و جن و پەری	پانتومیم ـ نمایش بی‌سخن
pantry *n*	پَنتری	ئۆتاقی خۆراک و پێخۆر ئۆتاقەوواردەمەنی ـ گەنجەخانە ـ هەمار	گنجه، صندوقخانه ـ انباری
pants *n*	پَ نتس	پانتۆڵ ـ پاتۆڵ ژێرشە واڵ	شورت ـ شلوار
paper *n*	پیپر	قاقەز ـ کاغەز ـ بەرگە، سەنەد ڕۆژنامە ـ نووسراوە	کاغذ ـ روزنامه ـ نوشته، ورقه ـ برگ هویت ـ صفحه
paper clip *n*	پیپرکلیپ	گیرەی کاغەز ـ قولاو سنجاقە و قاقەزی	گیره کاغذ
parachute *n-v*	پَرشووت	چەتری نەجات ـ چەترە وپرەوارەی (پەرین)	چترنجات ـ باچترپریدن
parade [1] *n*	پِرید	ڕێژە ـ وێ نیشان دا ـ خۆ نیشان دا ـ بەسەف چون	سان، رژه ـ نمایش عرض اندام
parade [2] *v*	پِرید	ڕێژەلوای (چوون) ـ وێ نیشان دای ـ بەقەتارەلوای	سان رفتن، رژه رفتن
paradise *n*	پَرَدیس	بەهەشت ـ باگەحۆری و پەری ـ پەردیس	بهشت، فردوس ـ جنت
paraffin *n*	پَرفین	پارافین ـ مادەیێک بە دی هاتوو لەنەوت	پارافین، نفت خام

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
paragraph *n*	پَرگراف	چەن دێر-چەندسەترێ بە نە دێر	پاراگراف، بند
parallel *adj*	پَرِلل	تەریب-دوێ کێرێ (=) لەولای-خەتێ نەویاریای	پارالل، موازی -عرض جغرافیایی،مشابه
paralyze *v(se)*	پَرِلیز	فەلەج کەردەی (کردن) ئیفلیج کردن	ناقص کردن، فلج کردن
paralysis *n*	پَرَلِزیس	ئیفلیج - ئەرەکەوتە داکەوتە	فلج - ازکارافتادگی
parcel *n*	پارسِل	بەسە-بەستە-تیکەزەوی	بسته-قطعه‌زمین-قه‌واره
pardon [1] *n*	پاردِن	لێ بوار - بەخشین ئازادکەی - گوزەشت	پوزش، بخشش - عفو
pardon [2] *v-n*	پاردِن	عەفو لێخوازتن گوزەشت خوازای	معذرت‌خواستن-چشم‌پوشی عفو
parent *n*	پِرِنت	ئەداوبابە-دایک وباوک	پدر و مادر، والدین
parish *n*	پَریش	شاری ژێر دەسەلاتی کەشیش-شارەکەشیش	ناحیه‌تحت‌نفوذکشیش-بلوک بخش
park [1] *n*	پارک	سەیرانگای گشتی-باخ ویاگێ وەشی گردکەسی	باغ ملی، گردشگاه عمومی
park [2] *v*	پارک	یاگێ مندرناو ماشینی جێی راوەستانی ماشێن	پارک کردن (اتومبیل،...)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
parliament *n*	پارلِمنت	جه‌مخانه‌ونماینداونوخه‌لکی	پارلمان،مجلس‌نمایندگان
		عماره‌تی‌پارلمان‌یامه‌جلیس	یا شورا
parrot *n-v*	پَرِت	تووتی-جۆرێوه‌په‌له‌وه‌ر	طوطی‌ـتقلیدکردن
		تایوه‌تو، هندستانی	
part [1] *n*	پارت	به‌ش ـ له ت ـ شوێن	قسمت،بخش،جزءـشرکت‌کردن
		یاگێ ـ لا ـ وه‌زیفه	درفعالیتی‌ـنقش،بازی(درفیلم)
partly *adv*	پارتلی	به‌شێ‌ـله‌تێ‌ـبه‌شه‌ی‌ـلته‌ی	قسمتی، بخشی ـ تاحدی
part [2] *v*	پارت	له‌یه‌ک جگێ بوون	یکدیگرراترک‌کردن ـ جزء
		چه‌یۆی‌جیابیه‌ی‌ـجیابون	جدا کردن
participle *n*	پارتی‌سی‌پل	دووجۆرفه‌رمان‌یان‌فعل	یکی از دو شکل فعل
		(وه‌سفی)حاڵ‌وگوزه‌شته	وجه‌وصفی
particular *adj*	پرتیکیولر	تایبه‌ت‌ـده‌قیق‌ـته‌یوه‌ت	خاص ـ دقیق ـ تک
particularly *adv*	پرتیکیولری	به تایبه‌ت (تایوه‌ت)	مخصوصاً ـ قلم‌بقلم
		چه گردفره‌ته‌ر	
partner *n*	پارتنِر	شه‌ریک ـ شوو ـ یار	همکار، شریک، زوج
party *n*	پارتی	مێمانی ـ جه ژن	مهمانی، جشن ـ گروه ـ حزب
		حزب ـ پارت ـ ده‌سته	
pass [1] *n*	پَس (پاس)	ویه‌رده‌ی (داوگرتن)	گذشتن، قبول شدن ـ رفع
		ره‌دکه‌رده‌ی ـ بواردن	شدن
pass [2] *n*	پَس (پاس)	ویاردـمله‌ـقه‌بووڵ‌له‌ـره‌د	قبولی در امتحان ـ گردنه
		ئیمتحان‌ـجوازـبه‌رئامه‌ی	جواز عبور ـ دربند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
passage *n*	پَسیج	رارەو۔نووسراوە۔رەد گوزەر۔پاساجە۔بەشێ	راهرو، سراسر ـ بخشی از نوشته ـ کوچ ـ گذر ـ مجرا
passenger *n*	پَسینچِر	مسافیر ـ سەفەرکەر	مسافر(قطار،...)سرنشین
passer - by *n*	پَسِربَی	راگوزەر ـ رێبوار	عابر، رهگذر
passion *n*	پَشِن	شۆروشەوق۔خوروٚش ئحساسات۔مەیلی زۆر	هیجان،احساس‌قوی۔شهوت حرارت ـ عشق
passionate *adj*	پَشِنیت	تندە مەزاج ـ پرشۆر زرناقی ـ توندخۆ	پرشور ـ شهوانی ـ زودخشم
passive *adj*	پَسیو	فعل یافەرمانی نبوو۔چێرکار بێ‌رەمەق ـ سەبوور	شکل فعل مجهول ـ غیرفعال پذیرا
passport *n*	پَسپورت	پاسپۆرت ـ گوزەرنامە رەدنامە	پاسپورت،گذرنامه
past [1] *n*	پَست	وێەردە۔رابردوو،لەمێژ لەپێش ـ ئەوسا	مدتهاپیش، در قدیم
past [2] *adj*	پَست	وەختی وێەردە فەرمانی رابردوو	گذشته، زمان گذشته
past [3] *prep,adv*	پَست	لەپالێ ـ لەکەنار جەپاڵەنە ـ لەکن	از کنار ـ گذشته ـ سابق
paste *n*	پیست	هەمیر۔هەویر۔چەسپ	خمیر ـ چسب ـ سریش
pastime *n*	پَس‌تایم	شادی ۔خۆشی۔وەشی نیشات ـ سەیران	سرگرمی، تفریح

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pat [1] *v*	پَت	لاوناى ـ لاواندن پووه تەقیاى	نوازش کردن/دادن،آهسته دست زدن به
pat [2] *n*	پَت	لاونا ـ لاواندنەوه قاڵبه کەرە،گونکه	نوازش ـ بەوقت ـ چانه خمیر
patch [1]	پَچ	پینه‌ـتیکه‌ـپارچه‌زەوى وردە‌ـ وەسڵه	وصله، پینه‌ـ مزرعه‌کوچک تکه
patch [2] *v*	پَچ	پینه کەردەى (کردن) وەسڵەداى (کردن)	پینه کردن، وصله کردن
path *n*	پَز(پَس)	پەسەرا ـ کوێره رێگه رێ ـ جادە،تەرێقه	جاده‌باریک،کوره‌راه‌گذر طریق
patient [1] *adj*	پِى‌شِنت	ناوەش ـ نەخۆش سابر ـ پرتاقەت	صبور، شکیبا ـ بیمار
patience *n*	پِى‌شِنس	سەبر و تاقەت ـ سەور و سەبوورى	صبر، حوصله، بردبارى
patiently *adv*	پِى‌شنت‌لى	بەسەبر ـ بەتاقەت سابرانه	صبورانه‌ـ باصبروحوصله
patient [2] *n*	پِى‌شنت	بیمارـنەوەش‌ـنەخۆش	مریض، بیمار
patrol [1] *n*	پاترول	پاسەوانى ـ چەمدارى گێڵەر ـ گەرەر	گشت ـ پاسدارى
patrol [2] *v*	پِترئول	پاسەوانى کردن ـ چەم دارى کەردەى	گشت زدن ـ نگهبانى دادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
patter *v*	پَتِر	تەپەتەپ کەردەی-زرمەهاتن	صدای ضربه آهسته دادن
pattern *n*	پَتِرن	نەخشە - نموونە	طرح، شکل، رنگ - الگو
		شکڵ - شێوە - رەوش	طریقه
pause [1] *n*	پوز(پئوز)	مندرا - وێسا - ماتڵی	مکث، وقفه
		ماتل	
pause *v*	پوز(پئوز)	مندرای - وێسیان	مکث کردن، وقفه داشتن
		ماتڵ بیەی(بوون)	
pavement *n*	پیومِنت	پیادەرا - رای تووەن	پیادەرو - راه‌آسفالته
		فەرشە - رێی بەردین	
paw *n*	پئو	پەنجەوپای-پەنجەی پێ	پنجه،پا(حیوان)-پنجول
		چە پۆڵە حەیوان	
pawn *v*	پئوپئو	رەهن دای-گرەونیان-پاوئەمن	گروگذاشتن - رهن‌دادن
pay [1] *v*	پی	پێ دان - پەنەدای	مزد دادن، پرداختن
		وجاردەی(بیەرەپیی)	
payment *n*	پی‌مِنت	وجارد-وژارد-پەنەدا	پرداخت - وجه‌پرداختی
pay [2] *n*	پی	هەق-دەس‌کار-هەق‌دەست	مزد، دستمزد- حقوق
pea *n*	پی	نۆک-نوەیە-ولەرە	نخود- نخودسبز
pecuniary archives *n*	پی‌کیونیری	دانیانی ماڵی،چاودێری	بایگانی مالی
	آرچیوز	ماڵیاتی	
peace *n*	پیس	سڵحە - ئاشتی	آشتی،صلح - سکوت
		بێدەنگی-ئارامی-بڕیار	قرارداد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
peaceful *adj*	پیس‌فول	ئارام ـ ساکت ـ کش و	آرام،ساکت، صلح‌جو
		مات ـ هێمن و ئەهوەن	باصفا
peach *n*	پیچ	هەشتالوە ـ قۆخ	هلو ـ شفتالو
peacock *n*	پی‌کاک	تاوس (کەرگەی‌هندی‌یە)	طاووس
peak *n*	پیک	قوچەکەش ـ ئاسۆگا	قله‌کوه، بالای تپه ـ لبه کلاه
		کەل ـ نووک	اوج
peal *n*	پیل	هارەـنەرەـگرمەـشراخە	صدای‌گوشخراش‌ـغُرّش‌رعد
peal *v*	پیل	گرماندن ـ گرمنای	طنین انداختن، غریدن
		نەرنای ـ هارەئامەی	
peanut *n*	پی نات	بادەمزەمینیەـوامزەمینی	بادام زمینی، بادام خاکی
pear *v*	پِر	هەرمێ ـ هەمرۆ ـ مرۆ	گلابی ـ آمرود
pearl *n*	پِرل	مرواری ـ مرواریە	مروارید ـ صدفی
pebble *n*	پبل	ڕێز ـ بەردەخرکە	ریگ، شن
		زیخ ـ پیچەک ـ ڕێخ	
peck *v*	پِک	بە دەنووک خواردن	نُک زدن، با منقار خوردن
		دندووک شەنەی	
peculiar *adj*	پی کیولیر	عە جەیواتی ـ تایبەت	عجیب، غیرمعمولی ـ ویژه
		تەیوەتی ـ تاقانە	
pedal [1] *n*	پدِل	پادەر ـ جێ‌پێ ـ پە داڵ	پدال، رکاب
		رکاولە دوچەرخە	
pedal [2] *v*	پدِل	پادای ـ پێ لێدان	رکاب زدن، پدال زدن
		پەداڵ دای‌ـرکاودان	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pedestrian *n,adj*	پی‌دِس‌ترِین	راگوزەر ـ ڕێ گوزەر خراپ وبێ هازوتین	عابر، رهگذر ـ بی‌روح
peel [1] *n*	پیل	پێستی مێوە ـ توێکلی مێوە توکلە مێوە ـ پۆس ـ پێس	پوست میوه
peel [2] *v*	پیل	پاقلیس کەردەی ـ پێس دەرهاوردن ـ توکڵ کەنەی	پوست گرفتن (میوه،...)
peep [1] *v*	پیپ	نەزەر وسەی ـ تەواشا بە پەلە کردن ـ چەم وسەی زو	نظرانداختن،نگاه‌کردن دُزدانه جیک جیک کردن
peep [2] *n*	پیپ	چەم وز ـ چاو خست بەدزە لاونیم دیای، بەدزەروانین	نگاه‌گذرا،نگاه‌سریع دُزدانه
peg *n*	پگ	گیرەی لیباس ـ چۆدەوار گیرە سیپاڵ ـ بزمار	چوب لباسی ـ گیره لباس میخ چوبی‌ـ میزان
pen [1] *n*	پن	خودکار ـ قەڵەم خۆنویس	قلم، قلم خودنویس
pen [2] *n*	پن	پەچە حەیوان ـ یاگە کەرگە گاجێ وگەور ـ زاخە، کولین	آغل ـ زاغه‌مرغدانی
penalty *n*	پنِل‌تی	جریمە ـ تاوان ـ خەتا	پنالتی، جریمه، تنبیه
pencil *n*	پن‌سیل	مەداد	مداد
penetrate *v*	پن‌یتریت	دەڵنای ـ دەلاندن ـ دلێ لوای کون کردن ـ ناوچون	رخنه / نفوذ کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
penknife *n*	پن نایف	چه‌قوی باخه‌ڵی-چاقۆو گیفانێ ـ مه‌دادتراش	چاقو، چاقوی توجیبی قلم‌تراش
penny *n*	پنی	پووڵه‌ورده‌جه‌ئینگلیس ورده‌پووڵ له‌ئنگلستان	پنی (سکه رایج بریتانیائی) $\frac{1}{100}$ پوند
pension *n*	پن‌شن	هه‌قۆقی بازنشستی مواجووی ئاخری کاروپیری	حقوق بازنشستگی ـ پانسیون
people *n*	پی‌پل	مه‌ردم ـ خه‌ڵک که‌سان ـ نه‌فه‌رێ	مردم، اشخاص، افراد
pepper *n-v*	پپر	ئاڵه‌ت تونی ـ ئاڵه‌ته بیبار ـ گه‌رده‌بیبه‌ر	پودر فلفل ـ فلفل سبز فلفل زدن
peppermint *n*	پپرمینت	نه‌عنا کێوی ـقورسی نه‌عنا ـ نه‌عناهه‌ردی	نعناع ـ قرص نعناع ـ سوسنبر
per *prep*	پر	له ـ هه‌ر ـ به ـ با ـ جه	هر، در، با، بوسیله، ازراه
percent *n*	پرسنت	ده‌رسه‌د ـ به‌شێ له‌سه‌د چێوه‌ی جه سه‌دی	درصد ٪
perch *v*	پرچ	ئه‌وه‌نشته‌ی ـ ئه‌وه‌نیشتن له‌سه‌ر (دار ـ ته‌ل ـ ...) چڵ	(روی شاخه / میله) نشستن نشستنگاه
perfect [1] *adj*	پرفیکت	کامڵ ـ دروست، باش درۆس ـ ته‌وا ـ چاک	عالی ـ کامل، درست ـ بی‌عیب
perfectly *adv*	پرفیکتلی	به ته‌واوی ـ به‌گردوگرد	کاملاً ـ به‌طورکامل ـ خیلی
perfect [2] *v*	پرفکت	کامڵ‌که‌رده‌ی ـ ته‌واوکردن	کامل کردن ـ تکمیل کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
perfection *n*	پرفکشِن	کەماڵ ـ تەکمیل	کمال ـ تکمیل
perform *v*	پرفُرم	کارتە واو کردن عەمەڵ کەردەی	عمل کردن، انجام دادن موسیقی زدن
performance *n*	پرفُرمِنس	کارکرد ـ ئجرا ـ نمایش وێ نیشان دای	اجرا، بازی در (فیلم / نمایشنامه) ـ عمل ـ عملکرد
perfume *n*	پرفیوم	عەتر ـ بۆی وەشە بۆنی خۆش ـ ئەشەدبۆ	عطر،بوی‌خوش‌ـمُعطرکردن
perhaps *adv*	پرهَپس	مۆمکنەن ـ گەهاز مومکینە،وادیارە	شاید‌ـ چه‌بسا
period *n*	پریود(پیریِد)	دەورە‌ـوەعدە‌ـنوختە دەوران‌ـنوختەی ئاخرلە‌جوملە	دوره، عصر ـ نقطه
perish *v*	پریش	پریش پریش بیەی‌ـتیاچوون ورد و هان بیەی	نابود شدن، هلاک شدن
permanent *adj*	پرمِنِت	دایم ـ بۆهەمیشە هەتا هەتایە	دائم، ثابت ـ همیشگی
permanently *adv*	پرمِنِتلی	دایمی ـ هەمیشەیی	دائماً ـ به طورهمیشگی
permit [1] *v*	پرمیت	ئیجازەدان (دای) ئازاد ئاسەی	اجازه‌دادن، مجازدانستن
permission *n*	پرمیشِن	ئیجازە‌ـئازادئاس،رەوا	جایز ـ موجه ـ روا
permit [2] *n*	پرمیت	جواز ـ جەواز ئیجازەنامە	جوازکار‌ـگواهینامه‌ـاجازه

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
person *n*	پرسن	کەس-نەفەر-بەشەر-وجود	شخص، فرد، کس - آدم - نفر
personal *adj*	پرسنال	تەیوەتی-تایبەتی	شخصی، خصوصی - فردی
		وێ یی - خۆیی	
personal affairs *n*	پرسنال‌اِفِر	کاربەرێوەبەری-کارگزینی	کارگزینی
personally *adv*	پرسنالی	بە خۆم-حەرویم-بەتن	شخصاً - به‌تنهایی
persuade *v*	پرسوِد	هانەهانەدای-مۆچیاری	ترغیب کردن - واداشتن
		کەردەی-رازی‌کردن‌بە	
persuasion *n*	پرسویژن	هانەهانە - مۆچیاری	تشویق،ترغیب-وادارسازی
		تەشویق-هەڵنیان،ئەقیدە	اعتقاد
pest *n*	پِست	بەلا-تاعوون-پەتا-قولچ	حیوان / آدم مزاحم، آفت، بلا
		خودا-ترئیشقنای-قولچ	دردسر
pet *n*	پِت	حەیوانی پەت کریا	جانوردست‌آموز-سوگلی
		جانەوەری دەستی	غیض - نوازش
petal *n*	پِتال	گوڵبەرگ - پەرەگوڵ	گلبرگ گلها
	پتل	پەرەی گولان	
petition *n*	پی‌تی‌شِن	عەرزەو حاڵ - داد	عریضه، دادخواست-تقاضا
		خواز-عەریزە-تەقازا	
petrol *n*	پِترِل(پترول)	بنزین - بنزیل	بنزین‌له ئینگلیس
philosophy *n*	فیلاسُفِی	فەلسەفە - حکمەت	فلسفه - اصول نظریه‌ها
		علمی علەت روونکەر	
phone [1] *n*	فئون (فون)	کورت‌کراوی تەلەیفون	مخفف *telephone*

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
phone [2] *v-n*	فون	تەلەیفونکەردەی (کردن)	تلفن زدن / کردن ـ صدا
		دەنگ ـ سدا ـ بانگ	
photograph [1] *n*	فوتوگراف	عەکس ـ شێوە ـ وێنە	عکس، فتو
photograph [2] *v*	فوتوگراف	وێنە گرتن ـ عەکس گرتەی	عکس گرفتن
photographer *n*	فوتوگرافِر	وێنە گر ـ عەکس وز	عکاس،عکسبردار
photography *n*	فوتوگرافی	پێشەی وێنە گری	هنر عکاسی ـ عکسبرداری
		عەکس وزی	
phrase *n*	فرِز	جملەی ناتەمام	عبارت (جملهٔ ناقص)
		راوێژ ـ کورتە جملە	گزاره
physical *adj*	فیزیکل	فیزیکی ـ سروشتی ـ بەدەنی	فیزیکی،طبیعی ـ مادی،جسمی
physician *n*	فیزیشِن	دوکتۆر ـ دوگدر ـ حەکیم	دکتر، پزشک ـ طبیب
physics *n*	فیزیک‌س	علم وفیزیکی ـ فیزیک	فیزیک ـ علم فیزیک
physicist *n*	فیزی‌سیست	فیزکزان ـ ئوساوفیزیکی	فیزیکدان
piano *n*	پیانو	جورە ئامرازێکە لە موسیقا	پیانو ـ نوعی آلت موسیقی
		وەسیلێوە موسیقای	
pianist *n*	پیانیست	پیانۆژەن ـ لێدەری پیانۆ	پیانیست، نوازنده، پیانو
pick [1] *v-n*	پیک	هەڵبژاردن ـ جیاوە	انتخاب کردن، برگزیدن
		کەردەی ـ کەنەی (کەندن)	مضراب ـ ذخمه
pick *n*	پیک	هەلبژێر ـ جیاوز ـ وچنیەی	انتخاب ـ گزیده،زبده
pick [2] *n*	پیک آکس	پاچ ـ زەنگن شەنەی	کلنگ ـ کلنگ زدن
picnic *n*	پیک نیک	سەیران ـ هەردوکەش گێلاێ	پیک نیک، گردش

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
picture [1] *n*	پیک چر	نەقاشی ـ وێنە ـ شێوە عەکسە	تصویر، نقاشی، عکس
picture [2] *v-n*	پیکچِر	بەوێنە نیشاندان ـ بە زەندئەوردەی ـ خیاڵکردن	پنداشتن، انگاشتن تصور ـ مجسم
piece *n*	پییس	تیکە ـ لت ـ لەت تۆپە پارچە	تکه، قطعه، پاره، برگ
pierce *v*	پیرس	کونکردن ـ وڵ کەردەی دلێ لوای ـ دەڵـاندن	سوراخ کردن، فرو رفتن نفوذکردن
pig *n*	پیگ	خووگ ـ بەراز ـ یە کانەودەرە ـ خوگ باو	خوک ـ آدم خوک صفت
pigeon *n*	پی‌چِن	کۆتر ـ کاوەتری کەموو تەر	کبوتر ـ کفتر
piglet *n*	پیگ‌لِت	بە چۆڵە خووگ بەچکەبەراز	بچه خوک
pile [1] *n*	پایل-پیل	کۆما ـ ماش (ماشوتفان) کۆمەڵ ـ دەسە ـ پەلوپۆ	توده،انبوه‌ـ تل‌ـ کومه پُرز
pile [2] *v*	پایل-پیل	هۆرۆدای ـ پەرکەردەی پرکردن ـ جەم کردن	انباشتن، توده کردن
pilgrim *n*	پیل‌گریم	زیارەتکەر ـ تەوافکەر	زائر، زیارت کننده
pilgrimage *n*	پیل‌گریمیج	زیارەت ـ سەفەر بۆ زیارەت و تەواف	سفر زیارتی‌ـ زیارت

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pill *n*	پیل	حبه ـ حه‌ب ـ دنکه دانه ـ حه‌بی به‌رگری	(دارو) قرص ـ حب
pillar *n*	پیلر	کۆڵه‌کێ ـ کۆڵه‌که ـ پایه	ستون، تیر ـ خرپا ـ پایه
pillow *n*	پیلو	سرینگا ـ سره‌نگا ژێره‌سه‌ر ـ چێره‌سه‌ر	بالش، متکا
pillowcase *n*	پیلوکس	روه‌سره‌نگا ـ به‌ره‌سرینگا	روبالشی ـ روکش متکا
pilot *n*	پای‌لت	خه‌له‌بان ـ فڕۆکه‌وان ته‌یاره‌ران، ناوبه‌ر	خلبان ـ ناخدا، کاپیتان کشتی
pin [1] *n*	پین	سنجاق ـ سنجاقی	پونز، سنجاق قفلی ـ سنجاق ته‌گرد
pin [2] *v*	پین	سنجاق لێدان (دای)	سنجاق کردن / زدن
pinch [1] *v*	پینچ	قورینج گرته‌ی ـ قورج گرتن ده‌س پۆره‌نیای ـ بردن له	نیشگون گرفتن، کمی (نمک) اضطراری
pinch [2] *n*	پاین ـ پیین	تۆزه‌ی ـ زه‌ره‌یه‌ک قورینجی ـ قورج، که‌مێ	مقدار اندک، ذره
pine *n*	پاین	داره‌کاج ـ سه‌وزه‌دار ـ له‌ر	درخت کاج، صنوبر ـ نزار
pineapple *n*	پاین‌آپل	ئه‌ناناس ـ مێوه‌یه‌ک گه‌رمیانی، تۆم‌کاج	آناناس ـ میوه‌کاج
pink *n,adj*	پینک	ره‌نگی سووره‌تی، مێخه‌ک	(رنگ) صورتی ـ گل میخک
pint *n*	پینت	پێوانه‌یه‌ک، که ۸ دانه‌ی گالۆنێکه	پاینت ـ نوعی پیمانه
pioneer *n*	پینیر	ئاماده و پێش ره‌و موهه‌ندسی ئه‌رته‌ش	پیشتاز، پیشگام ـ مهاجر اولیه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pip *n*	پیپ	تۆم ـ دنکه ـ ناوک پێشه ـ مێوه ـ تۆو	هسته، دانه، تخمه
pipe *n*	پایپ-پیپ	لوولێ ـ لووله ـ قلیانه، قیژه بۆشکه شەراو ـ شمشاڵ	لوله،پیپ ـ فلوت،چپق جیغ
pirate *n*	پایرت	دزی دەلیایی ـ دزو چاپو کتێوی ـ کەشتی دزانی دەلیا	دزدریائی ـ دزد انتشاراتی
pistol *n*	پیس‌تل	دەمانچە ـ دەوانچە	تپانچه ـ هفت‌تیر
pit *n*	پیت	چاڵ ـ چاڵی ـ وڵە، کون ـ ناوک مێوه ـ پێ شه مێوه	گودال،چاله ـ معدن، هسته‌هلو هسته‌میوه ـ ارتفاع ـ شیرجه
pitch [1] *n*	پیچ	زەوی وەرزش وکایە ـ مشەما نەرمی وقۆری دەنگ ـ قیر	زمین‌بازی ـ زیروبمی صدا ـ قیر
pitch [2] *v*	پیچ	دەوار و چادر هەڵدان کۆک کردن ـ سەرەوچێربیەی	برپاداشتن،چادرزدن ـ پراندن
pity [1] *n*	پی‌تی	رەحم ـ دڵ سووتان بەزەی ـ ئاخ وداخ	ترحم،دلسوزی ـ دریغ
pity [2] *v*	پی‌تی	دڵ سۆتەی پەی رەحم کردن بە ـ دڵ سوتان	ترحم کردن، دلسوزی کردن
place [1] *n*	پلیس	جێگە ـ یاگە ـ شوێن دیار،دێ،مقام،شار	مکان، محل ـ جا ـ شهر، دهکده ـ رتبه
place [2] *v*	پلیس	نیای ـ هێشتن،بیرهاوردن ئەرەنیای ـ ویرئامەی	گذاشتن، قرار دادن بجاآوردن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
plain [1] *adj*	پلین	روون ـ ئاشکرا ـ دەشت	واضح، روشن، آشکار ـ رُک
		ڕۆشن ـ مەعلووم، سادە	دست ـ عادی ـ دشت
plainly *adv*	پلین‌لی	بە ئاشکرا ـ بە ڕۆی	به طور آشکار، به وضوح
		ڕۆشن ـ بە ئاسانی	
plain [2] *n*	پلین	دەشت ـ سارای ـ دەشتە	جلگه، دشت ـ ساده
plait [1] *v(pleat)*	پلَت ـ پلِت	چنیەی ـ گێسۆ گرتەی ـ چنین	بافتن(طناب،مو،...)ـ گیس کردن
plait [2] *n*	پلَت ـ پلِت	چنیە ـ گرتە ـ گێسەی	بافته ـ موی بافته ـ طُرّه
		ئەوە گیریا ـ چنیاگ	
plan [1] *n*	پلَن	نەخشە ـ گلاڵ و تەرح	طرح،نقشه،برنامه ـ کروکی
		بەرنامە ـ پرۆژە	
plan [2] *v*	پلَن	نەخشە کێشان بۆ	برنامه‌ریزی کردن ـ قصدکردن
		بەرنامە دەسۆبیەی	
plane *n*	پلین	تەیارە ـ باڵوین	هواپیما ـ مخفف *aeroplane*
		فرۆکە، ساف ـ رندە	رنده ـ صاف
planet *n*	پلَنیت	مادەوبەردیی ئاسمانی	جرم آسمانی، سیاره
		گێلەر ـ گەرەر ـ خول خۆر	
plank *n*	پلَنک	دیمەکە ـ پەردوو، بەرنامە	الوار، تخته ـ برنامه ـ مرام
		تەموەدار ـ ئامانج	
plant [1] *n*	پلانت(پلَنت)	گیا ـ گیواو ـ رووەک	گیاه،نبات ـ ابزارگان
plant [2] *v*	پلانت	دارنیای ـ کاڵای ـ کێلین	کاشتن، نصب‌کردن
		داچەقاندن لەزەوی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
plantation *n*	پلنتیشن	زەویگەورەیکشتوکاڵ	کشتزار۔مجتمع کشاورزی
plaster [1] *n*	پلاستِر	گەچ و خاکی سپی	گچ ساختمانی
plaster [2] *v*	پلاستِر	موشەما۔گەچکاریکردن	اندودن، گچ کاری کردن
plastic *adj , n*	پلَستیک	پەلاستیک ۔ باغە	پلاستیکی، پلاستیک
plate *n*	پلیت	دەوری،دیانیمەسنوعی	بشقاب۔پلاک۔دندان مصنوعی
platform *n*	پلَت فورم	سەکۆی قەتار۔جێگای خوارهاتیتەیارە،تەختای	سکوی قطار۔جایگاه۔صحنه
play [1] *v*	پلی	گەمەکەردەی۔کایەکردن موسیقاژەنەی	بازی کردن ۔ نواختن (ساز) به بازی گرفتن
player *n*	پلیر	گەمەکەر ۔ کایەکەر لێدەری موسیقا	بازیکن، بازیکن فوتبال نوازنده ۔ بازیگر
playground *n*	پلی گرئوند	زەوی کایە ۔ زەمینو وەرزش و گەمەی	زمین‌بازی و ورزش
play [2] *n*	پلی	کایە ۔گەمە ۔ شۆخی نمایش	بازی،سرگرمی۔نمایشنامه، فیلم
pleasant *adj*	پلِزنت	نمەکین۔دڵبەر۔زەریف تامدار ۔ پرنیشات	زیبا، دلچسب ۔گوارا
pleasantly *adv*	پلِزنتلی	بە دڵوازی ۔ بە جۆری ڕەزامەندی ۔ بەوەشی	به طور دلچسب
please [1] *v*	پلیز	شادکەردەی(کردن)۔وەشحاڵ کەردەی ۔ ڕازی کردن	شاد / خوشحال کردن

فارسی Persian	کُردی Kurdish	تلفظ Pronounciation	انگلیسی English
لذت،خوشی،آرزو،حظ،ومیل	خۆشی ـ مەسرووری ـ وەشی وەش ویاری ـ شادمانی	پلژر	**pleasure** *n*
خواهش (مؤدبانه)ـ لطفاً	لێباران ـ خوایش چەنەلاڵیا ـ وەقوربان	پلیز	**please** [2] *n*
فراوانی، مقدار زیاد	فرەوفەراوان ـ یەکجارزۆر	پلنتی	**plenty** *n*
فراوان،بسیار،زیاد	فرە ـ زۆری زۆر	پلنتی‌فول	**plentiful** *adj*
گازانبر، انبردست	گاز ـ قرتێنە ـ ربزمارکێش	پلایرز ـ پلی‌یرز	**pliers** *n*
باغچه ـ قوارەزمین طرح	باخچە ـ تیکەزەوی تەلانەزەمین،نەخشەی ماڵ	پلات	**plot** [1] *n*
نقشه(خائنانه)ـ داستان طرح، توطئه	نەخشەونا پیایی،بوختان نەخشەی ژێرەسەر ـ راز	پلات	**plot** [2] *n*
نقشه (خائنانه) کشیدن توطئه کردن	نەخشەی ژێرەسەرکێشان چێر پا خاڵی کەردەی	پلات	**plot** [3] *v*
خیش،گاو آهن	گاوەسەن ـ هێش هیتە ـ جووت (کاکی جوتیار)	پلَو ـ پلئو	**plow=plough** [1] *n*
شخم زدن / کردن	جووت کردن ـ هیت کەردەی	پلَو ـ پلئو	**plough** [2] *v*
کندن،کشیدن،چیدن ـ جرئت	کەنەی ـ کەندن ـ تەکنای،زات	پلاک	**pluck** *v-n*
سرپوش ـ دو شاخه (برق) پریز ـ کلید	دووشاخەی کارەبا و بەرق ـ دەرپۆش ـ کلیلی بەرق	پلاگ	**plug** [1] *n*
دو شاخه را به برق زدن مسدود کردن	دووشاخەبەبەرق (برق) دان ـ دووشاخەوەنەدای	پلاگ	**plug** [2] *v*

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
plum *n*	پلام	هەڵوو‌ـهەڵوەسیاوەیازەردده	آلو ـ دل‌پسند
plumbing *n*	پلامینگ	لوولە کەشی ئاو لەماڵ	لوله‌کشی آب
		لوولە کەشی ئاوێ	
plump *adj*	پلامپ	چاخومەس‌ـخەپەکۆڵە	گوشتالو،تُپل‌ـچاق‌چله
		قەڵەو‌ـفرەچاخ،شلّپەکردن	تلپ افتادن
plural *adj,n*	پلُرل	جەمعە ـ جە م ـ جە	جمع،بیش‌ازیکی‌ـچندتایی
		پۆوبان ـ جەمدای	صورت جمع
plus *prep*	پلاس	بەعەلاوەـبەعەلاوەی(+)	به‌علاوه، باضافهٔ
p.m.	پ ـ ام	دوانیوەرۆ ـ دمانیمەرۆ	بعدازظهرـظهرتانیمه‌شب
pluto *n*	پلتوتو	خودای ژێرزەوی، پلۆتۆن	پلوتو(خدای‌زمین)پلوتون
pocket *n*	پاکیت	گیفانەـگرفان، مێراق	جیب (لباس)خودخوری
pocket money *n*	پاکیت‌مانی	پوولی ناوگیفان	پول تو جیبی‌ـ پول‌کیف
		پوولو دلێ گیفانێ	
pod *n*	پاد	جێ تۆم ـ یاگەتۆم	پوسته،غلاف(گیاه)ـنیام
		تۆمدان ـ کەمکۆڵ	
poem *n*	پویم‌ـپوام	شێعرێ ـ شێعر	شعر ـ چکامه
		هۆنراوە ـ بوێژ	
poet *n*	پوات	شاعێر ـ شێعر واچ	شاعر ـ سخن‌سرا
		هۆانراوە بوێژ	
poetry *n*	پویتری‌ـپواتری	شێعری‌ـبوێژەکان	اشعار ـ آثارشعری

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
point [1] *v*	پوینت	ئیشارەتکردن-ئیشارە	اشاره کردن / نمودن
		کەردەی-قەرەوڵ گرتەی	تیزکردن مداد
pointed *adj*	پوینتد	نووک تێژ، تەشەربام	نوک تیز - سرتیز
point [2] *n*	پوینت	نووک تێژ، قۆناغ-جێ	نوک تیز - هدف - امتیاز،
		مەنزوور-نوختە-میزان	مرحله - نقطه - محل
poison [1] *n*	پویزِن	سەم - سام - ژاڵ	زهر، سم قاتل
		ژەحر - ژەقلەموت	
posionous *adj*	پایزِنس	ژەحری - سام تێکەڵ	زهری، سمی -مسموم‌کننده
	پویزِنس	ژاری - سەمدار	
poison [2] *v*	پایزن(پویزن)	ژەحرپێدان-ژاروسەم	مسموم کردن، زهر دادن
		پەنەدای-سەم تێکەڵ کەردەی	
poke *v*	پئوک	نەقیزەدای-پۆوە کەردەی	فروکردن، به هم زدن
		ئاگربلاوکردن، سیخورمەلێدان	با آرنج زدن به
pole [1] *n*	پئول	راژە-نێلەمل-دار، تولە	تیرچوبی - دکل - میله
pole [2] *n*	پئول	تەوقەزەمین - تەوقی	قطب (زمین)-تیرچه
		تۆپی زەوی، قوتپ	
police *n*	پولیس-پلیس	پاسەوان - پاسەبان	پلیس، پاسبان
policy *n*	پالیسی-پلیسی	رەوەند-رەویە-تەگویر	خطمشی-سیاست-تدبیر-مصلحت
polish *v*	پالیش	واکس دای - رۆشن ۆ	براق کردن، جلا دادن
	پئولیش	کەردەی - برێقەپێ دان	واکس زدن

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
polish [2] *n*	پالیش	ڕۆن جەلا ـ واکس	روغن جلا۔ واکس
	پئولیش	ڕەونەق ـ ڕازنا	
polite *adj*	پولایت	عەدەو۔ئارام وسەنگین	مؤدب،باتربیت۔فرهیخته
	پلیت	هێمن و نەجیب	
politics *n*	پالی تیکس	علمی سیاسەت	علم سیاست، فن حکومت
political *adj*	پولی‌تیکل۔پلی‌تیکل	سیاسی،بەتەدبیر	سیاسی ـ مُدبّرانه
politician *n*	پالی‌تی‌شِن	سیاسەتزان۔سیاسەت پێشە	سیاستمدار ـ دولتمرد
polytechnic *n*	پالی‌تکنیک	زانکۆی فەنی	دانشکده‌فنی۔پلی‌تکنیک
pond *n*	پاند	حەوز ـ حەسارە	حوض، آبگیر، استخر
		گۆمە ـ سەراو	
pool *n*	پوول	گۆمە ـ هەسێر ـ مێرگ	آبگیر،تالاب،استخر،شراکت
		مێرگە۔سەرمایەشەریک	
poor *adj*	پوور	فەقیر ـ گەدا ۔سواڵ	فقیر، ندار ـ بیچاره، بد
		کەر۔ئەرامەندە۔داماگ،کەم	کم
pop [1] *n*	پاپ	تەپەئامەی۔چتێ خالێ	صدای تق ـ بامب
		کردن۔تلێپەکەردەی۔تەقە،واق	ترکیدن
pop [2] *n*	پاپ	موسیقای پاپ۔چرپە۔فرتە	موسیقی پاپ/مردمی۔تُرق
pope *n*	پئوپ	پاپی ئەعزەم،رابەری،	پاپ ـ پاپ اعظم
		کاتولیکەکان	
popular *adj*	پاپ یولِر	گشتی ـ گشت پەسەند	عامه پسند،محبوب۔باب
		بە ناوبانگ ـ باو	مردمی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
popularity *n*	پاپیولریتی	شۆرەت ـ قابلی ملەت پەزێر ـ خەڵک خواز	اعتبار، محبوبیت ـ عوام‌پسند
population *n*	پاپیولیشن	ژمارەی نفووس ـ ژمار و مەردمی ـ دەستە	تعداد جمعیت ـ مردم ـ گروه
pork *n*	پُرک ـ پێۆرک	گۆشتو خووگی ـ گۆشتە بەراز	گوشت خوک
porridge *n*	پاریج (دۆخوا)	شۆربا ـ شۆروا ـ حلیم، فرنی	شوربا ـ حلیم ـ فرنی
port *n*	پُرت	شاری کەناری دەلیا، لای چەپ شەراوی سووری پرتەقالێ	بندر، شهر بندری ـ طرف چپ شراب قرمز
porter *n*	پُرتر	کۆڵبەر ـ دەروان حەمباڵ ـ حەماڵ	حمال، باربر ـ سرایدار دربان
portion *n*	پُرشِن	بەش ـ قسمەت ـ تیکە، دانگ	بخش، سهم ـ دانگ، تکه
portrait *n*	پُرتریت	وێنە ـ شێوە ـ عەکسە	تصویر / نقاشی چهره
position *n*	پوزی‌شِن	مقام ـ یاگێ ـ جێ ـ پیشە	محل، مکان ـ شغل، مقام، نظر
	پزی‌شِن	و کار ـ وەزعە ـ حاڵ	وضعیت، موقعیت، حالت ـ جا
positive *adj*	پازی‌تیو	یەقین ـ ئاشکرا ـ ژمارەی موسبەت ـ هەرەقەتی، کامڵ	مطمئن ـ قطعی، (عدد+) کامل، صفت مطلق
positively *adv*	پازی‌تیولی	دڵ نیابە ـ حتمەن	حتماً، مطمئناً
possess *v*	پزِس	دارابیەی ـ مالکو ساحەب بون	دارا بودن، مالک بودن
possession *n*	پزِس‌شِن	ساحەب ـ مالک ـ ساحێو	تصاحب، مالکیت ـ دارایی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
practical *adj*	پِرَکتیکال	بەکەڵک ـ سوودمەند ـ عەمەلّی	فعال،کاری،عملی،واقعی
practically *adv*	پِرَکتیکالی	لەعەمەلاّ ـ جەهەقیقەت	تقریباً، عملاً،بەطورعملی
practice *n(se)*	پِرَکتیس	هەوڵ ـ کۆشان ـ خۆ،عادەت پەلەقاژێ ـ عەمەل	تمرین،مشق ـ رسم ـ روال
practise *v*	پِرَکتیس	عەمەڵ کەردەی ـ تەمرین کردن ـ شوێناچوون	تمرین‌کردن ـ عمل‌کردن
praise [1] *v*	پریز	تەحسین کردن ـ باس و خەیری کەردەی ـ تاریف‌دان	تحسین / ستایش کردن
praise [2] *n*	پریز	تەحسین ـ باس و خەیری تاریف ـ ئافەرین،سەنا	تمجید،تحسین ـ ستایش،آفرین
pram *n*	پِرَم	رەورەوە ـ درۆشکەی منالانە	کالسکه‌بچه ـ دُرشکه‌بچه
pray *v*	پری	نماونوێژکردن ـ دوعا کەردەی ـ هۆرەولالیای ورەخودای	نماز خواندن،دعا/ نیایش‌کردن عبادت کردن
prayer *n*	پریر	دوعا ـ نما ـ نوێژ ـ هۆرە ـ نماکەر	دعا،نماز ـ نمازگزار ـ عبادت
preach *v*	پریچ	ئێرشادکەردەی ـ مۆچیاری کەردەی (کردن)	موعظه‌کردن ـ نصیحت‌کردن پند دادن
preacher *n*	پریچر	مۆچیاریکەر ـ ئێرشادکەر	واعظ ـ مُبلّغ ـ کشیش
precaution *n*	پری‌کوشِن	هۆشیاری ـ وریایی ـ بەرگری	احتیاط ـ پیشگیری
precious *adj*	پرشِس	قیمەتی ـ فرەگران ـ ئازیز	گرانبها، پربها ـ وسواسی
predict *v*	پری‌دیکت	وەربینی‌کەردەی ـ لەپێشەوە وتن ـ جەوەڵ خەوەردای	پیش بینی کردن پیشگویی کردن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
prediction *n*	پری‌دیکشن	جه‌وه‌ڵ خه‌وردای وه‌ربینی‌ـله‌پێش‌وتنه‌وه	پیشگوئی، پیش بینی
prefect *n*	پری فِکت	سه‌رپرسی‌که‌لاس‌ـمفسێرو که‌لاسێ‌ـئوستاندار	مبصرکلاس‌ـ اُستاندار رئیس پلیس
prefer *v*	پری‌فِر	بان‌ته‌ر زانای ـباش‌تر زانین	ترجیح دادن، برتر شمردن
preference *n*	پری فِرنس	بان‌ته‌ر ـ باش‌تر	مزیت،برتری‌ـترجیح،فرق
prefix *n*	پری‌فیکس	پێش‌نه‌رـوه‌رنیا،خواز به‌ره‌وشه،جیاواز	پیشوندـتفاوت
pregnant *adj*	پرِگنِنت	ئاوس‌ـئه‌وره،پڕ دووگیان ـ لەمپەڕ	حامله،باردار‌ـآبستن،پُر
prejudice *n*	پرِجودیس	غه‌ره‌ز ـ زه‌م پێش قه‌زاوه‌ت ـ زه‌ره‌ر ناهه‌ق گۆیی،قین	تعصب،پیش‌داوری‌ـغرض آسیب
prepare *v*	پری‌پِر	حارز کردن (که‌رده‌ی) ته داره‌ک دان	آماده‌کردن‌ـتدارک‌دیدن
preparation *n*	پرپرِشن	ته‌داره‌ک ـ حازر ئاماده	آماده، مهیاـ تدارک تهیه
preposition *n*	پرپزی‌شن	پیته‌کانی ئیزافی‌وه‌ک *To* ورده‌قسێ‌ـجمله‌رێک‌که‌رـپسه (*in*)	حرف اضافه مثل *in-to*

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
prescription *n*	پریس‌کریپشِن	نویسه‌ودوگدری-نووسراوی دوکتۆر-بەڵگەودەوای-فرمان	نسخهٔ(دکتر)- فرمان رهنمود
present [1] *adj*	پرِزنت	حازر-ئیسه-زەمانی حاڵ (فەرمانی ئێستا)	در اینجا، اینجا - فعلی حاضر - اکنون
present [2] *n*	پرزنت	لەمکاتە-جەئیسە-دیاری پەی تۆ - پێشکەش	در حال حاضر - کنونی هدیه
presently *adv*	پرزنتلی	چیزوانەنە - لەم نزیکانا- زوو- ئی سە	به زودی - حالا - اکنون
present [3] *v*	پرزنت	پێشکەش‌کردن-نیشان‌دای	هدیه‌دادن، اعطاءکردن
preserve *v-n*	پری زرو	پارێزنای - چاو دێری کردن-مرەباوترشی‌کەردەی	حفظ کردن - مرباکردن کمپوت،کنسرو-مربا
preservation *n*	پرزروی شِن	چاودێری - پارێزی هۆشیاری، چەم داری	نگهداری- حفاظت، حفظ نیکداری
president *n*	پرزیدِنت	سەرۆک کۆمار رەیس کۆمەڵ - مودیر	رئیس جمهور - رئیس، مدیر(شرکت)
press [1] *v*	پرس	شوارای - گوشین ئتوودان - وشێردن	فشار دادن - اطو زدن پیگیری کردن
pressure *n*	پرشر	زۆر-وشێر-بێگاری-هێز	فشارزور-اجبار،تنگنا
press [2] *n*	پرس	ماشینی چاپ-مەنگەنە ئاوی‌مێوەگرتن-چاپ،بلاوگەری	ماشین چاپ - مطبوعات چاپخانه- نشر-جراید

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pretend *v*	پری تِند	ویٚ نابەڵەد کەردەی	وانمود ساختن ـ تظاهر کردن
		خوٚ بە باریٚ ترا دان	ادعا کردن
		خوٚبە نەزانی دان	
pretty [1] *adj*	پری تی	دڵ‌رفیٚن ـ زەریف	زیبا،جذاب،قشنگ،خوشگل
		جوان ـ نمەکین	
pretty [2] *adv*	پری تی	تائەندازەیەک ـ تا	تقریباً ـ نسبتاً ـ تاحدی
		حەددەی ـ نزیک‌بە	
prevent *v*	پری وِنت	بەرگری کردن (وەر	بازداشتن، ممانعت کردن
		گرتەی) ـ بەرگرتن	جلوگیری کردن
prevention *n*	پری‌وِن‌شِن	بەرگری ـ وەرگیری	پیشگیری،جلوگیری،منع
previous *adj*	پری‌ویِس	وەڵین ـ رابردوو	قبلی، سابق، پیشین،قبل
		لەمیٚژ ـ چەووەڵ	
previously *adv*	پری‌ویِسلی	جەقەدیم،لەکوٚنەوە،لەمەوپیٚش	قبلاً، سابقاً ـ پیشتر
prey *n*	پری	مەلی‌کوژراو،پەلەوەری	صید، شکار، طعمه ـ اسیر
		کوشیا،نەچیر،تاڵانی،دیل	غنیمت
price *n*	پرایس	قیمەت ـ ئیٚژای ـ نرخ	ارزش، قیمت، بها ـ مظنه
prick *v*	پریک	پوٚرەچەقنای،پیاکردن	زخم‌کردن(باآلت‌برنده)روزنه
		وڵ کەردەی،کون،ئیٚش ئاڵوٚش	درد کردن ـ سوراخ کردن
prickle *n*	پری کِل	پیٚکوڵ،ئاڵوٚش،دەردریٚ،درک	خار، تیغ ـ خارش ـ سوزش
prickly *adj*	پری‌کلی	درەدار،درک‌دار،زوور	تیغ دار، خاردار ـ زبر
		پرچەکوٚڵ،زوور،قرچان	سوزش‌دار

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pride *n*	پراید	فیز ـ فیس ـ ئفتخار	غرور، تکبر، خودنمائی
		شانازی ـ خۆنواندن (هاها)	فخر ـ سربلندی
priest *n*	پریست	پێشەوای ئایینی ـ مەلای	کشیش ـ موبد ـ روحانی
		مەسیحی ـ موغ	
primary *adj*	پرایمِری	ئەوەڵین ـ سەرەتایی	نخستین، اولیه، ابتدائی
		بنچینە و پایەیی	عمده
prime minister *n*	پرایم‌می‌نی‌ستِر	سەرۆک وەزیر ـ سەرەوەزیر	نخست وزیر
primitive *adj*	پری‌میتیو	کۆن ـ کۆنە ـ قەدیم	باستانی، قدیمی ـ ابتدایی
		زەمان ـ قەدیمی، دڕ	بی‌تمدن
prince *n*	پرینس	شازادە ـ ئەمیر	شاهزاده ـ حاکم ـ سردسته
		کورەشا	شاهپور
princess *n*	پرین‌سس	شازادە خانم ـ کناچەشا	پرنسس، شاهزاده‌خانم ـ ملکه
principal [1] *adj*	پرین‌سِپل	بەشی فرە ـ لای فرە	عمده، اصلی، مهم ـ رئیس
		عەسڵ ـ مودیر، بن‌مایە	اصل سرمایه
principally *adv*	پرین‌سِپلی	زۆرتر ـ جە ئەسڵۆ	به‌طور عمده ـ اساساً
		لە عەسلا	
principal [2] *n*	پرین‌سِپل	مودیری مەدرەسە ـ مودیر	مُدیر (مدرسه،...) ـ رئیس
		و مەدرەسەی، رەیس	
principle *n*	پرین‌سِپل	مەرام و مەسلەک	مسلک، مرام اخلاقی
		عەسڵی گردی ـ بنەوا، ئخلاق	اصل قانون، قاعده
print [1] *v*	پرینت	چاپ کەردەی (کردن) مۆردان	چاپ کردن ـ مُهرکردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
printer *n*	پرین‌تر	چاپکەر ـ چاپچی	چاپگر،چاپ‌کن ـ چاپچی
print[2] *n*	پرینت	چاپ،مۆر،وێنە،ئستامپ	چاپ،طبع،چیت،پوستر،مُهر
prison *n*	پریزن	حێفز ـ زیندان بەندیخانە	حبس، زندان
prisoner *n*	پریزنر	زیندانی ـ حێفزی بەندی ـ دیل	زندانی، اسیر
private *adj*	پری‌وِت	تەیوەتی ـ تایبەتی،سەرباز	خصوصی،شخصی ـ محرمانه
privately *adv*	پری‌وِت‌لی	بە جۆری تایبەت ـ بە تەیوەنی و مەحرەمانە	به‌طورخصوصی ـ قلباً
privilege *n*	پری‌وی‌لیج	هەق ـ هەقی تایبەت بان تەری ـ کەڵک	امتیاز ویژه، مزیت برخوردار
prize *n*	پرایز	جایزە ـ ئەنعام خەڵاتی	جایزه ـ غنیمت
probably *adv*	پرابِبلی	زەنددە مەلۆ ـ وادیارە رەنگەن، شایەد	محتملاً ـ احتمال‌دارد‌که
problem *n*	پرابلِم	گیروگرفت ـ مەسەلێ مەسەلە ـ مەتەل	مسئله، سؤال مشکل مُعضل
proceed *v*	پرئوسید	لوای ـ روین ـ دەس بە کاربیەی،درێژەپێدان	رفتن، رهسپار شدن ادامه دادن
process *n*	پرئوسِس	رەوند ـ چوونەبەر جەرەیان،رەوش،دادخوازی	پروسه، روند، جریان زوال،اقدام

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
procession *n*	پروسِشِن	سەفە ـ دەستە کۆمەڵەی خەڵک	صف، دسته،گروه‌مشایعین یا (همراهان)
produce[1] *v*	پرودیوس	وەش کەردەی ـسازین	تولید کردن، ساختن
product *n*	پراداکت	بەرهەم ـسەمەر ـحاسڵ	تولید،محصول‌ـحاصلضرب
production *n*	پروداکشِن	وەش کەرد ـ خۆش کرد ـ بەرهەم ـ سازین	تولید،ساخت ـ فرآورده
produce[2] *n*	پرودیوس	بەرهەمی کەشاوەرزی سەمەرو کشتوکاڵی	محصول (کشاورزی) سبزی ـ میوه
profession *n*	پروفِشِن	پیشەوکار ـئیقرار، ئدعا	شغل، حرفه ـ اقرار ـ ادعا
professional *adj*	پروفِشِنِل	کاری ـ شوغلیوە تاوسەری ـیەک جۆرشوغڵ	حرفه‌ای ـ شُغلی کارکشته
professor *n*	پروفِسِر	ئوستاد ـئوستادودانشگای	استاد دانشگاه
profit *n*	پرافیت	سوود ـ فەیدە ـ خەیر	سود، منفعت ـ بهره
profitable *adj*	پرافیتابِل	پیرخیر ـ پرخەیر ـ پەر فەیدە، چاک	سودآور، پرسود ـ پُردرآمد
programme *n(me)*	پروگرَم	بەرنامە و نمایش	برنامه ـ نمایش
progress[1] *n*	پروگرِس	ئاوەدان ـ پیشرەو وەرلوا ـ تەرەقی	پیشرفت، ترقی ـ بهبود
progress[2] *v*	پروگرِس	تەرەقی‌کەردەی (کردن) ئەوەدان‌بیەی	پیشرفت کردن ـ بهبودیافتن
project *n*	پروجِکت	تەرحەـبارنامەـبن‌وز	پروژه،طرح‌ـبرنامه،براورد

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
prominent *adj*	پرامی‌ننت	ممتاز ـ وه‌ره‌چه‌م	ممتاز، برجسته ـ مشهور
		به‌رز نه‌زه‌ر ـ که‌م‌نه‌زیر	
promise [1] *v*	پرامیس	قه‌وڵ دای (دان)	قول دادن، عهد کردن
		شه‌رت که‌رده‌ی	
promise [2] *n*	پرامیس	عهدو په‌یمان ـ شه‌رت ـ وه‌فا	عهد، وعده، پیمان ـ قول
promote *v*	پرامئوت	وه‌رۆ به‌رده‌ی	ارتقاء، مقام دادن
	پروموت	پێش بردن ـ بان چونی روتبه	رواج دادن
promotion *n*	پرامئوشِن	وه‌رۆبه‌ری ـ به پێش	ارتقاء، ترفیع، تبلیغ
		به‌ری ـ به‌ره‌وته‌ره‌قی، ره‌واج	آگهی بازرگانی
prompt *adj*	پرامپت	زوو ـ فه‌وری ـ گورج ـ جایه جا	فوری، بی‌درنگ، سریع
pronoun *n*	پرئوناون	راناو ـ جێ ناو ـ باتی نامێ	ضمیر، جانشین اسم
pronounce *v*	پروناونس	هه‌جا که‌رده‌ی ـ حرف و	تلفظ / ادا کردن
		پیته کان به ده‌نگ وتن	اعلام کردن
pronunciation *n*	پروناونس	هه‌جا ـ یۆیۆ واته و	تلفظ، ادا ـ آواسازی
	ییشِن	جیا که‌رده‌و، حه‌رفه کان	
proof *n*	پرووف	دوام دار ـ شاهید	گواه، شاهد، نشانه، دلیل
		ده‌لیل ـ محه ک ـ نیشانه	آزمون
propeller *n*	پراپِلِر	مه‌له‌خ له فرۆکه ـ په‌ره	پروانه کشتی و هواپیما
		له که‌شتی و ته‌یاره	ملخ هواپیما
proper *adj*	پراپِر	دروست ـ درۆس ـ رێک ـ به‌جێ	مناسب، صحیح، درست، خوب
properly *adv*	پراپرلی	به‌دروستی و رێکی ـ به‌راسی	به طور صحیح، به‌درستی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
property *n*	پراپرتی	ماڵ ـ سەروەت ـ مڵک	دارایی،مال،اموال-ویژگی
prophet *n*	پرافیت	پێغەمەر ـ خوداکیاس	پیشگو ـ پیامبر، پیغمبر
prophesy *n*	پرافی‌سی	خەبەر لە پێشەوە دان	پیشگویی‌کردن،پیش‌بینی
		وەرواچی کەردەی	کردن
proportion *n*	پرپاشِن	ئەندازە ـ بەش ـ میزان	نسبت، تناسب،سهم،ابعاد
	پُرپُرشِن	متابێق	
propose *v*	(پروپوز)پرپئوز	لێخوازتن ـهیجوی‌کەردەی	پیشنهاددادن/کردن،درنظرداشتن
proposal *n*	پرپئوزل	لێخواز ـهیجوی،راگەیاند	پیشنهاد، طرح،خواستگاری
prosper *v*	پراسپر	موەفەق‌بیەی ـپێشرەوکردن	موفق شدن،رونق‌داشتن
prosperity *n*	پراس‌پریتی	پیروزی ـ وەشبەختی	موفقیت روزافزون،رفاه
		نیک‌بەختی	آبادانی
prosperous *adj*	پراس‌پرس	ئاوەدان ـ سەرکەوتو	موفق ـ پررونق ـ آباد
		گرنگ ورفا	
protect *v*	پروتکت	چەمداری کەردەی	نگهداری،محافظت،پاییدن
		پشتیبانی‌کردن،چاودێری	
protection *n*	پروتک شِن	پشتیبانی ـ چەمداری	حراست، حفاظت،محافظ
		چاودێری	
protest [1] *v*	پروتست	شکات‌کەردەی‌ـنارازی‌بوون	اعتراض کردن / داشتن
protest [2] *n*	پروتست	نارازی‌ـشکات،سمنجی	اعتراض، شکایت،اصرار
protestant *n,adj*	پراتیس‌تنت	پروتستان ـ یەکێ‌لە	پروتستان
		فرقەکانی دینی مەسیّح	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
proud *adj*	پرئود	فیزن ـ جەوی ڕازی لەخۆ ڕازی، سەربەرز	خودخواه، مغرور،سربلند
proudly *adv*	پرئوددلی	بە تەکەبر ـ بە فیس و ئیفادە	خودخواهانه،باسربلندی
prove *v*	پروو	تاقیۆ کەردەی ـ ئیشان دان	اثبات‌کردن،امتحان‌کردن
proverb *n*	پراورب	مەتەڵ ـ مەتەڵە	ضرب المثل،مثل
provide *v*	پروواید	ئامادە کردن ـ گیرئەوردەی حازرکەردەی	تدارک دیدن، تهیه کردن
provided(that)	پرووایدد	بەئان شەرت ـ بە وشەرتە	به شرط اینکه،مگر
provision *n*	پروویژن	ئامادە ـ حازر ـ تەدارەک	تهیه، تدارک،خواروبار
province *n*	پراوینس	وەلات ـ ئوستان ـ ناحیە مەڵبەند	استان، ایالت،قلمرو حوزه
provincial *adj*	پراوین‌شِل	وەلاتی ـ ئوستانی، شاری	ایالتی،استانی،شهرستانی،اُمل
public [1] *adj*	پابلیک	گشتی ـ گردی ـ پەی گردبۆ گشت ـ ئاشکرا کۆمەڵ	عمومی، همگانی،آشکار جامعه
public [2] *n*	پابلیک	نەتەوە ـ ملەت خەڵک، جامێعە	مردم، ملت، جامعه
publish *v*	پابلیش	بلاو کردن ـ پەخشۆ کەردەی، چاپ کردن	منتشر ساختن / کردن چاپ کردن
publication *n*	پابلی‌کی‌شِن	پەخش ـ بلاو کەری	انتشار، نشر،اثر،نشریه
publisher *n*	پابلی‌شِر	پەخشۆکەر ـ بلاوکەر	ناشر (فرد / شرکت)
puff [1] *v*	پاف	هەناسەسوار بیەی ـ فوو کردن (کەردەی) ـ با تێکردن	نفس نفس زدن، فوت کردن باد کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
puff [2] *n*	پاف	فوو ـ کۆکۆ و دووکەڵی پفەک ـبا، پوک سیگاروجگەرە	فوت، پف،پُک،وزش
pull [1] *v*	پُل	کێش کەردەی (کردن) کەنەی ـدرهاوردن دیان	کشیدن،ضربه‌دیدن،ماهیچه
pull [2] *n*	پُل	درێژ کەری ـ کێشە کێشان، کەوئوبیەی	کشش، ضربدیدگی
pullover *n*	پُل‌ئوِر	چێرپۆشی کەژدار ژێرپۆشی کەش دروو	پولوور ـ زیرپوش‌کشی پیراهن پشمی
pulse *n*	پالس	دڵداوەنەی ـ رەگ لێدان ـ نەها ـ دڵفرین	نبض، ضربان، تپش (قلب)
pump [1] *n*	پامپ	پەم ـ وادەری، تلۆمبە	تلمبه،پُمپ،کفش‌پاشنه‌بلند
pump [2] *n*	پامپ	پەم دای (دان) ـ بادان	تلمبه‌زدن،پمپ‌کردن،تپیدن
pumpkin *n*	پامپ‌کین	کوولەکە زەردە کوولەکێ شیرینە	کدوتنبل‌ـکدوحلوایی
punch [1] *v*	پانچ	ئەرەپاچای ـکون‌کردن وڵ‌کەردەی ـکوای ـلێدان	زدن ـ سوراخ کردن،مُهر منگنه ـ پانچ
punch [2] *n*	پانچ	کوتان ـوەنەدای، سیخورمە	وزش، عمل نواختن / زدن
punctual *adj*	پانک‌چُاِل	وەش قەوڵ ـخۆش قەول وەخت ئەژناس	وقت شناس ـ خوش قول
punctually *adv*	پانک‌چوالی	لەسەری‌وەخت‌وکات ـسەری قەرار ـجەسەروقەراری	به موقع، سرِقرار

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
punctuate *v*	پانکچوایت(اِت)	عەلامەت‌نیای۔نوختەدانان	(درنوشته)علامتگذاری‌کردن
punctuation *n*	پانکچوای‌شِن	عەلامەت‌نان۔نوختەنیای جوملەی،نواختەدانان	علامت‌گذاری در نگارش / نوشته
puncture [1] *n*	پانکچِر	وڵ بیە ۔کون و شر قرنجیای	پنچر،سوراخ بادرو
puncture [2] *v*	پانکچِر	شرووڵ بیەی۔کون‌بوون	پنچر کردن،سوراخ‌شدن
punish *v*	پانیش	عەدەوکەردەی۔فەلاقە کردن، گۆشماڵی دان	مجازات کردن / نمودن ادب کردن
punishment *n*	پانیش‌مِنت	فەلاقە۔گۆشماڵی سەرکوت	تنبیه، مجازات، جزاء قصاص
pupil *n*	پیوپیل	دانش گیر ۔ تازەکار گلێنەی چاو،گلارەی چاو	دانش‌آموز،شاگرد،مردمک
puppet *n*	پاپیت	وەیوڵێ گەمەی بوکڵەی نمایش،بوکی جاش	عروسک نمایشی،آلت‌دست
puppy *n*	پاپی	تووتەکۆڵە۔بەچکەسەگ	تولەسگ
pure *adj*	پیور	پاک ۔ زەراڵ ۔ خاوێن بێگەرد ۔ بێ غەش	خالص،پاک،زلال،بی‌عیب
purple *n,adj*	پرپِل	ئەرخەوانی وجەرگی	رنگ‌زرشکی،ارغوانی،جگری
purr *vi*	پِر	پرخنای۔ پرخاندن مراندن۔ مرخاندن	خُرخُرکردن،خُرناس‌کشیدن
pursy *adj*	پسی	چاخوهەناسەسوار	فربه و تنگ نفس

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pus *n*	پاس	هه‌وکیم-پیسی-چڵک زۆخ	چرک و شوخ‌وریم‌-جراحت
purveyor *n*	پروِیر	کاروانی پێخۆر - قافڵه ویاری‌دای	آذوقه‌و خواربار‌رسان
pustule *n*	پاستیول	جۆش‌وزامی چڵکین‌وئاودار	جوشِ چرکدار
pushing *adj*	پاشینگ	کارزان و پوڵدۆست	متهور در کار ـ سودجو
pusillanimous *adj*	پیوسی‌لانی‌مِس	ترسه‌نۆک-ته‌رسه‌زاڵ	ترسو- بُزدل
put aside	پوت‌اِسید	لاوه‌رده‌ی ـ لابردن	کنارگذاشتن
putrefy *v*	پیوتری‌فای	پوترکیای-گه‌نای-گه‌نین	گندیدن ـ فاسدشدن
putrefaction *n*	پیوتری‌فاکشن	گه‌نیو-گه‌نا-گه‌نیگی	گندیدگی ـ فساد
puttee *n*	پاتی	پوزپێچ	مُچ پیچ
pygmy *n*	پیگ‌می	باواقۆره‌ت-کورته‌باڵا	کوتوله ـ قدکوتاه
pyjamas *n*	پجامز	بیجامه ـ ژێرشه‌واڵ	پیژامه‌-زیرشلواری‌-جامه‌خواب
pyramid *n*	پیرمید	هره‌م- جۆره شکڵێ	هِرم ـ نوعی شکل هندسی
python *n*	پیتن	جۆره‌ماریک ۱۰ گه‌زی‌و سه‌دکیلۆ	پیتون(نوعی‌مار۱۰۰کیلویی غیرسمی) در آمریکا
pyranshar	پیرانشار	ناوی‌شارێ‌له‌کوردستانی ئێران‌وله‌په‌نای‌قه‌ندیل	پیرانشهر‌شهری‌درکردستان شمالی‌ودرپای‌کوه‌قندیل
pawa	پاوه	پاوه-یه‌کێ‌له‌شاره‌کانی‌کوردستانی خوارومه‌ڵبه‌ندی‌هه‌ورامان له‌په‌نای‌شاهۆیه	پاوه‌شهری‌درکردستان‌جنوبی ومرکزاورامانات‌درپای‌کوه آتشگاه‌وشاه‌کوه

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision


PYRAMID

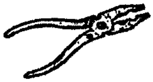

PLAITS


PENDULUM


PORANDOKHT


PESTLE AND MORTAR


PADLOCK


PLIERS


PARACHUTE

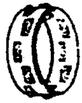

PYLON


PICKAXE


PEAR

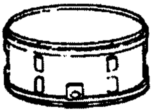

KETTLE DRUM
OR TIMP ANI


BASS DRUM


TAMBOURINE


DRUMSTICKS

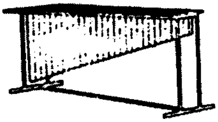

CYMBALS


SIDE-DRUM


GLOCKENSPIEL


BONGOS


TRIANGLE


XYLOPHONE


EAGLE


NEST


OWL


BIRDS OF PREY


FALCON


VULTURE

Q q

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
Q	کیو	حه‌فده‌مین پیتی ئه‌لفبا	هفدهمین حرف الفبای انگلیسی
qawbarr	کۆبازکوباز	که‌و یاره‌گواری یا جوجه‌ژه‌ره‌ژ	جوجه کبک که سریعاً مخفی می‌شود
quack *v*	کوَک	ده‌نگی مرئاوی ده‌رهاوردن	صدای اردک در آوردن
		چاچۆڵبازی که‌رده‌ی	پزشک قلابی
qualify *v*	کوالی فای	قابلیت دارکه‌رده‌ی-ئیجازه	صلاحیت دار کردن، واجد
		پێدان-لیاقه‌ت داربون	شرایط بودن
qualification *n*	کوالی فی کِیشِن	تاریف - باس - قابل	قابلیت، تشخیص-لیاقت
		شناسانبه	قید و شرط
quality *n*	کوالی تی	شایسته‌ی-باشی-سیفه‌ت	کیفیت، خاصیت، جنس
		جنس-چۆنیه‌تی و چاکی	مرغوبیت
quantity *n*	کوان تی تی	ئه‌نداز‌ه-ئه‌ندازه-میزان-تێکرا	کمیت، مقدار-عمده، تعداد
quarrel [1] *n*	کوارل	داوا - نزاعه، قره	مباحثه، مجادله، بگومگو
quarrel [2] *v*	کوارل	ده‌نگ به‌رئامه‌ی - داوا	مباحثه / مجادله کردن
		کردن - به‌یه‌کا چوون	مرافعه کردن
quarry *n*	کواری	کانگه‌توه‌ن-کانگه‌به‌رد، راو	معدن سنگ، شکار، طعمه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
quart *n*	کوُت(کوُرت)	پێوانەیەک یەک لیتری	کوارت ـ پیمانه یک لیتری
		پیمانێوە،دەورود،بەرو،لیترەی	
quarter *n*	کواتِر	چارەک سەعات ـ محەلێ	ربع ـ محله، برزن، کوی
	(کوِرتر)	کۆلاّن ـ سەروازخانە	مسکن ـ جا
quarters *n*	کواتِرس	خەوگە ـ وەرمگا ـ ئارام	خوابگاه، آسایشگاه
		و قەرارگا ـ قەرارگە	
quay *n*	کِی	باروزگا جەدەلیا	اسکله، بارانداز
		بارخستگە لەدەلیا	
queen *n*	کویین	شاژەنی ـ مەلەکێ	فرمانروای زن، ملکه
		مەلەکە ـ شاژن ـ شاهەنگ	شاهبانو
queer *adj*	کوییر	عەجەیو ـ عەجایب،خەرەفیا	عجیب، غریب ـ دیوانه
queerly *adv*	کوییرلی	بە جۆری عەجایب	به طور عجیب وغیرعادی
		بە عەجەیوی	
quench *v*	کوِنچ	خامۆش کردن ـ ئەرەمرنای	رفع تشنگی کردن
		داکوژاندن، تینگی لابردن	خاموش کردن
query [1] *n*	کویِری	سوعالە ـ پەرسا ـ پرسەوە	پرسش، سؤال،استعلام
query [2] *v*	کویِری	پرسین ـ ئەوەپەرسای	سؤال کردن، پرسیدن
		دووشک بیەی	
question [1] *n*	کوِسچِن(کوِسشِن)	سوئال ـ پەرسای	سؤال، پرسش ـ مسئله
		مەسەلێ ـ لێ پرسین	بازجویی ـ موضوع

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
question [2] *v*	کوِسچِن	سوئالکەردەی(کردن) پرسین لە	سؤال کردن، پرسیدن
question mark *n*	کوِسچِن‌مارک	عەلامەتی سوئال (؟)لەدوای جوملەکان	علامت سؤال (؟) در پایان جملات سؤالی صف (مردم)
queue [1] *n*	کیو	رز و مەردمی ـ سەفە سەف ـ قەتار ـ گێسە	صف (مردم) ـ گیسو
queue [2] *v*	کیو	رزدای ـ سەف کێشان سەف مندرای	صف ایستادن / کشیدن
quick *adj*	کویک	تند ـ توند ـ زوو بەفرە	تند، سریع،زود احساسات‌تهِ‌دل
quickly *adv*	کویکلی	بە فرەوە ـ بە توندی بەتندوتیژی ـ جابەجا	سریعاً ـ فوراً
quiet [1] *adj*	کوایِت	ئارام و ئەمین بێدەنگ ـ کش و مات	بی سر و صدا ـ آرام سکوت ـ ملایم
quietly *adv*	کوایِتلی	بەئارامی‌ـبەبێدەنگی	به آرامی ـ به‌نرمی
quiet [2] *n*	کوایِت	ئەرامەندەی‌ـئاسودەی ماتی ـ بێتەکان	آرامش ـ ساکن
quilt *n*	کوایلت	لێفە ـ لێف	لحاف ـ بالاپوش
quite *adv*	کوایت	تێکرا ـ گرد و گرد سەرجەم ـ بەراستی	کلاً، کاملاً ـ قدری صددرصد ـ بی‌گومان
quiver *v*	کویڤِر	لەرزین‌ـلەرزای‌ـلەرزنای	لرزیدن، تکان خوردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
quiz *n*	کویز	سوئالیٚ ئمتحانی	بازی چیستان،سئوالات کوتاه
		بەیوٚی خوای بەکەسیکەنین	آزمون
quote *v*	کوئوت	باس کردن ـ باس	نقل کردن، نقل قول کردن
	(کوِت)	کەردەی وتن (واتەی)	بازگوکردن
quotation *n*	کوئوتِشن	باس ـ نەقل ـ نام	نقل، اقتباس، ذکر
		بەردەی،مزەنە	مظنه ـ فهرست‌قیمت
quotient *n*	کوشِنت	خارجەقسمەت لەریازی	خارج قسمت ـ میزان
quoth *v*	وئوت‌ـوت	کوت‌ـوت‌ـوتی‌ـواتش	او گفت (که با کُردی می‌خواند)
quta *n*	کوته	کوتە ـ کوتراوی گوێزو	کوته ـ مخلوطی از کوبیده مغز
		قزوانو تووٚیه کەلەهەوراماں	گردو و پسته وحشی و تـوت
		زستانان سازی دەکەن	است که نوعی قاوت بـوده و
			در اورامان باب است





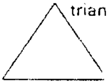










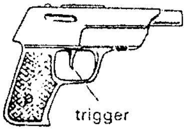

triangle

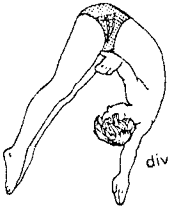

tray

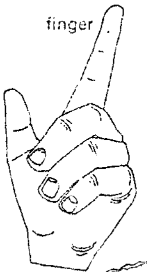

horn


tree

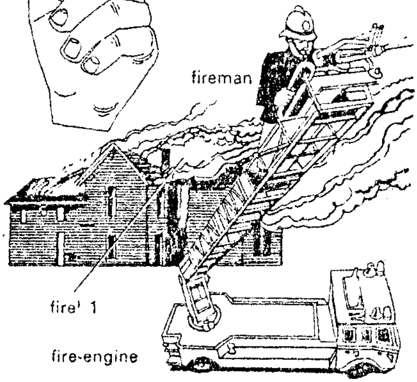

trolley


trigger


dive


finger


fingerprint


fireman
fire¹ 1
fire-engine


dog


diving-board

R r

انکلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
R-r	آر	هەژدەهۆمین حەرفەوئەلفبای	هیجدههمین حرف الفبای انگلیسی
Ra *n*	را	را ـ ری ـ ریگا	راه ـ ره
Raw *n*	راو	راو	شکار حیوانات وحشی
rabbi *n*	رَبی ـ رابی	روحانی جوو(یەهوودی) ـ خاخام	خاخام ـ موبد یهودی
rabbit=hare *n*	رَبیت ـ رابیت، هِر	کەرویشک ـ هەوریشە	خرگوش خانگی وصحرایی
race [1] *n*	رِیس	رەگەز ـ جۆر ـ رەسەن	نژاد، نوع، طایفه، مبارزه
racial *adj*	ری شال ـ رِشِل	رەگەزی ـ رەسەنی بنەمالی وتخمی	نژادی
race [2] *n*	رِیس	کێبەرکێ ـ هۆر سرەنگنا، یۆیارای	مسابقه ـ رقابت
race [3] *v*	رِیس	هۆر سرەنگنای ـ تاقی کردن ـ مسابیقەدان	مسابقه دادن ـ تاختن
rack *n*	رَک	رەفە ـ تاقچە ـ قەفەسە کادان، ئەلەم ورەنج	رف، قفسه، طاقچه، شکنجه صفحهٔ دندهـ رنج ـ چرخ
racket *n*	رکت ـ راکیت	راکتە تنیس ـ راکتو گەمەکەردەی، باج گری	راکت (تنیس،...) باجگیری ـ هیاهو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
possible *adj*	پاسیبل	ممکین بیه ـ جۆربو	ممکن،شدنی،انجام‌پذیر
possibility *n*	پاس‌بیلِتِ	ئیمکان ـ رەنگەن ـ وادیارە	احتمال، امکان،چیزممکن
possibly *adv*	پاسی‌بلی	گەهاز ـ تاشوێنی لازم	تاحدامکان،شاید،احتمالاً
post [1] *n*	پئوست(پوست)	دار ـ کۆڵەکە ـ دارتەل	تیر(چوبی/آهنی/سنگی)،مقام
post [2] *v*	پۆست	نامە پۆست کردن ـ نامێ پۆس وسەی	پست کردن ـ مُطلع کردن
post [3] *n*	پۆست	پۆس ـ پۆست بۆ نامە، مقام	پست(نامه،...)،پاسگاه،کار
postage *n*	پۆستیج	پوولی پۆست دان پولوو پۆسی	هزینه‌پستی،تمبرلازم
postcard *n*	پُوست‌کارد	کارتی موبارەکبادو پوست کارتەو موارەکی جەعەیدەنە	کارت‌پستال،کارت‌پُستی
postman *n*	پوست مَن	پۆس چی ـ نامەیاون	پستچی ـ نامه‌رسان
post office *n*	پۆست‌آفیس	عەدارەی پۆست ـ عەدارەو پۆسی	اداره پست، پستخانه
post [4] *n*	پۆست	پیشە ـ مقام ـ روتبە دەرەجە	شغل، پُست، مقام،رُتبه
poster *n*	پُوستِر	بەرگەی راگەیاندن بەرگە وخەوەران	پوستر،پوسترتبلیغاتی عکس‌دیواری
postpone *v*	پُست‌پُون	دماوسەی ـ دواخستن	به تأخیر انداختن
pot *n*	پات	تیانچە ـ دەفر ـ گۆزێ کوویە ـ قۆریە ـ گۆشێ ـ تیان	کوزه، سبد، ظرف ـ دیگ دیزی

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
pottery *n*	پاتِری	کۆزەگەری-کووپەسازی	کوزه گری،سفالگری-ظرف سفالی
potato *n*	پِتِی‌تو	سێوە زەمینی - سێفە زەمینیە	سیب زمینی
poultry *n*	پُولتِری	مر و کەڵەشێر - کەرگو کەرەشێل - باڵندەکان	ماکیان، مرغان خانگی طیور
pounce *v*	پَونس-پاونس	هەڵمەت و پەلاماردان جەیاگێ هۆرپرای-ملەرەدای	روی...پریدن - جستن ربودن
pound 1 *n*	پُوند-پاوند	پوند کە ۴۵۴ گرەمەلە واحدی کێشان ووەزن *(lb)*	پاوند/پوند-واحدوزن
pound 2 *n*	پُوند-پاوند	واحدی پوڵی ئینگلیس *0*	پوند واحد پول انگلستان
pound 3 *v-n*	پُوند-پاوند	گەورە حەیوان - کوتان کوای - وردکردن	کوبیدن،ساییدن-پودرکردن تپیدن
pour *v*	پور (پُر)	رژاندن - ئەرەکەردەی پاشای-مەتەی-ئاوجوین	جاری ساختن / شدن، باریدن
poverty *n*	پاوِرتی	هەژاری - فەقیری کەمدەسی-بێدەسەڵاتی	تنگدستی، فقر، تهیدستی
powder *n*	پاوِدِر	گەردە - پودر - تۆز خاکەقەن-خاک و خۆڵ-باڕووت	پودر،گرد- خاکه- باروت
power *adj*	پاوِر	هێز-زۆر-قوە-هازی	قدرت،توان،نیرو-اختیار-برقی
powerful *adj*	پاوِرفول	بە هێز و توانا - گوریز وەکار - هەرزۆر	مقتدر،نیرومند-پُرزور

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
radar *n*	ریدار	رادار ـ وەسیلێوە کەبە مەوجێ خەوەرمەکیانۆ	رادار
radiator *n*	ری‌دی‌یتر ردیتر	رادیاتۆر ـ دەزگا و هوادەر و ماشینان	رادیاتور (ماشین،...) سردکُن
radio *n*	ریدیو	رادیو ـ دەزگای رادیۆ	فرستنده /گیرنده رادیویی
radius *n*	ریدیس	لیزگی ـ تیشکی نور شوعاعی دایرە (بازنە)	شُعاع(دایره)،محدوده‌ـ‌حد
raffish	رَفیش	بێ‌شەرفوجاش	بی‌شرف
raft *n*	رافت	جۆرە قایقێ ـ جۆرێوە ئاو گێڵ و پانەبن	کلک،زورق،قایق‌پهن
rag *n*	رَگ	پەرۆکۆنە ـ وردەی چت ـ شر، کۆنە	کهنه، پاره ـ تکه پارچه، کهنه
rage *n*	ریج	جرـتوورەـمن،قین،قەڵز	خشم،غضب،قهرـ‌قد
raid [1] *n*	رید	ملەرەدای ـ هەڵمەتە پەلامار، راونان	یورش، حمله ناگهانی شبیخون
raid [2] *v*	رید	هەڵمەت‌دان،بەملادان هەڵمەت پەی دای	یورش‌بردن،شبیخون‌زدن
rail *n,v*	ریل	رێی ئاسنی بۆقەتار مەعجەر و نەردە	ریل آهن، نرده خرده‌گیری‌کردن
railing *n*	ریلینگ	مەعجەر ـ مێڵ نوێڵ ئاساـرێگای قەتار	میله،نرده،ریل‌گذاری
railway *n*	ریل‌وِی	رێی ئاسن‌ـچیمەنەفەرـقەتار	خط آهن ـ سازمان راه آهن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rain [1] *v*	رین	باران بارین ـ واران وه‌شته‌ی	باران باریدن
rain [2] *n*	رین	باران ـ رنه‌رن ـ وارن وه‌شت	باران
rainbow *n*	رین‌بو	پۆلکه زێرینه ـ سینه زه‌رینێ	رنگین‌کمان،قوس‌وقزح
raincoat *n*	رین‌کُت	بارانی ـ کورته وارانی لیباسه‌باران	(لباس) بارانی
rainy *adj*	رینی	هه‌وای بارانی وه‌شتوواران	بارانی،بارانزا
raise *v*	ریز	سه‌ربه‌رده‌ی، به‌خێوکردن هه‌ڵگرتن ـ هۆرگرته‌ی	بلند کردن، بالا بردن پرورش دادن
raisin *n*	ریزن	کشمیشی ـ مێوژ ـ هه‌چکوچی	کشمش،مویز
rake [1] *n*	ریک	لم‌کێش ـ رێزئه‌ور، خره‌باڵه	شن کش،مردزن‌باز
rake [2] *v*	ریک	به‌لم‌کێش ساف‌که‌رده‌ی	با شن‌کش صاف کردن
ran *see* **run**		جه‌م کردن	جمع کردن
ranch *n*	رانچ	جێی به خێو کردنی	دامداری بزرگ
rang *see* **ring**		ماڵات یاگێ په‌روه‌رده‌و ماڵاتی و حه‌یوانی	مزرعهٔ بزرگ
range *n*	رینج	زه‌نجیر ـ جۆرانجۆر، چنین مه‌یدان ـ رزه که‌شێ، له‌وه‌ڕگه	سلسله جبال ـ گوناگون، متنوع تیر رس، دیررس، بُرد،چراگاه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rank *n*	رَنک	رز ـ مقام ـ دەرەجە ـ شان	رتبه،درجه،سری،طبقه،ارج
ransom *n*	رَن‌سِم	وەربیەی جە زندان	آزادسازی (اززندان،...)
		ئازادکران لەبەند،باج	باج ـ باباج آزاد کردن
rapid *adj*	رَپید	توند ـ تند ـ زوو	تُند، سریع،تنداب
		بەفرەوپەلە، فرتە	
rapidly *adv*	رَپیدلی	بەتوندی ـ دەرجا، دەس بەجێ	به سرعت، سریعاً
rare *adj*	رِر	قیمەتی ـ کەم پێدا	کمیاب، نادر،بی‌نظیر
		کەم پەیدا	رقیق ـ گوشت‌نیم‌پز
rarely *adv*	رِرلی	حەرفرە کەم ـ یەکجارکەم	به‌ندرت،به‌طورکمیاب،کم
rascal *n*	راس‌کَل	بەشەری بێ شەرەف ـ ناپیاو	آدم پست فطرت، آدم رذل
		نانەجیم ـ قولکەوتە	سفله، ناکس، بی‌شرف
rash [1] *adj*	رَش	بێ پەروا ـ بێ شەرم	بی ملاحظه، نسنجیده
		نەزاندو	بی‌پروا
rashly *adv*	رَش‌لی	لە رووی بێ فکری	از روی بی فکری
		جە بێ هۆشی	
rash [2] *n*	رَش	هیری ـ زیپکە ـ لەپارێ	جوش صورت،کهیر
		جۆش و زام	
rat *n*	رات	مشکە هەردی ـ ملەو	موش‌صحرایی،جاسوسی‌کردن
		کەش ونزاران، جاشی گەری	
rate *n*	ریت	نەرخ ـ قیمەت ـ قەرار	فی، بها، عوارض ـ سرعت
		باج ـ کۆد، میزان	مقدار، نوع

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rather *n*	رادِر	تا حەدەی ـ هێچتاکو	تا اندازه‌ای، نسبتاً
		فرەتر، کەمێ	بیشتر، کمی
ration [1] *v*	رَشِن	جیرەبەندی کەردەی	سهمیه بندی کردن
		جیرەبەنی کردن	کوپن دادن
ration [2] *n*	رَشِن	بەش ـ جیرە ـ مافی دیاری	سهمیه، جیره،کوپن
rattle [1] *v*	رَتل	دەنگ بەر ئەوردەی	تکان دادن و به صدا در آوردن
		لەقاندن و دەنگ دەرهاوردن	
rattle [2] *n,v*	رَتل ـ راتل	خشخشە ـ زەنگوڵە، راودان	جغجغه،وراجی‌کردن
ravine *n*	رِوین	دەرەقووڵە ـ چۆمی قووڵ	دره‌باریک‌وعمیق،آبکند
raw *adj*	رو	ناشی ـ کاڵ ـ نیاوا	خام، نپخته ـ دست نخورده
		نەگەییگ، بێ تەجرەبە	تازه‌کار
ray *n*	رِی	تیژگی ـ لیزگی ـ تشک	اشعه،پرتو،تابش،اندکی
razor *n*	رِی‌زِر	تێخ ـ قۆنتراش	ریش تراش، تیغ ریش
		خۆتراش، ریش تاش	تراشی، تیغ
reach [1] *v*	رییچ	یاوای بە ـ گەیین بە	رسیدن‌به‌ـ‌دست‌رسیدن
		یاونای بە ـ گەیاندن	رساندن
reach [2] *n*	رییچ	دەسرەسی ـ یاوای	حصول، دسترسی
		دەس گەیین	
react *v*	ری‌آکت	جوابی چتێ دان ـ جواو	واکنش نشان دادن
		وۆدای ـ کاری بیەی	عکس العمل داشتن
reaction *n*	ری‌آکشِن	جواب دانەوە ـ جواووۆدای	واکنش،انعکاس،ارتجاع

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
read *v*	رييد	خوێندن‌ـوه‌نه‌ی،فێربون	خواندن،قرائت‌کردن،مطالعه
reader *n*	رييدر	ئه‌وه وان ـ خوێنه‌ر	خواننده(کتاب،...)،قاری
		وانه‌ر	کتاب خواندنی
ready *adj*	رِدی	حازر ـ ئاماده ـ مایل	آماده،حاضر،مایل،علاقمند
readily *adv*	رِدیلی	به جۆری ئاماده ـ به	به طور آماده
		حازری	
real *adj*	رِیل	هه‌ره‌قه‌تی ـ راسته‌قینه	واقعی،حقیقی،راستین
		هه‌قیقی	
really *adv*	رِیلی	جه‌هه‌قیقه‌ته‌نه،به‌راستی	حقیقتاً،واقعاً،راستی
		ئه‌شهه‌دو ـ خوادابزانۆ	
realize *v*	رِیلایز	فامین ـ فامای ـ زانای	دریافتن، درک کردن
		زانین	کسب کردن
realization *n*	رِیلایزِیشِن	فاما ـ په‌ی لوا	درک،تحقق،ادراک وفهم
		پێ زانی،په‌ی‌بردن	
reap *v*	ریپ	دره‌وکردن‌ـجه‌م‌که‌رده‌ی	جمع کردن (محصول)
		گلێرۆکه‌رده‌ی،خه‌رمان‌کردن	درو کردن
rear [1] *adj*	رِیر	په‌شتی ـ دما	عقب،پشت،درعقب
rear [2] *n*	رِیرـرِیر	دوا ـ پشت	قسمت عقب، عقب
rear [3] *v*	رِیرـرِیر	به‌خێوکردن‌ـوه‌ی‌که‌رده‌ی	(بچه، دام،...) داری کردن
reason *n*	ریزن	ده‌لیل ـ علله‌ت‌ـفام	سبب،علت،عقل،خرد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
reasonable *adj*	ریزن‌ابل	ئاقڵ ـ ماقووڵ	منطقی ـ مناسب
		عادلاٙنه ـ حساوبیه	خردمند ـ میانه‌رو
reasonably *adv*	ریزن‌ابلی	به جۆری ئه قلاٙنی	به طور منطقی
reason [2] *v*	ریزن	به ده‌لیل سابت کردن	استدلال‌کردن،دلیل‌آوردن
		رۆشنۆ که‌رده‌ی	
		دڵ‌نیا کردن	مطمئن ساختن
rebel [1] *v*	ریبل	هۆرملی کردن	(علیه...) شوریدن
		چه‌ته‌یی کردن	نافرمانی کردن
rebellion *n*	ری‌بل‌ین	هۆرملی ـ چه‌ته‌یی	سرپیچی،شورش،غائله
		سه‌رکه‌شی	گردنکشی
rebel [2] *n*	ریبل	چه‌ته ـ هۆرمل	یاغی،شورشی،نافرمان
		سه‌رکه‌ش، ڕێبر	
receive *v*	ری‌سایو	به‌ده‌س یاوای‌ـگرته‌ی	دریافت کردن / داشتن
		گرتن، ڕاگرتن	پذیرفتن
receipt *n*	ری‌سیت	ڕه‌سیده پووڵ	رسید (دریافت پول)
		به‌رگه‌ی گرتنی پووڵ	قبض
receiver *n*	ری‌سایور	گۆشی ته‌له‌یفوونی‌ـده‌س یاوا	گوشی تلفن ـ گیرنده
recipient *n*	ری‌سیپینت	ده‌س‌گه‌یی‌ـشه‌ریکودزی	دریافت کننده
reception *n*	ری‌سپشن	مێمانی ـ مێوانی	مهمانی/مراسم‌رسمی،وصول
		قه‌بووڵ	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
recent *adj*	ری‌سنت	تازه و نوه ـ تازه چی وه‌خته‌نه	اخیر،تازه،جدید
recently *adv*	ری‌سنت‌لی	به‌تازه‌یی‌ـله‌م‌وه‌ختانا	اخیراًـ به تازگی
recipe *n*	رِسیپ	ده‌ستووری‌کار‌ـنوسخه ده‌سووره چاشت	دستور آشپزی / پخت
reckless *adj*	رِک‌لیس	بێ په‌روا ـ بێ‌باک جه‌رگ دار	بی‌باک،نترس،بی‌ملاحظه
recklessly *adv*	رِک‌لیس‌لی	به‌بێ‌باکی‌ـبه‌جه‌رگ‌داری	بی‌باکانه،بی‌دقت
reckon *v*	رِکن	حه‌ساوکه‌رده‌ی‌ـحیساب کردن ـ گمان دای	حدس زدن ـ محاسبه کردن
recognize *v*	رِکِجنایز	ناسین ـ ئه‌ژناسای به یاد ئه‌ورده‌ی	شناختن‌ـقبول‌داشتن بەرسمیت‌شناختن‌کشوری
recognition *n*	رِکِجنی‌شِن	بێ سه‌ی ـ ناسینه‌وه دۆزینه‌وه	تشخیص، شناخت بجاآوری
recommend	رِکِمِند	په‌نه‌سپارده‌ی‌ـسپاردن ناساندن ـ نه‌زه‌ردان	پیشنهاد دادن / کردن نصیحت کردن
recommendation *n*	رِکِمِندِی‌شِن	په‌نه‌سپارد ـ سپارد معه‌ره‌فی ـ ناساندنه‌وه	توصیه،سفارش،معرفی
record *v*	رِکُرد	تۆمار کردن ـ زه‌بت که‌رده‌ی ـ نویسای	نگاشتن ـ صفحه ضبط کردن
recording *n*	رِکُردینگ	تۆمار ـ نویسه ـ زه‌بت	نوارـثبت،ضبط‌وصفحهٔ‌آواز

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
record [2] *n*	رِکُرد	واتەی-خەبەرمەدرەک	گزارش،شرح،رکورد،سند
		راپۆرت-بەیانکرد،بەرگە	مدرک،برگه،صفحه‌آواز
recover *v*	ری کاوِر	خوشۆبوون-خاسۆبیەی	بهبود / بازیافتن
		بەدەس هاوردن	باز گرفتن
recovery *n*	ری‌کاوِری	دۆزینەوە-ئەوەئەوردەی	بهبودی، بازپس گیری
		خاسۆبیە چاکۆبون	
recreation *n*	رِکریِشِن	سەیران-خۆشی،گەران	سرگرمی، تفریح
		دەشت وکۆگێلاَی	
recruit [1] *n*	ری‌کرووت	تازەکار-ئەندامی نوێی	عضو جدید گروه
		کۆمەلێ	
recruit [2] *v*	ری‌کرووت	ئەندامی تازە گرتن	عضو جدید گرفتن
		ئستخدام کەردەی	سرباز گرفتن
rectangle *n*	رِکت‌اَنگل	چوارگۆشە-چوارسووچ	مستطیل
red *n,adj*	رِد	سوور - ئاڵ	قرمز، سرخ
reduce *v*	ریدیوس	کەم کردن - کەمۆ	تنزل دادن، کاستن
	ریدووس	کەردەی - چەنەوسەی	وزن کم کردن
reduction *n*	ری‌داکشِن	کەمۆ کەرد - کەم کرد	کاهش،تنزل،کوچک‌ترشده
		خوار هاورد - چەنەوز	
reed *n*	رիید	نەیچە-نەیچێ-سمەری،بلوێر	نی،نی‌لبک،آب‌سنگ
reel *v*	رییل	قرقرە-نەی پێچ،کەوتن	قرقره، ماسوره
		دەزگ پێچ-لەتربەردەی	تلوتلو خوردن

iː	ɪ	e	ae	aː	ɒ	ɔː	ʊ	uː
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
refer *v*	ری فِر	ئیشارەت‌کردن‌بەلوای	مراجعه/اشاره کردن
		پەی‌بوکن‌چون‌دوبارە‌ناردن	بازگشت دادن
reference *n*	رِفِرِنس	ئەوەلوا‌ئیشارەت،روین‌بۆ	مرجع، مراجعه، رجوع
		پەنەدا‌نیشانێ تەرەفی	بازگشت ـ معرفی‌نامه
		پەی لوا ـ لاروین	
referee *n*	رِفِریی	داوەر‌داوەروگەمەی(کایە)	داورمسابقه‌داوری‌کردن
reflect *v*	ری‌فِلکت	وەرگەران‌بودوا‌زرەنگیای	منعکس کردن ـ فکر کردن
		بەبیرهاوردن	پژواک داشتن
reflection *n*	ری‌فِلِکشِن	دماتامەی‌هۆرۆگێل	بازتاب (حرارت، نور،...)
		هەلۆگەران بۆدوا	پژواک ـ عکس ـ تفکر
refresh *v*	ری‌فِرش	شەکەتی‌بەرکەردەی‌مانگی‌دەر	خستگی در کردن
		کـــردن ـ هـێزی نـوێ	تجدید قوا کردن
		گرتن	
		حەسانەوە	
refreshment *n*	ری‌فِرشِمنت	واردەمەنی و نۆشانە	خوراکی و نوشیدنی، خوردنی
		خواردەمەنی‌ونۆشینەوە	فرح بخشی
refrigerator *n*	ری‌فری‌جِریتر	یەخچاڵ ـ جێی‌ساردۆ	یخچال
		کەری ـ یاگە رچنای	
refrigerator		هەم مەعنا ـ دووشەی	مخفف *(Fridge)*
fridge		یەک مانا	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
refuge *n*	رِفیوج	جان پەنا ـ گیان پەنا	پناهگاه،محل امن وامان
		پەناگە،سەرپەنا	
refugee *n*	رِفیوجی	پەنا ئەور ـ پەنا هاورد	پناهنده(سیاسی،...)
		وێوس یانە-پەناخوازی سیاسی	آواره
refuse *v*	ری فیوز	وێ لادای ـ خۆ لادان	خودداری کردن
		دەس پۆوەنیای،قەبوڵ نەکردن	جواب رد دادن
refusal *n*	ری فیوزل	خۆلاگر ـ وێ لادەر	امتناع، خودداری
		لادەر-دوورگیر،گوێ نەدان	سرپیچی
regard [1] *v*	ری گارد	تەواشا کردن ـ چەم	نگریستن، ملاحظه کردن
		وسەی-دیای،روانین	خیره شدن
regarding *prep*	ری‌گاردینگ	چەمەوە سوو ـ بابەتێ	دربارهٔ،راجع به،مربوط به
		لەباری	
regard [2] *n*	ری گارد	چەم داری ـ چاودێری	توجه، ملاحظه،احترام
		قەدرگیری-چەم جەلا،رێز	درمورد،ارادت
regardless *adv*	ری‌گاردلِس	بێ چەم داری-چەم جە	بدون توجه،باوجود
		لانەویەبێ چاودێری،بەم حاڵە	
regards *n*	ری‌گاردس	رێزوسلاو-قەدروسپاس	درود، سلام،ارادت
regiment *n*	رجی مِنت	لەشکر ـ سوپا ـ پەل	فوج، هنگ (سربازان)
		جۆق، رژیمی خۆراکی	رژیم غذایی
region *n*	ری‌جِن	مەنتەقە ـ وەلات	منطقه،ناحیه،ولایت،بخش
		مەڵبەند،ناوچە	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
register [1] *n*	رجی‌ستِر	بەرگەی ناوەکان ـ ناوئاخن مینوت ـ دەفتەری نووسان	لیست، فهرست، هواکش دستگاه ثبت در کنتور
register [2] *v*	رجی‌ستِر	نام نویسی کەردەی ـ ناو نویسین ـ ناو نووسان	لیست / ثبت نام‌کردن، نمایاندن
registration *n*	رجیس‌تری‌شِن	نام نویسی ـ ناونویسی ئیشارە ـ تۆمار	اشاره، نمایش، ثبت نام ضبط
regret [1] *v*	ری‌گرِت	تەئەسف‌واردەی ـ پەشیمان بوون، ئاخ کردن	متأسف بودن / شدن پشیمان شدن
regret [2] *n*	ری‌گرِت	پەشیمان ـ تەئەسف ئەفسووس، ئاخ	تأسف، تأثر، پشیمانی دریغ
regular *adj*	رِگیولِر	ڕێک و پێک ـ نەزم و ڕێکی	مرتب، منظم، پایدار عادی
regularity *n*	رِگیولِریتی	ڕێک ـ مرەتەب	نظم، ترتیب
regularly *adv*	رِگیولِرلی	بە نەزم و تەرتیب هەمیشە و دایم	دائماً، به طور منظم مرتباً
regulation *n*	رِگیولیشِن	بڕیاردراو ـ تایین کراو قانون و زابتە	ضابطه، قانون، قاعده تنظیم، مقررات
rehearse *v*	ری‌هِرس	تەمرین‌کەردەی ـ مەشق‌کردن	تمرین‌کردن، آموزاندن
rehearsal *n*	ری‌هِرسِل	تەمرین ـ مەشق دیسان‌کرد	تمرین، تکرار، آموزی
reign [1] *v*	رِین	حکومەت‌کەردەی ـ سەلتەنەت و پادشاهی‌کردن	سلطنت‌کردن وحکومت‌کردن

انکلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
reign ² *n*	رین	حکوومەت ـ پادشاهی سەڵتەنەت	سلطنت، حکومت فرمانروایی
rein *n*	رین	لە غاو ـ هەوسار دەسەجڵەو	افسار، دهنه،مهار لگام
reject *v*	ری‌جکت	قەبووڵ نەکردن ـ دەس پۆوەنیای،ڕانەگرتن	رد کردن، قبول نکردن
rejoice *v*	ری‌جُیس	مەسروور و شادمان بیەی ـ خۆشی کردن	به‌وجدآمدن،شادی‌کردن
relate *v*	ری‌لیت	نەقڵ وباس‌کردن ـ راپۆرت دای ـ مەربووت بوون	مربوط بودن، نسبت دادن شرح دادن،نقل کردن
related *adj*	ری‌لیتد	خزمایەتی ـ قەومی و خێشی	قوم‌وخویشی،خویشاوند
relation *n*	ری‌لی‌شن	فامیل،نسبەت،کەس قەوم‌و خزم ـ نەقڵ	فامیل، قوم و خویش نسبت
relationship *n*	ری‌لی‌شِن‌شیپ	خوێشی ـ قەومایەتی نسبەت و خزمی	خویشاوندی ـ رابطه (دوستانه)وابستگی
relative *n*	رِلِ تیو	قەوم و خزم‌وکەس مەربووت ـ قەومی	قوم و خویش، فامیل وابسته ـ موصولی
relax *v*	ری‌لَکس	ئیسراحەت کەردەی ئارام کردن و بوون	آرام کردن / شدن استراحت کردن

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
relaxation *n*	ری‌ل‌کسِیشِن	ئارامی و ئاسایش، سیای	اسودگی،آرامش،استراحت
		قەرار ـ حەسانەوە	شلی
release [1] *v*	ری‌لیس	وەردای ـ بەردان	آزاد / رها ساختن
		ئازادکەردەی، بلاّوکردن	پخش کردن
release [2] *n*	ری‌لیس	ئازادی ـ وەردا ـ بەردا	آزادی، خلاصی، رهایی
		خلاّسی، بلاّو کردی	پخش
relieve	ری‌لیو	تەسکین دای ـ ئارام کردن	آرام کردن / ساختن
		ئاسودە کەردەی، بەردان	کمک/مرخص کردن
relief *n*	ری‌لیف	تەسکینە ـ ئارامی، یاری	رفع نگرانی، آسودگی
		رەحەت ـ و گوشایش	تسکین، امداد
religion *n*	ری‌لی‌جِن	مەزەب ـ دین ـ ئایین	مذهب،کیش،دین،آیین
religious *adj*	ری‌لی‌جِس	ئایینی ـ دینی	دینی،مذهبی،دین‌دار
		مەزەوی	
reluctant *adj*	ری‌لاک‌تِنت	بێ مەیل ـ لینی نەویە، بیزار	بی میل، بیزار
rely *v*	ری‌لای	باور کەردەی ـ بروا	اعتماد کردن، اطمینان داشتن
		کردن ـ خاترجەم بیەی	متکی بودن
reliable *adj*	ری‌لای‌بِل	بەور پەنەکریا ـ باوەر	مورد اعتماد، معتمد
		پێ کراو ـ ئەمین	موثق
remain *v*	ری‌مین	ماتل بیەی ـ ئەوەمەنەی	ماندن، بجا / باقی ماندن
		ماندەجێ بوون	توقف کردن
remainder *n*	ری‌مین‌دِر	ئەوەمەنە ـ ئەوباقی ـ ماباقی	بازماندگان،باقیمانده

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
remains *n*	ری‌مینز	دواهات ـ به‌جێ ماو مابه‌قی، لاشه	بقایا،جسد
remark [1] *n*	ری‌مارک	وته ـ واته ـ قسه نه‌زه‌ر، وتراوه	گفته، سخن، نظر، تذکر اظهار
remark [2] *v*	ری‌مارک	نه‌زه‌ردان-په‌نه‌واته‌ی-وتن	.گفتن، تذکر دادن، متوجه شدن
remarkable *adj*	ری‌مارک‌ابل	سه‌ربه‌رز ـ به‌لیاقه‌ت به‌چاوکه‌وت،که‌م‌نه‌زیر	شایسته،جالب‌توجه
remarkably *adv*	ری‌مارک‌ابلی	فره ـ زۆر ـ نیشانه‌دار	خیلی، زیاد
remedy *n*	رِمیدی	عه‌لاجه ـ چاره‌سه‌ری ده‌رمان،رێ‌حه‌ل	علاج، چاره، درمان مداوا
remember *n*	ری مِم‌بِر	جه‌وێربیه‌ی-به‌ویرئامه‌ی به‌خیاڵ هاتن	به خاطر آوردن به یاد آوردن
remind *v*	ری مایند	به یادووسه‌ی ـ به یادْ خستن - پێ‌وتن	یادآوری‌کردن،تذکردادن
remote *adj*	ری موت	په‌رت ـ دووره‌ده‌س دووره‌جێ،محاڵ	پرت، دوردست،کوچک
remotely *adv*	ری موتلی	دوور ـ دیر	دور
remove *v*	ری موو	جێ‌به‌جێ کردن-بردن-هۆر گرته‌ی ـ ئاڵوگۆرکردن	انتقال دادن، برداشتن از بین بردن
removal *n*	ری موول	لابه‌رده ـ ئاڵ و گۆر هۆر گرت ـ جێ به جێ	انتقال،برداشت،نقل‌مکان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
renew *v*	ری‌نیو	ئه‌وه‌تازه‌که‌رده‌ی‌ـ‌زینگ‌کردن	تازه کردن ـ احیاء کردن
		ئه‌وداْن‌که‌رده‌ی،ریْ‌خستن	فراهم کردن
rent [1] *n*	رِنت	کرها‌ـ‌کریْ‌ـ‌کرهاگرتْ،دراوی	اجاره،کرایه،پاره‌گی
		رنیا‌ـ‌دریا‌ـ‌تلیش	
rent [2] *v*	رِنت	کْرها گرته‌ی ـ کریْ	اجاره پرداختن، کرایه دادن
		گرتن یا دان	اجاره کردن
repair [1] *v*	ری‌پِر	خاسوْکه‌رده‌ی(کردن)	تعمیر / مرمت کردن
		وه‌شوْ که‌رده‌ی،چاک‌کردن	سالم شدن،جبران‌کردن
repair [2] *n*	ری‌پِر	وه‌شوْ که‌رد ـ خاسوْ	تعمیر،مرمت،بازسازی
		کرد‌ـ‌ئه‌وداْن،چاک‌کراو	وصله‌پینه
repay *v*	ری‌پی	ئه‌وه‌دای‌ـ‌دواادان،دانه‌وه‌دوا	باز پرداختن، پس دادن (پول)
repeat *v*	ری‌پیت	دووباره واته‌ی	تکرار کردن، بازگو کردن
		دیسانوْ وتن	
repetition *n*	رِپی‌تی‌شِن	عه‌یزن‌دووباره‌ـ‌دیسانه‌وه	تکرار،بازگویی،عمل‌دوباره
		دیسان ویژْ‌ـ دووباره	
replace *v*	ری‌پلیس	ئه‌وه‌وارای‌ـ‌ئه‌وه‌ئه‌ورده‌ی	بازگرداندن، عوض کردن
		گوْرین‌ـ‌جیْ‌نشین‌کردن،سه‌ری‌جیْ‌نان	سرجای خودگذاشتن
replacement *n*	ری‌پلیس‌مِنت	عه‌وه‌زوبه‌ده‌لْ‌کردن	جایگزینی،یَزاپاس،عوض
		جیْ‌گوْری ـ وارای	
reply [1] *v (pl-plies)*	ری پلای	جواب‌دان‌ـ‌جواووْدای	پاسخ دادن / گفتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
reply [2] *n*	ری پلای	جواب ـ جواو	جواب، پاسخ
report [1] *v*	ری‌پُرت	راپۆرت‌دای‌ـخه‌به‌ردان	شرح دادن، گزارش دادن
		خه‌وه‌ردای،راگه‌یاندن	خبر دادن
report [2] *n*	ری‌پُرت	راپۆرت ـ خه‌به‌ر	گزارش،خبر،شایعه
		خه‌وه‌ر	
reporter *n*	ری‌پُرتر	خه‌وه‌ر ده‌ر ـ خه‌به‌ر	گزارشگر، خبرنگار
		ده‌ر ـ راپۆرتده‌ر	
represent *v*	رِپری‌زِنت	نیشان‌دان(دای)ـنوێنه‌ر	نمایندهٔ...بودن،وانمودکردن
		بوون‌ـنماینده‌بیه‌ی،نواندن	نشان/ارائه دادن
representative *n*	رِپرزِن‌تتیو	نوێنه‌ر ـ نماینده	نماینده،نمونه،نشانگر
reproach *v*	ری پروچ	یه‌کێ‌داکوتان‌ـئه‌ره‌کوای	سرزنش کردن
		لۆمه کردن ـ تانه‌دای	عیبجویی کردن
reproduce *v*	رِپردیوس	وه‌ک‌خۆدروست‌کردن‌ـدیسان	زاد و ولد کردن ـ نسخه
		چاپ‌کردن‌ـپسه‌وێ‌وه‌ش‌که‌رده‌ی	برداری / کپی کردن
reproduction *n*	ری‌پروداکشِن	عه‌ینووێ ـ وه‌ک خۆ	زادوولد،تولیدمثل،تکثیر
		زاورۆزا ـ رووونویس	کپی، نسخه‌برداری
reptile *n*	رپ‌تایل	له‌م خشکه ـ سکه‌خزه	خزنده(جانوری‌مثل‌مار)
republic *n*	ری‌پاب‌لیک	کۆمار،جموری	جمهوری
reputation *n*	رِپیوتی‌شِن	مه‌یشووری‌ـشۆره‌ت‌ـئاوروو	شهرت،اعتبار،آبرو،ناموس
request [1] *v*	ری‌کوِست	گه‌ره‌ک بیه‌ی ـ لێ	درخواست / تقاضا کردن
		خوازین ـ داوا کردن	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
request [2] *n*	ری‌کوِست	لێ خواز-داوا-گەرەک بون	درخواست،تقاضا،خواهش
require *v*	ری‌کوایر	نیازبوون-گەرەک بوون	لازم / نیاز / احتیاج داشتن
		لازم‌بیەی، فشارهێنان بۆ	تأکید کردن
requirement *n*	ری‌کوایرمِنت	نیاز - لازم - زەروور	ضرورت،احتیاج،نیاز،شرایط
rescue [1] *v*	رِس‌کیو	نجات‌دای - ئازادکردن	رهایی بخشیدن / دادن
		بەفریاگەیین-بەدادیاوای	نجات دادن
rescue [2] *n*	رِس‌کیو	نجات - ئازاد - بە	نجات،رهایی،فریادرسی
		فریاگەی - فریارەسی	
research [1] *n*	ری‌سِرچ	لێکۆڵینەوە - پەیجۆر	پژوهش،تحقیق،جستجو
		شۆن‌کەوت، تەفەرنج	تتبع
research [2] *v*	ری‌سرچ	لێکۆلین - پەیجۆر	پژوهش‌کردن،تحقیق‌کردن
		بیەی - شوێن کەوتن	
resemble *v*	ری‌زِم‌بِل	شێوەویۆی‌دای -وەک	شباهت داشتن / بودن
		یەک‌بوون-پسەیۆی‌بیەی	همانند بودن
resemblance *n*	ری‌زِم‌بلِنس	پسەیۆی - شێوە ویۆی	همانندی،تشابه،شباهت
		وەک یەک‌بون	همسانی
resent *v*	ری‌زنت	رەنجیای - تۆرە بیەی	عصبانی شدن،رنجیده‌شدن
		توورەبوون، قین‌لێ هاتن	دلخور شدن
resentment *n*	ری‌زِنت‌مِنت	رەنجیا-توورە-جرئامە	عصبانی،خشمگین،غیظ
reserve [1] *v*	ری‌زِرو	پەی‌هۆرگرتەی-هەڵگرتن بۆ	رزرو/ذخیره‌کردە،توداری
		وەڵێنەگرتەی، پارێز	خودداری

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
reservation *n*	رِزروِی‌شِن	داخست ـ هەڵگیر، بارگە	رزرو،ذخیره،قرارگاه
		هۆرگیر ـ ئەرەوز، کۆچەر	کوچ نشین
reserve [2] *n*	ری‌زِرو	لاوسەی ـ خستەلا ـ هەڵگر	ذخیره، رزرو، کنار گذاری،
		دانیان لە پێش، دڵێ داری	اندوخته،سرباز،احتیاط
reservoir *n*	رزوار	همارەئاو ـ جێگەئاو ـ کانی ئاو	منبع آب،آب انبار،اندوخته
		هانە، گۆماو ـ وەرپەنگاو	دریاچه پشت سد
residence *n*	رِزیدِنس	ماڵ ـ جێی دانیشتن	منزل، خانه ـ اقامت
		یانە ـ ماوا	سکونت
residential *adj*	رِزیدِنت‌شل	ماوا ـ یاگێ نشتەی	مسکونی،اقامتی
		سوکنا بۆ نیشتن	
resign *v*	ری‌زاین	کەنارگرتەی ـ رەزایەت دان	استعفادادن/کردن،صرفنظرکردن
resignation *n*	رِزی‌گنی‌شِن	کەنارەگیری ـ رەزایەت	استعفانامه ـ تسلیم
		دەس هەڵگرت	رضا، تفویض
resist *v*	ری‌زیست	لەبەرانبەر راوەستان	مخالفت کردن، منع کردن
		نارازی بیەی ـ مل نەدان	زیربار نرفتن
resistance *n*	ری‌زیس‌تِنس	نارازی ـ مەنع ـ راوەستاوی	مقاومت، پافشاری
		خۆراگیری، سین کەردەی	تاب و توان
resolve *v*	ری‌زالو	حل کەردەی ـ خیاڵ بیەی	تصمیم‌گرفتن،حل‌کردن
		بریار لە سەردان، لابردن، گۆران	تبدیل شدن
resolution *n*	رِزلووشن	بریار ـ عەزم ـ خیاڵ، رێزە	عزم،تصمیم،قصد،راه‌حل
resources *n*	ری‌سُسیز،رِسِرس	سەرچاوە ـ کان ـ همار	منابع(مالی،پولی،...)،دارایی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
respect [1] *n*	ری‌س‌پکت	ئێحترام ـ ریز و سپاس	احترام، رعایت ـ جهت
		قەدروحرمەت،نەزەر	رابطه
respectable *adj*	ریس‌پکتبل	رێزبۆدانان،ماقوڵ	قابل احترام،ارجمند
		ئابروودار ـ عەدەو	محترم
respect [2] *v*	ری‌س‌پکت	حرمەتگرتەی‌ـقەدرگرتن	احترام‌گذاشتن / کردن
respond *v*	ریس‌پُند(پاند)	جواب‌دان ـ جواوْدای	پاسخ دادن /گفتن
response *n*	ریس‌پُنس	جواب ـ جواو	جواب،پاسخ،واکنش
responsible *adj*	ریس‌پُنسی‌بل	کاربەرێوەبەر‌ـپەیمان	مسئول، متعهد
		بەستوو ـ جواوگۆ	وظیفه شناس
responsibility *n*	ریس‌پانسی‌بی‌لِتی	کار بەرێوەبەری	مسئولیت،پاسخگویی
		لێپرسراوی‌ـوەزیفە	
rest [1] *n*	رِست	رەحەت ـ حەسانەوە	استراحت، راحت ـ بقیه
		ئەوەسیا،ماباقی	خواب
rest [2] *v*	رِست	ئەوەسیای ـ مانگی‌دەر	استراحت کردن ـ قرار دادن
		کردن ـ ئارام بیەی	دست از کار کشیدن
restaurant *n*	رستِرانت	رستورانە ـ یاگێ نان	رستوران
		واردەی ـ چێشت‌خانە	
restore *v*	ریس‌تُر	ئەوەدای‌ـعەینووەلێ‌بەر	بازسازی کردن ـ پس دادن
		ئەوردەی‌ـهەڵۆگەراندن	برگرداندن به جای اول
restrain *v*	ریس‌ترین	بە رگری کردن‌لە	جلوگیری‌کردن،بازداشتن
		قەداخە کەردەی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
restrict *v*	ریس‌تریکت	تەیوەتی کەردەی	محدود کردن،در تنگنا
		وەر بینای ـ بەربەستن	گذاشتن
result [1] *n*	ری‌زالت	دەس هات‌ـ ئاخر‌ـ نەتیجە	اثر،نتیجه،مقصود،جواب
result [2] *v*	ری‌زالت	نەتیجەدای جە‌ـ حاسلّوو	سرزدن، منتج شدن
		بەرئامەی جە ـ رودان	انجامیدن
resume *v*	ری‌زیوم(زووم)	دەسۆ پەنە کەردەی	از سرگرفتن،دوباره
		دیسان دەس پێکردن	بدست آوردن
retain *v*	ری‌تین	نگاداری کەردەی	نگهداشتن، حفظ کردن
		چاودێری کردن‌ـ وەکیل گرتن	وکیل گرفتن
retire *v*	ری تایر	کەناروڵا گرتەی‌ـ نیشتەجێ	بازنشسته‌شدن،به‌بستررفتن
		بوون ـ دانیشتن لەکار	به جای آرام رفتن
retirement *n*	ری‌تایرمنت	نیشتەجێ ـ لاگرت	بازنشستگی،خلوت
		کەنار گرت، خەڵوەت	انزوا
retreat [1] *v*	ری‌تریت	دواوەهاتن ـ دمائامەی	عقب نشینی کردن
		هۆرگێڵای، وەرگەران	
retreat [2] *n*	ری‌تریت	دمائامە ـ دواهات	عقب نشینی،خلوت
		هۆرگێڵا ـ دواگەریان	خلوتگاه
return [1] *v*	ری‌ترن	هەڵگەریان‌ـ هۆروگێڵای	برگشتن، برگرداندن
		هۆروگێڵنای، هەقسەندن	تلافی کردن
return [2] *n*	ری‌ترن	هەڵگەریا‌ـ هۆروگێڵنای	برگشت، عودت،تلافی
		وەرگێری، سزا	سود، مجدد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
reveal *v*	ری‌ویل	ئاشکراکەردەی ـ نیشان‌دان	فاش کردن / ساختن
		بەرۆوسەی، چاودان	آشکار کردن
revenge *n*	ری‌ونج	سزا ـ هەق چەنەنەسەی	انتقام، خونخواهی
		تۆلە سەندنەوە	
reverend *n*	ری‌ورند	جۆرە لە قەبیوە	عالیجناب، ارجمند
		جەناب ـ گەورەم	
reverse [1] *v*	ری ورس	پیچەوانەکەردەی ـ هەلۆ	وارونه‌ساختن، لغوکردن
		گەراندن ـ هۆرۆگیلنای	عقب‌عقب رفتن
reverse [2] *n*	ری‌ورس	هۆرۆگیلانە ـ پیچەوانە	معکوس، وارونه، عکس
		سەرەوژیر ـ هەلۆگەراوە	دنده عقب اتومبیل
review [1] *n*	ری‌ویو	لیکۆلینەوە ـ رخنە	نقد (کتاب، فیلم،...)
		گرتنەوە ـ مروور ـ دووبارەبین	مرور ـ بررسی
review [2] *v*	ری‌ویو	رخنە گرتن ـ دووبارە	نقد (فیلم،...) کردن
		هۆرسرەنگنای ـ ئنتقادکردن	مرور، بازنگری/کردن
revise *v*	ری‌وایز	لیکۆلین و پیاروانین	تجدید نظر / مرور کردن
		دیسان مروورکەردەی ـ دووبارەبینای	اصلاح کردن
revision *n*	ری‌وی‌ژن	دووبارەبینا ـ پیاروانینەوە	مرور، تجدیدنظر، بازبینی
		مروور ـ لیکۆلین	اصلاح
revive *v*	ری‌وایو	زیندوو بوون ـ زیندە	نیروی‌تازه‌یافتن، زنده‌کردن
		بیەی ـ هیزی تازەگرتن، رەواج‌دان	رواج دادن

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
revolt [1] *v,n*	ریۆلت	راپەرین و خەبات	شورش کردن،عصیانکردن
		بەرپرای-ئاشۆکەردەی	بیزار ـ طغیان
revolting *adj*	ریۆلتینگ	پەرجەتەرس-پرلەترس	شورشی، چندش‌آور
		تەرس ئەور، شۆرش‌گێر	
revolt [2] *n*	ریولت	ئاشۆ ـ بەرپرا ـ خەبات	شورش،طغیان،عصیان
		شۆرش، بێزاری	
revolve *v*	ریوالو	خولیای‌ـسوورخواردن	چرخیدن،دورزدن،چرخاندن
revolver	ریوالوِر	دەورۆدای(دان)،دەمانچە	تپانچه
revolution *n*	رِولووشِن	ژیر و بان کردنەوە	انقلاب، شورش ـ حرکت
		شۆرش ـ سووران	دورانی، تغییر اساسی
		شیویای ـ خولیای	
reward [1] *n*	ریۆرد	خەلات ـ ئەجروئە	پاداش، جایزه، انعام
		نعام ـ مزانی	مژدگانی ـ سزا
reward [2] *v*	ریۆرد	خەلات‌دان-ئەنعام‌دای	جایزه / پاداش دادن
rhinoceros *n*	رایناسِرس	کەرگەدەن ـ جۆرە	کرگدن حیوانی آفریقایی
		حەیوانێک لە ئافریقا	
rhino	راینا	دوو وشەی یەک مانا	مخفف *rhinoceros*
rhyme [1] *n*	رایم	قافیە‌ـشێعری قافیەدار	قافیه ـ نثر / شعر قافیه‌دار
		هۆنراوەی دوابەند	
rhyme [2] *v*	رایم	هەم قافیە بیەی	هم قافیه بودن، قافیه داشتن
		قافیەدار بوون	

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rhythm *n*	ریتم	ریتم ـ سەرەنگناو شێعری	ریتم،وزن،سجع،ضرب
rib *n*	ریب	پەراسوو ـ پەراسووی	دنده(قفسه‌سینه)،سیم‌چتر
		چەڵەمێ	سربه سرکسی گذاشتن
ribbon *n*	ریبن	قەیتان ـ شریتە ـ تاڵەبەن	روبان،نوار،بند،باریکه
rice *n*	رایس	برێنج ـ مەرەزە	برنج
rich *adj*	ریچ	دەسەڵاتدار ـ دارا	ثروتمند، پولدار، متمول،
		دەوڵەمەند ـ پڕمایە	پُربرکت،سرمایه‌دار،توانگر
		پڕئەرزش ـ قیمەتی	(خوراکی) پر کالری، مقوی
riches *plural,n*	ریچیز	ماڵ و سروەت	ثروت،دارایی،پولداری
rid *v(ridded,ridding)*	رید	نەجات دان ـ ئازاد	خلاصی یافتن، رها کردن
		کردن ـ وەردای	
riddle *n*	ریدل	مەتەڵە ـ مەتەڵ، وڵ وڵ	چیستان،معما،سوارخ‌سوراخ‌کردن
ride [1] *v(rode-ridden)*	راید	سواربیەی ـ سوار ـ بوون	سوار شدن، سواری کردن
		رانەبەردەی،بەڕێوەبردن	راندن
rider *n*	رایدر	رابەر ـ سوار ـ ئەسپ سوار	راکب،سوارکار،سوار،مسخره
ride [2] *n*	راید	سواری ـ غارکەری	سواری،سوارکاری،راندنی
ridge *n*	ریج	ئاسۆی کێو ـ تەپۆڵە	برآمدگی،خرپشته،قُله
		هۆرئامە،کەل	
ridiculous *adj*	ری‌دی‌کیولس	خوەدار ـ قسەی قۆڕ	چرند، مهمل،خنده‌دار
		قسێ مفتێ،زورخراپ	مضحک
rifle *n,v*	رای‌فل	تفەنگ ـ چەک، چەپاوکردن	تفنگ(قنداق‌دار)،دستبُردزدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
right [1] *adj*	رایت	دروس-خاس-راست،چاک	خوب،صحیح-(سمت)راست،حق
right - handed *adj*	رایتهَندد	دەس راس-راس دەست	راست دست
right [2] *n*	رایت	راستی - لای راست	راستی، درستی، کار درست و
		دروستی - چاکی	حسابی-حق وحقوق-طرف راست
right [3] *adv*	رایت	راست - دروست	به طور صحیح/ درست - به
		بەباری راست - دەقیق	طرف راست، به سمت راست
		باش و عال	کاملاً، به طور کامل
			به طور مستقیم / راست
rim *n*	ریم	لچ - لیو - دەورە ویچن	دوره، لبه، حاشیه
		زەنجیرە تیان، قەراخ	کناره
rind *n*	رایند	پیس - پوس - توکل	پوست (میوه،...)، پوست
		گرتەی، توی کل	پوسته
ring [1] *n*	رینگ	هەلقێ-ئەنگوستیله،دەنگ	حلقه،دور-حلقه انگشتری،گروه
ring [2] *v(rang,rung)*	رینگ	تەلەیفوون دای	تلفن زدن / کردن، زنگ زدن
		تەلەفوون کردن	
		بانگ کردن-چریەی	
rinse *v(rinsed,rinsing)*	رینس	ئاوکەشی کەردەی شوارای	آبکشی کردن، آب کشیدن
		ئاو کیشان - گوشین	
riot [1] *n*	رایت	ئاشو - فیتنه - شەر	فتنه، آشوب، بلوا، شورش
		و شور، حەشر	هنگامه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
retireds association	رِتایردأسوسیِیشن	کۆری نشته‌جیٚکان	کانون بازنشستگان
riot 2 *v*	رایِت	ئاشۆ و سه‌ره‌ی ـ جار وجه‌نجاڵ‌به‌ریٚ‌خستن	آشوب و بلوا راه انداختن
rip *v,n*	ریپ	دراندن ـدریه‌ی	دریدن،پاره کردن،جزدادن دریدگی ـ چاک
ripe *adj*	رایپ	میٚوه‌ی گه‌ییگ میٚوه‌ی یاوا ـ یاوا	(میوه)رسیده،انسان‌جاافتاده آماده
ripple 1 *n*	ریپل	للپه‌ی وردیه‌وئاویٚ شه‌پۆلی بچووکی ئاو	موج کوچک،ریزموج
ripple 2 *v*	ریپل	مه‌وج‌وللپ‌دارکه‌رده‌ی شه‌پۆل‌دارکردن‌ـگرنج‌په‌نه‌دای	موج‌دار کردن / شدن
rise 1 *v(rose,risen,rising)*	رایز	راسۆبیه‌ی ـ رۆجیار به‌رئامه‌ی‌ـهه‌ڵسان‌ـخۆرهه‌ڵ‌هاتن	برخاستن، طلوع کردن ایستادن
rise 2 *n*	رایز	به‌رزی ـ زیاد و زۆر فره‌کرد	افزایش،ترقی،بلندی‌وتپه آغاز
risk 1 *n*	ریسک	مه‌ترس‌ـته‌رس‌جه‌ـخه‌ته‌ر	ریسک، مخاطره،احتمال‌خطر
risk 2 *v*	ریسک	به خه‌ته‌ر وسه‌ی ـ به خه‌ته‌رخستن،دڵ‌به‌ده‌ریادان	به مخاطره انداختن کار خطر کردن
rival *n,v*	رای‌وِل	ره‌قیب ـ هام قه‌تار نه‌زیر، چاوخستن	حریف، رقیب رقابت‌کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rivalry *n*	رای‌وِلری	هاوچاوی‌ـهەم‌چەمی	رقابت،همچشمی،هماوردی
		ملۆزمی‌ـبەربەرەکانە	
river *n*	ریور	ڕۆخانە ـ چۆم ـ چەم	رود، رودخانه، شط
		ڕووبار‌ـگلاڵ،سیروانلەپاوە	
road *n*	رود (رئود)	جادە ـ ڕێگا ـ ڕا	جاده، راه، خیابان
		خیاوان	طریقه، شیوه
roam *v*	رئوم (روم)	سەیرانکەردەی(کردن)،خولاَن	سیروسیاحت‌کردن،پرسه‌زدن
roar [1] *v*	رور	نەڕنای ـ نەڕاندن	غُریدن، غُرش کردن
		داخورین	نعره کشیدن
roar [2] *n*	رور	نەعرە ـ نەڕە ـ خورە	غرش،نعره،خنده‌بلند
		داخورین	
roast *v*	روست	کەواوکەردەی‌ـکەباب	کباب کردن / شدن
		کردن‌ـبریژنای‌ـبرژاندن	برشته کردن
rob *v(robbed,robbing)*	راب	برِیەی ـ دزی کەردەی	دزدی کردن، رهزنی کردن
		دزین‌وبرین، تالاَنکردن	دستبردزدن
robber *n*	رابِر	دز‌ـرابر‌ـجەردە،چەتە	سارق، رهزن، دزد
robbery *n(PL beries)*	رابِری	دزی‌ـرابری،چەتەگەری	سرقت، دزدی
robe *n*	رئوب (روب)	لیباسێ درێژی ـ سەر	لباس بلنـــ‌ردا
		کەوا ـ جبە ـ عابا	لباس حمام و قُضات
robot *n*	روبات	بەشەری‌ئاسنین،بەشەرباو	روبات، آدمک، آدم آهنی
		دەزگای باتی بەشەر	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rock [1] *n(rak)*	راک	تەختەبەرد ـ کەمەروکۆ	سنگ ـ تخته سنگ، صخره
		سەخت ـ تاش ـ ما	
rocky *adj*	راکی	تونی ـ بەردین ـ رژاق	سنگی،سنگلاخی،لق
		رووشایی، شل	
rocket *n*	راکیت	مووشەک ـ ئەیرە	راکت، موشک، فشفشه
		مووشینە ـ ئارپژین	
rod *n(rad)*	راد	گۆچان ـ مێلە ـ چێو	میله (نازک) ـ عصا
rode *see* **ride**		گالۆک،نوێل،زمە	چوب‌راست،دیلم،شنبه
rogue *n*	روگ	زۆل ـ پەس ـ نادروس	آدم رذل / پست، هرزه
		فێلبازوجاشباو	بی‌شرف
role *n*	رُل	کار ـ وەزیفە،نەقش	رُل،نقش،کار،وظیفه
roll [1] *v*	رُل	تلنای ـ تلاندن ـ تل	غلتاندن، غلتیدن، چرخاندن
		دای (دان)،لوله کردن	لوله / صاف کردن
roll [2] *n*	رُل	لوله ـ قەواڵە ـ تۆمار	طومار، لوله، توپ ـ نان برگی
		تۆپەجنس،گونکە،بان تلێر	چانه خمیر، غلتک
Roman *n,adj*	رُمِن	رۆمی ـ خەڵکو رۆمی	(مسیحی) کاتولیک رومی
Catholic		خەڵکی رۆم،مزگی کاتولیکان	کلیسای کاتولیک
romance *n*	رومَنس	رازەی پەڕ ماجەرا	دلباختگی، عشق ـ داستان
		رازی ئاشقانە،ئشق بازی	عاشقانه، جماع کردن
romantic *adj*	رومَنتیک	خەیالی ـ خیاڵی	رمانتیک ـ خیالی،عاشقانه
		نەکریا، ئشقی	عشقی

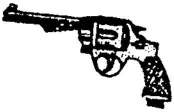
h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

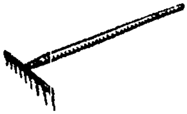
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
roof *n*	رووف	بان ـ سەروبانەی، تاق	بام، سقف (اتومبیل، خانه،...)
		سەربان ـ میچ ـ بن‌دار	تاق ـ تاق زدن
room *n*	رووم	جێ ـ دیو ـ هۆ تاق	اتاق ـ فضا، جا، فضای کافی
		یاگێ	
root *n*	رووت	ڕیخه ـ ریشه، بێخ و بن	ریشه، ریشه درخت
		ریشکەدار	سرچشمه ـ پایه
rope *n*	رُپ	وەریسە ـ شریتە، کەمەند	طناب، ریسمان، کمند
		تەنافە ـ گرویس	جُدا کردن
rose [2] *n*	رُز	وله سووری ـ گوڵه	گل سرخ، گل رز
		باخی ـ ولی (ئاخ تەنیایی)	گُلی رنگ
rot *v*	رات	گەنین ـ گەنای	فاسد شدن / کردن
		خراوگێلای	گندیدن
rotten *adj*	رُتِن	گەناـگەنیک ـ خراو، پوترکیا	فاسد، پوسیده، گندیده
rotate *v*	رُتِیت	ئەوەخولنای ـ چەرخاندن	چرخیدن، چرخاندن
		بەدەوراگەریان، سوران	دورزدن
rotation *n*	رُتِیشِن	ئەوەخ خولیا ـ چەرخین	چرخش، گردش، چرخه
		بەدەورگەریا ـ سوور، دەور	نوبت
rough *adj*	راف	رووش ـ ناساف	ناهموار ـ خشن ـ ناتمام
		زوور ـ زرو ـ بێ‌عەدەو	زننده ـ زمین ناصاف
roughly *adv*	رافلی	بەتوورەیی ـ نزیک بە	تقریباً ـ با خشونت

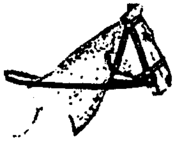
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
round [1] *adj,n*	رۆند	خرت ـ خر ـ خرر	گرد، مدور،کامل
		گلێره ـ هەڵقێ،کامڵ	غیراعشاری،خرز،دوره
round [2] *adv*	رۆند	دەوراندەورـسەرانسەر	دورتادور،گرداگرد،دور،کروی
or **around** *adv,prep*		بەدەوراـبەلای تر،دەور	اطراف،به‌طرف‌دیگر،دراطراف
roundabout *n*	رۆندابۆت	مەیدان،مێدانی،رای قەمچ	چرخ فلک ـ میدان بزرگ
		وبادارـگەورەـچەرخوفەلەک	دور و دراز
route *n*	رووت	رێ‌ـرێگەـرا،جادە	راه، مسیر،جاده
routine *n*	رووتین	رەوەندی‌کار،وەک‌جاران	جریان‌کار،کارعادی
		چەرەیانو کاری	روزمره
row [1] *n*	رُ	رزـدەستەـرێک‌وپێک،سەف	ردیف،راسته،صف،رده
row [2] *n*	رو	راوەراو ـ قاڵ و مقاڵ	نزاع، دعوا، داد وبیداد
		هەراودەنگ،دەمەقرە	آشوب
row [1] *v*	رو	پارو دای ـ پاروولێدان	پاروزدن،دعواکردن
royal *adj*	رویال	سەڵتەنەتی ـ پاشایی	سلطنتی،شاهی
royalty *n*	رویالتی	مەربووت‌بەخانەوادەی	عضو خانواده سلطنتی
		سەڵتەنەتی،شاهی	حق التألیف‌کتاب
rub *v(rubbed,rubbing)*	راب	ماڵای ـ ساوای ـ پاک	مالیدن، ساییدن، پاک کردن
		کردن ـ ماڵین	ماساژ دادن
rubber *n*	رابِر	مەداد پاک کون ـ کاچۆ	لاستیک ـ پاک کردن
rubber band *n*	رابربند	کەژی لاستیکی ـ کێش	کش لاستیکی
rubbish=trash *n*	رابیش	زوێڵ ـ ئەژغاڵ ـ قسێ	زباله،آشغال،مزخرف،آشغال
		بە لاشێ ـ شەخەڵ	

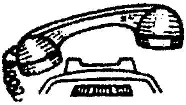
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rude *adj*	روود	نەفام-رووداربێ عەدەو	گستاخ،بی‌ادب،نفهم،بدشکل
rug *n*	راگ	قاڵیچێ - قاڵیچە - بەر	گلیم، قالی، قالیچه، جل‌وپلاس
rugged *adj*	راگید	جێی بەرزی ونزمی‌دار	دارای پستی و بلندی
		یاگێ بەرزونزمی‌دارە-رووشایی	ناهموار، سنگلاخ
ruin [1] *v*	رووین	هەرۆژاندن - رژنای	ویران ساختن / کردن
		وێرانکەردەی(کردن)	
ruin [2] *n*	رووین	وێرانە - کەلاوەکۆنە	ویرانه،خرابه،خرابی
		خراوە-گەردەنشین	
rule [1] *v*	روول	خەتکەشی‌کردن-حکومەت	حکمرانی / خط کشی کردن
		کەردەی-حوکم‌وحکوومەت‌کردن	زیرنفوذگرفتن
ruler *n*	روولر	گەورە - خەت کێش	حاکم ـ خط کش
		خەت کەش	
rule [2] *n*	روول	قانوون - حکوومەت	قانون ـ حکومت، دولت
		دەوڵەت	رسم،گونیا
rum *n*	رام	ئارەقو نەیجەشەکەری	رام (عرق نیشکر)
		ئارەقی‌لەلەزۆرچاکە	نوعی عرق
rumble *v*	رامبل	گرمنای (گرماندن)	رعدآسا غریدن،ابر
		نرکە و سەرە ئامەی	غُرّه
rumour *n*	رووم‌ِر	چـــاوداخـــستن -	شایعه،شایع‌کردن-هو
		چاووقاو	
run [1] *v(ran-run)running*	ران	رەمای-راکردن،کارکردن	دویدن ـ کار کردن، عمل کردن
		سەفەرکردن - تلۆبیەی	سفر کردن، مسافرت نمودن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
rung [1] *see* **ring**	رانگ	سەفەر ـ را ـ فرە ئالف جاڕ	دو ـ مسافرت، سفر ـ امتیاز در بازی،مسیر،حصاردام
rung [2] *n*	رانگ	پلەی پەیجە ـ پلەو سردی	پله نردبان
rural *adj*	رئورل ـ رورل	دەگایی ـ لادێ یی ـ خەڵکی لادێ	روستایی،دهاتی
rush [1] *v*	راش	پەلەکردەی ـ بەپەلە ڕۆین ـ راپەرین، پەلاماردان	هجوم بردن / آوردن شتافتن،غافلگیرکردن
rush [2] *n*	راش	پەلە ـ هەڵمەت ـ پەلامار	عجله،شتاب،هجوم،یورش،نی
rust [1] *n*	راست	ژەنگە ـ ژەنگ لێداو ـ ژەنگین	زنگ زدگی، زنگ (فلز)
rusty *adj*	راستی	ژەنگ وەنەدا ـ ژەنگ لێداو	زنگ زده،رنگ وررفته از کارافتاده
rust [2] *v*	راست	ژەنگ دای ـ ژەنگ لێ دان	زنگ‌زدن(فلز)،زنگ‌فلز
rustle [1] *n*	راسل	خشەخش کەردەی، شنە(وا) خشەخش کردن، سروەی نەسیم	خش خش کردن صدای برگهابه‌وقت‌نسیم
rustle [2] *n*	راسل	دەنگی خشەخش ـ خشە ئامەی، سروە	صدای خش خش،وزش نسیم
rut *n*	رات	یاگە ئەرادە و سەر و خاکی ـ جێ تەکەرلە سەرعەرز	رد باریکه چرخ برخاک نرم شیار ـ مستی
ruthless *adj*	رووت‌لِس	دڵ رەق ـ بێ رەحم	بی‌رحم،ستمگر،سنگدل
rye *n*	رای	گەنمە رەشە ـ پۆ	گندم سیاه ـ چاودار
rye - grass *n*	رای‌گراس	تاڵەگیا ـ گەنم تاڵ کەر گرێدانە، مرورە	علف‌تلخ،تلخه‌گیاه‌گندمزار
ryot *n*	رایت	وەرزیەر ـ رایەت	رعیت
ryngy *n*	رینگی	هەنگوێنی پاڵوتە رینگالە ـ رینگی چێشت	شیرهٔ‌عسل‌وشیرهٔ‌غذاهای‌آبکی

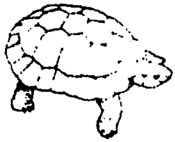

REVOLVER

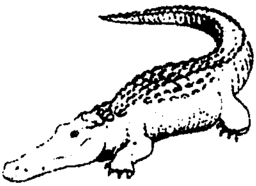

RAKE

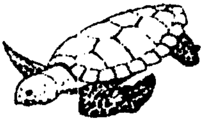

REINS


RECEIVER

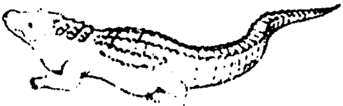

CHAMELEON


TORTOISE

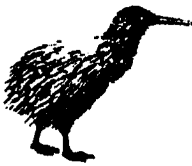

CROCODILE

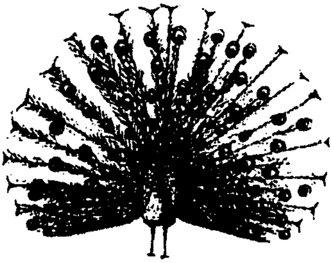

TURTLE


LIZARD


ALLIGATOR


PARROT


KIWI


PEACOCK


PARAKEET


MYNAH

S s

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
S	اِس	نوزده یه مین پیتی ئه لفبائی ئی نگلیزی	نوزدههمین حرف الفبای انگلیسی
sardalilikall *n*	سَردَلیلی کَل	سه رده لیلی که لّو و بزنه کێوی (نه چیر) کێشک چی ڕێگا یه له کێوه کان	پیش قراول نچیردر کوهستانها که معمولاً یک قوچ نر یا یک بزُ نر میباشد و گله رابا صـدای خویش از خطر آگاه میسازد.
sabbath *n*	سَبِت(ثبات)	ڕوژی شه ممه جوه کان وڕۆژی یه ک شه ممه مه سیحاکان کارناکه ن وه کو جو معه	روز شـنبه (یـهودیان) و روز یکشنبه (ترسایان) تعطیل رسمیبودهونیایش میکنند
sable *n*	سِیبِل	سمۆر ـ سمۆره	سمور ـ خزسمور
sabot *n*	سُبتوت	پالاّی چۆینێ ـکه وشی چێوین	کفش چوبی ـکفش باتختِ ازچوب
sabre *n*	سِیبِر	شمشێر، شووشکه، شمشێره، قه یاره	شمشیربلند و خمیده
sack *n-v*	سَک (ساک)	گوالّه ـ تووره که وهه وانه تۆره که ـشه راوی چه رمه ـمانێ	گونی، کیسه، جوال انبان ـ غارت کردن
sacred *adj*	سِیکرید	خودایی ـمحته رەم ـمه زه وی وئایینی	مذهبی، مقدس، الهی،مصون
sacrifice [1] *n*	سَکری فایس	فیداکاری ـقوروانی ـقوربانی	قربانی(درراهخدا)ـفداکاری ـنثار
sacrifice [2] *v*	سَکری فایس	قوروانی که رده ی ـقوربانی کردن	(در راه خدا) قربانی کردن فدا کردن ـ نثار کردن

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sad *adj*	سَد	خەمین ـ نارەحەت	غمگین، محزون-پراندوه
		خەمبار ـ مەلول	جانگداز
sadly *adv*	سَدلی	بەغەمباری-بەخەمینی	باحالت‌محزون-متأسفانه
saddle *n-v*	سَدل	زین-زینە-لکە گۆشت	زین(اسب،دوچرخه)-زین‌کردن
safari *n*	سِفاری	بۆراوروین ـ سەفەر و راوێ	مسافرت برای شکاردر آفریقا
safe [1] *adj*	سِی‌ف(سِیف)	ساق ـ ساغ ـ ئەمن و ئەمان، بێ‌خەتەر	سالم،درامان،ایمن-امن
safely *adv*	سِفی‌فلی	بێ‌خەتەر-بێ‌مەترسی بەئەمنی و ئەمینی	به طور سالم-بااحتیاط
safety *n*	سِیف‌تی	ئەمن و ئەمینی	ایمنی، امنیت، سلامت
		بێ‌تەرس ـ بێ ترس	امن و امان
safe [2] *n*	سِیف	گاو سەنۆق ـ سندۆقی ئاسنین	گاوصندوق ـ محتاط
sag *v-n*	سَگ	لەم‌نیای ـ خوار کێشان	شکم دادن، فرو نشستن
said *see* **say**		وار نشتەی ـ شل بون	اُفت ـ تنزل ـ شُل
sail [1] *n*	سِیل	بارفێن ـ وابەر ـ باپەنا	بادبان (کشتی / قایق)
		واپەنا ـ پەردەی باگیر	مسافرت دریایی
sail [2] *v*	سِیل	سەفەری دەلیای کەردەی کەشتی رانی کردن	سفر دریایی کردن، قایقرانی کردن
sailor *n*	سِیلر	مەلوان-مەلەکەر-سەربازی دەلیا	ملاح،ملوان،سربازنیروی دریایی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
saint *n*	سینت	جه‌خوداته‌رس-ئه‌ولیا	شخص مقدس، فرد محترم
		به‌شه‌ری پاک وراستگۆ	قه‌دیس
salacious *adj*	سِلیشِس	شاوه‌تزا	شهوت انگیز
safe gurding *n*	سِف‌گاردینگ	چاودێری - پاسه‌وانی	حراست ـ محافظت
sake *n*	سِیک	خاتره - خاتر	خاطر
salad *n*	سَلِد	سالاد	سالاد
salary *n*	سَلِری	مواجوو-هه‌قۆق،مانگانه	حقوق‌ماهیانه،حقوق مواجب
sale *n*	سِیل	بۆفرۆش-هه‌راجی تالآنی	برای‌فروش-حراج،مزایده
(saloon) of conferance *n*	سالون‌آف کان‌فِرنس	سالۆنی وتوویژوقسان مه‌ره - جه‌مگه	سالن‌کنفرانس‌وجلسات میخانه ـ تالار
salesman *n*	سِیل‌زمِن	پیاوی فرۆشه‌ر-هه‌رالّه‌که‌ر	فروشنده (مرد)
salmon *n*	سَمِن	ماساوی رۆخانه‌ی ماسی رووبار-ره‌نگی عه‌ناوی	ماهی آزاد، ماهی قزل‌آلا
salt *n-v*	سُلت(سالت)	نه‌مه‌ک-خوێ-نمه‌کی‌دای	نمک-نمک‌زدن-شور
salty *adj*	سُلتی	نمه‌کی-په‌رنمه‌ک-سوێر فره(زۆر)-نمه‌ک-سۆڵ	شور، پرنمک ـ نمکین نمکی
salute [1] *n*	سِلووت	سلاو - سلام - سلاوی سه‌ربازی	سلام دوستانه، سلام نظامی
salute [2] *v*	سِلووت	سلاوکردن-سلام‌که‌رده‌ی	سلام نظامی / سلام دادن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
same *adj*	سِیم	یەک جۆر ـ هەر ئانە	یکسان، همان (شخص، چیز)
		هەر ئەو ـ ئەوە	همانند ـ یک جور
sample [1] *n-v*	سامپِل	نموونە ـ پەی بینای	نمونه، مستوره‌سرمشق
		بۆ تاقی کردن	
sample [2] *v*	سامپِل	تاقی کردن ـ تاقی ئەوە	امتحان کردن، نمونه‌گیری
		کەردەی ـ نموونەگرتن	کردن
sand *n*	سَند	ریزێ ـ ماسە ـ ریخ	ریگ، شن، سنگریزه، ماسه
		لم ـ لمارتە	
sand *n*	سَندس	کەنارە ئاوی لمدار	ساحل شنی / ماسه‌ای
		قەراخە ئاوی ماسەدار	
sandy *adj*	سَندی	لمی ـ ماسەدار ـ لمدار	شنی،ماسه‌ای ـ حنایی
sanctuary *n*	سَنکچوری	کەنیسەـکلیسا،مزگی	معبدـکنشت‌ـکلیساـپناگاه
sandwich *n-v*	سَن‌دویچ	جۆرە پێ خۆرێک	ساندویچ‌ـبین‌دوچیزگذاشتن
		نەوعیوە واردەمە نی	فشردن
		پسە و گێتێ و کولێرێ	
sane *adj*	سِین	ماقوول ـ ئاقل ـ ساق	منطقی، عاقل، معقول
		و سەلیم، وریاوچاک	سالم ـ خردمند
sanitize *v*	سَنِتایز	بیداشتی‌وتەمیزکردن	بهداشتی کردن،ازمیکروب
		خاوین‌کردن،سرین	پاک کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sap *n*	سَپ	شیره و گیواو یا داری	شیرهٔ گیاهی قابل خوردن
		شیرەی گیاودار ـ نکم ـ کیبەرە	نیرو ـ توان ـ نقب
		دۆشاو ـ هێز ـ هازی	
sardine *n*	ساردین	جۆرە ماسییەک بچووک	ساردین نوعی ماهی
sat *see* **sit**		کە پێخۆرێکی لێ	
		دروست ئەکرێ ـ وردە ماساوی	
satellite *n*	سَتِلَیت	مانگ ئاسا ـ کەشتی هەوا	ماهواره، قمر مصنوعی ـ تابع
		چو ـ مانگە خولەوەرە ـ مانگ باو	
satisfy *v*	سَتیس فای	رازی کەردەی ـ دل نیا کردن	راضی کردن، خشنود ساختن
		ئرزا کردن ـ دڵشاد کردن	مطمئن ساختن / کردن،
		وژاردن	قانع کردن / ساختن
satisfaction *n*	سَتیس فَکشِن	رەزا ـ دڵ نیا ـ رازی	خشنودی، رضایت ـ ارضاء
		رەزامەندی	
satisfactory *adj*	سَتیس فَکتِری	بەرەوچاکی ـ رووەوخاسی	رضایتبخش ـ قانع کننده
saturday *n*	سَتِردی	شەممە ـ شەمە	شنبه
sauce *n*	سُس	مەزە چاشت ـ تامە	سوس، چاشنی ـ رُب
		چێشت ـ تام ـ رب	خوشاب میوه ـ شیره
saucepan *n*	سُس پَن	ماهی تاوە ـ تیانەی	ماهیتابه، تاوه/تابه
		دەسەدارە، قەولەمە	قابلمه
saucer *n*	سُسِر	ژێرپیاڵە ـ چێرپیاڵە	نعلبکی ـ زیراستکان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sausage *n*	ساسیج(سُسیج)	ڕێخوڵەی پر کراو لە	سوسیس ـ کالباس
		گۆشتی بەرازیاگا ـ جۆرێوە	
		گۆشتی قەواڵە	
savage *adj*	سُویج	سمنج ـ در ـ دماکەوتە	درنده، وحشی ـ بی‌تمدن
		وەحش وجاش	سنگدل
save *v*	سِیو	نجات دادن ـ جەمکەردەی	از خطر رهانیدن، رهایی
		لادای جەخەتەر ـ وەردای	بخشیدن، نجات دادن
		جەم کردن (پول)	ذخیره / صرفه‌جویی کردن
saving *n*	سِیوینگ	جەمکەردە ـ پاشەکەوت	پس انداز، اندوخته
		وسریا ـ نجاتدەر	نجات دهنده
saviour *n*	سِیویر	نجات دەر ـ ئازاد کەر	منجی، ناجی، نجات دهنده
saw [1] *see* **see**		وەردەر	رهاگر
saw [2] *n*	سُو	مشار ـ دەسەرە ـ هەرە	ارّه ـ مشار
saw [3] *v*	سُو	مشارکێشان ـ مشارکەردەی	ارّه کردن، ارّه‌کشیدن
say *v*	سِی	واتەی ـ وتن ـ گوتن	گفتن، سخن‌گفتن، حکایت‌کردن
saying *n*	سِینگ	مەتەڵ ـ قسێ قەدیمیان	ضرب المثل، گفتار نغز
		وتەی چاک، مۆچیاری	پند
scab *n-v*	سکَب	پەترۆ ـ پێستی زام	پوستهٔ زخم
		پەترۆکە (ئاوردشوەسۆ)	اعتصاب شکستن
scaffolding *n*	سکَفولدینگ	تەرواڵە ـ چۆبەس	داربست‌بندی ـ چوب‌بست

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
scald *v*	سکِلد	بەئاوی گەرم سووتاندن	باآبجوش یابخارسوزاندن
		بەئاوەی گەرمەسۆچنای	تاولدار کردن
scale *n*	سکِیل	ئامرازی ئەندازە بۆ	وسیلۀمدرج ـ اندازه،مقیاس
		پێوان وکێشان ـ قاژوتۆ	(نقشه) ـ گام(درموسیقی)
		پوولەکە ـ ئەندازە	فلس،پولکـ باسکول
scales *n*	سکِیل‌س	ترازێ ـ ترازوو	ترازو، میزان
		ئامرازی کێشمانەکردن	
scalp *n*	سکلپ	پێست و مووی سەر	پوست و موی سر
		پۆس و موو سەرەی	
scamper *v-n*	سکمپر	رمای ـ راکردن	گریختن، به‌تاخت رفتن
		بەرشیەی ـ هەڵهاتن	فرار ـ دوندگی
scandal *n*	سکندل	بێ ئابروویی ـ شەرمەساری	افتضاح،رسوایی،آبروریزی
scar [1] *n*	سکار	جێ زام ـ یاگە زەخم و	داغ، اثر زخم (روی پوست)
		رێش ـ داخ ـ سکەڵ، جێ زام	جای سوختگی و زخم
scar [2] *v*	سکار	داخ کەردەی (کردن) نیشانێ	اثر زخم‌گذاشتن، داغ زدن
		بەزەخم کەردەی ـ نیشانێ نیای ـ جێگەزام مان	جای سوختگی
scarce *adj*	سکرس	ناپێدا ـ کەم ـ کەم دۆزراو	کمیاب،نادر،کم‌پیدا،نایاب
scarcely *adj*	سکرسلی	حەرفرە کەم ـ بە	به‌ندرت ـ اندکی ـ ندرتاً
		زەحمەت ـ بەزۆر ـ کەمێ	
scare [1] *v*	سکِر	سڵ دای ـ تەرسنای ـ سڵ دان	ترساندن، رَم دادن
		هۆرکورکیای	هراساندن

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
scarecrow *n*	سکِرکرئو	داهۆڵ ـ وەیوە و باڵی	لولو سرخرمن ـ مترسک
scare [2] *n*	سکِر	ترسەنۆکی ـ بێ هیچ	ترس بیجا، ترس بی‌مورد
		تەرسای ـ تەرسە ـ ترس	هراس
scarf *n*	سکاف	رووسەری ـ هەوڵەو	شال گردن، روسری، چارقد
		ملی ـ شاڵی مل ـ لەچەک	
scarlet *n,adj*	سکالیت	سوور ـ ون فام ـ چون ون	قرمزروشن ـ قرمزنارنجی
scatter *v*	سکَتِر	بلاو کردن ـ پاشای	متفرق ساختن، افشاندن
		جەیەک دوورو وسەی	پاشیدن
scene *n*	سیین ـ سِین	بەش ـ یاگێ رووەدای	صحنه ـ محل وقوع ـ بخش
		جێی رووداو ـ جێی نمایش	قسمت، سین ـ جلوگاه
scenery *n*	سیینِری	دیمەن ـ چەم وز	منظره، چشم انداز
		چاوخست، چاوروان	دورنما
scent *n-v*	سِنت	عەتر و عەبیر ـ بۆنی	رایحهٔ دل انگیز ـ عطر ـ بو
		خۆش ـ بۆ ـ بۆبردن	بو بُردن ـ پی‌بُردن
schedule *n*	شدیول	ناوئاخن ـ بارنامە	برنامه، جدول برنامه
		جەدوەل وکاری، سوورەت	زمان‌بندی
scholar *n*	سکالِر	زانا ـ ژیر ـ ئاقڵ	دانشمند، فاضل، عالم، محقق
		مدریک و ژیرەومەرێ	دانشجو
scholarship *n*	سکالِرشیپ	خەلات و دیاری بۆ	بورس تحصیلی ـ کمک هزینه
		شاگردی زیرەک ـ زانایی	آموزشی ـ آموختگی
		فێربونەوە ـ سەودا	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
school *n*	اسکوول	مەیرەسە - جێی	مدرسه، آموزشگاه، دبستان
		دەرس خوێندن - فێرگا	
science *n*	ساینس	علم - زانست - زانایی	دانش، علم، فن - مهارت
		زانیاری، لێهاتی	شیوه
scientific *adj*	ساین‌تی‌فیک	علمی - زانستی	علمی، مربوط به علم - فنی
scientist *n*	ساین‌تیست	زانا - لێکۆڵەر	دانشمند، عالم - دانشور
		چەنەیاواجەعلم	
scissors *n*	سی‌زرز	دواردی-دوێردک، دوێردو	قیچی - مقراض
scold *v*	سکولد	داکوتان - لۆمە کردن	سرزنش کردن، پرخاش کردن
		تانەوە نە دای	(زِن‌نِق‌نِقو)
scoop *v-n*	سکووپ	هەڵگۆزین-هۆرگۆزای	با دست یا قاشق برداشتن
		بەچەمچە، چمچە یگەورە	کندن - ملاقه
scorch *v-n*	سکُرچ	برەی سۆچنای-سووتاندن	کمی سوزاندن، پژمرده شدن
		بێ تین-سیس یای، بۆدان	سوختگی سطحی
score ¹ *n*	سکُر	نمرە-نمرەی سەرکەوتن، قرنجیا	امتیاز، نمره، خراش، خط افتادگی
score ² *v*	سکُر	حیساب لەدەستابوون	امتیاز نگهداشتن / نوشتن
		نمرەوگەمی نویسای، کلـایشن	خراش / خط انداختن
scorn ¹ *v*	سکُرن	بەچاوی خوارتەواشاکردن	خوار شمردن - پست‌شمردن
		سووک پۆرە دیای	
scorn ² *n*	سکُرن	سووک ژمێری - تخل	بی احترامی، تحقیر
		سووک پۆرە دیای	خوارشماری

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
scorpion *n*	سکُرپین	مارەکۆڵ ـ دمارە کۆڵ دووپشک	کژدم، عقرب
scowl [1] *v*	سکُول	مۆق‌کەردەی‌ـرووەپێوەرەدای تێردیای‌ـئەخم‌کەردەی،خراوتەواشاکردن	باخشم‌نگریستن‌ـاخم‌کردن
scowl [2] *n*	سکُول	مۆق ـ تێر ـ ئە خم خراو روانین	اخم،نگاه‌غضب‌آلود‌ـتهدید
scramble *n*	سکرَمبل	بەسەختی سەرلوای بەتەقالاسەررووین‌ـتوندخزین	بازحمت‌بالابردن،تندخزیدن تلاش کردن
scrap *n*	سکرَپ	وردە ـ تیکە ـ رێزلانە برێک‌ـتۆزێک،لت‌وکوت	خرده، تکه‌ـ پس‌مانده قطعه ـ قُراضه
scrape *v*	سکریپ	تاشای ـ تاشین ـ هۆر کەنەی ـ هەڵکلاشین	(با ابزار تیز) خراشیدن تراشیدن ـ سرهم کردن
scratch [1] *v*	سکرَچ	کلاشای ـ خوراندن پۆس‌رنیای‌ـکراندن چنگۆڵ‌گرتەی	خراشیدن، پنجه انداختن چنگ زدن
scratch [2] *n*	سکرَچ	کرنا ـ کلاشا ـ رنیا زریا ـ رێش،قرنجان	خراش،خط افتادگی چرکنویس
scream *v*	سکریم	قیژنای ـ قیراندن قیرنای‌ـقیواندن‌ـزریکنای	دادکشیدن/زدن،جیغ‌زدن نعره کشیدن
scream *n*	سکریم	قیژە‌ـقیرە‌ـقیرە،شریخە هاوار ـ قیوە‌ـ زریکە	جیغ، داد، فریاد ـ نعره زوزه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
screech *v*	سکریچ	سەرنای ـ بۆرنای، قیچان	نعره‌زدن
		سەراندن ـ بۆراندن ـ نەرنای	صدای
screech *n*	سکریچ	نەرە ـ بۆرە ـ سەرە، زریکە	جیغ
screen *n-v*	سکریین	پەردە ـ پەردەی جیا	پرده(
		وەکەرـوی چنەـبیژن	سپر ـ تور
screw [1] *n*	سکروو	جەر ـ پەرە	پیچ ـ پروا
screwdriver *n*	سکرودرایور	ئاچەر ـ پێچ گۆشتی	پیچ گوشتی
screw [2] *v*	سکرو	پێچ دای (دان) ـ تندۆ	پیچ‌کردن/خو
		(کەردەی تن‌کردن)	
script *n*	سکریپت	خەت، نمایش نامە	خط ـ نگارش
scribble *v*	سکری‌بل	بەپەلە نووسین (نویسەی)	باشتاب‌نوشتن
scripture *n*	سکریپ‌چر	کتێبی مقەدەس، ئەنجیل	علم دین ـ کتا
scrub *v(surbbed)*	سکراب	بەپیاهاوردن ـ بەیۆرە	با بُرس کشیدن
		ساوی ـ مشتومالدای ـ پرونای	مالش‌دادن ـ سا
sculptor *n*	سکالپتر	تومن تاش ـ بەرد تاش	سنگتراش، مج
		شێوە ساز	تندیس‌گر
sculpture *n*	سکالپچر	تومن تاشی ـ بەرد تاشی	پیکرتراشی،
sea *n*	سی‌ی	دەلیا ـ دەریا	دریا، بحر
sea - shell *n*	سی‌ی‌شل	سەدەفی دەلیا ـ جۆری	صدف دریایی
		جانەوەری دەلیا	
seaside *n*	سی‌ی‌ساید	قەراخەدەلیا ـ کەناری دەلیا	ساحل، کنار دریا
seal [1] *n*	سییل	خووگی دەلیا ـ جۆرەی	فُک، خوک آبی
		جانەوەرو دەلیای، مۆر	صخه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
seal [2] *v*	سییل	مۆر و مۆم کەردەی	مهر و موم کردن
		نامە سەر بە مۆر کردن	تضمین کردن
seam *n*	سییم	ترەک ـ ترەکە ـ تەقەڵ	درز،شکاف،ـزگه،کوک
		چرچوروێ، تری شکە	
search [1] *v*	سِرچ	پەی گێلای ـ بۆگەریان	گشتن، جستن،جویاشدن
		سرنج دان ـ سرنج دای(دان)	
		لێکۆڵین	
search [2] *n*	سِرچ	سرنج ـ لێکۆڵینەوە	بازرسی، کند وکاو
		وردوێ بیە	جستجو ـ تجشس
season *n*	سی‌زِن	وەرز و ساڵێ ـ وەرزی	فصل‌ـایام ـ دوران
		ساڵ ـ فەسڵ، ئالەت لێدان	ادویه‌زدن،گوشت‌خواباندن
seat *n*	سیت	یاگێ ـ جێ ـ کەت	صندلی، جا،خشتک،جایگاه
second *adj*	سِکِند	دووهەم ـ دووم، دویەمین، کات،	ثانیه‌ـدوم‌ـدومین‌ـدست‌دوم
secondary school *n*	سِکِندری‌اسکول	دەورەی دەبیرستان	مدرسه متوسطه، دبیرستان
secret *n,adj*	سییکریت	راز ـ رازی ـ پۆژیا	مرموز،پنهان،سرّی،مخفی
		نامە علووم، ون	راز
secretary *n*	سِکرِتری	وێژەر ـ وەزیر، دەفتەردار	منشی،دبیرـسفیر،وزیر
		دەستیار ـ باڵوێز	
section *n*	سِکشِن	بەش ـ محەلێ ـ لەت و تیکە	قسمت، بخش،قاچ،جزء
secure *adj*	سیکیور(سیکُر)	ئەمن و ئەمان، بێ ترس	امن،بی‌خطرـمحکم،مصون
		بێ مە ترسی ـ قایم	خاطرجمع

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
security *n*	سیکیوریتی	ئەمن ـ بێ خەتەر ـ دڵنیا	امنیت، اطمنیان، سلامت
	(سیکُریتی)	پشت گەرمی	تأمین ـ اوراق بهادار
see *v*	سی ی	بینای ـ بینین ـ تەواشا کردن	دیدن، مشاهده کردن، فهمیدن
seed *n-v*	سیید	ناوکە ـ تۆم ودلێ ـ تۆم	بذر، دانه، تخم، تخم کاشتن
		تۆو ـ پێشه مێوه	هسته یا دانه درآوردن
seek *v*	سییک	لێکۆڵین ـ سەر و گۆش	جویا شدن، جستجو کردن
		ئاودای ـ شۆنەلوای، سەیرکردن	دنبال گشتن
seem *v*	سییم	نمانای ـ بەر چاو هاتن	نمودن، به نظر آمدن
		وەروچەمی ئامەی، وادیارە	گویی
seep *v*	سییپ	ئارام تکەکەردەی ـ تکەکردن	آهسته چکه کردن، تراویدن
		دەڵنای (دەلاندن) شربون	نشت کردن
seesaw *n*	سی دی سُو	هەلەق ومەلەق ـ لەبان	الاکلنگ، نوسان کردن
		دارسەروخوارچوون، هاتوچوکردن	
seize *v*	سیز	رفانای ـ رفاندن، گرتن	ربودن، قاپیدن، چنگ زدن
		چەنە ئەسەی ـ لێ سەندن	دستگیر کردن
seldom *adv*	سِلدِم	زۆرکەم ـ فرەکەم جاروبار	به ندرت ـ گهگاه، کمتر
select *v*	سِلِکت	هۆروچنیەی ـ هەڵبژاردن	انتخاب کردن، برگزیدن
selection *n*	سِلِکشِن	هەڵبژێراو ـ وچنیا، لاوس	برگزیده، منتخب، سوا
self *n*	سِلف	وێم ـ خۆم ـ وێ ـ خۆ	خود، خویش، به خود، ضمیر
selfish *adj*	سلفیش	فیزن ـ قوت ـ جە وێ	خودپسند، خودخواه، مغرور
		رازی ـ خۆهەڵکێش	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
selfishly *adv*	سلفیشلی	بەفیزەوە ـ بەتەکەبرەوە	خودخواهانه،خودپسندانه
selfishness *n*	سلفیش‌نِس	فیز زلی ـ قوتی	خودخواهی،خودپسندی
		جەوێ رازی	
sell *v*	سِل	فرۆتن ـ ورەتەی، فرۆش چون	فروختن، به‌فروش رساندن
seller *n*	سِلِر	فرۆشەر ـ چێوورەش	فروشنده
semicircle *n*	سِمی سِرکِل	نیو دایرە ـ نیمە خڕەر	نیم‌دایره،منحنی
		نیو بازنە، کەمان باو	
semicolon *n*	سِمی‌کُولِن	ناوی ئەم نیشانە (؛) نوختە	سمیکولن(؛) ،نقطه‌ویرگول
senate *n*	سِنیت	مەجلیس - مەجلسۆ	مجلس سنا،مجلس اعیان
		بەرگوزیدەکان ـ جەمخانە	
		و نمایندەکان	
senator *n*	سِنِتِر	ئەندامی مەجلیسی	سناتور (عضو مجلس سنا)
		هەڵبژێراوان ـ گرۆ	
		و مەجلسی (کۆڕ)	
send *v*	سِند	کیانای ـ هەناردن	ارسال داشتن، فرستادن
		کیاستەی، ناردن، بایس بون	موجب شدن
senior *adj*	سین‌یِر	خوێندکارگەورەتر ـ سەرتەر	ارشد، بزرگتر ـ مهم
		خوێندکاری ساڵی ئاخری دەرس	بالادست،سال آخری
sense [1] *n*	سِن‌س	فام ـ فهم ـ حس ـ ئەقڵ	حِس، خرد ـ معنی،منظور
sensation *v*	سِن‌سِی‌شِن	نیشات ـ دەرک و فام	حس، احساس ـ شور
		حسی شعور	هیجان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sensible *adj*	سِن‌سِ‌بل	ماقووڵ ـ زانا،وریا	دارای عقل سلیم، آگاه
		هۆشیار ـ ئەقڵ دار	معقول
sensitive *adj*	سِن‌سی‌تیو	دڵ ناسک ـ کەم تاقەت، زوجۆش	حساس،زودرنج،تحریک‌پذیر
sense [2] *v*	سِن‌س	پێ‌زانین ـ پەنە زانای	حس / درک کردن
		پەی بەردەی	
sentence *n*	سِن‌تِنس	جملە ـ رەست، فتوا	جمله،حُکم،رأی
separate *v*	سِپ‌ریت	جیاوەکەردەی ـ جگێ کردن	مجزا، جداگانه،جداکردن
separation *n*	سپ‌ریشن	جیاوەکەری ـ جگێ، جیا	جدایی، دوری،مُجزا
		کەری ـ دوور لە یەک ـ جیاواز	
september *n*	سِپ‌تمبِر	مانگی نۆیەم لە ساڵی میلادی	سپتامبر ماه‌نُهم میلادی
sergeant *n*	سارجِنت	گرووبان ـ دەرەجەداری	گروهبان یکم
		نیزامی ـ سەرگرۆ، سەریەل	
serial *n*	سیریِل	لە دوای یەک ـ قەتار	سریال، داستان دنباله‌دار
		پەشتەویوی ـ رازی درێژە	پشت‌سرهم،مُسلسل،مکرر
series *n*	سیریز	رشتە ـ چین چین	سری، دوره، سلسله، رشته
		دەورە ـ دەستە، زەنجیرە	ردیف
serious *adj*	سیریِس	گەورە – موهیم	جدی،موقر- مهم،خطرناک
		سوور ـ قورس تەبع ـ سەنگین	
seriously *adv*	سیریِس‌لی	بە سووری تەواو	به طور جدی،شدیداً
		بەرەقی و سین سەختی	جداً
sermon *n*	سِرمِن	مۆچیاری ـ نەسیحەت، نوتق	وعظ،موعظه،نُطق،خطابه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
serve *v*	سِرو	خدمەتکردن-خزمەتکەردەی	خدمتکردن-(غذا)سروکردن
servant *n*	سِروِنت	دایانە - هەروەنە خزمەتکار-وەردەس	نوکر، خدمتکار
service *n*	سِرویس	خزمەت-کۆمەک هاوکاری	خدمت -کار-سرویس،مراسم
services unit *npl*	سِرویس یونیت	خزمەتکاری	خدمات (در ادارات)
session *n*	سِشِن	جەم خانە - کۆ بوونەوە- کۆڕ، جەرگە	جلسه، نشست، اجلاس جرگه
set [1] *n*	سِت	دەسە زەرف - دەزگا جملە-مەجموعە، حاڵەت	سرویس ودست-وسیله برقی
set [2] *v*	سِت	دانیان-ئەرەنیای-ڕوین حازرکردن-وەش کەردەی-کارنیای تاقی یۆکردن-میزانکردنی سەعات ڕۆجیار پرای-خۆش کردن-کەرگ نیای-ئامادەکردن-خۆرپەڕین	قرار دادن، گذاشتن - ایجاد کردن، شروع کردن، وادار کردن/ساختن-کارگذاشتن، کار دادن،امتحان به عمل آوردن غروب کردن-رفتن،عازم شدن مهیا کردن،آماده کردن
settle *v*	سِتل	ئارامکردن-ئەرەمەرزیای نشتەجێ بوون پیاگەیین	مستقر شدن - آرام کردن نشستن - واریز کردن
settlement *n*	سِتل مِنت	قەبووڵ - ئەرەنشت دانیشت-دانیشتن بۆباس	توافق - نشست،رسیدگی مُستعمره - واریز
settler *n*	سِتلِر	نیشتەجێ-دانیشتو یاگەگیر	ساکن، مقیم،مهاجر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
setting *n*	سِتینگ	جێ ی روداو-یاگەمرخوان	زمینه-صحنه-جای‌نگین
seven *n,adj*	سِوِن	ژمارەی حەوت-شمارە و حەفتی	عدد ۷
seventh *n,adj*	سِوِنس(ت)	حەوتەم - حەفتۆم	هفتم،هفتمین،هفتمی
seventeen *n,adj*	سِوِن‌تین	حەفدە	عدد ۱۷
seventeenth *n,adj*	سِوِن‌تین‌س(ت)	حەفدەهۆم-حەفدەیەم	هفدهم،هفدهمین
seventy *n,adj*	سِوِن‌تی	حەفتا	عدد ۷۰
seventieth *n,adj*	سِوِن‌تیس(تیت)	حەفتایەم-حەفتاهۆم	هفتادمین (70th) $\frac{1}{۷۰}$
several *adj-n*	سِوِرل	چەند-چەندە،جگێ،جیا	چند، چندین،جدا،چندتا
severe *adj*	سیویِر	سەخت‌گر-توندوسەخت	سخت،شدید،عبوس،ساده
secretariat *n*	سکرِتریِت	دەبیرخانە-نامەخانە	دبیرخانه(اداره)
severely *adv*	سیویِرلی	بەسەختی - بەتوندی	شدیداً،بەسختی،دشوار
sew *v*	سُو(سِو)	دروین - وراسەی جامەدۆزان،دوران	دوختن، دوخت و دوز کردن بخیه‌کردن
sewing *n*	سوینگ	خیاتی-دۆزای-دروین	خیاطی،دوخت‌ودوز-دوزندگی
sewing machine	سوینگ‌ماشیین	چەرخوخیاتی-چەرخی‌دوران	چرخ خیاطی
sewage *n*	سویج	فازلاو-گەناو	فاضلاب - گنداب
sex *n*	سِکس	مەسەلەی جنسی-جنسی نێرومێ-جەزبەی جنسی‌ودەزگا	جنسی-رابطه‌جنسی-جنسیت اندام جنس - نزدیکی
shabby *adj*	شَبی	کۆنە - پوترکیا - شر بێ شەرەفی، پەست	کُهنه، پوسیده، مُندرس پاره‌پوره - رنگ‌ورورفته

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
shade[1] *n*	شِید	سێوەر ـ سێبەر ـ حەسیر	سایه ـ رنگ،کرکره
		پیرانەچراو ـ سەهەندوکەمەران	حصیرپنجره،حُباب
shady *adj*	شیدی	سێوەردار ـ سێبەردار	سایه‌دار،سایه‌افکن
		سەهەنددار	مشکوک
shade[2] *v*	شِید	سێوەرۆ کەردەی	سایه‌کردن،سایه‌دارکردن
		سێبەرکردن،داپۆشان	پوشاندن
shadow *n*	شَدو(شَدِو)	سێوەر ـ لێڵی ـ رەشی	سایه،اندوه،ذره،غم
		و سیاوی،زۆرکەم	کم
shaft *n*	شافت	مێڵە ـ دار ـ تەمووەدار	میله باریک ـ هواکش ـ تیر
		کۆڵەکەـلوولەسۆبەـسێ پا	ساقه ـ محور ـ سوراخ‌چاه
shake *v*	شِیک	ئەوەشەکنای ـ شەڵە	لرزاندن،جنباندن،تکان‌دادن
		قنای ـ لەقاندن ـ جواندن	لرزه ـ دست‌دادن‌به‌کسی
shall *v.aux*	شَل	وشەی یان کەلیمەی	کلمه‌ای به جای **Will**
		بەباتی ویل **Will**	
shallow *adj*	شَلو (شَلِو)	کەم ئاو ـ کەم قووڵ	کم آب، کم عمق،کم‌ژرفا
		قووڵ نەبوو،قوڵ(جول)نەبێ	
shame *n-v*	شِیم	شەرم و حەیا	(احساس) شرم، خجالت
		خەجاڵەت ـ نەنگ وعار	کنف‌کردن،ننگ‌بالاآوردن
shampoo[1] *n*	شَمپوو	شامپوو ـ مادەی شۆردنی ـ موو	شامپو
shampoo[2] *v*	شَمپوو	شامپوو دای (دان)	شامپو زدن
shan´t *see* **shall**			

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
shape [1] *n*	شِیپ	شێوه ـ شکڵ ـ بەژن، حاڵ	شکل،ریخت،قواره،حالت
shape [2] *v*	شِیپ	بەشکڵێ دەرهاوردن	شکل‌خاصی‌دادن،شکل‌گرفتن
		وەش‌کەردەی ـ شکڵ دان	ساختن
share [1] *v*	شِر	بەش‌کردن ـ بەش‌بەردەی	تقسیم کردن، بخش کردن
		(کەردەی)، یاربیەی	شریک بودن
share [2] *n*	شِر	بەش ـ پەنەدریای	سهم، حصه، بخش، قسمت
		ماف و قسمەت	
shark *n*	شارک	کۆسەماسی ـ ماساوێوه	کوسه (ماهی)
		لاگیره و دره	
sharp *adj*	شاپ	تن و تیژ ـ تێژ ـ وریا	تیز ـ تند، تیزبین
		هۆشیار،گاڵ وتێژ	بُزان ـ دقیقاًفرز
sharply *adv*	شارپلی	بەزیرەکی ـ بەوریایی	به تندی،باهوشمندی
		بەتوندوتیژی(برای‌برام)	
sharpen *v*	شارپن	تێژۆ کەردەی ـ تێژ	تیز کردن / شدن
		کردن ـ تێژ بیەی	شدیدکردن
shatter *v*	شَتِر	ورد کەردەی (بیەی)	خردکردن / شدن
		ورد کردن (بوون)	متلاشی‌شدن،درهم‌کوبیدن
shave [1] *v*	شِیو ـ شِیو	ریش تراشین ـ ریش تاشای	تراشیدن(ریش)،اصلاح‌کردن
shave [2] *n*	شِیو ـ شِیو	روو تراشی ـ تاش‌رووگرتن	اصلاح صورت،ریش‌تراشی
shawl *n*	شُل	شاڵ ـ مشکی ژەنان	شال ـ شال گردن
		پەروباسۆڵێ،شاڵی مل	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
she	شی	ئەو ـ ئادە(ژەنی) ـ وێ	او (مؤنث)وی
shear *v*	شیرـشیر	قرتنای ـ خوری چنین	چیدن-بریدن-هَرَس‌کردن
		گۆش‌بریەی-دارپاچین	
shear *n*	شیر	دوێردک ـ دواردی	قیچی‌باغبانی- پشم‌زنی
		مەقەس	عادی
shed [1] *n*	شِد	گەور ـ همار ـ کادان	آلونک، طویله سر پوشیده
shed [2] *v*	شِد	سەرشیەی-هەڵس متەی	ریختن-انداختن،موریختن
		پێس گرتن-خستن-کاژوسەی	
sheep *n*	شییپ	مەر ـ مەیە ـ مێ	گوسفند(قوچ ـ میش)
sheer *adj-v*	شیرـشیر	قنج و قیت ـ راست	عمودی‌راست،ناگاه‌کج‌رفتن
		راس-ناکابادان،ویراژدای	
sheet *n*	شییت	تواق تواق ـ وەرەقە	ورق، ورقه، صفحه ـ ملافه
		ئاسن-مەلافە-پانی-توێ..تۆ	لایه ـ سطح
shelf *n*	شِلف	قەفەسە دوکان ـ رەفە	قفسه، رف، طاقچه
		تاقچە، تونەتاویر	تخته‌سنگ ـ جزیره‌مرجانی
shell *n-v*	شِل	تۆکل ـ پێس ـ نوێکڵ	بدنه، پوست، صدف،لاک
		گولەـسەدەف-لەش،فی‌شەک،	گلوله-پوکه،سبوس‌گرفتن
shelter [1] *n*	شِل‌تِر	سەرپەنا ـ قەڵخان	پناهگاه، حفاظ، پناه
		جان‌پەنا-بەرگل-وەرگیر	پناهندگی
shelter [2] *v*	شِل‌تِر	پەنادای(دان) ـ پەنا	پناه‌دادن / بردن
		بەردەی (بردن)	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
shepherd *n-v*	شِپِد	شوانه ـ شوان، شوانی کردن	چوپان،شبان،شبانی‌کردن
shield [1] *n-v*	شیلد	قه‌ڵخان ـ ره‌م گیر	سپرـحفاظـسپرشدن
		گلۆده‌ر، به‌رگرـبه‌رگل دان	
shield [2] *v*	شیلد	پاراستن ـ پارێزنای	حفظ کردن،سپرکردن
shift [1] *v*	شیفت	جێ به جێ کردن	جابه‌جا کردن، حرکت دادن
		یاگه‌وارای ـ تل دای (دان)	جُم خوردن
shift [2] *n*	شیفت	نۆگه کار ـ نۆگه	نوبت کار ـ نوبت کاری
		چاره‌سازی ـ کارزانی	دگرگونی
shine *v*	شاین(شَین)	درۆشیای (درۆشیان)	تابیدن، برق زدن، درخشیدن
		پرشنگ دان ـ برێقه‌دای	
shiny *adj*	شاینی(شَینی)	برێقه‌دار ـ درۆشیا	براق،درخشان‌ـپُرجلا
		پرشنگ دار، ساووه‌رتاوی	آفتابی
ship *n-v*	شیپ	که‌شتی ـ ئاوگه‌ر	کشتی، سفینه،ناو
		ئاوگێڵ، باربردن به‌که‌شتی	باکشتی حمل کردن
shipping *n*	شیپ‌پینگ	که‌شتییه‌کان ـ که‌شتیێ	کشتیها ـ ترابری
		بارـباربه‌ندی، که‌شتی‌گه‌ردی	کشتی رانی
shirt *n*	شِرت	گجی ـ کراس ـ کرواس	پیراهن‌مردانه‌ـزیرپیراهن
shiver *v*	شیوِر	شیویای ـ شیوان، وردکردن	لرزیدن،تکه‌تکه کردن
		له‌رزای ـ له‌رزین شیوبیه‌ی	
shiver *n*	شیوِر	له‌رزـشیویا ـ موورچرکێ، شیواڵ	لرزـمورمورـتکه‌هرچیز
shock [1] *n*	شاک	شۆکه ـ ته‌کانه ـ ده‌شه‌ت، خه‌رمان	صدمه‌ـشوک‌الکتریکی‌ـتکان‌روانی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
shock [2] *v*	شاک	تەکان واردەی (خواردن)	هول کردن، تکان خوردن
		ترس پێدان ـ هۆرکورکیای	شوکه کردن
shoe *n-v*	شوو	کەوش ـ پالاّی، ناڵ کردن	کفش ـ نعل اسب، نعل کردن
shoelace *n*	شوولیس	بەنە کەوش ـ بەنە پالاّ	بندکفش
shoe-maker *n*	شوومێکر	کەوش دۆز ـ پالاّوراز	کفاش ـ پینه‌چی
shoot [1] *v*	شووت	گولەتەقنای (تەقاندن) ـ چرپنای	شلیک کردن ـ جهیدن،
		پرای ـ گۆ کەردەی ـ درهاتن	جوانه‌زدن ـ پریدن
shoot [2] *n*	شووت	نمام ـ گۆ ـ گۆپیتکە	نهال ـ جوانه ـ قلمه
		خەواو ـ نەمامی نۆرەس	
		چرۆ	
shop [1] *n*	شاپ	دووکان ـ فرۆشگە	دکان، فروشگاه، مغازه
		جێی فرۆش ـ یاگێ ورەتەی ـ کرین	کارگاه
shopkeeper *n*	شاپ‌کیپر	دووکاندار ـ ساحێو	مغازه‌دار، دکاندار، کاسب
		دووکان	
shop [2] *v*	شاپ	کرین ـ سەندن ـ ئەسەی	خرید کردن، خریدن
shopping *n*	شاپینگ	چێو ئەسەی ـ چت کرین	خرید
shore *n*	شُر	قەراخە دەلیا ـ کەنارە	ساحل ـ کرانه
		دەلیا و رووبار	
short *adj*	شُرت	کوڵ ـ کۆتا ـ کورت	کوتاه، مختصر، شورت
		شۆرت	اتصالی برق
shortage *n*	شُرتیج	نەویەی ـ نەبوون ـ کەمی	کمبود، فقدان ـ کسری

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
shorten *v*	شُرتن	کولّوّ کەردەی ـ قرتنای	کم شدن، کوتاهشدن
		کورت کردن	
short *n*	شُرتس	تونکێ ـ تونکە ـ شۆرتێ	شورت،شلوارکوتاه
shot [1] *see* **shoot**		شۆرت	
shot [2] *n*	شات	دەنگوگولەی ـ گولە ـ تەقە	صدای گلوله ـ تیر ـ ساچمه
		ساچمێ، گولّمە ئاو ـ شر	جُرعه،تزریق،فرسوده
should *v*	شُد	مەشیۆ ـ ئەبێ ـ ئەوێ	باید، بهتر است،خواهم
		مەووێ، دەبا	
shoulder *n*	شُلدِر	شانەو مل ـ شان، تەقەبل	شانه،دوش،کَت،حاشیه‌جاده
shout [1] *v*	شَوت(شات)	هاوارکەردەی ـ قیراندن	فریادکردن / زدن
shout [2] *n*	شَوت(شات)	هاوار ـ قیران ـ قاڵ ـ زیران	فریاد،داد،جاز،بانگ
shovel [1] *n*	شاول	بێڵ ـ خاکەناز، پاروو	بیلچه، خاک انداز، پارو
		خرەباڵە ـ بێڵە	
shovel [2] *v*	شاول	پارو کێشای (کێشان)	پاروکردن، بیلچه زدن
		بە بێڵ پاکۆ کەردەی	
show [1] *v*	شو(شئو)	نیشان دان (دای)	نشان دادن ـ تعریف کردن
		وەرچەم وسەی ـ فاش کردن	نمودار شدن
show [2] *n*	شو(شئو)	نیشان ـ نیشانگە، نمایش	نمایشگاه ـ شو (کنسرت،...)
		تەماشاگە ـ فیز	پُز ـ تظاهر ـ ادا
shred *n*	شرِد	شر ـ پروڵنگ ـ دراو	ریزه،تکه،زنده کردن
		دریا، ورد، هەنجنین ـ تۆلاش	ریزریزکردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
shrewd *adj*	شروود	زرنگ-ژیر-بەهۆش،زۆڵ	زیرک،زرنگ،ناقلا،رند
shriek [1] *v*	شریک	قیژنای ـ شریخاندن	جیغ زدن /کشیدن
		شریخنای،قیژاندن	
shriek [2] *n*	شریک	قیژه-شریخه-شریخنا	جیغ، داد، فریاد
		قیوه،زریکه	
shrill *adj*	شریل	شریخه- قیچه،زریکه	جیغ،صدای‌گوش‌خراش‌وتیز
shrine *n*	شرَین	یاگەتواف ـ جێ تواف	زیارتگاه،حرم،معبد،مرقد
		دەیر-کەنیسا،مەرقەد	
shrink *v*	شرینک	چرچۆبیەی ـ ئاو لوای	کوتاه‌کردن/شدن‌پارچه
		بچووک‌بوون-کورتۆبوون	عقب‌کشیدن
shrub *n*	شراب	متکه ـ بنجه ـ هەژگ	بوته،درختچه،بُته
shrug *v*	شراگ	شان هەڵخستن ـ شانه	شانه بالا انداختن
		هۆرئاسەی،گوێ‌نەدان	بی اعتنایی کردن
shudder *v*	شادِر	لەرزین ـ لەرزای	لرزیدن ـ منزجر شدن
		بێزار بیەی (بوون)	چندش گرفتن
shudder *n*	شادِر	لەرز-بێزار-رق،قەڵز	لرز، تنفر،چندش
shut *v*	شات	بەستن-داخستن،رێ‌برین	بستن، تعطیل کردن
		بینای ـ بەسەی	کیپ کردن
shutter *n*	شاتِر	پەردەی پشتی دەر	پرده،پشت دری‌کرکره
		پەردە(پشت‌دەلاقەوپەنجەرە)	

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
shy *adj*	شَی(شای)	شەرمین-کەمڕوو،حیادار	کمرو، خجول، ترسو
		تەرس دار-بەکەمڕوویی	ملاحضەکار،خجالتی
shyly *adv*	شای‌لی	بەشەرم-بەشەرمەساری	خجولانه
sick *adj*	سیک	ناوەش - نەخۆش	دارای تهوع - بیمار
		نەوەش،هۆق-ئازاردەر	زده‌دل -آزاردهـسیر-بیزار
sickness *n*	سیک‌نِس	ناوەشی - نەخۆشی	بیماری، مریضی،تهوع
		نەوەشی، بێزار	
side *n*	ساید(سَید)	پالارە- پاسەرە-ڕووەو	سمت،جهت،پهلو-فرعی
		بەرە-بار-لا-کن-پاڵ	جانب - فرعی - نزد
sideways *adv*	سایدوِی‌س	بەیەک لارە-بەیەک بارا	یک‌طرفه،یک‌وری،ازیک‌طرف
sigh [1] *v*	سَی(سای)	هەناسەهۆرکێشای	آه‌کشیدن،حسرت‌خوردن
		ئاخ هەڵکێشان،داخ وتن	
sigh [2] *n*	سَی(سای)	ئاهی سەرد-هەناسەی	آه-حسرت-دریغ
		کاڵ-ئاخ،ئۆی،داخەیگران	
sight *n*	سَیت(سایت)	بینایی دیدە - دیمەن	بینایی - منظره، صحنه
		ڕووەدابینان،قەرەوڵ لەچەک	رؤیت، نشانه‌یاب
sign [1] *n*	ساین(سین)	نیشان-یاگێ-جێ،ئشارە	علامت، اثر- نشان
		عەلامەت، تاپلۆ-شۆنە	تابلو - ردپا-اشاره
signpost *n*	ساین‌پُست	تابلۆ-نیشان و تاپلۆی جادە	تابلوعلائم‌جاده‌وراهنمایی
sign [2] *v*	ساین(سین)	ئیمزا کردن - ئیمزا	امضاء کردن
		کەردەی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
signature *n*	سیگنِچِر	ئیمزا ـ شەقڵ	امضاء
signal *n*	سیگنال	نیشان ـ پێخام ـ عەلامەت	علامت، نشانه، اشاره
significant *adj*	سی‌گنی‌فی‌کِنت	پرماناو مەعنا ـ موهێم	بااهمیت ـ معنی‌دار
		وبەکەڵک وگرنگ	پُرمعنی
significance *n*	سی‌گنی‌فی‌کِنس	مەعنا ـ مەنزوور	معنی ومفهوم ـ اهمیت
		کەڵک، مانا، گرنگ	
silence *n-v*	سای‌لِنس	خامۆش ـ بێ دەنگی	سکوت، خاموشی، ساکت‌کردن
		ئارامی، خامۆش کردن	
silent *adj*	سای‌لِنت	کەم قسە ـ خامۆش	ساکت، خاموش ـ بی‌حرف
		بێ دەنگ، کش ومات	
silently *adj*	سای‌لِنت‌لی	بە ئەهوەن و ئارامی	به آرامی ـ باسکوت
		بە بێ دەنگی	
silk *n*	سیلک	هەورێشم ـ نەیەی هەور	ابریشم، نخ ابریشم
		ێشمیە ـ دەزگە ئاورێشم	پارچه‌ابریشم
silkworm *n*	سیلک‌وِم	کرمی هەورێشم	کِم ابریشم
		کرمەو هە ورێشمی	
silly *adj*	سیلی	بێ ئەقڵ ـ نەفام ـ گەوج	کودن، احمق ـ بی‌شعور
		گێل ـ گێج ـ مینگۆڵ	
silver *n*	سیلوِر	زێو ـ نوقرە، نوقرە رەنگ	نقره، سیم ـ رنگ نقره‌ای
similar *adj*	سیمیلِر	وەک ـ پسەو ـ یەک جۆر	شبیه، مانند ـ یکجور
		عەینەهوو ـ ماچی	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
similarity *n*	سیمیلرتی	شکڵ دای ـ شکڵ دان هەروەک یەک ـیۆبیەی	همانندی،تشابه ـشباهت
simple *adj*	سیمپل	رەحەت ـسادە ـسووک	آسان،سادە ـسادەلوح ـأفتادە
simply *adv*	سیمپلی	بەرەحەتی ـبەسووکی وریْکی	بەسادگی ـباخلوص نیت
simplify *v*	سیمپلی فای(ڤی)	ئاسان کردن ـسووک تەر کەردەی ـ کورتۆکردن	سادە / آسان کردن
sin *n*	سین	گوناعە ـگوناح ـلاری وخەتا	گناە، معصیت خطا
since	سین س	چاوەختۆ تائیسە ـ لەو وەختەتائیْستا ـجەوەختیو، دەمیْکە	از زمانی کە، از آن زمان چندی است کە
sincere *adj*	سین سیر	وەفادار ـعەسڵ، باوەفا بنەرەت ریْک ـ ساق	درستکار، وفادار،بی ریا
sincerely *adv*	سین سیرلی	بە خالسانە ـ بەریْکی و ساقی ـبەدروسکاریەوە	مخلصانە،صمیمانە صادقانە
sing *v(singe* بودادن)	سینگ،سینج	گۆرانی واتەی ـگۆرانی وتن ـوەنەی ـخویْندن ـگیزەهاتن	آوازخواندن،خواندن ترانه صدای سماور آمدن
singer *n*	سینگر	گۆرانی واچ ـ گۆرانی بیْژ ـ خویْنەر ـ وەنەر	خوانندە،آوازخوان،نغمەسر پرندە آوازخوان
single *adj*	سین گِل	یۆ ـیەکیْ ـتەنیا ـعازەو سەڵت ـ سەلت ـ تاک	تک، یکتا، تنها، مجرد عَزَب ـ سوا کردن
singular *adj , n*	سین گیولر	بەس یەک ـتاک ـتاق وتاقانە	مفرد(مقابل جمع) ـیکتا

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sink [1] *n*	سینک	زەرف شۆری ـ یاگێ شتەودەفران ـزەرف شۆری	سینک (سینی ظرفشویی) دستشویی
sink [2] *v*	سینک	خنیکیای ـخنکان ـدلێ ئاوێ نەواری لوای ـلە ئاو خوار روین ـ نقم بیەی	پایین رفتن، فرو رفتن غرق شدن ـ لم دادن اُفت کردن
sip [1] *v*	سیپ	چەشکە کەردەی ـچەشین هۆرلوشتەی ـلوشین، مەزە کردن	جرعه جرعه نوشیدن، چشیدن، مزمزه کردن
sip [2] *n*	سیپ	چەشکە کەردەی ـچەشین هەڵلووش ـگوڵم گوڵم ـمەزە، تام	جرعه‌جرعه، جرعه، مزمزه
sir *n*	سِر	لەقەب بۆ گەورە و ئاغا	آقا ـ جناب ـ آقای عزیز
siren *n*	سایرن	دەنگی مەترسی و خەتەر زووزە و خەوەردای ژەنەی جادووگەرە ـژنی دڵرفێن	آژیر ـ زنگ خطر ـ فریبا
sister *n*	سیستِر	واڵێ ـخوێشک ـباجی خوشک ـژەنەودەیروکەنیسەی	خواهر ـ نرس، پرستار ـ راهبه
sister-in-law *n*	سیستِراین‌لئو(لو)	براژن ـ واڵی ژەنێ براژەنی ـ خوشکی شو واڵێ شووی	خواهر زن / شوهر، برادر زن
sit *v*	سیت	دانیشتن ـئەرەنیشتەی، قەرارگرتن	نشستن ـ جلسه داشتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sitting - room *n*	سیتینگ‌رووم	دیوی دانیشتن	اتاق نشیمن
		ئوتاقه و ئه‌ره‌نشته‌ی	
site *n*	سایت(سَیت)	جێ ـ یاگێ ـ سه‌کۆ	محل، جا ـ مکان
situation *n*	سیچوایشن	حاڵ‌ـوه‌زعه‌ـدۆخ،کار	موقعیت ـ وضعیت،شرایط
six *n,adj*	سیکس	شه‌ش‌ـشش‌ـژماره‌ی‌شه‌ش	عدد ۶
sixth *n,adj (6th)*	سیکس‌س(ت)	شه‌شه‌م ـ ششۆم	ششم،ششمین‌ـ ۱/۶
sixteen *n,adj*	سیکس‌تین	ژماره‌ی شانزده	عدد ۱۶
		شماره و شانزه‌ی	
sixteenth *n,adj*	سیکس‌تین‌س(ت)	شانزده‌یه‌م ـ شانزه‌هۆم	شانزدهم‌ـشانزدهمین‌ـ ۱/۱۶
sixty *n,adj*	سیکس‌تی	ژماره‌ی شه‌ست	عدد ۶۰
		شماره و شه‌سی	
sixtieth *n,adj*	سیکس‌تی‌س(ت)	شه‌سته‌یه‌م ـ شه‌سۆم	شصتمین‌ـ ۱/۶۰
size *n*	سایز	ئه‌ندازه‌ـئه‌ندازه‌ـفیت،چه‌سپ	اندازه، سایز،آهار‌ـچسب
skate [1] *v*	اسکیت	خزه خزالێ که‌رده‌ی	روی یخ سر خوردن
		له‌بان یه‌خ سوور	کفش پاتیناژ
		خواردن ـ له سه‌ر یه‌خ	
		خزیان‌ـخزالێ‌وکرێڵه‌که‌رده‌ی	
skate [2] *n*	اسکیت	که‌وشی‌تایبه‌ت‌بۆخزیان	کفش چرخ‌دار / تیغه دار
		پالاًی خزه خزالێ	
skeleton *n*	اسکِلیتن	چوارچێوه‌ی‌له‌ش‌ـداربه‌سو	اسکلت، استخوان بندی
		به‌ده‌نی‌ـقاپوور‌ـداربه‌ست	کالبد ـ چارچوب

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sketch [1] *n*	اسکچ	نەخشەی سادە ـ بەیانی	طراحی سریع،شرح کوتاه
		کورت ـ پیلان	خلاصه
sketch [2] *v*	اسکچ	کێشان ـ پیلان و گلاڵ	طراحی کردن، کشیدن
		دەرخستن ـ نەخشە کێشان	کروکی کشیدن
skid *v*	اسکید	خزین ـ خزای ـ خلیسکیان	شرخوردن، لیز خوردن
		سووروواردەی،کرێلە کەردەی	لغزیدن
skill *n*	اسکیل	ئوستادی ـ جەدەس ئامەی	اُستادی، خُبرگی ـ مهارت
		کارزانی ـ شارەزایی	
skillful(y) *adv-adj*	اسکیل‌فل	بە کارزانی ـ بە ئوستادی	ماهرانه، استادانه،ماهر
		شارەزایی ـ جەدەس ئامەی	مُجرب
skin *n*	اسکین	پێس ـ پۆس ـ پێست	پوست (حیوان، میوه،...)
		(مێوە ـ حەیوان ـ دار)	روکش ـ جدار
skinny *adj*	اسکینی	لاواز ـ رەق و تەق	خیلی لاغر،لاغر ـ نحیف
		بێ تین ـ لەر	
skip *v-n*	اسکیپ	(پەرین) ـ سەرووارپرای	جست وخیزکردن ـ لی لی کردن
		بازبردن ـ قونین، چوزان کردن	لی لی ـ طناب بازی
skirt *n*	اسکِرت	داوێنە کراس ـ دامنە گجی	دامن ـ دورزدن به اطراف
		کوڵەنجە گجی ـ کراسی کوڵی ژنان	
skull *n*	اسکال	بۆڵیە ـ کاپۆڵیە ـ کللە	جمجمه،استخوان سر
		کاسە و سەرەی	
sky *n*	اسکای	ئاسمان	آسمان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
skyscraper *n*	اسکای‌سکرِی‌پر	یانه‌ی حه‌ر فره به‌رز	آسمانخراش
		ماڵی زۆربه‌رز-پرقات	ساختمان خیلی بلند
slab *n*	اسلَب	توه‌نه تاوێره - به‌ردی	تکه - تخته‌سنگ
		پان-تیکه‌به‌ردودارو...(ورده)	قطعه - پاره - قالب
slack *adj-n*	اسلَک	فش - شل - بێ قوه	شست، شُل - کُند، تنبل
		ته‌مه‌ڵ-ئوفتاده،بێ قابل	کم‌کار
slam *v*	اسلَم	به‌توندی ده‌ر به‌ستن	به هم کوبیدن، محکم‌بستن
		تندبه‌ره‌بینای،کوتان	
slang *n*	اسلَنگ	زبانی غه‌یره کتێبی	زبان غیر ادبی، زبان عامیانه
		زوانی‌غه‌یره‌ئه‌ده‌بی،خۆمانی-وێمانه	
slant *v*	اس لانت	لاربیه‌ی - لار کردن	کج شدن، یکوری شدن
		شه‌فتوول‌بیه‌ی،لێژوسه‌رکردن	شیب‌دارشدن
slap [1] *v*	اس‌لَپ	شه‌پلاخ‌شه‌نه‌ی-زله‌لێدان	سیلی زدن، چک زدن
slap [2] *n*	اس‌لَپ	شه‌پلاخ-زیلێ-زله-زیله	سیلی،چک - شرَق
slaughter [1] *n*	اسلِتِر	سه‌ربرین-گیانگیری،کوشتار	ذبح،سلاخی،کشتار،خونریزی
slaughter [2] *v*	اس‌لُتر	کوشتن - سه‌ره بریه‌ی	کشتارکردن-سربریدن
slave *n*	اس‌لیو	غولام-نۆکه‌ر-مه‌یته‌ر-گزیر	بنده،عبد،برده،غلام
		له‌له‌ودایان،وه‌رده‌س	
slavery *n*	اس‌لیوری	نۆکه‌ری-غولامی‌جاشی	بردگی-برده‌داری،بندگی
		مه‌یته‌ری،بێگاری،گزیری	خرحمالی
sleep [1] *n*	اس‌لیپ	وه‌رم-خه‌و-خاو،خه‌ف	خواب، لالا

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sleep [2] *v*	اسلییپ	خەوین-نوستن-وتەی،خەفتن	خوابیدن،لالاکردن
sleepy *adj*	اس‌لی‌پی	وەر مالّوسی - خەو	خواب آلود،بی‌جنب‌وجوش
		داری - ئالوودەخەو	
sleeve *n*	اس‌لیپو	قۆڵ - سەر قۆڵ	آستین
slender *adj*	اسلِندِر	بەلە باریک - بەرزەبالاّ	باریک،قلمی،اندک
		تەنک‌وقەدشمشالّ-کەم	
slice [1] *n*	اسلایس	قاژ- تواق- کووز	برش،باریکه،تکه
		تیکە،بەش	قاچ، سهم
slice [2] *v*	اسلایس	کوت‌کوت‌کەردەی-تیکە تیکە	باریکه کردن، تکه کردن
		کردن - قاژکەردەی	قاچ و بخش کردن
slide [1] *v*	اسلاید	خزین-خزای-خلیسکان	لیزخوردن،سرخوردن،افتادن
slide [2] *n*	اسلاید	کریلّە-سوورر-خزان	سُرسُره - لغزش
		خزالیّ	اسلاید - شر
slight *adj*	اسلایت	سووک و کەم-کورت و	سبک، خفیف، مختصر
		موختەسەر-لەر-کەم‌تین-نزار	ریزه، نحیف، کم‌محلی
slightly *adv*	اسلایت‌لی	کەمیّ- جەم و جۆری	کمی، مختصری
		بریّک-نەختەی-تۆزەی	تا اندازه‌ای
slim [1] *adj*	اسلایم،اسلیم	باریک و ناسک - لەر	لاغر، ظریف،کمرباریک
		تەرچک،دریّژەبالاّ	ناچیز
slim [2] *v*	اسلایم،اسلیم	ویّ‌لەروکەردەی-لەش	رژیم لاغری گرفتن
		لەرکردن-خۆسووک‌کردن	لاغر شدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sling [1] *n*	اسلاینگ	بەرزەقانیە-قۆچەقانێ	بند حفاظ (دست،...) ـ فلاخن
		بەنەتفەنگ-بەندی دەست شکان	بند ـ مهار ـ تسمه
sling [2] *v*	اسلاینگ	توورردان-فرەدان(دای)	انداختن، پرت کردن
		وسەی-ئالۆچنای،وەشاندن	
slip [1] *v*	اسلیپ	خزین وخزای-وەربیەی	لغزیدن ـ یواشکی در رفتن
		دەرچوون ـ ترازیای	جیم شدن ـ افتادن
slip [2] *n*	اسلیپ	خزا ـ وەر ـ دەرچوو	خطا، اشتباه ـ شرشره
		سەهوە ـ خزەخزانی،خەتا	لیز ـ تکه‌کاغذ ـ قلمه
		ترازیا-کرێلە،خزان،قەلەمەدار	
slipper *n*	اسلیپر	پالای سەرپایی	دمپایی، کفش دمپایی
		کەوشی بەرەپێ	
slippery *adj*	اسلیپری	خز-نائارام-زۆرخزوساف-لیق	لیز،لغزنده،لزج،فریبکار
slit [1] *n*	اسلیت	ترەکە-تریشکە-کونی بچووک	درز، شکاف باریک
slit [2] *v-n*	اسلیت	ئەشکاوای ـ درین	شکافتن، چاک دادن
		هەڵدرین ـ هۆردریەی	بریدگی، شکاف
slope [1] *n (slop* برف‌آب*)*	اسلئوپ	لێژی-سەرسەرەوچێرە	سراشیبی، شیب، سرازیری
		بەرەوخوارکە-سەرەکولێژ،سەرەوژورکە	سربالایی
slope [2] *v*	اسلئوپ	لێژبیەی(بوون)-سەرەوچێرە	سراشیب شدن / بودن
		بیەی-سەرەوخوارکەبوون	سرازیر شدن
slot *n*	اسلات	وڵە ـ کون ـ تریشکە	سوراخ، درز، شکاف

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
slow *adj*	اسلئو	ئارام ـ هێواش، دێرفام	آهسته،کند،عقب،یواش
slowly *adv*	اسلئولی	بەئارامی ـ بە سەبر و	به آهستگی، به کندی
		تاقەت ـ بەکولی	
slug *n*	اسلاگ	ساچمێ ـ شەیتانۆکە، گونە	حلزون بدون صدف ـ گلوله
		کەفوز ـ قەپۆچکە ـ گولەتاپر	چهارپاره ـ ساچمه،ضربه
sly *adj*	سلای	زۆڵ ـ فێڵباز ـ دڵێ دارجاش	موذی، کلک،رند
slyly *adv*	سلای لی	بە زۆڵی ـ بە فێڵ بازی	موذیانه،حیله‌گرانه
smack 1 *v*	اسمَک	زیلەوەشاندن ـ شە	سیلی زدن
		پلاخ شەنەی، ملچەکردن	ماچ صدادارکردن
smack 2 *n*	اسمَک	زیلە ـ زیلێ ـ ماچ ـ ملچە، تام	سیلی،ماچ،مزه،کتک
small *adj*	اسمُل	بچووک ـ وردی ـ ورد ـ کەم	کوچک،ریز،اندک ـ ناچیز
smart *adj-v*	اسمارت	جوان ـ زەریف، زرنگ	زیبا،شیک ـ باهوش ـ زبل
		خۆجوان ـ مدریک، دەردکێشان	به خودپیچیدن ـ رنج‌بردن
smash *n*	اس‌مَش	مەردەی ـ شکاندن، وردکردن	خرد کردن، شکستن
		پریش و ورد کەردەی	له کردن ـ انداختن‌به‌زمین
smear 1 *v*	اسمیر	پیس کەردەی ـ پیس کردن	لکه‌دار کردن، آلودن
		چەپەڵ کەردەی، بوختکردن	تهمت‌زدن
smear 2 *n*	اسمیر	لەکە ـ پیس ـ چەپەڵ	آلودگی،روغنی،لک،لکه،رسواگری
smell 1 *v*	اسمِل	بۆدای(دان) ـ بۆکردن	بو کردن ـ بو دادن
		(کەردەی) ـ بۆئامەی	بو کشیدن
smell 2 *n*	اسمِل	بۆ ـ عەتر ـ عەبیر ـ بۆن	بو، رایحه،بویایی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
smile [1] *v*	اسمایل	زەردەخەندەکەردەی(کردن)	لبخند زدن، تبسم کردن
		خوای ـ پێکەنین	روخوش‌بودن
smile [2] *n*	اسمایل	زەردەخەندە ـ خوای	لبخند، تبسم
		پێکەنی ـ خوە ـ بزە	روی خوش
smoke [1] *n*	اسمُوک	دووکەڵ ـ دوو	دود، بُخار
smoke [2] *v*	اسمُوک	دووکەڵ کردن ـ دوودای	دودکردن،سیگارکشیدن
		جگەرە کێشای	دود دادن
smooth *adj*	اسمووز	ساف ـ کرکای کرک	هموار،نرم،مسطح،سلیس
		پانایی ـ نەرم‌ونیا، بێ چین	زبان چرب و نرم
smoothly *adj*	اسمووزلی	بەساف‌ویەک جۆرـبە	به نرمی، به آسانی
		ئارامی و نەرمی	
smother *v*	اسماژر	خنیکنای ـ خنکاندن، داپۆشان	خفه‌کردن،کاملاًپوشاندن
smoulder *v*	اسمُولدِر	سوتان بێ شۆڵە	سوختن دوددار
		دوکەڵ کەردەی ئەیری	سوختن بدون شعله
smuggle *n*	اسماگل	قاچاخی ئەوردەی	قاچاقی وارد کردن
		قاچاخی هاوردن	قاچاق کردن
smuggler *n*	اسماگِلر	قاچاخ چی	قاچاقچی
snail *n*	سنیل	لیقە ـ کەف‌وز ـ شێتانۆک	حلزون ـ لیسک
snake *n-v*	سنیک	مار ـ وەک مارۆیین	مار ـ مثل‌ماررفتن
snap [1] *v*	سِنَپ	گازگرتن ـ قەپگرتەی، دڕوێن دان	صدا کردن ـ گاز گرفتن
		دەنگ هاتن لە ـ دنوک وەشاندن	پاره‌شدن،تشرزدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
snap [2] *n*	سنَپ	دەنگی شکان لەچتێ ـزرنگە	صدای شکستگی ـ عکس
		وچیوەی وێنەوشێوە، تەشەر	پرخاش ـ تشر
snarl *v*	سنارل	پرخنای ـپرخەکردن،مراندن	خُرخُرکردن،غرغرکردن،ژولیدن
snatch *v*	سنَچ	رفانای(رفاندن)ـرینگۆڵی	قاپیدن، چنگ زدن، ربودن
		کەردەی ـدەسۆئەسەی	
sneer *v*	سنیر،سنیر	گەمەپەنەکەردەی ـپەنە	مسخره / استهزاء کردن
		خوای ـ بەیەکێ کەنین	پوزخند زدن
sneeze *v-n*	سنییز	پژمای ـ پژمین ـ سەور	عطسه زدن / کردن
		و جەخت ئە وردەی	عطسه ـ جخت
sniff *v*	سنیف	هوا هۆر لووشای	(هوا...) یا بینی بالا کشیدن
		هەڵمژین	فین‌فین کردن
sniff *n*	سنیف	هەڵمژی ـ هۆرلوشتەی	بالاکشی بینی، فین
		هەڵکێش بۆهەوا	استنشاق
snore *v*	سنُر	مرخنای ـمرخەوناڵەلە	خروپف‌کردن،خرناس‌کشیدن
		خەوکردن ـپرخەکەردەی	
snore *n*	سنُر	مرخە ـ پرخە ـدەنگ و	خرخر،خرناس،خروپف
		ناڵەی خەو ـ پیشە	
snort *vi*	سنُرت	پیشەکەردەی ـپرخەو	خروپف‌کردن،نفیرکشیدن
		پیشە کردن ـ مرخاندن	هوازبینی‌بیرون‌دادن‌مثل‌خر
snort *n*	سنُرت	پیشە ـ پرخە ـ مرخە	خرناس،خروپف،نفیر،فین
snow [1] *n*	سنئو(سنو)	وەروەـبەورـبەفر،وەرف	برف

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
snow [2] *v*	سنئو	بەور و بەفر بارین وەروە وەشتەی	برف‌باریدن،برف‌آمدن
so *adv-conj*	سئو(سو)	دەسادەی‌نی‌ترەهەروەکەپاسە ئاوا ـ ئندە ـ پاسە	بەقدری،آنقدر،چنان،همین‌جور آنچنان ـ نیز ـ حدوداً
soak *v*	سئوک	فیسنای - خویساندن تەر کردن‌لەئاو	درآب‌خیس‌کردن،خیساندن
soap *n-v*	سئوپ	ساون - سابوون‌دان	صابون،صابون‌زدن
soar *v*	سُر	بەرزەفرین ـ باڵێ ئەوە گرتەی ـ فرەبان و بە رزروین ـ بەرزۆبیەی	پرواز کردن ـ ترقی فاحش کردن، اوج گرفتن
sob *v*	ساب	گرەوای ـ گریان ـ پرمە چەنەدای ـ پرماندن‌وگریان	گریستن، گریه کردن نفس‌نفس‌زدن‌وگریستن
sob *n*	ساب	کوڵ ـ گرەوە ـ پرمە قەپولوور ـ پارانەوە	گریه،لابه،زاری،هق‌هق
sober *adj*	سئوبر	وریا ـ هۆشیار سەرووێ ـ نەجیم	مست نکرده، هوشیار سرعقل آوردن
soccer *n*	ساکِر	تۆپی پێ ـ تۆپەپا	فوتبال
society *n*	سوسایِتی	جەمگا ـ کۆبوونەوە کۆمەڵ ـ خەڵکی ـ کۆڕ	اجتماع، جامعه ـ کلوب انجمن
social *adj*	سوشل	کۆمەڵایەتی ـ کۆمایی کۆمەڵی	اجتماعی،معاشرتی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sock *n*	ساک	گوێرەوەی کوڵ-گۆرەوێ	جوراب‌کوتاه،ضربه
		پووزکولێ - زەرب	مُشت
socket *n*	ساکیت	کونی چاو-کاسەوچەمی	پریز،پریزمانند،چال
		سەرپێچ- پریز- چاڵ	حدقه ـ حفره
sofa *n*	سوفِ	سەندەلی رەحەت	کاناپه، نیمکت،مُبلی
		کەتی رەحەتی	
soft *adj*	سافت	نەرم وشل-لووس-لەتیف	نرم،ملایم‌ـآبکی‌ـغیرالکلی
soft drink *n*	سافت‌درینک	ساردی - نۆشانەی بێ	نوشابه‌غیرالکلی‌ـشل
		ئەلکۆل،نەرم - شل	
soften *v*	ساڤن	نەرم کەردەی (کردن)	نرم کردن/شدن،ملایم
		شیرین کردن-پژگیای	
softly *adv*	سافت‌لی	بەسەورـبەئارام وئەهوەن	به آهستگی، به آرامی
soil [1] *n*	سویل(سایل)	زەوی و ئەرز- خاک و	زمین، خاک
		خۆڵ-چڵک ولەکەکردن	
soil [2] *v*	سایل	پیس بون - خوڵی بیەی	کثیف‌کردن،خاکی‌شدن
solar *adj*	سولار(ستولر)	هەتاوی - رۆجیاری	شمسی، خورشیدی، آفتابی
solder	سادِر	جۆش دان،لەحیم کردن	جوش‌دادن‌ـلحیم‌کردن،لحیم
soldier *n*	سولجر	سەرواز،سەروازی کردن	سرباز ـ سربازی‌کردن
sole *n*	ستول(سول)	ژێرە کەوش - تەختو	ته،کف(پای،کفش)
(Detour)	دِتور	ناوکەوش - بنە پاڵا	تنها‌ـنوعی‌ماهی‌ـراه‌فرعی
		ژێرپێ،تەنیا	

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
solemn *adj*	سالِم	قورس ـ سووروئاماده مهیم، دۆستانه	جدی، مصمم،صادقانه قانونی
solemnly *adv*	سالِم‌لی	به راستی و سووری به دروستی و قورسی	به طور جدی ـ رسماً
solid [1] *adj*	سالید	پەرولێدار ـ رەق و بتەو ـ گرساورچیاگ	جامد،منجمد،توپر،یکدست ناب
solid [2] *n*	سالید	گرسا و پتەو ـ رەق	جامد، سفت،سه‌بُعدی
solitary *adj*	سالیتِری	تەنیا ـ سەڵت ـ گەردە و گۆشەنشین	مجرد، تنها،تک‌ـفرد
solo *n,adj*	سئولئو(سِولو)	تەک وتەنیا ـ یۆیی تەنیایی ـ یەک قۆڵ	تک، تکی، تنهایی تک خوانی
solution *n*	سِ‌لوشِن(سولوشِن)	جواو ـ ری‌حەل	جواب،حل،راه‌حل‌ـمحلول
solve *v*	سالو	حەل‌کردن‌ـجواووپەنەدای	حل‌کردن،جواب‌پیداکردن
some *adj-pron*	سام	بازەی ـ بازێ ـ برەی برێک،چەند	برخی(از)ـچندتا،بعضی
somebody *or* **someone** *pron*	سام بادی	کەسێوە ـ کەسێک کابرایوە،پیاوی حیسابی	هرکس، هرفرد، کسی
somehow *adv*	سام‌هَو	بەجۆرێوە ـ بەجۆرێک بە دەلیلێوە	به‌طریقی،یک‌جوری،هرطور
someone *see* **somebody** *pron*			
somersault *n*	سام رِسُلت	هۆرۆگێلای – هەڵۆ گەریان ـ سەملۆقواتێ	معلق،پشتک،معلق‌زدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
something *pron*	سام‌سینگ	چتێک ـ چیوێوه چیوەی	چیزی،یک چیزی،چیز
sometime *adv*	سام‌تایم	سەردەمێ ـ مدەتێوه یەک وەختەی	مدتی،وقتی،یک‌چندروزی
sometimes *adv*	سام‌تایمز	برەی جار ـ بازێ وەخت ـ جاربەجار	بعضی‌وقتها،گهگاه
somewhere *adv*	سام‌وِر	جێ یەک ـیاگیٚ وەشوێنێک	یک‌جائی،جایی،محلی
sonny*n*	سانی	رۆڵە گیان،کوڕەوکۆڕیه	پسرجان ـ فرزند
son *n*	سان	کوڕـزەورۆی کوڕگەوره	پسر،فرزند،پسر
song *n*	سانگ	گۆرانیه ـ سۆز ـ هۆره گۆرانی،دیلانێ	آواز، سرود، ترانه، تصنیف
soon *adv*	سوون	بەزوو ییەی ـپیٚ زوویه،زوو	زود،بەزودی،همینکه،فوری
soot *n*	سُت	دوەرژنگ ـ رەشێنه دوکەڵ ـ رەشایی ئاگر	دوده (چراغ،بخاری،...)
soothe *v*	سوز	تەسکین دان ـئارام‌کەردەی	آرام‌کردن،ساکت‌کردن،دلجویی
sore [1] *adj*	زُر	پرئێش ـئێش دار ـخەمین	دردناک،جراحت،غمزده
sore [2] *n*	زُر	زام ـرێش ـهەووکیم، توره چەم ئێشه ـ گلاراو	زخم، جراحت،عصبانی
sorrow *n-v*	زارئو	خەمین ـغم وخەفەت	اندوه،غم،غصه،غم‌خوردن
sorry *adj*	ساری	پەشیمان ـ ببووری بەخشینه ـ مات	متأسف، بد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sort [1] *n*	زُرت	جۆر ـ نەوع	نوع،جور،گونه،قسم
sort [2] *v*	زُرت	جۆرکردن ـ دەسەکەردەی	دسته کردن، جور کردن
sought *see* **seek**	سیک	دەستەکردن،سەیرکردن	پی چیزی گشتن
soul *n*	سوِل(سئول)	گیان ـ رۆح و رەوان	روح،روان،جان
sound [1] *n*	سَوند	دەنگ ـ سدا ـ بانگ	آوا،صدا،صوت،تنگه
sound [2] *v*	سَوند	زانین و پەی بەردەی	دریافتن،به صدادرآمدن
		زرنای،دەنگ،بەرئەوردی	صداکردن ـ ژرف‌یابی
sound [3] *adj*	سَوند	ساق،ساغ،سەلامەت	سالم،قوی،محکم،معقول
		دروس،قوەت،خەوقورس	(خواب) عمیق
soup *n*	سووپ	بەرچێشتی ئاودار،وەر	سوپ(سبزی...)،آبگوشت
		چاشتی تەرە ـ دۆخوا	
sour *adj*	سئور،سُور	ترش،ترشیا،بێ مەجاز	ترش،ترشیده،بدخُلق
source *n*	سُرس	سەرچاوە - بەنگە	سرچشمه،مبدأ،منبع
		بنەرەت ـ بناغە	منشاء
south *n,adj,adv*	سَوس(ساوس)	باشوور ـ لەی وارین	جنوب،جنوبی،روبه‌جنوب
		لای خوارو	
southern *adj*	سازِرن،سُتِرن	باشووری ـ وارینی	جنوبی،درجنوب،روبه‌جنوب
		جەلای واری،خوارویی	
southwards *adv*	ساوس‌وِرد	بەرەوباشوور،رووە	به طرف جنوب
		ولای واری،رووبەخوار	
souvenir *n*	سوو - ونیر	دیاری ـ سۆقات	سوغات،یادگاری،ره‌آورد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
soviet *n*		شەورەوی ـژیرەومەرێ،کۆبونەومسوویت	شورای‌محلی،شورا،شوروی
sovereign *n*	ساورین	شاـشاژەنی ـژنەشا،بانتر	شاه،ملکه،برترـعالی
sow *v*	سُو	تۆم شەنەی ـوەشاندن	بذرافشاندن، دانه کاشتن
		تۆم‌نیای ـکێلان،دەرە	تخم‌پاشیدن،خوک‌ماده
space *n*	اس‌پیس	جێگەی‌خالێ ـهواویاگێ	فضا ـ جای خالی،کیهان
		خالیە ـ هەواو ئاو	گردون‌ـجا،فاصله‌بندی
		ئاسمان،چرخوگەردون	
spaceman *n*	اس‌پیس‌مَن	هەواگەرد ـ هەوابر	فضانورد،هواگرد
		هەواپێو	
spaceship *n*	اس‌پیس‌شیپ	گەمی ـ کەشتی هەوابر	سفینه فضایی،فضاپیما
space shuttle *n*	اس‌پیس‌شُتل(شاتل)	مانگی‌سووردەرـشێوە	ماهواره، قمر
		مانگ ـ مانگ ئاسا	
spade *n-v*	اس‌پید	بێلەـبێل،بێل‌لێدان	بیل ـ بیل‌زدن
spanner *n*	اس(پَنر)	ئاچەری دوسەر	آچارـآچاردوسرفرانسه
spare [1] *adj*	اس‌پر	زیادی ـ باتی ـ جێ‌گر	اضافی، یدکی،زاپاس
		یاگەگیرـدیولە،بێ‌چاودێر	لاغرـ مضایقه
spare [2] *v*	اس‌پر	بەخشین ـ بە خشای	بخشیدن، عفوکردن
spark *n*	اس‌پارک	بزووسکی - پلووزکی	جرقه ـ اخگر ـ شراره
		پرشەـپریشک‌ـپرشنگ	
sparkle *v*	اسپارکل	درۆشیای ـ درۆشیان	برق زدن، درخشیدن
		برێقەدان،قوڵ‌دان(ئاو)	گازداشتن (نوشابه)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sparrow *n*	اسپارو	مریچلێ ـ چۆله‌که	گنجشک‌اهلی
spat *see* **spit**	اسپات	مه‌لووچ ـمیچلێ ـده‌م‌قره	مشاجره‌لفظی
speak *v*	اسپیک	قسه‌که‌رده‌ی (کردن)	صحبت کردن، سخن گفتن
		باس کردن	حرف زدن
speaker *n*	اسپیکر	قسه‌که‌ر ـ واچه‌ر	سخنران،گوینده،بلندگو
		وته‌ر ـ باس‌که‌ر	
spear *n*	اس‌پیر	نێزێ ـره‌مه،سنجۆق	نیزه،زوبین،نیزه‌زدن
special *adj*	اس‌پشل	ته‌یوه‌تی ـ تایبه‌تی	مخصوص، ویژه‌مفردی
specialist *n*	اس‌پشالیست	کارزان - شاره‌زا	متخصص،کارشناس
		چه‌نه‌ئامه ـ لێ هاتوو	
specially *adv*	اس‌پشالی	به‌تایبه‌ت ـ به‌ته‌یوه‌تی	مخصوصاً، به ویژه
specialize *v*	اس‌پشالایز	لێ‌هاتووبوون‌ـشاره‌زا	متخصص شدن،تخصص
		بیه‌ی ـ کارزان بوون	پیدا کردن
species *n*	اس‌پی‌شیز	جۆر ـ نه‌وع ـ نۆع	نوع،گونه،قسم،جور
specific *adj*	اس‌پی‌سی‌فیک	مه‌علووم ـ روون	مشخص، معین،روشن
		تایبه‌ت	ویژه
specimen *n*	اس‌پسی‌من	نموونه	نمونه
speck *n-v*	اسپک	خاڵ ـ خاڵه ـ له‌که	لکه، ذره، خال،کک‌مک
		تۆزێ،له‌که‌خستن	نقطه،لک انداختن
spectacle *n*	اسپک‌تکلس	عه‌ینه‌کێ ـ عه‌ینه‌ک	عینک،منظره،دورنما
		چاوپۆژ،دیمه‌ن	

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
spectator *n*	اس‌پِک‌تِیتر	تەماشاکەر۔تەواشاکەر	تماشاچی(شو...)،تماشاگر
speech *n*	اس‌پیچ	قسێ ۔ بوێژ ۔ کەلام	سخن، نطق ۔ سخنرانی
		وتراوە۔قسەکردن۔زاراوە	گفته،لهجه ۔ گویش
speed *n*	اس‌پید	توندی ۔ تندی وتیژی	سرعت، شتاب، تندی
		تاو ۔ تیژ	
speedily *adv*	اس‌پیدیلی	بەتیژی ۔ بەتوندی	به سرعت، با شتاب
		بەتاوهاتن	
spell *v*	اس‌پِل	پیت پیت وتن۔حەرف (گۆ)	دیکته‌کردن۔املاوهجی‌کردن
		جیاکەردەی۔ئملاکردن	وردوطلسم
spelling *n*	اس‌پِلینگ	ئملا ۔ جیا ۔ پیت و گۆ	هجی، دیکته،املا
		جیاکەری۔پیت جگێ کەری	
spend *v*	اس‌پِند	خەرج ومەسرووف‌کردن	خرج کردن ۔ صرف کردن
		وەخت گوزەرنای	تمام‌کردن ۔ گذراندن
sphere *n*	سفِرـسفیر	تۆپ ئاسا ۔ بیل ئاسا	گوی، کُره،منطقه،حوزه
		وەکەتۆپ ۔ خرک	قلمرو،محدوده
		خرت،گرۆلیە،مەنتەقە	
spherical *adj*	سفِری‌کال	تۆپی ۔ خرت و خۆڵ	کروی
		قوڵ ئاسا،گرۆلی‌بام	
spice *n-v*	اس‌پایس	تامە چاشت ۔ تامە	ادویه‌وچاشنی
		چێشت۔بەهارات وئاڵەت‌باو	ادویه‌زدن

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
spicy *adj*	اس‌پای‌سی	تام‌کریا-تام‌کراو(کریاگ) تام‌لێدراو-به‌هاراتده‌ر	ادویه‌دار،تُندگیرا
spider *n*	اسی‌پایدِر	که‌کڵه‌مووشان-به‌ن‌که‌ره جاڵ‌جاڵوکه، په‌س‌په‌سه‌کۆڵێ	عنکبوت،رتیل،غریب‌گز
spike *n*	اس‌پایک	بزماره‌ی‌گه‌ورێ-گه‌وره بزمارسێخ-زمه-مێخه‌هه‌ر	میخ نوک‌تیزوبلند گُل میخ
spill *v*	اس‌پیل	رژاندن - مته‌ی فره‌دای	اشتباهی ریختن، ریختن ریخته شدن-انداختن
spin *v*	اس‌پین	رێسای-ته‌نه‌ی،سوردان ته‌ون و جۆلایی کردن	چرخیدن-تنیدن،ریسیدن چرخاندن
spine *n*	اس‌پاین	مورگی‌پشت-موری‌مازی کارگاره-بربره‌ی‌پشت،درگ	ستون فقرات،تیغ‌وخار
spinster *n*	اس‌پین‌ستِر	پیره‌کناچێ-کچه پیره کناچێ جه یانه مه‌نه	پیردختر،دخترتُرشیده
spiral *n,adj,v*	اس‌پایرِل	شه‌یتانۆکی-ئالاو-لوولی په‌یکێ-قه‌مچ‌دار،که‌وان‌باو	مارپیچ، حلزونی،فنر حلقه،مارپیچ رفتن
spirit *n*	اس‌پیریت	گیان-رۆح‌وره‌وان-جن زات-نۆشانه‌ی ئه‌لکولی	روح-روحیه-عرق-جان شوق، مشروب الکلی
spit *v-n*	اس‌پیت	تف‌که‌رده‌ی-ئه‌خ‌وتف‌کردن سێخ‌گرتن	تف‌کردن/انداختن،سیخ باریکه‌ودماغه،سیخ‌زدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
spite *n-v*	اس‌پایت	قین‌وغه‌ره‌ز-جروقینه،قه‌لز	عداوت،دشمنی،لج،غرض
		دوژمنی‌وناکۆکی-جرئه‌ورده‌ی	غیظ‌کردن
in spite of	این‌اس‌پایت‌اُف	سه‌رباقی‌گردی-هه‌رچه‌نده	علیرغم،باوجود
		هه‌رچه‌نیچ	
splash [1] *n*	اس‌پ‌لَش	شلّپه شلّپ - ده‌لّنا	شلپ شلپ، صدای شلپ،لکه
		ده‌لاند-للّپه‌ده‌نگ،شه‌پۆل‌باو	
splash [2] *v*	اس‌پلَش	شلّپه شلّپ کردن - دلێ	شلپ شلپ کردن،
		ئاوێ‌دای-شلّپه‌که‌رده‌ی	عمل پاشیدن
splendid *adj*	اس‌پلندید	باش - به‌فه‌رۆ - گه‌وره	عالی،باشکوه،چشمگیر
		و به‌رز - پرجه‌لال	
splinter *n*	اس‌پلین‌تر	ورده چۆ - براده و	براده، تراشه، خرده
		ئاسنی-ورده‌ی‌چێو‌یا‌کا‌یا‌فلز	باریکه‌پوشال
split [1] *v*	اس‌پلیت	ئه‌شکاوای - هه‌لّدرین	شکافتن - سهم‌بندی کردن
		تره‌ک‌بردن-لت‌که‌رده‌ی-به‌ش‌کردن	قسمت کردن
split [2] *n*	اس‌پلیت	ئه‌شکاوا-هه‌لّدری-تره‌که	پارگی، شکستگی، شکاف
		لت - تلّی‌شه - دریایی	قسمت، جدا
spoil *v*	اسپایل	خراوبیه‌ی-گه‌نای (گه‌نین)	ضایع‌کردن/شدن،گندیدن
	(اسپویل)	خراوکردن-تالاّن‌کردن	پوسیدن، غنیمت
spoilt *adj*	اسپایلت	بێ‌تام - بێ‌مه‌زه	لوس، نُنر،بی‌مزه
spoke [1] *see* **speak**	(اسپویلت)	بێ‌نه‌زاکه‌ت	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
spoke [2] *n*	اسپئوک	پەرە و چەرخی ـ پلە و سردیٚ ـ پەرەی چەرخ	پره چرخ ـ پله نردبان
sponge *n*	اسپانج(اسپونج)	هەوری نەرم ـ هەوری زەریف،جانەوەری دەلیاکەگیاباوە	(جانور)اسفنج،ابرحمام
spool *n*	اسپوول	قرقرە ـ چوٚلەنەیە توٚپەدەزگ	قرقره، ماسوره
spoon *n*	اسپوون	چە مچە ـ کەوچک	قاشق
spoonful *n*	اسپوون‌فُل	چەمچیٚوە‌ـبەقەدکەوچکیٚ	(اندازه) یک قاشق
sport *n*	اسپورت	گەمە ـ کایە ـ وەرجس وەش بیاری	ورزش،بازی‌ـتفریح
spot *n*	اسپات	لەکە ـ خاڵە ـ خاڵ یاگیٚ ـ شویٚن‌ـداخ	لکه، خال ـ مکان، جا، محل موضوع ـ داغ
spout *n*	اسپاوت	لوولیٚ ـ لوولەیٚ قوٚری پلوورە‌ـدەمی‌شیٚری ئاو	لوله ـ دهانه (شیر،قوری،...) ناودان، فواره‌زدن
sprain *v*	اسپرین	پالارە ئامەی ـ پیٚچ واردەی ـ خول دای (دان) ـ رەگ پلیان	رگ‌به‌رگ شدن‌ـرگ‌به‌رگ پیچ خوردن پا
spray [1] *v*	اسپری	پاشای (پاشین) شانای ـ وەشاندن	پاشیدن، افشاندن
spray [2] *n*	اسپری	شانا ـ پاشا ـ وەشان بشان‌ـبلاٚوکەر‌ـپژگدەر	اسپری،افشانه‌ـشاخه‌گُل

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
spread *v*	اسپرِد	ئەرەیاوای ـ داخستن	پوشاندن، پهن کردن،
		پۆژنای ـ پانۆ کردن	گستردن ـ باز کردن،
		بلاّو کردن	سرایت‌کردن ـقسمت‌کردن
spring [1] *n*	اسپرینگ	کانی ئاو ـ هانەوچەمە	چشمه ـ فنر،بهار ـ زهاب
		فەندەرە ـفەنەر ـتەلی لوول،	انگیزه
spring [2] *v*	اسپرینگ	بازبەردەی ـ پرای	پریدن، جهیدن،خیززدن
		پەرین ـ قونین	
spring [3] *n,adj*	اسپرینگ	وەهار ـ بەهار ـ وەرزی	بهار، بهاری،کِش‌داری
		گولاّن،کێش‌داری	
sprinkle *v*	اسپرینکل	پیا پاشین ـ پاشای	پاشیدن،نم‌نم‌باریدن
		پژگنای ـپژاندن،نم نمی باران	
sprout *v*	اسپراوت	گۆ کەردەی ـگۆ پیتکە	جوانه‌زدن ـروییدن
spun *see* **spin**		کردن ـئەوەژیوای،شیکەرخەواو	جوانه، نوشاخه
spy [1] *n*	اسپای	جاسووز ـ شۆفار	جاسوس، مأمورمخفی
		زیرەوان ـمفەتش ـجاش وخۆفرۆش	
spy [2] *v*	اسپای	مفەتشی کەردەی ـجاشی و	جاسوسی کردن،متوجه‌شدن
		شۆفاری کردن ـ قسێ	پاییدن
		ئەوردەیو بەردەی	
squabble *v*	اسکوابل	جەنگ و داوا کەردەی	دعواکردن،باهم‌درافتادن
		شەروهەراکردن،گژیای	کلنجار رفتن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
squabble *n*	اسکوابل	هەراهەرا-جەنگ، ئاژاوە داوا-شەر-مەرافە	دعوا، مشاجره،کلنجار
square [1] *adj*	اسکوِر	مێدان - مەیدان چوارسووچ، قنج وقیت	چهارگوش - میدان شهر، میدان-گونیا-عمود،صادق
square [2] *adj*	اسکوِر	چوارپەل-چوارسووچ	چهارگوش،توان دوم،برابر
squash [1] *n*	اسکواش	دۆشاوی مێوە - ئاوی مێوە - شلێقیا،کولەکە	آب میوه، افشره،کدو
squash [2] *v*	اسکواش	شلێقاندن - هۆر فلێقنای-تلیپاکەردەی تلێسنای-کوتان ووردکردن	لِه کردن،کوبیدن
squeak *v*	اسکوییک	زیراندن(زیرنای)وەنای جیکە و جیرە کەردەی	جیرجیرکردن،باجیغ گفتن جیک جیک کردن
squeak *n*	اسکوییک	جیرە - جیکە - زیرە شریخە - قیژە، قیچە	جیرجیر-جیک جیک
squeal *v*	اسکوییل	قیژاندن-زریکەوقیژنای ناڵنای-قیڕنای،قیواندن،لورنای	زوزه کشیدن
squeal *n*	اسکوییل	قیژە - قیوە - زریکە ناڵە - قیڕە،لورە	جیغ،زوزه،صدای تیز
squeeze *v*	اسکوییز	گوشین-شوارای-وشێردن	چلاندن،فشردن،فشار دادن
squirrel *n*	اسکویرل	سمۆر - سمبۆرە سەقۆری - وەزبۆرکەر	سنجاب - سمور درختی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
stab *v*	استَب	چاقۆشەنەی-زام‌دارکردن	زخمی کردن، زدن،چاقوزدن
		خەنجەردەکرن-پۆرەکەردەی	خنجرفروکردن
stable *1 n*	استیبل	گەور-جێگەئەسپ‌ومالاّت	اصطبل(اسبها)،طویله
stable *2 adj*	استیبل	پابەرجێ-پابەرجاوقورس	ثابت، محکم،پابرجا
		لە سەر باوەر - پتەو	
stack *1 n*	استَک	کۆمەڵ - کلۆپە - ملۆ	انبوه، انباشته، توده،
		کۆما - تەپ و خەرمان	کومه،خرمن،دودکش
stack *2 v*	استَک	کۆماوتەپ‌کردن-کلۆپە	انباشتن، توده کردن
		وخەرمان‌کەردەی-تەپ‌کەردەی	روی همچیدن
stadium *n*	استِیدیم	مێدانووەرزشی-مەیدانی	استادیوم، میدان ورزشی
		کایەووەرزش-یاگەگەمە	
staff *n*	استاف	کاربەدەس-کاربەرێوەبەر	کارکنان،کارمندان، اعضاء
		کاربەدەسێ-گۆچانە	چوب دستی، گُرزوچُماق
		دەسەک - گورز	پرسنل
stage *n-v*	اسِتیج	قۆناغ - دەورە	مرحله، دوره، درجه ـ صحنه
		جێ نمایش، تئاتر	سن، نمایش دادن
stagger *v*	اسِتیجِر	لارەلار رانەلوای - رێ	تلوتلو خوردن، شل
		روین‌لەکاتی‌مەستی‌ومەنگی‌دالەتربەردەی	مست راه رفتن
stain *1 v*	استِین	پیس‌کردن-لەکەدارکەردەی	کثیف کردن، لک کردن
stain *2 n*	اس‌تِین	لەکە-چلکی-پیس-رەنگی	لکه،لک ـ آبروریزی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
stair *n*	اس‌تِرز	پله کانی ـ پلیّ ـ پله کانه پیّ پیّلکه	پلکان،راه‌پله‌ـ پله
stake *n*	اس‌تِیک	بزماری تایبه‌ت بۆبه‌ستنی که‌روقاتروماڵات ـ مێ کوت،راژه	میخ طویله،تیرچه میله
stale *adj*	اس‌تِیل	مه‌نه ـ کۆنه ـ کۆن په‌یره و ترشیا	کهنه، بیات، بدمزه
stalk *n*	اسْتُک	ته‌موه‌دار ـ لاسک ـ قه‌دی دار مابه‌ینی ریشک وله‌قی گیا ـ پاریّز	ساقه،پاورچین‌رفتن جولان
stall *n-v*	استُل	لانه ئه‌سپ ـ ئافر ـ ئافیه یاگیّ قمه وئالفی،ده‌که وماڵاتی ـ ئه‌وره،دواخستن	دکه، غرفه ـ لانه اسب به تأخیر انداختن
stammer *n*	استامِر	به‌تری وزوان‌گیریای قسه که‌رده‌ی ـ زوان‌گیریان ولاڵی باو	لکنت‌زبان‌داشتن،گیرزبان
stamp [1] *n*	اِس‌تَمپ	مۆره ـ مۆر ـ ته‌مره نه‌خش ـ چاپ	تمبر ـ استامپ، مُهر قالب
stamp [2] *v*	اس‌تَمپ	مۆر وه‌نه‌دای ـ مۆر لیّدان ـ پاوره‌زمینی کوای	مُهر زدن ـ منگنه کردن تمبر زدن
stand [1] *v*	اس‌تَند	ویسیان ـ مندرای ویّسان ـ قه‌رارگرته‌ی	ایستادن ـ بودن، قرارداشتن قرار دادن
stand [2] *n*	اس‌تَند	ده‌که ـ دوکانله،جیّ سه‌کۆوسافایی،دارسان	سکو ـ جایگاه،صحنه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
standard *n,adj*	استَندِرد	عه‌یاری قانوونی ـمیزان و	استاندارد ـ میزان ـ پرچم
stand *see* **stink**		نموونه‌ی قانوونی کێشان	رایج، ستون، معتبر
		وپێوان ـئالاّ ـئالاّیه،باو	ملاک
star *n*	استار	هه‌ساره ـ ئه‌ستێره	ستاره ـ ستاره‌شکل
		هێسا، هونه‌رزان	آدم‌برجسته،اختر
stare *v*	استِر	واق دیای ـ ماق پرای	خیره‌نگریستن،چشم‌دوختن
		واق ته‌واشاکردن، تێردیای،	چشم‌زهرمرفتن
		عوِد و به‌حت‌بیه‌ی	
start [1] *v*	استارت	ده‌س په‌نه‌که‌رده‌ی،راپه‌رین	آغاز کردن، شروع کردن
		ده‌س پێکردن، هۆرکورکیای	از جا پریدن
start [2] *n*	استارت	سه‌ره‌تا ـ ده‌س به‌کار	شروع،آغاز،تکان،هول
		ده‌س پێکه‌ری، ته‌کان	
startle *v*	استارتِل	به‌رپرنای ـ ته‌کان و	متعجب ساختن / کردن
		ترس پێدان، داچله‌کان له‌خه‌و	از جا پراندن
starve *v*	استارو	برسی کێشان ـجه‌ئه‌ورای	از گرسنگی مردن،گرسنگی
		مه‌رده‌ی، ژه‌مه‌ن بیه‌رده‌ی	کشیدن
starvation *n*	استاروِیشِن	ئه‌وراله‌می ـسک برسی	گرسنگی
starving *adj*	استارِوینگ	زۆربرسی‌یه‌تی ـفره‌ئه‌وراله‌می	بسیار گرسنه
state [1] *v*	استیت	وتن ـباس‌که‌رده‌ی ـواته‌ی	اظهارکردن،بیان داشتن
statement *n*	استیت‌مِنت	واته ـ وتنه‌وه ـ باس	اظهار، گفتار،بیانیه،وضع
		بوێژ ـبواچ،ئوستان،نی‌شتمان	ایالت،کشور،استان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
state [2] *n*	اس‌تِیت	حاڵ وەزعە ـ مەڵبەند	شرایط، وضعیت، حالت
		ووەلاَت ـ چۆنیەت ـ وەتەن	ایالت ـ کشور
statesman *n*	اس‌تِیتمِن	سەرپرس و دەوڵەتی	رئیس دولت،سیاستمدار
		لەغاوداری دەوڵەت ـ سیاسەتزان	
station *n*	اس‌تِیشِن	ئیزگا ـ جێی وێسانی ماشین	ایستگاه (راه‌آهن، اتوبوس)
		وقەتار ـ یاگێ مندرای مەقەر	جایگاه،مرکزرادیووتلویزیون
stationary *adj*	اس‌تِیشِنِری	ئەرەمندرا ـ راوەستاو	ایستاده، متوقف،ثابت
		وێسیاگ، نەجما	
stationery *n*	اس‌تِی‌شِنِری	ئامراز و چتی نووسان	لوازم التحریر،نوشت‌افزار
		ئەسپابو نویسەی	
stay *v*	اس‌تِی	مەنەی ـ وێسان ـ نشتەی	ایستادن، ماندن، اقامت کردن
steady *adj,adv*	اس‌تِدی	هەمیشەیی ـ بەردەوام	بی‌حرکت ـ منظم
		گورەی گور ـ پابەرجاوپتەو	دائم ـ محکم
steadily *adv*	اس‌تدیلی	بە جۆری بەردەوام	به طور منظم،مداوماً
		یەک جۆر و هەمیشە	
steak *n*	استیک	تیکە گۆشت وکەواوی	استیک (تکهٔ گوشت گاو)
		گۆشتی کەواو کردن	تکهٔ گوشت
steal *v*	استیل	دزیەی ـ دزین، تالاَنکردن	دزدید، ربودن
		رفاندن ـ ئەرەمالاَی	سرقت کردن
steam [1] *n*	استیم	هەڵمی ـ هەڵم	بُخار،بُخارآب
		دەمەی هەناسەوگەرما	

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
steam - engine *n*	استیم‌ان‌جین	ماشینی هێزگرله هه‌ڵمی داخ ـ ماشینی هه‌ڵمه‌قووت	ماشین بخارخور
steamer *or* **steam-ship** *n*	استیم‌شیپ	که‌شتی هه‌ڵم خۆر که‌شتی هه‌ڵمه‌قووت	کشتی بخار، ماشین بخار
steam [2] *v*	استیم	به‌هێزی هه‌ڵم کاریٚ کردن ـ هه‌ڵم کردن به‌هه‌ڵمی گریناى	بخار کردن ـ با بخار پختن
steel *n*	استیل	پۆڵا ـ ئاسنی ساق و په‌تی ـ چاقو تیژکه‌ر	فولاد ـ آهن خالص و سفت
steep *adj*	استیپ	لیژگا ـ سه‌ره و چیره شیو ـ سه‌ره‌وژێره ـ سه‌ره‌وژوورکه	پرتگاه، شیب تند سربالا ـ خیساندن
steeply *adv*	استیپ‌لی	به‌جۆری لیژوخوار ته‌واو لیژگه و سه‌خت	به طور سراشیب
steer *v*	استی‌یر	سه‌رپرسی کردن ـ به‌رێوه بردن رانه‌به‌رده‌ی ـ رابه‌ری کردن	هدایت‌کردن ـ رهبری‌کردن
stem *n-v*	استِم	ته‌موه ـ قه‌دی گیا، بن لاسک ـ ده‌سه‌کۆک، به‌رگرتن	ساقه ـ تنه ـ دسته کوک‌ساعت سدّ و بند آوردن
step [1] *v*	استِپ	هه‌نگام هۆر گرته‌ی هه‌نگاو هه‌ڵگرتن رالوای ـ ریٚ‌رۆین	راه رفتن، قدم زدن گام برداشتن ـ قدم ـ پله

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
step [2] *n*	استِپ	تەقە و پای ـ هەنگاو	صدای پا ـ پله ـ مرحله، گام
		پلێ ـ جار ـ هەنگامە، دەرەجە	رُتبه ـ مرتبه
stepfather *n*	استِپ فادِر	باوا پیارە ـ زرباوک (باب)	ناپدری، شوهر مادر
stepmother *n*	استِپ مادِر	باواژەنی ـ باواژن	نامادری، زن پدر
		زردایک (نانەجیمە)	
stern *adj*	استِرن	وەرچەم تەنگ ـ مۆقن	سختگیر، عبوس، خشن
		ناوچاودێز ـ ڕووترش، پاژنە	پاشنه
stew [1] *n*	استیو ـ استوو	خۆرشت ـ خرۆشت	خورشت، تاس کباب
stew [2] *v*	اس تیو	یواش گرێنای ـ هێواش	به آرامی پختن / جوشاندن
	استوو	کولاندن و جۆشاندن	آب پز کردن
steward *n*	استیوورد	مێوانداری فرۆکە	مهماندار (هواپیما،...)
	استوارد	مێمانداروتەیارەی (پیا)	مُباشر (مرد)
stewardess *n*	استیووردیس	مێوانداری ژن	مهماندار زن، پیشکار
	(اِردیس)	مێماندارەی ژەنی	
stick [1] *n*	استیک	گۆچانە ـ گۆچان، لەق و پۆپ	عصا، چوب باریک ـ ترکه، قلم
		گالۆک ـ وەکازە ـ چۆی	شمس، هیزم، شاخه
		کوڵ ـ قەڵەم ـ شۆش، تووڵە	
stick [2] *v*	اس تیک	چەسپنای ـ چەسپاندن ـ لکنای	(با چسب) چسباندن ـ زدن
		لکاندن ـ پۆرەچە قنای ـ کونکردن	سوراخ کردن
sticky *adj*	اس تیکی	ژلۆق ـ سرێش ئاسا	چسبنده، چسبناک، چسب دار
		چەسپ دار	

English انگلیسی	Pronounciation تلفظ	Kurdish کُردی	Persian فارسی
stiff *adj*	استیف	رەق وسەخت ـوشک و	خشک، تا نشو ـ سخت
		نەچەمیا ـ نەچەماو	غیرجاری، غلیظ
		دژیا ـبەل، هەس وهۆڵ	
stiffly *adv*	استیفلی	بەنەچەماوی ـبەسەختی	به سختی، بەخشنی
still [1] *adv*	استیل	هێمار ـ هێچتا ـ جیا	هنوز ـ حتی ـ باوجود این
		لەوەیچ ـبێجگە ئانەیچە	ولی باز
still [2] *adj*	استیل	ئارام وئەمین ـبێ دەنگ	آرام، ساکن، ملایم
		و ئەهوەن ـکش ومات	خاموش
sting [1] *v*	استینگ	گەسەی ـگەزین ـچزوەنەدای	نیش زدن، گزیدن
		بەئێش هاوردن، ئێش کردن	سوزش داشتن
sting [2] *n*	اس‌تینگ	چزە ـ زام ـ ئێشوچزێ	نیش ـ زخم / درد نیش
		موچرکی ئێشی، ئێش، سۆی	سوزش درد
stink [1] *v*	اس‌تینک	بۆی پیسە وەردای	بوی گند / بد دادن
		بۆی ناجۆر بەردان	
stink [2] *n*	اس‌تینک	بۆی پیسە ـبۆنی سەرتەزێن	بوی گند / بد ـ تعفن
		بۆی سەرەکاس کەرە ـبۆگەن	بوی زننده
stir *v*	اس‌تِر	چەمچە، چەنەدای ـشڵەقنای	باقاشق هم زدن، قاطی کردن
		راوەشاندن ـلەقاندن ـتێ کەڵکردن	تکان خوردن
stitch [1] *n*	اس‌تیچ	تەقەڵ ـوراسە، کۆڵنج	کوک، بخیه، دوخت وگره
		دروین ـکۆکە ـدۆز، کەمەرژان	قولنج ـ کمردرد

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
stitch [2] *v*	اس‌تیچ	وراسەی‌ـدۆزان‌ـدووراندن	دوختن،بخیه‌زدن
stock [1] *n*	اس‌تاک	مایێ‌ـدەس‌مایە‌ـقۆتەرە	موجودی‌کالای‌مغازه،...،عادی
		بێخ‌ـقۆناخەچەک،رەگەزونژاد	کُنده‌ـقنداق‌تفنگ،نژاد
stock [2] *v*	اس‌تاک	مایە بۆ فروشتن ـ مایێ	موجودی برای فروش داشتن
		پەی ورەتەی	
stocking *n*	اس‌تاکینگ	گوێرەوە‌ـگۆرەوی،گوێروا	جوراب زنانه
stomach *n*	استامک	ئەشقەمە ـ هورگ	شکم، بطن‌ـ معده
		ورگ‌ـگەدە،تاقەت‌هاوردن	تحمل‌کردن‌ـتاب‌آوردن
stone *n*	استون	تۆنی ـ تونی ـ بەرد	سنگ ـ هسته ـ جواهر
		گەوهەر ـ ناوک،ڕێزێ	ریگ ـ دانه،سنگسارکردن
stool *n*	استوول	چوارپایە‌ـپیسی‌مەستەراو	چهارپایه(بدون‌پشتی)،مدفوع
stoop *v-n*	استووپ	چەمیان‌ـبەسەرسلاوکردن	خم شدن، دولا شدن
		سەرەنامنای‌ـچەمیای،دانوین	قوز ـ خمیدگی
stop [1] *v*	استاپ	وێسیان‌ـمندرای‌ـتەمام	به پایان رساندن، تمام کردن
		کردن‌ـقەداخەکەردەی‌ـبەرگرتن	مانع‌شدن،متوقف‌ساختن،ایستادن
stopper *n*	استاپر	سەری‌شووشە‌ـسەرەشیشە	سربطری، توپی،متوقف‌کننده
stop [2] *n*	استاپ	ئیزگا‌ـجێی‌وێسانی‌ماشین	ایستگاه(اتوبوس/قطار)،(.)نقطه
store [1] *v*	استور	هەمارکەردەی‌ـهەڵگرتن	انبار کردن، ذخیره کردن
		بۆ دوایی ـ ئەرەوسەی	اندوختن
store [2] *n*	استور	هۆرگرت‌ـهەمارکرد‌ـهەڵگرت	پس انداز ـ فروشگاه، انبار
		همار‌ـفرۆشگە،پاشەکەوت	اندوخته

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
storey *n (story)*	استوری	نهۆم ـ قات ـ مەرتەبە، راز	طبقه ـ اشکوب، حکایت
storm *n*	استورم	تونەبا ـ رەشەبا ـ دوودان	توفان، بارش شدید
		بای سەخت ـ تۆف ـ بای سرسر	کولاک کردن، خروشیدن
stormy *adj*	استورمی	تۆفانی ـ هەوالوولکێ	توفانی، کولاکی
		وای زلان باوبۆران، شەس	بورانی
story *n*	استوری	حەکایەت ـ راز ـ قسە ـ باس	داستان ـ گزارش، شرح قصه
stove *n*	استُو	چرای چێشت کولاندن ـ چرا	اجاق، چراغ خوراکپزی، فِر
		و گاز ـ سۆبە ـ فرگاز	بخاری
straight [1] *adj*	استریت	راست و رێک ـ ساف و	مستقیم، راست ـ تراز، هموار
		درۆس ـ سوورووبێ پەردە	منظم، قابل اطمینان
straight [2] *adv*	استریت	لەخەتێکی راستدا	دریک خط راست، مستقیماً
		هەر بەراسەرە	
straighten *v*	استریتن	دروست و راست کردن ـ ساف	راست کردن / شدن
		وراس بیەی ـ رێک کەردەی، قنج دانان	قائم کردن
strain *v*	اس ترین	توند بۆ خۆ کێشان	با زور کشیدن ـ صدمه دیدن
		زەحمەت و زیان دیەی ـ تەقالا	از صافی گذراندن
		کەردەی ـ کۆشش کردنی زۆر	
strait *n*	اس تریت	باریکە ئاوێ کە دوو دەلیا	تنگه و باب، گرفتاری
		بە یەک وەسڵ دەکاوە یان دوو شکی	تنگنا ـ بغاز
		لە یەک جگێ ئەکاوە کسوئز	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
strange *adj*	اس‌ترینج	ناشناس-عه‌جایب-غه‌ریو	عجیب،غریب،ناآشناوشگفت
strangely *adv*	اس‌ترینج‌لی	زۆر عه‌جایب ـ به	به طور عجیب
		جۆرێوه عه‌جه‌یبات	
stranger *n*	اس‌ترینجر	بێگانه-غه‌ریب-غه‌واره	غریبه،بیگانه،اجنبی،ناشناس
strangle *v*	اس‌ترَن‌گِل	تاسنای ـ خنکاندن	خفه‌کردن و شدن
		سنک که‌رده‌ی	سرکوب کردن
strap [1] *n*	اس‌ترَپ	قه‌یشه-شه‌لاخ-قایش	تسمه، بند (چرمی،...)
		دواڵه ـ به‌نه‌چه‌رم	نوار
strap [2] *v*	اس‌ترَپ	به‌په‌ته و به‌ن بینای	با بند بستن، با تسمه بستن
		به شریت به‌ستن	
straw *n*	اس‌ترُ	نه‌یجۆله و نۆشانه‌ی	بوریا ـ ساقه‌خشک ـ نی
		سمه‌ری ـ حه‌سیره ـ کا	کاه ـ پوشال
stray [1] *adj*	اس‌تِری	حه‌یوانی وێڵ ـ گم‌بیه	(حیوان) بی صاحب
		ئاواره ـ چۆره‌کی	گُم شده ـ ولگرد
stray [2] *v*	اس‌تری	وێڵ بیه‌ی ـ رێگاگم	راه‌راگم‌کردن ـ سرگردان‌شدن
		کردن ـ جه‌رای ترازیای	
streak *n*	استریک	برگه-خه‌ته-خه‌ت‌خه‌ت	خط طولانی، رگه، راه‌راه
		شوێنه‌خه‌ت-خه‌تی‌درێژ-تۆ(توێ)	لایه‌وچینیه ـ دوره
stream *n*	استریم	جۆگه ـ جۆئاو ـ ده‌ره	جویبار ـ جریان پیوسته
		رووبار-روان‌ئاو،شنه‌وسروه	جوی ـ نهر ـ وزش،جاری
street *n*	استریت	خیاوان-کووچیه-کۆلان	خیابان، کوی

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
strength *n*	استرِنت	هێز - قوەت ـ زۆر	نیرو،توان،زور،قدرت
strengthen *v*	استرِنتِن	قوەت دای ـ هێز گرتن پتەوی پێدان ـ یاری دان	استحکام بخشیدن ـ تقویت دادن - رمق گرفتن
stress [1] *n*	اس‌ترِس	زۆر ـ هێز ـ زۆر وتنی قسەیێ ـ کێش دان	فشار ـ تکیه کلمه تأکید ـ کشش
stress [2] *v*	اس‌ترِس	زۆرلەسەرچتێکاچوون فرەباسوچێوەی‌کەردەی	تأکید کردن بافشار اداکردن
stretch *v*	استرِچ	درێژەرەکەردەی ـ درێژە پێدان ـ درێژکردن ـ کێشنای	کش‌دادن/آمدن ـ گستردن گشادشدن
stretcher *n*	اس ترِچِر	تەختی نەخۆش ـ تەختو بیماری،کێش ئامە	برانکار ـ تخت‌بیمار کشنده
strict *adj*	استریکت	سەخت‌گیر ـ شۆن‌گیر دەقیق، روون	قاطع، سختگیر، جدی دقیق ـ مشخص
strictly *adv*	استریکت‌لی	بە دەقیقی ـ بەسەختی	به‌طورجدی،قاطعانه،کاملاً
stride [1] *v*	استراید	هەنگامێ درێژی نیای هەنگاوی درێژهەڵ گرتن	باگامهای بلند راه رفتن
stride [2] *n*	استراید	هەنگاوی درێژ ـ هەنگامێ درێژی، قەدەم	گام بلند، قدم کشیده گام مثبت
strike [1] *v*	استرایک	وەنەدای ـ لە یەک دان پیادان،زریان	زدن ـ اعتصاب کردن،کوبیدن به‌صدادرآمدن،زنگ
strike [2] *n*	استرایک	هۆرتەق ـ هەڵ تەق،پەلامار خۆپێ شاندان،وێ نمانای	اعتصاب،یورش،ضربه،تک

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
string *n*	استرینگ	نه یه ـ ده زک ـ به ن ـ ته ل	نخ،سیم،تار،زه،زنجیر،بند
strip [1] *n*	استریپ	شریته ـ تیکه ی ته نک	نوار، باریکه،رشته
		شیوالْ،له ت،به نه موریْ	تکه
strip [2] *v*	استریپ	لیباس وه ته ی ـ رووت کردن	درآوردن/کندن ـ برهنه
		وه ژای ـ روتۆبیه ی ـ که ندن	کردن
stripe *n*	استرایپ	خێته ـ خه ت خه ت	خط (خط باریک ممتد)
		خه ته ی په رانپه ره ـ بازه ڵه	راه‌راه،نوع ـ گونه
striped *adj*	استرایپد	خه ت خه تین ـ مێڵ	راه‌راه ـ خطدار،پلنگی
		مێڵ ـ خه تدار و بازه ڵه	
stroke [1] *n*	استرئوک	زه ربه ته ـ هه ڵمه ت	ضربه، ضربت،سکته وحمله
		زه ربه ت و سه کته ـ ناکاو	رویداد ـ سعی
stroke [2] *v*	استرئوک	لاواندن ـ لاونای، باوه شێن	بادست‌نوازش‌کردن،مالیدن
stroll *v*	استرئول	گێڵای ـ گه ریان ـ ده رگێڵ	قدم زدن / برداشتن
		و چۆره کی بیه ی	دربدر بودن وپرسه‌زدن
stroll *n*	استرئول	هه نگاو ـ هه نگامه	گام آهسته، قدم آهسته
		ده رگێڵ ـ چۆره کی	دربدری و پرسه‌زنی
		ده ڵه چه ـ گه راڵ	
strong *adj*	استرانگ	پهرزۆر ـ وه کار ـ به هێز	قوی، نیرومند ـ محکم
struck *see* **strike**		زۆردار ـ پته و و گورج	سالم ـ تندرست
structure *n*	استراکچر	وه ش کرد ـ بنچینه	بنا،ساختار،سازه،ساخت
		ئه ساس، سازینه	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
struggle [1] *v*	استراگِل	تەقالاکەردەی ـکۆشش	جنگیدن، جدال کردن
		کردن ـهەوڵ دان (پەلەقاژێ)	تلاش کردن
struggle [2] *n*	استراگِل	تەقالا ـکۆشش ـهەوڵ خەبات	جدال،جنگ،تلاش،پیکار
stubborn *adj*	استابِرن(بِن)	سین سەخت ـ ناحاڵی	سرسخت،لجوج،خودرأی
		کەلەرەق ـ نەرمنەویە	
stubbornly *adv*	استابِنلی	بەسێن سەختی ـ بەکە	خودسرانه،سرسختانه
stuck *see* **stick**		لەرەقی	
student *n*	استیوودِنت	دەرس دواچوو ـزانست دۆز	دانشجو،شاگرد،محصل
		دانش بێژ، دانش گیر	
studio *n*	اس‌توودیو	دیوی کار ـ یاگێ کاری	استودیو، اتاق کار
		جێی فرمان لەرادیۆ ـعەکسخانە	کارگاه
study [1] *v*		دەرس وەنەی ـخوێندن	تحصیل / مطالعه کردن
		فێربوون (بیەی)	تحقیق کردن
study [2] *n*	استادی	فێر ـ وەنەی ـ لێکۆڵین	تحصیل ـ اتاق مطالعه
		فێری خوێندن ـجێی خوێندن	پژوهش
stuff [1] *n*	استاف	هەست ـ چێو ـ چت	(هر) ماده / چیز
		جنس ـ مادە، زوێڵ	اسقاط ـ آشغال،تودلی
stuff [2] *v*	استاف	پڕ کردن ـ گواڵە گرتەی	پُرکردن،تپاندن،مجری‌گرفتن
		تەپنای ـتەپاندن،کۆرۆکەردەی	
stuffy *adj*	استافی	خەفەو تەنگەلا ـبۆگەن	خفه، دم کرده هوا
		حەرەسە تەنگ ـدڵ تەنگ،(ماڵ)	گرفته و بسته

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
stumble *v*	استامبل	ترازیای-تربیه‌ی-تێکه‌وتن	لغزیدن،پاگیرکردن
		زوان‌گیرکه‌رده‌ی،که‌وتن-خزای	افتادن به زمین
stump *n*	استامپ	بێخی دار-رێخه‌ودانی	کُنده، بریده‌درخت
		قۆتکه‌دار ـ قۆته‌ره	ته دندان ـ گیج کردن
stunning *adj*	استان‌نینگ	نمه‌کین،دڵ‌رفێن	جذاب ـ گیرا ـ دلفریب
stupid *adj*	استیوپید	مه‌نگ و گێل - گه‌وج	احمق،کودن،پخمه
	(استووپید)	بێ ئه‌قڵ-سووکه‌ئه‌قڵ،خه‌ره‌فیا	
stupidity *n*	استیوپیدیتی	مه‌نگی ـ گێلی ـ خولی	کودنی، حماقت،ابلهی
stupidly *adv*	استیوپیدلی	بێ ئه‌قلانه ـ گێلانه	احمقانه،به‌احمقی‌تمام
sturdy *adj*	اس‌تردی(اس‌تدی)	قوه‌ت ـ به‌هێز ـ گوربز	قوی،ستبر،تنومند،محکم
		وه‌کار-نه‌به‌ز-پرتاقه‌ت	
sty *n (stye)*	استای(اس‌تَی)	گه‌وره خووگ ـ جێگه	خوکدانی،طویلهٔخوک
		به‌راز ـ پیزۆکێ	گُل مُژه
style *n*	استایل	جۆر-شێوه-باو،ره‌وشت	سبک، شیوه ـ مُد ـ مُدل
		نه‌وع ـ ته‌رێقه،نیشانه	شیک ـ ویژگی
subject [1] *n*	(سِب)ساب‌جِکت	مه‌سه‌له‌ویاس،ده‌رس	موضوع درسی،موضوع صحبت،
		وراوێژ-ره‌عیه‌ت،مل‌دان	مورد سخن ـ تبعه، اهل
		باس‌کرد-خه‌ڵک،مه‌ربوت‌به	مطیع ـ فاعل
subject [2] *n*	سِب‌جِکت	کارکه‌ر ـ کرده‌کار	فاعل، نهاد (در جمله)
		کارساز(له‌جومله)،به‌وشه‌رته	به شرط ـ شهروند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
submarine *n*	سابمِرین	ژێردەلیایی ـ کەشتی	زیردریائی
		تایوەتی چێر دەلیا	
submit *v*	سِبمیت	وێ دەسۆدای - خۆ	تسلیم کردن / شدن
		بەدەس دان-چیروباری ئامەی	گردن نهادن
substance *n*	سابسِتنس	مادە-چت-چێو-هەست	ماده،چیز،جسم،دارایی
subscrip *n*	سِبسکریپ	راگرتن وپەزێران	بخش‌پذیرش(اداره)
subtract *v*	سِبتِرَکت	کەم‌کردن-مینهاکەردەی	کم / تفریق / منها کردن
subtraction *n*	سِبتِرَکشِن	کەم- مینها،کەم‌کرد	تفریق، منها،کاست
suburb *n*	سابِرب	بەروشاری ـ دەرەوەی	حومه شهر، خارج شهر
		شار ـ کەنارەشارە	
succeed *v*	ساک(سِکسید)	سەرکەوتەی ـ پیرۆز	موفق شدن ،جانشین‌شدن
		بوون-بەرئامەی، یاگەنشتەی	
success *n*	سِکسِس	پیرۆزی ـ بەرئامەی	موفقیت،کامیابی،کامرانی
		سەرکەوت، تەوفێق	
successful *adj*	سِکسِسفول	پیرۆز - دەرچوو	کامیاب،موفق،کامروا
		بەرئامە	
successfully *adv*	سِکسِسفولی	بەپیرۆزی-بەسەرکەوتن	با موفقیت،باکامیابی
such *adj-pron*	ساچ	پێسە ـ وا ـ بەم جۆرە	چنین، چنان ـ اینچنین
		ئەپێسە	مانند
suck *v*	ساک	چەکنای ـ لووشتەی	مکیدن، نوشیدن
		مژین-هەڵلووشتن، چڵەپنای	باتلمبه بیرون کشیدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sudden *adj*	سادن	ناوامه ـ لەناكاو	غیرمنتظره، ناگهانی
suddenly *adv*	سادن‌لی	بە غافڵی ـ بە ناوامە	غفلتاً، ناگهانی-یکهو
		لەناكاوێ، لەپڕدا	
suffer *v*	سافِر	ڕەنج بردن ـ ئێش‌دار	رنج بردن، درد داشتن
		بیەی ـ تاقەت بردن	تحمل کردن
suffering *n*	سافِرینگ	ڕەنج ـ ئێش – تاقەت	رنج، عذاب-درد
		مێراق ـ گل‌کردن	تحمل درد
sufficient *adj*	سافی‌شِنت	وەسێ ـ بەس	کافی، بس،بسنده
suffix *n*	سافی‌کس	دوا وشە ـ دماکەلیمە	پسوند ـ دُنباله
sugar *n*	شُگِر	شەکر-شەکەر-قەن-قەنْد	شکر ـ قند
suggest *v*	سِجست	نەزەردان ـ نەزەردای	پیشنهادکردن،توصیه‌کردن
		بڕیاردان، پەی‌ئامەی	به‌فکر رسیدن
suggestion *n*	سِجس‌چِن	بڕیار-نەزەر، ئەقیدە	پیشنهاد،نظریه،صلاحدید
suit [1] *v*	سووت	پەنەکەوتەی-پێ‌کەوتن	مناسب / برازنده بودن
		فیت‌بیەی، جۆرکردن	جور کردن
suitable *adj*	سووتِبِل	فیت ـ پێکەوت ـ لایق	مناسب، شایسته،درخور
suit [2] *n*	سووت	دەسوسیپالان-دەستەی‌لیباس	دست (لباس)عرض‌حال
suitcase *n*	سووتکِیس	چەمەدان ـ یەغدان	چمدان، جامه‌دان
		یاگەلیباس	
sulk *v*	سالک	قین کردن ـ ناوچاو	اخم کردن، قهر کردن
		پیورەدای-تۆران(روترش)	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sultan *n*	سالتِن	سلتان ـ بەگ ـ والی	سلطان،بیگ،حاکم
sum *n*	سام	حیساب ـ حەساو ـ بایی	(حاصل)جمع/محاسبه،وجه
summer *n,adj*	سامِر	هاوین ـ هامن، تاوسان	تابستان،تابستانی،ییلاقی
summit *n*	سامیت	کەل ـ ئاسۆ ـ لووتە، یاڵ	قلعه،نوک،اوج،سر
		لووتکە ـ نووکەکەژ	
summon *v*	سامِن	بانگ کردن ـ شوێن	فراخواندن،دعوت‌کردن
		هەناردن ـ شۆن کیاسەی	
sun *n*	سان	ڕۆجیار ـ ئافتاو ـ خۆر	خورشید، شمس، آفتاب
		هەتاو، خوەر ـ هۆر	هور
sunlight *n*	سان‌لایت	وەر ـ لزگ ـ لیزگی ـ ڕۆ	نور / اشعه آفتاب
		تیژگی ـ تژگ ـ نوور	نور خورشید
sunny *adj*	سانی	ڕۆشنا ـ هەتاوی	آفتابی،روشن،شاد
		وەرتاو، سایقە و ڕۆشن	نورانی
sunrise *n*	سان‌رایز	ڕۆجیار بەرئامە	طلوغ آفتاب
		خۆرهەڵات ـ وەرکەوت	
sunset *n*	سان‌سِت	وەرپڕ ـ خۆرئاوا	غروب آفتاب،مغرب
		وەرزەرد	
sunshine *n*	سان‌شاین	وەرتاو ـ ڕۆشنا	هوای صاف و آفتابی
		خۆرەتاو ـ سایێقە	نورخورشید
sunbathe *v*	سان‌بِت	حمامووەرتاوی ـ خۆرەحەمام	حمام آفتاب گرفتن
			زیرآفتاب خوابیدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sunday *n*	سان‌دی	یەکشەممە ـ دواشەمە	یکشنبه
sunstroke *n*	سان‌استرک	وەربەردەی، خۆرگەستن	گرمازدگی،آفتابزدگی
super *adj*	سووپر	فرەبەرز ـ فرەباش و	عالی، فوق العاده،نُخبه
		مومتاز ـ فرەلەبان، زۆرچاک	
superb *adj*	سووپرب	جوان ـ زەریف ـ بەفەڕ	زیبا، عالی، باشکوه
	(سِپِرب)	و شکۆ، رازاوە	درجه یک، ارجمند
superior *adj*	سوپریر	باش تر ـ بان تر ـ چاکتر	بهتر، برتر ـ بالاتر
		خاس تەر ـ وەرتەر	مافوق
superlative *n,adj*	سوپرلِ‌تیو	سەفەتی عالی	عالی، صفت عالی، درجه عالی
		دەرەجە و سەری	عالی‌ترین
supermarket *n*	سوپرمارکِت	فرۆشگەی گەورە	سوپر مارکت،فروشگاه‌بزرگ
		دووکانی فرە گەورە	
supersonic *adj*	سوپرسونیک	بەرتر لە سەوت	مافوق صوت،تندتر از
		بانتەر و سەوتی	سرعت صوت
superstition *n*	سوپرستیشِن	باور بە درۆ و پووچی	خرافه پرستی،کج باور
		باوەر بە کۆنە پەرستی	
supervise *v*	سوپروایز	سەرپرسی کردن ـ چاودێری	سرپرستی کردن
		کردن ـ چەمداری کەردەی	نظارت کردن
supply unit *n*	ساپلای‌یونیت	کاری ماڵی ڕێخەر	کارپردازی (اداره)

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
supervision *n*	سوپرویژن	چاودێری ـ نەزارەت	سرپرستی،نظارت
		چەمداری ـ سەرپرسی	
supper *n*	ساپِر	نانی ئێوارە ـ نانە و	شام
		شەوێ ـ چێشتی شەو	
supply [1] *n*	ساپلای(سِپلای)	لەدەس بوو ـ جەدەسە	مقدار، موجودی، ذخیره
		نەبیە ـ تەدارک ـ جۆرکرد	
supply [2] *v*	ساپلای(سِپلای)	جۆر کردن ـ گیرهاوردن	تأمین / تهیه کردن
		سامان دان (دای)	جبران کردن ـ رساندن‌به
support [1] *v*	سِپُرت(ساپورت)	یاری دای ـ پشتیبانی	نگهداشتن،طاقت‌آوردن،محکم‌کردن
		کردن ـ نگاداری‌کەردەی	کمک کردن (بخصوص با پول)
support [2] *n*	سِپُرت	پشتیبانی - یاری	پشتیبانی، حمایت ـ پایه
		نگاداری، هەواداری	
suppose *v*	سِپُوز(ساپوز)	خیاڵ کردن ـ گمان‌کەردەی،	فکرکردن،اندیشیدن ـ تصورکردن،
		وەروچەمی ئەوردەی	گمان بردن / کردن ـ بایستن
supposing *conj*	سِپوزینگ	ئەگەر ـ گەر ـ جا(بنیەرە)	اگر
supreme *adj*	سُپریم	بان ترین ـ سەرتەرین	عالی،بالاترین ـ والاترین
		بەرز و چاک	
sure *adj*	شُر	دڵ نیا ـ متمانی	خاطر جمع، مطمئن
		خاترجەم، یەقین	آسوده ـ با ثبات
surely *adv*	شُرلی	بێ‌زەند ـ بێ‌شک ـ بێ‌گومان	مطمئناً، بدون شک،قطعاً

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
surf *n*	شِرف-سِرف	شەپۆلی وردکراو	کف‌امواج‌دریا،خیزاب
		لَلپەی میٚریا و دەلیای	
surface *n*	شِرفیس	پانایی ئاوێ ـ دیمەن	سطح، رویه،پوشش
	سِرفیس	زاهیٚربان-دیم،روو	وجه، رُخ، سطحی
surgeon *n*	سِرجِن	دوکتۆری جەڕاح	دکتر جراح، جراح
		دوگدوری جە ڕاح	
surgery *n*	سِرجِری	جەڕاحی ـ عەمەل	جراحی،عمل-اطاق‌جراحی
		یاگێ جەڕاحی	
surname *n*	سِرنِیم	ناوی‌خانەوادەوبنەماڵە	نام خانوادگی، فامیلی
		نامێ‌بنەچەق‌وخانەوادەی	
surprise [1] *n*	سِرپرایز	ڕووداوی بێ‌خەبەر	غافلگیر، رویداد غیرمنتظره،
		عەجەیوات-ناوامەڕووەدای	تعجب
surprise [2] *v*	سِرپرایز	حەیران‌کردن-ماق‌پرنای	به حیرت انداختن
		مات‌وحەیران‌کەردەی	متعجب کردن
surrender *v*	سِرنِدِر	تەسلیم‌بیەی-تەسلیم‌کردن	تسلیم کردن / شدن
			تحویل‌دادن
surround *v*	سِرئوند	دەورگرتن-چواردەورگرتەی	دربرگرفتن،محاصره‌کردن
		دلێ وسەی	
surroundings *n*	سِرئوندینگس	دەوربەر ـ چواردەور	محیط،اطراف،دوروبر
survive *v*	سِروایو	زیندەمەنەی ـ گیان	زنده ماندن، گذراندن
		بەرکەردەی‌ەزیندوومان	دوام یافتن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
survival *n*	سِروایول(سِ‌وایول)	دوام‌ومه‌نه‌ی ـدرێژه‌ی	دوام،بقا،پایندگی
		ژیان‌ـده‌وامی‌ته‌مه‌ن‌وبه‌قا	ماندگاری
suspect [1] *v*	ساس‌پکت	دووشک‌بیه‌ی‌ـخانه‌گمان	شک داشتن / بردن
		بیه‌ی ـ شک لێ‌بردن	سوء ظن بُردن
suspicious *adj*	ساس‌پی‌شِس	خانه‌گمان ـ دووشک	بدگمان، ظنین،شکاک
		شک‌دار	شک برانگیز
suspect [2] *n*	ساس‌پکت	شه‌ک په‌ی لوا ـ شه‌ک	فردمشکوک،موردسوءظن
		لێبراو،شه‌کدار	
suspend *v*	سِس‌پِند	ئاڵۆچنای ـ هه‌ڵواستن	آویزان بودن ـ به تأخیر
		ده‌س‌هۆرگرته‌ی‌ـدواخستن	انداختن‌ـ آویزان کردن
suspense *n*	سِس‌پِنس	بێ سه‌روسامانی	بی‌تکلیفی(ترس‌وهیجان
		چاره‌نه‌وی‌ـماتڵی‌وپاده‌رهه‌رایی	ناشی‌ازتأخیر)ـنامعلومی
swallow [1] *v*	سوالتو	قووت دان ـ قوته‌دای	بلعیدن،فروبردن،سرکوب‌کردن
swallow [2] *n*	سوالتو	په‌ره‌ستور‌ـپلیستره‌ک،قوت	چلچله،پرستو،بلع،قلپ
swam=sawam *v*	سرام‌ـساوام	ساوای(سافم‌کرد)سوین	ساییدن ـ مالیدن
swamp *n*	سوامپ	مێرگه‌ـمێرگ‌ـزه‌لکاوی	باتلاق،مرداب،فراگرفتن‌آب
swan *n*	سوان‌ـسوُن	جۆرێوه که‌رگه‌ی ئاویه	قو پرنده‌ای آبزی
		جۆره‌مره‌یکی ئاوی‌ـقوو	
swarm [1] *n*	سوُرم(سوُم)	گرۆ‌ـده‌سته‌ـخێڵ پوره‌هه‌نگ	گروه/خیل‌عظیم،زنبوران‌کندو
swarm [2] *v*	سوُرم(سوُم)	باربه‌ندی‌که‌رده‌ی‌ـبه‌خێڵ	به صورت‌گروهی حرکت
		وده‌سته‌رێ‌که‌وتن‌ـوه‌ک‌قازوقوڵنگ‌رۆشتن	کردن، ازدحام کردن

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
sway *v*	سوِی	لەریای ـشەکیای ـئەشەکیان	تکان خوردن،نوسان‌کردن
		پشکان ـتەکان‌واردەی،چەمیای	تحت‌تأثیرقرارگرفتن
swear *v*	سوِر	قەسم‌واردەی ـسوێن‌خواردن	فحش دادن ـ سوگند خوردن
		دژمان و دژوێن دان	/ دادن،قسم/کفرگفتن
sweat [1] *n-v*	سوِت	هارەقی لەش ـ ئارەقو	عرق (بدن)،عرق‌کردن
		جەسەی،کاری سەخت‌کردن	سخت کار کردن
sweat [2] *v*	سوِت	ئارەق کەردەی	عرق ریختن / کردن
		هارەق کردن و رژاندن	با کار جان کندن
sweater *n*	سوِتر	جاکەت ـگجی پەژمی	پولیور ـ ژاکت
		کێشدار ـکراسی خوری‌دار	پیراهن پشمی
sweep *v*	سوییپ	گزی‌دای ـ گزگ‌دان	روبیدن، جارو کردن
		جاروکێشان	تندگذشتن
sweet [1] *adj*	سویت	شیرین ـ نمەکین	شیرین ـ ملیح،مطبوع
		وەشبۆ،چاک و عال	خوشایند
sweet [2] *n*	سویت	شرینی ـخۆش ـدڵ‌رفێن	شیرینی،شیرینی‌جات
swell *v*	سوِل	ماسای ـ ماسین	ورم/آماس‌کردن،بالاآمدن
		ئاوسیان ـ باکردن	بادکردن
swelling *n*	سوِلینگ	ئاوس ـماسا ـباکرد،هۆرئامە	آماس،ورم،پُف‌کردگی،باد
swerve *v*	سوِرو	ئاوامە دە ورۆدای ـ لە	به طور ناگهانی دور زدن
		رێگەی‌راست‌لادان ـهەڵۆگەران	ویراژ و تغییر جهت دادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
swift *adj*	سویفت	توند ـ تیژ ـ تندو تیژ، ناکاو	سریع، تند، ناگهان
swim [1] *v*	سویم	مەلێ، لەمەکەردەی	شنا کردن، غوطه خوردن
	سوایم	مەلە کردن، کەفەلێژبیەی	لبریز بودن
swimmer *n*	سویمر	لەمەکەر ـ مەلەکەر	شناگر، ملوان ـ ملاح
		مەلەوان	
swimming *n*	سوی‌مینگ	مەلە ـ لەمێ ـ وێ	شنا، غوطه
		ئاووسەی لە ئاوقونین	
swimming pool *n*	سوی‌مینگ‌پوول	گۆمە و مەلێ	استخر شنا
		حەوزی مەلە کردن	
swing [1] *v*	سوینگ	دێلەکانێ کەردەی	جنبیدن، جنباندن، تاب
		جمنای جواندن ـ حۆلانکێ کردن	خوردن / دادن
swing [2] *n*	سوینگ	دێلەکانێ ـ جمنا، بەزم	تاب، پس‌وپیش رفتن
		بێلەکانێ ـ هۆشەکانی ـ جۆلانکێ	نوسان ـ آهنگ
switch [1] *n* switch on/off خاموش و روشن/برق	سویچ	کرێل ـ کلیل بۆ ماشین و بەرق	سویچ، کلید، برق و ماشین
switch [2] *v*	سویچ	گیسنای و کوشنای	با کلید روشن و خاموش /
swollen *see* **swell**		داگرسان ـ کوژاندن	عوض کردن
swoop *v*	سووپ	قەوانچە بیەی ـ توند	به‌سرعت‌فرودآمدن(عقاب)
		داکەوتن ـ رفاندن، شێرجەچون	ازبام‌وپرتگاه‌و درخت‌افتادن
sword *n*	سُورد	شمشێرە ـ شوشکە	شمشیر، سیف
swore *see* **swear**		قیارە ـ شمشێر	
sworn *see* **swear**			
swum *see* **swim**			

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
syllable *n*	سیلابل	شی‌کەری-جیاکردن‌بەش‌کردن	سیلاب، هجا، بخش
		پیت‌وو‌شەجیاوبەش‌کردن	
symbol *n*	سیمبل	نیشانە ـ نیشانێ	سمبل، نشانه، علامت
		نموونە ـ رەمز	نماد ـ رمز
sympathy *n*	سیمپاسی(سیمپاتی)	هاودەردی ـ هام	همدردی، دلسوزی
		دەردی ـ دلسۆزی	همدلی ـ ترحم
sympathetic *adj*	سیمپتتیک	هاودەرد ـ هام‌دەرد	همدرد، دلسوز-یکدل
		دلسۆز ـ هام‌ساز	موافق ـ همرأی
symptom *n*	سیمپتِم	نیشان ـ نیشانێ ـ یاگێ	علائم، نشانه‌بیماری
		قیزگە ـ علەت	
syringe *n*	سیرینج	دەرزی‌دەرمان-سورەنگە	شرنگ تلمبه کوچکی برای
		تلۆمبەی‌چکۆلەبۆناردنی‌داروبەناوخوێن	ورود دارو به بدن
syrup *n*	سیرِپ	شەربەت ـ قەنداو	شربت، شیره-دوشاب
		دۆشاو، شیرەی‌میوە	
system *n*	سیستِم	باو ـ دەزگا ـ رێگا	نظام، روش، منظومه
		و رەوشت	روال ـ ساختار
systematic *adj*	سیستِمتیک	باودار ـ عەسلی	منظم ـ اصولی
		رەوشتی، نەزم‌دار	سازمان یافته
systematize *vt*	سیستِمِتایز	بە باوێ وەرەبەر	منظم کردن ـ دارای
		ئەوردەی ـ نەزم پێدان	روش کردن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
syrwan *n*	سیروان	ڕۆبارێکه جوانله هه‌ورامان که ئه‌م ناوه‌له به‌ردێکی قیمه‌تی له سه‌رده می پارته کان هاتوه به ناوی *syrwany* که جۆرێ یه شمی سه‌وزه‌وکاتی لوێ هه‌یه	نامرودخانه‌ای دراورامان وغرب پاوه که به دریاچه شهر دربندیخان در اطراف حلبچه عراق می ریزد و به فارسی رود دیاله گفته می‌شود
symrowka *n*	سیمرۆکه	جۆره سیره یکی کێویه‌وه کوکینوال یاگیای واله ک به فارسی که تامی ماست وشیری گایامه‌رێک که بیخوا خراپ ده‌کا	نوعی گیاه تره مانندکه ازخانواده سیربوده وطعم بدبویی دارد که حیوانات اهلی باخوردن آن شیرودوغ وماست آنهامزهٔ آنرابه‌خودمی‌گیرد وخوردن آن چندش آورمی‌شود
synazarrine *n*	سی‌نَزَرین	پولکه‌زێرینه یاسی نه‌زه‌رینێ له پاش بارانی زۆرله ئاسمان ئه‌بین نرێ چون نور ئه‌شکێ وزاویه‌ی ۶۲ درجه له گه‌ل زه‌وی سازئه‌کا	رنگین‌کمان بعد از ایستادن باران در آسمان به علت شکست نور و تشکیل زاویهٔ ۶۲° بازمین تشکیل می‌شود
syny *n*	سی‌نی	کاتێ که ئنسان یاحیوان به‌ڕێوه نه‌رواوبه‌زۆربی کێشین به‌دوای خوماناویابه قسه‌ڕازی بکه‌ین ئه‌لێن سی نی کردوه یانی له سه‌رقسه‌ی خۆیه	از جا تکان نخوردن شخص یا حیوان که باید به زور کشیدن حیوان به دنبال خویش حرکت او را فراهم کنیم
syrakwa *n*	سی‌ره‌کوه	سیره‌کوه جۆره‌به‌ردێک خره له‌رووباره‌کان ده‌ری دێنن و بۆساف ولۆس کردنی دیواروبنه‌وای مالۆودیوه‌کان که‌لکی لێ وه‌رده‌گرن وله قه‌دیم له هه‌ورامان به‌جێی ماله به‌کاریان بردوه	نوعی سنگ صاف رودخانه‌ای است که مردم اورامانات بویژه پاوه در قدیم برای صاف کردن کف منازل و دیوارها به جای ماله استفاده می‌کردند

---

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June


saw


shovel


screws


sieve

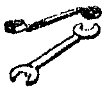

spoon

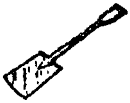

syringes


swan


scorpion


scissors

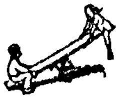

spanners


spade


sickle

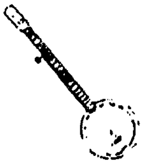

scythe

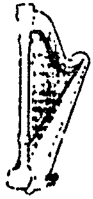

sheaf of corn

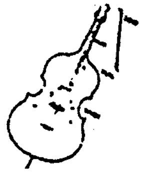

seesaw

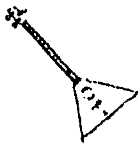

snail

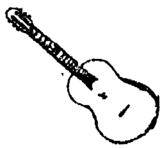

safety pin


BANJO

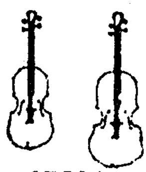

HARP

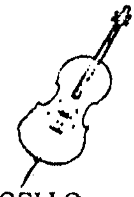

DOUBLE-BASS


BALALAIKA


GUITAR


SITAR


VIOLA


CELLO


مردانشاه پسر خسرو (شیرین)
۶۲۶ - م


پیروج و سلطام
۵۹۵ - م

T t

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
T	تی	بیسۆمین حەرفەوئەلفبای	بیستمین‌حرف‌الفبای‌انگلیسی
taa *n*	تا	هەتا۔تا(تاچەم‌کارمەکەرۆ)	تا(حرف‌اضافه)
taashwtaawer *n*	تاشوتاوێر	بەردی‌پان۔تاش‌وتاوێروما	تخته‌سنگ،صخره‌کوه
tab	تَب	بەند ۔ شیواڵ ۔ قەیتان	بندزبانه،نوار،قُلاب،حلقه
tabby	تَبی	کتەمایە۔پشیلەی‌مێنگە	گربه ماده ۔ پیرزن بدگو
		پیەرەژەنەی‌خراوەواچەوئاشۆ	
tabernacle	تَبِرنَکِل	چادر ۔ چادِرە ۔ دوار	خیمه ۔ سایبان،زیارتگاه
		کەپرە،مەرقەد،کەنیسا	معبد ۔ کلیسای‌بزرگ
table *n*	تِیبِل	مێز ۔ چوارپایە	میز،جدول،خوان،لایحه
		تەختەچۆ،سفرەوخوان	
tablecloth *n*	تِیبِل‌کلات	رووميزی۔سفرەی‌نان	رومیزی،سُفره
table - tennis *n*	تِیبِل‌تِنیس	تنیسی‌رووی‌میز۔جۆرە	تنیس‌روی‌میز،پینگ‌پونگ
		تۆپانێک۔جۆرێوەگەمە	
tablet *n*	تَبلِیت	حبە۔حەب۔وەرەقە،تەختای،تاپلۆ	قُرص،لوح،ورقه،سنگ‌نوشته
tack *n*	تَک	پانەبزمار ۔ پوونیز	پونز، پونس،خط‌مشی
		سووکەمێخ،رەواڵ	زویه

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tackle *v-n*	تَکِل	راگرتن ـ قەبوڵ کەردەی	بەعهدەگرفتن،اسباب،ابزار
		کارەی ـ وەسیلە	بالابر ـ قرقرەوطناب
tact *n*	تَکت	کارزان، سەلیٚقەدار	موقعیتشناسی،کاردانی
		حازرجواو ـ وریایی	تدبیر
tactful *adj*	تَکتفول	زەکاوەتدار ـ وریا	سخن سنج،باشعور،مردمدار
		لە یەکدەر ـ نتم	بافکر و کیاست
tactfully *adv*	تَکتفولی	بەزەکاوەت ـ بەفکر ـ بەزیرەکی	بکاردانی،بانکتەسنجی
tactless *adj*	تَکتلِس	بیٚ ئەقڵ ـ بیٚ ماریفەت	بیشعور ـ بیمهارت
		بیٚ میٚژگ ـ شپرز	بیتدبیر ـ وقتنشناس
tag *n-v*	تَج	کارتی بچووک ـ بەنکەوش	برچسب،دنبالکسییا
		وەرلکیٚن ـ نووکی فلزی، زەنگوڵە	چیزیباغرضرفتن،منگوله
tail *n*	تِیل	قلینچکە ـ دوچکە، بنە	دُم،دنبه،کپل،انتها
		دووگ ـ دمە ـ کلک، ژیٚر	تَهِ هرچیز
tailor *n*	تِیلِر	خەیات ـ خیات ـ بەرگدروو	خیاط، دوزنده
take *v*	تِیک	گرتن ـ بردن ـ هۆرگرتەی	برداشتن،گرفتن ـ بردن
		جەـهەڵگرتن ـ خواردن	خوردن،سفرکردن ـ نیازداشتن
takeoff *n-v*	تِیکآف	پەلدای ـ فرین ـ فرتەکردن	پرواز ـ پَرزدن
		باڵ گرتن	پرواز کردن
tale *n*	تِیل	رازی ـ راز ـ قسیٚ ـ مەتەل	داستان،قصه،دروغ،حکایت
talent *n*	تَلنت	قۆرەت ـ مایەدار ـ نیشات	استعداد، ذوق،قریحه
		هیٚزی خوداداد، زەین داری	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
talented *adj*	تلنتد	بەهێز ـ قابل ـ زەین داربەهۆش	باذوق،بااستعداد،خوش‌قریحه
talk [1] *v*	تُک	قسەکەردەی ـ وتوویژکردن	سخن گفتن، صحبت کردن
talkative *adj*	تُکتیو	راوار ـ مەردەوقسان	پرحرف،وزاج،پُرچانه
		ژاکدەرولاژاو ـ زۆربویژ	
talk [2] *n*	تُک	قسێ ـ قسەـباس،وتار	صحبت،گفتگو،سخنرانی،گفتار
tall *adj*	تُل	درێژ ـ بەرز ـ باڵابەرز	قدبلند،بلند،رفیع
tame [1] *adj*	تِیم	لینی ـ پەت کریا	دست‌آموز، رام، اهلی
		بەخێوکریا ـ مل دەر	سربراه
tame [2] *v*	تِیم	پەت کەردەی ـ بەخێو	اهلی‌کردن، رام کردن
		کردن ـ ئارام کەردەی	
tangerine *n*	تَنجِرین	نارینگی ـ نەرمە نارنج	نارنگی(نوعی‌مرکبات)
tangle *n*	تَنگل	نەیەی‌شیویا ـ مووی دژیا	(مو، نخ) گره خورده
		ئالاّو ـ مویِ شێواو،لک‌کەوتن	پیچیدن
tangled *adj*	تَنگلد	پێچاوی ـ لک کەوتە	گره خوردگی،پیچیدگی
		تێک چوو ـ شیویا	
tank *n*	تَنک	کەنو ـ همارەئاو ـ تانگ	مخزن، منبع ـ تانک، زره‌پوش
		دەفری جێی (ئاونەوت) حەوز	باک
tanker *n*	تانکِر	تانکرە ـ جێی ئاو ـ گاز	تانکر،کامیون‌نفت‌کش
		یاگە نەفت و گاز	
tap [1] *v*	تَپ	زەفرەت دای ـ لێدان	ضربه آهسته نواختن / زدن
		یواش کوتان بەدەست	تلنگر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tap [2] *n*	تَپ	زەفرەتەی ئارامە-یواش	تخه، ضربه آهسته
		کوت ـ تەقەی ئارام	تکانچه
tap [3] *n*	تَپ	شێری ئاو-شێروئاوێ	شیر آب،بندآوراب
		ئاوبر	
tape *n-v*	تِیپ	قەیتان ـ شریتە	روبان، نوار، تسمه
		شریت-نەوار(بەستن)	بانوار بستن،ضبط کردن
tape - measure *n*	تِیپ‌مژر	گەزە ـ گەز ـ متر ـ میتر	متر(قابدارویژه)،نوارمُدَرج
		ئامرازی پێوانکەجەم ئەبێ	
tape - recorder *n*	تِیپ‌رکوردر	زەبت ـ تۆمارکەری	دستگاه‌ضبط‌صوت،گیرنده‌صوت
		دەنگ ـ دەنگ گیر	
tar *n*	تار	قیرە-قیر-قەترانی،لێڵ وتار	قطران، قیر،قیرزدن‌به
tariff *n*	تَرایف	هەقی گمرک بۆبار	تعرفهٔ‌گمرکی،مالیات‌برصادرات‌وواردات
target *n-v*	تارجیت(تاجیت)	قیزگە-کۆ-نیشان کردن	آماج، هدف، نشانه
		هەڵمەت-مەنزور-قرەوڵ گرتن	هدف‌گیری‌کردن
tarmac *n*	تارمَک	ئاسفاڵت ـ لمی قیردار	آسفالت،مخلوط‌قیروماسه
		ماسە و قیری تێکەڵ	
tart *n*	تارت	نانی مرەبادارمژنی بەدئخلاق، تون	نان‌مربایی،تُرش،تُندسـیـدی
task *n*	تاسک	کار ـ وەزیفە ـ هەق	وظیفه،کار،تکلیف
taste [1] *n*	تِیست	تام ـ زەوق ـ چەشە	ذائقه ـ طعم، مزه ـ ذوق،
		سەلێقە ـ مەزە	سلیقه
taste [2] *v*	تِیست	چەشین-چەشای-مەزەدان	چشیدن-طعم‌داشتن،مزه‌کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tattoo *v*	تِتوو	خاڵ کوتان ـ خاڵ کوەی (کوایِ)	خال‌کوبی‌کردن،خال‌کوبیدن
tattoo *n*	تِتوو	خاڵ ـ خاڵ کوتی	خال‌کوبی،یاددادن
taught *see* **teach**		فێرکردن ـ ئیشان‌دای	آموختن
tax [1] *n*	تکس	ماڵیات ـ کۆد ـ یارانە	مالیات،خراج،عوارض
tax [2] *v*	تکس	ماڵیات گرتن ـ ماڵیات گرتەی ـ ماڵیات‌گرتن‌لە	مالیات‌گرفتن، مالیات بستن بر
taxation *n*	تکس‌یشِن	ماڵیات ـ کۆدبەنی	مالیات،درآمدمالیاتی
taxi *n*	تَکسی	تاکسی ـ ماشینی کرێ لە شار ـ ماشینوکرهای	تاکسی
tea *n*	تی	چایی ـ چای ـ چا	چای
teaspoon *n*	تی‌اسپون	چەمچەی‌چای‌خۆرِی کەوچکی چای	قاشق چایخوری
teach *v*	تیِیچ	فێرکردن ـ ئیشان دای فێربیەی	آموختن، آموزش دادن
teacher *n*	تیِیچر	ئیشان دەر ـ مەعالم فێرکەر ـ رابەر	آموزگار،معلم،مربی،دبیر
team *n*	تیِیم	تیم ـ دەستە ـ دەسە ـ پەل	تیم،دستهٔ،گله،گروه
tear [1] *n*	تِیر	هەڵسی ـ ئەسرین ـ فرمێسک،	اشک،سرشک
tear [2] *v*	تِر	دراندن ـ درنای دڕیایِ ـ دڕان	پاره‌کردن / شدن،دُرّیدن جز دادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tear [3] *n*	تِر	دریاگ ـ دریا ـ درانەوە	پارگی،دریدگی،چاک
tease *v*	تییز	گەمەپەنە کەردەی	دست‌انداختن،مسخره‌کردن
		گاڵتەپێ کردن،لۆمەکردن	
technical *adj*	تِکنیکال	فەندیِ ـ فەنی ـ سنحەت	فنی ـ صنعتی،فن‌آوری
technician *n*	تِکنیسین	فەنیِ‌کار ـ کەسێوە	تکنیسین،فنی‌کار،فن‌آور
		کاری‌فەنیِ مکەرۆ	
technology *n*	تِکنولوژی	علمی سەنعەت ـ فەن	تکنولوژی،وابسته‌به
		ناسی ـ فەن ئەژناسی	فن‌آوری
Tehran *n*	تِهران	تاران ـ پاتەختی ئێران	تهران،پایتخت‌ایران
teeth *see* **tooth**		دیان ـ ددان ـ ددان ـ دان	دندان
telegraph *n*	تِلِگراف	تەلگراف ـ دوورنویس	تلگراف
		دوورنوس	
telegram *n*	تِلِگرام	تەلگرام ـ ناردنی پێغام	تلگرام،متن تلگراف
		بە تەلگراف	
telephone [1] *n*	تلیفون	تەلەیفوون ـ دووروواچ	مکالمه تلفنی ـ تلفن
	تِلِفون	دوورویێژ	
telephone box *n*	تلیفون‌باکس	جێی(یاگێ) تەلەفوون‌کردن	باجه تلفن
directory	تلیفون‌دایرِکتری	دەفتەری رێنموونی	دفترچه راهنمای تلفن
telephone *n*		تەلەفوون	
telephone [2] *v*	تلیفون	تەلەفوون‌کردن(کەردەیِ)	تلفن زدن / کردن
		تەلەفوون دان	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
telescope *n*	تِلِسکوپ	دووربینی تایبەت بۆ ئەستێرەناسی-دووربینو هەساران	تلسکوپ،دوربین نجومی
television *n*	تِلِویژن	تەلەفزیۆن - تلیوزیۆن دەزگای گرتن و ناردنی وێنەکان - شکڵ نما	تلویزیون(مخفف TV)
tell *v*	تِل	واتەی-وتن-خەوردای ئاشکرا کردن	گفتن، نقل کردن، خبردادن بیان کردن
temper *n*	تِمپِر	خوڵق و خۆ - مەزاج حاڵەت - تەبیعەت	خُلق، خوی، مزاج حالت روحی
temperature *n*	تمپرچِر	دەرەجەی گەرماوسەرما گەرمایلەش (۳۷درجەی C)	درجه‌حرارت،دمای‌بدن
temple [1] *n*	تِمپِل	دەیر-جەمخانە-جێی عیبادەتبۆخوداویەزان،جاینگ	معبد،عبادتگاه،گیجگاه
temple [2] *n*	تِمپِل	جاینگ - مابەینی چاو لەگەڵ گوێ،مەرقەدـدێڵ وکەنیسە	شقیقه،گیجگاه
temporary *adj*	تِمپِرِری	تاوتاو - بۆ ماوەیەک پەی تاوەی	موقتی،گُذرا،موقت
temporarily *adv*	تِمپِرِریلی	ماوەیێ - تاوەی تاوێ - بەینەی،جارێ	به‌طورموقت،موقتاً

f fall · v voice · θ thin · ð they · s so · z zoo · ʃ she · ʒ vision

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tempt *v*	تِمپت	شک‌وسه‌یِ‌ـهانه‌هانه‌دایِ	گُمراه‌واغواکردن،
		له‌شک‌خستن‌ـخامۆکه‌رده‌ی	وسوسه‌کردن،تحریک
		نه‌فس‌جوین	جنسی‌کردن
ten *n,adj*	تِن	ژماره‌ی‌ده‌ـشماره‌وده‌ی	عدد ۱۰
tenth *n,adj*	تِنس(ت)	ده‌هۆم ـ ده‌یه‌م	دهم،دهمین،$\frac{1}{10}$
tenant *n*	تِنِنت	وه‌رزیه‌ر ـ یانه‌گیر	مستأجر (خانه / زمین)
		ماڵ‌گر ـ کرێکه‌ر	
tend *v*	تِند	گه‌ره‌ک‌بیه‌ی‌ـپۆره‌یاوای	تمایل داشتن، متوجه بودن
		چاودێری کردن	پرستاری کردن
tendency *n*	تِن‌دِن‌سی	حه‌ز ـ مه‌یل ـ مل‌دای	گرایش، تمایل‌ـمیل
		کێشان به	رغبت
tender *adj*	تِندِر	ناسک ـ دڵسۆز ـ ترت	ترد‌ـحساس،زودرنج،ملایم
tenderly *adv*	تِندِرلی	به‌خوشروویی‌ـبه‌نیشات	با خوشرویی،مهربانانه
		به‌خوه‌وه، به‌چاکه‌وه	بالطافت
tennis *n*	تِنیس	تنیس‌بازیِ‌ـجۆرێک‌کایه	تنیس، بازی تنیس
		(گه‌مه) به‌ تۆپ به‌ینی	
		دوو یا چوار که‌س	
tense [1] *adj*	تِنس	ناره‌حه‌ت‌ـشێواو‌ـکات	هیجانزده ـ سفت، کشیده
		شیویا ـ ره‌ق‌وتێک‌چو	ناراحت،عصبی‌ـزمان
tense [2] *n*	تِنس	زه‌مان‌له‌ده‌ستووری‌زوان	زمان(دستورزبان)تنش‌زا
tent *n* (ره‌ش‌ماڵانی‌جاف)	تِنت	چادر ـ ده‌وار ـ خه‌یمه	خیمه، چادر،پلاس

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
term *n*	ترم	دەورەی دەرس ـ ماوەی فێربوون	دوره ـ ترم، دوره تحصیلی
		لە مەدرەسە ـ نیم ساڵ	مدت،شرایط وروابط
terms *n*	ترمس(ترمز)	شەرتێ ـ شەرتەکان	شرایط ،مناسبات
terrace *n*		جێی بەهارخەو ـ تراس ـ بانیژپرس(لێژی)	تراس،بهارخواب،شیب
terraced *adj*	ترِسد	رزەیانە ـ قەتارەماڵ، پلەکانی	ردیف، تراس‌بندی
terrible *adj*	تریبل	دەشەت دار ـ پڕلە تەرس	وحشتناک، هولناک،بد
		تەرس ئەور وخراپ	شدید
terribly *adv*	تریبلی	بە ترس ولەرز ـ بە تەرسەوە	به‌طوروحشتناک‌وبد
terrify *v*	تریفی	تەرسنای ـ ترساندن	ترساندن، وحشتزده کردن
		ترس پێدان	
terror *n*	ترر	ترس هات ـ پڕترس	وحشت،ترس،رُعب
		تەرسی،زیرە	
territory *n*	تریتوری	جێی حکوومەت کردن ـ وەڵات	قلمرو (شخص/حیوان)
		ملک ـ وەلاتی ـ ژێردەسەلاتی	خطه،ناحیه،منطقه
		ئنسان یاجانەوەر ـ خاکوو ملک	
		مەلبەند، ناوچە	
test [1] *v*	تِست	ئازمایش کەردەی	امتحان / آزمایش کردن
		تاقی کردن، محەک کردن	سنجیدن
test [2] *n*	تِست	تاقی کردنەوە ـ ئازمایش	امتحان، آزمون، تست
		تاقی کەرد ـ محەک	آزمایش،محک ومعیار

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
test tube *n*	تِست تیوب	لوولەی تاقی کردنەوە ـ لوولێ تاقی کەری جەئازمایشگا	لوله آزمایش
text *n*	تِکست	مەتنی کتێو ـ واچیا جەکتێو ـ مەتڵەبی کتێب	متن (کتاب) ـ عبارت اقتباسی نُسخه، شاهد
textbook *n*	تِکستبُک	کتێب ـ کتێبی دەرسی نامیلکە ـ کتێو	کتاب درسی، درسنامه
than *conj*	زَن (ذن)	جە ـ لە	از، نسبت به، تا، که
thank *v*	تَنک	سوپاس کردن ـ خانەئاوایِ کەردەیِ، ڕێزدانان	سپاسگزاری / تشکر کردن
thankful *adj*	تَنک فول	خانەئاوایِ ـ ڕێزلە سوپاس لە ـ ڕێزکەر ـ سپاسکەر	سپاسگزار، متشکر، امتنان
thanks *n*	تَنکس	تەشەکور ـ سوپاس ماڵئاوا، ڕێزوئەدەب	سپاس، تشکر
that *conj-adv*	زَت ـ ذت	ئانە ـ ئەوە، ئا، کەئەو	آن ـ آن (برای معرفی کردن) که
thatch *n*	تَچ	بانْ ـ سەربان ـ بانی پووشدار یاگیادار	پشت بام، بام بام گالی پوش
thatched *adj*	تَچِد (تَچد)	بانی کاگلێ ـ بانی کەرەپوداریاسمەردار ـ پووشدار	پوشالی، کاهگلی، گالی دار
thaw *v*	تو	تاویایِ ـ تاواندن ئاوکردن	(یخ و برف) آب شدن / کردن
the *adv-adj*	دِ	پیتی چت یاناوی دیاری وناسراو وەک ئەو قاڵیە ـ ئی چراوێ	حرف تعریف معین، آن، این مگر اینکه

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
theatre *n*	تیاتِر	تئاتر ـ شویٚنی تەواشا	تماشاخانه،تئاتر،صحنه
		کردنی نمایش ـ تەماشاخانە	
theft *n*	تِفت	دزی ـ تالاٚن ـ بریەی	دزدی ـ سرقت،دستبُرد
		رووتنای	
their *adj*	دِر ـ ذِر	یان ـ شان (سفەتی ملکی)	شان (صفت ملک)مال آنها
		وەک باغشان(باغیان)، منالیان	
theirs *pron*	دِرس	ماڵی ئەوان ـ ئینو ئادیشان	مال آنها(ضمیرملکی)آنها
them *pron*	ذم ـ دم	بەئەوان ـ بە ئادیشان	آنهارا،ایشان را،به آنها
		(دام بەئەوان ـ دام ئادیشان)	(حالت مفعولی)
theme *n*	تییم،تِم	بن مایە ـ ئنشا	تِم،زمینه،موضوع،انشاء
		زەمینە ـ مەوزووع	رساله کوتاه ـ بن مایه
themselves *pron*	دِم سِلوز	خۆیان ـ ویٚشان	خودشان،به خودشان
		(راناو ـ زەمیری وەرگەراو)	(ضمیرانعکاسی)
then *adv*	دِن	دماوە ـ لەدوایی	زمانی ـ سپس، بعد
		ماوەیەک، جا، پاشان	در آن وقت
theory *n*	تیِری	تئوری ـ دانیە ـ بنیەرەی علمی	تئوری، فرضیه، نظریه
		ئەقیدەی علمی ـ نەزەردان	عقیده، نگرش
there *adv*	دِر	لەئەویٚ ـ جەئاگە، لەوجا	آنجا،درآنجا،به آنجا
		(راناوی ئیشارەت)	
therefore *adv*	دِرفور	دی سا بزانە ـ جا بزانە	بنابراین،درنتیجه
		دەسابزان، جائی تر	از این رو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
thermometer *n*	ترمومیتر	گەرماوسەردائیشان دەر دەماتاقی‌کەر-ئامرازی دەما(ساردی-گرمی)	دماسنج،اندازه‌گیردما
these *pron-adj*	دییز	ئەمانە - ئینێ (راناوی ئیشارەت)	اینها،اینان(ضمیراشاره)
they *pron*	دِی	ئەوانە- ئانێ،ئادێ (راناوی ئیشارەت)	آنها (آن افراد /حیوانات /اشیاء)
thick *adj*	تیک	قاییم-ئەستوور-گازرەدار هەس-گوشراو-توێ(تۆ)	کلفت، ضخیم ـ انبوه، فشرده تیره ـ درشت، صدای خشن
thickly *adv*	تیک‌لی	تن شواریا-زۆرگوشراو قاییمی-بەجۆری ئەستوور	به طور انبوه / فشرده
thief *n*	تیف(ثیف)	دز - رووتۆکەر جەردە - چەتە،رابر	دُزد، سارق
thigh *n*	تای	ران - نەرمەو رانێ	ران(بین‌زانوولگن)
thimble *n*	تیم‌بل	ئەنگوس پۆش-دەرزی‌گیر چەن گیروقامک پۆش	انگشتانه
thin *adj*	تین	لەر - ناسک - باریک بێ تین و لاواز	نازک،باریک-لاغر،تُنُک رقیق - کم‌شُل
thinly *adv*	تین‌لی	تەر-بەکەمی-فرەناسک	به‌طورروان/رقیق،بی‌رمق
thing *n*	تینگ(ثینگ)	چت - چێو - وەزع ئەسپاو - رووداو	چیز،شیء،رویداد،عمل،اثاث

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
thing *n*	تینگس	ئەسبابێ ـ رووداوەکان	اسباب ـ اوضاع، شرایط
		پێویستەکان ـ وەزعەوکار	لباس
think *v*	تینک	فکرکەردەی(کردن)ـفامای	اندیشیدن ـ گمان کردن
		گمانکردن ـ خیاڵ کەردەی	قصد و نظر داشتن
third *n,adj*	ترد	یەک سووم ـ یەرۆم	سوم، سومین ـ یکسوم
		یک لەسێ ـ سێیەمین	سومی
thirst *n*	ترست	تەژنەی ـ تینگی ـ گەولەی	عطش، تشنگی، اشتیاق
thirsty *adj*	ترستی	تەژنەی ـ تینگ ـ تینوو، تەژنە	تشنه، عطش‌دار، خواهان
thirteen *n,adj*	ترتین	سێنزە ـ سیانزە	عدد ۱۳
		سێزدە ـ زیادبی	
thirteenth *n,adj*	ترتین‌س(ت)	سیانزەیەم ـ سێنزدەهۆم	سیزدهم، سیزدەهمین
		سێزدەیەم، یەک سێزدەیەم	یک سیزده‌ام
thirty *n,adj*	ترتی	سی ـ سیی	عدد ۳۰
thirtieth *n,adj*	ترتی‌س(ت)	سی یەم ـ سیۆم	سی‌ام، سی‌اُمین
this *pron-adv*	دیس	ئەیە ـ ئەمە ـ ئینە، ئێدە، یە	این (برای اشاره به نزدیک)
		(راناوی ئیشارەت)	به‌این، اینقدر
thistle *n*	تیسل	درێ ـ درک ـ بنجە	خار ـ بُته، خاربُن
thorn *n*	تُرن	تێخ ـ درێ ـ درگ، پێکوڵ	خار، تیغ، خسک
		چڵ ـ قوزمێخ، قولچ	
thorough *adj*	تارِق(تارِ)	کامیل ـ تەمام ـ تەواو	تمام، کامل ـ دقیق
	تِر	دەقێق، سەرتاپا	سرتاسر، ازاول تاآخر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
thoroughly *adv*	تارِقلی(تارِلی)تِرلی	یەکجاردەقیق-بەتەواوی	دقیقاً ـ کاملاً
those *adj-pron*	دئوز(دُز)	جەمعی دەت-ئەوانە،ئانێ	آنها (اشاره‌به دور)
thou *pron*	تئو	ئونێ،ئادێ،تۆ	تو (درقدیم‌بیان‌می‌شد)
though *conj-adv*	زوو-تئو	هەرچەند-جگەچانەی	گرچه، اگرچه، علیرغم
thought [1] *see* **think**	تئوت(تُت)	بێجگەم ئانە یە فکرکردن	باآنکه ـ در هرحال
		بیرکردن-فکروکەردەی	فکر کردن، خیال داشتن
thought [2] *n*	تئوت(تُت)	فکر ـ بیر ـ نەزەر ـ باوەر	اندیشه ـ نظر، عقیده
		باوەر، نیەت	قصد، نیت
thousand *n,adj*	تئوزند	ژمارەی هەزار	عدد ۱۰۰۰شماره هزار
		شمارەو هەزاری	
thousandth *n,adj*	تئوزندس(ت)	هەزاروم ـ هەزارەمین	هزارم،هزارمین،هزاره
thread [1] *n*	ترِد	نەیەـدەزگ-بەن-پەتە	نخ(ابریشمی)،رشته
		قەیتان	ریسمان
thread [2] *v*	ترِد	نەیە پۆرە کەردەی	سوزن نخ کردن، نخ کردن
		دەزک لە دەرزی کردن	
threaten *v*	ترِتن	ترساندن ـ هەرەشە	تهدید کردن، ترساندن
		وەنەکەردەی،هەرەشەکردن	هشدار دادن
threat *n*	ترِت	هەرەشە ـ تۆقنای	تهدید، ارعاب،خطر
		تەرس‌دای،ترس‌پێدان	
three *n,adj*	تریی	ژمارەی سێ-یەرێ	عدد ۳،سه تا
threw *see* **throw**	ترئو	تووردای-وسەی-فرەدان	پرت کردن ـ انداختن

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
thrill [1] *v*	تریل	حاڵ شێواندن ـ حاڵ	به هیجان آوردن
		گۆران ـ حاڵ وارای	به ذوق آوردن
		لەرزداگرتن	شوق دار شدن
thrill [2] *n*	تریل	لەرەـلەرزەـگیسنای روێ	هیجان،شور،لرزوشوق
		بەجۆش ـبگۆری سەرئامەی	
throat *n*	ترئوت	قرو ـ گلۆوە ـ قروگ ـگلو	گلوـنای،حلق،خرخره
throb *v*	ترُب ـتراَب	دڵ وەنەدای ـ دڵ	تپیدن، زدن
		لێدانـداوەنەی، ترپەهاتن	
throne *n*	ترُن	تەخت ـتەختی شاهانە	مسند،تخت(سلطنت)شاهی
		وتایوەتی،خەسرەوانی‌بار	تخت، اورنگ
through *prep,adj,adv*	ترووـسرو	لبەین ـلە ـجە ـدلێ	ازمیان ـازراه،ازطریق
		سەرانسەرـلەناو،لەرێ ی	سراسر،داخل،توری
throughout *prep*	تروواُت	لەگشتی ـجەگردی،لەهەموکات	در تمام مدت،ازهرجهت
		لەهەرکاتێ ـلەگشت بارێکەوە	در همەی
throw [1] *v*	ترئو	فرەدان ـ وسەیِ	انداختن ـ دور انداختن
		توورداىِ ـ خستن	پرت کردن
throw [2] *n*	ترئو	فرەـ وسەـ توورردان	عمل انداختن
		برک (دان)	
thrust *v*	تراست	دلێ کەردەی(ماسنایِ)	چپاندن، فروکردن
		پڕ کردن(لە ناو کردن)	تپاندن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
thrust *n*	تراست	تەپنای-گونی یاگواڵە گرتەی، تێ کردن	زورچپانی،فرویری
thud *n*	تاد	دەنگی گیراو ـ گمەگم میرەمیر، چڵپەچڵپ کردن	صدای خفه، تالاپ تاپ تاپ
thud *v*	تاد	گمەگم کەردەی-دەنگی خنکاو دەرهاوردن-میزەئامەی-میزەهاتن	صدای خفه دادن / کردن تِپ‌تِپ کردن
thumb *n*	تام	ئەنگوسەگەورێ-قامکی گەورە	انگشت شست
thunder *n*	تاندِر	ترێشقە-گرمەوهەوری هەورە ترشقە	تندر،رعد،آسمان‌غُره
thunder - storm *n*	تاندِراستُرم	برووسکەوچەخماخانی هەورویاران-لیزەمەوتۆف	توفان توأم با رعد و برق وباران شدید
Thursday *n*	ترزدِی	رۆژی پەنجشەمە-رۆو پەنشەمەی	پنجشنبه
thus *adv*	تاز	ئەپی جۆرە-بەم جۆرە،دەسا دەسا ئەبێ ـ جامەوۆ	بدین ترتیب ـ بنابراین بدین‌گونه
tick [1] *n*	تیک	تیک تیکی کات ژمێر-گەنێ تیک تیکوسەعاتێ (تاوشمار)	تیک تاک (ساعت)،ساس تیک کردن، کنه
tick [2] *v*	تیک	تیک تاک کردنی سەعات تیک کەردەی سەعاتێ	تیک تاک کردن ـ تیک کردن / زدن
ticket *n*	تیکیت	بلیت-بیتاقە، جەواز کاغذی چکۆلەبۆفروش	بلیط،جواز،برچسب

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tickle *v*	تیکل	خته‌لێ‌دای-ختکه‌دان،خوریان	غلغلک‌دادن/کردن،خاریدن
tide *n*	تاید	خواروبانی ئاوله‌ده‌لیابه	جزر و مد، کِشند
		جه‌زه‌به‌ی مانگ وخۆر	سروسامان دادن
		واروسه‌رو-ئاوه‌وده‌لیای	
tidy [1] *adj*	تایدی	رێک و پێک - جه‌م و	تمیز،مرتب،منظم‌کردن
		جۆر - ته‌میس - ته‌میز	
tidy [2] *v*	تایدی	ته‌میس‌که‌رده‌ی-مره‌ته‌ب	تمیز کردن، مرتب کردن
		کردن - ته‌میز کردن	
tie [1] *n*	تای	که‌راوات-به‌ن مل،ده‌زگ	کراوات،ریسمان،نخ
		ته‌ناف	بند
tie [2] *v*	تای	لک دای - به‌ستن	گره زدن، بستن (با نخ،...)
		بینایِ - لک دان	مساوی کردن
tiger *n*	تایگر	به‌بری هندستان - به‌بر	ببر - ببربیان
tight *adj*	تایت	به‌سراو - بینیا	بسته‌شده - محکم، تنگ
		تنڎ(تن) - مه‌حکه‌م	کیپ - بی‌سوراخ
tightly *adv*	تایت‌لی	محه‌که‌م -به‌مه‌حکه‌می	به طور محکم‌یاتنگ
		به‌تونی	
tighten *v*	تایتن	ته‌نگ کردن (که‌رده‌ی)	تنگ کردن / شدن
		محکه‌م بیه‌ی (کردن)	
tile *n*	تایل	خشت-خشته-کاشی‌ماڵ	کاشی، سفال بام
		کوزێ‌بانی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
till [1] *n*	تیل	دەخلو پوولی ـ پوولی	دخل(پول درمغازه)تااینکه
till [2] *see* **until**	آن‌تیل ـ تیل	دووکان و دەخل، تا	تا ـ کشت وکارکردن
tilt *v*	تیلت	لاربیەی-لارکردن(کەردەی)	کج شدن/کردن،سرازیری
timber *n*	تیمبِر	چو ـ چێو ـ دەسەک	الوار،چوب،تیر،درختستان
		راژەـدیمەکە،دارسان	
time [1] *n*	تایم	تاو ـ کات ـ وەخت	وقت، زمان ـ فرصت، وقت
		زەمان ـ فرسەت،سات	دور، دوره، وقت، زمان،دفعه
		دەورەـ خول،جار	ساعت / روز خاص
timetable *n*	تایم‌تیبل	بەرنامەی سەعاتەکان	جدول‌زمانی،برنامه‌زمانی
		دابەش‌کردنی‌کات‌وزەمان	زمان‌نما
time [2] *v*	تایم	دابەش کردنی زەمان‌وکات	زمانبندی کردن
		بەش کەردەی تاوەکان	زمان سنجی کردن
		وەخت بەش کەردەی	
tin *n*	تین	تەنەکە ـ قەلای	حلب ـ قلع ـ حلبی،
		حەلەوی ـ قتوو ـ قتوە	قوطی حلبی
tinkle *v*	تین‌کل	دەنگی‌زەنگولەدرهاوردن	صدای زنگوله درآوردن
		دەنگوزەنگی‌بەرئەوردەی	جرینگ جرینگ کردن
tiny *adj*	تینی	ورد ـ چکولە،ریزە	خرد، کوچولو، ریزه‌میزه
		بچووک ـ وردیکلە	
tip [1] *n*	تیپ	نووک‌ـسەرـسەرەـئەنعام‌کەل	سر،نوک،قُله،اشاره
tip [2] *n*	تیپ	ئەنعام-پوولی چای،پەند،لێژ	انعام ـ پند، توصیه سودمند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tip [3] *v*	تیپ	ئەنعام دان (دای)	انعام دادن،خلعت‌کردن
		شەواش‌کردن‌ـخەلاّتی‌دان	
tip [4] **- over** *v*	تیپ	ئالّۆچنای ـ هەڵواستن	کج کردن / شدن ـ معلق
		لارۆکەردەی‌ـلاربوون،لێژۆبیەی	کردن ـ چپه‌کردن
tiptoe [1] *v*	تیپتوو	نووکی پنجه ـ بە سەر	بانوک پنجه راه‌رفتن
		پەنجەرێ کردن‌ـبەسەر	پاورچین راه رفتن
		پەنجەرالوای،لارولەنجە کردن	
tiptoe [2] *n*	تیپتوو	بەسەرپەنجە،نووکی‌پەنجە	با نوک پنجه، نوک پنجه‌وپا
tire *v*	تایر	شەکەت بیەی ـهیلاک	خسته‌کردن / شدن
		کردن‌ـشەکەت‌کەردەی	زده و کسل شدن
tired *adj*	تایرد	شەکەت‌ـماندوو،هیلاک	خسته،وامانده،فرسوده
		مانی ـ مەنە ـ برۆبیه	از پای افتاده
tissue *n*	تیسیو	جنسی ناسک ـ کوتاڵ	پارچه / کاغذ بسیار نازک
	تی شو	یاپارچەی‌ناسک‌ـکاغەزی‌ناسک	بافت بدن ـ دستمال‌کاغذی
		(دەسماڵ کاغەزی)	
title *n*	تای‌تِل	سەروەنەـسەرخوێن‌ـنامێ	عنوان،تیتر،اسم،نام،لقب
		ناوـسەرنامەـسەرەتا،قەباڵه	مقام ـ قباله
to *prep,adv*	توو	بە ـ پەی ـ بۆ ـ تا	به، به سوی ـ به (مکانی) ـ در
		رووەو ـ بەرەو	مقابل، مقابل، در برابر ـ تا، به
toad *n*	توود	جۆرێ قرپۆق	غوک، وزغ (نوعی قورباغه)
		جۆرێوەقرواقی	

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
tobacco *n*	٠توباکتو	تەماکۆ ـ توو تن	توتون، تنباکو
today *n,adv*	تُدِی	ئیمرۆ ـ ئارۆ ـ ئەورۆ	امروز ـ امروزه، این روزها
toe *n*	توو	ئەنگووسە و پای پەنجەی پێ	انگشت پا ـ پنجه کفش / جوراب
toffee=toffy *n*	تُفی	جۆرێ شیرینی لەقەن و شیر چکلیت (مەرسووم) جەپاوەنە	(شکلات) تافی
together *adv*	تُگِدِر	پێوەرە ـ لەگەڵ یەک جەیەک وەختەنە، پێکەوە	باهم ـ همزمان، دورهم باهمدیگر
toilet [1] *n*	تویلیت	مەستەراو ـ کەناراو مۆرەزگا، ئارایش	توالت ـ آبریزگاه، توالت (آرایش)
token *n*	تووکِن	قیزگە ـ نیشانە، دیاری	نشانه، علامت، هدیه، ژتون
told *see* **tell**	تِل	نیشانێ ـ یاگێ ـ جێ	
tomato *n (toes* **جمع)**	تومیتو	تەماتە ـ تەماتێ تۆماتیز	گوجه‌فرنگی
tomb *n*	تووم	قەورە ـ قەبر ـ گۆر گۆرە ـ زیارەت ـ گڵکۆ	قبر، گور، آرامگاه
tombstone *n*	توو‌ماستون	بەردەقەور ـ سەرپۆش	سنگ قبر
tomorrow *n,adv*	تُمارُو	بەیانی ـ سوێ ـ سۆحەنە سبەینێ ـ داهاتوو، سەبا	فردا ـ آینده
ton *n*	تان(تُن)	تۆن (ئەسپابو ئەندازەگرتەی) هەزارکیلۆ ـ ئامرازی کێشان	تن (واحد اندازه‌گیری) برابربا ۱۰۰۰ کیلو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tone *n*	تئون	جۆری دەنگ ـ جۆر وقسان	آهنگ صدا، تکیه صدا، آوا
		قورس و سووکی دەنگ	طنین، نغمه ـ صوت
		حاڵە تو دەنگی، بەزمومقام	
tongs *n*	تانگز	مەقاش ـ گیرە، گاز	انبر، گیره، انبرک قند
tongue *n*	تانگ	زوان جەدلێ دەمیەنە	زبان (در دهان) سخن
		زبان لەناودەمدا ـ وتراو	گویش
tonight *n,adv*	تِنایت	ئیمشەو ـ ئێشەو، ئەوشەو	امشب
ton *n*	تئون	تۆن (یەک ئەندازەگر)	تن (واحد اندازه‌گیری)
		ئایرەوکێشای (هەزارکیلو)	هرتُن ۱۰۰۰ کیلواست
too *adv*	توو	هەروەها ـ هەرپاسە	همچنین، نیز ـ بیش از حد
		زۆر ـ فرە و فەراوان	زیاد، خیلی
took *see* **take**	تِک	بەردەيِ ـ گرتەيِ	بُردن ـ گرفتن
		گرتن ـ بردن	
tool *n*	توول	وەسیلە ـ چت ـ چێو	ابزار، وسیله، اسباب
		ئەسپاو	بازیچه
tooth *n*	توس(توت)	دیان ـ دان ـ ددان	دندان ـ دندانه، دنده، گاز
		دنان ـ ددانە، دەندەی ماشین	
toothache *n*	توت‌اِیک	دیان ئێشە ـ دان گل	دندان درد
toothbrush *n*	توت‌براَش ـ بُرش	دیان شۆر ـ مسواک	مسواک
toothpaste *n*	توت‌پیست	خەمیردیان ـ هەویری شۆردنی ددان	خمیردندان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
top [1] *n*	تاپ	نووک ـ ئاسۆ ـ تۆپە، دەر	نوک،قله،سر ـ سر،بالا،فوق
		(گرۆلیە) ـلووتە ـسەر ـبان	فرفره،کلاهک‌بخاری
top [2] *adj*	تاپ	بەرزترین ـ بان تەرین	بلندترین، بالاترین
top [3] *n*	تاپ	خلۆرتە ـجۆرە ئەسپاوێ	فرفره (نوع اسباب بازی)
		بۆکایە(بازی) خول خۆر	اوج،سرپوش بُطری
topic *n*	تاپیک	عنوان ـ مەوزووع	موضوع مورد بحث/ نوشته
		مەتڵەو، نوسراوە	مقوله، عنوان
topple *v*	تاپِل	لەرزین و کەوتنە خوار	لرزیدن و پایین افتادن
		ئەوەداریای	فرو افتادن
torch *n*	تورچ	چراقوە ـمەشعەلە جۆش	چراغ قوه،مشعل
tore *see* **tear**		چلۆسکەدراندن ـدریەی	مشعل جوشکاری
tornado *n*	تُرنیدو	گەردەلول ـ خولەبا	گردباد شدید
		باپێچە، تۆ فی دەریایی	
torpedo *n*	تُرپیدو	ئەژدەر ـکەشتی غەرق کەر	اژدر(غرق‌کننده‌کشتی)
		کەشتی ئاگرباران‌کەرلەدەلیا	
torrent *n*	تُرِنت	هەرەسە ـسەیل ـلافاو	سیل،طغیان،تُنداب
torrential *adj*	تُرنشیل	سەیل ئاسا ـهەرەس وار	سیل آسا،تندآبی
		لافاو ئاسا	
tortoise *n*	تُرتِس(تیس)	کێسەڵ ـ کیسەڵی	سنگ پشت، لاک پشت
torture *v*	تُرچِر	زەجردان (دای) ـلێدان	شکنجه کردن / دادن
		شکەنجەدای ـگازو تاوەدای ـئەشکەنجەدان	

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
torture *n*	تُرچِر	زەجر ـ شکەنجە	زجر، شکنجه، عذاب
		گازوتاوە،رەنجدان	رنج
toss *v*	تُس-تاس	خستن-جمنایِ-جواندن	انداختن،جنباندن،تکان‌دادن
		فرەدان-تل‌دایِ،راوەشاندن	غلت‌زدن
total [1] *n*	تُتل (توتال)	گشت-گردوگرد-تێکرا	جمع، مجموع،جمع‌زدن
		بەیەکەوە-جەم،هەموان	
total [2] *adj*	توتال	کامل ـ تەواو ـ تەمام	کامل، مطلق،تمام
totally *adv*	توتالی	یەکسەرە ـ یەکسەر	مطلقاً،به‌طورکامل،به‌کلی
		بەتەوایِ،بەیەکجاری	
touch [1] *v*	تاچ	تەقیایِ-هۆرتەق،تەقین‌بە	لمس کردن،دست‌مالیدن‌به
		تووش‌هاتن-دەس‌لێدان	تماس‌پیداکردن
touch [2] *n*	تاچ	دەس‌پێدەری-بۆژە-تۆزێ	لمس-قوه‌لامسه،تماس
		دەس‌لێدەری-هێزی‌وریایی‌وناسینەوە	رابطه، اندکی
tough *adj*	تاف-تُف	رەق-سەخت-جێر،محکەم	سفت، سخت ـ قوی و شجاع
		سەبوورپتەو، تەوقەبەشەر	پُرطاقت، کله‌شق
tour [1] *n*	توور-تُور	توور ـ سەفەر	تور،سفر-گردش،گلگشت
		سەیران،گوڵ‌گەشت	مسافرت‌کوتاه
tour [2] *v*	تُور-توور	سەفەر کردن ـ سیران	سفرکردن، تور رفتن
		کردن (کەردەیِ)	
tourist *n*	تُریست	تووریست-سەیرانکەر	سیاح، توریست،جهانگرد
		دنیاگێڵ ـ جەهانگەر	گردشگر

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tow *v*	توو	بوکسڵ کردن ـ کێشان	باطناب / زنجیر کشیدن
		بەتەناف یازنجیر ـ کێش کەردەی	بُکسِل‌کردن، یدک‌کشیدن
towards *prep*	تُوردز	بەرەو ـ رووەو ـ بەلای	در جهت، به سوی، به سمت
		رووبە ،بەبارێ کا	به، مقابل، نزدیک به
towel *n*	تَوِل ـ تاوُل	هەولە ـ وشکۆکەر	حوله‌دست و صورت
		حەولەی روو	
tower *n*	تاوِر	بورج – برج ـ قەلا	برج و بارو
town *n*	تَون	شار ـ ئەوەدانی ـ شارەک	شهر، شهرک، مرکزشهر
town hall *n*	تَون هُل	عمارەتی کۆرەکان لەشار،	تالار شهرداری، ساختمان
		جەمخانەوشاری، خانووی	شهرداری
		جەمبوونی مەردم لەشار	
toy *n*	تُوی	ئەسپاوبازی ـ ئەسبابو	اسباب‌بازی، بازیچه
		زەوروان ـ چێوی قۆلێ یاچتی منالانە	وسیله سرگرمی
trace[1] *n*	تریس	یاگەپا ـ جێ پێ	ردپا، اثر، نشانه
		نیشان ـ شوێن	جای چرخ
trace[2] *v*	تریس	وێنەگرتن ـ کۆپی کردن	کُپی گرفتن / کردن
		شێوەگرتەی، شوێناچون	دنبال‌کردن، ردیابی‌کردن
track[1] *n*	ترَک	جادەی بەردین ـ جادەی	جاده سنگلاخی ـ پیست
		تونین ـ شۆنە ـ جادە	مسابقات
track[2] *v*	ترَک	لە شوێن چتێ روین	ردپای حیوانی را دنبال کردن
		شۆن هۆر کەردەی	پیگیری کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tractor *n*	تڕَکتِر	تراکتۆر ـ ماشین بۆ	تراکتور
		کێشان و کشت و کاڵ	
trade [1] *n*	ترِید	تجارەت ـ سەندوفرۆشت	داد و ستد ـ تجارت ـ کار
		کار ـ پیشە ـ کاسبی	(همراه با تخصص)معامله
trade [2] *v*	ترِید	معامله کردن ـ تجارەت	تجارت / معامله کردن
		کەردەی ـ کاسبی کەردەی	خرید و فروش کردن
trader *n*	ترِیدر	تاجر ـ بازرگان	تاجر، بازرگان، سوداگر
tradesman *n*	ترِیدس‌مِن	کاسب ـ بارورەش	کاسب، سوداگر
		چت فرۆش	
tradition *n*	ترِدیشِن	دەب ـ دەستوور ـ رەسم	سنت،آداب‌ورسوم،عُرف
		باوەری گەل و هۆز	عادت‌ورسم
traditional *adj*	ترِدیشنال	ئەجدادی ـ رەگەزی	سُنتی،عُرفی
		قەدیمی‌ورەسم‌وباو	
traffic *n*	ترافیک	هاتوچوو ـ ئامە و لوا	تردد،ترافیک،رفت‌وآمد
traffic lights *n*	ترافیک‌لایتس	چراوەو رانموونی	چراغ‌راهنمایی،چراغ‌قرمز
		چرای ڕێنموونی	
tragedy *n*	تراژیدی(جیدی)	وەینام ـ نمایشنامەی	تراژدی ـ نمایشنامه
		هەرەقەتی ـ مسیبەت	واقعی /جدی،فاجعه
tragic *adj*	تراجیک	نالەبار ـ غەمگین	غم‌انگیز،مصیبت‌بار،جانسوز
		پرلە غەم ـ باروخەمان	دل‌خراش

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tragically *adv*	تراجیکالی	بە جۆری خەفەت بار	بەطورمصیبت‌باروdلخراش
		بەدڵ‌مێرپای‌وناڵەبار	
trail *n*	تریل	گاوەسن-خەت-جێگەپێ	ردنشانه،اثربردپا،راه‌باریک
		نیشان‌کرد-شۆنە،ڕێگا	جاده سنگلاخی
trailer *n*	تریلر	کاروان - ترەیلی	کاروان، تریلر،خانه‌متحرک
		گیای دیواری	
train [1] *n*	ترین	قەتاری ڕێگەی ئاسن	ترن، قطار - رشته
		قەتاری ئنسان یا	ردیف، صف
		جانەوەر - رز - رشتە	
train [2] *v*	ترین	تەعلیم دایِ (دانَ)	تربیت‌کردن،تمرین‌دادن،تعلیم
		بەخێوکردن -پەنەیاونایِ	دادن،آماده‌کردن(خود/دیگری،...)
training *n*	ترینینگ	تەربیەت-پەروەردەکردن	تربیت،تمرین،پرورش
		فرەکۆش،فێرکردی	آموزش-کارآموزی
traitor *n*	تریتر	خاین - دژ بە نیشتمان	خائن، خائن به میهن
		وولاَت-جاش-خیانەتکار	وطن‌فروش،خیانتکار
tramp *n*	ترَمپ	چۆرەکی - دەرگێڵ	آواره، بی خانمان‌ولگرد
		ئاوارە - بێ‌سەروشوێن	خانه‌بدوش،قلندر
		گەراڵ،دەڵەچە،خوێری	
trample *v*	ترَمپل	شێلایِ - تلیپاکەردەیِ	لگد / لگدمال کردن
		ژێرپێ‌خستن-شێلاندن،تلێ‌قاندن	پایمال‌کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
transfer [1] *v*	ترَنسفِر	پەنەدايِ ـپێدان ـواگوزار کەردەيِ ـسپاردن‌بە،بردن	انتقال‌دادن،جابجاشدن منتقل‌شدن
transfer [2] *n*	ترَنسفِر	سپارد ـ واگوزارکرد پەنەدا ـپێدان ـجێ‌بەجێ	واگذاری،انتقال،جابجایی حواله
transform *v*	ترَنسفورم	خۆگۆڕین،وارپای	مسخ‌کردن،تغییرشکل‌دادن
transistor *v*	ترَن‌زیستِر	رادیۆی‌بچووک ـرادیوی وردی	رادیوی‌کوچک،ترانزیستور
transitive *n,adj*	ترَن‌سِ‌تیو	فعل متعدی ـ فەرمانی مەفعوول‌دار	فعل متعدی‌یامفعول‌دار
translate *v*	تران‌سِ‌لیت	هۆرگێڵنايِ ـ وەرگێڕان هەڵگەڕاندن	ترجمه‌کردن،برگرداندن تبدیل کردن
translation *n*	ترَنسلیشن	وەرگێڕاو ـ هۆرگێڵا هۆرگێڵناو،وەرگێڕان	ترجمه،ترجمان
transparent *adj*	ترَن‌سِ‌پِرنت	ڕۆشن ـزەڕاڵ ـڕووناک	شفاف،واضح
transport [1] *v*	ترانسپورت	ئەوردوبەردەی ـ برد و گواست‌کردن ـبردن‌وهاوردن	حمل و نقل کردن ترابری کردن
transport [2] *n*	ترانسپورت	ئەوردوبەرد ـبردوگواست	حمل‌ونقل،حمل‌وترابر
trap [1] *n*	ترَپ	داو ـ تەڵێ ـ دامە تەپڵەکی ـ بەرەوەت	تله،دام،خفه،ترفند
trap [2] *v*	ترَپ	بە تەڵەوسەيِ ـ بە دام خستن ـگیرخستن ـرابرین سەفەر کردن	گیرانداختن، به تله انداختن به دام افتادن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
travel *v*	تراوِل	ڕێگابڕین،سەفەرکردن	سفرکردن،پیمودن،گشتن
traveller *n*	تراوِلر	سەفەری ـ دنیاگێڵ	مسافر،توریست،رهنورد
		جیهانگەر	
trawler *n*	ترِلِر	ئاوگەری ماهیگرتن	قایق / کشتی ماهیگیری
		کەشتی ماساو گرتەیِ	
		جۆری قایق	
tray *n*	ترِی	سینی ـسەوەتە،دەوری	سینی(چوبی،فلزی،...)دوری
tread *v*	ترِد	پاپۆرەنیای ـ شێلای	لگدکردن،پاگذاشتن روی
		تلیقاندن ـ پێ پیانیان	
		تلیپا کەردەی	
treason *n*	تریزن	خیانەت بەنیشتمان ووەلات	خیانت به پادشاه،...
		خۆفرۆش ـ وێورەش پسەجاشیگەری	خیانت ـ به‌وطن
treasure *n*	ترِژر	گەنج ـ خەزانە	گنج،گنجینه، خزانه
		تلاوگەوهەر،ئاڵتون	پُربها ـ دفینه
treasury *n*	ترِژری	خەزانەداری ـ پاسی	خزانه‌داری،صندوق دولت
		گەنج ـگەنجبانی،هماری ماڵیات	خزانه
treat [1] *n*	تریت	جەژنەـوەشی ـمیمانی	مهمانی،سور ـ لذت،حظ
		سەیران و خۆشی	کیف
treat [2] *v*	تریت	رەفتارکەردەیِ چەنی...	رفتار / درمان کردن
		دەرمانکردن،چاودێری	عمل کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
treatment *n*	تریتمِنت	رەفتار ـ تەبیعەت ـ وی	رفتار ـ معالجه، طرز برخورد
		دەرمان ـ خۆدەرمان ـ عەلاج کردن	درمان
treaty *n*	تریتی	پەیمان ـ قەوڵ ـ بڕیار	پیمان، معاهده، عهدنامه
		قەرار و پەیمان	قرارداد
tree *n*	تریی	دار ـ درەخت	درخت، دار
tremble *v*	ترمبل	ئەوەشەکیایِ ـ لەرزین	تکان خوردن، لرزیدن
		لەریایِ ـ پشکان	
tremendous *adj*	تریمِندِس	فرە گەورە ـ یەکجار	خیلی بزرگ، عظیم ـ عالی،
		زل ـ ترس دار ـ زاڵە بەر ـ زورگرنگ،	شگفت‌انگیز، جانانه
tremendously *adv*	تریمِندِسلی	بەناباوەری ـ بەعەجەیواتی	به طور شگفت‌انگیز
trench *n*	ترِنچ	درناڵە، چاڵی ـ چاڵ	گودال باریک عمیق حفر شده
		تریشکە، کیەوگۆلە	درزمین ـ گودال ـ چال
trespass *v*	ترِس‌پِس	زۆرملی کەردەیِ	تجاوز کردن، بی‌اجازه
		گوێ نەدان، قانون شکێنی	داخل شدن ـ تخلف کردن
trespasser *n*	ترِس‌پِسِر	زۆر مل ـ نە ژنەوا	متجاوز، متخلف
		ناهەق کەر، هۆرمل	
trial *n*	ترایال	تاقی کەردەوە ـ گوومەخورد	بازپرسی ـ تست، آزمون
	ترایِل	لێپرسینەوە ـ محاکێمە	آزمایش ـ مرارت
triangle *n*	ترای‌انگِل	سێ گۆشە ـ یەرەسووچ	مثلث، سه‌گوشه، سه‌ضلعی
		سێ پەل	

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
triangular *adj*	ترای‌انگیولر	یەرەسووچی-سێ گۆشە شێوە، سێ گۆش	مثلثی‌شکل،مثلثی‌سه‌گوش
tribe *n*	تریب-ترایب	هۆز - تایفە - گەل خێڵ - عێل - قەوم	طایفه، قبیله، قوم، ایل عشیره
tribal *adj*	تریبِل	عێلی - تایفەیی هۆزی،خێڵی	ایلی، طایفه‌ای، قبیله‌ای عشایری
tributary *n*	تری‌بیوتری	لەقی رووبار - باجدەر شاخە و رۆخانەی	شعبه فرعی رودخانه شاخابه
tribute *n*	تری‌بیوت	سەربەری - سەرەپەی نامنا - پێ‌بەخش باجە - باج،پوڵی باج	ستایش - پیشکشی،پول‌زور خراج،باج
trick [1] *n*	تریک	زۆڵی-فێڵ-هەتیمچەگەری نادروس - گۆڵ	کلک - شیطنت، شوخی حیله،ترفند
trick [2] *v*	تریک	خڵەتاندن-ناپیاگی‌کردن فەریودان - گۆڵدای	خقه‌زدن، کلک زدن گوشبری کردن
trickle *v*	تری‌کِل	تک‌تک‌رژیان-تکەتک‌ئامەيِ تکەکەردەيِ-تکیان‌ودەلاندن	قطره قطره جاری شدن چکیدن،نشت کردن
trickle *n*	تری‌کل	تکە تک - تکە - دڵۆپ رژانەوە-قەترەقەترەهاتن	جریان‌چکه‌چکه،جریان‌کم
tricycle *n*	تری‌سیکل	سێ‌تەکەرە-یەرەئەرادە سێ‌چەرخە	سه‌چرخه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tried *see* **try**	تراید	کۆشش و تەقالا کردن	کوشش کردن
		هەوڵ دان	
trigger *n*	تری‌گر	ماشە و تفەنگی	ماشه (تفنگ)
		ماشەی تفەنگ	
trim *n,adj*	ترایم	پۆشتە-تەدارەک‌ورازنەوە	پیراستگی - آراستگی
		تەمیس-رازانەوە-وەش‌دوخت	تزنین
trip [1] *n*	تریپ	گێڵەی-سەیران-سەفەر	مسافرت‌کوتاه،گردش،سفر
		دیدار و گەران	
trip [2] *v-n*	تریپ	خەتاکردن-ئەوەداریای	سکندری خوردن - بسر
		بەهەڵەچوون-کەوتن-هەڵە-خەتا	افتادن،پایکوبی‌کردن
triumph *n*	ترای‌امف	سەرکەوت - پیرۆزی	فتح- جشن‌پیروزی،ظفر
		بەرئەومە - شادی	
trod *see* **tread** *v*	تراد	تلناي - تلاندن	پاگذاشتن بر - پایمال کردن
		ژێرپێ خستن	
trodden *see* **tread** *v*	ترِدِ	تلێقناي - لەقەشێل	لِه‌کردن - لگدکردن
		کەردەي - شێلاندن	
trolley *n*	ترالی	ئتوبوس بەرقی	ترامولـاتوبوس‌برقی
troop *n*	تروُوپ	گەل - پەل - برەی	قشون، ارتش، سربازان
		گرۆ-سەروازی-لەشکر	دسته - گروه
trophy *n*	ترُفی	تالانی جەنگ-خەڵات	جایزه (مسابقه / بازی)
		جایزە،نیشانی سەرکەوتن	نشانِ پیروزی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
tropics *n*	تروپیکس	وەلاتی گەرمەسێر-گەرمیان	مناطق گرمسیری
		مەدار(پانی جوغرافیایی)	مدار ـ استوایی
tropical *adj*	تروپیکال	گەرمیانی-گەرمەسێری-گەرم	گرمسیری-داغ،حارّه
trot *v*	ترات	غارکردن-چوارناڵ لوایِ	یورتمه رفتن، ریز دویدن
trot *n*	ترات	چوارناڵ-غار-غاری بەتاو	یورتمه،چهارنعل روی
trouble [1] *n*	ترابل	گرفتاری ـ نارەحەت	آزردگی، آشفتگی، درد
		دەردیسەر،دڵەشورە	بدبیاری ـ نگرانی
trouble [2] *v*	ترابل	غەمگین کەردەیِ	آزرده‌ساختن / کردن
		پۆرەکوڵیای-زەحمەت‌دان	ناراحت کردن
trough *n*	ترُف(تراف)	قمەوحەیوانی-ئاوخۆرگا	آخور، آبشخور
trousers *n.pl*	ترَوزرز	پانتۆڵ ـ شەواڵ	شلوار
		پاوەرێ ـ پاتۆڵێ	
trowel *n*	تروِال	بێڵچە ـ ماڵە ـ گیواو	بیلچه(باغبانی)،مالی بنایی
		هۆرکێش	
truant *n*	تروانت	زەورۆی مەدرەسەرەم	طفل گریزپا از مدرسه
		مناڵی راکەر لە مەدرەسە	وظیفه نشناس
truck *n*	تراک	ماشینی بارِ-جێ باری قەتار	واگن ـ کامیون، بارکش
true *adj*	ترُوو	راستە قینە ـ راس	درست،صحیح،راست،اصل
		خودایی-هەرەقەتی،عەسڵ	واقعی، حقیقی
truly *adv*	ترُووڵی	لەحەقیقەت-بەراستی	به راستی، در واقع، واقعاً

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
trumpet *n*	ترامپیت	جۆرێ ساز ـ جۆرێوه	ترومپت (نوعی ساز بادی)
		شه‌یپووری‌وادەم‌سازی،بادەمێن	کُرنا ـ شیپور
trunk *n*	ترانک	ته‌موه دره‌خت ـ کۆته	تنهٔ درخت / آدم ـ چمدان
		چه‌مه دان ـ یه‌غدان	خرطوم فیل، صندوق
trunks *n*	ترانکس	تونکێ‌ـحیاپۆش، ته‌موه	مایوی شنا
		توونکه‌ی مه‌له کردن، ناوقه‌دی دار	
trust [1] *v*	تراست	باورکرن‌ـبه‌وریه‌نه‌بیه‌ی	اعتمادداشتن/کردن،توکل‌کردن
trustworthy *adj*	تراست‌ورتی	جێی باوەر ـ یاگه‌به‌ور	معتمد،امین،رازدار
trust [2] *n*	تراست	به‌ور‌ـباور‌ـئه‌قیده	اعتماد،اطمینان،توکل
truth *n*	ترووت	راستی ـ راسی ـ هه‌ق	راستی،حقیقت،صداقت
truthful *adj*	ترووتفول	راست‌وێژ‌ـساق‌ـدروست	صادق،راستگو،صدیق
try [1] *v*	ترای	هه‌وڵ‌دان‌ـکۆشش‌که‌رده‌ی	سعی کردن ـ آزمودن
		تاقی‌کردن‌ـحه‌ول‌دایِ	تلاش کردن ـ محاکمه کردن
try [2] *n*	ترای	هه‌وڵ ـ کۆشش ـ حول	تلاش،سعی،کوشش،تکاپو
		ته‌قالا، پله‌قاژێ	
tub *n*	تاب	کاسه‌من‌ـلانجینه،له‌گان	تشت (چوبی / فلزی) ـ وان
		ته‌شتی چۆین (چێوی) وان	لگن،تغار
tube *n*	تیووب	لوولێ‌ـلووله‌ـلاستیکی	لوله ـ تیوب ـ مترو
		ناسکی ته‌که‌ری ماشین‌ـمترو	استوانه ـ خرخره ـ نای
tuck *v*	تاک	قۆڵ‌هۆردایِ ـ دلێ‌نیایِ	توکردن / زدن ـ جمع کردن
		(له‌ناونیان)‌ـجه‌م‌کردن،دولاکردن(قۆڵ)	بالا زدن، چین دوختن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
Tuesday *n*	تیووزدی	سێ شه مه ـ یه ره شه مه	سه‌شنبه
tuft *n*	تافت	پۆر ـ پر ـ په ر (ریش گیا) خه رمانه، فکۆل، کلاوی که رگێ	انبوهی، پریشتی (مو، علف،...) کاکل در مرغ ـ دسته
tug [1] *v*(با **at**)	تاگ	به نق و جر کێشای ـ به زۆر کێشان ـ ته قالا که رده ی	محکم / سخت کشیدن
tug [2] *n*	تاگ	ته قالا ـ کۆشش ـ هه وڵ ئه زڵه قه ـ ناوامه کێشای	کشش ناگهانی -کوشش، تقلا
tug [3] *or* **tugboat** *n*	تاگ	که شتی یاری ده رویه ده کدار ئاوگه ری یارمه تی	یدک‌کش، کشتی یدک کش
tumble *v*	تامبل	گلێرای ـ خزای ـ که وتن له ناکا ـ ناوامه گنای ـ پاتروزکیای	به‌ناگاه افتادن، پشتک زدن غلت و معلق زدن
tumbler *n*	تامبلر	پیاڵه ـ ئاوخۆری لێوان، سه ملۆ قوا تبه ر	استکان، لیوان، معلق‌زن پشتک‌زن، اکروبات
tune [1] *n*	تیوون	مقام ـ به زم ـ ئاهه نگ	لحن، مقام (در موسیقی)
tune [2] *v*	تیوون	کۆک که رده ی ـ کۆک کردنی له مۆسیقا ـ ته نزیم کردن	کوک کردن (آلت موسیقی) تنظیم و رگلاژ کردن
tunnel [1] *n*	تانِل	نکم ـ کیه ـ کیبه ره چارۆڵه، کونه ژێرزه وی	نقب، تونل، راهرو
tunnel [2] *v*	تانِل	کیبه ره که نه یِ ـ نکم لێدان تونه یل لێدان	تونل کندن / زدن
turban *n*	تِربن	کلاو ده سماڵ ـ پێچه ی سه ر ـ فێس	عمامه، دستار، کلاه زنانه

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

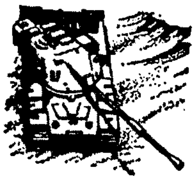
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
turkey *n*	ترکی	بەقلمە مووتە ـ بۆقلە	بوقلمون،کشورترکیه
		وەلاتو ترکیەی (تورکیا)	
turn [1] *v*	ترن	چەرخاندن ـ پێچ دایِ	چرخیدن، چرخاندن-پیچیدن،
		قەمچیایِ ـهەڵگەریان وپلیان	عوض کردن، تغییر دادن
		خولدان ـوارای ـلادای (دان) لەرێ	(جهت / موقعیت)بالغ شدن
turn [2] *n*	ترن	چەرخان ـقەمچ ـپێچ ،کار	چرخش، گردش ـ تغییر مسیر
		هەڵەوگەر ـهۆرگێل ـخول، نۆگە	/ جهت، پیچ ـ نوبت، فرصت
		بار ـلا ـنۆگە ـسوور، تەکان ـبادان	شوک، دوره، طرز
turning *n*	ترنینگ	پێچ لە جادە ـدوورێنە	پیچ، دوراهی جاده
		دووەڕایی جادەی، قەمچ وبادان	محل انحراف راه
turtle *n*	ترتل	کێسەڵ ئاوی ـکیسەڵی ئاویە	لاک پشت (آبی)
tusk *n*	تاسک	شفرە و خووگیِ ـددانی	دندان، عاج (فیل، گراز،...)
		بەراز ـ عاجە فیل	دندان دراز
tutor [1] *n*	تیوتر	لەلەودایان ـسەرپرس	معلم خصوصی (فرد /
		فێرکەری تایوەتی ـقەیۆم	کلاس کوچک)معلم خانه
tutor [2] *v*	تیوتر	دەرزدایِ تایوەتی	تدریس (خصوصی) کردن
T.V. *see* **television**		دەرسی تایبەتی دان لە ماڵ	معلمی کردن
		دایانی بۆکردن	
tweezers *npl*	توییزرز	مووکەن ـ مووکێش	موچین‌رو
		مووچن	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
twelve *n,adj*	تولو	دوانزه ـ دوازده	عدد ۱۲
twelfth *n,adj*	تولفس(ت)	دوازده مین ـ دوانزه هوم	دوازدهم،دوازده‌همین،$\frac{۱}{۱۲}$
twenty *n,adj (pl-ties)*	تونتی	ژماره‌ی بیست ـ شماره‌وبی‌سی	عدد ۲۰
twentieth *n,adj*	تونتی‌س(ت)	بیسته‌م ـ بیسوم	بیستم،بیستمین
twice *adv*	توآیس	دووجاران ـ دوێ	دوبار،دودفعه،دوبرابر
		که‌ره‌تێ ـ دووجار، دوبه‌رانبه‌ر	
twig *n*	تویگ	ته‌رک ـ شیکه ـ چڵ	شاخه کوچک،ترکه،خَس
		توولە، چڵی‌دار	
twin *n*	توین	دوانێ ـ دوانه	دوقلو،جُفت،دوتایی
		جووت ـ جفت	
twinkle *v*	توین‌کل	زریوه‌زریوکردن ـ برووکیایِ	سوسو زدن، چشمک زدن
		وریجه‌وریج‌که‌رده‌ی، درۆشان	درخشیدن،برق‌زدن
twist [1] *v*	تویست	ڕێسین ـ ڕێسان، پێچان	تابیدن / تاباندن (نخ، مو،...)
		ڕێسایِ ـ بادان، لارکردن	کج‌کردن،به‌خودپیچیدن
twist [2] *n*	تویست	بادان ـ ڕێسه ـ پێچ دا	تاب، پیچ ـ چرخش، پیچش
		خولنا، قه‌مچ و پێچ	خم، دستکاری و تحریف
twitch *v-n*	تویچ	له‌رزۆک‌بیه‌یِ ـ له‌ش له‌قێنه‌بون	بی‌اختیارتکان‌دادن،اجزاءبدن
		ته‌زئامه‌یِ ـ له‌رزین ـ ئالاوی ـ فرینی له‌ش	لرزش داشتن بدن
		خول ـ له‌قه‌فره‌که‌رده‌ی	
twitch *n*	تویچ	له‌رزۆک ـ ته‌زه ـ له‌رزه‌نۆک	تیک‌عصبی،تشنج،تکان
		داچڵه‌ک ـ گڵمۆچه ـ جه‌مۆبوون	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
two *n,adj*	توو	ژمارەی دوو ـ شمارەو دویٚ	عدد ۲
type [1] *n*	تایپ (تیپ)	جۆر ـ نۆع ـ شێواز	نوع، تیپ ـ نمونه، جور
typical *adj*	تیپیکال	جۆری راستەقینە، نمونە	تیپیک، نوعی، ویژه، خاص
		نۆعی هەرەقەتی، تایبەت	
type [2] *v*	تایپ	نویستەیِ ـ نوسان	تایپ کردن / نمودن
		ماشین کردن، ناوبۆنیان	نامگذاری و شناسایی کردن
typewriter *n*	تایپ‌رایتر	ماشینی نووسین	ماشین تحریر و نوشتن
		ماشینو نویسەیِ	
typist *n*	تایپیست	ماشین نوس (نویس)	تایپیست، ماشین‌نویس
typhoon *n*	تای‌فوون	تۆف ـ وای سرسر	توفان، تندباد در اقیانوسها
		تۆفان ـ تون باله دەلیاکان	
tyrant *n*	تایرنت	مرۆڤی زاڵم ـ پیای زاڵم	شخص مستبد ستمگر
		ونابەکار ـ حاکمی زاڵم	ظالم
tyranny *n*	تیرنی	دەوڵەتی ئستبدادی	حکومت استبدادی، جور و ظلم
		دڵوەتی دژمەنو ئازادی	بیداد و درندگی
		حکوومەتی زلم، بیٚ داد و جەور	
tyre=tire *n*	تایر	تەکەر ـ ئەرادە ـ تایر	تایر، لاستیک چرخ
		هەڵقە لاستیک	حلقه لاستیک
tyro=tiro *n*	تایرونو	کارنەزان، تازەکار، گوندەوکەگیر	مُبتدی ـ آدم ناشی، نوچه

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
tzar=czar *n*	سزار=تزار=زا	له قه بی شا کانی روس	لقب‌پادشاهان روسیه
tyrawe *n*	تیراوێ	زامی تیر و خه نجه رکه له	زخم‌عفونی‌حاصل‌ازخنجر
		مێژه وه، له هه ورامان، ناوی	وتیرزهری‌که‌دراورامانات
		تیراویٚ بوه وه داروی عیلاجی،	درقدیم‌مرسوم بوده
		که‌م بوه چون تیره کان سه‌می بوون	
tylakow *n*	تی‌له‌کو	تیله کۆناوی ناوچ ییٚکه‌له‌ده	نام منطقه و یک ایل
		وروبه‌ری شاری سه‌قز و نێوی	سلحشور کُرد در بین سقز و
		طایفه یه‌ک کوردی جاف له‌ومه	دیواندرّه با مرکزیت ایرانشاه
		لبه نده یه که له سه رده‌می ئاشوریه	می‌باشد که عده‌ای در عهد
		کان تیل یا خاکه تلاٚیان له وناوچه	سلجوقیان به اطراف یاسوج
		ده رهیناوه و ئه‌م وشه ئاشوریه	نقل مکان کرده‌اند و در عهد
		یانی کێوی تلاٚدار	آشوریان خاک طلا در این
			منطقه استخراج میکرده‌اند که
			Tylakow
			(تیلکو) یک‌کلمه‌آشوری
			وازدوبخش: تیل‌یعنی‌خاکه طلاو
			کۆ یعنی کوه تشکیل‌شده‌است

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet



TANK



TEAPOT



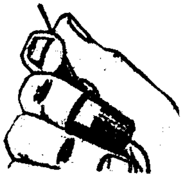
TIGER



TRUMPET



TELESCOPE



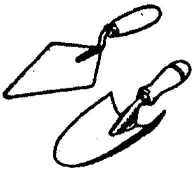
THIMBLE



TIARA



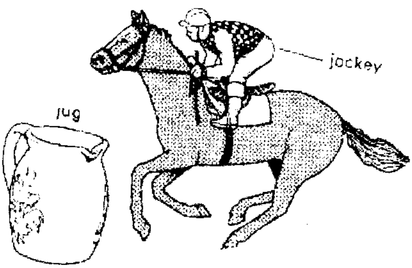
TURBAN



TROWELS



TORCHES



U u

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
U	یو	بیست و یه که مین پیتی ئه لفبا	بیست‌ویکمین‌حرف‌الفبای‌انگلیسی
ubiquitous *adj*	یوبی‌کوی‌تِس	هه میشه حازر له هه رجێ	حاضردرهمه جا
udder *n*	آدِر	گوانی حه یوان	پستان گاو و غیره
ugliness *b*	آگلی‌نِس	ونتاڵی ـ قه ڵبی	زشتی،بدقیافه،کریه
ugh *int*	اُ ـ اوخ	ناشیرین ـ بێ فه ری ، ئۆ	اُخ ـ اُه
ugly *adj*	آگلی	خوێن تاڵ ـ ونتاڵ	زشت، کریه،زننده
		دێو ئاسا، بێ فه ڕ	قبیح
umbrella *n*	آم‌برِلا	چه تر، چه تره	چتر
umpire *n*	آم‌پایر	سه رگه مه کا یه بین ـ سه رحوکم	داورمسابقه،میانجی،داوری‌کردن
unable *n*	آن‌ایبل	زایف ـ عاجز، نه زان کار	ناتوان (در انجام کاری)
unanimous *adj*	یونَنی‌مِز	هه م قسه ـ هه م فکر ـ هاو نه زه ر	همرأی،به‌اتفاق‌آراء
uncertain *adj*	آن‌سِرتن	دوو شک ـ گمی ـ نا مه علووم	نامطمئن،مردد،نامعلوم
uncle *n*	آن‌کل	لالۆ ـ مامۆ ـ خاڵۆ	عمو، دایی، شوهر خاله / عمه
		مام ـ شوی پوور ـ شو دێدێ (مه تیه)	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
uncomfortable *adj*	آن‌کام‌فورتبل	نارەحەت ـ خەم‌بار	ناراحت،ناراحت‌کننده،معذب
uncommon *adj*	آن‌کومِن(کامِن)	نالەبار ـ نارێک،کەم،نەوی	غیرعادی،کمیاب،نادر
unconscious *adj*	آن‌کون‌شِز	بێ‌هۆش ـ غافڵ،بی‌خەبەر	بیهوش ـ غافل،ناآگاه
uncover *v*	آن‌کاوِر	پەنەزانای ـ دەرکەوتن	کشف کردن/ نمودن
under *prep,adv*	آن‌دِر	چێر ـ ژێر ـ کەمترلە،پابەند	زیر،پایین ـ کمتراز،زیرین
		خوارتر ـ وارتەرجە	پایین‌تراز ـ زیرنظر
undergo *v*	آن‌دِرگو	تاقەت‌بەردەی ـ سەبرکردن	تحمل کردن ـ تن در دادن
undergraduate *n*	آندرگراجوات	دانشجۆ ـ مەدرەسەیی	دانشجوی دانشگاه ـ محصل
underground [1] *adj,adv*	آندرگرَوند	ژێرزەوی ـ چێرزەمین	زیرزمینی ـ زیرزمین،افراطی
underground [2] *n*	آندرگرَوند	ژێرفر ـ مترو ـ قەتاری	متروقطارزیرزمینی
		ژێرزەوینی	
undergrowth *n*	آندرگروث	ژێررواو ـ چێرسەوزبیە	زیرزُست،گیاهان زیردرختان
underline *v*	آندرلاین	هێڵ ژێرکێشان ـ خێت	خط کشیدن زیرچیزی
		چێرکێشایِ،مالوم‌کردن	تأکید کردن
underneath *prep,adv*	آندِرنیث	ژێر ـ چێری،خوار ـ وار	زیر ـ پایین ،زیرین
understand *v*	آن‌دِرس‌تَند	زانایِ ـ فامین	دانستن، فهمیدن
		حاڵی‌بیەی ـ زانین	قلق چیزی را فهمیدن
understanding *n*	آن‌دِرس‌تندینگ	فام ـ شعوور ـ دەرک	فهم،درک،برداشت،شناخت
undertake *v*	آندِرتِیک	بەمل‌گرتەیِ ـ قەبووڵ‌کردن	تعهدکردن،پذیرفتن
underwear *n*	آندِرور	چێرپۆش ـ ژێرلیباس	زیرپوش،لباس‌زیر،زیرشلوار
undo *v*	آن‌دو	لکۆکەردەی ـ تلیشنای	گره‌باز / شل کردن
		شل‌کردن ـ زازکردن،لەکارخستن	خُنثی و باطل کردن

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
undoubtedly *adv*	آن‌دوتیدلی	بیٚ شک ـ بیٚ زه‌ن	مطمئناً،بدون‌شک
		بزانه ـ حتم‌بزان	
undress *v*	آن‌درِس	لیباس به‌رئه‌ورده‌ی	لباس دراوردن /کندن
		جل ده‌رهاوردن،روتوٚبون	لُخت شدن
uneasy *adj*	آن‌ازی	په‌که‌ر-په‌شیٚو-خه‌مین	دلواپس،نگران،بی‌آرام
uneasily *adv*	آن‌ازلی	به‌په‌که‌ری-به‌په‌شیٚوی	بادلواپسی،بابی‌قراری
unemployed *adj*	آن‌ام‌پلوید	بیٚ کار ـ به‌ره‌ڵڵا ـ به‌تاڵ	بیکاروبی‌مصرف
unemployment *n*	آن‌ام‌پلویمنت	بیٚ کاری-به‌تاڵی،وه‌یلانی	بیکاری،بی‌شغلی
uneven *adj*	آن‌اون	قوٚقز، نارێک، ناساف	ناهموار،نامسطح،ناصاف
unexpected *adj*	آن‌اگزپکتد	ناباوه‌ر ـ بیٚ باوه‌ر	غیرمنتظره،پیش‌بینی
		ناوامه ـ له‌ناکاو	نشده
unexpectedly *adv*	آن‌اگزپکتدلی	به‌نابه‌وری-بیٚ ئنتزاری	به طور غیرمنتظره، به صورت
			غیر مترقبه
unfair *adj*	آن‌فِر	ناهه‌ق ـ ناعادڵانه	ناعادلانه،تبعیض‌آمیز
unfasten *v*	آن‌فاسِن	وازکردن ـ شل‌که‌رده‌ی	شل کردن، باز کردن
		به‌ره‌دای-ئه‌وه‌که‌رده‌ی	
unfold *v*	آن‌فولد	ده‌موٚدریه‌ی-لای چتیٚ	لای چیزی را باز کردن
		وازکردن‌به‌رووسه‌یی داخستن	پهن‌کردن وگستردن
unfortunate *adj*	آن‌فورچنت	بیٚ به‌خت ـ داماگ	نگونبخت،بدشانس
		چاره‌سیاو،به‌دشانس	بداقبال
unfortunately *adj*	آن‌فورچنتلی	به‌بیٚ شانسی-به‌داماگی	بدبختانه،باکمال‌تأسف

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
unfriendly *adj*	آن‌فرِندلی	ناپیاوانه ـ دوور جه	غیردوستانه،نامهربان
		ره‌فیقی،سه‌رد	سرد ـ نجوش
ungrateful *adj*	آن‌گرِت‌فول	ناسپاس ـ ناشوکر	ناسپاس،سفله
unhappy *adj*	آن‌هَپی	ناشاد ـ خه‌مین ـ مه‌لوول	غمگین،محزون،ناشاد
unhealthy *adj*	آن‌هِل‌سی	دوورجه‌پاکی ـ ناته‌میس	غیربهداشتی،زیانبخش
uniform *n*	یونیفورم	جۆری لیباس ـ لیباسیّوه	لباس‌فرم،یونیفورم،یکدست
		ته‌یوه‌تی (یه‌کجۆر)،وه‌ک یه‌ک	یک‌جور ـ هم‌شکل
union *n*	یونیِن	یه‌کیه‌تی ـ یۆگری	وحدت، اتحاد ـ اتحادیه
		یۆیی ـ پیّکه‌وه	همبستگی ـ وصلت
unique *adj*	یونیک	بی‌نه‌زیر ـ جیاواز	یگانه، یکتا،تک
		به‌س یه‌ک ـ ته‌نیا یۆ ـ تاقانه	بی نظیر
unit *n*	یونیت	یۆ ـ یه‌کیّ ـ ده‌سه‌ی ـ ده‌سیّ،به‌ش	یک ـ عدد ـ دانه ـ قسمت
unite *v*	یونایت	یه‌کیّ کردن ـ یۆبیه‌یِ	متحد کردن / شدن / ساختن
		یۆکه‌رده‌ی، یه‌ک‌گرتن	به‌هم‌پیوستن،یکی‌شدن
universe *n*	یونیوِرس	دونیا ـ دنیا ـ جیهان	عالم‌هستی،جهان،کیهان،گیتی
universal *adj*	یونیوِرسال	دنیایی ـ گشتی،عاله‌مگر	جهانی ـ همگانی،عمومی
		ئینووگردیِ ـ جیهانی	
university *n*	یونیوِرسیتی	دانژگا ـ دانشگا،زانکۆ	دانشگاه،مدرسه‌عالی
unjust *adj*	آن‌جاست	ناهه‌ق ـ نادرووس	ناعادلانه، غیرمنصفانه
		بیّ‌عه‌دلی	ناروا
unjustly *adv*	آن جاستلی	به‌نادرووسی ـ به‌ناهه‌ق	به‌طورغیرمنصفانه‌وناروا

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
unkind *adj*	آن‌کایند	دڵ‌ڕەش ـ ناکۆک، کەم‌میل	نامهربان،کم‌لطف،بی‌محبّت
		بێ‌شەوق ـ بی‌لوتف	
unknown *adj*	آن‌ناون(نون)	نەژناس ـ نەناس یا ـ نەناس	ناشناس،ناشناخته،غریبه
unless	آن‌لس	سامەگەر ـ جگەئانەیە	اگرنه ـ مگراینکه، جز آنکه
		دەبێ ـ مەگەر، بێجگە	جز
unlike *prep*	آن‌لایک	دژی ـ پێچوانە ـ غەیرو	برخلاف،غیر،ناشبابه
unlikely *adj*	آن‌لایک‌لی	دوورلەـ جەباوەری‌دوور	بعید،نامحتمل،باورنکردنی
unload *v*	آن‌لود	بارداگرتن ـ بارئەرەگرتەیِ	بارخالی‌کردن،قالب‌کردن
unlock *v*	آن‌لاک	قوڵف ئەوە کەردەیِ	(باکلید)بازکردن،گشودن
		قوڵف‌وازکردن ـ بەکلیل‌وازکردن	
unlucky *adj*	آن‌لاکی	بەدیۆمن ـ ناموبارەک	نحس،بدیُمن،بدشانس
		بەدشانس ـ نەحس‌نگبەت	
unnecessary *adj*	آن‌نِسسیری	بەکارنامە ـ بەکەڵک‌نەهات	غیرضروری،نالازم
		زەرورنەبون	
unpack *v*	آن‌پَک	خاڵی‌کردن ـ خاڵی‌کەردەیِ	خالی‌کردن‌وبازکردن(چمدان)
unpleasant *adj*	آن‌پلزنت	ناخۆش ـ ناشاد ـ خراو	ناخوشایند،زننده،ناگوار
unpleasantly *adv*	آن پلزنتلی	بە ناشادی ـ بەخراوی	به طور ناخوشایند، به طور
		بەناخۆشی	نامطبوع
unreasonable *adj*	آن‌ریزن‌ابل	نالەبار،ناماقوڵ، ناجۆر	نامعقول،زیاده
unreliable *adj*	آن‌رلی‌ابل	بێ‌ئتمینان ـ باوریەنەنەویە	نامطمئن،غیرقابل‌اطمینان

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
unsafe *adj*	آن‌سی‌ف	پڕخەتەر - بێ ئەمنی	ناامن،خطرناک،ناآرام
		مەترسی دار	
unsatisfactory *adj*	آن‌ساتیس‌فاکتِری	ناکۆکی - ناڕەزایەتی	غیررضایتبخش،بد
		ناباشی	
unsteady *adj*	آن‌اِستدی	شل - فش - ناپتەو	شست،ناپایدار،بی‌ثبات
		بێ مەزاج	
unsteadily *adv*	آن‌اِستدیلی	بەناپتەوی - بەفشی	به صورت ناپایدار
		بە جار و بار	
unsuitable *adj*	آن‌سویتبل	ناجۆر-ناشایس-نالەبار	نامناسب،ناجور،ناشایست
untidy *adj*	آن‌تایدی	ناڕێک-شیویا-شێواو	نامنظم،به‌هم‌ریخته،نامرتب
untidily *adv*	آن‌تایدیلی	بە شێواوی - بەشپرزی	به طور نامنظم / نامرتب
untie *v*	آن‌تای	لک ئەوە کەردەی-لک واز	گره... را باز کردن
		کردن-گرێ وازکردن، سامان دان	حل و فصل کردن
until *or* **till** *prep,conj*	آن‌تیل	تا - تاکوو	تا،تااینکه،تاوقتی‌که
untrue *adj*	آن‌تروو	نادروس-نابەجا-نادرۆس	نادرست،غیرواقعی،بی‌وفا
unusual *adj*	ان‌یوژوَل	عەجەیو-دوورجەئەقل	غیرعادی،خوق‌العاده
unusually *adv*	آن‌یوژوَلی	بە جۆری ناباوەڕ	به طور غیرعادی‌وعجیب
		بەعەجەیباتی	
unwell *adj*	آن‌وِل	نەوەش-ناساق-نەخۆش	مریض،بیمار،ناخوش،بیمارگونه
unwiling *adj*	آن‌ویلینگ	بێ مەیلی-نارازی-نارەزا	بی‌میل،ناراضی،ناخواهان
unwillingly *adv*	آن‌ویلینگ‌لی	بەبێ مەیلی، بەدڵ ناڕازی	با بی‌میلی‌وناراضی

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
unwind *v*	آن‌ویند	لک وازکردن‌ـلک ئه‌وه	گره... را باز کردن
		که‌رده‌ی‌ـوازکردن،بواردن	تمدد اعصاب کردن
unwise *adj*	آن‌وایز	بێ ئه‌قڵ ـ بێ شعوور	بی شعور ـ غیرعاقلانه
		بێ فکر	
up *adv,prep,adj*	آپ	بان‌ـجه‌ـبه‌ـجه‌سه‌ر	بالا، از / به / در بالا، به / در
		له‌بان	حالت ایستاده / برخاسته
up to date *adj*	آپ‌تودِیت	تازه ـ نۆ ـ نوێ	مدرن،جدید،تازه‌ـبه‌روز
upwards *adv*	آپ‌وِردز	روبه‌بان‌ـروبه‌سه‌ر	برفراز(آسمان،...)به‌بالا
uphill *see* **hill** *adj*	آپ‌هیل	سه‌ره‌وژوور‌ـسه‌ره‌وکوو	سربالایی،به‌طرف‌قله
upon *prep*	آپ‌آن(اپان)	له‌رووی‌ـبانی‌ـسه‌ر‌ـبه	بر،به‌روی،بالای،نزدیک
upper *adj*	آپِر	بانگ ـ سه‌ری ـ بانتر	بالاتر،فوقانی،بالایی،بلندتر
upright *adj*	آپ‌رایت	قنج‌ـراوه‌ستاو‌ـکۆڵه‌که	عمودی،راست،قائم،شریف
upset *v*	آپ‌سِت	هۆرده‌رده‌ی‌ـهه‌ڵدێران	چپه کردن/شدن،وارونه کردن
upside-down *adj*	آپسایدداون	هۆرۆگێلاً ـ ژێروبان	وارونه ـ به طور معکوس
		هه‌لۆگه‌ریا،شێواو	زیرورو ـ آشفته
upstairs *see* **stairs** *adj*	آپ‌استِرز	سه‌رخان‌ـقاتی‌بان‌ـسه‌ره‌وه	طبقه‌بالا،بالای‌پلکان
urge [1] *v*	اِرج(اِج)	بێگاری گرته‌ی ـ به	وادار به انجام کاری کردن
		زۆربه‌کارکێشان،زۆرهێنان	اصرارکردن
urge [2] *n*	اِرج	شه‌وق‌ـمه‌یل،زۆرحه‌ز	اشتیاق،شوق‌ـاصرار،میل‌زیاد
urgent *adj*	اِرجنت‌لی	زوو ـ فره مهێم ـ زۆر	فوری‌ـخیلی‌مهم،مُصر
	اِرجنت	به‌که‌لک،سمج	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
urgently *adv*	اِرجنتلی	بەفررە - بە توندی	به صورت اورژانس
		بەپەلە ـ ئورژانسی	بافوریت
us *pron*	آس	بەئێمە ـبەهەمە ـپێمە	مارا،بەما،خودمان
use [1] *v*	یوز-یوس	بەکاربردن ـبەکار	بەکاربردن،مصرف‌کردن
		بەردەیِ ـ کەڵک بردن	استفاده‌کردن
used *adj*	یوزد	کارکەردە ـ بەتاڵ	کار کرده، کهنه، قراضه
		کۆنە	
use [2] *n*	یوز	ئستفادە ـ فەیدە	مصرف، استعمال، کاربرد
		کەڵک - بەهرە،نیاز	فایده،نیاز ـروال
useful *adj*	یوزفول	باش ـخاس ـخەیردار،چاک	مفید،سودمند،به‌درد‌خور
usefully *adv*	یوزفولی	بەخاسی ـ بەباشی	به‌طورسودمند،به‌مفیدی
		بەچاکی و عالی	
useless *adj*	یوزلِس	بێ‌سود ـبێ‌فایدە،بێ‌عورزە	بی‌مصرف،بی‌فایده،بی‌اثر
uselessly *adv*	یوزلِس‌لی	بەبێ‌سوودی ـبەبێ‌کەڵکی	به‌صورت‌بی‌مصرف‌وبی‌اثر
used to [1] *adj*	یوزدتو	عادەتکەردە ـچەشتەبە	آشنابا،معتادبه،مجبوربه
used to [2] *v*	یوزدتو	عادەتبیەیِ ـ عادەت	عادت‌داشتن،مجبوربودن
		کردن (بوون)فێربوون‌بە	خوگرفتن
usual *adj*	یوژوآل	هەمیشەیی ـوەک جاران	مرسوم، معمول، عادی،
		رەسم ـ عادەتی	همیشگی
usually *adv*	یوژوآلی	بەعادەت ـ فرەو	به طور معمول، معمولاً
		جاران ـ هەمیشە ـدایم	

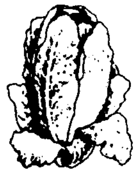
ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
utensil *n*	یوتن‌سل	ده‌فر ـ چێوێ ـ شت	وسیله، ابزار (ضروری)
		ئامراز و ئه‌سپاو	ظرف، ابزارآشپزخانه
utmost *adj,n*	آت‌موست	فره‌ته‌رین ـ زۆرترین	بیشترین، دورترین، حداکثر
utter [1] *v*	آتِر	وتن ـ قسه‌که‌رده‌ی ـ باس‌کردن	گفتن، صحبت‌کردن، ذکرکردن
utter [2] *adj*	آتِر	ته‌مام ـ ته‌واو ـ کامیل	کل، کامل ـ صرف، تام، سراپا
utterly *adv*	آتِرلی	به‌ته‌مامی ـ به‌ته‌واوی، هه‌مو	به‌طورکل، کاملاً، سراپا
uvula *n*	یوویول	زمانی چکۆله‌ی ناوقرو	زبان کوچک ـ ملازه
uxorious *adj*	آکسرِیس	ماڵو مناڵ دۆس	عیال‌پرست، زن‌دوست
uzbekistan	اُزبکستان	وه‌ڵاتی ئوزبه‌کستان	کشور ازبکستان
uzhin *v*	آژین	ئاژین‌که‌رده‌ی، ئاودان	به‌آب‌بستن‌مزارع‌وباغ‌ها


CARROTS


CAULIFLOWER

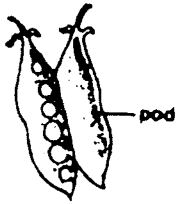

BRUSSELS SPROUTS


LETTUCE

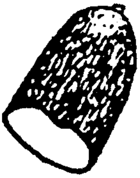

ONION

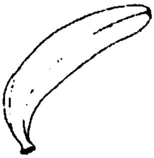

LEEK


CASSAVA

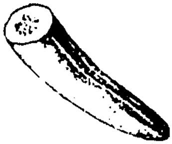


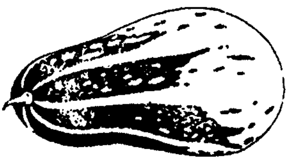
PEAS


YAM

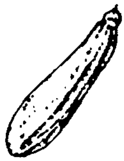

PLANTAIN

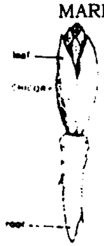

PAPRIKA

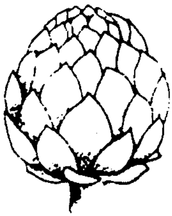

CUCUMBER

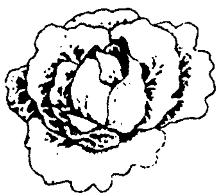

MARROW


TOMATO


ZUCCHINI


CHICORY


GLOBEARTICHOKE


CABBAGE


EGGPLANT

V v

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
V	وی	بیست و دووەمین پیتەوئەلفبای	بیست‌ودومین حرف الفبای انگلیسی
va *n*	وا	ناوی خودای باران لەهەورامان	باد ـ وا ـ با
vaw(vow)	وناو-وئو	ناوی خودای دڵداری و	نام یکی از هفت یار اهورامزدا
		زەماوەندلەهەورامانی کۆن ـ وئۆ	و الهه‌ز ناشویی در اورامان
vacancy *n*	وِی‌کِن‌سی	روتبە ـ جێی خاڵی	پست / مقام خالی
		بێکاری، پوستی خاڵی ئیدارە	اطاق خالی
vacation *n*	وِکِشِن	مەرەخەسی ـ تەحتیلی	مرخصی، تعطیلی - استعفا،
		دەس کێشی ـ خەلاسی لە کار	کناره‌گیری ـ فراغت
vacuum *n*	وَکیوم	بێ هوا ـ خاڵی لەهەوا لوشەر	خلأ (فضای تهی از هوا)، مکنده
vague *adj*	ویگ	نەناسراو ـ نەژناس	مبهم، گنگ، نامشخص
		نامەعلووم و بینیا	سربسته
vaguely *adv*	ویگلی	بەنامەعلوومی ـ بەناسراوی	به‌طور نامشخص وگُنگ
vain *adj*	وین	بێ سوود ـ قۆز ـ بەتاڵ	عبث، بیهوده ـ خودپسند
		فیزن، پوچ	بی‌ثمر ـ پوچ
vanity *n*	وَنِتی	قۆزی ـ جەوی رازی ـ قۆتی، فیز	خودپسندی، غرور ـ پوچی
valley *n*	وَلی	دەرە ـ شیو ـ دۆڵ ـ وادی	دره، میان تپه / کوه
value [1] *n*	وَلیو	قیمەت ـ نرخ ـ نەرخە	ارزش، بها، قیمت، قدر
valuable *adj*	وَلیوابل	قیمەتی ـ عەنتیک ـ بەکەڵک	قیمتی، گرانبها، ارجمند

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
value [2] *v*	وَلیو	قیمەت پەنەدای	ارزش گذاشتن / دادن
		(کەڵک ـ ئەرزش)دان	قدر دانستن
van *n*	وَن	باری ـ بارکێش ئالآدار	وانت باری سرپوشیده
vanish *v*	وَنیش	نقم‌بیەیِ ـ ون‌بوون(گم)	ناپدید شدن، محوگشتن
vapour *n*	واپئور(واپور)	مژ ـ تەمە ـ هەڵم وگاز	بخار،مه‌ـگاز ـ دمه
varnish [1] *n*	وانیش	بریقە دان ـ بریقە	روغن‌جلا‌ـلعاب،براقی
		شەوق ـ لەعاو	
vary *v*	وِری	وارای ـ گۆڕین	تغییر کردن / دادن
		جۆراوجۆر ـ گۆڕیان	کم و زیاد کردن
variety *n*	وِری‌تی	جۆر بە جۆر ـ نەوع	واریته ـ تنوع ـ گوناگونی
		جۆر	گونه ـ جور ـ نوع
various *adj*	وِریس	فەرق دار ـ جۆرانجۆر	گوناگون،متفاوت‌ـرنگارنگ
vase *n*	واز	دەفر ـ گوڵدان	گلدان،ظرف زینتی
		یاگەگوڵ	
vast *adj*	واست	وازێح ـ یک‌جار پان	خیلی بزرگ ـ وسیع، پهناور
		وەرولاو، زۆربەرین	
vault [1] *n*	وُلت	تاق ـ گمەز ـ وڵە	سردابه،خزانه،تاق‌قوسی
		ژێرزەوی،سەرداو	
vault [2] *v*	وُلت	پرای – پەڕین	پریدن، جستن، جهیدن
		بازبەردەیِ،قونین	
vegetable [1] *n*	وِجی‌تبل	گیواو ـ سەوزی ـ گیاه	سبزی ـ نبات،گیاه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
vegetable [2] *adj*	وِجی‌تبل	گیاهی ـ سەوزای ـ گیواوی	گیاهی، نباتی
vehicle *n*	وی‌کل	رابەر ـ وێلوەر	وسیله نقلیه، خودرو
		خۆچوو ـ ڕێرەو	
veil [1] *n*	ویل	رووبەند ـ رووپۆش	روبند،نقاب،مقنعه،پوشش
veil [2] *v*	ویل	رووپۆشان ـ پۆژنای	روبند زدن،نهان‌کردن
		روەپۆشای،روبەنددان	
vein *n*	وین	سیارەگ ـ سیاورەگ	سیاهرگ،وریدبرگبرگ،خُلق
velvet *n*	ولِ‌ویت	مەغمەڵ ـ مەخمەڵ	مخمل، پارچه مخملی
verandah *n*	وِرَندِ	هەیوان ـ ئەیوان،بانجێلە	سایبان (خانه)، ایوان
		بەرماڵودەرک	
verb *n*	وِب	فەرمان، فێعله	فعل
verdict *n*	وِدی‌کت	نەزەرـفتوا،حوکمی دادگا	حکم،رأی،فتوی،داوری
verge *n*	وِج	قەراخ ـ لێوـ لچ،دەور	کناره،لبه،مرز،آستانه
verse *n*	وِرس	شێعر ـ هۆنراوە ـ نەزم	بیت ـ شعر، نظم ـ آیه
		شێعری	مصراع
version *n*	وِشن‌ـوِژن	وەرگێراو ـ هۆرگێڵنای	نسخه‌وگزارش‌ـتفسیر،ترجمه
		باس ـ عەرزە و حاڵ	متن
versus *prep*	وِسس	جه وەرانوەر ـ له	مقابل، علیه، برضد
		بەرانبەر ـ دژبە ـ زد	در برابر
vertical *adj*	وِتیکل	قنج ـ ڕاوەستاو	عمودی،راست،قائم‌ـعمود
		ئەرەمندرا، قیت	خط عمودی

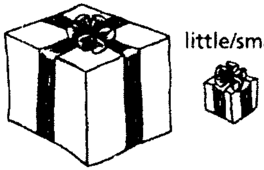
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
very [1] *adv*	وری	فره‌زۆر-په‌ر-خه‌یلێ	خیلی ـ بسیار
very [2] *adj*	وری	ئه‌م‌وئه‌و ـ ئێدوئاد	همان،همین،درست‌همان
		حه‌ساوی، ئه‌وه	
vessel *n*	وزل	ده‌فر ـ که‌شتی ـ ئاوگێل	ظرف ـ کشتی، قایق
		ره‌گ	رگ ـ ناو
vest *n*	وست	ژێرکراس-چێرگجی-سخمه	زیرپوش،جلیقه
veterinary *adj*	وِتِنری	دامپزشک-دوکتوری ئاژه‌ڵ	دامپزشک،دامپزشکی
via *prep*	وآی،وی	جه‌راو-له‌رێی-له‌لایان،له‌گه‌ڵ	توسط-ازراه(...سفرکردن/بردن)-با
vibrate *v*	وآیبریت	هاتووچووکردن-جووڵیای	ارتعاش / نوسان داشتن
vibration *n*	وآیبرشن	سه‌رووار-جووڵه‌جوول	ارتعاش، لرزه،لرزش
		له‌رز ـ جم	
vicar *n*	وی‌کر	باتی-جێ‌نشین-یاگه‌نشین،میتران	جانشین،کشیش‌محل،مُطران
vice *prep*	وآیس	گونا ـ عه‌یب ـ تاوان	گناه-عیب،نایب،فحشاء
vicinity *n*	وی‌سی‌نی‌تی	قه‌راخ-نزیک-ده‌وروبه‌ر	حومه-مجاورت،نزدیکی،گرداگیر
victim *n*	ویک‌تیم	فیدا ـ قوربانی	قربانی،گل‌خورده،مصدوم
victorious *adj*	ویک‌تریز	پیرۆز ـ سه‌رکه‌وته	برنده،پیروز،پیروزمندانه
		به‌رئامه	
victory *adj*	ویک‌تری	سه‌رکه‌وت-به‌رئامه-به‌رد	پیروزی(دربازی/جنگ)فتح
video *n*	ویدئو	ده‌زگای ویدیۆ،دیتنی	فیلم/دستگاه‌ویدئو،دیداری
view *n*	ویو	دیمه‌ن-نه‌زه‌ر-بیروباوه‌ر	چشم‌انداز-نظر،عقیده،نظریه
vigorous *adj*	ویگرس	به‌هێز-قوه‌ت-گوربز-وه‌کار	نیرومند،قوی،فعال،سرزنده
vile *adj*	وایل	په‌ست-خراو-نابه‌کار-ناخۆش	بسیارناخوشایند،بسیاربد-فاسد

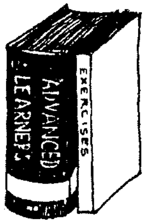
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
village *n*	ویلیج	ده گا ـ دێ ـ گوند ـ لادێ	روستا،دهکده،ده،قریه
villager *n*	ویلیجر	دێ نشین ـ ده گایی	روستانشین،دهاتی
villain *n*	ویلن	پهست ـ بهدکار ـ نانهجیم جاش	نقش منفی ـ خبیث،آدم بد
vine *n*	وآین	مێوه ـ دار هه نگوور، دار ترێ	تاک،رز،درخت مو،نرم ساقه
vinegar *n*	وینیگر	سرکه ـ ترشی هه نگوور	سرکه و ترش آور
violent *adj*	وایولنت ـ ویولنت	سه خت ـ تن ـ سام دار	شدید،سخت،سهمگین،خشن
violence *n*	ویولنس	تونی ـ سه ختی ـ زۆردر	شدت،سختی،پرخاشگری
violet *n*	وایولیت	گوڵ وه نۆشه ـ بهنهوش ڕه نگ	گل بنفشه ـ (رنگ بنفش)
violin *n*	ویولن	ویه لۆن ـ جۆره ی سازه ی سیم داره	ویولن (نوعی ساز زهی)
viper *or* **adder** *n*	وآیپر ـ آدِر	حه فوو ـ کوڵه کۆره ماره مه رگ، جاش و نانه جیم	افعی،مارافعی،آدم خائن
virtue *n*	وچوو	باشی ـ خاسی ـ وێ پارێزی ـ پاکی، چاک ئه سه ر	حُسن،خوبی ـ تقوا،نجابت
visible *adj*	ویزیبل	روون ـ دیاری ـ مه علووم	آشکار ـ مرئی،نمایان ـ پیدا
vision *n*	ویژن	بینایی ـ خه یاڵ ـ دیمه ن	بینایی،دید ـ خیال،تصور،رویا
visit [1] *v*	ویزیت	عه یاده ت کردن ـ چه م په نه که وته ی ـ لالوای	دیدن کردن / نمودن بازدید کردن
visit [2] *n*	ویزیت	عه یاده ت ـ دیدار هۆرته ق ـ بینان	بازدید، ملاقات، دیدار عیادت
visitor *n*	ویزیتر	مێوان ـ مێمان ـ بینه ر	بازدیدکننده،مهمان،ملاقات کننده

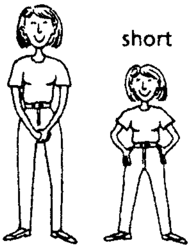
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
vital *adj*	وای‌تل	لازم‌ـ‌زه‌روور‌ـ‌ژیناوی،حه‌یاتی	بسیارمهم،لازمهٔزندگی،حیاتی
vivid *adj*	وی‌وید	وازیح‌ـ‌روون‌ـ‌ئاشکرا،قوی	واضح،روشن،آشکار،سرزنده
vocabulary *n*	وکَب‌یولری	ناوئاخنی وشه‌کان	داریه / گسترهٔ واژه‌ای شخص
		فیرستوکه‌لیمان	فهرست ـ واژگان، فهرست
		وشه‌وکه‌لیمه	لغات (کتاب)ـ واژه‌نامه
voice *n*	وئویس	صدا ـ ده‌نگ ـ گورانی	صوت،صدا،آوا،آواز،خواسته
volcano *n*	وآل‌کینو	ئاگرباران ـ که‌شی	کوه‌آتشفشان ـ آتشفشان
		ئه‌یرین ـ ئاگرپژین	
volleyball *n*	وئولی‌بال	والیبال ـ توپی خستن	والیبال ـ توپ‌والیبال
		توپی ده‌س	
volt *n*	وُلت	وولت‌ـ‌ئه‌ندازه‌ی‌به‌رق(کاره‌با)	ولت(واحداندازه‌گیری‌برق)
		ئایره‌وپیمه‌ر‌ـ‌بوبرق‌یابه‌رق،	
volume *n*	والیوم	یاگی‌ـ‌جی‌ـ‌ئه‌ندازه	حجم،گنجایش‌ـ‌اندازه،جلد
volunteer [1] *n*	وال‌ین‌تیر	وی‌ئامه ـ ته‌له‌بکه‌ر	داوطلب ـ خواستار
		داواکه‌ر ـ لی خواز	
voluntary *adj*	وال‌ین‌تری	وی رازی ـ ته‌له	افتخاری،آماتوری،اختیاری
		بکه‌ری‌ـ‌لی‌خوازی‌ومایلی	
volunteer [2] *v*	وال‌ین‌تیر	داواخوازبوون‌ـ‌گه‌ره‌ک‌بیه‌ی	داوطلب‌شدن‌ـ‌مایل‌بودن
vomit *n*	وامیت	هوق‌که‌رده‌ی‌ـ‌دل تیک‌چوون	استفراغ/ قی کردن
vote [1] *v*	وئوت‌ـ‌وت	ره‌ی‌دان‌ـ‌نه‌زه‌ردان(دای)	رأی‌دادن‌ـ‌نظربیان‌کردن
voter *n*	وُتر‌ـ‌وتر	ره‌ی‌ده‌ر ـ نه‌زه‌رده‌ر	رأی دهنده

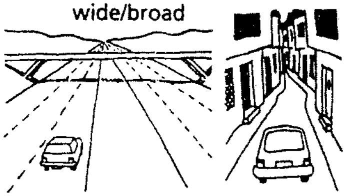
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
vote [2] *n*	وئوت	ره ی ـ نه زه ر ـ نه زه ره، ئارا	رای ـ تعرفه ـ آراء
vow [1] *v*	وئو(واو)	نه زر کردن ـ قه وڵ دایِ	تعهد کردن، نذر کردن
vow [2] *n*	وئو(واو)	نه زر ـ په یمان ـ قه وڵ شه رت له گه ل یه زدان (واو خودا)	تعهد، قول، پیمان، نذر
vowel *n*	وئوول(واوِل)	پیتی ده نگ دار ـ گۆی زره	حرف باصدا (I-a-e-o-u)
voyage *n*	وئویج	سه فه ری ـ شاران گه ر ـ ده ڵیا گه ر	مسافرت(دریایی وهوایی)سفر
vulgar *adj*	والگِر	بێ ئه ده ب ـ په ست، حیز و خێز	بی تربیت، رذل ـ همگانی
vulpine *adj*	والپاین	رێوی مه زاج ـ پسه رواس	روباه صفت، حیله گر
vulture *n*	والچر	درمه زاج ـ داڵ مرداروه ر ـ ئنسائی درو په ست و جاش باو	لاشخور ـ آدم درنده خو کرکس سرگز
vulva *n*	والوِ	وڵو به ره و ده زگاو ژه نانه ی کونو ده ری ده زگاری ژنانه	فرج دستگاه زنانگی
vwlk *n*	وڵک	وڵک له وڵکان خودای ئاگر گیراوه و مردم له هه وراما ن ئه ڵێن وڵکێم برِیای چون کاتێ که سێ له بلندی ئه که وێته خوار چون فسفر و گوگرد له گۆجیله یا وڵک زۆره بۆیه که م جار کو لیه خۆسوزی ده کات و ئه سوتێ وئه وکه سه کولیه ی داده که وی و بۆیه ده ڵێن (وڵکێم بریای) یانی داکه وتنی کولیه له له ش و ئه م مه سه له چاکه له لایان علمیه وه شی بکری ته وه چون فسفۆری وڵک زۆره و گه رمای فسفۆر ئه بێ ته هۆی جگێ بونی وڵک و مردن	قلوه یا کُلیه و نام الهۀ ولکان یاخدای آتش که زیرزمین بوده وسبب آتشفشان می شود چون فسفر و گوگرد کلیه زیاد بوده و اگراز ارتفاع بیش از ۱۰ متر پایین بپریم فسفر کلیه در اثر ضربه ترکیده و سبب مرگ و نابودی آنی کلیه میشود و هنوز در اورامان مردم این مسئله علمی را می دانند و هنگام پریدن از جای بلند و یا خبرهای بد می گویند ولکیم بریا یی یعنی کلیه هایم از بدن جدا شدند که کنایه از مرگ است.

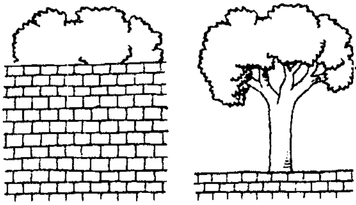
h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

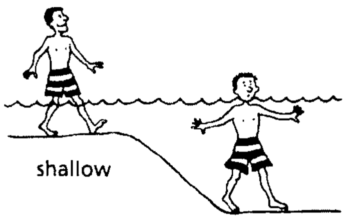

big/large
little/small

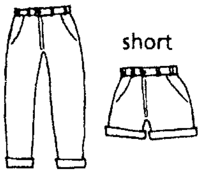

thick
thin
ADVANCED LEARNER'S
EXERCISES


tall
short

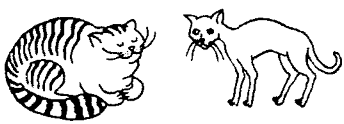

wide/broad
narrow


high
low


shallow
deep


long
short


happy
sad


fat
thin


old
young

W w

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
W	دابل‌یو	بیست و سێ یه‌مین پیتی ئه‌لفبا	بیست‌وسومین حرف الفبای انگلیسی
waran *n*	واران	ناوی یه‌کێ له‌حه‌وت یاری	باران‌نام‌یکی‌از‌هفت‌یار
		هۆرمزیا خودای جیهان له‌هه‌ورامان	اهورامزاد در اورامان قدیم
wad *n*	واد	نمه‌د ـ نه‌وگ ـ به‌ڕ	کهنه‌ـمُچاله‌وگلوله
		کۆنه ـ ملۆچه	لوله ـ نمد
wade *v*	وِید	له‌ئاودان ـ ئاوپڕای	راه‌رفتن‌درآب‌وگِل‌وبرف
wag *v*	وَگ	له‌قاندن ـ جمنای ـ شه‌کنای	تکاندن،تکان‌دادن،جنباندن
wage *n*	وِیج	مزـهه‌قده‌س ـ هه‌قدای	دستمزد،مزد،اجرت‌ـحق
waggon *or* wagon *n*	وَگِن(واچِن)	ئه‌رابه ـ گاریه	گاری، ارابه ـ واگن باری
		دیوی قه‌تار	(روباز قطار)ـدلیجان
wail *v*	وِیل	شیوه‌ن ـ شین وزاری کردن	شیون / زاری کردن
wail *n*	وِیل	شیوه‌ن ـ زاری، وه‌ی ڕۆ	زاری،شیون‌ـفغان‌ـضجه
waist *n*	وِیست	قه‌د ـ که‌مه‌ڕ ـ مێ ـ قه‌د	کمر ـ گردگاه
wait [1] *v*	وِیت	ڕاوه‌ستان ـ ماتڵ بیه‌ی	منتظر بودن / شدن
		چه‌مه‌ڕا ـ چاوه‌ڕێ بوون	صبر کردن
waiter *or* waitress *n*	وِی‌تِرس‌ـوِی‌تِر	خدمه‌تکار ـ وه‌رده‌س	گارسون،پیشخدمت‌زن‌یامرد

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
waiting room *n*	وِی‌تینگ‌روم	دیوی هەسانەوە	اتاق‌انتظار درمطب‌وغیره
		ئوتاقە و ماتل بیەی	
wait [2] *n*	وِیت	ئینتزار ـ چەمەرا	انتظار، مدت انتظار
		چاوەڕێ‌وسەبر	چشم براه
wake *v*	وِیک	لە خەو هەڵسان	بیدار کردن / شدن
		خەوڕۆبیەی (های‌بیەی)	به خود آمدن
walk [1] *v*	وُک	ڕۆیین‌ـلوای‌ـڕێ‌چوون	قدم زدن، پیاده رفتن، رفتن
walk [2] *n*	وُک	ڕێ‌چوونەوەـلوارانەی	قدم زنی، پیاده‌روی، پیاده
		جمیای ـ بەڕێگاروین	
wall *n*	وُل	دیوار ـ حەسارە	دیوار، حصار،جزر
wallpaper *n*	وُل‌پیپر	کاغەزی‌دیواری‌ـدیوارپۆش	کاغذ دیواری
wallet *n*	والیت	کیفی پوول ـ جێ	کیف پول‌ـکیف‌بغلی
		پوول ـ یاگە پووڵ	
wander *v*	واندِر	سەرگەشتەیِ‌ـئاوارەبوون	سرگردان / آواره‌بودن
		وەنەشیویایِ‌ـعەبدال‌بیەیِ	پرسه‌زدن
want [1] *v*	وانت	گەرەک‌بوون‌ـنیازبیەیِ	خواستن‌ـلازم‌داشتن،نیاز داشتن
want [2] *n*	وانت	نیاز ـ لازم ـ کەمی	احتیاج، نیاز، کمبود، فقدان
		ئاتاج ـ نوخسان	
war *n*	وُر	شەڕ ـ جەنگ	جنگ(بین دول/ملل)پیکار
warfare *n*	وُرفِر	بەدواکەوتنی شەڕ	مبارزه ـ جنگ
		شۆنە و شەڕ و شۆری	
		(لوای) ـ جەنگ	

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
ware-house *n*	ونورهاوس	همار ـ همیان	انبارعمومی ـ انبارکالا
warn *v*	ونورن	خەبەروئاژیردان ـ راگەیاندن	اژیر/اطلاع/هشداردادن
warship *n*	وُرشیب	کەشتی شەر ـ ناوی جەنگی	کشتی جنگی، رزمناو
		ئاوگەری شەر	
ward *n*	وُرد (وُد)	دیوی گشتی خەسەخانە	بخش بیمارستان ـ محله
		نەخۆشخانە مال ـ شوێن وجێ	منطقه ـ صغیر ـ دفع کردن
		بەخشی بیمارستان ـ گەرەک	
warden *n*	وُدن(وُردن)	سەرۆک ـ سەرپرس ـ چاودێر	سرپرست، ناظر ـ رئیس زندان
wardrobe *n*	وُردرئوب	جێ لیباس ـ یاگەسیپاڵ	کمد لباس، رختکن ـ اشکاف
warehouse *n*	ورهاوس	همار ـ زاخە ـ پەستو	مخزن، انبارکالا
ware *n*	وِر	جنس ـ بار ـ شت	اجناس، کالا، متاع
		کەلوپەل ـ قورەسازی	سفالینه
warm [1] *adj*	وُرم(وُم)	گەرم ـ پڕشۆروشەوق	گرم (نەداغ ونەسرد)
			مهرآمیز
warmth *n*	وُمت(وُرمت)	گەرمی ـ گەرما ـ بۆق ـ شرا	گرمی، گرما، حرارت ـ محبت
warm [2] *v*	وُم	گەرم بوون ـ گەرم	گرم کردن / شدن
		کەردەیِ (بیەیِ)	
warn *v*	وُن (وُرن)	خەوەردارکەردەیِ ـ پێ وتن	از خطر آگاهانیدن
		چلە کنایِ ـ خەبەردارکردن	اطلاع دادن
warning *n*	وُنینگ	پێ وتن ـ خەبەرداری	آگاهی ـ اخطار ـ تذکر
		ئاگاداری ـ خەوەرکەرد	اژیر ـ اطلاع ـ هشدار

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
warrant *n*	وارنت	حوکمی قانوونی ـبه‌رگه‌ی	حکم قانونی، مجوز، حواله
		ئیزن ـبه‌رگه‌وئیجازه‌ی ـده‌لیل	عُذرموجه
was *v*	واز	رابردووی فێعلی	گذشتهٔ فعل *be* (بودن)
		تووبی ـ ویه‌رده‌وتوبی	
wash [1] *v*	واش	شۆردن، شتن ـ شته‌ی	شستشودادن،شستن،پاک‌کردن
washing *n*	واشینگ	شۆردن، جل شۆردن	شستشو، رختشوئی
		سیپاڵ شۆری	
washing machine *n*	واشینگ‌ماشین	ماشینی لیباسشۆری	ماشین رختشوئی
wash [2] *n*	واش	شۆردنی ـ ئه‌وه‌شته‌ی	شستشو ـ شستنی‌ها
washbasin *n*	واش‌بیزین	ده‌سشۆری ـله‌گان	لگن دستشوئی،کاسه دستشویی
wasp *n*	واسپ	زه‌ردواڵه ـ زه‌رده‌واڵه	زنبورمعمولی‌غیرعسلی
waste [1] *v*	وِی‌ست	مه‌سروف‌کردن‌ـخراونای	تلف کردن /شدن،اسراف‌کردن
waste [2] *n*	وِی‌ست	زوێڵ ـده‌س‌باد ـئه‌ژغاڵ	ولخرجی‌ـزُباله‌ـاسراف
watch [1] *n*	واچ	سه‌عاتی ده‌ست /باخه‌ڵی	ساعت مچی / جیبی ـ کشیک،
		کێشک ـ پاسه‌وان	نگهبانی‌ـدیده‌بان‌ـمحافظ
watchman *n*	واچ‌مَن	نگابان‌ـقه‌ره‌وڵ‌ـپاسه‌وان	نگهبان ـ شبگرد
watch [2] *v*	واچ	پاس‌که‌رده‌ی‌هۆشیار	مراقب / مواظب بودن
		بیه‌ی(بون)	
water [1] *n*	واتِر(وُتِر)	ئاو ـ ئاوی – ئه‌و	آب(رودخانه،...)
waterfall *n*	وُترفُول(فُل)	تاف‌ـتافگه‌ـبڵ‌ـبه‌ور	آبشار
waterproof *adj*	وُتِرپرووف	مۆکڵ ئاو ـ زددی ئاو	ضد آب
		دژ به‌ئاو	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
water [2] *v*	وۆتر	ئاودان ـ ئاوداىِ	آبیاری کردن، آب دادن
		ئاودەردەىِ (دێران)	آبکی کردن
watt *n*	وات	مقیاس ـ ئایرەو بەرقی	وات‌واحداندازه‌گیری
		وات ـواحدی هێزی کارەبا	برای برق
		پێمەری هێزی برق وکارەبا	
wave [1] *n*	وِیو	دەس لەقاندن ـشەپۆل	موج ـ دست تکان دادن
		لێپە ـئاوجوڵ	فز ـ اهتزاز
wave [2] *v*	وِیو	دەس تەکناىِ ـجوولاندن	دست‌تکان‌دادن،جنباندن
		دەس شەکاندن ـجواندن (لانکێ)	علامت دادن
wax *n*	وَکس	مووم ـبەرهەموهەنگی رۆنی مێش	موم ـ واکس، پارافین
way *n*	وِی	رێ ـ راشوێن ـبەین	راه، مسیر، جهت، طرف
		لا ـبار ـ جۆر ـباو ـرواڵ	مسافت، راه ـ مسیر ـ طریقه
			استفاده، طرز عمل
we *pron*	وی	ئێمە ـ هێمە (هەمە)	ما ضمیر فاعلی
weak *adj*	ویک	بێ تین ـهەژار ـرەقەڵە ـشل	ناتوان،ضعیف،ضعیف‌النفس ـآبدار
weakness *n*	ویکنِس	زایفی ـبێ هێزی ـشلی	ناتوانی،نقص،عیب،سُستی
weaken *v*	ویکِن	بێ هێزبوون ـزایف بیەی	ناتوان/ضعیف‌کردن/شدن
wealth *n*	وِلس	ماڵ ـدەوڵەت ـسروەت	ثروت،دارایی ـپول زیاد
wealthy *adj*	وِلسی	دەوڵەمەند ـ دارا	ثروتمند،متمول ـمالدار
weapon *n*	وِپن	سیلاح ـچەک ئامرازی شەڕ	اسلحه،سلاح ـجنگ‌افزار
wear *v*	وِر	لەبەرکردن ـوەرکەردەی	پوشیدن، به‌تن کردن، زدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
weary *adj*	ویری	هیلاک ـ ئەرامەندە ـ شەکەت	خسته،وامانده،کسل،فرسوده
wearily *adv*	ویریلی	بەشەکەتی ـ بەنەحەساوی	باخستگی ـ باکسلی
weather *n*	وِدر	هووا ـ هەوا ـ گۆریان	هولـوضع هولـتغییررنگ
weave *v*	ویو(وی‌و)	ڕێسای ـ ڕێسین	بافندگی کردن، بافتن
		ڕێستەی	نساجی کردن
weaving *n*	ویوینگ	جۆڵەی ـ ڕێسای	نساجی،بافندگی،بافت
		ڕێسەری	
web *n*	وِب	ڕێسیا ـ تاڵی دووجاڵکە	تار عنکبوت ـ تور
		تاڵە کەکڵەمووشان ـ تۆر	شبکه ـ پرده‌پا
wedding *n*	وِدینگ	شووداێ ـ ڕەسمی	مراسم ازدواج، عروسی
		زەماوەن ـ زەمەوندە	عقد
wednesday *n*	وِنزدِی	چوارشەمە ـ چووارشەممە	چهارشنبه
weed [1] *n*	وید	بەشەری لەڕ ـ گیاه	علف هرز / هرزه
		هەرد ـ گیواوی وەحشی	موی زاید بدن
weed [2] *v*	وید	گیای وێڵ کەندن ـ زەوی	وجین‌کردن ـ موی‌زایدزدن
		لەگیای قەڵب وخراو پاک کردن	حذف کردن
week *n*	وییک	حەوتە ـ حەفتە	هفته ـ هفت‌روز
weekday *n*	وییک‌دِی	ڕۆژەکار ـ ڕۆکاری	روزکار(هفته)
		ڕۆ حەفتە	
weekend *n*	وییک‌اِند	تەحتیلی دوای حەوتە	(تعطیلی)پایان‌هفته،آخرهفته
weekly *adj,adv*	وییک‌لی	حەوتەیی ـ حەفتەی	هفتگی،به‌صورت‌هفتگی،هفته‌نامه

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
weep *v-n*	وییپ	گرەوای-گریانزاری‌کردن	گریستن،گریه‌کردن
weigh *v*	وِی	وێ کێشای-خۆکێشان	کشیدن-وزن‌داشتن،سنجیدن
weight *n*	وِیت	بار-قورس-قورسی-سەنگە	وزن،سنگینی،وزنه-بار
weird *adj*	وی‌رد	عەجایبی-جەباورنامە	عجیب،غیرعادی-شگرف
welcome [1] *adj*	وِلکام	خۆش هات-فەرحناک	خوشایند-استقبال
welcome [2] *v*	وِلکام	بەخێرهاتن‌وتن-وەشامای‌کەردەی	خوشامدگفتن-تعارف‌کردن
welcome [3] *n*	وِلکام	خێرویژی-خەیرئامەی‌واتەی	خوشامدگویی-موردتفقد
well [1] *adj*	وِل	عال-خاس-رێک‌وپێک-چاک	خوب،سالم،تندرست،خُب
well [2] *adv*	وِل	بەباشی - بەخاسی	خوب، به خوبی، به‌طور
		بەتەواوی-بەجاری-بەبە	رضایتبخش ـ به‌طور کامل،
			به‌طور کل، به‌کلی، کاملاً
well [3] *n*	وِل	بیرە-چای‌ئاو-چاوئاوی-وڵە	چاه(آب/نفت)-چشمه-منبع
were *v*	وِر	فەرمانی رابوردووی	گذشتهٔ فعل *be*
		فەرمانی تووبی	
west *n , adj , adv*	وِست	وەرتاوپر-خۆرهەڵات	غرب، مغرب ـ باختر
		خۆرپەر	جهان غرب
western *adj*	وِستِرن	جەوەرپر-لەخۆرئاوا	غربی، باختری
		لە خۆرپەر	
westwards *adv*	وِستوِردس	بەرەوخۆرئاوا-بەرەو	به طرف غرب
		وەرپر - بەرەوخۆرپەر	به سوی باختر
wet [1] *adj*	وِت	نمناکی-تەری-بارانی-وارانی	مرطوب،نمناک-بارانی،خیس

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
wet [2] *v*	وِت	تەرکەردەی ـ تەرکردن	خیس کردن، مرطوب کردن
whale *n*	وِیل	نەهەنگ ـ واڵ و دەلیای	بالن، وال
wharf *n*	وُرف ـ وِرف	باروزگا ـ بارگەی کەشتی یاگێ باروسەو کەشتی	اسکله، بارانداز
what *adj-adv*	وات (وُت)	چی ـ چێش ـ کام ـ چەنێ	چه ـ کدام ـ آنچه، هرچه ـ چقدر
whatever *pron-adj*	وُتاِوِر	هەرچەند ـ هەرچندە ـ هەرچی	هرقدر، هرچی
wheat *n*	ویت	گەنم ـ خەلە ـ گەنمە	گندم نماینده غلّه
wheel *n*	ویل	تەکەر ـ ئەرادە فەرمانی ماشین	چرخ ـ فرمان (اتومبیل)
wheelbarrow *n*	ویل‌بَرو	چەرخی دەستی، فرغۆن	چرخ دستی ـ فرغون
whenever *adv-conj*	وِن اِوِر	هەرکاتێ ـ هەروەختەی، کەی	هرگاه‌که، هروقت‌که ـ کی
where *adv-conj*	وِر	لەکوێ ـ جەکۆ ـ کوێ چکۆگە، لەچ باوێ ـ کاتێ	درکجا، کجا، ازکجا جاییکه، که ـ درچه‌مورد
wherever *adv-conj*	وِراوِر	لەهەرکوێدا ـ جەهەرکۆگەی	درهرکجاکه، هرجاکه، چه‌محل
whether *conj*	وِدِر	ئەگەر ـ داخم ـ کە ـ چە	که، آیا، خواه، چه، که‌آیا
which *pron-adj*	ویچ	کام ـ کامە ـ کە	کدامیک، کدام ـ که، هرکدام
while *n,conj*	وَیل	وەختەی ـ لەکاتێکا، هەرچەن	هنگامیکه، درصورتیکه ـ باآنکه
whine *v*	وَین	شیوەن و گریان ـ گرەوای، وەی ڕۆ	زاری کردن، شیون کردن
whine *n*	وَین	ناڵە ـ زاری ـ شیوەن ناڵین بەکوڵ، وەیرۆ ـ کروزیای	ضجه، زاری، ناله، شیون زوزه
whip [1] *n*	ویپ	شەلاخ	شلاق ـ تازیانه
whip [2] *v*	ویپ	لێدان بەشتێ ـ داوەنەی (بە)	(باوسیله‌ای)زدن، حرکت‌کردن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
whirl *v*	وِرل	وێلنایِ ـ چەرخنایِ	چرخیدن، چرخاندن
		چەرخاندن ـفرەدان،سوڕان	گردیدن
whirl *n*	وِرل	گێلیای ـ خولان	دوران،چرخش،سرچرخه
		سوورانەوە ـ خولیای	
whisker *n*	ویسکِر	مووی رووی مێرد	موی‌صورت‌مرد،سبیل‌گربه
		موورووەوپیای،سوێلێ کتێ	ته‌ریش
whisper [1] *v*	ویس‌پِر	پچەپچ کەدەی ـلەگوێ	پچ پچ/نجواکردن
		قسەکردن ـچفەکەردەی	زمزمه کردن
whisper [2] *n*	ویس‌پِر	قسەی هیواش	نجوا، پچ پچ،زمزمه
		چۆوتەچووت ـ چفە	زورزر
whistle [1] *n*	وی‌زِل	فیکەکەرەـزووزەکەرەـفیقێنە	سوت،سوت‌سوتک
whistle [2] *v*	وی‌زِل	فیکەکردن ـ فیکنایِ	سوت‌زدن/کشیدن،صفیرزدن
white [1] *adj*	وایت	چەرمگ ـسپی ـچەرمە	سفید،سفیدی‌ـرنگ‌پریده
white [2] *n*	وایت	چەرمەـسپی‌رەنگ ـچەرمگ	سفید،سفیدرنگ(تخم‌مرغ‌ـپوست)
who	هو	کێ ـ کێرا ـ کە ـ کێیان	چه کسی،چه کسانی‌ـکه،که‌او
whoever	هواوِر	کەسێ کە ـ هەرکەسێ	هرکه،هرکس،کسی‌که،هرکی
		هەرکەسێوە، هەرکە	
whole [1] *adj*	هول	گشت ـگردرێکومۆک	مجموع، کامل، کل،همه
		هەموو ـ گشت ـ تەمام	خالص
wholly *adv*	هولی	بە تەواوی ـ گردوگردۆ	به طور کل، کلاً، کاملاً
		سەرجەم ـبەجارێ ـتێکرا	سراسر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
whole [2] *n*	هول	چت ـ چێو ـ گشت	کل مقدار / چیز
		هەموو ـ گرد، یەکسەر	تمام وکمال
whom *pron*	هوم	بەکێ ـ بە چە کەسێوە	کەرا، بەچەکسی، بەچەکسانی،
		بەکێیان ـ کە ئەو ـ کە	کەاورا،کەآنهارلـآن‌ـآنها
		ئەوان ـ ئەها ئادیٍ	
whose *pron-adj*	هوز	ئینوکێ ـ ماڵی کێ، هینی کێ	مال‌چه کسی،مال‌که،مال‌کدام
why *adv,int,n*	وای	بۆ ـ پچی ـ لەبەرچی علت چیە	چرا،به‌چه‌دلیل/علت،برای‌چه
wicked *adj*	ویکد	زۆرخراو ـ پیاخراو	شریر، بدکار، خیلی بد
		زۆڵ ـ ملۆزم، جەڵەب وجاش	بدجنس
wickedly *adv*	وی‌کیدلی	زۆر بە خراوی – فرە	به‌طورخیلی‌بدونابکاری
		خراو ـ بە خراپە	
wide [1] *adj*	واید	پان ـ بلاو ـ وازیح ـ مەددار ـ بەرین	پهناور،وسیع‌ـگشاده،گسترده
width *n*	ویت	پانایی ـ پانی ـ مەدداری وبەرینی	پهنا،عرض،گشادگی‌ـپهنی
widely [2] *adv*	وایدلی	کومپلیت ـ بەتەواوی	کلاًکاملاًبه‌طورکل‌وگسترده
		بە جارێ ـ یەکسەر	
widow *n*	ویدو	ژنی شوومردوو ـ بێوەژەنی	بیوەزن (زن شوهر مرده)
widower *n*	ویدِور	پیای بێ ژەن ـ پیاوی بێ ژن	مرد بیوه (مرد زن مرده)
wife *n*	وایف	ژنی شوودار ـ ژەنی شووداره	همسر، عیال (زن شوهردار)
wig *n*	ویگ	کلاوەموو ینە ـ مووی مەسنوعی	کلاه‌گیس، پوستیژ
		کلاوموو ـ باتی موو	موی مصنوعی
wild *adj*	وایلد	وەحش ـ خوێری ـ بێ فەرهەنگ	وحشی‌ـخودروی‌ـبی‌تمدن

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
wildly *adv*	وایلدلی	خوێری‌گەری‌ـبەدرەندەگی	بەطوروحشی‌ـوحشیانه
will 1 *v*	ویل	ئەم فەرمانە بۆداهاتوو	با دیگر افعال به‌کار می‌رود و
		بەکارئەبرێ‌ـئی‌کەلیمێ	زمان آینده را می‌سازد
		پەی زەمانی ئایندەینە	خواستن ـ وصیت کردن
		خوازین ـ گەرەک‌بون	
will 2 *n*	ویل	مەیل ـ ئیرادە ـ قەرار	میل، اراده، تصمیم
		بریار ـ نیەت	نیت، قصد
will 3 *n*	ویل	نووسراوی پێش مردن	وصیتنامه ـ عزم
willing *adj*	ویلینگ	ئامادەـرازی‌ـرەزاـراغێب	آماده‌ـرضایت‌آمیزـمایل
willingly *adv*	ویلینگ‌لی	بەزەوق‌ـبەگەرمی‌ـبەشەوق	با اشتیاق ـ با رغبت
win *v*	وین	پیرۆزبوون‌ـسەرکەوتەی	بُردن،پیروزشدن‌ـدست‌یافتن
winner *n*	وینر	پیرۆز ـ سەرکەوتە	برنده،فاتح‌ـپیروز
		بەرەندە ـ بەرئامە	
wind 1 *v*	ویند	خول‌دان‌ـکۆک‌کەردەی	پیچاندن، چرخاندن
		پێچ دایِ ـ پێچان	کوک کردن
wind 2 *n*	ویند	نەفەس‌ـوا‌ـبا،وادەمە	باد‌ـطوفان‌ـبو
windmill *n*	ویندمیل	ئاساوی وایی ـ ئاشەبا	آسیاب بادی
windscreen *n*	وینداس‌کرین	شووشەی‌ماشین‌ـشیشێ	شیشه جلو اتومبیل
		ماشینی‌جەوەر	
windy *adj*	ویندی	پرتۆف ـ گەردەلوول	توفانی،پُربادـبادخیز
		وادەمە ـ واگا ـ باگە	بادگیر

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
window *n*	ویندو	دەلاقە‌ـونەدیک‌ـشووشەی	پنجره ـ ویترین مغازه
		نیشانگاه‌ـدووەری یاپەنجەرە	دریچه
window - sill *n*	ویندوسیل	بەری دووەری‌ـقەراخو	لب پنجره‌ـتخته
		دەلاقەی‌بەرپەنجەرە‌ـکن پەنجەرە	زیر پنجره
wine *n*	واین	شەراو ـ مەی ـ بادە	شراب(انگور)،می‌ـباده
wing *n*	وینگ	باڵی پەلەوەر ـ باڵو	بال پرنده/ حشره
		گیانداران ـ باڵی باڵندە	جناغ سینه ـ جناح حزب
wink *v*	وینک	چەم‌قرتنای ـ چاو	چشمک‌زدن‌ـباچشم‌اشاره کردن
		لێ گرتن‌ـچاوقرتاندن(تروکان)	چشم برهم نهادن
wink *n*	وینک	چەم‌وسەی‌ـچاوئیشارە‌ـچاوقرتە	چشمک‌ـغمزه‌ـکرشمه
winter *n,adj*	وین‌تر	زۆسانی‌ـزمسان‌ـزستان	زمستانی، زمستان
wipe [1] *v*	وایپ	بەپەرۆ وشکۆ کەردەی	باکهنه خشک کردن
		وشک کردن و مالین	پاک کردن ـ مالیدن
wipe [2] *n*	وایپ	تۆزگیری ـ یانە	گردگیری، خاکروبی
		تەمیس‌کەری‌ـخۆلگیری ماڵ	
wire *n-v*	وایر	تەل ـ تەوەکە ـ سیم	مفتول، سیم ـ سیم(برق،...)
wireless *n*	وایرلس	رادیو‌ـبێ سیم، تەلگراف	رادیو‌ـتلگراف‌ـسیم‌کشی‌کردن
wise *adj*	وایز	ئاقڵ‌ـفامیدە‌ـنتم‌ـزانا‌ـوریا	عاقل،خردمند‌ـخردمندانه،فرزانه
wisdom *n*	ویزدِم	ئەقڵ ـ فام ـ هۆش	عقل، خرد ـ هوشمندی
wisely *adv*	وایزلی	ئاقلانە ـ بافکرانە	عاقلانه ـ هوشمندانه
		بەبیرورا و وریایی	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
wish [2] *n*	ویش	ئارەزوو-ئاوات-ئومێد،مەیل	خواست،خواسته،آرزو-میل
wit *n*	ویت	ویتەویت-زرنگی-مدریک	زیرکی،تیزهوشی-عقل-فهم
		زەین دار-ئاقڵی وریایی	خوش طبعی - شوخ
witty *adj*	ویتی	قسەوەش - شۆخی کەر	بذله گو،لطیفه گو،خوش طبع
		شۆخی باز - گاڵتەکەر	
wittily *adv*	ویتی‌لی	بەقسەوەشی - بە بزە	بابذله گویی،به‌شوخ‌طبعی
		و کەنین	
witch *n*	ویچ	ژەنی رەماڵە - ژنی	ساحره،جادوگرزن،سحرباز
		جادووگەر	
with *prep*	ویز	با - بە - لەگەڵ - چەنی	با (همراه) - با (به‌وسیله)
		بۆ - لە	با (دارای) - با (چگونگی)
			با (علیه، ضد)
withdraw *v*	ویزدرو	پووڵ هەڵگرتن،لێ سەندن	برداشت کردن (پول از
		دواکێشان - دماوە	حساب،...) - عقب نشینی
		گێلاێ - دەست کێشان	کردن، عقب کشیدن
wither *v*	ویزِر	سیسیای - هەژار بوون	خشک کردن / شدن، پژمرده
		وشک بیەیِ-وشک بوون	کردن / شدن
within *prep,adv*	وی‌زین	تاوێ-لە-جە-دلێ-ناو	درکمتر از،در،داخل،درون-توي
without *prep*	وی‌زئوت	بێجگە-بێ-بێ ئانەیە،دەر	بدون-بی‌آنکه،بیرون-بی
witness *n*	ویتنِس	شەید-شاهد-قەسەم خۆر	شاهد،گواه-علامت-دلیل
		خەبەردار-نازروئاگا-نیشانە	

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
wobble *v*	وُبل-وابل	وەردای ـ بەرەلاّ	یلەرفتن، لق زدن
		ئازادئاسەی ـبەلارولەنجەروین	تلو تلو خوردن
woman *n*	وُمِن	ژەنی ـ ژن	زن
wonder [1] *v*	وُندِر	عەجەیب ئامای ـماق پرای	تعجب‌کردن،شگفت‌زده‌شدن
wonder [2] *n*	وُندِر	چتی عەجیب ـ چێوی	چیز شگفت آور ـ تعجب
		تەیوەتی ـچێوی عەجەیو	
wonderfully *adv*	وُندِرفولی	بەجۆری عەجیب ـبەلچ	به طور شگفت آور،
		گەسەی ـبەعەجەیواتی	به صورت عجیب
wood *n·adj*	وُد	چێو ـ هێزمێ ـ کۆتە	چوب،کنده،هیزم،بیشه،
		وێشە ـ چۆ ـ دارسان	الوار، درختزار
wooden *adj*	وُدن	چۆیی ـچێوی ـجەچۆی	چوبی،خشک‌وبی‌روح
wool *n*	وُل	پەژم ـخوری ـدەزگەپەژمی	نخ / ماده پشمی
woollen *adj*	وُلِن	پەژمی ـلەجنسی خوری	پشمی ـ پشمینه
word *n*	وِرد(وِد)	وشە ـ کەلیمە ـ واتە	کلمه،حرف،واژه،کلام
		قسێ	سخن
work [1] *v*	وِرک	کارکردن ـکارکەردەی	کار کردن ـ فعال بودن
work [2] *n*	وِرک	کار ـ کردەوە ـ پێشە	کار، عمل ـ فعالیت ـ شغل
worker *n*	وِرکِر	کرێکار ـکارەکەرعەمەلە	کارگر ـخدمتگذار ـفعله
workman *n*	وُرک‌مَن	نۆکەر ـهەروەنە ـبەردەس	کارگر ـ صنعتکار
		وەرزیەر ـلەلە ـفەعلە	مزدبگیر ـ عمله
work-shop *n*	وُرک‌شاپ	کارگە ـ یاگەکار	کارگاه ـ استودیو

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
world *n*	وُلد	دنیا ـ عالەم ـ جیهان	کُره / سیاره زمین، زمین
			جهان، دنیا ـ جهانی
worm *n*	وُم	کرمی ـ کرم ـ کرمەژن	کرم،کرم‌خاکی،بزالوسکرمزدگی
worry [1] *v*	واری	رەنجاندن ـ دڵ ئێشنای	نگران‌کردن،آزردن،دل‌شوره‌داشتن
worried *adj*	وارید	هەوڵ ـ رەنجەڕۆ	نگران، مضطرب‌ـ دلواپس
		بێ قەرار‌ـخەمبار‌ـنگەران	دلشوره‌دار
worry [2] *n*	واری	پەرێشان‌ـخەمین‌ـدڵشۆرە	نگرانی، اضطراب ـ غُصّه
worse *adj,adv*	وُس	خراوتەر ـ ناوەش تەر	بدتر، بیمارتر، به‌شکل بدتر
		نەخۆش تر ـ خراپ تر	شدیدتر
worship [1] *v*	وُشیپ	دۆعاخویندن‌ـنوێژکردن	نماز گزاردن / خواندن
		نماکەردەی‌ـیەنابەیەزانی‌بەردەی	عبادت کردن ـ پرستیدن
worship [2] *n*	وُشیپ	رازونیاز‌ـخوداپرسی،لێپاران	عبادت،پرستش‌ـنیایش
worst *adj,adv,n*	وُست	خراوترین‌ـچەپەڵ تەرین	بدترین ـ بدتر از همه
worth [1] *prep*	وُت	بایخ‌ـنرخ‌ـئێ ژای‌ـقیمەت	ارزش،قیمت،بها‌ـأجرت
worth [2] *n*	وُت	قەدر ـ کەڵک ـ قەیر	ارزش، قدر ـ ارج
worthless *adj*	وُرس‌لِس	ناتەمام‌ـبێ کەڵک‌ـکەم‌قیمەت	ناچیز،بی‌ارزش‌ـدردنخور
worthy *adj*	وِّتی	لایق‌ـهەق‌دار‌ـشایستە،قابل	لایق،شایسته،مستحق‌ـارجمند
would *v*	وُد	زەمانی رابردووی ویل	زمان گذشتهٔ *will*
wound [2] *v*	وُند(وئوند)	زامارکردن‌ـزەفرەت دایِ	آسیب‌رساندن‌ـصدمه‌زدن
wound [3] *n*	وُند(وئوند)	زەخم ـ زام ـ زەفرت	زخم،آسیب‌ـجراحت
wrap *v*	رَپ	پۆشنای ـ داپۆشین	پوشاندن، پوشانیدن، پیچیدن
		پۆژاندن ـ دەورپێچان	

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

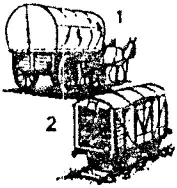
انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
wreak *v*	رِک	هەقسەندن ـ دیقی دڵ	دق دلی خالی کردن
		خالی کردن	انتقام گرفتن
wreath *n*	رییت	تاج ـ تاجە ـ بازنەگوڵ	تاج / حلقه گل
wreck [1] *n*	رِک	چتانی کۆنە ـ ئاوهاورد	لاشه ـ آب آورده ـ اسقاط
wreckage *n*	رِکیج	وێرانە ـ خراپ بون	قسمتها/ قطعات درهم
		چتانی دەردنەخۆر	شکسته ـ خراب شدگی ـ خرابه
wreck [2] *v*	رِک	تێک دایِ ـ خراو کردن	خرد / خراب کردن
		وردکردن ـ روخاندن	له کردن
wrench *v*	رِنچ	کێشان ـ کێشای ـ گاشیەی	کشیدن، ضرب دیدن ـ پاپیچ خوردن
wrench *n*	رِنچ	پێچ کەوتەی ـ پێچ	پیچ خوردگی ـ ضرب دیدگی
		کەوتن ـ زەربەت دین	
wrestle *v*	رِسل	زۆران گرتەی ـ زۆران گرتن	کُشتی گرفتن ـ گلاویز شدن
wrestler *n*	رِسلِر	زۆران گیر ـ زۆرانگر	کُشتی گیر
wrestling *n*	رِسلینگ	زۆرانگیری	کُشتی گیری ـ کُشتی
wriggle *v*	ری گل	ئالاوبوون ـ لوول بیەیِ	پیچ و تاب خوردن ـ لولیدن
wring *v*	رینگ	گوشین ـ شواردەی	چلاندن، فشردن ـ پیچاندن
		پێچ دای ـ شوێردن	
wrinkle *n*	رینکل	چرچ ـ ژاکاو ـ ژاکیا	چین و چروک ـ نوآوری
wrist *n*	ریست	مووچ ـ مەچەک	مچ، مچ دست
wrist - watch *n*	ریست واچ	سەعاتی دەستی ـ سەعاتەودەسی	ساعت مچی
write *v*	رایت	نووسین ـ نویسای	نوشتن، مکاتبه کردن
writer *n*	رایتر	نووسەر ـ نویسەر	کسی که کتاب می نویسد ـ مؤلف

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
writhe *v*	رایت	تەریقۆ / بون، بیەی	پیچاندن‌سیم ـ ازشرم
		بەدەوربەسان،چماندن	رنج‌بُردن
writing *n*	رایتینگ	نووسراوە ـ نویسیا	نوشته‌ـدستخط‌ـنویسندگی
		نووسراو ـ نویسه	اثر ـ نوشتار
wrong [1] *adj*	رانگ	بەتاڵ‌ـنادرووس‌ـخراوگونا	ناجور،بد،زشت‌ـنادرست‌ـغلط
wrongly *adv*	رانگ‌لی	ناجۆرـبەلاری‌ـبەهەڵە	به‌ناحق،به‌طورنامناسب،به‌غلط
wrong [2] *adv*	رانگ	نەزانی‌ـنارێک‌ـهەڵە	به‌غلط،اشتباهاً‌ـعمل‌غیرقانونی
wrong [3] *n*	رانگ	هەڵەچوو‌ـخەتا‌ـنارەوا	خطا، اشتباه
wrongdoer *n*	رانگ‌دوِر	خەتاکەر ـ تاوان‌بار	خطاکار ـ گناهکار
wrongful *adj*	رانگ‌فول	نادرووس‌ـنالەبار‌ـنارێک	نادرست ـ اشتباه
wry *adj*	رآی	چەوت‌ـلار‌ـپێچیا‌ـئالاو	تابیده‌ـپیچیده‌ـکج‌وکوله‌ـغیرعادی
wrray *v*	وڕای	وڕای‌ـتەپین‌ـڕژای	خراب‌شدن،فروریختن
wrre *adj*	وڕ	ژاژۆلی‌ـوری‌ـوردان	ژاژخایی‌ـوزاجی
		وقسەی بی سەمەر	
wrra *n*	وڕا	ناوی دێ یەکەلەمەڵبەندی	نام‌دهی‌باصفادراورامان
		هەورامان‌ولەژوری پاوەوە	وشمال پاوه
wrr *n*	وڕ	ور‌ـناوی‌گیای تایبەتی‌هەورامانە کەجوەکان‌وموبەدەکان‌لەتۆمی ئەم‌گیاوخەرەبەنگ‌مادەیەک موخەدربەناوی (Haouma‌هائومە) یان‌لێ‌سازەکردوەکەلەعەیدە کاناوەکوجگەرەوسیگارکێشاویانە ومەست‌ومەخموروِمەسروِوربوون ولەساقەی دەزک‌بۆگرویس‌یان‌سازیوە	نام‌گیاه‌آقطی‌که‌درعید یهودیان‌مقدس‌است‌ونوع‌سیاه آن فقط‌دراورامان‌ومریوان (سرشیو) دیده‌می شود

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



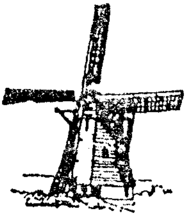
WHORL



WAGONS



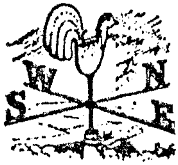
WREATH



WINDMILL



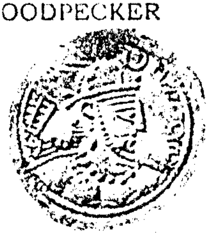
WREN



WEATHER VANE

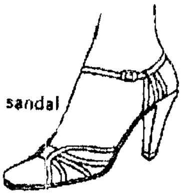


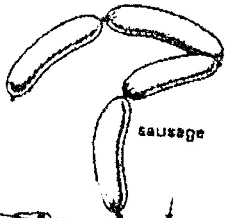
WOODPECKER



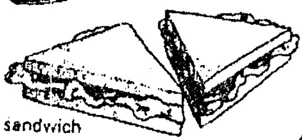
شاهپور دوم
۲۲۵

sandal



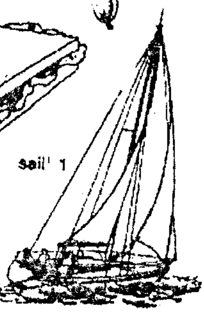


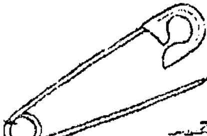
sausage



sandwich

sail' 1

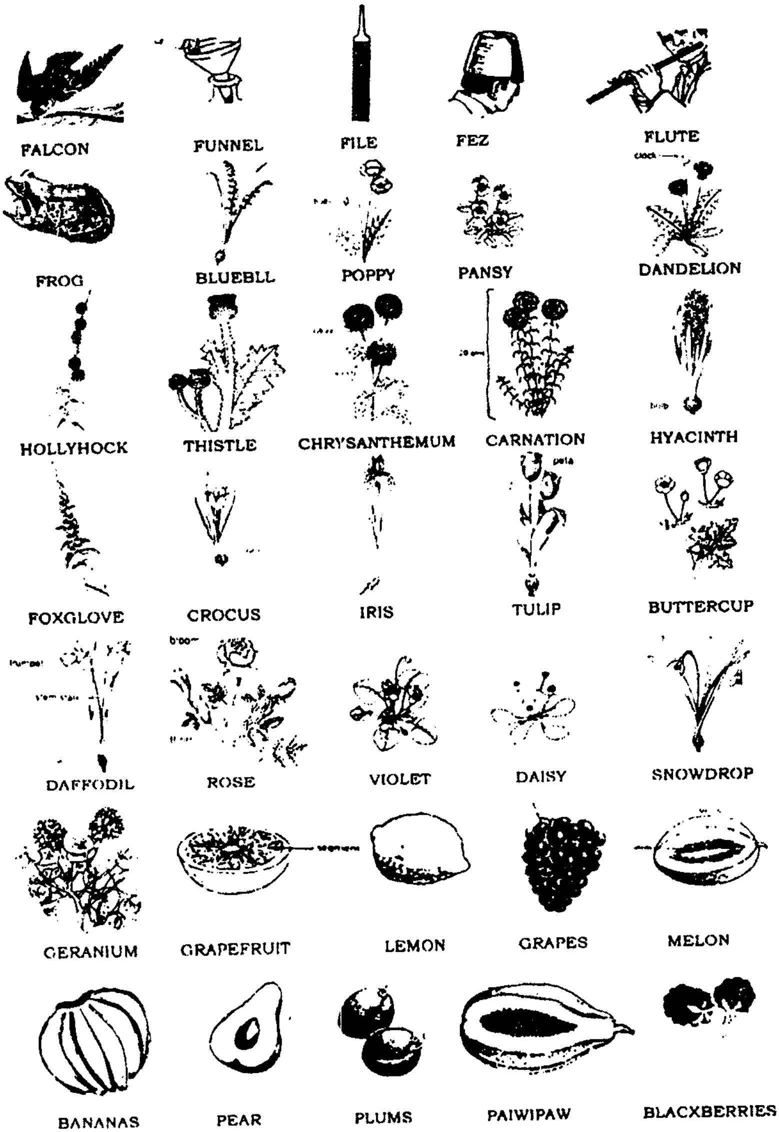




safety-pin

X x

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
X	اِکس	بیست و چواره مین پیتی ئه لفبا	بیست‌وچهارمین حرف الفبای انگلیسی
xamdary *adj*	زامداری	ریّش و زامداری	زخم‌دار ـ مجروح
xanthippe *n*	زان‌تی‌پی	ژنی سه‌لّیته ـ ژه‌نی گازگیره (قه ره‌چناخ)	زن‌سلیته‌ـزن‌شرور
xanthin *n*	زان‌تین	به‌رهه‌م‌وماده‌ی‌زه‌ردی‌گولاّن	ماده‌زردرنگ گلها
xanthic *adj*	زان‌تیک	زه‌ردباو‌ـمه‌یله‌وزه‌رد	زردفام‌ـزردگون
xanthomelanous *adj*	زان‌تِم‌لنوس	سه‌وزه‌ر‌و‌ـگه‌نم‌ر‌و‌ـسه‌وزه	سبزه‌رو، گندمرنگ
xanthus *n*	زان‌تُس	پیّس زه‌رد ـ زه‌ردبام	زردپوست
xmas *n*	کریس‌مَس	جه‌ژنی سه‌لیبیه‌کان جه‌ژنه‌ومه‌سیّحان	کریسمس، جشن صلیبیون
x - ray *n*	اِکس‌رِی	تیژگی ئیکس‌ـتژگی ئیکس	اشعه ایکس یا رونتگن
x - ray *v*	اِکس‌رِی	تیژگ شاناي ـ شه‌وق هاویّشتن	اشعه‌زدن، درمان با اشعهٔ X
xenophile *n*	زِنوفایل	جاش‌وچلّکاوخوّر	بیگانه‌پرست
xylem *n*	زای‌لِم	لوله‌ی چیّوی‌له‌دار	آوندچوبی‌ـبافت‌چوبی‌ـگزیلم
xylophone *n*	زای‌لِ‌فون	بافتی چیّو	نوعی‌سنتورچوبی‌ـگزیلوفون

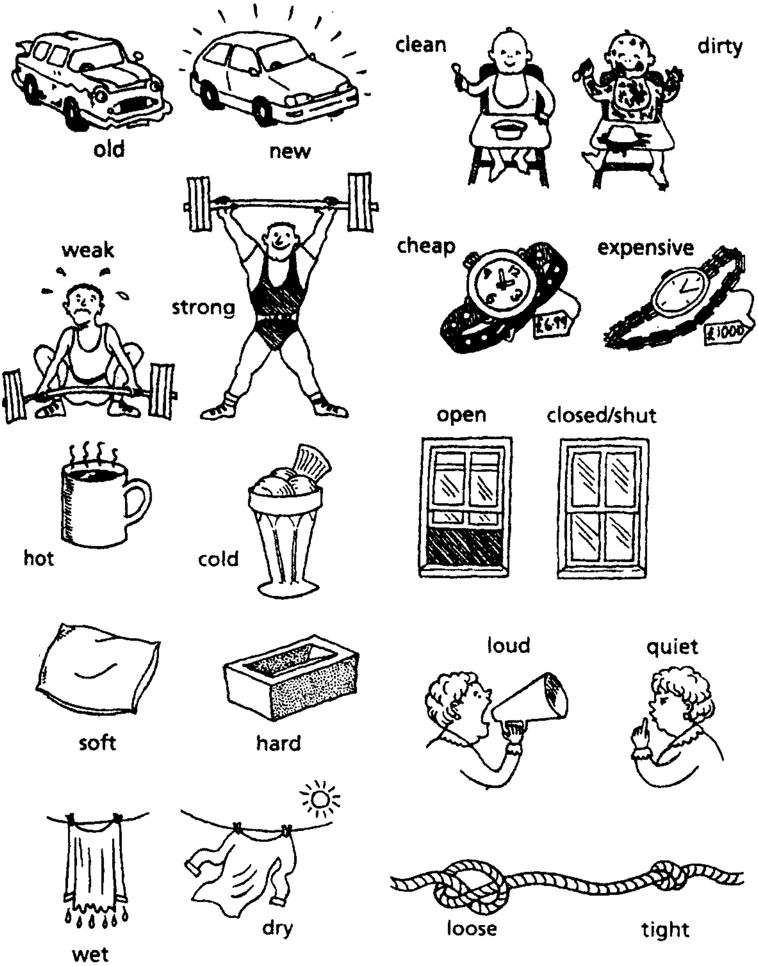

FALCON
FUNNEL
FILE
FEZ
FLUTE
FROG
BLUEBLL
POPPY
PANSY
DANDELION
HOLLYHOCK
THISTLE
CHRYSANTHEMUM
CARNATION
HYACINTH
FOXGLOVE
CROCUS
IRIS
TULIP
BUTTERCUP
DAFFODIL
ROSE
VIOLET
DAISY
SNOWDROP
GERANIUM
GRAPEFRUIT
LEMON
GRAPES
MELON
BANANAS
PEAR
PLUMS
PAIWIPAW
BLACXBERRIES

Y y

فارسی *Persian*	کُردی *Kurdish*	تلفظ *Pronounciation*	انگلیسی *English*
بیست‌وپنجمین حرف الفبای انگلیسی	بیست و پەنجەمین پیتی ئەلفبا	وای	**Y**
شاخه‌ای از آیین کهن کُردان در اورامان که دنباله آیین زردشتی است	ئایینی ئاگرپرسی ومەزدایەتی لەهەورامان	یاری	**yari**
قایق بادبانی /بادبان دار کشتی تفریحی	ئاوروێن ـ بەلەم ئاودەر ـ وابەلەم ئاوگەری بابردکەشتی سەیران	یات	**yacht** *n*
۰/۹ متر-حیاط - یارد حصار - کارگاه	بەری ماڵ-حەوش-حەوشە حەساری ماڵ	یارد	**yard** *n*
خمیازه‌کشیدن، دهان‌گشودن	باوێژگ کردن ـ وێژێ ئەرەئاسەیِ	یان	**yawn** *v*
سال،سِن - زمان	ساڵ-وەرز-ساڵە-تەمەن	یِر	**year** *n*
هر ساله، سالانه	هەموو ساڵ-گردساڵەی	یِرلی	**yearly** *adj,adv*
خمیرترش، خمیرمایه، مایه مخمر آبجو - کفک	ترشە هەویر ـ ئامیان هەمیرەترشە ـ کەرەنان	ییست	**yeast** *n*
نعره‌زدن، دادکشیدن هوار کشیدن	هاوارکردن ـ نەڕنای دەنگ ئامەیِ-نەڕاندن	یِل	**yell** *v*

انگلیسی *English*	تلفظ *Pronounciation*	کُردی *Kurdish*	فارسی *Persian*
yellow *adj,n*	یلو(یلئو)	زەرد ـ زەرد پسەو	زرد،زردرنگـزردطلایی
		مانگوروٚجیاری ـرەنگی زەرد	ترسو
yes *int*	یس	بەلیٚ ـئەی چیٚش ـئەریٚ	بله،آری،بلیـبه‌چشم،توافق
yesterday *n, adv*	یس‌تردی	دویٚکەـهیزیـدویٚ نیٚ	دیروز ـ روزپیش
yet *adv*	یت	هیٚچتا ـ هیٚمار ـ جاریٚ	تاحال، تاکنون ـ هنوز ـ ولی
yield *v*	ییلد	بەدەست دان ـسپاردەیِ	تسلیم کردن ـ باردادن
		بارداىِ ـ بایس بون	(میوه،...) ـ واگذارکردن
yoke *n*	یئوک	هیٚش ونیٚلٚە ـ چیٚر	یوغ، بردگی
		چەپوٚک ـنیٚلٚ ـژیٚر دەسی جاش ئاسا	
yolk *n*	یئوک	زەردیٚنە ـزەردەنیەوهیٚلٚەی	زرده تخم مرغ
you *pron*	یو	توٚـکەس ـتە	تو،شماـفردـآدم
young [1] *adj*	یانگ	جوان ـکوٚرپە ـزەوروٚ ـلاو	خام،جوانـخردسال،نوباوه
young [2] *n*	یانگ	منالٚ - کور ـ زاروٚلٚە	جوان ـ بچه‌ـنورس
your *adj*	یور	ئی نی توٚ ـ ئینو توٚ	مال تو ـ مال شما
yours *pron*	یورس	ئی نی توٚ ـ ئینو ویٚت	مال‌تو ـ ازآن‌تو
yourself *pron*	یورسِلف	خوٚت ـ ویٚت ـ ویٚتان	خودت،خودتان‌ـخودت
youth *n*	یوس	کاتی جوانی ـتازەخەت ـلاو	جوانی‌ـمردجوان‌ـنوجوان
youthful *adj*	یوس‌فول	جوانی ولاوی	جوان‌ـ جوانی‌ـشاداب
you ,ve	یوو	کورتەی *you have*	مخفف *you have*
yowl *v,n*	یاول-یال	لورەـنەرە،لورەونەرەکیٚشان	زوزمـنعرمـزوزه‌یانعره‌کشیدن
yule *n*	یول	کاتی نوئلوکریس مەس	ایام‌نوئل ـ کریس‌مَس
yup-pie *n*	یوپ	جوانی پولٚدارومەدرەکدر	جوان‌تحصیلکرده‌وپُردرآمد

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet


old
new
clean
dirty
weak
strong
cheap
expensive
£6.99
£1000
open
closed/shut
hot
cold
loud
quiet
soft
hard
wet
dry
loose
tight

Z z

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
Z	زِد	بیستو شه شه مین پیتی ئه لفبا	بیست‌وششمین‌حرف‌الفبای‌انگلیسی
zaz *n*	زاز	ناوی کلیسای له پاوه که له ده	نام‌کلیسایی‌درپاوه‌درعهد
		وره‌ی ئه شکانیه کان بناو بانگ بوه	فرهاد چهارم اشکانی
zany *adj*	زِینی	خول وگه وج وگێژ،خه ره فیا	لودهـ‌اُبله،دیوانه
zeal *n*	زیل	غیره ت‌ـ وه شی زه وق وشه وق	ذوق‌وشوق‌ـ‌تعصب،اشتیاق
zebra *n*	زیبرا-زِبر	که ره کێوی ـ هه ره کۆیه	گورخر ـ خر وحشی
zero *n*	زیرو	سفر-پووچ -حیچ	عدد صفر (۰)
zigzag *n*	زیگ‌زَگ	چه‌وت وراس ـقه‌مچ وپێچ باداان	زیگزاگ،مارپیچی،جناغی
zinc *n*	زینک	جۆرێوه فلزی چه رمه	روی، فلز روی، زینک
zip [1] *n*	زیپ	زیپ ـ دوخێن ـ ئه‌نجه‌نه،گیفه	زیپ‌ـ‌صفیرگلوله
zip [2] *v*	زیپ	زیپ به‌ستن-زیپ بینای(به‌سه‌ی)	با زیپ بستن، زیپ واکشیدن
zone *n*	زون (زئون)	جێ – شوێن ـ یا گێ	ناحیه، منطقه‌ـ‌بخش
		به‌ش ـ وه‌لات ـ محه‌له	جا
zoo *n*	زوو	باغی‌وه‌حش‌ـباخ‌ووه‌حشیاتی	باغ وحش ـ ددباغ

iː	ɪ	e	ae	aː	ɒ	ɔː	ʊ	uː
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronounciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
zoological *adj*	زولوجیکال	مەربووت بەجانەوەرژناسی	مربوط به جانورشناسی
zoology *n*	زولجی	جانەوەرژناسی (ناسی)	جانورشناسی
zoroaster *n*	زئوروآستِر	زەردەشت لەهەوورامان	زرتُشت پیامبرآریایی
zoroastrian *n*	زئوروآستِرن	زەردەشتی زەورۆئاسمانی	زرتُشتی ـ آتش پرست
zoom *v,n*	زووم	ویژەکردن ـ هەڵسانی	اوج گرفتن ـ وزوزکردن
		تەیارە ـ زۆم	زوم دوربین
zoomlens *n*	زوومِلِنز	ئادەسی زۆم لەدووربین	عدسی زوم در دوربین فیلم برداری
zoophyte *n*	زئوفایت	گیای جانەوەرئاسا (باو)	گیاه جانورمانند در دریاها
		وەکو مەرجان وخەیاری دەریایی	مثل شقایق و مرجان





هرمز دوم پسر نرسی
۳۰۱ - م



بهرام سوم
۲۹۳ - م



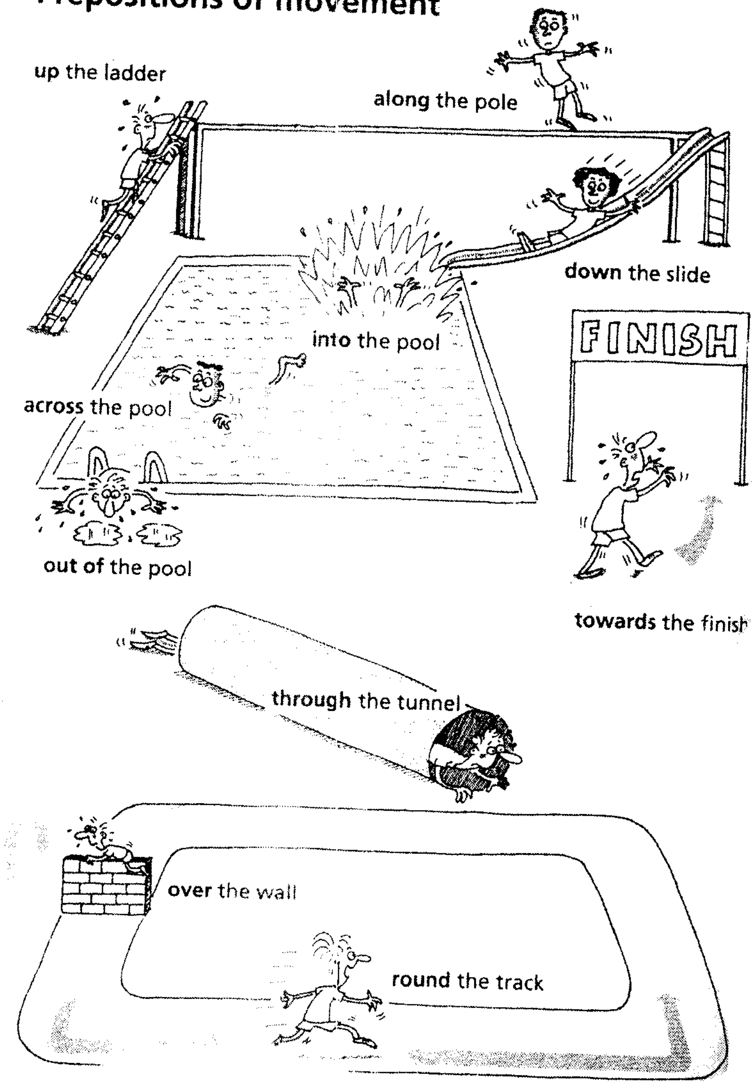
هرمز چهارم پسر انوشیروان
۵۷۹ - م



فرهاد دوم
۱۳۷ - ق - م

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

Prepositions of movement



Numbers – اعداد
ژماره‌کان–شمارێ

Zero/zi:rəʊ/	سفر	صفر
one/wʌn	یەک - یۆ	یک
two/tu:	دوو-دوێ	دو
three/θri:	سێ-یەرێ	سه
four/fɔ:r	چووار	چهار
five/faiv/	پێنج-پەنج	پنج
six/siks	شەش-شش	شش
seven/seven	حەوت-حەفت	هفت
eight/eit	هەشت	هشت
nine/nain	نۆ	نه
ten/Ten/	ده	ده
eleven/ilevn	یانزه	یازده
twelve/twelv	دوانزه	دوازده
thirteen/θɜ:ti:n/	سیانزه	سیزده
fourteen/fɔ:tin	چوارده	چهارده
fifteen/fifti:n/	پازده	پانزده
sixteensiksti:n/	شازده	شانزده
seventeen/sevnti:n/	حەفده	هفده
eighteen/eiti:n/	هەژده	هجده

nineteen/nainti:n	نۆزده	نوزده
twenty/twenti/	بیست	بیست
twentyone/wʌn/	بیستویەک	
Thirty/θɜ:ti/	سی	سی
Forty/fɔ:ti/	چل	چهل
Fifty/fifti/	پەنجا	پنجاه
Sixty/siksti	شەس	شصت
Seventy/sevnti	حەفتا	هفتاد
Eighty/eiti	هەشتا	هشتاد
Ninety/nainti	نەوەد	نود
Hundred/hʌndrəd/	سەد	صد
Thousand/θaʊznd/	هەزار	هزار
Million/million/	ملوێن	میلیون
Billion/billion/	بلیۆن	بیلیون
First/fɜ:st/	هەوەل-یەکۆم	اول
Second/sekənd/	دووهەم	دوم
Third/θɜ:d/	سێیەم-یەرۆم	سوم
Fourth/fɔ:θ/	چووارەم	چهارم
Fifth/fifθ/	پێنجەم	پنجم

مشاغل - Jobs
کارەکان -شوغڵ

Actor(Actress)/æktər/ هنرپیشه‌مرد(زن)

Archeologist باستانشناس

/ɒkiɒlədʒist/n کۆن‌ناس

Artist/a:tist/n نقاش،هنرمند

Author(writer)/ɔ:θər/ نویسنده نوسەر

Baker/beikər/n نانوا نانكەر

Barber(hairdresser) آرایشگر

/ba:bər/n مرد(زن) ئەوەڕازێن

BlackSmith/blæksmiθ/n آهنگر

Builder/bildər/n بنا ئۆسادیوار

Butcher/bʊtʃər/n قصاب قەساو

Captain/kæptin/ ناخدا سەروان

Carpenter/Ka:pintər/n نجار چۆتاش

Clerk/klɜ:k/n فروشنده فرۆشەر

Cook/kʊk/n آشپز چێشت‌ساز

Dentist/dentist/n دندانپزشک

Doctor/dɒktər/n دکتر دوکتۆر

Driver/draivər/n راننده شفور

Engineer/endʒiniər/n مهندس

Farmer/fa:mər/ کشاورز وەرزیەر

Fisherman/fiʃərmæn/n ماهیگیر

Gardener/ga:dnər/n باغبان باخەوان

Janitor/dʒænitər/n دربان پاسەوان

Lawyer/lɔ:jər/n وکیل وەکێڵ

Mason/məisn/n سنگتراش-معمار

Master/ma:stər/n دبیر-رئیس

Mayor/meər/n شهردار شارەوان

Mechanic/məkænik/ مکانیک

Miner/mainər/ معدنچی کانگەچی

Minister/minister/n وزیر وەزیر

Nurse/nɜ:s/n پرستار

Pilot/pailət/n خلبان هەواگەرد

PipeFitter/paipfitər لوله‌کش

Poet/pəʊit/n شاعر

Postman/pəʊstmæn/n پستچی

Policeman/pəli:smæn پلیس،پاسبان

Professor/prəfesər/n استاد،پروفسور

Student/stju:dnt/n دانش آموز

Surgeon/sɜ:dʒən/n جراح جەڕاح

Tailor(dressmaker) خیاطمرد(زن)
/teilər/n

Teacher/ti:tʃər/n معلم ئامۆژگەر

Waiter/weitər/n گارسون خزمەتکار

Worker/wɔ:kər/n کارگر کرێکار

porter/pɔ:tər/n باربر حەماڵ

PrimeMinister نخست‌وزیر
/praimministər/n سەرۆک وەزیر

Reporter خبرنگار،گزارشگر
/ripɔ:rtər/ خەبەردەر

Servant=maid/sɜ:vənt/ خدمتکار
مرد(زن) خزمەتکاری‌پیاو-ژن

ShoeMaker/ʃu:meikər/n کفاش

Soldier/səʊldʒər/n سرباز سەرواز

Steward(ess)/stjʊəd/ مهماندارآقا
(خانم) خزمەتکاری‌پیاو-ژن



ارشک اول
۲۵٦ - ق - م





اردوان دوم
۱۲۸- ق - م



Shops – مغازه‌ها
دووکانان – دووکانێ

HairDressingSaloon آرایشگاه
زنانه ئارایشگای‌ژنانه
Harberdashery خرازی
Jewellery/dʒu:əlri/ جواهرفروشی
Kiosk/ki:ɒsk کیوسک،غرفه
Pharmacy/fa:məsi/ داروخانه
ShoeShop/ʃu:ʃɒp کفاشی
Shop/ʃɒp/ مغازه دوکان
Stall/stɔ:l دکه بنکه
Stationery/steiʃnəri لوازم‌التحریر
فروشی ئامرازی‌نوسین
Store/stɔ:r/ فروشگاه،انبارفرۆشگه
Supermarket سوپرمارکت
/su:pəma:kit دوکانی‌هەرنیازێ
TailorShop/teilərʃɒp/ خیاطی
مردانه خەیاتی‌پیاوان
WatchMaker'sShop ساعت‌سازی
سەعات‌سازی

Bakery/beikəri/ نانوایی نانکەری
BarberShop/ba:bərʃɒp/ آرایشگاه
مردانه ئارایشگای‌پیاوانه
BlackSmithShop آهنگری ئاسنگەری
BookShop/bʊkʃɒp/ کتابفروشی
Butchery/bʊtʃəri/ قصابی قەسابی
Carpentry/ka:pintəri/ نجاری چۆتاشی
Confectionery/kənfekʃnəri/ قنادی
DairyShop/deəriʃɒp/ لبنیاتی شیرانفرۆشی
DressMakingSaloon خیاطی
/dresmeikiŋ/ زنانه خەیاتی‌ژنانه
DrugStore/drʌgstɔ:r/ داروخانه
بزرگ داروخانەی‌گەوره
Green سبزی/میوه
Grocery/ فروشی میۆەسەوزی‌فرۆشی
Grocery/grəʊsəri/ بقالی،خواروبار
فروشی دوکانداری‌کەلوپەل

Religious Words – واژه‌های مذهبی
وشه‌ئایینیه کان -که‌لیمیّ‌ئایینیّ

Ablution/əblu:ʃn/	دەس‌نویّژ	وضو
Angel/eindʒl	فریشته	فرشته
Bible/baibl/		انجیل‌عیسی(ع)
Bishop/biʃəp/		اسقف-مُطران شیخ‌ترسا
CallforPrayer/kɔ:lfɔ:preər/		اذان
Chapter(Surah)/tʃæpter/		سوره
Christian/kristʃən/	تەرسا	مسیحی
Church/tʃɜ:tʃ/	مزگی‌مەسیّحان	کلیسا
Creator/kri:eitər/	وەشکەر	خالق
Creature/kri:tʃər/	خلوّقیای	مخلوق
Cross/krɒs/		صلیب
Devil(Satan)/devl		شیطان-دیو
Faith/feiθ/	ئەقیّدە	ایمان
Fasting/fa:stiŋ	رۆژو-رۆچی	روزه
God/gɒd/	هورمز-خوا-خودا	خدا
Heaven/hevn/	یاگەحوّری	بهشت
Hell/hel/	یاگەموّکلّ	جهنم
HolyWar(Jehad, Crusade)/həʊliwɔ:r/		جهاد
JesusChrist/kraist/		حضرت‌مسیح
Jew/dʒu:/	جوو-موسایی	یهودی
Kiblah/kiblə/		قبله
Koran/kəra:n	قورحان	قرآن
Martydom/ma:tədəm		شهادت
Martyr/ma:tə/		شهید
Moslem/mosləm/		مسلمان
Mosque/mɒsk	مزگت	مسجد
BeUponHim		صلوات
Prayer/preər/	نویّژ	نماز
Priest/pri:st/		کشیش-موبد
Prophet/prɒfit		پیامبر
Psalm/sa:m/n		زبور داود(ع)
Satan/seitn/	مەلەکتاوس	شیطان
Sin/sin	گوناح	گناه
Sohof/soha:f/n		صحف‌ابراهیم
Temple/templ	زکرگا	معبد
Torah/Tora:/		تورات‌موسی(ع)
evil/i:vl/		بد-شرارت‌آمیز
holograph/hɒləgra:f/	وەسیەت‌نامەنویس	خودنوشت وصیت‌نامه
verse/vɜ:s/	شیّعر	آیه

Stationery - لوازم التحرير
ئەسپابێ نویسەی - وەسیلەکانی نووسین

BallPen/bɔ:lpen خودکار وێ‌نویس

BlackInk/blækiŋk/iŋk/ مرکب مرەکەو

Book/bʊk/ کتاب کتێب‌کتێو

Calculator /kælkjʊletər ماشین‌حساب

Calendar/kælindər/ تقویم

Chalk/tʃɔ:k/ گچ

Clip/klip/ گیره گیردەر

ColourPencil/kʌlərpensl مدادرنگی

Compass/kʌmpəs/ قطب‌نما

Compasses/kʌmpəsəs/ پرگار

Crayon/kreiən/ مدادشمعی

Desk/desk میزتحریرمێزی‌نوسین

Desk Lamp /deskLæmp/ چراغ‌مطالعه چرای‌خوێندن

Duster/dʌstər/ تخته‌پاک‌کن

Envelope/envələʊp/ پاکت(نامه)

Eraser(rubber)/ireizər/ پاک کن

File/fail پوشه

Fountain Pen /faʊntinpen خودنویس خۆنویس

Globe/gləʊb کره‌جغرافیایی تۆپی‌جوغرافیا

Glove/glʌv/ دستکش دەس‌کێش

Glue/glu: چسب‌مایع چەسپی‌ئاوی

Inkpot/iŋkpɒt/ دوات جێ‌جەوهەر

Ink/iŋk/ جوهر جەوهەر

Loose-leafBook کلاسور

Magicpen/mædʒikpen ماژیک

Map/mæp/ نقشه نەخشە

Notebook/nəʊtbʊk/ دفترچه

Pen/pen/ قلم،خودکار

Pin/pin سنجاق‌تەگرد

Protractor/pretræktər/ نقاله

Puncher/pʌntʃər/ منگنه کوناکەر

Reed/ri:d/ قلم‌درشت-نی نەیجە

Ruler/ru:lər/ خط‌کش خەت‌کێش

(pencil)Sharpener /ʃa:pnər/ (مداد)تراش

Stapler/steipəər/ ماشین‌دوخت‌کاغذ

ThumbTack/θʌmtæk/ پونس پونز

Type-writer/taipraitər ماشین‌تحریر

magnet/mægnit/ ئاسن‌کێش آهنربا

magnifyingglass ذره‌بین وردبین

/mægnifaiŋgla:s/

pencil/pensl/ میدادـمەدادە مداد

۱۳- یزدگرد اول ۳۹۹-۴۲۰م

۱۴- بهرام پنجم ۴۲۰-۴۳۸م

۱۵- یزدگرد دوم ۴۳۸-۴۵۷ م

۱۶- هرمز سوم ۴۵۷-۴۵۹ م

۱۷- پیروز اول ۴۵۹-۴۸۴

۱۸- بلاش ۴۸۴-۴۸۸ م

۱۹- قباد اول ۴۸۸-۴۹۷م

۲۰- جاماسب ۴۹۷-۴۹۹م

۲۱- قباد اول ۴۹۹-۵۳۱ م

۲۲- خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹ م

۲۳- هرمز چهارم ۵۷۹-۵۹۰م

۲۴- بهرام ششم ۵۹۰-۵۹۱م

ScotchTape چسب‌نواری-اسکاچ

/skɒtʃTeip چەسپی‌نەواری

Seal/si:l/ مۆرەـمۆر مُهر

Set-square/set-skweər/ گونیا

Stamp/stæmp/ تەمر تمبر

Stamp/stæmp/ استامپ مۆرخواز

Staple/steipl/ سوزن‌دوخت دەرزی‌دروین

Stapling/steipliŋ/ تەدوزی‌کتاب

۲۵- خسرو دوم ۵۹۱-۶۲۸م

۲۶- قباد دوم ۶۲۸م

۲۷- اردشیر سوم ۶۲۸-۶۳۰م

۲۸- پوراندخت ۶۳۰-۶۳۱م

۲۹- آذرمیدخت ۶۳۱م

۳۰- خسرو سوم ۶۳۱م

۳۱- هرمز پنجم ۶۳۱-۶۳۲م

۳۲- خسرو چهارم ۶۳۲م

۳۳- یزدگرد سوم ۶۳۲-۶۵۱م

ماههای میلادی و فصول
مانگی وفەسلی - مانگان ووەرزان

Month/mʌnθ/ مانگ ماه

January/dʒænjʊəri/ ژانویه-دی سەرماوەز

February/febrʊəri فوریه-بهمن ڕێبەند

March/ma:tʃ/ مارس-اسفند وەنەوشەما

April/eiprəl/ آوریل-فروردین خاکەلێوه

May/mei/ مه-اردیبهشت گولان

June/dʒu:n/ ژوئن-خرداد جۆزەردان

July/dʒu:lai ژوئیه-تیر پوشپەڕ

August/ɔ:gəst/ اوت-مرداد گەلاوێژ

September سپتامبر-شهریور

/septembər/ خەرمانان

October/ɒktəʊbər/ اکتبر-مهر ڕەزما

November/nəʊvembər/ نوامبر-آبان

December/disembər/ دسامبر-آذر

Season/si:zn/ وەرز فصل

Spring/spriŋ/ وەهار-بەهار بهار

Summer/sʌmər/ تابستان هامن

Autumn(Fall)/ɔ:təm/ پاییز

Winter/wintər/ زمسان-زستان زمستان

Century/Sentʃəri/ سەدسال قرن







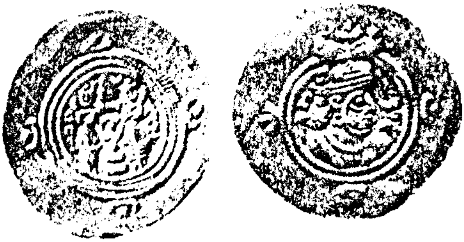
هرمز سوم پسر یزد گرد دوم

٤٥٧-٩ م



روزهای هفته
ڕوانووحه‌فته‌ی - ڕۆژانی حه‌وته

جمعه	هه‌ینی	**Friday**/fraidei/
شنبه	شه‌مه	**Saturday**/sætədi/
یکشنبه	یه‌کشه‌مه	**Sunday**/sʌndei/
دوشنبه	دوشه‌مه	**Monday**/mʌndei/
سه‌شنبه	سێشه‌مه	**Tuesday**/Tju:zdei/
چهارشنبه	چوارشه‌مه	**Wednesday**/wenzdei/
پنج‌شنبه	په‌نج‌شه‌مه	**Thursday**/θɜ:zdei/





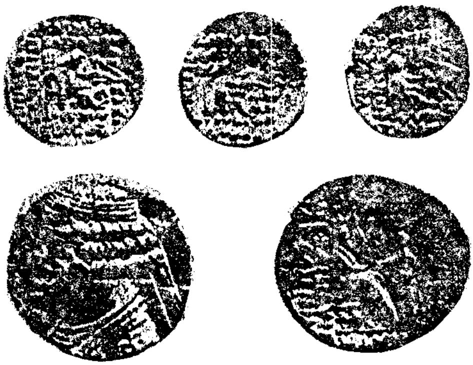
سکه‌های ساسانی



اشک دوم
۲۴۷ - ق- م

خانواده – Family
یانەوبنەماڵە

Father/fʌðər/	تاتە-باب-باوک	پدر-بابە-
Mother/mʌðər/	دایک-ئا	مادر
Grandfather /grændfʌðər/	باوکەگەورە	پدر بزرگ
Grandmother /grændmʌðər/	دایکە گەورە	مادر بزرگ
Son/sʌn/	کوڕ-کوڕیە	پسر
Daughter/dɔ:tər/	کچ-کناچێ	دختر-کیژ-
Grandson/grændsʌn/	کوڕەزا	نوەپسری
DaughterGrand	کچەزا	نوەدختری
(paternal)Uncle /pət3:nlʌŋkl/	مامۆ-مام	عمو
(Maternal)Uncle /mət3:nəlʌŋkl/	خاڵۆ-خاڵ-لالۆ	دایی
(paternal)Aunt/a:nt	مەتیە	عمە
(Maternal)Aunt	پور-دێدێ	خالە
Sister/sistər	خوشک-واڵێ	خواهر
Brother/brʌðər/	برا	برادر



اشک پنجم (فرهاد اول)
۱۷۶ - ق- م

عهد اشکانی

رنگها – Color
ڕەنگەکان – ڕەنگێ

English	فارسی	کوردی
LightGreen/laitgri:n/	سبزکم‌رنگ	
Orange/ɔ:rindʒ/	نارنجی	پرتەقاڵی
Pink/pink/	صورتی	سوورەتی
Red/red/	قرمز	سوورـئاڵ
Violet/vaiələt/	بنفش	بەنەوش
White/wait/	سفید	سپی‌ـچەرمە
Yellow/jeləʊ/	زرد	زەرد
Black/blæk/	سیاه،مشکی	سیاوـڕەش
Blue/blu:/	آبی	ئاوی‌ـکەووـشین
Brown/braʊn/	قهوه‌ای	قاوەی
DarkBlue/da:kblu:/	آبی‌پررنگ	(وەنۆشەئاسا)
Green/gri:n/	سبز	سەوز
Grey/grei/	خاکستری	بوڵبام



مهرداد اول
۱۷۱ - ق - م



اشک چهارم
۱۹۱ - ق - م

Animals – حیوانات
حەیوانێ – حەیوانەکان

English	Kurdish	Persian
Animal/æniml/	حەیوان	حیوان
Ant/ænt/	مرۆچی-مێروله	مورچه
Ass/æs/	ولاّخ-هەرکەر	خر
Bear/beər/	ئەشە-ورچ	خرس
Bee/bi:/	هەنگ	زنبورعسل
Beetle/bi:tl/	قولانچه	سوسک
Butterfly/bʌtərflai/	پەپوله	پروانه
Calf/ka:f/	گوڕەکه-گوێرەکه	گوساله
Camel/kæml/	وشتر	شتر
Canary/kəneəri/	قەناری	قناری
Cat/kæt/	کتە-پشیلێ	گربه
Centipede/sentipi:d/	هەزارپێ	هزارپا
Chicken/tʃikin/	جوجەڵێ	جوجه
Cock/kɒk/	کەڵەشێڕ	خروس
Cow/kau/	گاو ـ گا	گاو
Crocodile/krɒkədail/		سوسمار بزرگ
Crow/krəʊ/	قالاّو	کلاغ
Deer/diər/	ئاسک	آهو
Dog/dɒg/	تووتە-دەڵە-گەماڵ	سگ
DomesticAnimals/dəmestikæniml/	حەیواناتی‌لینی	حیواناتاهلی
Donkey/dɒŋki/	هەرەکەر	الاغ
Duck/dʌk/	مرغاوی-مراوی	مرغابی
Eagle/i:gl/	داڵ-بازتەرلان	عقاب
Elephant/elifənt/	فیل	فیل
Fish/fiʃ/	ماسی-ماساوی	ماهی
Fly/flai/	مێش-مەشی	مگس
Fox/fɒks/	ڕێوی-ڕۆاسی	روباه
Frog/frɒg/	قڕۆاقی	قورباغه
Giraffe/dʒira:f/	زەڕافه	زرافه
Gnat/næt/	تۆفانە-خاکه	پشه
Goat/gəʊt/	بزە-بزن	بز
Goose/gu:s/	قاز	غاز
Hedgehog/hedʒhɒg/	ژوژو	جوجەتیغی
Hen/hen/	کەرگە-مریشک	مرغ
Hoopoe/hu:pu:/		هدهد،شانەبسر
Horse/hɔ:s/	ئەسپ-ماڵ	اسب
Kangaroo/kæŋgəru:/		کانگورو
Kid/kid/	بزڵە-کار	بزغاله
Lamb/læm/	وەرە-بەرخ	بّره

Sheep/ʃi:p/ مەیەمەڕی گوسفند

Silkworm/silkwɜ:m/ کرمابریشم

Snail/sneil/ سەوزیخۆر حلزون

Snake/sneik/ مار مار

Sparrow/spærəʊ/ چۆلەکە گنجشک

Spider/spaidər/کەکڵەموشان عنکبوت

Squirrel/skwirəl/ سمۆرە سنجاب

Swallow/swɒləʊ/ پرستو،چلچله

Swan/swɒn/ قویئاوان قو

Tiger/taigər/ بەبریبەیان ببر

Toad/təʊd/ جۆرەقڕپۆقی وزغ

Turkey/Tɜ:ki/ بەقلەموت بوقلمون

Turtle/tɜ:tl/ کیسەڵ لاکپشت

Vulture/vʌltʃər/ داڵیگەڕ کرکس

Wasp/wɒsp/ زەردەواڵە زنبور

Whale/Weil/ نهنگ-وال نەهەنگ

WildAnimals حیوانات حەیوانە

/waidæniml/ وحشی کێویان

Wolf/wʊlf/ وەرگـگورگ گرگ

Woodpecker/wʊdpekər/ دارکوب

Worm/wɜ:m/ کرمی ـ کرم کِرم

Zebra/zi:brə/ کەرەکێوی گورخر

Leopard/lepəd/ جۆرەپڵنگی یوزپلنگ

Lion/laien/ شێر شیر

Lizard/Lizəd/ مارمیلکەمەزوکی مارمولک

Lobster/lɒbstər/ قارژنگ خرچنگ

Locust/ləʊkəst/کوللەـقولمە ملخ

Monkey/mʌnki/ مەیمون میمون

Mouse/maʊs/ مشکـمڵە موش

Nightingale/naitŋgeil/بڵبڵ بلبل

Octopus/ɒktəpəs/ اختاپوس،

هشتپا هەشتپێ

Ostrich/ɒstritʃ/ شترمرغ مروشتر

Owl/aʊl/ بومـبادەقوش جغد

Panther(Jaguar)/pænθər/ پلنگ

Parrot/pærət/ توتی طوطی

Partridge/pa:tridʒ/ ـژەرەژ کبک کەو

Peacock/pi:kɒk/ تاوس طاووس

Penguin/peŋgwin/ پنگوئن

Pigeon/pidʒen/کۆترـکاوەتر کبوتر

Quail/kweil/ کەڕەواڵە بلدرچین

Rabbit/ræbit/ هەوریشە خرگوش

Rhinoceros/rainɒsərəs/ کرگدن

Scorpion/skɔ:pien/ دووپشک عقرب

Shark/ʃa:k/جۆرەماسیەکیدڕەندەیە کوسه

اعضاء بدن (bodyorgans)
تیکێ لاشەی - بە شە کانی لەش

Ankle/æŋkl/ مچ-قوزکپا قاپوره

Armpit/a:mpit/ زیربغل بن‌باڵ

Artery/a:təri/ سرخرگ ڕەگی‌سوور

Back/bæk/ پشت پەشتی‌پشت

Beard/bied/ ریش

Belly/beli/ شکم سک‌لەمە

Blood/blʌd/ خون ونی‌خوێن

Body/hɒdi/ بدن لەش

Bone/bəʊn/ استخوان پی‌شە

Brain/brein/ مغز،مخ مەژگ

Breast/brest/ سینه-پستان بەرەک

Capillary/kəpiləri/ مویرگ ڕەگ‌موو

Cheek/tʃi:k/ لپ،گونه-گپ گولم

Chin/tʃin/ چانه چەناکە-زنج

Ear/ɜ:r/ گوش گوێ‌گوێش

Elbow/elbəʊ/ آرنج هەرێژن

Eye-brow/ai-braʊ/ ابرو برۆ

Eye-lash/ai-læʃ/ مژه برژانگ

Eye-lid/ai-lid/ پلک پیڵە‌چەم‌پۆش

Eye/ai/ چشم چاو‌چەم

Face/feis/ صورت ڕوو‌دیم

Finger/fiŋgər/ انگشت‌دست‌قامک‌ئەنگوس

Fist/fist/ مشت مشتە

Foot/fʊt/ پا پێ‌پا

Forearm/fɔ:ra:m/ ساعد‌مەچەک

Forehead/fɔ:rid/ پیشانی تەوێڵ

Gum/gʌm/ لثه-قڕو-گلوه

Hand/hænd/ دست دەس‌دەست

Head/hed/ سر سەر‌سەره

Heart/ha:t/ قلب دڵ

Jaw/dʒɔ:/ فک،آرواره چەناکە‌کەلۆه

Kidney/kidni/ کلیه گۆجیلێ‌ولک

Knee/ni:/ زانو ئەژنۆ-زەنگۆڵ

Leg/leg/ ساق‌پا لاق-لنگ

Lip/lip/ لب-لچ‌ولیو

Liver/livər/ کبد-جگر-یەهەر جەرگ

Lung/lʌŋ/ ریه-سی-شۆشی

Skin/skin/	پێست-پۆس	پوست
Sole/səʊl/	ژێرپێ-چێرپا	کف پا
Spine/spain/	مازیپشت	ستون‌فقرات
Stomach/stʌmək/	هورگ	معده
Thigh/θai/	شلکەران	ران
Throat/θrəʊt/	قڕو-گلۆوه	گلو
Toe/təʊ/	ئەنگوسەوپای	انگشت‌پا
Tongue/tʌŋ/	زوان-زمان	زبان
Tooth/tu:θ/	دیان-ددان	دندان
Vein/vein/	ڕەگی‌ڕەش	سیاهرگ
Waist/weist/	میوینگا-ناوقەد	کمر
Wrist/rist/	موچ-مەچەک	مچ‌دست
heel/hi:l/	پاژنه	پاشنه‌پا
Moustache/məsta:ʃ/	سوێڵ	سبیل
Mouth/maʊð/	دەم	دهان
Muscle/mʌsl/		عضله-ماهیچه،مەیچه
Nail/neɪl/	ناخوون	ناخن
Navel/neivəl/	ناوکـنەها	ناف
Neck/nek/	مل	گردن
Nerve/nɜ:v/	دەمار	عصب
Nose/nəʊz/	لووتەـلووت	بینی
Palm/pa:m/		کف‌دست-لواسه
Pancreas/pæŋkries/		لوزالمعده-بادام‌معده
Shoulder/ʃəʊldər/		کتف-شانه
Side/said/		پهلو-کنار-پالو-پال‌کن

سالشمار شاهان ساسانی

۱- اردشیر اول ۲۲۴-۲۴۱ م

۲- شاپور اول ۲۴۱-۲۷۲

۳- هرمز اول ۲۷۲ - ۲۷۳ م

۴- بهرام اول ۲۷۳-۲۷۶ م

۵- بهرام دوم ۲۷۶-۲۹۳ م

۶- بهرام سوم ۲۹۳ م

۷- نرسی ۲۹۳-۳۰۳ م

۸- هرمز دوم ۳۰۳-۳۰۹ م

۹- شاپور دوم ۳۰۹-۳۷۹ م

۱۰- اردشیر دوم ۳۷۹-۳۸۳ م

۱۱- شاپور سوم ۳۸۳-۳۸۸م

۱۲- بهرام چهارم ۳۸۸-۳۹۹م

پوشاک (clothing)
لیباس - سیپالیٚ

Belt/belt/ کەربندمردانە میٚوین
Blouse/blu:z/ بلوز جاکەت
Boots/bu:t/ پوتین-چکمە
BowTie/bəʊtai/ پاپیون یەخەبەن
Cap/kæp/ کلاەلبەدار کلاّوشەبەق
Cloak/kləʊk/ شنل-خرقە ڕٚوکراس
Coat/kəʊt/ کت کورت
Collar یقە یەخیٚ-یەخە
Gloves/glʌv/ دستکش دەس‌کەش
Hankerchief/hændkətʃif/ دستمال
Hat/hæt/ کلاە کلاّو
Helmet/helmit/ کلاەایمنی کلاّوی‌بەرگری
Jacket/dʒækit/ ژاکت جاکەت
Lining/liniŋ/ آستر ئاسەڕٚ
NeckTie/nektai/ کراوات ملبەس
Overall/əʊvərɔ:l/ روپوش ڕٚوپۆٚش
Pants/pænts/ شلوارزنانە شوالٚ
Pyjamas/pədʒa:mez/ زیرشلواری،
پیژامە ژیٚشەوالٚ-چیٚرپاوەرە
Raincoat/reinkəʊt/بارانگیر بارانی
Robe/rəʊb/ عبا-جبە-ردا کواکەوا
RubberBoots/rʌbərbu:ts/ چکمە

Sash/sæʃ/ کمربندزنانەکەمەرە
Scarf/ska:f/ روسری،شال‌گردن‌شەدە
Shirt/ʃɜ:t/ پیراهن کراس-گجی
Shoes/ʃu:/ کفش کەوش-پالاّ
Shorts/ʃɔ:ts/ شلوارک تونکیٚ
Skirt/skɜ:t/ دامن داوێن-کولەنجە
Sleeve/sli:v/ آستین قۆٚلٚ
Slippers/slipər/ دمپایی سەرپایی
Socks/sɒks/ جوراب‌ساقە گویٚروا
کوتاه گۆٚرەویٚ
Stocking/stɒkiŋ/ جوراب‌ساقە
بلند شۆٚرەگویٚرەوە
Suit/sju:t/ کت‌وشلوار کوتوشوالٚ
T-Shirt/ʃɜ:t/ تی‌شرت(پیراهن ژیٚراکراس
آستین‌کوتاه)
Trousers/traʊzəz/ پاتۆٚلٚ شلوارمردانە
Turban/tɜ:bən/ کلاّودەسمالٚ عمامە
Underwear/ʌndəweər/ زیرپوش
Veil/veil/ دەوار-ڕٚەش‌مالٚ چادر
overcoat/əʊvərkəʊt/ پەسەک پالتو

(Nature/neitʃər/) طبیعت
تەبیعەت - سروشت

Africa/æfrikə/ ئیفریقا آفریقا

America/əmerikə/ ئیمریکا آمریکا

Asia/Asia/ ئاسیا آسیا

Australia/ɔ:streiliə/ئوسترالیا استرالیا

BlackMud/blækmʌd/میرگ باطلاق

Bush/bʊʃ/ متکه بوته

Cape/keip/ دماغه-خشکی‌رفته‌درآب‌ئاودرژ

Chain(range) رشته‌کوه، کویستان

سلسله‌جبال زەنجیرەکیو

Cloud/klaʊd/ ابر-هەورهەلا

Continent/kɒntinənt/وشکی قاره

Desert/dezət/ بیاوانوهەرد بیابان

Earth/ɜ:θ/ زەوی‌ئەرز زمین

Earthquake/ɜ:θkweik/لەرزە زلزله‌بومه

Ebb&Tide/eb ئاوبان‌ونشت جزرومد

Equator/ikweitər/ خطاستوا

Europe/jʊərrəp/ ئرووپا اروپا

Flood/flʌd/ لافاوهەرەس سیل

Flower/flaʊər/ گول گُل

Forest(jungle)/fɒrist/ دارستان جنگل

Galaxy/gæləksi/کۆمەڵی‌ئەستیرە کهکشان

Gulf/gʌf/ ئاوکەند خلیج

Hail/heil/ تەرزەتوەرگی تگرگ

Harbour/ha:bər/ شاری‌دەریا بندر

Hill/hil بازی‌تەپۆڵەباسک تپه

Island/aislænd/ ئاودەور جزیره

Lightning/laitniŋ/ برق-برووسکه

Mine/main/ کانگه معدن

Mist(fog)/Mist/ مه-تەم مژ

Moon/mu:n/ مانگ‌مانگه ماه

MoonEclipse خسوف-ماه‌گرفت

/mu:niklips/ مانگ‌گرت

Mountain/maʊntən/کیوکەش کوه

Ocean/əʊʃn/ اقیانوس دایکی‌دەریا

Oceania/əʊʃniə/ اقیانوسیه

Peak/pi:k/ ئاسۆکەل‌لووته قله

Plateau/plætəʊ/ پانایی فلات

Rain/rein/ باران-رنەژن واران

Rainbow/reinbəʊ/ سینەزەڕێنێ رنگین‌کمان

River/rivər/ ڕووبار-چەم رودخانه

Sand/sænd/ ڕێخ‌وڕێزێ شن

Sea/Si:/ دەلیا دریا

Sky/skai/ ئاسمان آسمان

Snow/snəʊ/ وەرومبەفروبەور برف

Soil/sɔil/ خاکوخۆڵ خاک

Star/sta:r/ هەسارەئەستێرە ستاره

Steppe/step/ پانوبەرین جلگه-استپ

Storm/Stɔ:m/ تۆفوگەردەلوول توفان

Strait/streit/ تنگه-گذرآبی‌ویرێ‌ئاوپڕگە

Stream/stri:m/ جۆگەئاو،چەم نهر،جویبار

Sun/sʌn/ ڕۆجیار-خۆر خورشید

SunEclipse کسوف-گرفت‌خورشید

/sʌniklips/ خۆرگرت

Thunder/θʌndər/ رعد-ترێ‌شقه-گرمەهەور

Universe/ju:nivɜ:s/ جهان-دنیا

Valley/væli/ درەوچەم درّه

Volcano/Vɒlkeinəʊ/ ئەیرپژگن آتشفشان

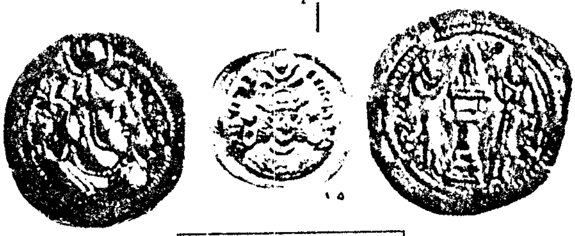
WaterFall/wɔ:tərfɔ:l/ تاف‌بڵ آبشار

Wind/wind/ وادەمەبا باد

Wood/Wʊd/ چۆ بیشه،جنگل-چوب

planet/plænit/ هەسارە سیاره

pole/pəʊl/ ژێروبانی‌زەوی قطب



پیروز پسر یزدگرد دوم
٤٨٤ - م

Foods/fu:d/ خوراکیها
واردەمەنیێ - پێخورەکان

AnimalFat/ænimlfæt/ روغن‌حیوانی

Beef/bi:f/ گۆشتەگا گوشت‌گاو

BoiledEgg/bɔileg/ تخم‌مرغ‌آب‌پز

Boiledpotatoes سیب‌زمینی‌آب‌پز

Boiledrice/bɔildrais/ کەتە کته

Bologna/bələgnə/ کالباس

Bread/bred/ نانە نان

Broth/brɒθ/ ئاوگۆشت آبگوشت

Butter/bʌtər/ کەرە-کەرێ کره

CannedFood/kændfu:d/ کنسرو

CannedFruit/kændfru:t/ کمپوت

Cheese/tʃi:z/ پەنیر-پەنێرە پنیر

Chicken/tʃikin/ جوجەڵە جوجه

Cookies/kʊkis/ شیرینی‌خشک

Cream/kri:m/ فرۆ-لۆرکێ خامه

Cutlet/kʌtlit/ تەماتەوهێڵە کتلت

Egg/eg/ هێڵە-هێلکە تخم‌مرغ

Fish/fiʃ/ ماسی-ماساو ماهی

Flour/flaʊər/ هارد-ئاردی آرد

FriedEgg/fraideg/ هێلکەورۆن نیمرو

Friedpotatoes سیب‌زمینی‌سرخ‌کرده

Ham/hæm/ بەرازەگۆشت ژامبون-ران‌خوک

Hamburger/hæmbɜ:gər/ همبرگر

Hen/hen/ کەرگە-مر-مریشک مرغ

Honey/hʌni/ هەنگوێن عسل

HotDog/hɒtdɒg/ سوسیس‌پخته

Icecream/aiskri:m/ بستنی

Ice/ais/ سەهۆڵ-ڕچە یخ

Jam/dʒæm/ مربا

Kidney/kedni/ گۆجیلە-وڵک قلوه-کلیه

Lamb/læm/ گۆشتەکاوڕ گوشت‌بره

LemonJuice/lemәndʒu:s/ آبلیمو

Liver/kivər/ جەرگ-یەهەر جگر

LumpSugar/lʌmpʃʊgər/ قەن قند

MeatPaste/mi:tpeist/ قیمەیگۆشت گوشت‌چرخ کرده

Pastries/peistris/ شیرینی‌تر

Pepper/pepər/	بیبارئاڵەت	فلفل
Pickle/pikl/	تورشی	ترشی
Salami/səla;mi/		کالباس‌خشک
Salmon/sæmən/	ماسی	ماهی‌آزاد
Salt/sɒlt/	خوێـنمەکی،مەکی	نمک
Sausages/sɒsidʒ/		سوسیس
Shortening	ڕۆن	روغن‌نباتی‌جامد
SoftEgg/sɒfteg/		تخم‌مرغ‌عسلی
Soup/su:p/	دوخوا	سوپ
SourGrapes	ئاوقۆرە	آبغوره
Steak/steik/	کەباب	گوشت‌کبابی
Stew/stju:/	خۆرشت	خورشت
Sugar/ʃʊgər/	شەکەر	شکر
Tongue/Tʌŋ/	زوانی‌ناودەم	زبان
Veal/vi:l/	گۆشتی‌گوێرەکە	گوشت‌گوساله
VegetableOil	ڕۆن	روغن‌نباتی‌مایع
Vinegar/vinigər/	ترش	سرکه
Yoghurt/jəʊgərt/	ماس	ماست
heart/ha:t/	دڵ	دل-قلب
meat/mi;t/	گۆشت	گوشت
mincedmeatStew		خورشت‌قیمه
CookedRice/kʊkdrais/	پڵاو	پلو
salad/sæləd/		سالاد



بهرام اول
۲۷٤ – م

Transport means وسایل نقلیه
وەسیلانوئامەولوای - وەسایلیها توچووکردن

Aeroplane(Airplane)	تەیارە	هواپیما
Bicycle/bæisikl/		دوچرخه
Boat/bəʊt/	جۆری ئاوگەرد	قایق
Bus/bʌs/		اتوبوس
Car/ka:r/		اتومبیل،ماشین
Carriage/kæridʒ/		درشکه
Cart/kæt/	گاریه	گاری
Coach/kəʊtʃ/	کەجاوە	کالسکه
DoubleDecker		اتوبوس دوطبقه
Metro(UndergroudnTrain)		مترو
Minibus/minibʌs/		مینی‌بوس
Motorcycle/məʊtərsikl/		موتور سیکلت
Ship/ʃip/	ئاوگەڕ	کشتی
Taxi(Cab)/Tæksi/		تاکسی
Train/trein/		قطار
Tram/træm/		تراموا
Tricycle/trisikl/		سه‌چرخه
TrucK(Lorry)/lɒri/		کامیون
massy/masi/		سنگین-ماسا-توپر




ولاش چهارم
۱۹۱ - م





بلاش برادر پیروز
٤٨٤- م

ابزار آلات Tools
وەسیلێ - وەسیلەکان

پیچ‌گوشتی (دوسو)		**ScrewDriver** /skru:draɪvər/
آچارفرانسه		**ScrewSpanner** /skru:spænər/
پریز		**Socket**/sɒkit/
بیل	بیڵەـبیڵ	**Spade**/speɪd/
آچار	ئاچەر	**Spanner**/spænər/
کلیدبرق	کلیلی‌بەرق	**Switch**/switʃ/
ابزار	ئامرازـچێوی	**Tools**/Tu:l/
سیم	تەڵـتەوکە	**Wire**/waɪər/
چاه‌نفت	وڵەنەفتە	**oil.well**/ɔilwel/
رنگ		**paint**/peɪnt/
قلم مو		**paintingBrush** /peɪnTɪŋbrʌʃ/
دوشاخه‌برق		**plug**/plʌg/
تبر	تەورـتوەر	**Axe**/æks/
تخته	چێوی‌ساف	**Board**/bɔ:d/
گیره	قولاو	**Clamp**/klæmp/
ریسمان-زه	کەوان	**Cord**/kɔ:d/
مته	مەتێـمەتە	**Drill**/drɪl/
چکش		**Hammer**/hæmər/
کلید	کرێڵـکلیل	**Key**/ki:/
نردبان	پەیجەـسردە	**Ladder**/ladər/
میخ	بزمارـبزماری	**Nail**/neil/
پیچ‌گوشتی		**Philips screw**
چهارسو	چوارسوچ	**Driver**
کلنگ	زەنگن‌پاچ	**PickAxe**/pɪkæks/
گازانبر	گاز	**Pincers**/pɪnsəz/
انبردست	گاز	**Pliers**/plaɪəz/
اره	مشارودەسەڕە	**Saw**/sɔ:/
پیچ	جەڕپێچ	**Screw**/skru:/

۳۰- بلاش دوم ۷۸-۱۴۸ م

۳۱- مهرداد چهارم ۱۳۰-۱۴۸م

۳۲- بلاش سوم ۱۴۸-۱۹۱ م

۳۳- بلاش چهارم ۱۹۱-۲۰۸ م

۳۴- بلاش پنجم ۲۰۸-۲۱۳ م

۳۵- اردوان پنجم ۲۱۳-۲۲۴ م

۳۶ -ارتاواز ۲۲۴-۲۲۸ م

بیماریها (diseases)
ناوەشیەکێ - نەخۆشیەکان

Typhoid Fever حصبه پەتایەمان

Cholera/cholera/ وبا وەوا

Epilepsy/epilepsi/ صرع فێغەش

Leprosy/leprəsi/ جذام-گرێ گولی

Plague/pleig/ طاعون تاعون

Jaundice/dʒɔ:ndis/ زردی،یرقان

HoopCough /hʊpkɒf/ سیاەسرفه قفەڕەشه کۆکه

Malaria/məleəriə/ مالاریا ئازارەباریکێ

Pneumonia/nju:məʊniə/ ذات‌الریه سینەپهلو ئاوسانی‌سی‌وشۆش

Diabetes/daiəbetik/ بیماری‌قند

Bloodpressure /blʌdpreʃər/ فشارخون

Cancer/kænsər/ سرطان دەردی‌گران

Tuberculosis /tiu:bɜ:kjʊləʊsis/ سل سیل

Measles/mizlz/ سرخک سورنجه

Scarlet Fever /ska:litfi:vər/ مخملک دڕەیلێ

Small Pox/pɒks/ آبله هەلۆێ

Chicken Poxpɒks/ آبله‌مرغان هەلوەمر

Diphtheria/difθiəriə/ دیفتری تاسیان

Tetannus/Tetənəs/ کزاز قڕوگیر

Rabies/reibi:z/n هاری سەگاز

Infantile Paralysis فلج‌اطفال

Flu/flu:/ آنفولانزا هەلامەت

Diarrhoea/daiəriə/ اسهال سکچون

۲۴- مهرداد ۴۹ م

۲۵- ونن دوم ۵۱ م

۲۶- بلاش اول ۵۱-۷۸ م

۲۷- پاکر دوم ۷۸-۸۳ م

۲۸- اردوان چهارم ۸۰/۸۱ م

۲۹- خسرو ۱۰۹-۱۲۹ م

اتاق خواب (bedroom)
دیوی نوستن - ئوتاقه ووتەی

کمد گەنجە **Wardrobe**/wɔ:drəʊb/

گهواره-لانک-بێشکێ لەلوە **cradle**/kreidl/

میز توالت/آرایش **makeTable**/meikteibl/

تشک دۆشەک **mattress**/mætris/

کالسکه **pram**/præm/

مردزن‌صفت شەکلە **sissy**/sisi/

چراغ‌خواب چراخاو **Bed-side-lamp**

تختخواب تەختیخەو **Bed**/bed/

رختخواب جێوبان **Bedding**/bediŋ/

اتاق‌خواب **Bedroom**/bedru:m/

پتو **Blanket**/blæŋkit/

بالش-متکا-پشتی **Pillow**/piləʊ/

لحاف لێف **Quilt**/kwilt/

ملحفه وەرەقەمەلافە **Sheet**/ʃi:t/



۱۳- مهرداد سوم ۵۷-۵۵ ق.م

جاماسب برادر قباد ۴۹۶ م

۱۸- فرهاد پنجم ۳ق.م - ۴م

۱۴- ارد اول ۵۷-۳۷ ق.م

۱۹- ارد دوم ۴-۸ م

۱۵- پاکر ۳۹ ق.م

۲۰- ونن اول ۸-۱۱ م

۱۶- فرهاد چهارم ۳۷/۳۸ ق.م

۲۱- اردوان سوم ۱۲-۳۸ م

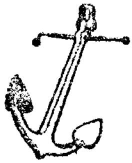
۱۷- تیرداد دوم ۲۷/۲۶ ق.م

۲۲- وردان اول ۴۰-۴۵ م

۲۳- گودرز ۴۱-۵۱ م



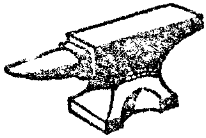
ARCH



ANCHOR



ACORN



ANVIL



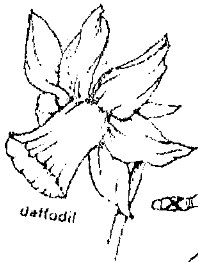
AXE



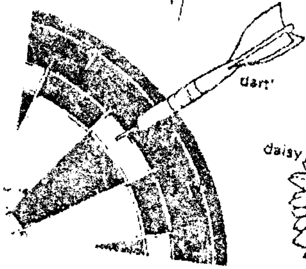
جاماسپ

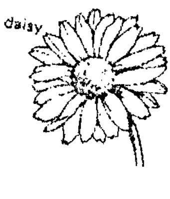


قباد پسر پیروز
۴۸۹- م









اتاق پذیرایی (sittingroom)
ئوتاقی میوانداری

مبل	موبلّ	Furniture/fɜ:nitʃər/
کاناپه	موبلی ڕەحەتی	Sofa/səʊfə/
نازبالش-پشتی		Cushion/kʊʃən/
زیرسیگاری		Ashtray/æʃtrei/
تابلو(نقاشی)		Painting/peintiŋ/
بخاری برقی	چرابەرقی	Heater/hi:tər/
شوفاژ	گەرمادەر	heating central
تهویه مطبوع		Air conditioning /eərkəndiʃəniŋ/
ضبط صوت	زەبت	Tape recorder /teiprikɔ:dər/
فرش،قالی	قالّیه	Carpet/ka:pit/
قالیچه	بەڕ	Rug/rʌg/
پرده	پەردە	Curtain/kɜ:tn/
پرده کرکره		Venetian Blinds /vəni:ʃnblainds/
لوستر	چلچرا	Chandelier/ʃændəliər/
چراغ خواب		Lampshade /læmpʃəid/
آباژور	چرای خەو	
نوارضبط صوت	شریت	Tape/teip/

سالشمار شاهان اشکانی

۱- ارشک اول ۲۵۰-۲۴۷ ق.م

۲- تیرداد اول ۲۴۷-۲۱۱ ق.م

۳- ارشک دوم ۲۱۱-۱۹۱ ق.م

۴- فریاپات ۱۹۱-۱۷۶ ق.م

۵- فرهاد اول ۱۷۶-۱۷۱ ق.م

۶- مهرداد اول ۱۷۱-۱۳۸ ق.م

۱۰- اردشیر سوم ۳۵۹-۳۳۷ ق.م

۱۱- آرسس ۳۳۷ ق.م

۱۲- داریوش سوم ۳۳۷-۳۳۰ ق.م

(bathhouse) حمام
حەمام

Bathroom/bæθru:m/	حەمام	حمام
Bathtub/bæθtʌb/	وان-حمام فرنگی	
Blade,Razor/bleid	تیٚخ	تیغ
Comb/kəʊm/		شانه
Electric-hairDrier		سشوار
ElectricShaver /ilektri:kʃeivər/	ریٚش تاش	ریش تراش برقی
Ewer/evər/	ئافتاوه	آفتابه
Mirror/mirər/	ئەینەوجام	آینه
Perfume/pɜ:fju:m/	عەبیر	عطر
SafetyRazor /seiftireizər/	ریٚش تاش	خود-ریش تراش
Shampoo/ʃæmpu:/		شامپو
Shower/ʃaʊər/	شۆڕەئاو	دوش
SittingToilet /sitiŋTɔilit/	کەناراو	توالت فرنگی
Soap/səʊp/		صابون-ساون
SquattingToilet /skwɒtiŋTɔilit/	دەسشۆری	توالت
Towel/Taʊəl/	هەوڵە	حوله
Wash-Stand /wɒʃstænd/	کەناراو	دستشویی
WaterHeater /wɔ:tərhi:tər/	ئاوگەرمکەر	آبگرمکن

سالشمار شاهان هخامنشی

۱- کوروش ۵۵۹- ۵۲۹ ق.م

۲- کمبوجیه ۵۲۹-۵۲۱ ق.م

۳- داریوش اول ۵۲۱-۴۸۵ ق.م

۴- خشایارشا ۴۸۵-۴۶۵ ق.م

۵- اردشیر اول ۴۶۵-۴۲۵ ق.م

۶- خشایارشای دوم ۴۲۵ ق.م

۷- داریوش دوم ۴۲۵-۴۰۵ ق.م

۸- کوروش دوم ۴۰۱-۴۰۰ ق.م

۹- اردشیر دوم ۴۰۵-۳۵۹ ق.م

لوازم آشپزخانه (kitchenmeans)
ئامرازی ئاشپەزخانە - وەسیلیٚ ئاشپەزخانەی

Apron/eiprən/ پیش‌بند وەربین

Blender/blendər/ همزن چەنەدەر

BottleOpener /bɒtləʊpənər/ دربازکن (بطری) دەربازکەر

Bowl/bəʊl/ کاسه-پیاله جامۆلە

Broom/bru:m/ جارو گزگـگزی

Bucket(Pail)/bʌkit/ سطل سەتڵ

CanOpener /kənəʊpənər/ دربازکن (کنسرو...) بەرەوازکەر

Charcoal/tʃa:kəʊl/ زغال خەلۆز

Cup/Kʌp/ فنجان-قرووشکه

Dish/diʃ/ دیس-بشقاب-آنتن

Faucet/fɔ:sit/ شیرآب شێرەئاو

Fork/fɔ:k/ چنگال

Freezer/fri:zər/ فریزر ساردۆکەر

FruitJuicer/fru:tdʒu:s/ آبمیوه‌گیری

Funnel/fʌnl/ قیف-ڕەحەتی پاربزەر

GasCooker/gæskʊkər/ اجاق‌گاز

GasLighter/gæslaitər/ فندک‌گاز

Jug/dʒʌg/ پارچ تونگەئاو

KeroseneCooker /kerəsi:nkʊkər/ چراغ‌نفتی چرای‌نەوتی

Lighter/laitər/ فندک فەندەک

Match/mætʃ/ کبریت کرمیت‌ـگورد

MeatGrinder /mi:tgraindər/ چرخ‌گوشت چەرخی‌گۆشت

Mixer/miksər/ مخلوطکن ئاویتەکەر

Napery/neipəri/ سفره

Oven/ʌvn/ فر-اجاق‌گاز چراگاز

PaperTissue /peipərTiʃu:/ دستمال کاغذی دەسماڵ نەرمە

Plate/pleit/ بشقاب دەوری

Refrigerator /rifridʒəreitər/ یخچال

RiceCooker/raiskʊkər/ پلوپز

SaltShaker/sɒltʃeikər/ نمکدان

Samovar/sæməva:r سماور

SaucePan/sɔ:spæn/ قابلمه قەولەمە

churn/tʃɜ:n/ ظرف‌کره‌سازی
کەرەچن

kettle/ketl/ کتری کتریە

knife/naif/ کارد،چاقوچەقو

skinchurn جاروغن خیگە

/skintʃɜ:n/ چرمی-خیگ مەشکەی‌ڕۆن

Saucer/Sɔ:sər/ نعلبکی ژێرپیاڵە

Sink/siŋk/ ظرفشویی زەرفشۆر

Spoon/spu:n/ قاشق چەمچە

Teapot/ti:pɒt/ قوری قۆڕیە

Traytrei/ سینی-کەشەفە

Vacuum Cleaner جاروبرقی

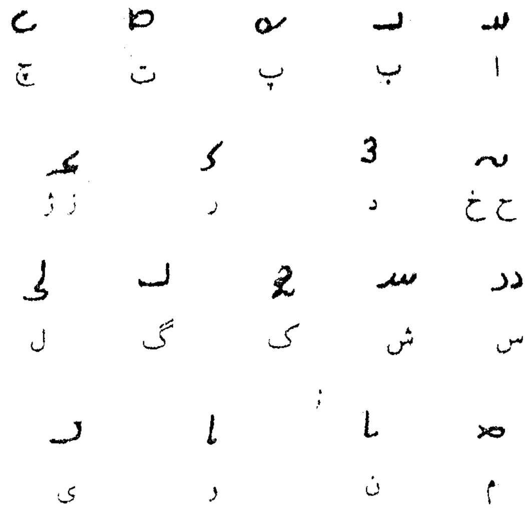
/vækiʊəmkli:nər/

Washing Machine ماشین‌لباسشویی

/waʃiŋməʃi:n/ماشینی‌لیباس‌شۆری

الفبای گشته دبیره

در دوره ساسانیان



سبزیجات (vegetables)
سەوزیێ - سەوزیەکان

aubergine/əʊbəʒi:n/ باینجان بادمجان

Barley/ba:li/ یەوەجۆ جو

Basil/bæzl/ ڕێحان ریحان

Bean/bi:n/ ولەرە لوبیا-باقله

Cabbage/kæbidʒ/ کلم

Carrot/kærət/ گزەر هویج

Celery/seləri/ کەرەوز کرفس

Coriander/kʊrindər/ تاوڵێ گشنیز

Corn/kɔ:n/ کۆمەڵدانە ذرت

Garlic/ga:lik/ سیر

Grass Pea ماشە ماش

/grɒspi/ نخودسبز

Leek/li:k/ ترەکوهی-سیرسبز

Lentil/lentil/ نیسک‌میژوی عدس

Lettuce/letis/ کاهو

Marrow/mærəʊ/ کولەکەخانمانێ کدومسمایی

Mushroom/mʌʃrəʊm/ کارگر قارچ

Olive/ɒliv زەیتون زیتون

onion/ʌnjən/ پیاز پیاز

Parsley/pa:sli/ جافری جعفری

Pea/pi:/ نۆک‌نوەیە نخود

Potato/pəteitəʊ/ سیب‌زمینی

Radish/rædiʃ/ تورەسوور تربچه

Spearmint/spiərmint/ نانا نعناع

Spinach/spinidʒ/ اسفناج

SplitPeas/splitpi:s/ لەپە لپه

Tarragon/tærəgən/ تەرخون ترخون

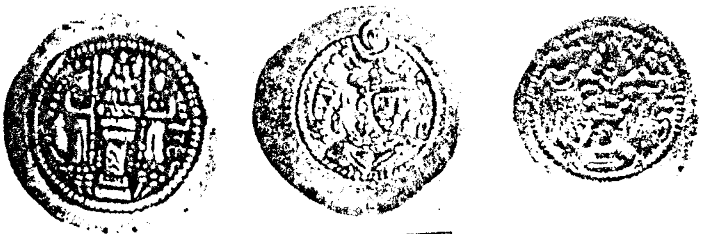
Tomato/təmeitəʊ/ تەماتە گوجەفرنگی

Wheat/wi:t/ گەنم‌گەنمە گندم

نوشیدنیها (drinks)
نوشانه‌کان-نوشانێ

آب میوه	ئاومیوە	**Juice**/dʒu:s/
شیر	شۆت	**Milk**/milk/
نوشابه		**SoftDrink**/sɒftdriŋk/
چای	چایی-چا	**Tea**/ti:/
آب	ئاو-ئاوی-ئەو	**Water**/wɔ:tər/
می-شراب	شەروا	**Wine**/wain/
نوشابه‌الکلی		**alcoholik drink**
آبجوخوری-آبخوری	ئاوخۆری	**mug**/mʌg/

شیرموز		**Banana with Milk**
شیرکاکائو		**Chocolate Coffee** /tʃɒklətkɒfi/
دوغ	دۆ	**ChurnedSourMilk**
قهوه	قاوە	**Coffee(BlackCoffee)**
کافه‌گلاسه قهوه		**Coffee Shake** /kɒfiʃəik/
آبخوردن	ئاوخواردن	**Drinking Water**



بلاش ٤٨٤ - م

میوه‌ها (fruits)
مێوه‌کان -- مێوێ

پرتقال	پرتەقاڵ	**Orange**/ɔ:rindʒ/
هلو	هەشتالوۆـقۆخ	**Peach**/pi:tʃ/
گلابی	هەرمێـهەمرۆ	**Pear**/peər/
خرمالو		**Persimon**/pəsimən/
آناناس		**Pineapple**/painæpl/
پسته	وەنی	**Pistachio**/pista:tʃiəʊ/
آلو	هەڵو	**Plum**/plʌm/
انار	هەنار	**Pomegranate**/pɒmigrænit/
آلبالو		**SourCherry**/saʊərtʃeri/
لیموترش	لیمۆترش	**SourLemon**/saʊərlemen/
توت‌فرنگی		**Strawberry**/strɔ:beri/
لیموشیرین		**SweetLemon** /swi:tlemen/
نارنگی		**Tangerine**/tændʒəri:n/
گردو	گوێزـوەزی	**Walnut**/wɔ:lnʌt/
هندوانه	شامیـهەنی	**WaterMelon** /wɔ:tərmelən/
درخت‌به-به	بەیەبەی	**quince**/kwins/
تمشک	دوودلقی	**raspberry**/ra:zbri/
بادام	وامیـبادامی	**Almond**/a:mənd/
سیب	سێوـساوی	**Apple**/æpl/
زردآلو	شێلانه	**Apricot**/eiprikɒt/
موز	مەوز	**Banana**/bəna:nə/
شاتوت		**BlackBerry**/blækberi/
توت‌سیاه	سوورەتفیـتووەسوورە	
طالبی	کالەک	**Cantaloupek**/kæntəlu:p/
گیلاس	گێلاس	**Cherry**/tʃeri/
نارگیل		**Coconut**/kəʊkənʌt/
خیار	خەیار	**Cucumber**/kju:kʌmbər/
خرما	خورما	**Date**/deit/
انجیر	هەنجیر	**Fig**/fig/
انگور	ترێـهاڵێ	**Grape**/greip/
گریپ‌فروت		**Grapefruit** /greipfru:t/
گوجه‌سبز آلوچه	هەڵۆچه	**Greengage** /gri:ngeidʒ/
لیمو	لیمۆ	**Lemon**/lemen/
خربزه	خەربزه	**Melon**/melən/
توت‌سفید	توو	**Mulberry**/mʌlberi/
شلیل		**Nectarine**/nektərin/

Antonyms – متضادها
کەلیمێ زدویوی – کەلیماتی دژبەیەک

above≠below	بان‌سەر	بالا
Accept≠refuse	قەبووڵ	قبول‌کردن
agreeÖoppose,		موافق‌بودن
disagree	مایل‌بیەی	
Borrow≠lend	قەرزگرتن	قرض‌گرفتن
above≠below	بان‌وخوار	بالا
afew/little≠alotof		تعداد/مقدارکمی
arrival≠departure	هاتن	ورود
artificial≠natural		مصنوعی
at first≠at last	لەپێش	درابتدا
back≠front		پشت،عقب‌پەشتی
bad≠good	خراو	بد
begin≠finish	دەس‌پێکردن	آغازکردن
begin≠finish		شروع‌کردن
behind≠in front of	پشت	پشت
best≠worst		بهترین
better≠worse	چاکتر‌ـباش‌تر	بهتر
bright≠dark	ڕۆشنا‌ـبریقە	روشن
carefully≠carelessly		بادقت
careful≠careless	ڕێک	دقیق
cheap≠expensive	هەرزان	ارزان
complete≠incomplete	تەممام	کامل
conceal≠reveal		پوشاندن،
	شاردنەوە	مخفی‌کردن
cool≠warm	ساردوسەرد	سرد
countable≠uncountable		قابل‌شمارش
deny≠confess,admit		انکارکردن
dependent≠independent		وابسته
dirty≠clean	پیس‌وپۆخڵە	کثیف
display≠hide	دەرخستن	نشان‌دادن
down≠up	وار‌ـخوار	پایین
dry≠wet	وشک‌وبرنگ	خشک
east≠west	خورهەڵات	شرق
easy≠difficult	سووک	آسان
empty≠full	هاڵی‌وخواڵا	خالی
everything≠nothing		همەچیز
far≠near	دوور‌ـنزیک	دور
fat≠thin	چاخ‌ولەڕولاواز	چاق

forget≠remember فراموش‌کردن

fortunate≠unfortunate خوشبخت

friend≠enemy دوست دۆس

get on≠get off سوارشدن‌سواربون

happy≠sad,unhappy خوشحال

hard≠easily بەسختی بەمەینەت

hard≠easy سخت سەخت

heavy≠light سنگین قورس

ill≠well.healthy بیمار ناوەش

increase≠decrease افزایش‌دادن

Keepon≠stop ادامه‌دادن پەرەپێدان

large≠small بزرگ گەورە

late≠early دیر دێر

local≠universal محلی وێمانە

many≠few زیاد(قابل‌شمارش) زۆرـفرە

man≠woman مرد پیاپیاو

massy≠light توپر-سنگین قورس

mellee≠repose زدوخورد ئاژاوە

more≠less بیشتر فرەتەرـزۆرتر

most≠least بیشترین فرەترین

much≠little زیاد(غیرقابل‌شمارش) فرە

night≠day شب شەوەـشەو

obey≠disobey اطاعت‌کردن قەبوڵ

old≠new قدیمی،کهنه کۆنە

outside≠inside بیرون بەرـدەر

over≠under بالای،فوق لەڕووی

patient≠impatient صبور باسەبر

poor≠rich فقیر داماگ‌وهەژار

possible≠impossible ممکن

put on≠take off پوشیدن(لباس)لەبەرکردن

quiet≠busy آرام،ساکت خامۆش

rapidly≠slowly بەسرعت بەتیژی

raw≠cooked خام-سبزوکال کاڵ

regular≠irregular باقاعده ڕێک

right≠wrong درست دروست

throes≠safe دردزایمان برینان

sell≠buy فروختن فرۆشتن‌ـوەرتەی

shine≠dark درخشیدن درۆشان

short≠long,high کوتاه کوڵـکورت

sick≠well مریض،بیمار نەخۆش،ناوەش

slowly≠fast,quickly باآهستگی

slow≠fast,rapid آهسته،کند ئارام

small≠big کوچک چکۆلەـوردی

smart≠stupid زرنگ،ناقلا ژیر

useful≠harmful,useless		مفيد
usual≠unusual	وەکجاران	عادی
war≠peace	جەنگ	جنگ
white≠black	سپی ـ چەرمگ	سفيد
wide≠narrow	پان و برين	پهن
wife≠husband	کەيوانو	همسر(زن)
wild≠domestic	کێوی،دڕ	وحشی
wise≠mad	ژيرـگەوج	عاقل
with≠without	لەگەڵ،چەنی	با
young≠old	لاو ـ جووان	جوان
yaray≠niaray		توان ـ يارای

دەرەقەتئامەی

south≠north	لای خوار ـ وار	جنوب
spiritual≠material		معنوی،روحی
start≠end,conclude		شروع کردن
strong≠weak	بەهێز ـ گوربز	قوی
summer≠winter	هاوين	تابستان
sunrise≠sunset	وەرکەوت	طلوع آفتاب
take off≠land		بلند شدن هواپيما
take offÖwear	دەرهاوردن	درآوردن
tall≠short	بەرز ـ هەوراز	بلند
thick≠thin	قايم ـ ئەستور	ضخيم،کلفت
takeapart≠puttogether		جداکردن
true≠false	دروست	صحيح
ugly≠beautiful	بێفەڕ	زشت

مترادفها - Synonyms
کەلیمیٚ هام لفیٚ - وشەکانی وەک یەک

abandon=leave لوای ترک‌کردن
accept=agree قبول‌کردن پەزیران
add=increase جمع‌کردن کۆکردن
alone=lonely تنها تەنیا
annoy=distress آزردن تۆراندن پریشان‌کردن ڕەنجاندن
assist=help کمک‌کردن یاری‌دان
at last=finally سرانجام ئاقی‌بەت
autumn=fall پاییز
be able to=can توانستن تویٚنین
beg=ask خواستن لیٚخوازتن
begin=start شروع‌کردن دەس‌پیٚکردن
belief=idea,opinion عقیدە-نەزەر
blank=empty خالی هاڵی
call on=meet ملاقات‌کردن عیادەت
callup=telephone,ring تلفن‌کردن
choose=pick انتخاب‌کردن جیاکردن
chop=cut بریدن بڕین
confused=mixedup گیج-آشفته

consume=eat مصرف‌کردن، خوردن خواردن-واردەی
continue=go on ادامەدادن پەردەدان
cut=slice بریدن بڕین-بڕیەی
dedicate=devote اختصاص‌دادن، وقف‌کردن بەپیٚدان
desire=wish آرزوکردن ئاوات‌خوازتن
dirty=untidy کثیف ناپاک-پیس
dispute=battle نزاع،جدال هەراهەرا
each=every هر هەر
enough=sufficient کافی بەس
enthusiastically=eagerly بااشتیاق بەزەوق
experiment=experience = tryon آزمایش تاقی‌کردنەوە
extinguish=put cut خاموش‌کردن‌کوژاندن
far=distant دور دووورودریٚژ
fascinating=interesting جذاب، جالب دڵڕفیٚن

nice=beautiful,pretty قشنگ،زیبا
occassian=opportunity فرصت
pour=spill ریختن داکردن-ڕژاندن
put off=postpone بەتعویق انداختن
put on=haveon پوشیدن لەبەرکردن
put on=wear پوشیدن وەرکەردەی
puzzled=confused گیج وڕ
reject=refuse رد کردن دوادان
remote=far away دور،پرت-دوور
reply=answer, response پاسخ‌دادن جوابدان
reward=prize جایزه خەلات
safe-healthy,well سالم،خوب باش
say=tell گفتن واتەی-وتن
secret=mystery راز ڕازی
shine=glow درخشیدن دروشیای
sick=ill بیمار نەخۆش-ناکۆک
soiled=dirty خاکی،کثیف خۆلی
telephon=callup تلفن‌زدن تلفوندان
tiny=verysmall خیلی‌کوچک بچوک
tobake=Tocook پختن لێنان
travel=trip=jonrney سفر سەفەر

fast=quick سریع توندوتیژ
fat=notthin چاق قەڵەو
fill in=fillout کامل‌کردن پڕکردن
finish=end,runoutof تمام‌کردن
finish=runout of تمام‌کردن دواهاتن
fromtimetotime= occasionally گاهگاهی بڕێجار بازێ‌وەخت
glad=happy شادخوشحال مەسرور
gloomy=dim دلتنگ،تاریک،تیره،لێڵ
gradually=littlebylittle بتدریج
hard=difficult سخت ڕەق
immediately=atonce= straightaway فوراً جابەجا
information=data اطلاعات خەبەران
intend=attemp,try قصد/کوشش کردن هەوڵدان
large=big=enormous بزرگ‌گەوره
lookafter=takecareof مواظبت کردن‌از هۆشیاری‌کردن‌له
marvelous=wonderful عالی‌چاک
maybe=perhaps شاید گەهاز

trouble=bother زحمت‌دادن-زەحمەت‌پی‌ێدان

true=correct درست ڕاست

vacant=unoccupied, empty خالی-هاڵی

value=worth ارزش قیمەت

wear=dressin پوشیدن-لەبەرکردن

whole=all همه گشت-گردوگرد

wrong=notright غلط نادروس



شاپور سوم



بهرام پنجم



ونن اول:





۶۳۱-۶۳۲

آذر میدخت

Irregular Verbs – افعال بی قاعده
فێعلێ بێ نەزمێ - فەرمانە ناجۆرەکان

مصدر	زمان حال	زمان گذشته	قسمت سوم فعل
arise/əraɪz/	برخاستن-هۆرزای-هەڵسان	arose	arisen
awake/əweɪk/	بیدار شدن/کردن-داچڵەکان	awoke	awaked,awoken
be/bɪ/	بودن- بیەی - بوون	was-were	been
bear/beər/	تحمل کردن،بدنیاآوردن-زایین	bore	borne,born
beat/bi:t/	(بهم)زدن - لێدان - تەقیای	beat	beaten
become/bɪkʌm/	شدن - بون - بیەی	became	become
befall/bɪfɔ:l/	رخدادن- قۆمیای - قۆمان	befell	befallen
begin/bɪgɪn/	آغاز کردن - دەس پێکردن	began	begun
behold/bɪhəʊld/	مشاهده کردن - دیتن-دیەی	beheld	beheld
bend/bend/	خم کردن/شدن- چەمنای-چەماندن	bent	bent
beseech/bisi:tʃ/	التماس کردن-پاڕان-لاڵیای	besought	besought
beset/biset/	احاطه/عاجز کردن-دەوردان	beset	beset
bet/bet/	شرط بستن-شەرت بینای-بلێن دان	bet,betted	bet,betted
bid/bid/	گفتن،فرمودن-وتن-واتەی	bade,bid	bidden,bid
bind/baind/	بستن - بینای - بەستن	bound	bound
bite/bait/	گاز گرفتن-قەپ گرتەی-گاز گرتن	bit	bitten,bit
bleed/bli:d/	خون آمدن-ون ئامەی-خوێن هاتن	bled	bled
bless/bles/	دعا/تقدیس کردن - دوعا کردن	blessed, blest	blessed, blest

blow/bləʊ/	وزیدن،ضربه‌زدن-وائامه‌ی-باهاتن	blew	blown
break/breik/	شکستن-میڕیای-شکیان	broke	broken
breed/bri:d/	پرورش دادن - به‌خێوکردن	bred	bred
bring/briŋ/	آوردن - ئه‌ورده‌ی - هاوردن	brought	brought
broadcast/brɔ:dkast/	پخش‌کردن(ازرادیو)-بڵاوکردن	broadcast(ed)	broadcast(ed)
build/bild/	ساختن-دروست‌کردن-سازای	built	built
burn/bɜ:n/	سوختن،سوزاندن-سۆچنای	burnt,burned	burnt,burned
burst/bɜ:rst/	ترکاندن، ترکیدن-تره‌کاندن	burst	burst
buy/bai/	خریدن-کڕین-سه‌ندن-ئه‌سه‌ی	bought	bought
cast/ka:st/	انداختن-خستن -وسه‌ی	cast	cast
catch/kætʃ/	گرفتن-گرتن - گرته‌ی	caught	caught
choose/tʃu:z/	انتخاب کردن-هه‌ڵبژاردن	chose	chosen
cling/kliŋ/	چسبیدن-لکین-لکای	clung	clung
clothe/kləʊð/	پوشاندن-داپۆشنن،پۆژنای	clothed,clad	clothed,clad
come/kʌm/	آمدن-ئامه‌ی - هاتن	came	come
cost/kɒst/	ارزیدن-ئێژای-ئه‌ژان	cost	cost
cut/kʌt/	بریدن-بڕین-بڕیه‌ی	cut	cut
deal/di:l/	معامله کردن-مامۆڵه‌کردن	dealt	dealt
dig	کندن،حفرکردن-که‌ندن-که‌نه‌ی	dug	dug
do/du:/	انجام‌دادن-کردن،که‌رده‌ی	did	done
draw/drɔ:/	کشیدن،رسم‌کردن-کێشان	drew	drawn

dream/dri:m/	خواب دیدن-خەودین-وەرمدیەی	dreamt,dreamed	dreamt,dreamed
drink/driŋk/	نوشیدن-نۆشای-خواردن	drunk	drunk
drive/draiv/	راندن-بەڕێوەبردن،ڕانەبەردەی	drove	driven
dwell/dwel/	مبارزەکردن-خەباتکردن،زدمدرای	dwelt	dwelt
eat/i:t/	خوردن-واردەی-خواردن	ate	eaten
fall/fɔ:l/	افتادن-خوارکەوتن-کەوتەی	fell	fallen
feed/fi:d/	غذا دادن-نان دان	fed	fed
feel/fi:l/	احساس کردن-هەست کردن	felt	felt
fight/fait/	جنگیدن-جەنگین-جەنگیای	fought	fought
find/faind/	یافتن، دریافتن-فامین-زانای	found	found
flee/fli:/	فرارکردن،گریختن-ڕاکردن-ڕەمای	fled	fled
fly/flai	پروازکردن-فڕین-باڵی گرتەی	flew	flown
forbid/fəbid/	ممنوع/قدغن کردن-بەرگری کردن	forbade,forbad	forbidden
forget/fəget/	فراموش کردن-لەبیرچوونویرشیەی	forgot	forgotten
forgive/fəgiv/	بخشیدن-بە خشای،بەخشین	forgave	forgiven
freeze/fri:z/	یخ بستن/زدن-ڕچیای-ڕچان	froze	frozen
get/get/	بدست آوردن-گرتن-یاوای	got	got,gotten
give/giv/	دادن-دان-دای	gave	given
go/gəʊ/	رفتن-لوای-ڕۆین	went	gone
grind/graind/	کوبیدن-ساییدن-کوتان-کوای	ground	ground
grow/grəʊ/	رشد کردن-خێزیای-ڕوان	grew	grown

hang/hæŋ/	آویزان کردن، آویختن-ئالۆچنای	hung,hanged	hung,hanged
have/hæv/	داشتن-هه بون -وارده‌ی	had	had
hear/hiər/	شنیدن-بیستن -ئه‌ژنه‌ویه‌ی	heard	heard
hide/haid/	پنهان‌کردن-شارده‌ی،قاییم‌کردن	hid	hidden
hit/hit/	زدن-برخوردکردن-لێدان‌پۆره‌مالای	hit	hit
hold/həʊld/	نگاه‌داشتن-گرته‌ی-گرتن	held	held
hurt/hɜ:t/	صدمه‌زدن-له‌ته‌دان،زه‌ره‌ردای	hurt	hurt
keep/ki:p/	نگهداری کردن -چاوداری کردن	kept	kept
kneel/ni:l/	زانوزدن-ئه‌ژنودان،چۆکدای	knelt	knelt
know/nəʊ/	دانستن،شناختن -شناسین	knew	known
lay/lei/	خواباندن،قراردادن -ئه‌ره‌نیای	laid	laid
lead/li:d/	هدایت کردن -ڕابه‌ری کردن	led	led
lean/li:n/	تکیه‌دادن-پالۆدای،پالکه‌وتن	leant.leaned	leant.leaned
learn/lɜ:n/	یادگرفتن-فێربون،فێربیه‌ی	learnt.learned	learnt.learned
leave/li:v/	ترک کردن -لوای -ڕۆین	left	left
lend/lend/	قرض‌دادن -قه‌رزدان،وام‌دان	lent	lent
let/let/	اجازه دادن -ئیزن‌وه‌رگرتن	let	let
lie/lai/	درازکشیدن-دروغ‌گفتن -لائاسای	lay	lain
light/lait/	روشن کردن -ڕۆشن کردن	lit,lighted	lit,lighted
lose/lu:z/	گم‌کردن-باختن..گم کردن	lost	lost
make/meik/	ساختن -سازین،وه‌شکه‌رده‌ی	made	made

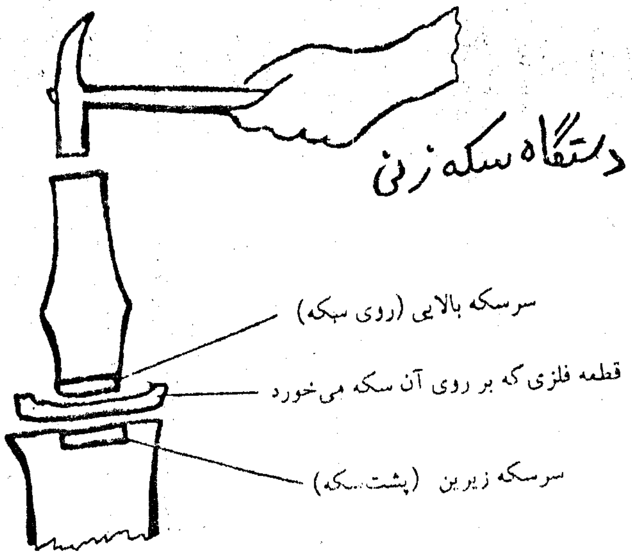
melt/melt/	ذوب کردن ـ تاونای ـ تاواندن	melted	melted
mistake/misteik/	اشتباه کردن ـ هەڵەچون	mistook	mistaken
misunderstand	سوء تفاهم شدن ـ خەفتکردن	misunderstood	misunderstood
overcome/əʊvəkʌm	غلبەکردن ـ داگیرکردن ـ مارّای	overcame	overcome
pay/pei/	پرداختن ـ دان بە ـ پەیدای	paid	paid
put/put/	گذاشتن ـ نیای ـ دانیان	put	put
read/ri:d/	خواندن ـ خوێندن ـ وەنەی	read/red/	read/red/
rebuild/ri:bild/	بازساختن ـ لەنوێسازین	rebuilt	rebuilt
rid/rid/	خلاص‌کردن ـ آزادکردن ـ بە ردان	rid,ridded	rid,ridded
ride/raid/	سواری کردن ـ راندن ـ غارکردن	rode	ridden
ring/riŋ/	زنگ/تلفن‌زدن ـ زەنگدای ـ دان	rang	rung
rise/raiz/	طلوع‌کردن ـ برخاستن ـ هەڵسان	rose	risen
run/rʌn/	دویدن ـ ڕەمای ـ ڕاکردن	ran	run
saw/sɔ:/	ارّه کردن ـ مشاردای ـ هەرەدان	sawed	sawn,sawed
say/sei/	گفتن ـ واتەی ـ گوتن ـ وتن	said	said
see/si:/	دیدن ـ دیتن ـ بینای، بی‌نین	saw	seen
seek/si:k/	جستجوکردن ـ پەیگێڵای، بۆگەڕان	sought	sought
sell/sel/	فروختن ـ فرۆشتن ـ ورەتەی	sold	sold
send/send/	فرستادن ـ کیانای ـ ناردن	sent	sent
set/set/	قراردادن ـ چیدن ـ چنیەی ـ چنین	set	set
sew/səʊ/	دوختن ـ دروین ـ وراسەی	sewed	sewn,sewed

shake/ʃəik/	تکان‌دادن ـ ئەڕەشەکنای،لەقاندن	shook	shaken
shave/ʃəiv/	تراشیدن ـ تاشین ـ تاشای	shaved	shaved,shaven
shine/ʃain/	درخشیدن ـ درۆشیای،درۆشیان	shone	shone
shoe/ʃu:/	کفش پوشیدن ـ لەپێ کردن	shod	shod
shoot/ʃu:t/	تیراندازی‌کردن ـ تیرشەنەی	shot	shot
show/ʃəʊ/	نشان دادن ـ نیشان‌دان‌بە	showed	shown,showed
shut/ʃʌt/	بستن ـ بە ستن ـ بینای	shut	shut
sing/siŋ/	آواز خواندن ـ گۆرانی وتن	sang	sung
sink/siŋk/	فرورفتن،غرق‌شدن ـ خنیکیای	sank	sunk,sunken
sit/sit/	نشستن ـ دانیشتن ـ نیشتەی	sat	sat
sleep/sli:p/	خوابیدن ـ وتەی ـ نوستن	slept	slept
slide/sli:d/	سریدن،سُرخوردن ـ خزای ـ خزیان	slid	slid
smell/smel/	بوییدن ـ بۆکردن،رکەردەی	smelt,smelled	smelled
speak/spi:k/	صحبت کردن ـ قسە کردن	spoke	spoken
speed/spi:d/	بەسرعت‌رفتن ـ بەتندچون،فرتە	sped,speeded	sped,speeded
spell/spel/	هجی‌کردن ـ جیا کەردەی/کردن	spelt,spelled	spelt,spelled
spend/spend/	صرف‌کردن‌وقت،گذراندن ـ ڕابواردن	spent	spent
split/split/	شکافتن ـ هۆردڕیەی ـ دڕین	split	split
spoil/spɔil/	فاسد کردن/شدن ـ گەنای ـ گەنین	spoilt,spoiled	spoilt,spoiled
spread/spred/	گستردن ـ پهن‌کردن ـ داخستن	spread	spread
spring/spriŋ/	جهیدن،پریدن ـ ئونین ـ پڕای	sprang	sprung

stand/stænd/	ایستادن ـ مندرای ـ ویسان	stood	stood
steal/sti:l/	دزدیدن ـ دزین ـ دزیەی	stole	stolen
stick/stik/	چسبیدن ـ لکنای ـ چە سپاندن	stuck	stuck
sting/stiŋ/	نیش زدن ـ گەسەی ـ گەزین	stung	stung
strike/straik/	ضربت زدن ـ لیدان ـ یوّدای	struck	struck,stricken
swear/sweər/	سوگند خوردن ـ سویّن خواردن	swore	sworn
sweep/swi:p/	جاروکردن ـ گزگ دان/دای	swept	swept
swim/swim/	شنا کردن ـ مەلەکردن	swam	swum
swing/swiŋ/	تاب خوردن ـ دیلەکانی کەردەی	swung	swung
take/teik/	بردن، برداشتن ـ بردن ـ هەلگرتن	took	taken
teach/ti:-tʃ/	درس دادن ـ فیّرکردن ـ تالیمدای	taught	taught
tear/teər/	پاره کردن ـ درّاندن ـ درّیەی	tore	torn
tell/tel	گفتن ـ واتەی ـ وتن	told	told
think/θiŋk/	فکر کردن ـ بیروّ کردن	thought	thought
throw/θrəʊ/	پرتاب کردن ـ تووّردان ـ دای	threw	thrown
thrust/θrʌst/	فروکردن ـ چپاندن ـ دلی کەردەی	thrust	thrust
trust/trʌst/	توکل - اطمینان ـ ئیمان بون بە	trust	trust
undergo/ʌndərgəʊ/	تحمل کردن ـ تاقەت بردن، سەبر	underwent	undergone
understand/ʌndəstænd/	فهمیدن، درک کردن، فامین	understood	understood
undertake/ʌndərteik/	متعهد شدن ـ قول دادن، مەرج	undertook	undertaken
upset/ʌpset/	ناراحت شدن ـ تیّک چون	upset	upset

wake/weik/	بیدار شدن ـ خەوەروٚبیەی	woke,waked	woken,waked
wear/weər/	پوشیدن‌ـوەرکەردەی،بەرکردن	wore	worn
weave/wi:v/	بافتن ـ وادای ـ بادان	wove	woven
weep/wi:p/	گریستن‌ـگرەوای ـ گریان	wept	wept
win/wɪn/	برنده شدن ـ سەرکەوتن	won/wʌn/	won
wind/wɪnd/	پیچاندن‌ـکوک‌کردن‌ـکوٚک کردن	wound/wu:nd/	wound
withdraw/wɪðdrɔ:/	پس گرفتن ـ ئەوەسانای	withdrew	withdrawn
	لیٚستاندن	/wɪðdru:/	/wɪðdrɔ:n/
write/raɪt/	نوشتن ـ نوسین ـ نویسەی	wrote/rəʊt/	written/rɪtn/

قالبهای ضرب سکه



Supplementary vocabulary
تدارک لغت

Some occupations (بعضی شغل‌ها)

accountant	حسابدار-حیسابگەر	editor	مدیرروزنامه-سردبیر
actor,actress	هنرپیشه(مرد-زن)	electrician	برق کار- بەرق‌کار
architect	معمار-نەخشەکێش	engineer	مهندس
artist	اهل‌هنر=هنرپیشه-هونەرمەند	factory worker	کارگرکارخانه
barber	آرایشگر-ڕازێنەر	farmer	کشاورز-وەرزیەر
beautician	زیباشناس-جوانی‌ناس	fisherman	ماهی‌گیر-ماسی‌گر
biologist	زیست‌شناس-حەیات‌ناس	firefighter,fireman	آتش‌نشان-ئاگرکوژێن
bookkeeper	دفتردار-دەفتەردار	flight attendant	خدمتکارپرواز
busboy	شاگردراننده-شاگردشفور	flight attendant	خدمتکارپرواز
bus driver	رانندەاتوبوس-شفور	(steward,stewardess)	پیشخدمت(مرد-زن)
carpenter	نجار-چێوتاش		خزمەتکاری‌پیاو-ژن
clerk	دبیر-منشی-دەبیر-ئاموژگەر	florist	گل‌فروش-گوڵفرۆش
counselor	رأی‌زن-مۆچیاری‌کەر	grocer	بقال-عطار-چت‌فرۆش
computer	برنامەریزکامپیوتر	housekeeper	زن‌خانەدار-کەیوانو
programmer	ڕێخەری کامپیوتر	illustrator	توضیح‌دە-نیشان‌دەر
cook	آشپز-چێشت‌ساز	janitor	سرایدار-هەروەنە
dentist	دندانپزشک-ددان‌ساز	journalist	روزنامەنگار-ڕۆژنامەنویس
designer	طرّاح-نەخشەزان	technician	تکنیسین آزمایشگاه
doctor	دکتر-دوکتۆر-دوگدر	laboratory	تکنیسین - فەنزان
doorman	دربان-نگهبان-دەروان		

sailor ملوان-مەلەزان
salesperson(salesman, saleswoman) فروشنده (مرد-زن)
sanitation worker کارمندبهداشت
secretary وزیر-دبیر-وەزیر
security guard ضامن‌سلامت
singer خواننده-گۆرانی‌واچ
taxi driver رانندەتاکسی
teacher آموزگار،فێرکەری‌علم
telephone operator گردانندەتلفن
teller تحویلداربانک
truck driver رانندەکامیون
typist ماشین‌نویس-ماشین‌نوس
waiter,waitress پیشخدمت(مرد-زن)
writer نویسنده-نوسەر
veterinarian بیطاری‌یادامپزشکی

lawyer وکیل-وەکیل
letter carrier نامەبر-نامەدەر
mechanic مکانیک-کارزانی‌ماشین
nurse پرستار-دایان
office worker خانەکارگر
painter نقاش
park ranger گشتی‌پارک-گزیری‌پارک
pharmacist داروفروش-دەوافرۆش
photographer عکاس-وێنەگیر
pilot خلبان-هەواگەرد
plumber لولەکش-لوولەکەش
professor پرفسور
police officer افسرپلیس
(policeman, پلیس‌مرد-پیاوی‌پولیس
policewoman) پلیس‌زن-ژنەپولیس
research assistant دستیارتحقیق،یارلێکۆڵ

Some family members (بعضی شاخه‌های خانواده)

M		F			
grandfather	پدربزرگ-باوا	grandmother	مادربزرگ	grandparents	جد-جدّە
father	پدر-باب-بابە-تاتە	mother	مادر-دایک-ئەدا	parents	والدین-ساحیب
son	پسر-کوڕ-مناڵ	daughter	دختر-کناچێ-کچ	children	بچە-زەوڕۆ
son	پسر-کوڕ	daughter	دختر-کچ	children	بچە-مناڵ
grandson	نوەپسری-کوڕزا	granddaughter	نوەدختری	grandchildren	نوە
brother	برادر-برا	sister	خواهر-خوشک-واڵێ		مناڵی مناڵ
husband	شوهر-شوو	wife	همسر-هامدەم	son	فرزند-مناڵ-کورپە

M		F	
uncle	عمو-دایی-خاڵو-ماموٚ-مام-لالوٚ	aunt	عمە-خالە-پور-مەتیە-دێدێ
nephew	پسرخواهر-برادر-برازا	niece	دختربرادر-خواهر-خوشکەزا-واڵەزا
cousin	عموزادە-ئاموٚزا-ماموٚزا	cousin	خالەزادە-پورزا-مەتیەزا
father-in-law	پدرشوهر-پدرزن-هەسورە	mother-in-law	مادر(زن-شوهر)-خەسو
brother-in-law	برادرزن-باجناغ-هاوزاوا	sister-in-law	خواهر(زن-شوهر)-واڵێ‌شوی
son-in-law	داماد-زەما-زاوا	daughter-in-law	عروس-بووک-وەیوە

Some languages (بعضی زبان‌ها)

Albanian	ئالبانیایی	آلبانیایی
Arabic	ئەرەبی	عربی
Chinese	چینی	چینی
Czech	چەکی	چکسلواکی
Danish	دانمارکی	دانمارکی
Dutch	هولەندی	هلندی
English	ئینگلیسی	انگلیسی
Farsi	فارسی	فارسی
Finnish	فلاندی	فنلاندی
French Creole	فرانسی	فرانسوی
German	ئاڵمانی	آلمانی
Greek	یۆنانی	یونانی
Hebrew	موسایی	عبری یهودی
Hindi	هیندی	هندی
Hungarian	مەجاری	مجارستانی
Italian	ئیتالیایی	ایتالیایی
Japanese	ژاپونی	ژاپنی

Kurdish/Awramian -suranian-krmanji/	کُردی(اورامی- سۆرانی-کرمانجی)/	
Korean	کورەیی	کُرەای
Norwegian	نروژی	نروژی
Pashto	پەشتویی	پشتو
Polish	لێستانی	لهستانی
Portuguese	پڕتەقاڵی	پرتغالی
Romanian	ڕۆمانیایی	رومانیایی
Russian	ڕووسی	روسی
Serbo-Croatian	سُربی-کرۆواسی	
Spanish	ئسپانیایی	اسپانیایی
Swahili	سواهیلی	سواحیلی
Swedish	سوێدی	سوئدی
Thai	تایلندی	تایلندی
Turkish	تورکی	ترکی
Urdu	ئوردو	اردو
vietnamese	ویتنامی	ویتنامی

Some countries

بعضی کشورها

Algeria	ئەلجزایر	الجزایر
Argentina	ئارژانتین	آرژانتین
Afghanistan	ئەفغانسان	افغانستان
Australia	ئوسترالیا	استرالیا
Bolivia	بۆلیەوی	بولیوی
Brazil	برزیل	برزیل
Canada	کانەدا	کانادا
Chile	شیلی	شیلی
China	چین	چین
Colombia	کولومبیا	کلمبیا
Denmarh	دانیمارک	دانمارک
Ecuador	ئکوادر	اکوادر
Egypt	میسر	مصر
England	ئی‌نگلیس	انگلستان
Finland	فنلاند	فنلاند
France	فەرانسە	فرانسه
Germany	ئاڵمان	آلمان
Great Britain	بریتانیای‌کبیر	
Ghana	غەنا	غنا
Greece	یۆنان	یونان

Some nationalities

بعضی ملیت‌ها

Algerian	ئەلجەزایری	الجزایری
Argentine	ئارژانتینی	آرژانتینی
Afghan	ئەفغانی	افغانی
Australian	ئوسترالیایی	استرالیایی
Bolivian	بولیەویایی	بولیوایایی
Brazilian	برزیلی	برزیلی
Canadian	کانەدایی	کانادایی
Chilean	شیلیایی	شیلیایی
Chinese	چینی	چینی
Colombian	کولومبیایی	کلمبیایی
Danish	دانمارکی	دانمارکی
Ecuadorian	ئەکوادری	اکوادُری
Egyptian	میسری	مصری
English	ئنگلیزی	انگلیسی
Irish	ئیرلەندی	ایرلندی
French	فەرانسەوی	فرانسوی
German	ئاڵمانی	آلمانی
british	بریتانیایی	بریتانیایی
Ghanaian,Ghanian		غنایی
Greek	یۆنانی	یونانی

Dutch	هوله‌ندی	هلندی
Hungarian	مه‌جاری	مجاری
Indian	هندی	هندی
Indonesian	ئندونزیایی	اندونزیایی
Iranian	ئێرانی	ایرانی
Iraqi	عێراقی	عراقی
Irish	ئیرله‌ندی	ایرلندی
Israeli	موسایی	اسراییلی
Italian	ئیتالیایی	ایتالیایی
Japanese	ژاپۆنی	ژاپنی
Jordanian	ئوردونی	اردنی
Kampuchean	کامبوجی	کامبوجی
Kurdish	کوردی	کردی
Kurean	کوره‌یی	کره‌ای
Laotian	لائۆسی	لائوسی
Lebanese	لوبنانی	لبنانی
Mexican	مکزیکی	مکزیکی
Moroccan	مورۆکۆیی	موروکویی
Norwegian	نروژی	نروژی
Pakistani	پاکستانی	پاکستانی
Peruvian	پروێی	پرویی
Panamanian	پانامایی	پازامایی

Holland	هوله‌ند	هلند
Hungary	مه‌جارستان	مجارستان
India	هند	هند
Indonesia	ئندونزی	اندونزی
Iran	ئێران	ایران
Iraq	عێراق	عراق
Ireland	ئیرله‌ند	ایرلند
Israel	ئیسراییل	اسرائیل
Italy	ئیتالیا	ایتالیا
Japan	ژاپۆن	ژاپن
Jordan	ئوردون	اُردن
Kampuchea	کامبوج	کامبوج
Kurdestan	کوردسان	کردستان
Korea	کوره	کُره
Laos	لائۆس	لائوس
Lebanon	لوبنان	لبنان
Mexico	مکزیک	مکزیک
Morocco	مورکۆ	موروکو
Norway	نروژ	نروژ
Pakistan	پاکستان	پاکستان
Peru	پرو	پرو
Panama	پاناما	پاذاما

Poland	لیّستان	لهستان	Polish	لیّستانی	لهستانی
Portugal	پرّتەقاڵ	پرتغال	Portuguese	پرّتەقاڵی	پرتقالی
Saudi Arabia	ئارەبسان	عربستان	Saudi	سئودی	صعودی
Spain	ئسپانیا	اسپانیا	Spanish	ئسپانیایی	اسپانیایی
Sweden	سویّد	سوئد	Swedish	سویّدی	سوئدی
Switzerland	سویس	سویس	Swiss	سویسی	سویسی
Syria	سوریه	سوریه	Syrian	سوری	سوریەای
Thailand	تایلند	تایلند	Thai	تایلەندی	تایلندی
TheDominican Republic	جمهوریدومینیکن		Dominican	دومینیکەنی دومینیکن	
Netherlands	هولەند	هلند	Dutch	هولەندی	هلندی
The Philippines	فلیپین	فلیپین	Filipino	فلیپینی	فلیپینی
The Soviet Union	کۆماری لیّگرتویرّوس	فدراتیوروسیه	Soviet	رّووسی	روسی
Tunisia	تونس	تونس	Tunisian	تونسی	تونسی
Turkey	تورکیه	ترکیه	Turkish	ترکی	ترکی
Venezuela	ونزوئلا	ونزوئلا	Venezuelan	ونزولایی	ونزوئلایی
Vietnam	ویتنام	ویتنام	Vietnamese	ویتنامی	ویتنامی
			UE(unitedEurope)	یەکیەتیولآتانیئوروپا	اتحادیەاروپا

منابع فرهنگ لغت آرام

1. English through - I - A - Richards. Gibson (2002)

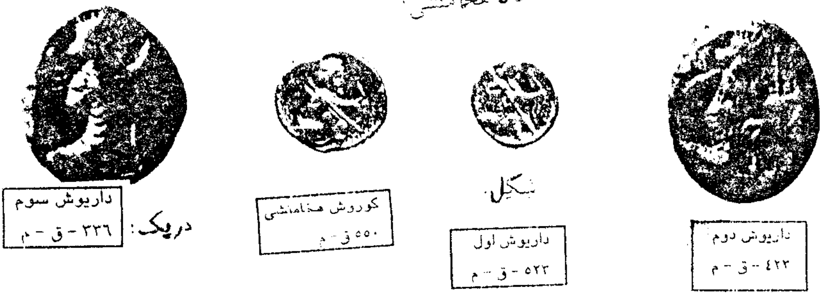
2. Brighter Grammar - Margaret Macaulay From OXFord university (2001)

3. OXFord Advanced learner's Dictionary of current English - 2001 - Hornby

4. Stern,H.2002.Issues and options in language Teaching. London OXFord university press.

5. English - persian Dictionary by Farshid E.K.-S.Mooney (2002)

سکه شاهان هخامنشی



ساه بزرگ ارشک، دوستدار یونان

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

خط یونانی